



به نام خداوند جان و خرد





# شصت سال صبوری و شکوری

خاطرات دکتر ابراهیم یزدی

جلد هفتم - دفتر اول

در مجلس شورای اسلامی - دوره اول (۱۳۵۹ - ۱۳۶۳)

و رویدادهای مهم آن دوره



## فهرست

فصل اول: نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی .....	۱۵
مقدمه .....	۱۵
الف- شرکت در انتخابات و کسب پیروزی در مرحله اول .....	۱۶
گزارش روزنامه اطلاعات از نامزدی مهندس بازرگان و دکتر یزدی .....	۱۶
تشکیل گروه همنام .....	۱۷
اطلاعیه گروه همنام .....	۱۸
درخواست نامزدی از قزوین .....	۱۸
معرفی نامزدها .....	۱۹
نامه دکتر یزدی به امام جمعه تهران .....	۱۹
دکتر یزدی: دو مرحله‌ای بودن انتخابات یک شگرد است .....	۲۰
نامه انتقادآمیز هاشمی رفسنجانی به روزنامه کیهان درباره انتشار نظر منتقدان .....	۲۲
برگزاری انتخابات .....	۲۲
حایزین اکثریت آرای حوزه انتخاباتی تهران و صدور اعتبارنامه‌ها .....	۲۳
گفتگوی روزنامه بامداد با نمایندگان برگزیده درباره مجلس آینده .....	۲۴
گزارش روزنامه کیهان از نگاه برخی از نمایندگان به انتخابات ۲۵ اسفند ۱۳۵۸ .....	۲۷
وزیر کشور: اختلال‌هایی در بعضی شهرها بود .....	۲۹
دکتر یزدی: نمی‌شود با مراکز متعدد قدرت کار کرد .....	۲۹
اظهارنظرهای مخالف و موافق در مورد برگزاری انتخابات .....	۳۱
نقطه‌نظرهای هاشمی رفسنجانی و ابراهیم یزدی درباره گروگان‌ها و ... ..	۳۳
ب- انقلاب فرهنگی .....	۳۵
طرح انقلاب آموزشی به جای انقلاب فرهنگی .....	۳۶

۳۸	پ- آغاز به کار رسمی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ...
۳۹	انتخاب اعضای کمیسیون آیین نامه و کمیسیون تحقیق
۴۱	نامه برای اصلاح آیین نامه کمیسیون تحقیق
۴۲	سوابق نمایندگان در ساواک
۴۲	پرونده های نمایندگان مجلس در سفارت آمریکا در کمیسیون تحقیق
۴۳	رویارویی های سیاسی
۴۶	اعتبارنامه شیخ اسماعیل معزی
۵۱	پرونده جالب آقای اعظمی
۵۳	درباره اعتبارنامه آقای اسدالله جوانمردی، نماینده میانه
۵۶	گزارش مخبر کمیسیون تحقیق
۵۷	انتخابات گلپایگان
۶۰	گزارش جلسه علنی مجلس در تاریخ چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۹
۶۱	تذکرات نمایندگان
۶۲	مشمول پاکسازی
۶۲	انتخاب هیئت رئیسه مجلس و اعضای کمیسیون ها
۶۳	مراسم تحلیف نمایندگان
۶۳	نمایندگان مجلس در مدرسه فیضیه قم
۶۴	نمایندگان مجلس هر نوع مذاکره و مصالحه در غرب کشور را محکوم کردند
۶۹	گزارش روزنامه اطلاعات از یک روز کاری مجلس تازه کار
۷۳	پرونده انتخاباتی گرگان و اعتبارنامه آقای محمدی
۷۴	امام [خمینی]: نمایندگان مجلس، سنگرها را رها نکنید
۷۴	رد اعتبارنامه خسرو قشقایی
۷۹	مصاحبه دکتر بهشتی درباره اعدام خسرو قشقایی
۸۰	مصاحبه اختصاصی روزنامه انقلاب اسلامی با ابوشریف
	امروز دادستان انقلاب در مورد مسئله دستگیری خسرو قشقایی با امام ملاقات
۸۲	خواهد کرد

۸۴	چگونگی دستگیری خسرو قشقایی از زبان پاسدار زخمی شده
۸۶	خبر ناپدید شدن خسرو قشقایی تکذیب شد
۸۶	آیت الله محلاتی طی تلگرامی دستگیری خسرو قشقایی را محکوم کرد
۸۷	ملاقات قشقایی با رئیس جمهور
۸۸	۲۶ نفر از خوانین قشقایی دستگیر شدند
۸۹	خسرو قشقایی به آن گونه که من دیدم
۹۱	پرونده دکتر حسن آیت و غضنفرپور
۹۳	رد اعتبارنامه تیمسار دکتر احمد مدنی
۹۳	رسیدگی به اعتبارنامه آقای تاتاری
۱۱۲	اعتبارنامه آقای حاج علی مهیمی
۱۲۰	انتخابات بندر انزلی و اعتبارنامه نماینده این شهر
۱۲۵	گزارش پرونده انتخابات مرودشت
۱۲۷	گزارش کمیسیون تحقیق درباره اعتبارنامه آقای محمدتقی مطهری
۱۲۹	ریگی، نماینده خاش
۱۳۶	اعتبارنامه آقای مهندس معین فر
۱۴۰	دلیل رد بعضی از اعتبارنامه‌ها
۱۴۱	اعتبارنامه احمد سلامتیان، نماینده اصفهان
۱۴۵	ت- کودتای نوژه
۱۴۸	ث- مراسم تحلیف رئیس جمهوری
۱۴۹	۱۳ نفر نامزد نخست‌وزیری شدند
۱۵۱	ج- معرفی نخست‌وزیر و وزرا
۱۵۱	اظهار نظر درباره وزرای پیشنهادی با تخریب و توهین به نمایندگان طیف اقلیت
۱۶۸	چ- بررسی لایحه اصلاح بودجه سال ۱۳۵۹ و طرح اتهام علیه من
۱۷۱	ح- تصویب طرح قانونی احزاب
۱۷۱	طرح قانونی احزاب تصویب شد

۱۷۲	سخن گفتن برای ما مشکل است .....
۱۷۸	پاسخ رئیس مجلس به یزدی .....
۱۷۹	چرا بمب‌گذاری و ترور می‌کنند؟ .....
۱۸۳	نضت آزادی کلی‌گویی می‌کند .....
۱۸۴	پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل یکم .....
۲۴۳	<b>فصل دوم: در کمیسیون‌های مجلس .....</b>
۲۴۳	<b>الف- در کمیسیون امور خارجه .....</b>
۲۴۵	۱- روابط با مصر - گزارش به مجلس .....
	نامه سرگشاده دکتر یزدی به مجلس شورای اسلامی درباره چگونگی قطع رابطه
۲۴۶	جمهوری اسلامی ایران با دولت مصر .....
۲۵۷	۲- مطالعه وضعیت کشورهای مرتبط با ایران .....
۲۵۷	بررسی سیاست و عملکرد دولت عراق .....
۲۵۸	۳- بررسی مسئله جنگ .....
۲۶۲	۴- بررسی مبانی سیاست خارجی .....
۲۶۴	۵- کمیته صلح اسلامی .....
۲۶۴	دیدار با ضیاء الرحمان رئیس جمهوری بنگلادش .....
۲۶۸	نامه آقایان مهندس بازرگان، دکتر سحابی، دکتر یزدی و .....
۲۶۹	۶- بررسی سیاست فروش نفت .....
۲۷۱	۷- بررسی سیاست خارجی و نهاد دیپلماسی .....
۲۷۱	بررسی وضعیت وزارت امور خارجه .....
۲۷۴	۸- عضویت ایران در سازمان‌های بین‌المللی .....
۲۷۵	۱- نامه آقای منوچهر طالع .....
۲۷۶	۲- نامه آقای مهندس سحابی به دکتر یزدی .....
۲۷۷	۳- نامه به کمیسیون امور خارجه مجلس شورای اسلامی .....
۲۷۹	عضویت ایران در کمیته حقوقی مشورتی آسیایی و آفریقایی .....



۲۸۱	..... عضویت ایران در اتحادیه بین‌المجالس
۲۸۲	..... ۱- نامه هیئت رئیسه مجلس به نمایندگان
۲۸۳	..... ۲- آشنایی با اتحادیه بین‌المجالس
۲۸۶	..... ۳- فرم درخواست عضویت
۲۸۷	..... ۹- سفرهای خارجی نمایندگان مجلس
۲۹۳	..... ب - در کمیسیون بهداشت و درمان
۲۹۴	..... ۱- گزارش انتخاب دو نفر برای کمیسیون بهداری
۲۹۵	..... ۲- دفتر تعرفه خدمات درمانی
۲۹۶	..... ۳- طرح جامع برای خدمات پزشکی
۲۹۷	..... ۴- یادى از دکتر سرگئون بیت اوشانا
۲۹۹	..... پ- در کمیسیون ویژه بازرگانی خارجی
۳۰۱	..... ت- استیضاح رئیس جمهور
۳۰۲	..... ۱- گزارش روزنامه میزان از دعوت رئیس جمهور به مجلس
۳۰۲	..... مسکوت گذاشتن دعوت از رئیس جمهور
۳۰۲	..... آخرین بار برای رئیس جمهور
۳۰۴	..... طرفداران بحث آزاد
۳۰۴	..... ۲- طرح و تصویب عدم کفایت رئیس جمهوری و عزل بنی صدر
۳۰۵	..... ث- روابط با آمریکا در دولت موقت
۳۰۷	..... ۲- درباره دیدار با برژینسکی
	..... گزارش اول: گزارش روزنامه اطلاعات از گفتگوی نمایندگان مجلس درباره دیدار با
۳۰۸	..... برژینسکی
۳۱۷	..... شورای انقلاب خبر نداشت
۳۱۸	..... گزارش دوم: گزارش روزنامه میزان
۳۱۸	..... دکتر یزدی علت مذاکره با برژینسکی را فاش کرد
۳۱۸	..... تحمیل جنگ

۳۱۹	.....	شکایت از بیمه
۳۲۰	.....	تظاهرات اول مهرماه
۳۲۰	.....	همه قوانین به مجلس بیاید
۳۲۱	.....	بررسی وضع گروگان‌ها
۳۲۱	.....	گروگان‌گیری بزرگ‌تر از انقلاب
۳۲۲	.....	تصمیم شدید؟
۳۲۳	.....	گروگان‌گیری است، نه جاسوس‌گیری
۳۲۴	.....	پایگاه امام زمان
۳۲۵	.....	کودتای ترکیه
۳۲۶	.....	پیشنهاد‌های آقامحمدی
۳۲۷	.....	گروه فرقان
۳۲۹	.....	گروه‌گرا
۳۲۹	.....	هر مذاکره‌ای سازش نیست
۳۳۰	.....	در جلسه چهار ساعته شورای انقلاب
۳۳۰	.....	ملاقات با چه کسی
۳۳۱	.....	ملاقات بهشتی با هنری پرکت
۳۳۲	.....	اولین دفتر نهضت آزادی‌بخش
۳۳۳	.....	چرا ملاقات؟
۳۳۳	.....	اطلاع از دفتر امام
۳۳۴	.....	موازنه منفی بازرگان
۳۳۶	.....	گزارش سوم: بی اطلاعی یا غرض‌ورزی
۳۳۷	.....	در پاسخ به سخنان محمد منتظری
		پاسخی دیگر از مهندس بازرگان، دکتر یزدی و مهندس صباغیان به محمد منتظری
۳۴۱	.....	اعتراض به ناشر کتاب بژینسکی
۳۴۳	.....	نامه اعتراض به ناشر کتاب «قدرت و اصول» تالیف زیگنیو برژینسکی
۳۴۴	.....	ج- انفجار حزب جمهوری؛ دیدار با رجایی و اعلام پشتیبانی

چ- طرح مصادرهٔ اموال سران حکومت پهلوی .....	۳۴۵
پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل دوم .....	۳۴۸
<b>فصل سوم: نامه‌های نمایندگان مجلس .....</b>	<b>۳۶۹</b>
۱- نامهٔ آقای نصیری لاری به دکتر یزدی .....	۳۶۹
۲- نامهٔ آقای جانکی به هاشمی رفسنجانی .....	۳۷۰
۳- نامهٔ دکتر یزدی به صدا و سیما .....	۳۷۲
۴- نامهٔ آقای سید غلامعلی غیائی به نمایندگان مجلس .....	۳۷۴
۵- نامه به هیئت محترم سه نفری حل اختلافات در اعتراض به سخنان حجت‌الاسلام خامنه‌ای دربارهٔ دولت موقت .....	۳۷۷
۶- نامهٔ شیخ جعفر شجونی به دادگاه عباس امیرانتظام .....	۳۷۹
نامهٔ شجونی و جمعی از شخصیت‌ها به امام خمینی .....	۳۸۱
نامهٔ دو تن از شخصیت‌های اسلامی [شجونی و حجازی] به نخست‌وزیر .....	۳۸۳
نامهٔ دیگر جعفر شجونی در پاسخ به علی‌بابایی .....	۳۸۴
پاسخ علی‌بابایی به نامهٔ شجونی .....	۳۸۷
۷- نامهٔ دکتر یزدی به رئیس مجلس شورای اسلامی دربارهٔ روابط بازرگانی با آمریکا .....	۳۹۲
۸- اعتراض نمایندگان طیف اقلیت به رئیس مجلس شورای اسلامی .....	۳۹۳
۹- نامهٔ دکتر یزدی به رئیس مجلس شورای اسلامی .....	۳۹۴
۱۰- تلگراف تسلیت دکتر یزدی به وزیر امور خارجهٔ الجزایر .....	۳۹۴
۱۱- نامهٔ دکتر یدالله سحابی به رئیس مجلس شورای اسلامی .....	۳۹۵
۱۲- نامهٔ مهندس عزت‌الله سحابی به آقایان خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی .....	۳۹۷
۱۳- یادداشتی به وزارت ارشاد و پاسخ آن .....	۴۰۴
۱۴- شکایت مهندس بازرگان و دکتر یزدی از مجلهٔ پیام انقلاب .....	۴۰۴
۱۵- نامهٔ آقایان دکتر سحابی، دکتر سامی و دکتر یزدی به هیئت رئیسهٔ مجلس .....	۴۰۵
۱۶- نامهٔ دکتر یزدی به رئیس مجلس دربارهٔ .....	۴۰۷
۱۷- پاسخ آقای دکتر یدالله سحابی به اظهارات آقای موحدی ساوجی .....	۴۰۸

۱۸- نامه آقایان سحابی، بازرگان، یزدی و صباغیان به رئیس مجلس .....	۴۱۵
<b>فصل چهارم: برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر نیروهای ملی - مذهبی و نمایندگان طیف اقلیت در مجلس و سطح جامعه</b>	
.....	۴۱۷
<b>الف - مواضع محمد منتظری و نشریه پیام انقلاب علیه یزدی</b> .....	۴۱۸
۱- محمد منتظری و راسپوتین ایران .....	۴۱۸
پاسخ به سخنان محمد منتظری .....	۴۱۸
روغنی و اسناد لانه جاسوسی .....	۴۲۵
روغنی، معتمد خمینی و مأمور سیاسی سفارت .....	۴۲۵
داستان راسپوتین ایران .....	۴۳۲
۲- موضع گیری محمد منتظری و گروهش پس از حادثه شیراز .....	۴۳۲
مطالب و مقالات نشریه والفجر .....	۴۳۳
۳- معرفی چهره های برجسته نهضت آزادی ایران .....	۴۳۵
حکم دستگیری هدایت الله متین دفتری .....	۴۳۶
بعضی از جنایات دکتر یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت .....	۴۳۶
۴- مقاله ای از نشریه والجر در نقد دولت موقت و عملکرد وزارت خارجه در دوران دکتر یزدی .....	۴۳۷
۵- مقاله ای دیگر از نشریه والفجر و گروه محمد منتظری در اعلام جرم علیه دکتر یزدی .....	۴۴۱
۶- گزارش ها و یادداشت های نشریه والفجر علیه دکتر یزدی و دولت موقت ....	۴۴۳
دکتر یزدی، متین دفتری، مهندس بازرگان، چمران، عباس امیرانتظام .....	۴۴۴
شکایت از کارگزاران دولت موقت به دادگاه انقلاب .....	۴۴۵
سخنان بزرگان انقلاب در خیانت دولت موقت .....	۴۴۷
امیرانتظام و ماجرای فرودگاه تهران .....	۴۴۹
۷- شکایت گروه محمد منتظری از سران دولت موقت به دادستانی کل کشور .....	۴۵۱
۸- مصاحبه ابوشریف با مجله «المستقبل» پاریس .....	۴۶۱
کودتای نظامی به هیچ وجه در ایران موفق نخواهد شد و این امری است محال ....	۴۶۶

- ب- اعلام جرم سردبیر مجله پیام انقلاب علیه دکتر ابراهیم یزدی ..... ۴۶۶
- پ- حمله در شیراز - ۴ خرداد ۱۳۶۰ ..... ۴۶۷
- ۱- چگونگی مضروب شدن دکتر یزدی در شیراز ..... ۴۶۷
- ۲- دکتر یزدی در شیراز مضروب شد ..... ۴۶۸
- ۳- امکانات شهربانی و ژاندارمری فارس، فراهم شد ..... ۴۶۹
- ۴- بیانات رئیس مجلس درباره حادثه شیراز ..... ۴۷۰
- ۵- سکوت خبری صدا و سیماى ایران ..... ۴۷۱
- ۶- ثبت غیبت غیر موجه در مجلس ..... ۴۷۲
- ۷- نامه به دادستان و رئیس مجلس برای رسیدگی به حادثه شیراز ..... ۴۷۴
- ۸- نامه دوم به آقای هاشمی رفسنجانی درباره حادثه شیراز ..... ۴۷۴
- ۹- نامه سوم به هاشمی رفسنجانی درباره تهدیدها و اهانت‌ها ..... ۴۷۵
- ۱۰- نامه آقای حمید عطار درباره حادثه شیراز ..... ۴۷۷
- ۱۱- نامه پدر و مادرم به امام خمینی ..... ۴۸۵
- ۱۳- نامه مهدی وفاجو درباره حادثه شیراز ..... ۴۸۶
- ۱۴- گزارش من از رویداد شیراز به نهضت آزادی ..... ۴۸۷
- ۱۵- گزارشی از سفر دکتر یزدی به شیراز بعد از استعفا از دولت ..... ۴۸۹
- ت - حمله به منزل، پرتاب بمب و آتش‌سوزی ..... ۴۹۰
- ۱- گزارش واقعه ..... ۴۹۰
- ۲- نامه به دادسرای تهران ..... ۴۹۵
- ۳- نامه به دادستان کل کشور ..... ۴۹۶
- ۴- نامه به رئیس مجلس شورای اسلامی ..... ۴۹۷
- ۵- اطلاعیه نهضت آزادی ایران پیرامون بمب‌گذاری منزل آقای دکتر ابراهیم یزدی ..... ۴۹۸
- ث - تعرض‌های فیزیکی در محوطه مجلس ..... ۴۹۹
- نامه به رئیس مجلس برای پیشگیری از تعرض به نمایندگان ..... ۴۹۹
- شکایت به دادستان کل از مزاحمان در مجلس ..... ۵۰۱

تذکر به رئیس مجلس درباره حضور مسلحانه برخی از نمایندگان .....	۵۰۲
ج - جوسازی و تخریب از سوی گروهی از روشنفکران .....	۵۰۲
ج- پوستر عکس‌های مراسم روز ملی سفارت ترکیه .....	۵۰۲
ح- حاشیه‌سازی در حاشیه سفر حج در شهریور - مهر ۱۳۶۱ .....	۵۰۴
شایعه پناهندگی من به کشورهای بیگانه .....	۵۰۶
نامه به رئیس مجلس در اعتراض به پخش شایعه پناهندگی .....	۵۰۷
خ- ماجرای نامه‌ای از عربستان در دفتر اسدالله لاجوردی .....	۵۰۸
د- نشریه رمز عبور؛ تهمت روابط پنهانی با آمریکا .....	۵۱۷
شکایت به دادستان .....	۵۱۹
ذ- اتهامات سردار جواد منصوری .....	۵۱۹
ر- برخوردهای دوستان و توده‌های ناآگاه .....	۵۲۰
ز- اعلام آمادگی برای شرکت در انتخابات مجلس دوم و... ..	۵۲۱
پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل چهارم .....	۵۲۴
پیوست برخی اسناد .....	۵۵۹
نمایه .....	۵۷۳



## فصل اول

### نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی

#### و رویدادهای مهم آن دوره

(۱۳۵۹ - ۱۳۶۳)

#### مقدمه

با تصویب و نهایی شدن قانون اساسی در آذرماه ۱۳۵۸، نوبت به اجرای آن رسید. اولین گام در راستای اجرای قانون اساسی، برگزاری انتخابات مجلس شورا بود. گروه‌های سیاسی، از چپ و راست و میانه‌رو، از جمله نهضت آزادی ایران، حزب توده، سازمان چریک‌های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق و حزب جمهوری اسلامی، همه فعالانه در انتخابات شرکت کردند.

نظام جدید جمهوری اسلامی دو رکن دارد: اسلامیت و جمهوریت. اسلام ۱۴۰۰ سال در ایران ریشه و سابقه دارد و در طول این ۱۴ قرن فراز و نشیب‌های فراوان دیده داشته است. ما اگرچه خود را مسلمان می‌دانیم، اما متولی دین خدا نیستیم و هیچ‌کس را متولی دین خدا نمی‌دانیم. بنا به فرموده خداوند، او خود متولی و نگهدارنده دین خود است، اما جمهوریت، نهال کوچکی است که در کویر شوره‌زار استبداد ۲۵۰۰ ساله کاشته شده و نیازمند مراقبت مستمر و دائم است. تحقق جمهوریت، پیش‌نیازهایی دارد: یکی از عمده‌ترین آنها حضور آگاهانه و مستمر مردم در صحنه و اعمال حق حاکمیت ملت است. قانون اساسی مصوب در فصل سوم، حقوق اساسی مردم از جمله حق حاکمیت ملت را به رسمیت شناخته و اعمال این حق را از راه‌های زیر معین کرده است:

- ۱- انتخابات شوراهای ده و شهر؛
- ۲- انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای؛
- ۳- انتخابات مجلس شورای اسلامی؛



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۷

۴- انتخابات ریاست جمهوری؛

۵- انتخابات مجلس خبرگان رهبری و تعیین رهبر.

احراز حق حاکمیت ملت، بدون تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ناممکن است. یکی از این حقوق به رسمیت شناخته شده، تشکیل احزاب سیاسی است. احزاب سیاسی دو کارکرد اساسی دارند:

سازماندهی نیروهای سیاسی - مردمی و تأثیرگذاری بر روند شکل‌گیری حرکت‌های سیاسی. یکی از مهم‌ترین کارکرد احزاب سیاسی شرکت در انتخابات است.

### الف- شرکت در انتخابات و کسب پیروزی در مرحله اول

گزارش روزنامه اطلاعات از نامزدی مهندس بازرگان و دکتر یزدی با نزدیک شدن موعد انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی، فعالیت‌های شدیدی در جهت انتخابات نمایندگان ملت آغاز شده است. چند سازمان تاکنون به منطقه‌ای کردن و دو مرحله‌ای بودن انتخابات در تهران اعتراض کرده‌اند و یک گروه نیز اسامی ۲۵ نفر از شخصیت‌های سرشناس را به‌عنوان کاندیداهای مجلس شورای ملی از تهران معرفی کرده است.

در لیستی که از سوی آیت‌الله سید ابوالفضل موسوی زنجانی، استاد محمدتقی شریعتی، مهندس مهدی بازرگان، و دکتر یدالله سبحانی منتشر شده، انتخاب ۲۵ نفر که توسط این گروه معرفی شده‌اند توصیه شده است. در این رابطه اطلاعیه‌ای نیز منتشر شده است که متن آن به شرح زیر است.

بسم الله الرحمن الرحيم

در این لحظه سرنوشت‌ساز انقلاب اسلامی ایران که ملت در آستانه تشکیل اولین دوره مجلس شورای ملی در نظام جمهوری اسلامی می‌باشد جمعی از مسلمانان مبارز معتقد به تبعیت از ارشاد امام مبنی بر مشارکت جدی مردم در انتخابات و لزوم وحدت و همبستگی گروه‌های مختلف، وظیفه دینی و ملی خود دانستند که هیئت به نام هیئت معرف نامزدهای انتخاب مجلس «همنام» تشکیل دهند. هیئت معرف نامزدهای انتخابات مجلس برای راهنمایی هم‌وطنان عزیز در سطح کشور، نامزدهایی را از میان

## ۱۸ □ شخصت سال صبوری و شکوری

افراد شناخته‌شده، [با] صلاحیت که مومن و مدافع انقلاب اسلامی و ایران باشند، بی طرفانه و متعلق آنها به گروه خاصی شناسایی و معرفی نمایند. اینک به نمایندگی از طرف آن هیئت صورت ۲۰ نفر ذیل را به اهالی محترم تهران عرضه و توصیه می‌نمایم. سید ابوالفضل موسوی زنجانی، محمدتقی شریعتی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سجابی.

### اسامی نامزدها

صورت اسامی نامزدها برای وکالت مجلس شورای ملی در تهران به ترتیب حروف الفبا آقایان:

۱- مهندس جلال‌الدین آشتیانی، ۲- حجت الاسلام امامی کاشانی، ۳- مهندس مهدی بازرگان، ۴- فتح‌الله بنی‌صدر، ۵- مهندس مهدی توسلی، ۶- علی اصغر حاج سید جوادی، ۷- دکتر حسن حبیبی، ۸- مهندس کاظم حبیبی، ۹- دکتر کاظم سامی، ۱۰- دکتر یدالله سجابی، ۱۱- مهندس عزت‌الله سجابی، ۱۲- حسن شاه‌حسینی، ۱۳- مهندس هاشم صباغیان، ۱۴- احمد علی‌بابایی، ۱۵- حجت الاسلام دکتر علی گلزاده غفوری، ۱۶- مهندس مصطفی کتیرایی، ۱۷- دکتر عبدالکریم لاهیجی، ۱۸- حجت الاسلام مجتهد شبستری، ۱۹- مهندس علی‌اکبر معین‌فر، ۲۰- دکتر مهدی ممکن، ۲۱- حجت الاسلام عبدالکریم موسوی اردبیلی، ۲۲- حجت الاسلام محمدرضا مهدوی کنی، ۲۳- مهندس لطف‌الله میثمی، ۲۴- حجت الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی و ۲۵- دکتر ابراهیم یزدی (روزنامه‌اطلاعات، سه‌شنبه، دوم بهمن ۱۳۵۸، شماره ۱۶۰۵۶).

### تشکیل گروه همنام

تصمیم شورای مرکزی نهضت آزادی، شرکت فعال در انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی بود. البته بعدها نام مجلس را از شورای ملی به مجلس شورای اسلامی برگرداندند. نظر و برنامه این نبود که نهضت به تنهایی وارد فعالیت شود؛ از این رو، گروهی تشکیل شد به نام «همنام» (هیئت معرفی نامزدهای انتخابات مجلس). برای عضویت در هیئت امنای گروه همنام از شخصیت‌های مختلف سیاسی و روحانی، زنان و مردان، از جمله از آیت‌الله سید ابوالفضل زنجانی دعوت به عمل آمد، ولی چون

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۹

ایشان با شرکت زنان در انتخابات مخالف بود و از سوی دیگر، زنان هم در هیئت امنای گروه همنام دعوت شده و پذیرفته شده بودند و در میان نامزدهای همنام خانم‌ها هم بودند؛ از این رو، ایشان از شرکت در هیئت امنا عذر خواستند.

در فهرست نامزدهای گروه همنام فقط اعضای نهضت آزادی نبودند. افزون بر آقایان مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، دکتر مصطفی چمران، مهندس هاشم صباغیان، دکتر حسین بنی‌اسدی، مهندس محمد توسلی، مهندس عبدالعلی بازرگان، مهندس ابوالفضل بازرگان، جلال‌الدین آشتیانی و این‌جانب، افرادی نظیر اکبر هاشمی رفسنجانی، مهندس عزت‌الله سبحانی، خانم دکتر فرشته هاشمی، دکتر علی صادقی تهرانی، فتح‌الله بنی‌صدر، محمدعلی رجایی، دکتر علی اصغر بهزادنی، مهندس مصطفی کتیرایی، مهندس علی‌اکبر معین‌فر، دکتر حسن حبیبی، حاج محمود مانیان و علی دانش منفرد نیز از سوی گروه همنام به‌عنوان نامزد نمایندگی مجلس معرفی شدند.

### اطلاعیه گروه همنام

«برای نیل به وحدت بیشتر بین نیروهای اصیل مسلمان، «هیئت معرف نامزدهای انتخابات مجلس» (همنام) از بهمن‌ماه گذشته کار خود را آغاز نمود و بدون توجه به وابستگی حزبی افراد، مبادرت به معرفی نامزدهای شایسته گروه‌های مختلف به‌صورت یک ائتلاف واقعی به ملت شریف ایران نمود. از آنجایی که افراد معرفی‌شده توسط همنام با توجه به ضرورت ائتلاف بین نیروهای مختلف بوده است، بدین‌وسیله به اطلاع هم‌وطنان عزیز می‌رساند علی‌رغم ائتلاف بعضی از گروه‌ها و شایعات، روز چهارشنبه ۱۳۵۸/۱۲/۲۲ نامزدهای ائتلافی همنام همان افراد اعلام‌شده قبلی و همچنان نامزد انتخاب نمایندگی مجلس شورای ملی اسلامی می‌باشند. همنام».

### درخواست نامزدی از قزوین

گروهی از دوستان و علاقه‌مندان، به‌ویژه برخی از علمای قزوین از جمله مرحوم آیت‌الله میرزا رحیم سامت و آیت‌الله سید عباس ابوترابی اصرار داشتند از قزوین کاندیدا شوم. در همین راستا به ابتکار و همت شادروان آیت‌الله ابوترابی، هیئت علمیه قزوین و گروهی از فعالان سیاسی - مذهبی این شهر، مرا برای یک سخنرانی دعوت

## ۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

کردند. این مراسم در مسجد بزرگ شهر (مسجد رسول یا شاه سابق) برگزار شد. حضور جمعیت تا آن زمان، کم سابقه بود، اما نظر همه دوستان تهرانی این بود که از تهران کاندیدا شوم؛ از این رو، من نیز تهران را برگزیدم و نظرم را به دوستان قزوینی اعلام کردم. بالاجبار مرحوم حاج سید عباس ابوترابی و آقای دکتر سید احمد صدر حاج سیدجوادی، از هیئت علمیه قزوین و نیز از طرف گروه همنام، کاندیدا و انتخاب شدند.

### معرفی نامزدها

بیانیه‌ها و پوستره‌های تبلیغاتی هر یک از نامزدها، توسط مسئول تبلیغات همنام تهیه و در سطح شهر توزیع شد. یک نمونه از این بیانیه‌ها در پیوست شماره ۱ آمده است. علاوه بر معرفی نامزدها، همنام پوسترهایی را هم برای نامزدها تهیه و منتشر کرد. نمونه‌هایی از پوستره‌های منتشر شده در گالری عکس‌ها آمده است.

### نامه دکتر یزدی به امام جمعه تهران

در دوران تبلیغات انتخاباتی، برخی از نامزدهای نمایندگی، بدون توجه به محدودیت استفاده از امکانات و تریبون‌های عمومی، از تریبون نماز جمعه برای تبلیغات استفاده می‌کردند. امام جمعه تهران در آن زمان، حجت الاسلام خامنه‌ای بود. از آنجا که خود ایشان هم نامزد نمایندگی مجلس بود، قاعدتاً باید در آن مدت از امامت جمعه و خواندن خطبه خودداری می‌کرد، ولی ایشان همچنان نماز جمعه را اقامه می‌کرد و خطبه می‌خواند. برای دفاع از حقوق دیگر نامزدها و نیز برای یادآوری این نکته که تریبون‌های عمومی، نباید در خدمت یک فرد یا گروه ویژه ای باشد، نامه‌ای به شرح زیر برایشان نوشتم.

«دکتر ابراهیم یزدی - نماینده ویژه امام برای رسیدگی به مسائل شهرستان‌ها - ضمن نامه‌ای از حجه الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران خواست از اجتماع نماز جمعه به‌عنوان محلی برای تبلیغات نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی استفاده نشود. متن نامه به این شرح است:

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۱

«بسمه تعالی

حضور محترم حجت الاسلام و المسلمین آقای خامنه‌ای، امام جمعه تهران بعد از سلام، اجتماع عظیم مردم تهران جهت برگزاری نماز جمعه می‌بایستی به دور از هرگونه شائبه‌های سیاسی و گروهی باشد. تصدیق می‌فرمایید که اگر خدای نکرده چنین شائبه‌ای به وجود بیاید به اصل مسئله لطمه خواهد خورد؛ بنابر این، استدعا دارد به کسانی که نامزد وکالت مجلس شورای ملی هستند اجازه سخنرانی داده نشود و اگر چنانچه ضرورتی برای این کار وجود دارد، ترتیبی بدهید که سایر نامزدهای وکالت مجلس نیز از امکان سخنرانی و تبلیغ در این اجتماع عظیم مردم پیدا کنند و این به حق نزدیک‌تر است. والسلام. با تشکر - دکتر ابراهیم یزدی - ۱۳۵۸/۱۱/۲۰» (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۰۷۱، یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۵۸).

مانند همه کشورهای، هنگام برگزاری انتخابات در کشور، شور و حالی برپا و مباحث مختلفی مطرح می‌شود. طبیعتاً هر گروهی مواضعی اعلام می‌کند که ممکن است گروه دیگر نسبت به آن انتقاد داشته باشد و به آن واکنش نشان دهد. همچنین احزاب و افراد، نشست‌های گوناگونی برای اعلام مواضع و اهداف خود برپا می‌کنند. در انتخابات اولین دوره مجلس نیز که تقریباً یک سال پس از انقلاب برگزار می‌شد، چنین نشست‌ها و گفتگوهای صورت می‌گرفت که برخی از نمونه‌های آن را در اینجا می‌آورم.

### دکتر یزدی: دو مرحله‌ای بودن انتخابات یک «شگرد» است

شب گذشته سومین جلسه بحث آزاد در مسجد الجواد با شرکت «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی»، گروه «همنام»، «حزب ملت ایران»، دکتر لاهیجی و «انجمن فجر امید» برگزار شد. در این جلسه دکتر ابراهیم یزدی، به‌عنوان نماینده همنام و دکتر عبدالکریم لاهیجی به‌طور منفرد، نماینده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دکتر تکمیل همایون، به‌عنوان نماینده حزب ملت ایران و جعفر فرشید، نماینده انجمن اسلامی فجر امید شرکت کردند.

دکتر یزدی در سخنرانی خود گفت: ما در مورد ضوابطی که مردم باید موقع انتخاب نمایندگان خود در نظر داشته باشند، توصیه می‌کنیم فقط سوابق افراد در نظر

## ۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

گرفته شود و سوابق آنها مبین تعیین صداقت، مبارزه، آگاهی و ایمان آنها باشد. در مورد نحوه برگزاری انتخابات، با طرح دو مرحله‌ای شدن مخالفیم و این را یک شگرد انتخاباتی می‌دانیم.

دکتر کریم لاهیجی نیز در این جلسه اظهار داشت: من به کسی رأی می‌دهم که در خط آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی باشد. ملاک هم سوابق مبارزاتی، مقاومت‌ها، خط مستقیم داشتن و پایبند بودن به ایدئولوژی است. وی افزود: در مورد نحوه انتخابات باید بگوییم به هیچ وجه در شرایط مساوی برگزار نمی‌شود و یک نمونه‌اش مسئله دو مرحله‌ای کردن انتخابات است که اقدامی است برخلاف نص صریح قانون اساسی و من تا آخرین نفس با آن مبارزه خواهیم کرد و یقین دارم که موفق خواهیم شد. وی تأیید کرد که زمینه‌های غیردموکراتیک دیگری نیز در این انتخابات وجود دارد.

در همین جلسه، نماینده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در همین رابطه گفت: معیارهایی که ما برای انتخابات کاندیداها در نظر داشته‌ایم مهم‌ترین آنها عبارتند از: اعتقاد به خط نه شرقی نه غربی و حافظ استقلال و در خط امام بودن و اعتقاد به ولایت فقیه؛ و در مورد چگونگی انتخابات از طرح دو مرحله‌ای پشتیبانی می‌کنم. بدین خاطر که حاکمیت توده‌ای میلیونی مردم را در این مسیر می‌بینیم.

دکتر تکمیل همایون نماینده حزب ملت ایران نیز در سخنان خود گفت: در مورد نحوه انتخابات ما با دو مرحله‌ای بودن انتخابات شدیداً مخالف هستیم و آن را یک عمل کاملاً ضد دموکراتیک و انحصارطلبی بعضی از گروه‌های سیاسی می‌دانیم.

نماینده انجمن اسلامی فجر امید در مورد دو مبحث مورد بحث، گفت: «زمینه مکانیسم تصمیم‌گیری ما برای انتخاب کاندیداها به سه عامل نقش اساسی داشته است:

اول خط مشی انجمن، دوم ترکیب مطلوب مجموعه نمایندگان مجلس از نظر ما و سوم برنامه‌ها و اهدافی که مجلس باید دنبال کند. در رابطه با نحوه انتخابات ما اعتقاد داریم که طرح دو مرحله‌ای شدن هم نکات مثبت و هم نکات منفی دارد و در مجموع بهتر است انتخابات یک مرحله‌ای باشد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۱۹).

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۳

نامه انتقادآمیز هاشمی رفسنجانی به روزنامه کیهان درباره انتشار نظر منتقدان پس از اظهارنظرهای گوناگون در نقد دو مرحله ای شدن انتخابات، آقای هاشمی رفسنجانی نامه ای به من به عنوان مدیر مسئول «روزنامه کیهان» نوشت و از انتشار نظر مخالفان دو مرحله ای شدن انتخابات انتقاد کرد. او این مسئله را در خاطرات خود نیز آورده است:

«به همین دلیل من با جمع بندی آرای نظرات گروه‌ها و افراد مختلف درباره کیفیت برگزاری انتخابات، بیانیه‌ای تهیه و به عنوان عضو شورای انقلاب و سرپرست وزارت کشور (در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۵۸)، به «روزنامه کیهان»، به عنوان یکی از مهم‌ترین روزنامه‌هایی که با مدیریت دکتر ابراهیم یزدی در گسترش نظر مخالفان می‌کوشید، دادم و برای جبران موضع‌گیری منفی مخالفان در مقابل خواست اکثریت مردم و تصمیم شورای انقلاب و نیز برای هدایت افکار عمومی، خواستار درج آن شدم» (انقلاب و پیروزی - هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات: سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸، به کوشش عباس بشیری، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۴۴۶).

هاشمی رفسنجانی در این بیانیه خطاب به مدیر مسئول «روزنامه کیهان» آورده بود: «... روزنامه شما و سایر جراید به جای تعبیر اکثریت مطلق، اصطلاح انتخابات دو مرحله‌ای را آنقدر نوشتند و تکرار کردند که محتوا و هدف قانون‌گذار را در سایه این عبارت نارسا و منحرف‌کننده، چیزی غیر از آنچه هست، جلوه دادند».

### برگزاری انتخابات

مراسم رأی‌گیری برای نامزدهای انتخابات در تهران و شهرستان‌ها در روز ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ برگزار شد.

مرحله اول انتخابات اولین مجلس شورای ملی ایران، بعد از انقلاب، با سر و صداها، اعتراض‌ها و در مواردی با حمله به مراکز رأی‌گیری به انجام رسید. با وجود برخی نارسایی‌ها و رفتارهای خلاف قانون انتخابات، گروه‌های زیادی از مردم، در جو سیاسی زمان، برای حفظ وحدت، برای اینکه ضد انقلاب و توطئه‌گران از اختلافات درونی جامعه سوءاستفاده نکنند و فرصت طعنه و توطئه نیابند، از شکایات

## ۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

خود درباره انتخابات مجلس و تخلفات و تقلباتی که صورت گرفته بود، صرف نظر کردند و برخی نیز حتی شکایات خود را مطرح نکردند.

### حایزین اکثریت آرای حوزه انتخاباتی تهران و صدور اعتبارنامه‌ها

پس از اتمام رأی‌گیری و شمارش آرا، اسامی هجده تن از کاندیداهایی که اکثریت مطلق آرا را کسب کرده بودند، به شرح زیر اعلام شد:

۱- فخرالدین حجازی، ۲- حسن ابراهیم حبیبی، ۳- مهدی بازرگان، ۴- علی‌اکبر معین‌فر، ۵- سید علی حسینی خامنه‌ای، ۶- محمدجواد حجتی کرمانی، ۷- محمدجواد باهنر، ۸- سید حسن آیت، ۹- علی گلزاده غفوری، ۱۰- هادی غفاری، ۱۱- سید محمد خویینی‌ها، ۱۲- محمدعلی رجایی، ۱۳- علی‌اکبر ناطق نوری، ۱۴- اکبر هاشمی رفسنجانی، ۱۵- ابراهیم یزدی، ۱۶- اعظم علایی طالقانی، ۱۷- مصطفی چمران، ۱۸- عزت‌الله سبحانی. «روزنامه کیهان»، طی گزارشی، فهرست بیش از هفتاد نامزد پیشتاز تهران را گزارش کرده بود که در پیوست ۲ آمده است.

از نامزدهای همنام، آقایان مهندس بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، دکتر چمران، هاشمی رفسنجانی و مهندس معین‌فر و من، در دور اول با اکثریت مطلق انتخاب شدیم. در دور دوم آقایان مهندس صباغیان هم انتخاب شد. به این ترتیب شش تن از اعضای نهضت آزادی در مجلس اول انتخاب شدند: مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، دکتر سید احمدصدر حاج‌سیدجوادی، دکتر چمران، مهندس صباغیان و بنده. نمایندگان دیگری هم بودند که به افکار و اندیشه‌های نهضت آزادی نزدیک بودند و در طول مدت نمایندگی با این گروه همکاری می‌کردند.

پس از برگزاری انتخابات در مرحله اول، تغییر و تحولاتی در آرایش گروه‌های سیاسی پدید آمد؛ چنان که برخی از احزاب و گروه‌ها هنگامی که نامزدهایشان در مرحله اول به مجلس راه نیافتند و یا حایز اکثریتی نشدند که در مرحله دوم نیز حضور داشته باشند، کسانی از میان افراد راه‌یافته به مرحله دوم را به لیست خود افزودند؛ همچنین برخی از نامزدها از حضور در رقابت انتخاباتی انصراف دادند [پیوست ۳] وزارت کشور، پس اتمام رأی‌گیری و شمارش آرا، اسامی حایزین اکثریت در دور اول



## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۵

و دوم را منتشر کرد [پیوست ۴] پس از سپری شدن مدت قانونی برای اعتراضات و شکایات و رسیدگی به آنها، اعتبارنامه نمایندگان برگزیده را صادر کرد. نمونه‌ای از این اعتبارنامه‌ها در [پیوست ۵] آمده است.

### گفتگوی روزنامه بامداد با نمایندگان برگزیده درباره مجلس آینده

در گفتگو با «بامداد»: وکلای منتخب درباره آینده مجلس چه می‌گویند؟

با پایان گرفتن مرحله اول انتخابات مجلس شورای ملی، در حدود ۳۰ درصد از نمایندگان اولین دوره مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدند. این مجلس بدون شک مسئولیت خاصی در برابر تاریخ ایران به عهده خواهد داشت؛ زیرا پاسخگو و پاسدار نهادهای انقلاب ملت مبارز ایران است.

در اولین مرحله انتخابات، چهره‌های صاحب‌نام ملی و روحانی توانستند با به‌دست آوردن اکثریت مطلق به‌عنوان نمایندگان برگزیده ملت، کرسی وکالت را تصاحب کنند. تشکیل مجلس به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران و به‌عنوان کلماتی که برگ‌های بسیار دیگری از این تاریخ را در سال‌های دور و نزدیک در تأثیر خود خواهد داشت می‌تواند بهانه‌ای برای گفتگو با آنانی باشد که حاضران در نخستین مجلس شورای ملی اسلامی در دوران جمهوری اسلامی ایران هستند. گفتنی است با تلاش و کوششی که به‌کار رفت این نتیجه به دست نیامد که با تمامی هجده نماینده تعیین‌شده، درباره آینده و مجلس گفتگو کنیم. آنچه که می‌خوانید حاصل گفتگو با دکتر حسن حبیبی، مهندس مهدی بازرگان، حجت‌الاسلام خامنه‌ای، عزت سحابی، دکتر چمران، دکتر یزدی است که از آینده و مجلس سخن می‌گویند.

**دکتر حسن حبیبی:** تا ترکیب مجلس مشخص نشود نمی‌توانم بگویم چه کسی را به‌عنوان رئیس انتخاب می‌کنم. در صورت پیشنهاد وزارت از طرف رئیس جمهور، روی آن مطالعه خواهم کرد، اما به‌طور مسلم در وزارت فرهنگ و آموزش عالی باقی نخواهم ماند؛ چون با وزارت علوم به‌صورت فعلی اصلاً موافق نیستم و معتقدم که باید با وزارت فرهنگ و هنر ادغام شود. دکتر حبیبی همچنین اضافه کرد که هیئت ۷ نفری که مأمور رسیدگی به شکایات شده‌اند، می‌توانند بهترین نظر را درباره برگزاری انتخابات بدهند و من در این مورد نظری ندارم.

## ۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

**نظر بازرگان:** مهندس مهدی بازرگان نماینده سوم تهران گفت: صحبت از این حرف‌ها بسیار زود است. اول مجلس باید تشکیل شود. من هم یک رأی بیشتر ندارم و نظرم همیشه در آن جهتی بوده که مصلحت و ممکن باشد و من به کسی به‌عنوان رئیس مجلس رأی خواهم داد که بی‌طرف باشد، به مجلس خیانت نکند و مجلس را درست در جهت حق و قانون اداره نماید. بازرگان اضافه کرد: آنهایی که به من رأی داده‌اند و بنده را انتخاب کرده‌اند گمان می‌کنم که بیشتر به این قصد بوده است که وکیل و مدافع حقوق و نظریات آنها باشم؛ بنابراین، نماینده باقی خواهم ماند.

وی در پایان اظهار داشت: در مورد انتخابات چون هیئتی از طرف شورای انقلاب تعیین شده تا به نحوه انتخابات رسیدگی کنند، مادامی که این هیئت نظر نداده است، صحیح نیست که ما اظهار نظر کنیم؛ زیرا آنها مشغول بررسی هستند و می‌دانم که دقت هم خواهند کرد.

**حجت‌الاسلام خامنه‌ای:** حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای، امام جمعه تهران نیز اظهار داشت هنوز تصمیم نگرفته‌ام که به چه کسی به‌عنوان رئیس مجلس رأی بدهم خود نیز کاندید ریاست نیستم و سنگر وکالت را بر وزارت ترجیح می‌دهم و برایم نمایندگی مردم از وزیر بودن بهتر است.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای گفت: چون هنوز نتایج قطعی انتخابات به دست نیامده و مجموع منتخبین حتی از ۴۰ درصد هم کمتر است، زود است قضاوت کنیم تا ببینیم نحوه انتخابات مطلوب بوده است یا خیر.

**نظر دکتر یزدی:** دکتر ابراهیم یزدی گفت: در مورد انتخاب رئیس مجلس نظر به اینکه فقط ۸۱ نفر از نمایندگان مشخص شده‌اند، هنوز زود است که اظهار نظر شود؛ بنابراین، باید منتظر پایان دور دوم باشیم. در مورد شرکت در فراکسیون‌ها، دکتر یزدی گفت: در صورتی که در مجلس، فراکسیون‌هایی تشکیل شوند و خط‌مشی آنها با برداشت‌های سیاسی و ایدئولوژیکی من هماهنگی داشته باشد، به عضویت آن فراکسیون درخواهم آمد. اصولاً کار در مجلس تنها از طریق مشارکت و همفکری و همکاری گروهی میسر است. البته قابل پیش‌بینی است که در مجلس چند فراکسیون با

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۷

گرایش‌های مختلف سیاسی به وجود خواهند آمد. شرکت در این فراکسیون‌ها و همکاری جمعی به حل مسائل مختلف و اتخاذ تصمیم کمک مؤثر خواهد نمود. دکتر یزدی در مورد شرکت در کابینه اظهار داشت که من پذیرفتم که وکیل باشم و قانوناً یک نماینده نمی‌تواند هم وزیر باشد و هم وکیل. وی در مورد نحوه انتخابات گفت: به نظر من باید انتخابات هر حوزه را جداگانه بررسی کرد و بعد به‌طور خاص نسبت به همان حوزه اظهار نظر کرد و به هیچ وجه نمی‌توانیم یک رأی کلی در مورد تمام حوزه‌های انتخاباتی صادر کنیم. آنچه را در مورد تهران می‌شود گفت این است که برخی از گروه‌های سیاسی قبل از شروع انتخابات، تخلفاتی از مقررات انتخابات دایر و تقدم تبلیغات انتخاباتی له یا علیه در روز قبل یا روز انتخابات به‌عمل آوردند. در مورد تقلبات مسئله‌ای است که هیئت هفت نفری ویژه مشغول رسیدگی است و امیدواریم گزارش خود را هرچه زودتر منتشر سازند.

**نظر سحابی:** مهندس عزت‌الله سحابی در مورد انتخابات ریاست مجلس گفت: من بدون شک به مهندس بازرگان رأی خواهم داد و ایشان از نظر من مناسب‌ترین فرد برای احراز مقام ریاست مجلس هستند.

مهندس سحابی اضافه کرد: چون گروهی از همفکران من در مجلس شرکت دارند، مسلماً عضویت فراکسیون خاصی را خواهم پذیرفت. وی در مورد قبول عضویت در کابینه پاسخ داد که من می‌خواهم خدمت کنم و این خدمت را از هر طرف که میسر باشد، ادامه خواهم داد. البته شرایط و امکانات و سیاست و خط‌مشی و بازی‌هایی که بر سر مهندس بازرگان آمد به خاطر عدم وجود خط‌مشی مشخص بود که من امیدوارم با تعیین سیاست و تفکیک وظایف، این بازی‌ها تکرار نشود و ادامه خدمت امکان‌پذیر باشد. مهندس سحابی در مورد نحوه انتخابات گفت: البته من در این مورد تحقیقات عمیقی نداشته‌ام، اما تا آنجا که به اطلاع من رسیده، تخلفات بسیار زیاد بوده که در مجموع نمی‌شود گفت تأثیر تعیین‌کننده‌ای در نتیجه آرا نداشته باشد.<sup>۱</sup> به‌طوری که افراد

---

۱. درست این است که گفته شود: در مجموع نمی‌شود گفت تأثیر تعیین‌کننده‌ای در نتیجه آرا داشته است، ولی در متن روزنامه، مطلب به همین صورت آمده است (ویراستار).

## ۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

مأمور از دفتر همکاری‌های مردم با رئیس جمهور گفته‌اند در آمارگیری‌هایی که ضمن انتخابات انجام می‌شد، نتیجه همان بوده است که بعد از اعلام نتایج قطعی به دست آمد.

**دکتر چمران:** دکتر مصطفی چمران در پاسخ این سؤالات اظهار داشت: تا تمام نمایندگان انتخاب نشوند و مجلس تشکیل نگردد، نمی‌شود اظهار نظر کرد. وی اضافه کرد: بعد از تشکیل مجلس اگر فراکسیون‌های خاصی وجود داشته باشد، با مطالعه درباره آنها شاید عضویت فراکسیونی را بپذیریم. فعلاً که عضو هیچ گروهی نیستیم. دکتر چمران در مورد باقی‌ماندن در کابینه گفت: در صورت پیشنهاد رئیس جمهوری، شرایط و همکاری‌های موجود را بررسی خواهم کرد و آنگاه تصمیم می‌گیرم.

دکتر چمران در مورد برگزاری انتخابات اظهار داشت: در انتخابات تخلف‌های فراوانی به چشم می‌خورد که البته شرایط موجود این انتظار را در مردم به وجود آورده بود که چنین تخلفاتی صورت بگیرد، اما بهتر از این هم می‌شد انجام بگیرد و می‌شد بی‌نظری را رعایت کرد که متأسفانه این کار عملی نشد و تخلفات بسیاری صورت گرفت.

**گزارش روزنامه کیهان از نگاه برخی از نمایندگان به انتخابات - ۲۵ اسفند ۱۳۵۸**  
در تب و تاب انتخابات سرنوشت‌ساز دیروز، دسترسی سرویس سیاسی «کیهان» به رجال و آنها که مسئولیت‌های حساسی در این جریان حساس انقلابی داشتند، دشوار بود. با این حال، کیهان توانست با دکتر یزدی، وزیر امور خارجه، صادق قطب‌زاده مدیرعامل سیما و صدای جمهوری اسلامی و دکتر معین‌فر، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه تماس بگیرد و شما را در جریان نظراتشان بگذارد.  
**دکتر یزدی،** وزیر امور خارجه معتقد بود: «به نظر من، توانستیم انتخابات منظمی را پشت سر بگذاریم. این انتخابات یکی از بزرگ‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین گام‌های مردم انقلابی ما در جهت تجربه دموکراسی در ایران بود. با این عمل، پرورش نوزادی که در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ چشم به جهان گشوده است، بسیار آسان‌تر شد. به اعتقاد من جای

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۹

خوشبختی بود که با توجه به تازه بودن و اولین بار بودن تجربه، انتخابات دیروز آرامش و نظم خاصی داشت؛ هرچند که خالی از خلل و نقص نبود.

**صادق قطب‌زاده،** صبح امروز به سرویس سیاسی کیهان گفت: «اولاً در مورد نفس انتخابات، ما (سیما و صدای جمهوری اسلامی) سعی کردیم با دادن ۳۰ ساعت برنامه به نامزدها و معرفی قانون اساسی، شرایط انتخابات آزاد و سالم را به خوبی فراهم کنیم. گزارش‌هایی که از شهرستان‌ها و نقاط مختلف مملکت داشتیم، نشان می‌دهد که انتخابات دیروز در نهایت آرامش و آزادی کامل انجام شد و ایراد و اشکالی در آن وجود نداشت. به اعتقاد من، این انتخابات، در نوع خود در ایران و شاید خاورمیانه بی‌نظیر بود.

طبیعی است که هنوز متصدیان امر و وسایلی که در اختیار داریم، کاملاً نو نیست و کسی از بخش دولتی به انتخابات آزاد عادت نکرده است و اصلاً می‌توان گفت کسی به این آزادی، آشنایی لازم را ندارد. به همین دلیل، از حالا استعداد بسیار خوبی از خودشان بروز دادند و تجربه‌های فراوانی با این انتخابات پیدا کردند که بتوانند بر اساس آن، در آینده بهتر عمل کنند. انتخابات دیروز، بی‌تردید بسیاری از اشکالات و نقص‌های رفراندوم را جبران کرد و در آینده هم اشکالات این انتخابات جبران خواهد شد.

**دکتر معین‌فر،** رئیس سازمان برنامه معتقد بود که: «انتخابات دیروز، نظم قابل ملاحظه‌ای داشت. رعایت مخفی بودن آرا، کاملاً در نظر گرفته شده بود و سرعت درخور توجهی هم داشت. این اولین انتخابات کاملاً آزاد ایران بود؛ البته انتخابات زمان مصدق هم آزاد بود، منتها به این دلیل که فتودال‌ها و عشایر قدرتمند، اعمال نفوذ کردند و در نتیجه باعث شدند که علی‌رغم میل و خواسته مصدق، کسانی چون جمال امامی به مجلس راه یابند، نمی‌توانست تعریف و مصداق انتخابات مجلس خبرگان را داشته باشد. معین‌فر، در مورد احتمال اعمال نفوذ بعضی گروه‌ها معتقد بود که فعالیت مستمر وزارت کشور و اعلام مداوم رادیو و تلویزیون در مورد نامزدها، باعث شد که از اعمال نظر یک حزب یا گروه خاص جلوگیری شود.

### ۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

به نظر معین‌فر، نماز جمعه دیروز بزرگ‌ترین قدم وحدت بود؛ زیرا عملی بود در جهت تحکیم انقلاب و حفظ وحدت، چه میان سنی و شیعه و چه میان کسانی که عقاید و افکار مختلف دارند.

#### وزیر کشور: اختلال‌هایی در بعضی شهرها بود

تهران - خبرگزاری پارس: هاشم صباغیان، وزیر کشور گفت: حزب جمهوری خلق مسلمان با تمام قوا در انتخابات امروز شرکت کرد. وی علت انصراف قبلی حزب مذکور در انتخابات را اختلاف بین اعضای هیئت مؤسس این حزب دانست. صباغیان تأیید کرد که در چند حوزه از جمله حوزه اخذ رای بلوار کشاورز، شخصاً ناظر بی‌نظمی‌هایی بوده است. وی درباره شهرستان‌ها به بروز اختلال‌هایی در بروجن، پاوه، مشهد، تبریز اشاره کرد و در زمینه گروه‌های معترض به انتخابات، با تعویق برگزاری یا زمان آن استدلال کرد که تاریخ برگزاری این انتخابات از یک ماه پیش به تصمیم شورای انقلاب و هیئت دولت معین شده بود و وزارت کشور تنها مجری این تصمیم بوده است.

#### دکتر یزدی: نمی‌شود با مراکز متعدد قدرت کار کرد

پس از آنکه به نمایندگی مجلس برگزیده شدم، از سوی خبرنگاران و کارکنان خبرگزاری پارس برای یک سخنرانی و نشست به این خبرگزاری دعوت شدم. گزارشی از این نشست در برخی روزنامه‌ها نیز چاپ شد که گزارش کوتاه‌شده آن نشست در پی می‌آید.

دکتر ابراهیم یزدی، نماینده تهران برای مجلس شورای ملی، دیروز در یک سخنرانی در محل خبرگزاری پارس گفت: روابط اقتصادی کنونی ادامه روابط اقتصادی گذشته است که به اعتقاد من یا غیر اسلامی است و یا ضد اسلامی.

دکتر یزدی که به دعوت کارکنان خبرگزاری پارس، دیروز در این سازمان سخنرانی کرد در بخشی از سخنان خود درباره نقش و اهمیت مجلس آینده سخن گفت و با اشاره به تاریخچه انقلاب ایران گفت: برای تداوم انقلاب به یک انقلاب فرهنگی نیازمندیم و در این مورد دگرگونی و برنامه‌های آموزشی و پرورشی و آموزش‌هایی را مورد تأکید قرار داد.

### نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۳۱

یزدی در بخش دیگری از سخنان خود به‌عنوان یکی از برنامه‌های مجلس شورای ملی انقلاب در مسائل اقتصادی را مطرح کرد و گفت: متأسفانه روابط اقتصادی کنونی ادامه روابط اقتصادی گذشته است که به اعتقاد من یا غیر اسلامی است و یا ضد اسلامی و باید با وضع قوانین، اختلاف عظیم طبقاتی جامعه را از بین برد.

یزدی در قسمت‌های دیگری از سخنان خود به مردم، دگرگونی سیستم اداری و واگذاری کار مردم به مردم از طریق شوراهای و نیز وجود مراکز قدرت سخن گفت و یادآور شد اگر برای این مراکز که بعد از انقلاب به وجود آمده‌اند، راه علمی نیابیم مملکت نمی‌تواند سرانجام خوبی بیابد.

دکتر یزدی گفت: هم اکنون شورای انقلاب و رئیس جمهوری به همان نتیجه‌ای رسیده‌اند که دولت بازرگان رسیده بود که نمی‌شود با وجود مراکز متعدد قدرت کار کرد. یزدی گفت: راه حل این نیست که این مراکز را از بین ببریم، بلکه باید در کنار آنها هماهنگی به وجود آید و یک مدیریت هماهنگ وجود داشته باشد که از تداخل مسئولیت‌ها جلوگیری به‌عمل آورد. دکتر یزدی در مورد یکی دیگر از برنامه‌های مجلس گفت: روابط خارجی و در رأس آن مسئله گروگان‌ها مسائلی است که بعد از افتتاح مجلس باید مورد بررسی قرار گیرند و به اعتقاد من چه آمریکا شاه را تحویل بدهد و چه تحویل ندهد، این گروگان‌ها باید محاکمه شوند؛ زیرا این سیاست آمریکا در ایران است که باید محاکمه شود.

دکتر یزدی در پایان سخنان خود به سؤالات حاضران پاسخ گفت. وی در مورد اختلاف میان تعداد شرکت‌کنندگان در رفراندوم جمهوری اسلامی و انتخابات مجلس شورای ملی گفت: در رفراندوم همه خواهان برقراری جمهوری اسلامی بودند، ولی در انتخابات مجلس شورای ملی، تنوع زمینه‌های فکری سبب کم شدن شرکت‌کنندگان شد و از طرف دیگر، مشکلاتی که در رسانه‌های خبری است و مردم شناخت درستی نسبت به کاندیداها ندارند و گروه‌های فشار و گروه‌های سیاسی نمی‌توانستند برای عقاید خود اعتباری در مردم به وجود آورند. شاید مردم از نظر دیانت به بعضی‌ها اعتقاد داشته باشند، ولی در مورد تقوای سیاسی آنها نمی‌توانند مطمئن باشند. دکتر یزدی در پاسخ سؤالی در مورد محاکمه گروه فرقان و شایعاتی که در مورد عدم پخش این محاکمات به‌صورت علنی وجود دارد، گفت: به عقیده من هم باید مردم در جریان

## ۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

محاكمات قرار می‌گرفتند، ولی محاكمات انجام شده و باید حداقل راز این محاكمات به‌طور کامل پخش شود، نه به‌صورت‌هایی که تاکنون پخش شده است. وی در مورد واجد شرایط بودن اشخاصی که انتخاب شده‌اند، گفت: این موضوع قابل بحث است و به اعتقاد من بعضی‌ها واجد شرایط نیستند.

دکتر یزدی در پاسخ سؤالی در مورد گفتن حقایق به مردم گفت: من معتقدم که جامعه ما شدیداً سیاسی شده و به حق نیاز دارد از همه مسائل باخبر شود؛ زیرا اطلاع ناقص، خطرناک‌تر از بی‌اطلاعی است. مثلاً در مورد کردستان امیدوارم با مناظره‌ای که قرار است انجام شود، حقایق را مردم دریابند. وی افزود به نظر من مسئله کردستان یک مسئله سیاسی است و باید از طریق سیاسی حل و فصل شود و اگر شیوه‌های نظامی نیز صورت می‌گیرد باید از طریق سیاسی انجام شود.

دکتر یزدی در مورد خطرات برون‌مرزی گفت: خطر در خارج از مرزها نیست، اگر ما شرایط داخلی را طوری بسازیم که امکان فعالیت برای دشمنان خارجی نماند. دشمنان خارجی هرگز قادر به لطمه زدن به انقلاب نخواهند بود. یزدی افزود: ریشه ضد انقلاب را باید از داخل جستجو کرد و این کلمه مخصوص آدم‌های خاصی نیست. چه بسا که افراد انقلابی عملکردی داشته باشند که ضد انقلاب سود ببرد. دکتر یزدی در پاسخ سؤالی در مورد تأثیر مراکز قدرت در مجلس شورای ملی گفت: این مجلس متأثر از مراکز قدرت هست و خواهد بود، ولی من فکر می‌کنم که دیگر مسائل کنونی تکرار نخواهد شد. مثلاً فلان گروه فشاری که اکثریت را در شورای انقلاب دارد در آنجا رأیی که می‌دهد برخلاف رأیی است که فردا در روزنامه خودش عنوان می‌کند، ولی در مجلس این کار تکرار نخواهد شد؛ زیرا با مردم رودرور هستند و نمی‌توانند دو گونه صحبت کنند.

### اظهارنظرهای مخالف و موافق در مورد برگزاری انتخابات

انجام انتخابات با نظریات مختلف شخصیت‌های سیاسی روبه‌رو شد با برگزاری اولین انتخابات مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران، از سوی گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی، نظریاتی در اعتراض به نحوه انجام انتخابات یا تأیید آن ابراز شد.



### نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۳۳

در این زمینه، خبرگزاری پارس گزارشی تهیه کرده است که طی آن چند شخصیت سیاسی، نظریات خود را در مورد انتخابات اعلام کرده‌اند. بر اساس این گزارش، یکی از مسئولان «جبهه ملی» در مورد انتخابات گفت: تمام ناظران ما از نحوه خواندن آرا انتقاد کرده و از خود سلب مسئولیت نموده‌اند. وی گفت: بر اساس گزارش ناظران جبهه ملی ایران، آرا اکثراً به دقت خوانده نمی‌شود و هر فردی که مورد نظر مسئولان حوزه محل باشد اسمش خوانده می‌شود.

**دکتر یزدی:** دکتر ابراهیم یزدی درباره انتخابات گفت: مشکلاتی در انتخابات وجود داشت و با وجود اینکه روز پنجشنبه هر گونه تبلیغاتی له یا علیه کاندیداها ممنوع اعلام شده بود، مع‌ذک در نقاط بسیاری بیانیه‌های ائتلاف بزرگ به‌طور علنی پخش می‌شد و این، تخلف از مقرراتی بود که قبلاً وضع شده بود. یزدی گفت: همچنین اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی علیه بعضی کاندیداها در نقاط مختلف از جمله در نماز جمعه و در جلوی دانشگاه تهران پخش می‌شد و در بعضی از حوزه‌ها در نوشتن آرا اعمال نظریاتی می‌شد.

**صباغیان:** هاشم صباغیان درباره نحوه برگزاری انتخابات گفت: به اعتقاد من تا زمانی که مسئله بی‌سوادی در مملکت ما حل نشود، نمایندگان واقعی مردم به مجلس راه نخواهند یافت. در انتخابات دیروز که من خود شاهد اخذ رأی در چند حوزه بودم، مشاهده کردم صراحتاً از عدم آگاهی افراد سوءاستفاده به‌عمل می‌آید و لیست‌هایی را که قبلاً تهیه شده بود به آنها ارائه می‌دادند.

چیزی که بیشتر از همه جلب توجه می‌کرد، عدم رعایت این قسمت از قانون انتخابات بود و علی‌رغم اینکه نباید فعالیت‌های انتخاباتی در اطراف حوزه‌ها انجام شود، اطراف حوزه‌ها لیست‌ها و پوسترهایی نصب کرده بودند. حتی در اطراف ورودی حوزه‌ها که من شخصاً در ستاد نازی‌آباد و در یک حوزه رأی‌گیری در شهر آرا و همین‌طور حسینیه ارشاد مشاهده کردم و در این مورد تذکراتی به مسئولین حوزه‌ها دادم. صباغیان گفت: این برخلاف اطلاعیه وزارت کشور بود؛ چون بودن پوسترها در اطراف حوزه‌ها بر روی افرادی که آگاهی کامل ندارند، اثر گذاشته است.

## ۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

**دکتر باهنر:** دکتر باهنر، عضو شورای انقلاب در تماسی با خبرنگار خبرگزاری پارس در مورد نحوه برگزاری انتخابات گفت: انتخابات در محیط آرام برگزار شد و استقبال مردم خیلی خوب بود و رأی‌گیری در بعضی از حوزه‌ها تا شب ادامه داشت. وی افزود برخورد چشمگیر وجود نداشت و از دخالت بعضی از گروه‌ها در امر رأی‌گیری توسط مسئولان جلوگیری شد.

**علامه نوری:** آیت‌الله علامه نوری در تماسی با خبرنگار خبرگزاری پارس در مورد نحوه برگزاری انتخابات گفت: انتخابات در کمال آزادی برگزار شد و از نظر کلی نسبت به چهل - پنجاه سال گذشته کم سابقه بود. وی افزود: البته این انتخابات صد در صد موافق با انقلاب اسلامی نبود، ولی فاصله‌های بسیار زیادی با انتخابات گذشته داشت.

**مدیر تبلیغات حزب جمهوری اسلامی:** مدیر تبلیغاتی حزب جمهوری اسلامی در تماسی با خبرنگار خبرگزاری پارس تأکید کرد که در مراسم نماز جمعه، گروهی اسامی کاندیداهای چهار گروه روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی، همنام و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را در بین مردم پخش کرده‌اند. وی ضمن تقبیح این عمل، توزیع لیست کاندیداهای ائتلاف بزرگ در این مراسم را قویاً تکذیب کرد. وی گفت: انتخابات خوب برگزار شد؛ البته تبلیغات و تقلب‌های روشن و واضحی از سوی چریک‌های فدایی خلق و مجاهدین خلق صورت گرفته است.

**شهردار تهران:** مهندس محمد توسلی حجتی شهردار تهران و یکی دیگر از کاندیداها در این مورد ضمن تأکید بر غیر دموکراتیک بودن نحوه رأی‌گیری انتخابات مجلس شورای ملی، گفت: در شب پنجشنبه لیست ائتلاف بزرگ (... افتادگی مطلب).

**حجت‌الاسلام شاه‌آبادی:** نمایندگان وزارت کشور احساسات گروهی داشته‌اند و شاید به جای حسن، حسین را خوانده‌اند.

**نقطه‌نظرهای هاشمی رفسنجانی و ابراهیم یزدی درباره گروگان‌ها و اسناد لانه جاسوسی**

پیش از آغاز کار مجلس، روزنامه‌ها با برخی از برگزیدگان مردم، درباره موضوعات مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور، به‌عنوان افراد صاحب نظر و نیز کسانی که

### ۳۵ □ نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ...

آینده تصمیمات کلان کشور را در دست خواهند گرفت، گفتگوهایی انجام می‌دادند. در چند نوبت با من نیز گفتگوهایی صورت گرفت که در یک مورد، «روزنامه اطلاعات» جداگانه با من و آقای هاشمی رفسنجانی درباره آزادی گروگان‌ها، اسناد سفارت آمریکا در ایران و قراردادهای میان ایران و آمریکا گفتگو کرد.

حجت‌الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی و دکتر ابراهیم یزدی، نمایندگان مردم در مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی، در مصاحبه‌های جداگانه با «روزنامه اطلاعات» در مورد سرنوشت گروگان‌های آمریکایی و افشای اسناد موجود در لانه جاسوسی و لغو قراردادهای ایران و آمریکا سخن گفتند.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی اظهار داشت: در مورد محاکمه گروگان‌ها الآن نمی‌توانم نظر بدهم؛ زیرا اکنون معلوم نیست که تا زمان تشکیل مجلس، شرایط چگونه خواهد بود. البته به هنگام تشکیل مجلس نظرم را در این باره خواهم گفت. درباره افشای اسناد لانه جاسوسی باید بگویم که از اول هم نظر ما بر این بود که این اسناد باید افشا شود و این کار با کسانی است که احیاناً اسناد را در اختیار دارند که می‌توانند خودشان و یا از طریق رادیو - تلویزیون به افشای اسناد بپردازند؛ البته باید به کسانی هم که احتمالاً سندی درباره آنها منتشر می‌شود، فرصت دفاع از خود را داد.

حجت‌الاسلام رفسنجانی پیرامون لغو قراردادهای ایران و آمریکا اظهار داشت: تمام قراردادهای لغو شده است و در حال حاضر هیچ رابطه‌ای با آمریکا نداریم و قراردادی بین ما و آنها حاکم نیست. حجت‌الاسلام رفسنجانی در پایان افزود: در مجلس نباید چیزی را از مردم مخفی داشته باشیم و باید تمام مسائل را با مردم در میان گذارد.

در مورد تعیین سرنوشت گروگان‌های آمریکایی اظهار داشت: باید دادگاهی برای محاکمه عملکرد سیاست دولت آمریکا در ایران تشکیل گردد و ایران بابت خسارات جانی و مالی که به علت دخالت آمریکا در ایران از سال ۱۳۳۲ دیده است مطالبه غرامت نماید. سرنوشت گروگان‌ها در چنین دادگاهی باید تعیین گردد و تصمیم نهایی با مجلس است.

دکتر یزدی همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا با افشای اسناد موجود در لانه جاسوسی موافقت و برای انجام این کار پافشاری خواهید کرد؟ به ذکر کلمه «بله» اکتفا

## ۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

کرد و در مورد لغو قراردادهای ایران و آمریکا گفت: نظرم را دربارهٔ قراردادها به کرات داده‌ام و تغییری نکرده است. کلیهٔ قراردادها باید به اطلاع مردم برسد. اگر کسی از قراردادی خبر نداده و تا به حال به اطلاع مردم نرسیده است، بهتر است بدون شعار دادن و العای شبهه‌ها، آنها را منتفی سازند و این وظیفهٔ شرعی و عرفی است.

### ب- انقلاب فرهنگی

پیش از برگزاری مرحلهٔ دوم انتخابات اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۹، رخدادی در ایران، توجه همهٔ کنشگران سیاسی و محافل علمی و فرهنگی را نه تنها در ایران که در سراسر جهان به خود جلب کرد. این رویداد را بعدها «انقلاب فرهنگی» نامیدند. داستان انقلاب فرهنگی، این بود که در دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ انجمن‌های اسلامی دانشجویان - ظاهراً هنوز دفتر تحکیم وحدت نشده بود - به نام انقلاب فرهنگی و با هدف اعلام «محو سلطهٔ فرهنگ غرب، طاغوت‌زدایی از فضای دانشگاه‌ها و مبارزه با جو گروه‌گرایی سیاسی محض» دانشگاه‌ها را تعطیل و استادان و دانشجویان را از ورود به دانشگاه‌ها باز داشتند. این عمل انجمن‌های اسلامی دانشجویان در واقع، واکنشی بود به عملکرد گردهمایی چپ در دانشگاه‌ها. این گروه‌ها، هر کدام قسمتی از ساختمان دانشگاه را اشغال و دفتر و ستاد کار خود قرار داده بودند. حضور این ستادها در دانشگاه‌ها، جو ملتهبی را به وجود آورده بود که مانع از کار علمی - تدریسی روزانهٔ دانشکده‌ها شده بود. گفته می‌شد گروه‌های چپ مستقر در دانشگاه‌ها، از همین ستادها آشوب‌های گنبد کاووس، بلوچستان و کردستان را هدایت می‌کردند.

اقدام انجمن‌های اسلامی دانشجویان با هماهنگی شورای رهبری حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب انجام شد. بعد از اعلامیهٔ انجمن‌های اسلامی دانشجویان، شورای انقلاب طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «وجود ستادهای عملیاتی را در دانشگاه‌ها تحمل نخواهد کرد؛ لذا باید در مدت سه روز این‌گونه ستادها بر چیده شوند»، اما برچیدن ستادهای این گروه‌ها، به سادگی انجام نشد، بلکه با درگیری میان اعضای انجمن‌های اسلامی و دانشجویان با اعضای گروه‌های چپ مستقر در دانشگاه‌ها همراه

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۳۷

بود. در این درگیری‌ها نیروهای انتظامی و سپاه از دانشجویان حمایت می‌کردند و نهایتاً این انجمن‌ها موفق به برچیدن این ستادها و تعطیل دانشگاه‌ها شدند. ما به همان اندازه که با ادامه کار این ستادها در دانشگاه‌ها مخالف بودیم با درگیری و تشنج و اعمال زور نیز مخالف بودیم و رفتار گروه‌های چپ و ادامه کار ستادهایشان در دانشگاه را مغایر با منافع و مصالح ملی و انقلاب می‌دانستیم؛ اما به هر حال این رفتارها خود سبب تحمیل فضای خشونت بر جامعه شد. مخالفت ما با «انقلاب فرهنگی» و بستن دانشگاه‌ها از منظر دیگری بود. انجمن اسلامی و دانشجویان سه محور را قرار داده بودند: ۱- محو سلطه فرهنگی غرب. ۲- طاغوت‌زدایی از فضای دانشگاه‌ها. ۳- مبارزه با جو گروه‌گرایی سیاسی محض.

### طرح انقلاب آموزشی به جای انقلاب فرهنگی

در یک سخنرانی که در همان زمان در حسینیه ارشاد ایراد کردم، این سه محور را مورد بحث قرار دادم.

در محور اول روشن نبود که منظور از «سلطه فرهنگی غرب» در دانشگاه‌ها چیست؟ در دانشگاه‌های ایران، علوم جدید اعم از پزشکی، مهندسی، کشاورزی و علوم پایه تدریس می‌شد. علوم انسانی نظیر حقوق و ادبیات و غیره مخلوطی از علوم جدید غربی با علوم انسانی ریشه‌دار در فرهنگ خودمان بود.

در محور دوم برخلاف نظر ابرازشده توسط انجمن‌های اسلامی دانشجویان، فضای غالب در دانشگاه‌های ایران، در دوران استبداد سلطنتی، به ندرت طاغوتی بود. در دوران مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری چه در دوران جنبش‌های قبل از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و چه بعد از آن، دانشگاه‌های ایران، چه دانشجویان، و چه استادان، سهم برجسته‌ای داشته‌اند. نقش دانشگاه‌های ایران در این دوره، با نقش هیچ گروه اجتماعی قابل مقایسه نیست. نباید از حق گذشت و باید انصاف داشت.

در سخنرانی حسینیه ارشاد، من انقلاب فرهنگی و انقلاب آموزشی را از هم تفکیک کردم. انقلاب فرهنگی به معنای تغییر در رفتارها و دیدگاه‌ها، نیاز جامعه ایرانی در سطح وسیع ملی بود. تغییر در رفتارها و دیدگاه‌های افراد باید در سنین پایین‌تر صورت

## ۳۸ □ شخصت سال صبوری و شکوری

گیرد، نه در سطح دانشگاه‌ها. برای انقلاب فرهنگی سه محور مؤثرند: خانه، مدرسه و مسجد. شروع آن باید در همان دبستان و دبیرستان باشد. ارزش‌های جدید باید در خانه و خانواده، توسط پدران و مادران به فرزندان منتقل شوند، اما نه با زبان و سخن، بلکه با رفتار و عمل. برای تغییر در الگوهای رفتاری پدران و مادران، مسجد به‌عنوان یک واحد اجتماعی و روحانیان مساجد باید نقش فعالی ایفا نمایند. روحانیان ایران اگر می‌خواهند آینده انقلاب و جمهوری اسلامی را تعیین کنند، باید به‌جای فعالیت در سطوح سیاسی و اجرایی کشور، به سنگر مساجد برگردند و مساجد را به مرکز تغییر رفتارهای مردم تبدیل نمایند. معنای سخن من نفی ضرورت تغییر در الگوهای رفتاری استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها نبود، بلکه تأکید بر نقش مهم محورهای سه گانه بالا بود.

اما در دانشگاه‌ها نیاز به انقلاب آموزشی داشتیم. در این برنامه، آموزش‌های دانشگاهی باید به تناسب نیازهای جامعه ایرانی خودمان تدوین گردد. سخنان من در مورد انقلاب فرهنگی و نقش مساجد و ضرورت تمرکز فعالیت روحانیت در مساجد، به جای امور اجرایی، با واکنش منفی برخی از بزرگان روحانی آن مجلس، از جمله آیت‌الله مهدوی کنی روبه‌رو شد. برداشت آنان این بود که ما می‌خواهیم روحانیت را از صحنه اجتماعی کنار بزنیم؛ درحالی‌که غرض ما این نبود، بلکه توجه دادن به کار اساسی تغییر در روحيات و رفتارهای مردم بود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَا يُغَيِّرُ اللَّهُ مَا بَقِوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». در انقلاب اسلامی ایران، ساختار سیاسی حاکم را برهم زدیم و ساقط کردیم، اما انقلاب واقعی «اسلامی»، تغییر در نفوس مردم است. در سوره جمعه خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَان كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». انقلاب واقعی، تزکیه و پالایش خود مردم است و مساجد می‌توانند نقش مؤثری در این فرایند داشته باشند، اما متأسفانه چنین نشد. انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها و تصفیه کامل استادان و دانشجویان و گزینش جهت‌دار استادان در مقام بازگشایی دانشگاه‌ها، اهداف مورد نظر حاکمیت را تأمین نکرد و دانشگاه‌ها به‌زودی به همان جایگاه تاریخی خود در مبارزه برای احراز حاکمیت ملت و مقاومت در برابر زور و

### نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۳۹

قانون‌گزیزی تبدیل شدند؛ به طوری که در دولت جدید، صحبت از بستن محدود دانشگاه‌ها به میان آمده است.

تعطیلی دانشگاه‌ها و دست‌چین کردن استادان و دانشجویان اگرچه نفعی برای حاکمیت نداشت، اما لطمه بزرگی به سطح علمی دانشگاه‌ها وارد ساخت که هنوز هم ادامه دارد.

#### گزارش سفر هیئت پارلمانی ایران به چین

در مجلس اول، یک هیئت پارلمانی به ریاست آقای سید محمد خامنه‌ای، به چین رفت. بعد از برگشت از چین در یک جلسه خصوصی مجلس، گزارش سفر خود را ارائه دادند. یکی از فزاینده‌های این گزارش این بود که چینی‌ها به آنها گفته بودند این انقلاب فرهنگی چیست که شما راه انداخته‌اید؟ یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات ما در چین، همین انقلاب فرهنگی بود که چین را بیست سال به عقب انداخت. انقلاب فرهنگی شما و تعطیلی دانشگاه‌ها به ضرر شماست، آن را جمع کنید، اما متأسفانه چنین نشد. حال در معرض تکرار همان اشتباه قرار گرفته‌ایم.

#### پ - آغاز به کار رسمی دوره اول مجلس شورای اسلامی و رسیدگی به اعتبارنامه‌های نمایندگان

با اتمام انتخابات در سراسر کشور و شمارش آرا و رسیدگی به شکایات، وزارت کشور اعتبارنامه برگزیده‌شدگان را صادر کرد و با مشخص و قطعی شدن انتخاب دو سوم نمایندگان، حد نصاب برای رسمیت یافتن مجلس تأمین شد. مجلس در خرداد ۱۳۵۹ رسماً به ریاست سنی آقای دکتر یدالله سجابی افتتاح و کار خود را آغاز کرد. جوان‌ترین نمایندگان به عنوان اعضای هیئت رئیسه انتخاب شدند. یکی از اعضای هیئت رئیسه، آقای عطاءالله مهاجرانی بود که از شیراز انتخاب شده بود، اما برخی از نمایندگان اعتراض داشتند و می‌گفتند ایشان ۲۵ سال تمام ندارد.

در یادداشتی در «روزنامه کیهان» نوشتم: «در روز افتتاح مجلس، وقتی اعضای هیئت رئیسه سنی مجلس در جایگاه خود قرار گرفتند و دکتر سجابی، رئیس سنی مجلس با صدای آرام و متین خود رسمیت نخستین مجلس شورای ملی - اسلامی را

#### ۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

اعلام نمود، ناگهان تقریر تاریخ جدید ملت را مجسم دیدم. به وکیل دزفول که در کنارش نشسته بودم، گفتم نمی‌توانم باور کنم که رویاها و آرمان‌های سالیان دراز فعالیت و تلاش برای استقرار حکومت اسلامی، حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان تحقق یافته است. چه روز پربرکتی و چه پیروزی بزرگی و چه نعمت و مرحمتی. حاج احمدآقای خمینی، پیام تاریخی امام به نخستین مجلس جمهوری اسلامی را قرائت کرد.

وقتی به دعوت دکتر سبحانی، همه نمایندگان مجلس جهت ادای سوگند به پا خاستند و متن سوگند را که وی می‌خواند، نمایندگان با هم دسته‌جمعی تکرار می‌کردند و امواج صداهايشان در تالار مجلس می‌پیچید، من در آن لحظه، حضور تمامی شهدای انقلابمان و فریادهای شادی‌بخش آنان را در مجلس درک کردم. هنگامی که مراسم ادای سوگند تمام شد، در چشم هر کس می‌نگریستی از اشک شوق خیس بود و برق می‌زد. گویی مجلس در آن لحظات، همه تاریخ انقلاب از گذشته و آینده مرا در خود تبلور داده بود و آن را در شفافیت لحظات می‌دید. لحظاتی که همه تاریخ سالیان دراز رنج‌ها، تلاش‌ها و جهدهای هزاران انسان، با عشق و اخلاص و صداقت؛ لحظاتی که همه تاریخند: تاریخی که خون شهیدان ملتی آن را می‌سازد تا آرمان‌ها و آرزوها تحقق یابد. مجلس نخستین، چنین رسالتی را بر عهده دارد و می‌رود با قاطعیت آن را به انجام برساند. والسلام».

اما و اما ... که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها.

#### انتخاب اعضای کمیسیون آیین‌نامه و کمیسیون تحقیق

یکی از اولین اقدامات مجلس، انتخاب دو گروه پارلمانی، «کمیسیون آیین‌نامه اداره جلسات مجلس» و «آیین‌نامه کمیسیون تحقیق» بود.

آیین‌نامه کمیسیون تحقیق در جلسه عمومی مجلس مطرح و تصویب شد و بر اساس آن، اعضای کمیسیون انتخاب شدند که عبارت بودند از آقایان:

دکتر سید احمد صدر حاج‌سیدجوادی، فخرالدین حجازی، هادی غفاری، سید محمد خامنه‌ای، امید نجف‌آبادی، امین سازگارنژاد، محمدصادق خلخالی، سید



#### ۴۱ □ نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ...

محمدحسین میلانی، عبدالواحد موسوی، عباسعلی ناطق نوری، محمدصادق حایری، محمدتقی بشارت، دکتر جواد شیرازیان، نورالله طباطبایی، احمد بهشتی، ایرج صفایی دزفولی، غلامحسین حقانی، محمد رشیدیان، علی اصغر بابایی و دکتر ابراهیم یزدی. با پیشنهاد آقای دکتر سبحانی من هم به عنوان عضو کمیسیون تحقیق انتخاب شدم. گام بعدی، طرح و تصویب اعتبارنامه‌ها در جلسه عمومی و علنی مجلس بود. این یک رویه منطقی و دموکراتیک است که اعضای هر واحد جمعی، اعتبارنامه همه اعضای گروه را تصویب کنند. به دستور رئیس سنی، یکی از منشی‌ها اعتبارنامه نمایندگان را یک‌یک اعلام می‌کرد. هنگام طرح اعتبارنامه هر نماینده‌ای، هر یک از نمایندگان حاضر در مجلس می‌توانست به اعتبارنامه مطرح شده اعتراض کند که در این صورت، پرونده آن نماینده به کمیسیون تحقیق فرستاده می‌شد. فرد معترض در کمیسیون تحقیق حاضر می‌شد و دلایل و مدارک اعتراض به اعتبارنامه یا صلاحیت فرد مورد نظر را در اختیار کمیسیون قرار می‌داد؛ سپس کمیسیون، فردی را که به اعتبارنامه‌اش اعتراض شده بود احضار می‌کرد و دفاعیات او را می‌شنید. اعتراض‌ها از همه نوع بود: هم به صلاحیت فرد بر حسب سوابق او، و هم به سلامت انتخابات. کمیسیون بعد از شنیدن ادعاهای فرد معترض و دفاع فرد مورد اعتراض، رأی خود را در تأیید یا عدم تأیید اعتبارنامه فرد مورد اعتراض، صادر می‌کرد. این رأی توسط دبیر کمیسیون در جلسه علنی مجلس خوانده می‌شد؛ آنگاه موافق و مخالف، صحبت می‌کردند و در نهایت، رأی‌گیری می‌شد. اگر اکثریت اعضای مجلس اعتبارنامه‌ای را رد می‌کرد، آن فرد دیگر نمی‌توانست در مجلس حضور پیدا کند. این‌طور هم نبود که مجلس در تمام موارد، رأی کمیسیون تحقیق را بپذیرد یا رد کند. در هر مورد، گزارش بررسی کتبا در جلسه علنی مجلس خوانده و به بحث گذاشته می‌شد؛ مخالف و موافق صحبت می‌کردند و در نهایت رأی‌گیری می‌شد. در مواردی، مجلس نظر کمیسیون را در رد یا تصویب اعتبارنامه نماینده‌ای می‌پذیرفت و در برخی موارد نمی‌پذیرفت. اعتبارنامه تعداد قابل توجهی از منتحبین، از جمله اعتبارنامه خود من، با اعتراض در جلسه علنی مجلس تصویب شد. برخی از اعتراض‌ها به برخی از اعتبارنامه‌ها، حالت تقابل سیاسی و گروهی پیدا کرده بود.

## ۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

### نامه برای اصلاح آیین نامه کمیسیون تحقیق

در جریان رسیدگی به اعتبارنامه‌های ارجاعی به کمیسیون تحقیق، متوجه برخی نارسایی‌ها در آیین‌نامه کمیسیون تحقیق شدم. لذا پیشنهادات اصلاحی خود را طی نامه‌ای به شرح زیر به کمیسیون آیین‌نامه فرستادم.

بسمه تعالی

۱۳۶۰/۶/۱

«کمیسیون محترم آیین‌نامه

بعد از سلام

با توجه به تجربه رسیدگی به پرونده‌های انتخابات در شعب و کمیسیون تحقیق، به نظر می‌رسد که در مورد چگونگی رسیدگی به پرونده‌های انتخاباتی، می‌بایستی در آیین‌نامه داخلی تغییراتی داده شود که به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

**الف - اعتراض به نحوه انتخابات و احتمالاً ابطال آن:** در این مورد، نماینده منتخب نمی‌تواند و نباید جوابگو باشد، بلکه در چنین مواردی بایستی مسئولین برگزاری انتخابات و وزارت کشور جوابگو باشند. در کمیسیون تحقیق و شعب و یا در جلسه مجلس حضور پیدا کرده و از صحت انتخابات و گزارش خودشان دفاع کنند، بعد مجلس نظر نهایی را بدهد.

**ب - اعتراض به صلاحیت نماینده منتخب:** در این موارد خود نماینده باید از صلاحیت خود دفاع نماید، چه در کمیسیون و چه در جلسه علنی مجلس.

**ج - باید پیش‌بینی شود که اگر اعتراض به نحوه انتخابات و صلاحیت نماینده برگزیده مردم بود، ابتدا باید نحوه انتخابات رسیدگی شود و چنانچه اصل صحت انتخابات تأیید شد، آنگاه مسئله صلاحیت نماینده بحث شود. تفکیک این دو مسئله به روشن شدن برخی نکات و جلوگیری از اشکالات بعدی کمک مؤثر خواهد کرد. امیدوارم این تذکرات و پیشنهادات مؤثر واقع گردد.**

با تشکر. دکتر ابراهیم یزدی - ۱۳۶۰/۶/۱.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۴۳

### سوابق نمایندگان در ساواک

برای رسیدگی دقیق‌تر به اعتبارنامه‌ها، طی یادداشتی به شرح زیر برای آقای دکتر یدالله سحابی، رئیس سنی مجلس، از ایشان خواستم خلاصه پرونده نمایندگان در ساواک درخواست و برای کمیسیون تحقیق فرستاده شود.

«بسمه تعالی

ریاست محترم سنی مجلس شورای اسلامی

استدعا می‌شود دستور فرمایید از مرکز اسناد ملی و مراکز ساواک در شهرستان‌ها و استان‌ها پرونده کلیه کسانی را که توسط شعب مجلس و یا به علت اعتراض و مخالفت در جلسه علنی مجلس به این کمیسیون ارجاع شده‌اند، به کمیسیون تحقیق ارسال دارند.

با تشکر - دکتر ابراهیم یزدی، مخبر کمیسیون تحقیق - ۱۳۵۹/۳/۲۲».

آقای دکتر سحابی از این پیشنهاد استقبال کرد و در مدت چند روز خلاصه پرونده تقریباً تمام نمایندگان واصل شد. در گزارش پرونده‌ها مطالب جالب و خواندنی، فراوان دیده می‌شد: مثلاً نماینده‌ای که در زندان شاه بود به تیمسار ... و دیگری به شاه نامه نوشته و اظهار بندگی کرده بود. یک مورد جالب دیگر، نماینده یکی از شهرستان‌ها بود که در دوران ستم‌شاهی عضو سازمان مجاهدین خلق بود، اما با ساواک همکاری می‌کرد. همین نماینده، بعدها به مقامات بسیار حساس و مهمی تا سطح وزیر منصوب شد؛ یا نماینده‌ای که در زمان رژیم سابق به شهری تبعید شده بود و جوانان شهر به دیدار او می‌رفتند. در میان دیدارکنندگان چند خانم جوان هم بودند که یکی از آنها به دیدارهای خود ادامه می‌دهد و به تدریج بین این دو روابطی به وجود می‌آید و ساواک از این روابط فیلمبرداری می‌کند، و از آن برای خاموش کردن این فرد استفاده می‌کند. این روحانی جوان در کشمکش‌های بعد از سال ۱۳۶۰ ترور شد.

### پرونده‌های نمایندگان مجلس در سفارت آمریکا در کمیسیون تحقیق

همچنین برای انجام بهتر تحقیق، از کمیته مستقر در سفارت آمریکا درخواست شد پرونده نمایندگان که اسنادی درباره آنان از این سفارتخانه به دست آمده به کمیسیون

#### ۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

تحقیق بدهند. این پرونده‌ها از سفارت آمریکا به کمیسیون تحقیق رسید و مبنای تحقیق قرار گرفت.

پس از ارسال سوابق نمایندگان در ساواک، در جلسه علنی مجلس بحث و مقرر شد برای رسیدگی به سوابق نمایندگان مجلس از کلیه سازمان‌های ذی‌ربط مدارک لازم خواسته شود. در واکنش به این تصمیم، سخنگوی دانشجویان اشغال‌کننده سفارت آمریکا، در گفتگویی کوتاه با «روزنامه اطلاعات»، اعلام کرد: کلیه پرونده‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در لانه جاسوسی موجود بوده به کمیسیون تحقیق مجلس ارجاع شد. همچنین با توجه به پیشنهاد نمایندگان مبنی بر اینکه اگر مردم نیز آگاهی‌هایی از پیشینه و شخصیت نمایندگان دارند در اختیار کمیته تحقیق بگذارند، تصور می‌رود تا این لحظه اطلاعات بسیاری در هیئت تحقیق پیرامون سوابق نمایندگان گردآوری شده است.

نمایندگانی که پرونده آنها به کمیسیون تحقیق ارجاع می‌شود، عبارتند از: دکتر ابراهیم یزدی، احمد صدر حاج‌سیدجوادی، فخرالدین حجازی، هادی غفاری، سید محمد خامنه‌ای، امید نجف‌آبادی، امین سازگارنژاد، محمدصادق خلخالی، سید محمدحسین میلانی، عبدالواحد موسوی، عباسعلی ناطق نوری، محمدصادق حایری، محمدتقی بشارت، دکتر جواد شیرازیان، نورالله طباطبایی، احمد بهشتی، ایرج صفایی دزفولی، غلامحسین حقانی، محمد رشیدیان و علی اصغر بابایی.

همچنین با توجه به پیشنهاد نمایندگان مبنی بر اینکه اگر مردم نیز آگاهی‌هایی از سوابق نمایندگان دارند در اختیار کمیته تحقیق بگذارند، تصور می‌رود تا این لحظه اطلاعات بسیاری در اختیار کمیته تحقیق قرار گرفته باشد (روزنامه اطلاعات).

#### رویارویی‌های سیاسی

با شروع بررسی اعتبارنامه‌ها، صف‌بندی‌ها و رویارویی‌های سیاسی نیز نمایان شد. از جمله نمایندگان عضو حزب جمهوری اسلامی با اعتبارنامه آقای احمد سلامتیان و دکتر غضنفرپور، از نزدیکان آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر مخالفت کردند. در مقابل، هواداران آقای بنی‌صدر، از جمله شیخ صادق خلخالی، با اعتبارنامه دکتر حسن آیت

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۴۵

مخالفت کردند. در نتیجه پرونده هر سه به کمیسیون تحقیق ارجاع داده شد، ولی در نهایت طرفین با هم کنار آمدند و اعتبارنامه هر سه نفر تصویب شد. در پرونده آقای احمد سلامتیان چیزی نبود که از آن علیه وی استفاده شود [پیوست ۶]، اما در پرونده حسن آیت، شرح مفصل همکاری مستمر وی با حزب زحمتکشان ملت ایران<sup>۱</sup> و دکتر مظفر بقایی<sup>۲</sup> وجود داشت. یکی از اعضای شورای مرکزی این حزب با ساواک همکاری داشت و گزارش کامل مذاکرات این شورا را برای ساواک می‌فرستاده است. مرحوم حسن آیت از سال ۱۳۳۹ با حزب زحمتکشان همکاری می‌کرده است. علاوه بر پرونده حسن آیت، با درخواست من از مرحوم دکتر سبحانی، خلاصه پرونده دکتر مظفر بقایی در ساواک هم تهیه و ارسال شد. در این خلاصه پرونده، روابط محرمانه دکتر بقایی از سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ با سفرای آمریکا و انگلیس منعکس شده بود.

به نظر می‌رسید با گزارش کمیسیون تحقیق درباره سوابق حسن آیت، اعتبارنامه وی از طرف مجلس تصویب نشود. شاید به همین علت، در نهایت هر دو طرف دعوا (مخالفتان اعتبارنامه سلامتیان و آیت) با هم کنار آمدند و اعتبارنامه هر دو پذیرفته شد [پیوست ۷]. من شخصاً به اعتبارنامه حسن آیت رأی ندادم و دلایل خود را نیز طی مقاله‌ای با عنوان «گزارش به موکلین برای رأی کبود به آیت» در «روزنامه کیهان» منتشر کردم (متن کامل این مقاله در: «مجموعه آثار، جلد دوم، مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۵۹» آمده است. پس از انتشار این گزارش، نامه‌ها و تماس‌های تلفنی بسیاری در تأیید و پشتیبانی و نامه‌هایی نیز در انتقاد از رأی این‌جانب، به دفتر

---

۱. حزب زحمتکشان ملت ایران از احزاب سیاسی در دوره پهلوی دوم به‌شمار می‌آید که در سال ۱۳۳۰ از سوی خلیل ملکی و مظفر بقایی بنا نهاده شد (ویراستار).  
۲. مظفر بقایی کرمانی (زاده تیر ۱۲۹۱ در کرمان - درگذشته ۱۳۶۶ در تهران) از کنشگران سیاسی ایرانی، مؤسس و رهبر حزب زحمتکشان ملت ایران و از بنیان‌گذاران جبهه ملی ایران بود که از سال ۱۳۳۱ به مخالفت با دکتر مصدق برخاست و تا کودتای ۲۸ مرداد از سرسخت‌ترین مخالفان او بود. نیروهای مظفر بقایی و اعضای حزب زحمتکشان ملت ایران در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقش فعالی داشتند (ویراستار).

## ۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

روزنامه فرستاده شد. آقای آیت هم به مقاله من پاسخ داد که آن را نیز عیناً در روزنامه چاپ کردیم.<sup>۱</sup>

آقای محمد رشیدیان<sup>۲</sup>، از اعضای فراکسیون حزب جمهوری در مجلس، به گمان اینکه آن گزارش از سوی کمیسیون تحقیق منتشر شده، نامه‌ای انتقادی خطاب به «کمیسیون تحقیق» نوشت و آن را در «روزنامه جمهوری اسلامی»، ارگان حزب حاکم، چاپ کرد. این در حالی بود که مقاله من، نامه کمیسیون تحقیق نبود، بلکه یک گزارش فردی بود و من نیز آن را با امضای خودم منتشر کرده بودم. در واکنش به چاپ آن نامه، این بار با عنوان کمیسیون تحقیق، یادداشتی برای «روزنامه جمهوری اسلامی» فرستادم [پیوست ۸].

جمعاً ۳۴ اعتبارنامه به کمیسیون تحقیق ارجاع شد، که ده مورد آنها رد شدند. یک نماینده (آقای شجاعی از زنجان) خودش استعفا داد. بعضی از اعتبارنامه‌ها به دلایل عدم صلاحیت شخصی فرد و برخی دیگر به دلیل مخدوش بودن انتخابات، رد شد. نمایندگانی که اعتبارنامه آنان رد شد، عبارت بودند از: سید احمد مدنی از کرمان، اسدالله جوانمردی، از میانه [پیوست ۹]، محمدتقی مطهری از فریمان، فرهمندپور، نماینده کلیمیان، خسرو قشقایی از اقلید، شیخ اسماعیل معزی از ملایر و ریگی از خاش.

آقای شجاعی، نامه استعفای خود از نمایندگی مجلس را، برای روزنامه‌ها، از جمله «روزنامه کیهان» - که در آن زمان مدیر مسئول آن بودم - فرستاد. از آنجا که یکی از وظائف اولیه هر روزنامه‌ای خبررسانی به مردم است، «روزنامه کیهان» هم در این راستا استعفانامه آقای شجاعی را چاپ کرد؛ اما آقای هاشمی رفسنجانی و یاران حزبی‌اش به ناحق اعتراض می‌کردند که چرا «روزنامه کیهان» چنین نامه‌ای را چاپ کرده است! [پیوست ۱۰].

---

۱. گزارش کامل این مقاله و پاسخ آیت و نامه‌ها و تماس‌های مربوط به آن در فصل سوم از جلد ششم خاطرات دکتر یزدی با عنوان «مدیریت مؤسسه کیهان» آمده است.  
۲. نماینده مجلس از حوزه آبادان در دوره‌های اول، دوم، سوم و ششم.

### اعتبارنامه شیخ اسماعیل معزی

یک مورد جالب دیگر، اعتبارنامه حجت الاسلام والمسلمین شیخ اسماعیل ملایری، نماینده ملایر بود که با اعتراض شیخ صادق خلخالی به کمیسیون تحقیق ارجاع شد. اعتراض خلخالی این بود که در سال‌های ۱۳۲۶ یا ۱۳۲۷، مرحوم نواب صفوی و واحدی به قم و به دیدار طلاب مدرسه فیضیه می‌روند، اما شیخ اسماعیل با همکاری یک فرد دیگری این دو را به سختی کتک می‌زنند و از مدرسه فیضیه بیرون می‌کنند. شیخ اسماعیل ملایری در پاسخ به اعتراضات خلخالی، طی دفاعیه خود گفت: اخراج آن دو از مدرسه فیضیه، به دستور آیت الله بروجردی - که ولی فقیه آن زمان من بود - انجام گرفته بود و نباید او را به‌خاطر اجرای دستور ولی فقیه جریمه و مجازات کنند. ملایری در اعتراض به حملاتی که به او شده بود، در مجلس متحصن شد.

بسمه تعالی

ریاست محترم سنی مجلس شورای اسلامی ۱۶ تیر ۱۳۵۹

گزارش کمیسیون تحقیق در مورد انتخابات ملایر و اعتبار نامه آقای اسماعیل معزی پرونده انتخابات ملایر و اعتبارنامه آقای معزی که از طرف شعبه نهم به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. آقای معزی در کمیسیون تحقیق حضور به هم رسانیده و توضیحات لازم را دادند. همچنین شخصیت‌های مطلع و معتبر در کمیسیون حضور به هم رسانیده و توضیحات مورد نظر را دادند. علاوه بر این، اشخاص مطلع کتباً مطالب مورد بحث را برای کمیسیون تحقیق ارسال داشتند. کمیسیون تحقیق، بعد از استماع مدافعات آقای معزی و شهادت شهود معتبر، رأی خود را به شرح زیر به عرض مجلس محترم می‌رساند:

از آنجا که تلاش‌های پیگیر سالیان دراز مسلمانان معتقد و مبارز، من جمله فداییان اسلام در رشد و توسعه انقلاب اسلامی ایران، نقش سازنده و مؤثری را داشته است، و از آنجا که تضعیف و ترور شخصیت مرحوم شهید مجتبی میرلوحی معروف به نواب صفوی و یارانش بالاخره منجر به جرئت و گستاخی دستگاه جبار و برانداختن نهضت فداییان اسلام و شکنجه و اعدام دسته‌جمعی سران این نهضت گردید، کمیسیون تحقیق اتهامات آقای اسماعیل معزی را به دو قسمت جداگانه تقسیم می‌کند: قسمت اول،

## ۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

کبرای قضیه، و اینکه شرکت در ترور شخصیت فداییان اسلام، موجب سلب صلاحیت عضویت در مجلس شورای اسلامی است. قسمت دوم، صغری قضیه که شرکت آقای اسماعیل معزی در این جریان است که به عهده شهادت شهود عینی ذی صلاح می باشد. کمسیون تحقیق، تحلیل نهضت فداییان اسلام را به طور مشروح لازم می داند؛ زیرا انقلاب اسلامی موجود، رهین خدمات و فداکاری های نواب صفوی و یاران اوست. نواب بود که جنگ اعلام شده اسلام را با ائمه کفر در زمینه های ایدئولوژی و سیاسی و اجتماعی و نظامی و حساس ترین میدان ها به پایان برد: «قاتلوا ائمة الکفر إنهم لا ایمان لهم لعلهم ینتهون».

اعدام انقلابی امام مشهور کفر و ایدئولوژی (احمد کسروی) و هژیر، مهره سیاسی و اجتماعی استعمار، و رزم آرا، چهره نظامی و سیاسی دستگاه پلید طاغوت و کفر، نقش اساسی در معرفی اسلام و مسلم داشت. ملت تحقیر شده ما که به حد یأس از حرکت و قیام رسیده بود، با عملیات انقلابی نواب صفوی و سایر مسلمانان معتقد در خود احساس غرور و عزت کرد و از جای خود جنبید و صحنه هایی چون سی ام تیر را به وجود آورد؛ لذا استعمار کوشید تا برای جلوگیری از رشد حرکت اصیل اسلامی، ایجاد تفرقه نماید: تفرقه میان جناح های مختلف مبارزین مسلمان.

استعمار کوشید که روحانی را با روحانی بکوبد و فیضیه را محل سرکوب فرزندان عزیز اسلام به دست افرادی چون شیخ علی طاهری و امثال وی که قبلاً ذهن مقامات بزرگ حوزه را نسبت به فداییان اسلام و مقاصد آنان مشوب و ضمن کسب اجازه جهت متفرق کردن ایشان به ترور شخصیت آنان پرداختند.

بحث در این نیست که چون اقدام کنندگان به ضرب و جرح فداییان اسلام به حجت شرعی و فرمان مقامات رسمی دینی متمسک بوده اند، از تعرض مصون و از خلاف عدالت مبری هستند، بلکه بحث در این است که جنایات هولناک کوبیدن نواب صفوی و یاران او، طبق حجت شرعی است؛ اگر نه به دلیل حجت شرعی، این اعمال انجام شده بود، به هیچ وجه نهضت فداییان خاموش نمی شد، بلکه با شهادت آنها شعله ورتر می گشت.



## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۴۹

بحث در این نیست که چرا مقامات دینی چنین مجوزی را صادر کردند، بلکه بحث در این است که آوردن دست مقامات دینی خود موجب ترور شخصیت همان مقامات منبع روحانی در جامعه ما بوده است. با انتساب این مجوز به مقامات عالی حوزه علمیه، استعمار نه تنها موجبات تضعیف فداییان اسلام را فراهم نمود، بلکه به بهترین وجه به تضعیف رابطه مردم و مرجعیت توفیق یافت.

اکنون که انقلاب شکوهمند اسلامی ثمرات اولیه خود را نشان می‌دهد، برای حفظ اعتبار مجلس شورای اسلامی و تقویت پایگاه اجتماعی آن در میان مردمی که محبت و احترام به مبارزین اصیل و مسلمان متعهد، نظیر نواب صفوی و یارانش در گوشت و استخوان آنان جای دارد، از کلیه کسانی که به نحوی در تضعیف آن سربازان فداکار شرکت کرده‌اند، می‌خواهد که ضمن تدارک گذشته، در سنگری غیر از نمایندگی شورای اسلامی فعالیت نمایند.

در قسمت دوم، شهود بایستی به حس و نه به حدس، به علم نه به ظن، به چشم و نه به گوش، صرفاً به جهت ادای وظیفه، نه تسویه حساب شخصی اقامه شهادت نمایند و اعتبار مجلس و انقلاب اسلامی را بالاتر از آن بدانند که آن را وسیله تصفیه حساب شخصی نمایند. کمیون تحقیق با توجه به نکات بالا، با اکثریت آرا، اعتبارنامه آقای معزی را مردود اعلام می‌دارد.

باتشکر - ابراهیم یزدی، مخبر کمیون تحقیق - ۱۳۵۹/۴/۱۶

### دفاعیات آقای معزی

آن شبی که این حادثه اتفاق افتاد، من هم مورد هجوم بوم و بسیاری از دوستان زود مرا فراری دادند و بردند در یک حجره‌ای و در را از بیرون قفل کردند و این آقایان هم نتوانستند مرا پیدا کنند، و الا معلوم نبوده من آن شب زنده از مدرسه فیضیه بیرون می‌رفتم. اصل قصه این بود؛ با اینکه برنامه‌ای نبود که اسم مراجع برده شود، ولی مسئله این بود. این گروه اسلامی جان برکف که هیچ هدفی جز تشکیل حکومت اسلامی نداشتند و نوعاً هم متعجب بودند و با سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کردند. آنان در آن روزگار تصمیم گرفتند با رژیم شاهنشاهی مبارزه کنند و ابتدایش هم از ورود جنازه پلید آن رضا پالانی به قول آقای دکتر یزدی بود. از آنجا شروع شد و جو را چنان

## ۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

عوض کردند که حتی آنها<sup>۱</sup> زیر سرنیزه، جنازه آن پلید را وارد این کشور کردند. از آنجا مبارزه شروع شد. اینها شهادتنامه خود را نوشته بودند، وصیتنامه خود را نوشته بودند و به عشق شهادت تصمیم گرفته بودند ریشه این رژیم را برکنند، ولو با دادن هزاران قربانی و فدا شدن. فجایع شاه سابق را بیان کردند و هر روز در مدرسه فیضیه سخنرانی بود. نوبت هم گذاشته بودند اگر نفر اول دستگیر شد، به وسیله نفر دوم، بعد نفر سوم و چهارم - که یادم نیست نوبت من هم نفر چهارم بود یا پنجم - این کار ادامه پیدا کند. اینها روزه می گرفتند و غسل می کردند. با این کیفیت برنامه را شروع کردند دستگاه رژیم آن روز تصمیم گرفت این حرکت را بکوبد. خود مرحوم آیت الله العظمی بروجردی که پاک و منزّه بود، لیکن عواملی را وادار کردند که ذهن ایشان را برگرداند که اینها مخالف حوزه و مخالف مرجعیت هستند. بر این اساس مرحوم آیت الله بروجردی فرمودند بر اینکه [اینها را از فیضیه بیرون کنند]، ولی فرمودند بروید بنزید. یک مرجع هیچ وقت امر به کتک زدن نمی کند، امر به چماق نمی کند. فرمودند به اینها بگویید متفرق بشوند. اینها قصد دارند حوزه را برهم بزنند، ولی اگر یک فرد یا دسته ای جنایتی کردند حق ندارند آن عمل را به مرجع تقلید منتسب کنند. این دلیل بر این نیست که عملیات اینها را آن مرجع تصدیق می کند. یک عده ای که یک اتاق چماق آورده بودند توی مدرسه، آن هم چماق های تراشیده؛ و آمدند به مدرسه. ایشان گفتند: شهادت بدهید که من زده ام. من بودم در مدرسه. البته نمی توانم شرعاً شهادت بدهم که ایشان زدند. چوب را بلند کردند، اما سردسته بودند، فرمانده بودند، شاه هم ممکن است یکی را خودش نسوزانده باشد، ولی عمالش این کار را کردند؛ بنابراین، این دلیل نمی شود اگر کسی ندید که شخصی کاری کرده [علیه او شهادت دهد]، مگر کسی جرئت می کرد از دست این چماق به دست ها که در رأس ایشان قرار داشت آنجا بایستد. بنابراین، مسئله این بود و حتی جلسه دادگاه داشتند. فردا صبحش که شد من آمدم مدرسه. خیال کردم اوضاع تمام شده. مرا بردند در یک اتاق محاکمه کردند. می خواستند همان جا من را بکشند یا بزنند. دو نفر از شاگردان من آنجا بودند که من

---

۱. شاه و دار و دسته اش.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۵۱

را می‌شناختند و پیش من درس خوانده بودند که یکی از آنها اهل خرم‌آباد بود. گفتند اگر دست به طرف ایشان دراز کنید ما هم شما را خواهیم زد. بین خودشان اختلاف افتاد و من آن وسط سالم ماندم و بعد منجر به این شد که من از مدرسه رفتم و شهریه من را هم قطع کردند، ولی بعد در حوزه ماندم تا خود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی متوجه شدند که من تقصیر نداشتم و من را خواستند مورد محبت قرار دادند و تا آخر حتی ماموریت‌های مختلفی هم به من واگذار می‌کردند؛ بنابراین، ایشان جزو سردسته گروه ضربت بود.

موقع نماز مغرب و عشا بود؛ مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سید محمدتقی خوانساری امامت داشتند. فداییان اسلام در باغچه مدرسه جمع بودند که فریاد بلند شد بزنید که یکی از آن فداییان به آیت‌الله خوانساری پناه برد و ایشان برای نماز ایستاده بودند و نتوانستند حمایت کنند. بعد از نماز، گروه مهاجم را دیدم، ولی چون تازه به خود آمده بودم، افراد را نمی‌شناختم؛ پرسیدم کیستی؟ طلاب گفتند: حاج شیخ اسماعیل ملایری است.

آقایان، دو گروه بودند: یک گروه همیشه در جریان مخالفت با مبارزین و فداکاران، منتها در لباس اسلام و در لباس حمایت از مراجع این برنامه را انجام می‌دادند و بعدش هم در قم یک عده طلاب روشنفکر مبارز بودند. یک گروه هم این گروه بودند که در مقابل آنها که حالا من تکرار نمی‌کنم و من عقیده‌ام این است که این آقایان بزرگ‌ترین گناهشان این است که خودشان را به مراجع منتسب می‌کنند؛ یعنی عمل زشتی انجام می‌دهند و خودشان را به آیت‌الله بروجردی یا آیت‌الله دیگری منتسب می‌کنند. ما چنین حقی نداریم بر اینکه آنها را به اعمال زشت خودمان آلوده کنیم و این گروه بودند که بعد هم در تمام مبارزات شرکت داشتند، حالا به عنوانی دور یک آقای را می‌گرفتند و به هر عنوانی که می‌توانستند این گروه را می‌کوبیدند تا آنجایی که آن برادر اشاره فرمودند که در مسجد اعظم قم، اینها را انداختند. حالا ایشان بودند یا نه، من شرعاً نمی‌توانم بگویم.

پس از گفتگوهای بسیار، در نهایت، اعتبارنامه شیخ اسماعیل معزی ملایری تصویب شد.

**پرونده جالب آقای اعظمی**

شرح این پرونده: پرونده انتخاباتی خرم‌آباد و اعتبارنامه آقای اعظمی را که توسط شعبه چهارم به کمیسیون ارجاع شده بود، در جلسه مورخ ۲۴ خردادماه ۱۳۵۹ بررسی و به اکثریت آراء، اعتبارنامه آقای اعظمی و صحت انتخابات خرم‌آباد تصویب شد.

آقای اعظمی از مبارزان برجسته دوران پیش از انقلاب بود که با اعتقاد به مبارزه مسلحانه به کوهستان می‌رود، اما دستگیر می‌شود. ساواک، تمام خانواده اعظمی و سران ایل بیرانوند را نیز دستگیر می‌کند. آقای اعظمی در دادگاه به حبس ابد محکوم می‌شود و در سال ۱۳۵۶ در زمانی که بسیاری از زندانیان سابقه‌دار را به تدریج آزاد می‌کردند، آقای اعظمی را هم از زندان آزاد می‌کنند و او به منطقه برمی‌گردد و به موجب اسناد، مورد استقبال فراوان مردم قرار می‌گیرد و حزو اسناد است که آقای اعظمی یادداشتی به ساواک داده و ضمن اینکه در دادگاه و در محاکمات اعتراف کرده که با پسرش در تهیه تدارکات و وسایل همکاری می‌کرده، ولی از محل اختفای او بی‌خبر است و نمی‌داند کجاست، ولی در آنجا تعهد کرده که بعد از اینکه آزادش می‌کنند اگر مطلع بشود خبر بدهد، ولی چیزی که دال بر این باشد که این کار را کرده در پرونده موجود نیست. بعضی از نمایندگان، شبهاتی مطرح کردند که گویا آقای اعظمی با «سازمان چریک‌های فدایی خلق» و گروه‌های منحرف همکاری می‌کرده و می‌کند. به موجب رسیدگی‌هایی که کمیسیون کرد و شهادت‌هایی که استماع کرد، رفع این شبهه شد. برای اعضای کمیسیون که این رأی را دادند محرز شد که آقای اعظمی با آن گروه‌های انحرافی همکاری ندارد و آنها را قبول هم ندارد؛ حتی با بعضی از افراد محلی که ما صحبت کردیم، در مورد ماهیت فکری خود دکتر اعظمی بحث بود که آیا او مارکسیست هست یا خیر، شواهدی را ارائه دادند که او مسلمان است. یکی از کسانی همزمان با آقای اعظمی در زندان و هم‌سلول او بوده است، در مورد آقای اعظمی بزرگ که مورد بحث است، گواهی می‌دهد که بچه‌های او اهل نماز بودند و حتی در زندان هم نماز می‌خواندند.

اسناد ساواک و نیز اطلاعات افرادی از ایل بیرانوند که به کمیسیون آمدند و در مورد اعظمی بزرگ گزارش دادند این بود که او در سال ۱۳۱۲ در لرستان دستگیر

### نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۵۳

می‌شود و به خراسان (کلات نادری) تبعید می‌شود در شهریور ۱۳۲۰ به خراسان برمی‌گردد و با مأمورین ارتش همکاری می‌نماید، خود را کاندیدای نمایندگی دوره هفدهم مجلس می‌نماید و آرای قابل توجهی به دست می‌آورد.

در سال ۱۳۳۲ به خاطر اینکه بتواند در دوره هجدهم نمایندگی موفق شود، درصدد تشکیل جمعیت طرفدار نهضت ملی برمی‌آید و لکن موفق نمی‌شود و پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دستگیر می‌شود که حدود دو ماه در فرمانداری نظامی تهران بازداشت و سپس با اعلام تنفر از حزب توده و به جا آوردن مراسم قسم آزاد می‌شود.

در سال ۱۳۴۵ تقاضای صدور جواز اسلحه می‌نماید که با تقاضایش مخالفت می‌شود، ولی در سال ۱۳۵۰ با تقاضای صدور جواز اسلحه شکاری جهت وی موافقت می‌شود. در سال ۱۳۵۳ پس از کشف شبکه‌ای که هوشنگ اعظمی در خرم‌آباد به وجود آورده بود و هدفش ایجاد جنگ چریکی علیه رژیم وقت بود که بتواند جنبش توده‌ای کمونیستی به وجود آورد، نام‌برده دستگیر می‌شود تا هم رابطه‌اش با گروه مشخص شود و هم محل اختفای فرزندش را به ساواک گزارش نماید. وی در بازجویی‌ها کمک به گروه و رابطه‌اش را با گروه در جهت تدارکات و پشتیبانی اعتراف می‌کند، ولی از محل اختفای فرزندش ابراز بی‌اطلاعی می‌نماید و سرانجام به حبس ابد محکوم می‌شود؛ لذا وی چندین بار تقاضای عفو نموده بود که با توجه به پیری وی و اظهار ندامتش و ضعف مالی خانواده‌اش مورد عفو قرار می‌گیرد و در تاریخ ۱۳۵۶/۵/۲۷ آزاد می‌شود و به خرم‌آباد بازمی‌گردد و مورد استقبال اکثر مردم منطقه قرار می‌گیرد.

وی پس از آزادی مجدداً شروع به فعالیت می‌نماید و با اکثر سران قبایل و خان‌های منطقه در جهت مبارزه با رژیم تماس می‌گیرد. البته وی معتقد به مبارزه روحانیون نبوده، بلکه مشوق جنگ چریکی بوده است و ساواک فعالیت‌های وی را تحت مراقبت قرار داده بوده است.

یکی از نمایندگان (صفتی) راجع به اینکه در سال ۱۳۵۶ هم ایشان چند بار تقاضای عفو داده‌اند و با عفو آزاد شدند، پرسید، که من توضیح دادم آنچه را که من خواندم خلاصه پرونده آقای اعظمی در مرکز اسناد ملی یعنی ساواک منحل است. توجه می‌فرمایید که اینها جمع‌بندی‌های ساواک بوده. اینکه با این گروه همکاری

## ۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌کرده، کمونیستی بوده یا نبوده، با روحانیت موافق بوده و یا نبوده، همه اینها جمع‌بندی‌های ساواک است. چون آقایان خواستند من بخوانم من عیناً خواندم. کمیسیون، همه این مسائل را بررسی کرده و من رأی نهایی کمیسیون را به مجلس محترم گزارش می‌دهم. اگر چنانچه سندی یا حرفی یا مطلبی باشد و در این پرونده وجود نداشته باشد و ما نتوانیم آن شایعه را مستند بکنیم یا دلیل موجه به کمیسیون ارائه داده نشود، واضح است که کمیسیون نمی‌تواند به آن شایعه و آن حرف ترتیب اثر بدهد. اگر کسی آمد گفت فلان فرد در منطقه معروف به شراب‌خواری است، این وظیفه مدعی است که بیاید در آنجا و اسناد مستدل و موجه خودش را ارائه بدهد و اگر دلیلی ندارد، باید خودش حرفش را پس بگیرد؛ بنابراین، بر عهده مدعی است که دلایلش را بیاورد و ارائه بدهد. ما چیزی را که بتواند این را با دلیل موجه ارائه بدهد، ندیدیم.

در نهایت اعتبارنامه آقای اعظمی از خرم آباد تصویب شد.

### درباره اعتبارنامه آقای اسدالله جوانمردی، نماینده میانه

عکسی از شاه دارد و افتخار می‌کند که با شاه بودم. عکس را به ارومیه فرستاده‌اند و تکثیر کرده‌اند.

موسوی تبریزی: عرض کردم و حالا می‌خواهم آن را توضیح بدهم که سال گذشته مجلس خبرگان که بود، اول کسی که با «حزب جمهوری خلق مسلمان ایران» - نه فقط حزب آمریکایی، بلکه حزب تمام ابرقدرت‌های استعماری - اول کسی که مخالفت کرد من بودم؛ [زیرا] مقدم مراغه‌ای - آن مرد آمریکایی، مردی که مجری سیاست‌های استعماری و تمام غلط‌های عالم در ایران بوده - [با استفاده از ناآگاهی مردم برایش این چنین تبلیغ شده بود که] اگر کسی به این مقدم مراغه‌ای رأی ندهد به فتوای فلان آقا، زنش برایش حرام است. این را در تمام دهات آذربایجان در تمام سطح شهر مخصوصاً آن جاها که مردم سواد نداشتند آن جاها که مردم جاهل بودند، از جهل مردم این رقم استفاده شده است.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۵۵

جوانمردی: مردم به قول شما برای آنکه به باطن قضیه پی ببرند از سخنرانی ما استقبال می‌کردند. آن روز که مسئله وزارت کشور بود، این حمله‌داران سعی می‌کردند آن علمایی را که متنفذند و محبوبیت دارند و به دور آنها حاجی زیاد جمع می‌شود، آنها را به حج ببرند و روحانی کاروان بکنند و حقوقشان زیاد بشود و درآمدشان هم زیاد بشود؛ لذا به ما اصرار می‌کردند و ما را با خودشان به عنوان روحانی کاروان می‌بردند. بعد مسئله وزارت حج و اوقاف پیش آمد، باز چون مردم می‌دیدند که در هر کاروانی که ما هستیم استقبال زیادی هست.

... همچنین چون ارجاع این پرونده‌ها به کمیسیون تحقیق از طریق جلسه عمومی است، نمایندگان محترمی که از آن امر مطلع می‌شوند و سند یا اسنادی نسبت به آن شخص و یا آن پرونده دارند، آن را در اسرع وقت به کمیسیون بدهند تا کمیسیون بتواند بررسی بکند قبل از آنکه آن مطلب به جلسه علنی کشیده بشود و فرصت بررسی و رسیدگی نسبت به آن قضیه پیدا نشود. پرونده‌هایی نظیر همین پرونده‌ای که از شعبه ۸ در اینجا قرائت شد که رأی ممتنع داشته، به این معنا است.

لاهورتی: به‌عنوان موافق بگویم و بعد موفق نشوم آنچه را که باید اینجا بگویم، آن وقت به‌عنوان موافق با آقای جوانمردی متهم بشوم این بود که منصرف شدم.

چقدر خوب بود که ما تصویب می‌کردیم یک کت و شلوار اینجا می‌آوردیم؛ چون عنوان نمایندگان مردم را داریم، کت و شلوار را به تن آقای جوانمردی می‌کردیم و می‌گفتیم مجلس شورای اسلامی این حق را دارد که این شخص که شصت نفر طلبه‌ای را که معلوم نبوده چه جور ساخته شده، آورده و مردم میان‌دوآب را فریب داده‌اند تا همچون شخصی را به نمایندگی مجلس رسانیده‌اند. ما نمایندگان مردم ایران این حق را داریم که عمامه ایشان را تحویل بگیریم و ایشان را بدون عمامه بفرستیم بیرون.

دیروز پس از رد اعتبارنامه در مجلس شورای ملی، نماینده میانه خلع لباس شد

**اسناد همکاری نماینده میانه با ساواک**

در گزارش دیروز مخبر کمیسیون تحقیق «دکتر ابراهیم یزدی» به اسناد همکاری اسدالله جوانمردی با ساواک اشاره کرد. سرویس سیاسی کیهان دو مقوله از اسناد را که

## ۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

شرح آن در گزارش مخبر کمیسیون تحقیق آمده است، چاپ می‌کند. این اسناد تأیید گزارش کمیسیون تحقیق به مجلس شورای اسلامی است که می‌بینید.

دیروز پس از رد اعتبارنامه نماینده میانه، اسدالله جوانمردی، وی از سوی حجت الاسلام بیات، قاضی شرع دادگاه‌های شهرهای شیراز، ابهر و گنبد خلع لباس شد. گزارش کمیسیون در مورد رد اعتبارنامه آقای جوانمردی نماینده شهر میانه درباره عکس‌های وی با شاه مخلوع و ایادی رژیم، تماس با ساواک و بنیانگذاری حزب جمهوری خلق مسلمان در آذربایجان بود و او از ۱۹۵ تن نماینده حاضر در جلسه ۱۴۷ رأی مخالف، ۷ رأی ممتنع و ۴۱ رأی موافق آورد.

«کیهان» طی گفتگویی که در زیر می‌خوانید علل خلع لباس این نماینده را آورده است. همچنین کمیسیون تحقیق اعتبارنامه این نماینده را رد کرد و همین رد اعتبارنامه باعث عدم تصویب آن در مجلس نیز شد. متن گزارش را مخبر این کمیسیون دکتر ابراهیم یزدی به مجلس آورده است.

در ابتدا گفتگوی خبرنگار سیاسی کیهان با حجت‌الاسلام بیات و در پی آن گزارش مخبر کمیسیون تحقیق آمده است. حجت‌الاسلام بیات در مورد خلع لباس نماینده میانه گفت: مسئله تصفیه یک مسئله کلی است که از اول انقلاب مورد نظر امام و رهبر انقلاب بوده و تداوم انقلاب به‌طور کلی در گرو تصفیه است و اگر بعد از پیروزی انقلاب، هرچه زودتر این مهم در ارگان‌های مختلف مملکت آغاز شده بود، وضع انقلاب ما این نبود که الآن داریم و می‌بینیم که امام فریاد می‌کشند و با تعیین وقت و مهلت ده روزه می‌خواهند تا در کشور طاغوت‌زدایی شود. لذا من مدتی که در دادگاه‌های شهرهای مختلف از جمله شیراز، ابهر، گنبد و مدتی در کردستان و در رامسر قاضی شرع بودم و الآن هم هستم، یکی از برنامه‌ها و کارهای ما همین بوده. افرادی که از این لباس استفاده بد می‌کنند و جامعه نسبت به انقلاب اسلامی و اسلام به خاطر همین افراد بدبین می‌شوند، تصفیه نماییم. با توجه به اینکه مجلس به تعبیر امام و با توجه به جوی که داریم، مجلس انقلاب اسلامی است، مجلسی که باید نمایندگان آن خالص‌ترین افراد امت باشند تا خط‌مشی آینده دولت و ادارات و نه تنها مملکت ما را، بلکه خط‌مشی به‌طور کلی مستضعفین جهان را این مجلس مشخص و معین کند،



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۵۷

اگر قرار باشد افراد ناخالصی اینجا بیایند، حتی ممکن است بعدها هم توبه کرده باشند، ولی همان طور که امیرالمؤمنین سلام الله علیه می فرماید افرادی که شاهد خوبی ندارند این افراد نباید در رأس کارها قرار گیرند؛ زیرا باعث بدبینی به انقلاب می شوند؛ لذا به خاطر این و به اعتراف خود ایشان که دیدیم تا اواخر انقلاب به همین سمت مشغول بوده و می خواست کارهای خودش را توجیه کند، نمی توانیم که ایشان را در بزرگ ترین مقام تصمیم گیرنده، یعنی مقام نمایندگی باقی بگذاریم و در نتیجه پس از رد اعتبارنامه، ایشان را خلع لباس کردیم که از این پس حق استفاده از این لباس را ندارد و در صورت تخلف، شش ماه تا یک سال هم زندان دارد.

### گزارش مخبر کمیسیون تحقیق

از آنجا که گزارش دکتر ابراهیم یزدی، مخبر کمیسیون تحقیق در مورد چگونگی و علل خلع لباس و عدم تصویب اعتبارنامه می تواند مؤثر باشد، متن گزارش را در ادامه می آوریم:

ریاست محترم سنی مجلس شورای جمهوری اسلامی

موضوع گزارش کمیسیون تحقیق درباره پرونده انتخابات میانه و اعتبارنامه آقای اسدالله جوانمردی که توسط شعبه به کمیسیون ارجاع شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. آقای جوانمردی در کمیسیون تحقیق حضور به هم رسانیده و درباره اتهامات وارده توضیحاتی دادند.

کمیسیون همچنین از شهود معتبر دعوت نمود و در جلسه کمیسیون توضیحاتی را بیان داشتند. کمیسیون تحقیق بعد از استماع توضیحات آقای جوانمردی و شهادت شهود و مطلع، اعتبارنامه آقای جوانمردی را به اتفاق آرا مردود اعلام می دارد و دلایل رد اعتبارنامه به قرار ذیل است.

۱- عکس های متعدد با شاه و ایادی رژیم و سران ساواک. این عکس ها برای ارائه به حضور مجلس محترم در پرونده موجود است. آخرین عکس نام برده با شاه در سال ۱۳۵۶ می باشد.

## ۵۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

۲- اجرای برنامه‌های سخنرانی در رادیو و تلویزیون ارومیه در زمان طاغوت و در مساجد. در مورد سخنرانی‌ها، کمیسیون موفق شد که نمونه‌هایی از نوارها را به دست آورد تا درباره محتوای سخنان قضاوت نماید، اما در گزارش ساواک ارومیه در این مورد چنین آمده است: «با مراقبت‌هایی که در این اواخر از وی به عمل آمد مشارالیه در سخنرانی‌های خویش در مجالس و مساجد، ضمن تحریک احساسات مردم به میهن‌پرستی، اعمال آن عده از افراد، بخصوص جوانان را که افکار ضدملی و کمونیستی و گرایش برخلاف مصالح کشور اقدام می‌نمایند، شدیداً مورد انتقاد قرار داد که سخنرانی وی اثرات بسیار مطلوبی در بین مردم بجای گذارده است» (از گزارش صیادان، رئیس ساواک آذربایجان غربی ۷/۷/۱۳۵۴).

۳- اسناد موجود در ساواک آذربایجان غربی حاکی از آن است که نامبرده با ساواک تماس‌هایی داشته است و از طرف ساواک به‌عنوان روحانی مورد قبول تصویب گردیده بود که همراه کاروان حج برود. این اسناد برای ارائه به مجلس محترم در اختیار کمیسیون می‌باشد و اگر چنانچه نمایندگان محترم مایل باشند قرائت خواهد شد.

۴- آقای جوانمردی بعد از پیروزی انقلاب، به‌عنوان عضو یا یکی از بنیانگذاران حزب جمهوری خلق مسلمان فعالیت داشته است. حزب مزبور فعالانه علیه جمهوری اسلامی موضع‌گیری و اقدامات خصمانه داشته است.

علاوه بر موارد بالا، کمیسیون تحقیق به مواردی از اغفال و فریب مردم در تبلیغات انتخاباتی و سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی مردم برخورد کرده است و شهود معتبر در این موارد گواهی داده‌اند. با توجه به مراتب بالا، کمیسیون تحقیق به اتفاق آرا اعتبارنامه آقای جوانمردی را مردود اعلام می‌دارد.

با تشکر - مخبر کمیسیون، تحقیق ابراهیم یزدی

### انتخابات گلپایگان

کمیسیون یعنی هیئت نظارت و اجرایی گلپایگان بعد از ۱۰ روز آرای خوانسار را که شش هزار و خرده‌ای رأی بود، یکجا ابطال کردند. دلایل ابطالشان را هم نوشتند و وقتی آن شش هزار و خرده‌ای رأی باطل می‌شد، چون چهارهزار و خرده‌ای از آنها مال من بود، در نتیجه بنده در مرتبه دوم قرار می‌گرفتم و آن آقای رقیب، مرتبه اول می‌شد.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۵۹

چهار دلیل بر ابطال نوشتند و ابطال کردند. اعتراض کردیم پنج بازرس آمدند، متناوباً یکی در حین انجام انتخابات و او گزارش داده و گزارشش به نفع این‌جانب است. چهار نفر بعد از انتخابات، دو نفر از وزارت کشور که با هم آمده‌اند به نام آقای افراز و آقای بیات. یکی هم از اصفهان از طرف استاندار محترم اصفهان به نام آقای حسینی آمد. یکی دیگر هم آقای کجویی، بعد باز از طرف وزارت کشور آمد. هر پنج نفر برخلاف گفته یکی از آقایان که یادم نیست کدام بودند و مهم نیست که فرمودند آن دو بازرس نظر داده‌اند انتخابات گلپایگان باطل بشود. ورقه آن آقایان الآن اینجا است و این آقایان می‌گویند انتخابات درست انجام شده و آرای خوانسار بیجا باطل شده است و اگر بنا می‌شد که باطل شود خوب بود همه‌اش باطل شود. گزارش آمد به وزارت کشور. وزارت کشور قبل از اینکه پرونده به مجلس بیاید اظهار نظر کرد و الآن هر دو گزارش اینجا موجود است؛ یعنی گزارش وزارت کشور که حالا دومی‌اش را هم عرض می‌کنم. نهایتاً چون مجلس باز شده بود، وزارت کشور گفت در صلاحیت من رأی نهایی نیست و به مجلس فرستاد. مجلس در شعبه رسیدگی کرد و اعتبارنامه آقای توکل را که بر مبنای بطلان آرای خوانسار صادر شده بود، بی‌اساس تشخیص داد و گفت: آرای خوانسار درست است. بعد از مخالفت و طرح در مجلس، کمیسیون تحقیق نظر دارد که چهار دلیل انجمن نظارت و اجرایی گلپایگان بر ابطال آرای خوانسار غیرموجه است و اینجا هم گزارشش را خواند و گزارش الآن وجود دارد که آن وقت، مخبر جناب آقای دکتر یزدی بود؛ بنابراین، نظر کمیسیون این شد که انتخابات گلپایگان صحیح و ابطال آرای خوانسار بی‌جا [بوده]. مجلس هم در این جهت افتاد که آیا به چه رأی بدهیم؟ جناب آقای رئیس که خودشان هم الآن شاهد قضیه و عین جملاتشان را هم آقایان خواندند که همان جملات به نفع این‌جانب بود. فرمودند ما فعلاً برای اعتبارنامه رأی می‌گیریم نه به اصل انتخابات. اعتبارنامه، مبنای سخنش چه بود؟ ۲۱ صندوق خوانسار. و الا همان جوری که خود آقایان هم فرمودند در اعتبارنامه آقای توکل از نظر صلاحیت شخص بحثی نشد تا اینکه از نظر عدم صلاحیت ایشان باطل شود و مناشی هم برای مخالفت مجلس و دادن صد رأی مخالف به آقای توکل جز اینکه آرای خوانسار بی‌جا باطل شده و خوب بود این اعتبارنامه به نام حسن صادر

## ۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

شود و بی‌جا یا مغرضانه یا جاهلانه نمی‌دانم چه، به نام حسین صادر شده، و روی همین مبنا هم وزارت کشور، صورت جلسه مجلس را هم خواست و رویش نگاه کرد و نامه جناب آقای رئیس را هم مطالعه کرد و به گلپایگان دستور داد. نظرش این شد که اعتبارنامه آقای محمودی صادر شود و صادر شد و فرستادند. و اینجا هم عرض کنم: یک جمله‌ای را یکی از آقایان فرمودند که قابل است این را من توضیح بدهم. یکی از امضاکنندگان این اعتبارنامه، آقای رئیس آموزش و پرورش گلپایگان است. ایشان نوشت به احترام مجلس شواری اسلامی و رأی مجلس، من امضا می‌کنم. این باعث یک نوع سوء تفاهمی در بعضی اذهان آقایان شده بود که از من هم پرسیدند. جهت قضیه این بود.

ایشان آن‌وقتی که انتخابات انجام شد و اعتبارنامه آقای توکل می‌خواست صادر شود اصلاً رئیس آموزش و پرورش گلپایگان نبود. ایشان اهل اصفهان بود و سه - چهار ماه بعد آمد. ایشان حرفش این بود که من چون رئیس آموزش و پرورش آن‌وقت نبودم و از جریان انتخابات هم اطلاع ندارم، اما چون مجلس تشخیص داده است و وزارت کشور از راه مجلس دستور به صدور اعتبارنامه نموده، من این‌جوری امضا می‌کنم. یعنی من خودم در جریان انتخابات اینجا اصلاً نبوده‌ام و پستی هم نداشته‌ام و می‌دانید یکی از اعضای شورا همان رئیس فرهنگ شهر است. ایشان آن‌وقت رئیس فرهنگ نبود و اصلاً در گلپایگان هم نبود و جهت اینکه این‌جور مرقوم فرموده‌اند، ایشان آن مقدسی و تدینشان بوده و الا چیز دیگری نبوده. بعد از همه این مراحل، خوانسار هم اعتراض کرد. صورت جلسه خوانسار الآن اینجا ...

حقانی: آن دو نفر را اول عرض کردم در کمیسیون مطلقاً تشریف نداشتند. در این اواخر همین‌طوری یک نامه‌ای نوشته‌اند که ما هم نظرمون موافق است. اوایل تشریف داشتند، ولی در این اواخر که آقایان رفتند و تحقیق کردند و آمدند در کمیسیون و بررسی کردند و گزارشاتشان را دادند در کمیسیون نبودند. یکی آقای دکتر یزدی بودند که مطلقاً تشریف نمی‌آوردند، با اینکه مخبر کمیسیون بودند؛ یکی هم جناب آقای حجازی بودند که در این اواخر تشریف نداشتند.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۶۱

### گزارش جلسه علنی مجلس در تاریخ چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۹

اسامی اعضای کمیسیون‌های ۲۸ گانه مجلس فردا اعلام می‌شود. تعداد اعضای کمیسیون‌ها تعیین شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی که به دنبال یک جلسه خصوصی یک ساعته، به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، اعتبارنامه امید نجف‌آبادی با ۱۰۷ رأی موافق و ۲۲ رأی مخالف به تصویب رسید و تعداد اعضای کمیسیون‌های ۲۸ گانه مجلس تعیین شد.

در آغاز، دستور جلسه به شرح زیر قرائت شد: تلاوت آیاتی از قرآن مجید، گزارش کار هیئت رئیسه درباره تعداد اعضای کمیسیون‌ها، رسیدگی به پیشنهادات رسیده درباره «طرح‌های دو فوریتی»، رسیدگی به اعتبارنامه امید نجف‌آبادی و خواندن اسامی غایبین و دیرآمدگان.

پس از قرائت آیاتی از کلام‌الله مجید، رئیس مجلس اظهار داشت: با توجه به اینکه با توافق آقایان امروز سخنرانی پیش از دستور نخواهیم داشت، بنابراین، مستقیماً به گزارش کار هیئت رئیسه درباره تعداد اعضای کمیسیون می‌پردازیم.

بر اساس آئین‌نامه، عضویت در یک کمیسیون اجباری و از یک کمیسیون بیشتر اختیاری است. از طرفی چون بعضی از نمایندگان ممکن است در کمیسیون‌های متعددی شرکت داشته باشند، بنابراین، تنظیم وقت کمیسیون‌ها و شکل حضور در آن بسیار مشکل خواهد شد؛ بنابراین، به نظر رسید که بهتر است آقایان فعلاً در یک کمیسیون شرکت کنند. بر این اساس، حداقل اعضای هر کمیسیون ۷ نفر و حداکثر ۱۱ نفر در نظر گرفته شده و فقط کمیسیون اصل ۹۰ تعداد بیشتری عضو دارد. به این ترتیب اعضای کمیسیون‌ها به شرح زیر تعیین شده‌اند.

آموزش و پرورش ۱۱ نفر، فرهنگ و هنر و تحقیقات و تعلیمات عالی ۷ نفر، دارایی و امور اقتصادی ۹ نفر، برنامه و بودجه ۱۱ نفر، امور نفت ۷ نفر، امور صنایع و معادن ۱۱ نفر، کار و امور اجتماعی ۷ نفر، مسکن و شهرسازی ۷ نفر، راه و ترابری ۷ نفر، امور قضایی ۹ نفر، سیاست و امور خارجه ۹ نفر، امور داخلی ۱۱ نفر، امور دفاعی ۱۱ نفر، امور بهداشتی و بهزیستی ۷ نفر، پست و تلگراف ۷ نفر، امور نیرو ۷ نفر، امور

## ۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

بازرگانی ۹ نفر، امور کشاورزی ۱۱ نفر، ارشاد ملی ۷ نفر، امور اداری و استخدامی ۷ نفر، سازمان‌های وابسته به نخست‌وزیری ۷ نفر، امور اوقاف ۷ نفر، جهاد سازندگی ۷ نفر، امور شوراها ۷ نفر، کمیسیون اصل نود ۲۱ نفر، دیوان محاسبات و بودجه مجلس ۷ نفر، کمیسیون طرح‌های انقلاب ۱۲ نفر، کمیسیون رسیدگی به سؤالات ۱۰ نفر.

### تذکرات نمایندگان

در مورد تعداد اعضای کمیسیون‌ها بعضی از نمایندگان تذکراتی دادند و پیشنهاد کردند که بعضی از کمیسیون‌ها اعضای بیشتری داشته باشد. در این هنگام برای تأیید تعداد اعضای تعیین شده برای کمیسیون‌ها رأی گرفته شد که به تصویب رسید و مقرر شد تا فردا عصر اسامی اعضای کمیسیون‌ها مشخص شود، اما در مورد طرح اصل مسئله، چون در توزیع طرح تأخیر شده بود و طرح آن در جلسه برخلاف آیین‌نامه بود، لذا مقرر شد این موضوع در جلسه علنی فردا مطرح شود.

پس از آن رسیدگی به پرونده آقای امید نجف‌آبادی آغاز شد و دکتر یزدی مخبر کمیسیون تحقیق، گزارش کار کمیسیون را درباره اعتبارنامه نجف‌آبادی به شرح زیر اعلام کرد:

پرونده انتخاباتی امید نجف‌آبادی که به علت اعتراض آقای حیدری به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود، مورد بررسی قرار گرفت و اعتبارنامه ایشان را به اتفاق آرا تصویب کرد، اما بعداً اسناد و مدارک تازه‌ای ارائه شد که ناگزیر کمیسیون تحقیق بررسی مجدد پرونده را آغاز کرد و برای مرتبه دوم اعتبارنامه ایشان را تصویب کرد. در این هنگام رشیدیان از مخبر کمیسیون سؤال کرد: آیا شهادت آقای جنتی در کمیسیون تحقیق مطرح شده یا نه؟ و چون جواب منفی بود، قرار شد آقای حیدری به‌عنوان مخالف مسائلی را مطرح کند.

آقای حیدری طی سخنانی گفت: من شخصاً آقای امید را نمی‌شناسم و حتی نمی‌دانم الآن جای ایشان کجاست، ولی بر اساس مدارک واصله به شعبه دوم، کل مطلب شکل دیگری پیدا کرد که من اینک گوشه‌ای از آن را عنوان می‌کنم و قضاوت را به عهده نمایندگان می‌گذارم.

### نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۶۳

به موجب یک سند، آقای امید قول تعهدی را به دستگاه طاغوت داده است. آقای حیدری با استناد به بعضی مدارک و نوشته‌های روزنامه‌ها نتیجه گرفت که آقای امید نجف‌آبادی صلاحیت نمایندگی را ندارد.

#### مشمول پاکسازی

آنگاه آقای امید نجف‌آبادی به دفاع از خود پرداخت و گفت: من بیشتر متأسف از این هستم که کسی علیه من و با من مخالفت می‌کند که خودش مشمول پاکسازی در مخابرات شده است. وی سپس به‌طور مشروح به دفاع از خود پرداخت. در پایان نسبت به اعتبارنامه آقای نجف‌آبادی رأی گرفته شد که با ۱۰۷ رأی موافق و ۲۲ رأی مخالف به تصویب رسید. جلسه در ساعت ۱۳ خاتمه یافت (در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی، اعتبارنامه امید نجف‌آبادی تصویب شد، روزنامه کیهان، ۱۶/۵/۱۳۵۹).

#### انتخاب هیئت رئیسه مجلس و اعضای کمیسیون‌ها

با تصویب اعتبارنامه ۱۹۵ نماینده (دو سوم از ۲۷۰ نماینده)، مجلس کار رسمی خود را آغاز کرد.

اولین گام تدوین در فعالیت مجلس، تصویب «آیین‌نامه داخلی» مجلس بود. در همین راستا، ابتدا هیئت رئیسه جدید، شامل رئیس مجلس و منشی‌ها و سایر اعضای آن و نیز اعضای کمیسیون‌های مختلف پیش‌بینی شده در آیین‌نامه مجلس، برای مدت یک سال انتخاب شدند. آقای اکبر هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس و موسوی خویینی‌ها به‌عنوان نایب رئیس انتخاب شدند. سپس اعضای کمیسیون‌ها معین شدند. مهندس مهدی بازرگان به کمیسیون نیرو، دکتر یدالله سبحانی به کمیسیون آموزش، احمد صدر حاج‌سیدجوادی به کمیسیون قضایی، مهندس هاشم صباغیان به کمیسیون مسکن و شهرسازی، دکتر مصطفی چمران به کمیسیون دفاع و من به عضویت کمیسیون امور خارجه درآمد.

## ۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

### مراسم تحلیف نمایندگان

پس تصویب اعتبارنامه دوسوم نمایندگان، در راستای اجرای اصل ۱۶۷ قانون اساسی، مراسم تحلیف جمعی نمایندگان انجام شد. از آن پس اعتبارنامه هر نماینده‌ای که تصویب می‌شد بلافاصله مراسم سوگند صورت می‌گرفت. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه مقننه شامل دو نهاد است: مجلس نمایندگان و شورای نگهبان.

از دوازده عضو شورای نگهبان، شش حقوقدان را مجلس انتخاب می‌کند، اما شش عضو فقیه شورا را مقام رهبری تعیین و نصب می‌کند. تعدادی از اعضای شورای نگهبان تعیین شده بودند. اقداماتی شد که باقی‌مانده اعضای شورای نگهبان نیز معین شوند. مجلس کار خود را زمانی آغاز کرد که رئیس جمهوری، سید ابوالحسن بنی‌صدر، انتخاب شده بود؛ بنابراین، با تکمیل اعضای شورای نگهبان و انتخاب اعضای هیئت رئیسه مجلس، یکی از اولین موضوعات در دستور کار مجلس، مراسم تحلیف رئیس جمهوری و بررسی صلاحیت نخست‌وزیر معرفی شده از سوی رئیس جمهوری بود. از موضوعات مهم دیگر که به مجلس ارجاع شده بود، تعیین تکلیف گروگان‌ها بود.

### نمایندگان مجلس در مدرسه فیضیه قم

پس از آغاز رسمی کار مجلس، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از کلیه نمایندگان مجلس برای یک دیدار مشورتی به قم دعوت کرد. نمایندگان با چندین اتوبوس به قم رفتند. در یکی از سالن‌های مدرسه فیضیه، از نمایندگان پذیرایی شد. ابتدا آیت‌الله میرزاعلی مشکینی از طرف جامعه مدرسین خیرمقدم گفت؛ سپس ایشان از آقای مهندس بازرگان دعوت کرد که از جانب نمایندگان مجلس سخن بگوید. این دعوت، به‌رغم فضای به شدت ملتهب علیه دولت موقت، حرکت خوبی بود. آقای مهندس بازرگان با اجابت از این دعوت، پشت تریبون رفت و سخنرانی خود کرد. ایشان در سخنان خود به دو نکته پرداخت که با اعتراض شدید نمایندگان و حمله بعضی از حاضران به سمت تریبون مواجه شد و نظم مراسم به کلی برهم خورد.



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۶۵

آقای مهندس بازرگان توضیحاتی پیرامون غیرسیاسی بودن و روحیه گریز از سیاست قاطبه روحانیان در سال‌های قبل از انقلاب ارائه کرد و به این نکته پرداخت که ما روشنفکران شما را به عرصه سیاست کشاندیم. ایشان در فرازی از سخنانشان اظهار داشتند که شما در درس‌های حوزوی در نقل احادیث از امامان معصوم به قال الباقر و قال الصادق اکتفا می‌کنید، اما در نقل گفتار مراجع از این سادگی فاصله می‌گیرید و به جای قال سید روح الله با القابی چون حضرت آیت‌الله العظمی و فلان و فلان نام می‌برید. ایشان در ضمن سخنان خود به نقل مطلبی از آیت‌الله شریعتمداری پرداخت و به جای اینکه طبق توصیه خود قال السید کاظم بگوید، از ایشان با القاب آیت‌الله العظمی آقای شریعتمداری یاد کرد. در این لحظه، جلسه به شدت متشنج شد. آقای موسوی تبریزی که در مجلس حضور داشت، ضمن اعتراض با صدای بلند، برای حمله به بازرگان به سوی تریبون رفت که البته جلوی او را گرفتند. به این ترتیب، دیدار نمایندگان مجلس از حوزه علمیه قم با تلخی پایان یافت. من شخصاً از آقای مهندس بازرگان انتقاد کردم که شما حق شأن جلسه را رعایت نکردید. آنها به شما احترام گذاشتند و شما را از میان نمایندگان برای سخن گفتن دعوت کردند. شما می‌بایستی در راستای ترمیم تقابل‌ها و حملاتی که به دولت موقت می‌شود سخنانی مهرآمیز عنوان می‌کردید.

### نمایندگان مجلس هر نوع مذاکره و مصالحه در غرب کشور را محکوم کردند

آغاز دوره اول مجلس پس از انقلاب، از سویی با تنش‌های داخلی به‌ویژه در کردستان و از سوی دیگر، با درگیری‌های گاه و بی‌گاه مرزی میان ایران و عراق همراه بود. درون کشور و نهادهای حکومتی نیز اختلافات سیاسی پس از انقلاب، سر برآورده بود و افزون بر همه اینها نآزمودگی و ناآگاهی از کار سیستماتیک در میان نیروهای انقلابی که به مدیریت رسیده بودند، از پیشرفت کارها جلوگیری می‌کرد. گزارش «روزنامه کیهان» از جلسه علنی مجلس در روز پنجشنبه پنجم تیرماه، پرده از این واقعیت برمی‌دارد.

## ۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

دیروز صبح، ساعت ۹ مجلس جلسه علنی داشت، ولی به علت عدم حضور اکثریت تا پایان جلسه که نمایندگان در مورد مسائل گوناگون صحبت کردند، رسمیت نیافت. به گزارش خبرنگار پارلمانی کیهان این دومین باری است که به علت عدم حضور اکثریت که ۱۸۰ نفر باید باشد، مجلس رسمیت نمی‌یابد.

ناطق اول دیروز رضا اصفهانی از ورامین بود که پس از قرائت آیه‌ای از قرآن گفت: قرآن این همه تأکید بر روی عدالت دارد، روی حق دارد که حتی نسبت به دشمن ما هم سفارش می‌کند که مبادا در دشمنی با آنها عدالت فراموش شود. با کمال تأسف برخوردهایی که این روزها می‌بینیم برخوردهایی است که بدون توجه به این آیه و آیات دیگر قرآن صورت می‌گیرد. یک مسئله خرده حساب‌ها هست که می‌بینیم الآن می‌خواهد ساخته شود. کسانی که سلیقه‌ای واحد نیافته‌اند.

در اینجا نمایندگان نسبت به ادامه صحبت‌های رضا اصفهانی اعتراض کردند. رضا اصفهانی، صحبت را بر روی سکه‌ای دیگر کشاند و گفت: ما مدت‌ها در انتظار بودیم که مجلس تشکیل شود. بالاخره افتتاح جلساتی هم انجام شده، ولی احساس می‌کنیم که خیلی اوقات دارد همزمان تلف می‌شود. وقتی اعلام می‌شود که جلسه تشکیل شود، خیلی‌ها نمی‌آیند.

پیش از آنکه به جریان ادامه جلسه مجلس در آن روز بپردازم، لازم می‌دانم یادآوری کنم که روز بعد از این جلسه، روزنامه «نامه مردم» ارگان حزب توده ایران، طی مقاله‌ای مدعی شد «پس از آنکه استاد رضا اصفهانی گفت: هستند کسانی که چند میلیارد ثروت اندوخته‌اند، و هیچ‌کس از اینها نمی‌پرسد اینها را از کجا آورده‌ای، جلسه بسیار متشنج شد. آقای دکتر ابراهیم یزدی از پرشورترین مخالفان بود». این مقاله شاید در آن فضای تخریب و توهین برای بسیاری از خوانندگان آن روزنامه باورپذیر می‌شد، ولی یکی از نویسندگان «روزنامه کیهان»، به این مغالطه روزنامه «نامه مردم» پی می‌برد و پاسخی روشنگرانه بر آن می‌نویسد که متن آن را در پیوست ۱۱ آورده‌ام.

پس از سخنان اصفهانی، انصاری یکی از اعضای هیئت رئیسه مجلس گفت: یک اعلامیه در زمینه زمزمه آتش‌بس و صلحی است که گروه‌های مسلح مناطق درگیر در کردستان مطرح کرده‌اند به امضای چند تن از نمایندگان تقدیم مجلس شده است که در

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۶۷

اینجا قرائت می‌شود و اگر نمایندگان موافق بودند، می‌توانند آن را امضا کنند. انصاری در ادامه صحبت‌هایش گفت: این حيله و فریبی است که در سندج انجام داده‌اند و پاسداران را بیرون کردند و می‌بینیم که پاسداران و خلق کرد فدا شده‌اند. سپس انصاری پیشنهادش به مجلس را قرائت کرد که بعد از پایان مجلس بیش از ۱۲۰ نفر از نمایندگان آن را امضا کردند. متن اطلاعیه به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

ما امضاکنندگان مجلس شورای اسلامی ضمن قدردانی از تلاش پیگیر و اقدامات قاطع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پیشمرگان کرد مسلمان و ارتشیان مؤمن و فداکار و ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران در امر پاکسازی کامل و موفقیت‌آمیز کردستان و سایر مناطق کردنشین از ضد انقلاب و آزاد ساختن خلق مسلمان کرد، مانورهای ظالمانه گروه‌های ضد انقلاب را در طرح شعارهای «صلح عادلانه»، «آتش بس» و ... را که در واقع حيله‌ای برای خروج از بن‌بست و استقرار مجدد نقطه غاصبانه بر خلق کرد است، افشا و محکوم می‌کنیم و از مقامات مسئول اکیداً خواهانیم که:

- ۱- پاکسازی کلیه مناطق کردنشین بدون وقفه و کوچک‌ترین تردیدی تا آزادی کامل خلق مسلمان کرد ادامه پیدا کند.
- ۲- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پیشمرگان کرد مسلمان، ارتشیان مؤمن و انقلابی که جان‌برکف مشغول آزادسازی و پاکسازی مناطق غرب کشور هستند، مورد حمایت کامل و همه‌جانبه مسئولین قرار گیرند.
- ۳- برنامه‌های عمرانی و فرهنگی که در منطقه آغاز شده، ادامه یافته و تقویت شود.
- ۴- از هر نوع مذاکره و مصالحه با گروه‌های ضدانقلاب در غرب کشور درباره آتش‌بس و یا سرنوشت خلق کُرد، خودداری شود.
- ۵- مسائل مربوطه به اداره داخلی مناطق کردنشین بر طبق قانون اساسی تنها پس از پاکسازی کامل منطقه و استقرار امنیت و حاکمیت دولت جمهوری اسلامی قابل طرح است.»

آقای فخرالدین حجازی، اجازه صحبت گرفت و گفت بنده استدعا می‌کنم که نمایندگان مجلس که با تکبیر ادامه پاکسازی را تأیید کردند یک مقدار عملی هم کار

## ۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

کنند. بنده شخصاً حاضرم که برای تقویت روحیه پیشمرگان کرد مسلمان، پاسداران و ارتشیان به سنج بروم و می‌خواهم که در این زمینه مرا همراهی کنید که نمایندگان با تکبیر صحبت‌های او را تأیید کردند. به همین منظور چند نفر از نمایندگان پس از پایان جلسه ثبت‌نام کردند.

ناطق بعدی، آقای خلخال، نماینده قم بود. وی در مورد ملی بودن و یا اسلامی بودن نام مجلس تذکراتی به طرح زیر داد. آنچه که ما تا به حال خون داده‌ایم، زندان رفته‌ایم، شکنجه شده‌ایم این هست که در تاریخ منحوس این خاندان ننگین ۳۰۰ هزار جوان از دست داده برای خاطر جمهوریت نبود. برای جمهوری دموکراتیک هم نبود. برای مجلس شورای ملی نبود، بلکه آنچه که چشم آمریکا و صهیونیسم را کور می‌کند آن اسلام است و با کمال نگرانی این را تعقیب می‌کنیم که نام این مجلس در نوشته‌ها، نامه‌ها، سفارشات و تلگرافات همه‌اش مجلس شورای اسلامی باشد. خلخال سپس به نظر امام در این مورد اشاره کرد و گفت: با اصراری که امام داشتند این جنبه قانونی ندارد که نام این مجلس را گذاشته باشد شورای ملی، و اگر مجلس شورای اسلامی نوشته شود خلاف قانون اساسی نیست.

سپس دکتر سحابی، رئیس سنی مجلس گفت: این تذکر آقای خلخال یک جنبه خاصی دارد و من شخصاً جواب نمی‌دهم. مجلس هنوز وارد رأی دادن نشده و تا شورای نگهبان معرفی نشده، هیچ رسمیت ندارد.

سپس دکتر هنجنی، نماینده کرج در پشت تریبون قرار گرفت و گفت: یک مطلبی است که در «روزنامه کیهان» درج شده و بخصوص مجلس باید توجه کند به آن. چیزی که در متن آن قرار داریم روزنامه‌ها خلاف مرتکب می‌شوند، چه باید کرد. در روزنامه کیهان تیر زده است که اعتصاب غذای نماینده ملایر همچنان ادامه دارد و این هم در کادر قرار گرفته که قابل توجه است؛ آن هم در صفحه اول. تا آنجا که ما اطلاع داریم نماینده ملایر اعتصاب غذایش ادامه ندارد و این روزنامه این خبر را با این کیفیت نقل کرد. و از ریاست مجلس و دکتر یزدی تقاضا می‌کنیم که به برادران عزیز تذکر دهند که برای رضای خاطر خدا خرده حساب‌های شخصی را کنار بگذارند.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۶۹

سپس دکتر سحابی گفت: درباره خبرنگاران دقت خواهد شد و اگر خلاف آنچه که حقیقت است، منعکس کنند، از ورودشان ممانعت می‌شود.

دکتر یزدی بلند شد و اجازه خواست که در این مورد توضیح دهد.

ناطق بعدی ( ... ناخوانا) بود که گفت: ( ... ناخوانا) رهبر عظیم‌الشان انقلاب ناظرند که ما چگونه عمل می‌کنیم. چند تذکر دارم در مورد همین روزنامه‌ها، دو مورد دیگر هم هست که یک موردش در مورد تخلف مجلس است. در روز یکشنبه یکی از روزنامه‌ها نوشت مجلس جلسه علنی دارد و دوشنبه آمدیم و دیدیم جلسه نیست. جایی که خود نمایندگان به اشتباه بیفتند، ملت ایران به اشتباه نیفتد؟ و به وسیله رادیو اعلام می‌کنند که جلسه هست؛ آن وقت اکثریت نیابند. آیا این، مسئله چوپان دروغگو را به یاد نمی‌آورد. دیگر اینکه روزنامه نوشته بود که مجلس متشنج و تعطیل شد که اصلاً تیتری از این در نمی‌آید.

ناطق بعدی دکتر [ابراهیم] یزدی بود، ولی قبل از صحبت‌های وی، اسماعیل معزی نماینده ملایر گفت: روز دوشنبه مخبر کیهان از من پرسید که آیا هنوز در حال اعتصاب غذا هستیم و من خودم به او گفتم که غذا نمی‌خورم، ولی به دستور دکتر فقط آب می‌خورم؛ بنابراین، اعتصاب غذای من ادامه دارد.

سپس دکتر یزدی گفت: دیروز بعد از اینکه از مجلس به موسسه کیهان برگشتم، چهار مطلب را با دوستان تحریریه روزنامه کیهان مورد نقد قرار دادیم که بر طبق خط‌مشی ۱۸ ماده‌ای روزنامه نبود و نبایستی این چهار مطلب را در روزنامه می‌گذاشتند. یکی از آن مسائل همین اعتصاب غذای نماینده ملایر بود. مخبر کیهان از همه نمایندگان به‌عنوان نماینده سؤال می‌کند؛ بنابراین، وقتی از یک نماینده که در مجلس هنوز اعتبارنامه‌اش رد نشده، از او که سؤال می‌کند، می‌گوید که هنوز در اعتصاب غذا هستیم آن را معتبر تلقی می‌کند و چاپ می‌کند. البته من به دوستان توضیح دادم که کسی با این سن و سال نمی‌تواند برای چند روز اعتصاب غذا کرده باشد و غذا نخورد و آن وقت هنوز سرحال باشد و در راهروها قدم بزند، اما این را و خبر تشنج مجلس را که چاپ شده بود به نقد گذاشتیم و از خود انتقاد کردیم. ولی برادران و خواهران عزیز وقتی میوه ممنوعه را می‌خورید زشتی‌ها بروز می‌کنند. وقتی

## ۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

شما در جلسه صحبت می‌کنید و جنجال می‌شود، پیچ رادیو را باز کنید، ببینید انعکاسش چیست؟ شما نگران هستید که یک روزنامه با تعداد مشخص تیراژ عیب است، ولی نمی‌بینید که صحبت‌هایتان در رادیو - که برد بیشتری دارد - پخش می‌شود و در تهران پنج میلیون آدم این را می‌شنوند. وقتی رئیس مجلس هر بار به یک نفر می‌گوید که این کار را نکنید، خوب تشنج ایجاد می‌شود.

در اینجا عده‌ای از نمایندگان اعتراض کردند. کروبوی گفت: این پیش نظر است نه تشنج. دکتر یزدی گفت: وقتی آقایان بدون اجازه حق می‌دهند که صحبت کنند و رئیس مجلس جلسه را ترک می‌کند، چه معنی می‌دهد! شما نگران و ناراحت از تشنج جلسه و تعطیل آن نیستید، ولی از انتقال خبرش ناراحت هستید؟

سپس دکتر سبحانی گفت: با کمال تأسف هنوز هم به حد نصاب یعنی ۱۸۰ نفر نرسیده (ساعت ۱۱:۰۳ دقیقه) بنابراین، رسمیت جلسه را نتوانستیم اعلام کنیم [پیوست ۱۲].

سپس دکتر سبحانی به نحوه کار مجلس اشاره کرد و گفت: اگر این اصول رعایت شود، لزومی ندارد تشنج شود و متأسفانه نماینده گران به این مسئله توجه نکرد؛ در صورتی که به نفع ایشان بود و ایشان می‌گویند آیین‌نامه چیست؟ این دیگر برای من قابل تحمل نبود و جنبه طاق‌فرسایی به خود می‌گیرد.

آخرین ناطق، آقای خلخال‌نماینده خلخال بود که مطالب خود را از روی نوشته‌ای قرائت می‌کرد. وی به حزب جمهوری اسلامی حمله و از اعضای آن شدیداً انتقاد کرد که با اعتراض نمایندگان مواجه شد. وی کناره‌گیری خود را از حزب جمهوری اسلامی اعلام کرد.

اطلاع پیدا کردیم که طی یک پیشنهاد کتبی، آقایان حقانی و یزدی از ریاست مجلس خواستند که اسامی غایبین مجلس را رسماً اعلام کنند (روزنامه کیهان، شماره ۱۱۰۳۰، پنجم تیر ۱۳۵۹، ص ۳).

### گزارش روزنامه اطلاعات از یک روز کاری مجلس تازه‌کار

در جلسه علنی دیروز مجلس چه گذشت؟

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۷۱

پس از یک روز غیبت نمایندگان که جلسه علنی تشکیل شد، تنها چند اعتبارنامه به تصویب رسید. صدها نفر از مردم دردمند از گوشه و کنار ایران، هر بار که قرار است جلسه علنی تشکیل شود از سحرگاه در جلوی در ورودی مجلس اجتماع می‌کنند!

جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی ساعت ۱۰ صبح تشکیل شد و پس از حدود بیست دقیقه، تعداد نمایندگان به حد نصاب رسید. قابل توجه اینکه در خلال جلسه پرروز که رئیس مجلس از تأخیر نمایندگان انتقاد می‌کرد، این بار آقای دکتر سبحانی، خود با حدود ۱۵ دقیقه تأخیر بر صندلی ریاست جلوس کرد.

آقای صلواتی نماینده اصفهان که ضمناً عهده‌دار سرپرستی نهضت سوادآموزی است، عنوان نطق پیش از دستور، در زمینه فعالیت‌های جهاد سوادآموزی، مسائلی را مطرح کرد و ضمن برشمردن آماری، از جمله تشکیل ۵۲۰۰ کلاس سوادآموزی در ایران، و اینکه به لطف کوشش‌های نهضت در بعضی از روستاهای خراسان و اصفهان، ریشه بی‌سوادی قطع شده است، از نمایندگان استمداد کرد که نهضت سوادآموزی را یاری دهند.

اعتبارنامه کشفی، نماینده مردم نی‌ریز و اصطهبانات که قبلاً به دلیل مخالفت رضوی به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود، پس از مباحثات مجدد، در زمینه صلاحیت نام‌برده به رأی کتبی گذاشته شد که با ۱۶۵ رأی موافق و ۱۲ رأی ممتنع، بدون رأی مخالف به تصویب رسید.

هنگام طرح مجدد اعتبارنامه حجت‌الاسلام ابوالحسن حسینی، نماینده مردم مینودشت، وقتی دکتر یزدی، مخبر کمیسیون تحقیق، گفت: اعتبارنامه ایشان با اکثریت آرا تصویب شد، صادق خلخالی اعتراض کرد که با اکثریت آرا نبوده؛ فقط ۸ نفر موافق داشته است و ۴ مخالف و ۲ ممتنع (خنده نمایندگان)! پس از مخالفت مجدد خلخالی با اعتبارنامه حسینی، برخوردهای لفظی میان نمایندگان و تشنج در جلسه علنی، آقای خلخالی در بیان علل مخالفت خود، استناد به عکسی می‌کرد که در روزنامه پست تهران چاپ شده و آقای حسینی را در مقابل شاه مخلوع نشان می‌دهد. آقای حسینی در مقام دفاع از خود، ضمن توجیه فعالیت‌های سیاسی خود، یکی - دو بار آقای خلخالی را متهم به خلافکاری‌هایی کرد و در نهایت، خلخالی بارها و بارها از رئیس

## ۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

مجلس درخواست کرد که نامه سپاه پاسداران که از آقای حسینی انتقاد شده، خوانده شود، ولی رئیس مجلس به کفایت مذاکرات اصرار داشت و بالاخره هم تأیید یا رد اعتبارنامه حسینی را به رأی گذاشت که با ۱۱۴ رأی موافق، ۲۸ رأی مخالف و ۳۷ رأی ممتنع (از مجموع ۱۷۹ رأی) به تصویب رسید.

تشنج دیروز مجلس از آنجا آغاز شد که دکتر یزدی نظر کمیسیون تحقیق را درباره محمد محمدی از گرگان اعلام کرد و رئیس مجلس گفت: چون این پرونده از شعبه نهم رد شده بود و در جلسه علنی مخالفی نداشته است، قاعداً باید تصویب شود، اما محمدی اعتراض کرد که رد اعتبارنامه من به دلیل نقص پرونده بود؛ در حالی که در کمیسیون از من درباره صلاحیت سؤال کردند. مردم گرگان از من می پرسند چرا در مورد صلاحیت شما تحقیق کردند؟ در این هنگام نمایندگان به آقای محمدی اعتراض کردند و هر یک نظر و عقیده‌ای ابراز می داشت.

دیروز وقتی آقای دکتر سبحانی با آن حالت عصبانیت جلسه را تعطیل کرد و رفت، در پی اعتراض بعضی از نمایندگان به تعطیل جلسه علنی، یکی از منشی‌ها که جایگاه هیئت رئیسه را ترک کرده بود، مجدداً مراجعت کرد و اعلام داشت: در آیین‌نامه داخلی آمده است که در صورتی که در جلسه علنی تشنجی ایجاد شود که نتوان آن را کنترل کرد، رئیس مجلس می‌تواند جلسه را تعطیل کند. همین توضیح موجب شد تا نمایندگانی که حاضر نبودند صندلی خود را ترک کنند، از سالن خارج شوند.

در جلسه علنی دیروز مجلس، مخبر کمیسیون تحقیق، گزارش این کمیسیون را درباره امید نجف‌آبادی، نماینده اصفهان که به علت مخالفت حیدری به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود، قرائت کرد.

دکتر یزدی گفت: پرونده آقای امید نجف‌آبادی در کمیسیون مورد رسیدگی قرار گرفت و ایشان حاضر شدند و پاسخ گفتند؛ سپس کمیسیون تحقیق، پرونده ایشان را به اتفاق آرا تصویب کرد. حیدری می‌خواست به‌عنوان مخالف صحبت کند، ولی چون امید نجف‌آبادی در مجلس نبود، بررسی این اعتبارنامه در جلسه علنی به نوبت دیگری موکول شد.



### نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۷۳

مخالفت پرسروصدای آقای خلخال، نماینده قم و سرپرست مبارزه با مواد مخدر، در زمینه اعتبارنامه آقای ابوالحسن حسینی و اعتراضات پی در پی ایشان در جلسه دیروز مجلس با همصدا شدن یکی دیگر از نمایندگان توأم بود که این نماینده نیز همچون آقای خلخال و در جهت تأیید نظر آقای خلخال شور و هیجان فوق العاده‌ای از خود نشان می‌داد. حاشیه‌نویس که تا دیروز با نام این نماینده آشنا نبود، به دلیل حس کنجکاوی در صدد تحقیق و آشنایی با این نماینده برآمد و به این نتیجه رسید که جناب ایشان حاج غفور خلخال [است] با این تفاوت که یکی در کسوت روحانیت و دیگری در لباس معمولی و هر دو مبارزی خستگی‌ناپذیرند. از حسن اتفاق در سرسرای مجلس، خانمی که گویا یکی از کارمندان وزارت ارشاد ملی بود، با چهره‌ای غمزده و گریان از آقای حاج غفور خلخال مصراغه تقاضا داشت که حجت الاسلام خلخال را راضی کند که پدرش را ببخشد. و این‌طور که از قرائن پیدا بود گویا پدر این خانم در سن ۸۵ سالگی به دلیل حمل مواد مخدر به چهار سال زندان محکوم شده است. به هر صورت، آقای حاج غفور، پرسش خبرنگار ما را که آیا شما برادر آقای صادق خلخال هستید؟ تأیید کرد، اما معلوم نشد برادر دینی یا برادر تنی!

جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی ایران در حالی تعطیل شد که بیش از یک ساعت به پایان رسمی آن وقت باقی مانده بود و قابل توجه آنکه این جلسه باید پریروز تشکیل می‌شد که به علت غیبت نمایندگان تشکیل نشد. [این جلسه] وقتی به پایان رسید، جز تأیید و تصویب چند اعتبارنامه، هیچ کار دیگری صورت نداد. بدین ترتیب اگر قرار باشد وضع مجلس بر همین منوال پیش برود، باید اذعان کرد که آقایان نمایندگان مردمی مجلس شورای اسلامی قابل انتقادند؛ چرا که نباید فراموش کنند که نه تنها چشم‌های دلوایس ۳۶ میلیون ایرانی به آنها دوخته شده است، بلکه حداقل به خاطر مسئله گروگان‌ها هم که شده تمام دنیا چشم به این مجلس دوخته‌اند و آن‌وقت در چنین شرایطی، هنگامی که رئیس جلسه آقای دکتر یدالله سبحانی متوجه غیبت آقای امید نجف‌آبادی نماینده اصفهان بشوند، به سادگی اظهار می‌دارند رسیدگی به اعتبارنامه ایشان بماند برای جلسه بعدی، و در نهایت هم آقای رئیس جلسه در کمال بی‌طاقتی مجلس را قبل از موعد مقرر تعطیل می‌فرمایند و ما می‌مانیم و همکاران و سیل

## ۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

تلفن‌های مردم از سرتاسر ایران که ملت‌مسانه فریاد می‌زنند: خواهش می‌کنیم سلام ما را به نمایندگان برسانید و بگویید خواهش می‌کنیم که بجنید. بنا به [گزارش] خبرنگاران پارلمانی ما، هر روز که قرار است مجلس جلسه علنی داشته باشد، صدها نفر از مردم دردمند از گوشه و کنار ایران زمین، از سحرگاه در ورودی مجلس جمع می‌شوند تا بلکه موفق به دیدن نماینده‌شان بشوند و با آنها درباره دردهایشان صحبت کنند.

### پرونده انتخاباتی گرگان و اعتبارنامه آقای محمدی

محمدی: آقای دکتر، اجازه بدهید. بسم الله الرحمن الرحيم. آنچه که در کمیسیون تحقیق از من پرسیدند ارتباطی به انتخابات نداشت. خواهش می‌کنم آقای دکتر یزدی... دکتر یزدی: آقای محمدی عذر می‌خواهم. ما در گزارش کمیسیون تحقیق، کل صورت جلسه را در اینجا مطرح نمی‌کنیم که چی و کی سؤال کرد. بعد از استماع تمام توضیحات، جمع‌بندی کمیسیون را که به صورت گزارش به رئیس داده شده، ما به مجلس محترم می‌دهیم.

ابهاماتی در پرونده انتخاباتی آقای محمد محمدی از حوزه انتخاباتی گرگان موجود است و اختلاف رأی دو رقیب نیز بسیار کم است.

انجمن نظارت مرکزی به بیست مورد شکایاتی که بوده، رسیدگی و بررسی کرده و نظر داده. در کمیسیون، همه اینها بررسی شد. رأی به تأیید صحت انتخابات دادیم. مسئله دوم، صلاحیت آقای محمدی مورد سؤال قرار گرفت و بحث شد. طبق بند ۴ و ۵ ماده ۹ که می‌گوید نمایندگان واجدین شرایط باید اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی داشته باشند و ابراز وفاداری به قانون اساسی بکنند، توضیحات آقای محمدی را هم کمیسیون شنید و در مجموع به این جمع‌بندی رسید که اگرچه آقای محمدی به آن سؤال جواب ندادند و فرمودند که در شأن و در اختیار و صلاحیت کمیسیون تحقیق نیست که این سؤال را از ایشان بکنند و خودشان هم توضیح دادند، ولی آنچه را که قانون اساسی برای ما روشن کرده که انتخاب‌شوندگان باید به نظام جمهوری اسلامی اعتقاد داشته باشند و به قانون اساسی ابراز وفاداری کنند، این دو شرط محرز شد و بعد

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۷۵

از اینکه برای اعضای کمیسیون تحقیق روشن شد، کمیسیون تحقیق رای خودش را داد.

از ایشان سؤال کردم آیا وابسته به سازمانی هستید؟ گفتند: نه. گفتم دلیلش چیست؟ ایشان هفت دلیل آوردند که عضو این سازمان نیستند.

### امام [خمینی]: نمایندگان مجلس، سنگرها را رها نکنید

دکتر ابراهیم یزدی نماینده تهران و سرپرست مؤسسه کیهان، بعد از ظهر دیروز با امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی به طور خصوصی دیدار کرد. در این دیدار که ۴۰ دقیقه به درازا کشید دکتر یزدی در مورد وضع کیهان و کمیسیون تحقیق و استعفای یکی از نمایندگان [سخن گفت ... افتادگی مطلب در اصل روزنامه] به گفته دکتر یزدی، رهبر انقلاب با توجه به وضع متشنج مجلس در جلسه روز پنجشنبه گذشته توصیه فرمودند: نمایندگان از کارهایی که به تضعیف مجلس منجر شود، خودداری کنند. در رابطه با استعفا از نمایندگی مجلس، امام فرمودند: لازم است نمایندگان سنگرها را رها نکنند. امام در این دیدار به سرپرست کیهان توصیه فرمودند که در افشای گروه‌های منحرف اقدامات مؤثرتری انجام گیرد (روزنامه کیهان، شماره ۱۶۲۰۰، ۱۳۵۹/۵/۵).

### اعتبارنامه خسرو قشقایی و ماجراهای پیرامون آن

[درباره اعتبارنامه] خسرو قشقایی [مسائلی] ایجاد شده بود که او احساس ناامنی می‌کرد و در مجلس حضور پیدا نکرد. رد اعتبارنامه‌اش نیز بسیار با جنجال و همراه با سروصدا بود.

نمایندگان شهرهای استان فارس عموماً و اکثراً از خسرو قشقایی حمایت می‌کردند. روحانیان برجسته فارس، از جمله مرحوم آیت‌الله محلاتی نیز از قشقایی حمایت می‌کردند. مرحوم ربانی شیرازی شخصاً برای دفاع از او به کمیسیون تحقیق آمد. هنگام دفاع ربانی از خسرو قشقایی، شیخ صادق خلخالی به شدت با او درگیر شد و کارشان به کتک کاری رسید. دفاع ربانی به حفظ امنیت در فارس مربوط می‌شد، اما صادق خلخالی حتی حاضر نبود به او اجازه صحبت بدهد. درگیری لفظی به درگیری فیزیکی رسید و عمامه‌ها بر زمین افتادند. با وساطت اعضای کمیسیون، غائله خاتمه پیدا کرد.

## ۷۶ □ شخصت سال صبوری و شکوری

مهندس طاهری، از نمایندگان فارس نیز از خسرو قشقایی دفاع می‌کرد. بهانه عمده مخالفان وی این بود که به موجب مدارک ارسالی از ساواک، خسرو قشقایی از ساواک مستمری دریافت می‌کرده است. خسرو قشقایی توسط مهندس حسنعلی طاهری اعلام کرده بود که اگر تأمین داشته باشم، به مجلس می‌آیم و به تمام اتهامات جواب می‌دهم. ارزیابی من این بود که اگر آمده بود، اعتبارنامه‌اش تصویب می‌شد.

نمایندگان اکثراً می‌دانستند که پرداختی به خسرو قشقایی، مستمری از ساواک نبود، بلکه از محل املاک و اموال توقیف شده خود قشقایی‌ها بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ماهیانه مبلغ ناچیزی به خسرو قشقایی - که در مونیخ آلمان ساکن بود - پرداخت می‌شد. برادران قشقایی، ناصر و خسرو هر دو در مجلس هفدهم نماینده مجلس شورای ملی و طرفدار دکتر مصدق بودند. در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مقامات آمریکا به‌طور رسمی به دیدار ناصر قشقایی در جنوب می‌روند و به او پیشنهاد می‌دهند که سرلشکر زاهدی را در ایل خود پناه بدهد و سپس علیه دکتر مصدق شیراز را اشغال کنند. در مقابل دولت آمریکا وعده داد که فوراً مبلغ پنج میلیون دلار به ناصر خان پردازد و از آن پس نیز ماهیانه پنج میلیون دلار کمک کنند. ناصر خان این پیشنهاد آمریکا را به شدت رد می‌کند و مراتب را به دکتر مصدق گزارش می‌نماید. پس از کودتا، برادران قشقایی مجبور می‌شوند ایران را ترک کنند و پس از چندی کلیه اموال و املاک آنان، از جمله باغ ارم در شیراز مصادره می‌شود.

در سال‌های ۱۳۴۵ گروهی از جوانان قشقایی، به رهبری بهمن قشقایی در جنوب ایران علیه حکومت شاه قیام کردند. خسرو قشقایی جمعی از این جوانان را برای آموزش به مصر فرستاد. در آن زمان روابط گروه ما (سماح) با دولت مصر هنوز قطع نشده بود و مرحوم چمران در قاهره مانده بود و مسئول اداره کلاس‌ها، از جمله همین جوانان قشقایی بود. مرحوم خسرو قشقایی در همان زمان به دیدن من به بیروت آمد و از من خواست تا ترتیب دیدارش را با آقای خمینی در نجف بدهم. من می‌دانستم آقای خمینی این دیدار را به مصلحت نمی‌دانند و او را نمی‌پذیرند و اگر بروم و موفق به دیدار نشود برای هر دو طرف بسیار بد خواهد شد. او در نتیجه به پیشنهاد من نامه‌ای برای آیت‌الله خمینی در نجف فرستاد و از جنبش ایشان حمایت می‌کرد.

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۷۷

خسرو قشقایی بعد از انقلاب، وقتی فضای سیاسی به شدت تحریک شده علیه خود را می بیند به داخل ایل می رود و در کوه پناه می گیرد. مرحوم ربانی شیرازی و مهندس حسنعلی طاهری با او در تماس بودند. او به آنها تأکید می کند که هیچ گاه قصد طغیان یا عملی علیه جمهوری اسلامی را ندارد و صرفاً به خاطر ناامنی و برای حفظ جان خود به داخل ایل رفته است. ربانی شیرازی و طاهری، برای او امان نامه گرفتند، اما موقعی که خسرو قشقایی به شیراز آمد و در منزل مهندس طاهری مشغول استحمام بود، جمعی به منزل مهندس طاهری می ریزند و او را بازداشت و سپس دار می زنند یا تیرباران می کنند. اعدام ناجوانمردانه خسرو قشقایی با واکنش های بسیاری روبه رو شد. در جریان واکنش به اعدام او معلوم نشد چه کسی حکم اعدام او را داده است. دادستان کل انقلاب، مرحوم قدوسی با صراحت اعلام کرد که او حکم نداده است. ابوشریف فرمانده سپاه اعلام می کند که سپاه نقشی نداشته است، اما معلوم می شود آقای خامنه ای حکم داده است. برای روشن شدن مسئله برخی از مطالبی را که در روزنامه های همان زمان منتشر شده است در اینجا می آورم.

### رد اعتبارنامه خسرو قشقایی

۲۲ خرداد ۱۳۵۹

بسمه تعالی

حضور محترم ریاست سنی مجلس شورای جمهوری اسلامی  
موضوع: گزارش کمیسیون تحقیق درباره اعتبارنامه آقای خسرو صولت قشقایی، نماینده اقلید

کمیسیون تحقیق در روزهای دوشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ۱۹، ۲۰ و ۲۲ خرداد ۱۳۵۹ به بررسی پرونده انتخاباتی اقلید و صلاحیت آقای خسرو قشقایی پرداخت. کمیسیون تحقیق گزارش شعبه دوم مجلس را مبنی بر رد اعتبارنامه آقای قشقایی به اتفاق آرا تصویب نمود. گزارش رسیدگی به سوابق، پرونده و صلاحیت آقای خسرو قشقایی به شرح زیر می باشد:

۱- به موجب اسناد و مدارک، آقای خسرو قشقایی و بردانش، در طی سال های بعد از شهریور ۱۳۲۰ و در دوران جنبش ملی شدن صنایع نفت به رهبری دکتر

## ۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

مصدق، از نهضت ملی ایران پشتیبانی نموده‌اند و تا آخرین مرحله به حکومت ملی دکتر مصدق وفادار ماندند، و نه تنها پیشنهاد دولت آمریکا مبنی بر شرکت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را رد کردند، بلکه گزارش این پیشنهاد و مبالغی را که آمریکا در اختیار رهبران ایل قشقایی برای شرکت در کودتا پیشنهاد داده بود، به دکتر مصدق گزارش دادند. به همین دلیل بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مغضوب رژیم شاه و در نتیجه به خارج از کشور تبعید شدند. در خارج از کشور همچنان به نهضت ملی وفادار ماندند و به مخالفت خود با رژیم شاه تا سال ۱۳۴۶ ادامه دادند.

۲- از سال ۱۳۴۶ به علت شکست قیام مسلحانهٔ بهمن قشقایی در فارس و روحیهٔ یأس و ناامیدی و فشار شدید مالی قشقایی‌ها، ایادی رژیم شاه ارتباط خود را با آقای قشقایی آغاز می‌کنند. کوشش ساواک به نتیجه می‌رسد و بالاخره از سال ۱۳۵۲ مکاتبات و تماس مستقیم میان آقای قشقایی با دربار و [اسدالله] علم و شاه و [نعمت الله] نصیری آغاز می‌گردد. به دنبال این مکاتبات، به دستور شاه از طرف ساواک مبالغی به‌عنوان پرداخت قروض و دیون آقای قشقایی به نام‌برده پرداخت می‌گردد؛ سپس مقرری ماهیانهٔ معینی تصویب و از طرف ساواک پرداخت می‌شده است. مکاتبات و ارتباطات مستقیم آقای قشقایی با مقامات رژیم شاه و ساواک تا سال ۱۳۵۴ ادامه داشته است؛ یعنی اسنادش موجود است. در صورت تمایل مجلس محترم، متن این اسناد قرائت خواهد شد. کمیسیون تحقیق این اسناد را دقیقاً بررسی و صحت آنها را تأیید و موجب بند ۴ از مادهٔ ۱۰ قانون انتخابات، اعتبارنامهٔ آقای خسرو قشقایی را به اتفاق آرا رد نموده است.

۳- بررسی اسناد لانهٔ جاسوسی<sup>۱</sup> در مورد آقای خسرو قشقایی: این اسناد توسط دانشجویان خط امام در اختیار کمیسیون قرار داده شد و کمیسیون این اسناد را بررسی کرد. فیلم مصاحبه‌ای را که دانشجویان مزبور با آقای آهرن<sup>۲</sup> متهم به عضویت در سیا، که هم اکنون جزء گروگان‌هاست، برای اعضای کمیسیون نمایش داده شد. به موجب

۱. در ادبیات سیاسی انقلابی‌ها، پس از اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، سفارت آمریکا را «لانهٔ جاسوسی» نامیدند.

۲. توماس ال. آهرن کهنتر.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۷۹

این اسناد، ارتباط آقای خسرو قشقایی با مقامات آمریکا و سیا در ایران محرز می‌باشد. قسمتی از این ارتباطات به سال‌های ۱۳۲۸ برمی‌گردد و قسمت دیگر به بعد از پیروزی انقلاب و بازگشت آقای قشقایی به ایران مربوط می‌باشد. آقای قشقایی در این دوره با آقای آهرن تماس و ارتباط داشته است که تا زمان اشغال سفارت و گروگان‌گیری ادامه داشته است. کمیسیون تحقیق، این اسناد را بررسی نموده، معتقد است آقای قشقایی با آقای آهرن، جاسوس و عضو سیا در ارتباط بوده است.

آقای آهرن هدف از این ارتباطات را تهیه اطلاعات و گزارشات در موارد زیر بیان کرده است:

- ۱- تهیه منابع اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های خرابکارانه عراقی‌ها در خوزستان.
  - ۲- کسب اطلاعات درباره وضعیت امنیتی فارس و خوزستان.
  - ۳- جمع‌آوری اطلاعات در مورد فعالیت‌های آقای خسرو قشقایی، من جمله انتشار یک نشریه هفتگی و هدف‌های این نشریه، تماس‌های قشقایی با افسران ارتش، ممانعت از استقرار سپاه پاسداران در منطقه عشایری فارس.
- اصل اسناد مربوطه برای قرائت در مجلس محترم، در صورت تمایل موجود می‌باشد.
- ۴- در جریان بررسی و رسیدگی به پرونده آقای خسرو قشقایی، نام‌برده طی نامه‌ای به رئیس سنی مجلس و رئیس کمیسیون تحقیق، آمادگی خود را برای حضور در کمیسیون و ادای توضیحات لازم بیان داشتند و درخواست مهلت برای تهیه مدارک و اسناد لازم را نمودند. به دنبال تماس و مذاکره آقای قشقایی با رئیس کمیسیون تحقیق، ابتدا قرار شد در شنبه ۲۴ خرداد در کمیسیون حاضر شوند؛ بعداً آقای قشقایی کتباً درخواست یک هفته مهلت نمودند. مع الاسف تا روز دوشنبه دوم تیرماه آقای قشقایی در جلسه کمیسیون تحقیق حضور به هم نرسانید، و لاجرم کمیسیون تحقیق رأی نهایی خود را عیناً به مجلس محترم گزارش می‌نماید.

با تشکر. ابراهیم یزدی، مخبر کمیسیون تحقیق - ۱۳۵۹/۴/۲

در اینجا لازم می‌دانم بگویم، که در مقام سخنگو و دبیر کمیسیون تحقیق، گزارش کمیسیون را در جلسه علنی خواندم؛ درحالی‌که به آن رأی نداده بودم، و با مفاد و

## ۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

مطالب آن موافق نبودم. خواندن آن گزارش، همراهی با یک جریان ناحق بود و من خود را نمی‌بخشم.

### مصاحبه دکتر بهشتی درباره اعدام خسرو قشقایی

خبرنگار «روزنامه انقلاب اسلامی» در پایان جلسه شورای عالی قضایی، گفتگوی کوتاهی با آیت‌الله دکتر بهشتی درباره اعدام خسرو قشقایی انجام داده که متن آن بدین شرح است:

«... دکتر بهشتی در پایان این جلسه گفت: در این جلسه تبادل نظر کلی در زمینه کارهای مربوط به دادگاه‌های انقلاب و دستگاه‌های اجرایی مربوط به احکام قضایی داشتیم که چون به دستگاه‌های اجرایی مربوط می‌شد، طبعاً باید آقای بنی‌صدر هم که مسئول قوه مجریه هستند، در جریان شور آن قرار می‌گرفتند. مشورت‌هایی کردیم و راه‌یابی‌هایی نمودیم تا ببینیم به کجا می‌رسد.

وی در پاسخ اینکه چه تصمیماتی در این جلسه گرفته شد؟ گفت: تصمیم گرفتیم که لوایح قانونی که در جهت تأمین این هدف باشد، به وسیله اداره حقوقی تهیه شود و سپس در شورای انقلاب مطرح کنیم تا پس از تصویب به اجرا گذشته شود. در مورد دستگیری خسرو قشقایی، نماینده اقلید در مجلس شورای اسلامی، دکتر بهشتی گفت: من سؤالاتی کردم و اطلاعاتی خواستم که مقداری از آن را در اختیار من گذاشته‌اند که هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده‌ایم. وی در پاسخ این سؤال که اطلاعات در چه زمینه‌ای بوده است؟ گفت: اینکه بینم جریان چگونه گذشته، چون اخباری که دریافت کرده بودم اخبار متفاوتی بود.

وی در پاسخ این سؤال که آیا در جلسه امروز این مسئله که دستگیری قشقایی با حکم مستقیم آقای قدوسی بوده است، مطرح شد یا خیر؟ اظهار داشت: با حکم ایشان نبوده، بلکه با یک حکم کلی بوده است که آن مسئول داشته؛ یعنی بعضی از مسئولان سپاه پاسداران و کمیته‌ها احکام کلی در زمینه دستگیری‌ها دارند و در این مسئله از آن احکام کلی استفاده شده است و آقای قدوسی هم گفتند که ایشان حکم خاص شخصی نداده‌اند.



## ۸۱ □ نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ...

سؤال شد آیا ممکن نیست صدور این احکام کلی ایجاد اشکال کند و با توجه به اینکه یکی از مقام‌های آگاه در سپاه پاسداران گفته است که این حکم مستقیم آقای قدوسی بوده است، ولی آقای قدوسی می‌گوید که بر اساس حکم قبلی آقای خامنه‌ای می‌باشد؟ دکتر بهشتی گفت: این دستگیری بر اساس حکم قبلی بوده است که آقای خامنه‌ای در آن موقع داشته‌اند و به چند تا از مسئولان سپاه داده‌اند و حالا هم به استناد همان کار شده است.

وی در پاسخ این سؤال که آیا هر لحظه بر اساس آن حکم می‌توان یکی را دستگیر کرد؟ گفت: دقیقاً نمی‌دانم و نمی‌دانم که آن حکم تا چه حد است. این مسائل در رابطه با دادگاه‌های انقلاب است و ما هنوز در دادگاه‌های انقلاب حضور خاص خودمان را تأمین نکرده‌ایم.

وی در پاسخ به اینکه آیا در این جلسه در مورد جلوگیری از دخالت قوه مجریه در قضائیه و یا عکس آن تصمیماتی گرفته شد یا خیر؟ گفت: مگر چنین دخالت‌هایی هست؟ نمونه‌هایی بگویید تا من جواب بدهم. وی همچنین در پاسخ این سؤال که شما معتقدید که نباید دخالت بشود؟ گفت: به‌طور کلی معتمد که نباید دخالت بشود و قرار بر این است و عملاً هم همین طور است؛ یعنی واقعاً اینها باید با هم و هماهنگ بر طبق قانون اساسی با هم کار کنند. خط و خطوط را قانون اساسی روشن کرده و اینها همه ملزم باشند و قاعده هم همین است و جامعه باید به سمت قانون و اجرای قانون جدید برود (مصاحبه دکتر بهشتی، روزنامه انقلاب اسلامی، دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۵۹ / ۲۵ رجب ۱۴۰۰ / ۷ ژوئن ۱۹۸۰، سال اول، شماره ۷۷۵).

مصاحبه اختصاصی روزنامه انقلاب اسلامی با ابوشریف [درباره حکم قتل خسرو

قشقایی] - روزنامه انقلاب اسلامی ۱۳۵۹/۳/۱۹

ابوشریف در رابطه با دستگیری خسرو قشقایی، نماینده اقلید فارس گفت: که در مورد دستگیری ایشان، فرمانده سپاه به‌کلی بی‌اطلاع بوده است و گویا احکامی در سابق از طرف دادستانی به نام فرماندهی سابق سپاه صادر شده است که بعضی از مسئولین اطلاعاتی به استناد آن احکام کلی، اقدام به یک چنین کاری کرده‌اند که برخلاف

## ۸۲ □ شخصت سال صبوری و شکوری

ضوابط و مقررات سپاه بوده است. باتوجه به اینکه فرمانده سپاه به مسئولین مربوطه اطلاع داده است که هر گونه اقدامی در مورد دستگیری افراد باید با نظر فرمانده جدید باشد، ولی متأسفانه بدون نظر فرمانده جدید این کار را کرده‌اند که در هر حال باید اینها جوابگوی اقدامات غیرمسئولانه خودشان باشند و ما در حال تحقیق و بررسی این مسئله هستیم. فرمانده سپاه پاسداران در مورد علت این عمل گفت: که علت‌های زیادی ممکن است وجود داشته باشد، ولی باید گفت که در این مرحله حساس این گونه اقدامات غیرمسئولانه، موجب به هم ریختگی اوضاع مملکت و حادثه‌آفرینی می‌شود و این اعمال نتیجتاً به نفع دشمنان داخلی و خارجی جمهوری اسلامی خواهد شد.

ابوشریف در مورد اقداماتی که پس از دستگیری خسرو قشقایی از سوی فرماندهی انجام گرفته است، گفت که چون دستگیری ایشان توسط عناصر غیرمسئول و بدون اطلاع فرماندهی بوده است، و چون از دفتر امام و داستان انقلاب آقای قدوسی و از سایر مقامات قضایی دستور داده شد که ایشان آزاد شوند، لذا ما اقدام به آزادی ایشان کردیم.

از فرمانده سپاه سؤال شد که دو تن از خبرنگاران برای گفتگو با قشقایی به منزل وی مراجعه کرده بودند که توسط افراد سپاه از ورود آنان جلوگیری به عمل آمد. [وی پاسخ داد]: افراد سپاه در حال حاضر در اطراف منزل خسرو قشقایی به عنوان حفاظت از ایشان هستند و اگر هم ممانعتی به عمل آمده است، به همین دلیل است که از منزل ایشان حفاظت به عمل می‌آید.

فرمانده سپاه پاسداران در مورد اسنادی که می‌گویند درباره خسرو قشقایی موجود است، اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت که فعلاً من از آن اسناد بی‌اطلاعم. ابوشریف در مورد تصمیم درباره خسرو قشقایی و برگشتن وی به مجلس، گفت که این تصمیم با مجلس است. ابوشریف در مورد جلوگیری از تکرار این کارها گفت: می‌کشیم که از این قبیل اقدامات غیرمسئولانه جلوگیری کنیم و به سپاه نظم بدهیم و کسانی را که خودکامگی و در بعضی از موارد کارهای خود سرانجام می‌دهند سعی می‌کنیم که توجیه‌شان کنیم و آنها را به نظم درآوریم.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۸۳

وی در مورد ملاقات صبح دیروز خود با رئیس جمهوری گفت: در این ملاقات، اوضاع کل مملکت در رابطه با جریان‌ات اخیر در کردستان و در فارس و سایر جاها گفتگو شد و قرار شد که ما حتی المقدور بکوشیم که از درگیری‌های جدید جلوگیری کنیم تا مجلس شورای اسلامی بتواند در سایه امنیت به کارهای خودش ادامه بدهد و نخست‌وزیر مملکت و کابینه تشکیل بشود و مملکت به روال عادی خودش برگردد.

وی در مورد خبر روزنامه‌ها مبنی بر راه‌بندان از سوی عشایر قشقایی به دنبال دستگیری خسرو قشقایی گفت: در این زمینه گزارشاتی رسیده، ولی هنوز تأیید نشده است.

فرمانده سپاه پاسداران در مورد وضع عمومی کردستان گفت: در حال حاضر وضع عمومی کردستان آرام است و به جز درگیری‌هایی که در مرز عراق وجود دارد، در سایر جاها درگیری عمده‌ای وجود ندارد. ابوشریف در پایان گفت که ان‌شاءالله به زودی یک مصاحبه مطبوعاتی در زمینه مسائل جاری و در رابطه با وقایع اخیر خواهم داشت.

امروز دادستان انقلاب در مورد مسئله دستگیری خسرو قشقایی با امام ملاقات خواهد کرد - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۱۹

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: حکمی که من صادر کرده بودم بر اساس حکم آقای قدوسی بوده است.

به دنبال مسائلی که دکتر بهشتی در مورد دستگیری خسرو قشقایی بر اساس حکم کلی حجت‌الاسلام خامنه‌ای به خبرگزاری پارس گفته بود و در شماره دیروز روزنامه‌های عصر و روزنامه‌های صبح امروز نیز چاپ شده، پیش از ظهر امروز طی تماس تلفنی با حجت‌الاسلام خامنه‌ای، نظر وی را در این مورد جویا شدیم. حجت‌الاسلام خامنه‌ای در پاسخ این سؤال خبرنگار ما که پرسید: دکتر بهشتی گفته است که دستگیری خسرو قشقایی بر اساس حکم کلی بوده است که قبلاً آقای خامنه‌ای به چند مسئول سپاه داده بودند، نظر شما چیست؟ اظهار داشت: این درست است. البته به این ترتیب بوده که قهرماً فرمانده سپاه (در زمانی که فرمانده سپاه بودم) برای انجام بعضی کارها و دستگیری‌ها و یا باز داشت‌های معمولی برای برخی عوامل،

## ۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

سپاه، دستور و احکامی صادر کند. من فقط به یکی از فرماندهان وقت سپاه که از اعضای هیئت رئیسه سپاه بود حکمی به این صورت صادر کردم. حجت‌الاسلام خامنه‌ای ضمن اینکه حاضر نشد نام آن عضو هیئت رئیسه آن وقت سپاه را ببرد، اضافه کرد: البته من نمی‌دانم این دستگیری به استناد آن حکم صورت گرفته باشد یا نه. آن حکم هم که من صادر کردم بر اساس حکمی بوده است که آقای قدوسی در وجه من صادر کرده بودند که در حقیقت این حکم من، موارد همان حکم آقای قدوسی است.

از سوی دیگر، خبرنگار ما طی گفتگوی کوتاهی با دکتر ابوالحسن بنی‌صدر (رئیس جمهور)، سؤالاتی را در مورد صدور حکم بازداشت و دستگیری قشقایی مطرح کرد. رئیس جمهوری در پاسخ به این سؤال که آیا حکمی برای بازداشت خسرو قشقایی از جانب مقامات مسئول صادر شده است، اظهار داشت که چنین حکمی صادر نشده است. رئیس جمهوری اضافه کرد: آن حکم کلی که دادستان کل انقلاب به هنگام سرپرستی حجت‌الاسلام خامنه‌ای به ایشان داده بود نیز پس از اینکه آقای خامنه‌ای از سرپرستی سپاه کنار رفتند، بوده است؛ بنابراین، بر اساس آن حکم نیز نمی‌توانستند کسی را بازداشت کنند. و حجت‌الاسلام خامنه‌ای خودشان به من (رئیس جمهوری) نوشته‌اند که حکم بازداشتی برای دستگیری خسرو قشقایی به کسی نداده‌اند.

در تماسی که صبح امروز در همین رابطه خبرنگار ما با دفتر قدوسی، دادستان انقلاب گرفت، آقای حجازی مسئول دفتر دادستانی انقلاب، اظهار داشت: پس از تغییر فرماندهی سپاه پاسداران داده نشده است؛ البته پیش از فرماندهی حجت‌الاسلام خامنه‌ای هم حکمی به وجه آقای منصوری برای چنین کارهایی از سوی دادستان انقلاب در وجه حجت‌الاسلام خامنه‌ای فرمانده وقت سپاه، فقط به نام ایشان در پست سرپرستی سپاه پاسداران بوده است که به وی اختیار می‌داده است که به عنوان نماینده دادستانی در حرکتهای ضد انقلابی و موارد اضطراری، دستور به دستگیری صادر نماید. این حکم قاعدتاً و عرفاً تا زمانی که آقای خامنه‌ای در سپاه باشد، معتبر خواهد بود؛ چون خطاب به خود ایشان که مورد اطمینان آقای قدوسی بودند، صادر شده بود. معمولاً کلیه دستگیری‌های سپاه در زمان آقای خامنه‌ای با توجه به این حکم کلی انجام

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۸۵

می‌گرفت. حال پس از رفتن آقای خامنه‌ای از سپاه، اینکه چنین حکمی معتبر است یا خیر، باید خود آقایان استنباط نمایند. وی در مورد اینکه پس دستگیری بر اساس چه حکمی صورت پذیرفته است؟ اظهار داشت: آنچه که من می‌دانم و بر اساس اطلاعاتی که دارم - فکر نمی‌کنم آقای قدوسی هم بیشتر از این به شما اطلاعاتی بدهند - آن است که حکمی که به آقای خامنه‌ای داده شده است، تنها حکمی است که در وجه سپاه در مورد دستگیری‌ها صادر شده است. حجازی افزود: آقای قدوسی مشغول مطالعه پرونده‌ای در همین مورد هستند تا پس از آن با امام ملاقاتی داشته باشند. امروز دادستان انقلاب با امام در مورد مسئله دستگیری خسرو قشقایی ملاقات خواهد کرد.

### چگونگی دستگیری خسرو قشقایی از زبان پاسدار زخمی شده - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۲۲

یکی از پاسداران که برای احضار خسرو قشقایی از طرف ستاد سپاه اعزام شده و در حین انتقال وی به مرکز ستاد، با شلیک گلوله او زخمی شده بود، در نامه‌ای به [روزنامه] «انقلاب اسلامی» جریان ماجرا را شرح و درخواست چاپ آن را نموده است که از نظر تان می‌گذرد:

«در تاریخ ۵۹/۳/۱۴ تعدادی از گروه برادران طبق حکم کلی شماره ۱۵۳ - ۲۰ مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۸ دادستانی کل انقلاب اسلامی جهت احضار و ادای پاره‌ای توضیحات آقای خسرو صولت قشقایی به منزل ایشان، واقع در خیابان دزاشیب مراجعه و حکم مربوطه با نهایت احترام یک فرد اسلامی [به] نام‌برده ابلاغ گردید. نام‌برده پس از قرائت حکم، بدون هیچ‌گونه اقدام ناشایسته و عکس‌العمل، اجازه پوشیدن لباس را خواستار گردید. در این فاصله، یکی از کارکنان منزل وی با آب خنک و شربت از برادران پذیرایی نمود و در این فاصله، ایشان یعنی آقای خسرو صولت قشقایی با چند نفر تلفنی تماس حاصل نمود. با توجه به اینکه طبق ضوابط ایشان حق تلفن را نداشتند، لیکن برادران سپاه پاسداران این فرجه را به نام‌برده دادند؛ زیرا که ایشان نماینده مردم اقلید فارس بوده و واجب احترام. پس از نیم ساعت، ایشان آماده و با سه نفر از محافظین خود با ماشین شخصی رنجرو مبادرت به آمدن با برادران سپاه

## ۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

نمود که یکی از برادران نیز همراه ماشین آقای عادی<sup>۱</sup> می‌باشد، رو به ایشان نموده و اظهار داشت شما باید با ماشین سپاه پاسداران به مرکز بروید. باید یادآور شوم که ماشین بنز سپاه در پشت ماشین آقای قشقایی در حرکت بود. آقای قشقایی پیشنهاد را قبول و به ماشین سپاه پاسداران منتقل می‌شوند و باز به خاطر اینکه ایشان نماینده مردم فارس در مجلس شورای اسلامی هستند، مورد احترام ما قرار داشته و از تجسس بدنی نام‌برده خودداری می‌شود. ایشان در قسمت عقب اتومبیل سپاه قرار گرفته و دو نفر از برادران، یکی رانندگی ماشین را به‌عهده می‌گیرد و نفر دوم در سمت راست جلو ماشین به‌صورت نیم رخ قرار می‌گیرند که پس از طی کردن مسافتی در نزدیکی‌های خیابان پاسداران در یکی از فرعی‌ها آقای قشقایی اظهار می‌دارد کمی یواش‌تر بروید؛ عجله ای نداریم و در همین موقع اسلحه کمری کالیبر ۳۸ به شماره ۱۹۶۸۴۸ را از زیر کت خود بیرون آورده و روی شقیقه یکی از برادران پاسدار قرار می‌دهد و اظهار می‌دارد هیچ حرکتی نکنید و هر جا که من می‌گویم بروید و به (طرف سپاه نروید). در همین حال من با توکل به خدای بزرگ و با یک جهش مبادرت به گرفتن اسلحه آقای قشقایی کردم که در حین انجام این عمل، آقای قشقایی تیری شلیک نموده و گلوله‌ای به گردن من اصابت نموده و شیشه سمت راست جلو اتومبیل را خرد می‌کند. نفر دوم از برادران سپاهی که رانندگی قشقایی به طرف سپاه حرکت نمود. پس از پیمودن مسافتی در حوالی قیطره، آقای قشقایی از یکی از برادران سپاه که همراه ایشان بودند، سؤال نمود که امکان اینکه من امشب را در سپاه بمانم هست یا خیر؟ برادرمان در جواب ایشان اظهار داشت امکان دارد که شما امشب را میهمان ما باشید. در همین حال ایشان یعنی خسرو قشقایی یکی از افراد خود را از اتومبیل شخصی خود پیاده نمود و به ایشان گفت: شما به منزل بروید و نزد مادرم باشید تا تنها نباشد. پس از پیمودن مسافتی دیگر، برادر سپاهی ما که احساس می‌نمود حرکات نامبرده یعنی آقای قشقایی مشکوک است، ترمز می‌نماید و به کمک من، آقای قشقایی را خلع سلاح و دستبند زدیم. ضمناً در همین احوال، مردمی که شاهد قضایا بوده‌اند و متوجه شدند که ایشان

---

۱. عبارت در اصل نسخه به همین صورت آمده است (ویراستار).

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۸۷

کیست، چه مأموریتی داشته، شروع به کتک زدن آقای قشقایی می‌نمایند و با این حال، برادران سپاه ایشان را از زیر دست مردم نجات داده و به سپاه می‌آورند و تحویل ستاد مرکز سپاه پاسداران می‌دهند. ما برای رد گفته‌های آقای خسرو صولت قشقایی در حضور ملت شریف ایران و مقامات مسئول، با مدارک کافی حاضر به ارائه توضیحات می‌باشیم.

### خبر ناپدید شدن خسرو قشقایی تکذیب شد

در یکی از روزنامه‌های صبح امروز، خبر از ناپدید شدن خسرو قشقایی به چاپ رسیده بود که در این زمینه با منزل خواهر خسرو قشقایی که محل سکونت وی در تهران می‌باشد، تماس برقرار کردیم و با کمال تعجب، قشقایی را در منزلش یافتیم که به شدت خبر ناپدیدشدنش را تکذیب کرد و گفت: روز گذشته حدود دو ساعت با آیت‌الله خلخالی در مورد پرونده‌ام صحبت کردم و طی نامه‌ای که به رئیس و کمیسیون تحقیق مجلس فرستادم خواستار مهلتی برای تکمیل پرونده خود شده‌ام.

[او] در مورد سفر به فارس گفت: اول بنا بود به دستور رئیس جمهور به همراه هیئتی به منطقه سفر کنیم که به علت تکمیل پرونده، مجبور شدم در تهران بمانم و باید خبر بستن راه‌های فیروزآباد را از سوی عشایر قشقایی تکذیب کنم، ولی متأسفانه رفتار بعضی از مسئولین در شهرهای آباده و بخصوص شهرضا، با عشایر، اهانت‌آمیز است. عده‌ای عناصر فرصت‌طلب می‌خواهند تعمداً عشایر را مقابل ارگان‌های انقلابی قرار دهند.

در مورد نحوه زندگی من در تهران باید بگویم از آزادی کامل برخوردارم و هیچ‌گونه مزاحمتی برای من و دیگر افراد خانواده‌ام به وجود نمی‌آورند.

### آیت‌الله محلاتی طی تلگرامی دستگیری خسرو قشقایی را محکوم کرد

شیراز - در رابطه با وقایع مربوط به خسرو قشقایی در تهران، تلگرامی به این شرح از جانب آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی به تهران مخابره شد. متن تلگرام به این شرح است: «خبر تأسف‌آور واقعه‌ای که بر جناب‌عالی گذشت موجب تأثر شدید گردید. از شما که تاکنون در طول این انقلاب اسلامی، صداقت و خدمتگزاری خود را نشان

## ۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

داده‌اید، انتظار دارم که با صبر و بردباری بر یأس غلبه نمایید و به خدمتگزاری خود ادامه دهید. خداوند کشور عزیز و اسلام راستین و انقلاب ملت شریف ایران را از توطئه‌های فتنه‌انگیزان بی‌آیین برهاند».

همچنین به‌خاطر ایجاد آرامش در منطقه فیروزآباد، آیت‌الله محلاتی تلگرام دیگری به این شرح به‌عنوان ناصر قشقایی به تهران مخابره کرد:

«اخبار تأسف‌آوری از تهران در مورد خسرو قشقایی رسید. شدیداً موجب تأثر و اعجاب گردید. ایل قشقایی و سایر ایلات در طول تاریخ خود، همیشه در راه استقلال و شرف ملی و خدمت به اسلام کوشیده‌اند. در این برهه حساس از جناب‌عالی و سایر سران ایل قشقایی انتظار دارم که با صبر و بردباری و در نظر گرفتن مصلحت اسلامی و ملی کشورمان، منتظر اقدامات مقامات مسئول بوده و سعی در حفظ آرامش منطقه نموده و نقشه فتنه‌انگیزان را برای صدمه زدن به انقلاب اسلامی ایران خنثی نمایید».

### ملاقات قشقایی با رئیس جمهور - روزنامه انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۰ خرداد

تهران - خبرگزاری پارس: پیش از ظهر دیروز، خسرو قشقایی، نماینده مردم اقلید فارس در مجلس شورای اسلامی ایران با دکتر ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهوری ملاقات کرد. قشقایی در پایان این دیدار به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: آقای رئیس جمهوری گفتند که در شورای انقلاب به پرونده من رسیدگی شده و چیزی در آن نبوده است. وی گفت: حدود ده روز قبل برادرم ناصر قشقایی خدمت امام رسید و به ایشان عرض کرد می‌خواهند در جنوب آشوب برپا کنند و آن را بر ما تحمیل نمایند. اجازه بدهید که ما یا به خارج برویم و یا در هرگوشه‌ای که امر می‌فرمایید زندگی کنیم و امام فرمودند که شما از محافظان این مملکت هستید و باید باشید. وی افزود: من نه با هیچ کس دشمنی دارم و نه در دسته و گروهی بوده‌ام. من پیرو راه امام و طرفدار به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران هستم. خسرو قشقایی در پاسخ این سؤال که علت راه‌بندان راه فیروزآباد چه بوده است؟ گفت: چون عوامل استعمار و استثمار می‌خواهند منطقه جنوب را که منطقه حساس کشور ماست، به آتش بکشانند، چندین ماه است که مشغول اقدام هستند و ما این مطلب را به رئیس جمهور و هم به



## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۸۹

وزیر جنگ گفته‌ایم، ولی متأسفانه نمی‌گذارند این حرف‌ها به گوش کسی برسد و اگر هم برسد و دستور آن را بدهند اجرا نمی‌شود.

### ۲۶ نفر از خوانین قشقایی دستگیر شدند - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۲۰

اصفهان و شهرضا - خبرنگاران روزنامه انقلاب اسلامی: ۲۶ نفر از خوانین عشایر قشقایی در رابطه با حوادث منطقه پادنا که منجر به مجروح شدن دو پاسدار و به گروگان گرفته شدن دو پاسدار دیگر گردید، توسط سپاه پاسداران شهرضا دستگیر شدند. (اسامی این افراد). بر اساس همین گزارش دستگیرشدگان در خانه یکی از خوانین به نام فتحعلی نرهایی فرزند علمدار در روستای مروک شرکت کرده بودند تا نیروهای خود را بسیج کرده و به فیروزآباد بفرستند که در روستاهای مهرگرد، بیرجان، ورق کزن و گرم‌آباد به وسیله پاسداران دستگیر و به سپاه پاسداران شهرضا تحویل داده شدند. از این عده همچنین مقداری مهمات و هفت دستگاه اتومبیل به دست آمد. مسئول سپاه پاسداران شهرضا افزود: با دستگیری خوانین، عشایر با مراجعه و ارسال تلگرام و نامه‌های متعدد، پشتیبانی خود را از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کردند. همچنین فرماندار سمیرم در گفتگویی با خبرنگار ما در اصفهان در مورد حوادث منطقه پادنا گفت که پیروز پانزده نفر از پاسداران سمیرم به هنگام عزیمت از این شهر به منطقه پادنا مورد حمله ایادی ناصر قشقایی قرار گرفتند که منجر به زخمی شدن سه پاسدار و به گروگان گرفته شدن دو پاسدار دیگر گردید. وی افزود: دو نفر از پاسداران زخمی شده، سر پایی معالجه و از بیمارستان مرخص شدند، اما یک نفر دیگر هنوز در بیمارستان بستری می‌باشد و گروگان‌ها هم صبح دیروز آزاد شده‌اند. فرماندار سمیرم افزود: این عمل به خاطر اعتراض به دستگیری خسرو قشقایی صورت گرفته و مهاجمین عنوان کرده بودند تا زمانی که خسرو قشقایی آزاد نشود ما گروگان‌ها را آزاد نخواهیم کرد. فرماندار سمیرم در پایان گفت: برای اکتشاف و شناسایی منطقه، از اصفهان تقاضای هلی‌کوپتر کرده‌ایم که هنوز به درخواست ما پاسخی داده نشده است. همچنین از سپاه پاسداران نیز برای اعزام پاسدار تقاضا کردیم.

## ۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

### خسرو قشقایی به آن‌گونه که من دیدم

مرتضی فیروزی

در خبرهایی که در مورد باز داشت خسرو قشقایی به ما رسیده بود، از جمله اتهاماتی که به گوش می‌رسید، صحبت از دریافت مبلغ سه هزار تومان در ماه از بودجه نخست‌وزیری بود. شاید اگر این خبر در مورد افراد عادی گفته می‌شد قابل تأمل بود، ولی چون رقم پول با شخص نمی‌خواند، برایم شگفت‌آور بود. حدود ده روز پیش به مجلس رفته بودم؛ البته نه به‌عنوان کسب‌خبر یا مصاحبه، بلکه برای دیدن برادرمان خامنه‌ای و استاد گلزاده غفوری، که از طرف بخش احزاب روزنامه، مأموریت داشتم دو سؤال - که بیشتر از جنبه ایدئولوژیک مطرح بود - به این برادران بدهم تا به ما جواب دهند. همان‌طور که منتظر این برادران بودم، حس کنجکاوم تحریک شد که حال وقتی نمایندگان در سالن حضور دارند چه بهتر که یک نظرخواهی عمومی در مورد نخست‌وزیر آینده انجام دهم. سؤال را درباره حبیبی یا کلانتری مطرح کردم. هر یک جوابی دادند: یکی از عدم قاطعیت و با همه گروه‌ها رقصیدن یک نفرشان سخن می‌گفت، و دیگری از جوان بودن و تحت تأثیر حزب بخصوص بودن شخص دیگر ابراز عقیده می‌کرد.

در این میان، وقتی با یکی از نمایندگان صحبت می‌کردم، از او پرسیدم این شخص مقابل که تنها نشسته است کیست؟ پاسخم گفت: او خسرو خان! است. برخاستم به نزدش رفتم. خودم را معرفی کردم و سؤال را با او درمیان گذاشتم. برخورد اولیه او مانند برخورد بیشتر یاران مصدق مؤدبانه و کلاسیک بود. در جوابم لبخندی زد و گفت: از روزنامه شما انتظار چنین سؤالاتی نداشتم؛ چون این سؤالات جنجالی به درد روزنامه‌هایی می‌خورد که بیشتر به دنبال تیراژ باشند. برایش توضیح دادم که برای ارضای حس کنجکاوی خودم چنین سؤالی را مطرح کردم. در جوابم گفت که پیشنهاد می‌کنم علی‌رغم میل باطنی خودم که با جلسات در بسته به شدت مخالفم، ولی این بار برای جلوگیری از هر گونه تشبث آرا و به دور از هر نوع جنجال تبلیغاتی، خونسردانه با رئیس جمهور در یک جلسه خصوصی نشستنی داشته باشیم و نخست‌وزیر را تعیین کنیم تا دنیا بداند ما و رئیس جمهور همچنان که امام تأکید فرمودند متحد و در کنار

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۹۱

یکدیگر علیه ابرقدرت می‌جنگیم؛ چون ارتجاع و امپریالیسم زخم‌خورده به این زودی‌ها دست از ما نخواهند کشید. من کوله‌بار تلخی از تاریخ گذشته نفاق‌افکنان دارم. صحبت‌ها دیگر بین ما به قول معروف گل انداخته بود. از دوران نمایندگی ۱۶ و ۱۷ مجلس که او در آن عضویت داشت، گفتیم؛ از آیت‌الله کاشانی و مصدق گفت؛ از آتش‌بیاران معرکه، دلی پر خون داشت و از آنان به شدت هراس داشت و معتقد بود این آسان‌ترین شیوه برای درهم کوبیدن یک نهضت و انقلاب است و برایش باور بود که مغرب‌زمین آگاهانه می‌داند ما شرقی‌ها اگر به ما توهین کنند یا تهمت بزنند، فوری واکنش نشان داده و جامعه را حتی فدای خویش می‌کنیم؛ همچنان که در دوران نهضت نفت چنین شد. بحث بالا گرفت: از مهندس رضوی و کشته شدنش، از دکتر معظمی و اداره کردن مجلسش، از جمال امامی و نطق‌های آنچنانی درباری‌اش، از دکتر فاطمی و «باختر امروز» او و مقاله‌های آتشینش؛ خلاصه با تاریخ پیش آمدیم تا آنجا که به آن شب تاریخی ملاقات خسرو قشقایی با مسئولان سفارت آمریکا رسیدیم. حتماً همه می‌دانند آن شب، صفحه زرین پر افتخار ایل قهرمان قشقایی ورق خورد؛ چون پیشنهاد پنج میلیون دلاری سفیر آمریکا که از قشقایی خواسته بود سرلشگر زاهدی را به جنوب برده و اعلام حکومت آزاد کند و آمریکا هر ماه مبلغ سه میلیون دلار به او خواهد رساند؛ تا مصدق کاملاً سرنگون گردد. و حتی در کابینه زاهدی به او و برادرش پست وزارت خواهند داد را جواب منفی و دندان‌شکن داد و از آنجا با گام‌های استوار به سوی خانه مصدق روان شد و با مرادش از توطئه در شرف تکوین سخن گفت. آن روز از جوان ۲۷ ساله‌ای که سر پرشور دارد، بعید بود که وسوسه نشود، ولی او یک قشقایی اصیل و با تمام خصوصیات پاک ایلی خود بود که به وطنش عشق می‌ورزید. مصدق نه به اعلام خطر او توجه کرد و نه به نامه ۲۷ مرداد مرحوم آیت‌الله کاشانی. بر او و ملت همان رفت که همه می‌دانیم. آزادگان به زندان افتادند و برادران قشقایی تبعید شدند و ۲۵ سال دور از وطن و وطایفه زندگی کردند و سر در مقابل طاغوت زمان خم نکرده‌اند. راستی چرا زمانی که می‌رود کردستان به همت ارتشیان و پاسداران غیور جان برکف ما آرام گیرد، هنگامی که صحبت از بر سر عقل آمدن کادر مرکزی چریک‌های فدایی می‌شود، قشقایی را در خانه‌اش دستگیر می‌کنند و مورد ضرب و

## ۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

شتم قرار می‌گیرد؟ ولی او دیگر بچه نیست که تحت تأثیر احساسات قرار گیرد و جامعه را فدای خود کند. او ضرورت اتحاد را به گفته امامان با کمال وجود حس می‌کند و به همین خاطر، پس از واقعه، با خبرگزاری پارس مصاحبه کرده، می‌گوید: ایل قشقایی بنابر قولی که داده است همچنان به فرمان امام آمادهٔ جانبازی در راه انقلاب است. او می‌گوید ما کوفی صفت نیستیم و پیمان‌شکنی هم نمی‌کنیم.

من چنین استباط کردم که او فردی مکتبی نیست، بلکه او از نسل ملی‌گرایان تاریخمان می‌باشد، ولی در هیچ جای تاریخ نیافتیم که دولتی انقلابی، فردی را به دلیل ملی بودن و میهن‌پرستی محاکمه کند.

در پایان باید بگویم آنانی که مانند رئیس جمهور و آیت‌الله خلخالی به پروندهٔ اسناد نظر افکندند، اظهار نظر کردند که این اسناد وابستگی را اثبات نمی‌کند. حال برعهدهٔ تاریخ است که بگوید قشقایی یک میهن‌پرست بود یا ستون پنجم امپریالیسم؟ ولی آنچه بر من یقین است دریافت ماهیانهٔ او از نخست‌وزیری برای خدمت به رژیم کذب محض است.

### اعتبارنامهٔ غضنفرپور<sup>۱</sup> و دکتر حسن آیت

ساعت ۹:۱۰ صبح دیروز، سومین جلسهٔ علنی مجلس شورای اسلامی به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید، چند تن از نمایندگان به‌عنوان سخنران پیش از دستور، سخنرانی کردند؛ سپس مجلس وارد دستور شد.

دکتر یزدی: همان‌طور که آقای خلخالی توضیح دادند، لیستی که به کمیسیون تحقیق داده شد، بر حسب شعب نوشته شده بود و از شعبهٔ یک شروع می‌شود. پروندهٔ آقای آیت ظاهراً از شعبهٔ پنج به کمیسیون ارجاع شده بود و پروندهٔ آقای غضنفرپور از شعبه ۷ یا ۸؛ الآن یادم نیست. در هر حال، یکی این بود، یکی هم اینکه بعضی از پرونده‌ها که احتیاج به مطالعات خیلی بیشتری داشت، در نتیجهٔ بررسی و گزارش آن به تعویق

---

۱. عضو شورای مرکزی جبههٔ ملی ایران و نمایندهٔ نخستین دورهٔ مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخاباتی شهرستان لنجان.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۹۳

افتاد؛ درحالی‌که بعضی از پرونده‌ها که ساده‌تر بود، زودتر کمیسیون به نتیجه رسید. به همین دلیل می‌بینید که اگرچه لیست بر حسب شعب تنظیم شده بود، ولی بعضی از گزارشات خیلی زودتر به مجلس داده شد. همان‌طور که آقای خلخالی هم توضیح دادند در مورد پرونده آقای غضنفرپور زودتر بررسی شد و کمیسیون تصمیمش را گرفت، ولی همان‌طور که بارها در اینجا به عرض مجلس محترم رساندم، گزارش کمیسیون تحقیق هم باید در کمیسیون مطرح بشود و به تصویب برسد. تنظیم گزارش کمیسیون که چه چیزی باید در این گزارش منعکس بشود به بحث و به درازا کشید تا دیروز به نتیجه نهایی رسید؛ بنابراین، تنظیم گزارش کمیسیون تحقیق در مورد پرونده آقای غضنفرپور و آقای آیت هر دو هم‌زمان دیروز انجام گرفت و هر دو را ما دیروز خدمت هیئت محترم رئیسه دادیم. حالا اینکه کدام‌یک اول مطرح بشود یا دیگری، آن بر عهده هیئت رئیسه است.

رئیس: پرونده آقای غضنفرپور مطرح است.

پس از پایان سخنان آقای هراتی، مجلس وارد دستور شد و گزارش کمیسیون تحقیق درباره پرونده انتخاباتی آقای احمد غضنفرپور به وسیله کمیسیون تحقیق مطرح و اعلام شد که اعتبارنامه آقای غضنفرپور در کمیسیون تحقیق رد شده است. آقای فؤاد کریمی به‌عنوان مخالف دلایل و مدارک استنادی را مطرح ساخت و نتیجه گرفت که چون آقای غضنفرپور عقاید مائویستی دارد و از طرفی سوابق سوئی هم از گذشته دارد، لذا نباید در مجلسی که جو اسلامی دارد، چنین شخصی به‌عنوان نماینده وارد شود؛ بخصوص که نام‌برده در سه روز ایام عید به‌رغم رهنمودهای امام و سخنان امام جمعه تهران به برنامه‌ها و موسیقی‌های مبتدل و سیاه‌بازی اختصاص داده بود.

پس از سخنان آقای فؤاد کریمی، آقای غضنفرپور به دفاع از خود پرداخت و به‌طور مفصل و مشروح، مبارزات خود را علیه رژیم و نیز در طول مدتی که امام در منزل وی میهمان بود و سپس منزل او ستاد فعالیت‌های انقلابی بوده است، برشمرد و اتهامات وارده به خود را رد کرد.

## ۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

پس از بحث و تذکر در تأیید یا رد اعتبارنامه غضنفرپور، نسبت به اعتبارنامه وی اخذ رأی به عمل آمد و از مجموع ۲۰۹ رأی، ۹۳ رأی موافق، ۶۳ رأی مخالف و ۵۳ رأی ممتنع بود که رئیس مجلس اعلام کرد: اعتبارنامه آقای غضنفرپور تصویب شد.

### بررسی اعتبارنامه آیت

با تصویب اعتبارنامه غضنفرپور، رئیس مجلس از آقای دکتر یزدی، مخبر کمیسیون تحقیق خواست تا نتایج بررسی کمیسیون تحقیق را درباره پرونده انتخاباتی دکتر آیت قرائت کند، لیکن به دلیل عدم حضور دکتر یزدی یکی دیگر از اعضای کمیسیون تحقیق، گزارش کمیسیون تحقیق را که حکایت از تأیید اعتبارنامه آیت بود، قرائت کرد. سپس رئیس مجلس از احمد سلامتیان خواست تا دلایل مخالفت خود را با اعتبارنامه آیت مطرح کند. در این هنگام احمد سلامتیان به تفصیل دلایل خود را اعلام کرد که تا پایان جلسه ادامه داشت و دنباله بررسی به جلسه آینده موکول گردید.

### رد اعتبارنامه تیمسار دکتر احمد مدنی

به اعتبارنامه تیمسار مدنی، که از کرمان انتخاب شده بود، نیز اعتراض شد، اما مخالفان هیچ حرف منطقی نداشتند جز اینکه او یک فرمانده نظامی بود و بنا بر موقعیت نظامی اش در مواردی ادای احترام به شاه کرده بود. ارزیابی من این بود که اگر تیمسار مدنی در مجلس می آمد و از خود دفاع می کرد. اعتبارنامه اش تصویب می شد، اما وی نه تنها به مجلس نیامد، بلکه به شدت به انتخابات مجلس حمله کرد و آن را مخدوش دانست و اصل صحت انتخابات را زیر سؤال برد؛ در نتیجه در غیاب او اعتبارنامه اش رد شد. گزارش رد اعتبارنامه او به شرح زیر است:

بسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی  
۱۳۵۹/۵/۷  
موضوع: گزارش اعتبارنامه آقای مدنی نماینده کرمان  
پرونده انتخابات کرمان و اعتبارنامه آقای سید احمد مدنی که توسط شعبه سه به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر مدارک و اسنادی

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۹۵

که توسط شعبه به کمیسیون ارسال شده بودند، کمیسیون، بررسی و تحقیقات وسیعی را آغاز نمود. برای پاسخگویی به موضوعات مورد بحث در اسناد و مدارک، حضور آقای مدنی در کمیسیون تحقیق ضروری بود، اما همان‌طور که نمایندگان محترم مجلس مسبقاً هستند، آقای مدنی در مجلس حاضر نمی‌شوند. به درخواست کمیسیون تحقیق، ریاست سنی مجلس شورای اسلامی از ایشان درخواست کرد تا برای ادای توضیحات لازم در کمیسیون تحقیق حضور بهم رسانند. مع الاسف آقای مدنی دعوت هیئت رئیسه مجلس را نادیده انگاشته و به جای آنکه در مجلس حاضر شده و به سؤالات کمیسیون تحقیق پاسخ بدهند، به صدور بیانیه توهین‌آمیز علیه مجلس شورای اسلامی مبادرت ورزیدند که متن آن را نمایندگان در جراید یومیه ملاحظه فرموده‌اند. در این بیانیه موهن، آقای مدنی اصل ضرورت رسیدگی به اعتبارنامه نمایندگان را تخطئه کرده و آن را غیرقانونی خوانده‌اند و چنین حقی را برای نمایندگان مجلس قائل نشده‌اند، اما در عین حال خود ایشان با موضع‌گیری خصمانه علیه مجلس شورای اسلامی به خودشان اجازه داده‌اند که در مورد صلاحیت نمایندگان منتخب مردم قضاوت نموده و اعلام حکم نمایند.

کمیسیون تحقیق لاجرم رسیدگی به موارد اتهام علیه آقای مدنی را بدون حضور نام‌برده ادامه داد. از شهود مطلع برای ادای توضیحات در طریق هیئت رئیسه مجلس دعوت نمود. این مطلعین در کمیسیون حضور بهم رسانیده در موارد عدیده توضیحات لازم را به سمع کمیسیون تحقیق رسانیدند. کمیسیون تحقیق پس از بررسی کلیه اسناد و مدارک موجود در پرونده و استماع شهادت شهود مطلع، به دلایل زیر به اتفاق آراء، آقای مدنی را فاقد صلاحیت نمایندگی در مجلس شورای اسلامی تشخیص داده و اعتبارنامه نام‌برده را مردود اعلام می‌دارد.

۱- ارتباط با ساواک و رژیم شاه مخلوع: آقای مدنی به‌عنوان فرمانده پایگاه درجه یک نیروی دریایی و پادگان بندر عباس، حداقل از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۹ با ساواک و دربار در ارتباط بوده است و در ایام مربوط به طاغوت برای رژیم شاه و خاندان منحوس پهلوی مجالس دعا و تجلیل و مراسم رژه برگزار نموده است. جمعاً حدود ۲۲

## ۹۶ □ شخصت سال صبوری و شکوری

سند در این موضوع بخصوص در پرونده ایشان موجود است. نمونه‌هایی از این اسناد قرائت می‌شوند.

۲- فعالیت‌های سیاسی و ارتباط با عناصر ضد انقلاب قبل از پیروزی انقلاب در بهمن ۱۳۵۷: به طوری که خاطر نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مستحضر می‌باشد از مدت‌ها قبل از فرار و سقوط رژیم شاه مخلوع، یک حرکت سیاسی انحرافی توسط بیگانگان، به رهبری و ابتکار آمریکا، به منظور مقابله با حرکت اصیل اسلامی و ایجاد انحراف در آن شکل گرفت. محور اصلی این جریان سیاسی را امینی، بختیار و دوستانشان تشکیل داده بودند. آقای مدنی به موجب اسناد موجود در پرونده - که بعد از انقلاب کشف شده و در اختیار کمیسیون می‌باشد - یکی از فعالین این جریان بوده‌اند و دائم با اشخاص وابسته به این جریان سیاسی انحرافی جلسات متعدد و تماس‌های منظم داشته است. این اسناد شامل مکالمات تلفنی آقای مدنی است با اشخاص مختلف وابسته به رژیم، من جمله هوشنگ نهاوندی، سیروس آموزگار، دریادار رسایی، دکتر رزم آرا، سناتور موسوی و ...

قسمت‌هایی از این مکالمات برای اطلاع نمایندگان محترم و ملت ایران قرائت می‌شود.

۳- اتهامات وارده به آقای مدنی در سمت رئیس ستاد و نیروی دریایی جمهوری اسلامی: در این سمت آقای مدنی متهم است که وسایل فرار برخی از امرای فاسد نیروی دریایی را فراهم ساخته است. یک نمونه از آن به شرح زیر گزارش می‌شود:

در ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ گروه بازرسان بازرسی وزارت دفاع ارتش ملی ایران، نتیجه رسیدگی به پرونده پروژه بندرسازی چابهار را گزارش داده و در طی آن پیشنهاد می‌نمایند که مسئولین پرونده مذکور تا بررسی نهایی تحت نظر قرار گیرند و سه نفر را با اسامی آقایان تیمسار دریادار سیامک دیهیمی، ناخدا دوم عبدالله زرگری و عباس مازین معرفی می‌نمایند که تحت نظر قرار گیرند. تیمسار قرنی، با این پیشنهاد موافقت می‌نمایند. در ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ آقای هادوی دادستان دادگاه انقلاب دستور توقیف سه نفر نام‌برده در بالا را صادر می‌نمایند. در ۲۸/۱۲/۵۷ هفت نفر از امرای نیروی دریایی، من جمله سیامک دیهیمی ممنوع الخروج اعلام می‌شوند. در ۲۹/۱۲/۵۷ مراتب توسط



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۹۷

اداره گذرنامه شهربانی به تمام شهربانی‌های مرزی و مراکز صدور گذرنامه در سرتاسر ایران ابلاغ می‌گردد. در ۱۳۵۸/۱/۱ سیامک دیهیمی به حکم تیمسار قرنی رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی با تقلیل درجه به ناخدا یکمی ثابت باز نشسته می‌شود. در ۲۳ خرداد ۱۳۵۸ آقای مدنی طی نامه‌ای به آقای هادوی، دادستان دادگاه انقلاب با صدور حکم بازداشت نام‌برندگان مخالفت کرده و می‌نویسد که مسئله تحت نظر گرفتن این افسران منتفی می‌باشد. در دوم تیرماه ۵۸ مسئولیتی حساس از طرف آقای مدنی به آقای دیهیمی واگذار می‌شود و وی به سمت فرمانده پادگان و مناطق دریایی خلیج فارس و دریای عمان منصوب می‌گردد. این انتصاب طی نامه‌ای از طرف کارگزینی نیروی دریایی به آقای مدنی غیرقانونی اعلام می‌شود. معذالک آقای مدنی نام‌برده را همچنان با درجه دریاداری در سمت مورد نظر خود ابقا می‌نماید. بالاخره در مهرماه ۱۳۵۸ نام‌برده از طرف آقای مدنی، رئیس ستاد نیروی دریایی برای مدت یک ماه به مأموریت اروپا و آمریکا اعزام می‌گردد. نام‌برده بعد از خروج از ایران، هرگز به ایران برنمی‌گردد. به این ترتیب رسیدگی به پرونده میلیون‌ها دلار سوءاستفاده در پروژه بندرسازی چابهار به علت فرار متهم اصلی معوق می‌ماند. لازم به تذکر است که پروژه بندرچابهار حدود یک میلیارد دلار بوده است و کمپانی طرف قرارداد، کمپانی آمریکایی «برون اند روت» بوده است. این پروژه برای ساختمان یک بندر نظامی برای نیروی دریایی بوده است. ظاهراً بیش از نیمی از بهای قرارداد منعقد را به کمپانی آمریکایی پرداخته کرده بودند؛ درحالی‌که هرگز به اندازه ۵۰ درصد<sup>۱</sup> از ساختمان بندر صورت نگرفته بود. به موجب یک سند موجود در پرونده، باهمکاری مدنی عناصر یادشده کمپانی آمریکایی در تاریخ ۱۴ بهمن ۵۷، یعنی یک هفته قبل از سقوط بختیار، آخرین موجودی در حساب پروژه را در ایران مبلغ ۲۵ میلیون دلار از ایران خارج نموده است.

۴- عملکرد آقای مدنی در دوره استانداری در خوزستان: اتهامات متعددی علیه آقای مدنی به کمیسیون تحقیق ارجاع شده است. این موارد عبارتند از:

---

۱. مقصود ۵۰ درصد است.

## ۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

یک - به کار گرفتن عناصر ساواک و بدسابقه به عنوان مشاور و مسئول در استانداری خوزستان و انتصاب آنان در پست‌های فرمانداری و شهرداری: این افراد هر کدام سوابق ممتدی در همکاری با رژیم منفور گذشته و ساواک و سرکوبی مردم داشته‌اند. نمونه‌هایی از این اشخاص عبارتند از: مهنا مزرعه، قاضی نوری، اسدالله ثابت‌پور، توکل ساکت، آفاجانی، سید حسین هاشمی، حمدالله آصفی، میرزا صفی، قدیمی ماهانی و ... اسناد مربوط به این اشخاص همگی در پرونده موجود است. برای اطلاع نمایندگان محترم، اسناد مربوط به آقایان مهنا مزرعه و قاضی نوری قرائت می‌شود.

دو - رسیدگی به وضع مالی استانداری خوزستان و نیروی دریایی در زمان تصدی آقای مدنی: شواهد و اسنادی دال بر سوء استفاده‌ها وجود دارد که رسیدگی به آنها از حیطة اختیارات و همچنین امکانات کیمسیون تحقیق خارج می‌باشد. کیمسیون تحقیق رسیدگی به آنها را جداً توصیه می‌نماید.

۵- اسناد ارتباطات با مقامات آمریکایی: در این مورد چهار سند در اختیار کیمسیون تحقیق قرار گرفته است:

سند اول: به تاریخ ژوئن ۱۹۷۹ مشتمل بر شرح حال و زندگی، سوابق تحصیلی، مراتب و درجات و مقامات آقای مدنی است. در این سند آمده است که نام‌برده به شدت ملی‌گرا و طرفدار آمریکاست.

سند دوم: نقل در پرونده خسرو قشقابی است در مورد انتشار یک نشریه هفتگی با همکاری آقای مدنی.

سند سوم: مذاکرات مفصل شخصی است به نام مهندس اسدالله ثابت‌پور. این شخص پدرش سرهنگ آجودان اشرف پهلوی بوده است. با رژیم شاه همکاری داشته است. وی از همکاران نزدیک مدنی بوده است و از طرف وی مدیر و مجری طرح‌های عمرانی نداجا [نیروی دریایی] بوده است و سپس به سمت شهردار آبادان منصوب می‌شود. این شخص در پنجم اکتبر ۱۹۷۹ با آقای مترینکو، کارمند سیاسی سفارت آمریکا تماس و مذاکرات مفصلی داشته است. یکی از محورهای بحث و مذاکره، اشتیاق دریاسالار مدنی به ریاست جمهوری و استمراج در مورد حمایت آمریکا از کاندیداتوری وی می‌باشد. در این گفتگو ثابت‌پور، مدنی را شخصی ضد نفوذ

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۹۹

روحانیون، ضد سازمان آزادی‌بخش فلسطین، یک ایرانی ملی‌گرا و کسی می‌داند که درک می‌کند ...

### ادامه گفتگو درباره اعتبارنامه آقای تیمسار دکتر احمد مدنی

بررسی اعتبارنامه تیمسار مدنی در جلسه بعد هم ادامه یافت. جلسه این‌گونه آغاز شد و به شرح زیر ادامه یافت.

رئیس: تا نتیجه آرا معلوم شود، گزارش کمیسیون تحقیق مربوط به آقای دکتر زرگر را قرائت بفرمایید.

دکتر یزدی: بسم الله الرحمن الرحیم. گزارش کمیسیون تحقیق درباره اعتبارنامه آقای دکتر زرگر، نماینده شهریار.

رئیس: در مورد پرونده آقای مدنی گزارشی که آقای دکتر یزدی باید بخوانند.

رئیس: آقای دکتر یزدی گفتند.

دکتر یزدی: قاعدتاً نمی‌تواند سال ۱۳۵۵ باشد؛ زیرا که آن موقع آقای مدنی بازنشسته بودند و دیگر در مصدر کار نبودند.

دکتر یزدی: سال ۱۳۵۵ است؛ زیرا در سال ۱۳۵۵ ایشان مصدر کار نبوده‌اند.

دکتر یزدی: به هر حال وقتش زیاد فرق نمی‌کند و تغییری در محتوا نمی‌دهد (همه نمایندگان). اجازه بدهند سند شماره ۴ از این سری [را بخوانیم]:

«تهران - قصر همایونی

پیشگاه مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه بزرگ ارتشتاران

مفتخراً از طرف افسران و درجه‌داران و افراد نیروی انتظامی و عشایر بنادر و جزایر دریای عمان، شایسته‌ترین تبریکات نوروزی را به پیشگاه مبارک شاهانه تقدیم و مراتب جان‌بازی افسران، درجه‌داران و افراد نیروی انتظامی و عشایر و بنادر جزایر دریای عمان را در راه شاهنشاه معظم و سربلندی ایران عزیز به شرف عرض می‌رساند. جان‌نثار ناخدا سوم مدنی».

در همین سند هم جوابی است که از قصر همایونی [به تاریخ] ۱۳۴۴/۴/۸ به امضای رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، هیراد داده شده است. سند مشابه دیگری در تاریخ باز هم ۱۳۴۴ است که تلگراف است.

## ۱۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دکتر یزدی: خیلی ممنونم. عرض کنم در کمیسیون ما ۳۵ خواندیم حالا اصلاح شد که ۱۳۴ است. در بررسی اسناد، این مکالمات<sup>۱</sup> و مسائلی که می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد اینها هستند. در مکالمات مختلفی که در این دوره هست که اولین مکالمه‌هایی که سندش در اینجا هست در ۱۳۵۷/۵/۵ است و آخرین مکالمه‌ای که در اینجا هست مربوط به ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ است. حدود مدت دو ماه و خُرده‌ای است. محور اصلی این مکالمات و برنامه‌ریزی‌ها عبارت از این است که از روی انقلاب پل بزنند و باری اینکه این پل زده باشد باید در رفتن شاه به مسافرت تعجیل بشود. مکالماتی که با امینی شده و با هوشنگ نهاوندی، با سروس آموزگار با اشخاص دیگری که اسامی آنها اینجا در پرونده موجود است. صحبت بر سر این است که هر چه روزدتر باید شاه برود و در غیاب شاه ما بتوانیم با روی کار آوردن یک کابینه وحدت ملی ... [افتادگی متن].

دکتر یزدی: چشم الآن.

دکتر یزدی: همان‌طور که عرض کردم از تاریخ ۱۳۵۷/۸/۵ تا تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ توسط قسمت شنود این مکالمات تلفنی ضبط شده و پیاده شده و اسنادش در اینجا هست.

دکتر یزدی: سؤال این است که نوارها در اختیار کمیسیون تحقیق قرار گرفته یا نه؟ خیر، نوارها را در اختیار کمیسیون قرار نداده‌اند، ولی پیاده شده‌اش را که در خود اداره دوم بوده، از طریق مرکز اسناد ملی در اختیار ما گذاشته‌اند.

دکتر یزدی: اسامی را هم بخوانیم؟ چشم.

دکتر یزدی: الآن. اجازه بدهید بنده خدمتتان عرض می‌کنم.

«آقای ناشناس در تاریخ ۲۱/ ... [افتادگی متن] با آقای مدنی مکالمه تلفنی دارند. بعد می‌گویند: تازه چه خبر؟ و بعد بیان این است که خادمی را هم یک نفر ترور کرده و کشته است. خادمی؟ بله. آن کسی که رئیس هواپیمایی ملی بود. در کجا؟ توی خانه‌اش بود. مریضخانه هزار تخت‌خوابی. در هر حال مرده یا نه نمی‌دانم. صحیح. آن وقت آن دویست و پنجاه میلیون دلاری که به خارج فرستاده است. پس آنها ... [افتادگی متن].»

---

۱. بهتر بود می‌گفت: مکاتبات.

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۰۱

دکتر یزدی: ظاهراً از فحوای مکالمات این طور استنباط می‌شود.

دکتر یزدی: این دو نفر را گرفتند. آنهایی که ظاهراً تاریخش وقتی است که شاید یک عده از پاریس آمدند. شاید آقای سنجابی باشد. «آن آدم هم که گیر یک دیوانه بدتر از خودش مثل بنی‌صدر افتاده آنجا». این یک نقل قولی است که شده در اینجا. در یک جای دیگری که راجع به ارتباطات خودشان با رحیمی صحبت می‌کنند. با اویسی صحبت می‌کنند و «مطالبی که اینهایی که تو می‌دانی دیگر. به خود ازهاری بگویم. این مسائل هست. حالا چه می‌گویی؟ من نمی‌دانم. برای اینکه اینها به قول معروف یارو گفت: من (یک لغتی دارد که من نتوانستم بخوانم) که می‌گوید بد باشد. یک امانت‌داری دارم (چون همه اینها مکالمات تلفنی است، با ایما و اشاره است). مکالمه‌ای است بین آقای مدنی و شخصی به نام آقای امیر.

دکتر یزدی: خیر، امیرانتظام نیست؛ یک امیر دیگری است که توی پرونده‌اش هست. یک مکالمه‌ای هم با شخصی به نام دکتر نظیری هست که می‌گوید: «الآن ما گفتیم بابا این محلی است آمده است اینجا به‌عنوان یک رابطی و کاتالیزوری که آن برود و آنکه رفت آقای خمینی تشریف بیاورند هر کاری می‌خواهند بکنند». خانم مدنی می‌گوید: «آخر آقای خمینی که سیاستمدار نیست، این در همه کارها دخالت می‌کند. به نظر من بی‌مورد است». آقای دکتر نظیری: «بله خانم. الآن ایشان مرجع تقلید است و ایشان را به اصطلاح مردم بزرگ کرده‌اند. این نظر خودم هست، ولی خوب، ایشان در همه کارها دخالت می‌کنند». صحبت خانم مدنی با خانم دکتر نظیری که از بحثمان خارج است. اینجا نوشته مهم است، ولی من تصور نمی‌کنم صحبت‌های خانم‌ها دخلی به قضاوت ما داشته باشد.

دکتر یزدی: حالا احمد چه می‌گفت را نقل می‌کنم. گفتم که نقل قول خانم‌ها است. شما که نباید به نقل قول خانم‌ها اکتفا کنید.

دکتر یزدی: نظیری؟

دکتر یزدی: نمی‌دانم. «احمد گفت: آقای آیت‌الله خمینی». این نقل قول خانم‌ها است. حالا آقای خلخالی فرمودند که نقل قول خانم‌ها را بخوانید و من می‌خوانم.

## ۱۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

دکتر یزدی: «احمد گفت: آیت الله خمینی نمی فهمد؛ چون از سیاست که چیزی سرش نمی شود؛ مرجع تقلید است. دیروز یک معاون نیروی دریایی (تیمسار مجیدی) که با احمد خیلی دوست است و مرد خیلی خوبی است، اینجا آمد و گفت: مطمئن باش اگر دولت موفق نشد، خیلی احتمال دارد که کودتای نظامی بشود». خوب، این هم همین حرفهایی است که همان موقع هم بود که چنانچه راه حل کابینه وحدت ملی انجام نگیرد، نظامی ها کودتایی بکنند.

یک شخص ناشناسی باز هم در ۱۳۵۷/۱۰/۱۷ به آقای مدنی تلفن کرده و گفته که: «خمینی نمی گذارد گام به گام کار پیش برود. یک برنامه ای در مغزش هست. شوروی یا آمریکا برایش برنامه ریزی می کنند و آمریکا روی بختیار صحه گذاشته و در قم ارتش با مردم همکاری می کند. و عکس خمینی را روی تانکها زده اند و دیروز صد هزار نفر در قم جلو شهرداری راه افتادند. [خمینی] برای ایشان صحبت کرده اند و مردم مرگ بر شاه می گفتند و سربازها درود بر خمینی می گفتند و شبها با مردم الله اکبر می گویند و معلوم نیست در سر خمینی چه می گذرد که ما نمی دانیم» و مدنی می گوید: «ما خیلی آسان تر می توانستیم به آن چیزی که می خواستیم برسیم، ولی گران تر می رسیم». بعد یک صحبتی هست که با شخصی به نام سناتور موسوی شده در ۱۳۵۷/۱۰/۱۲ [راجع به همین مسائل که چطور کابینه محلل را بیان بکنند. در مذاکراتی است که با دریا دار رسایی شده که خیلی مفصل است. رئوس اصلی اش این است که آقای مدنی به دریا دار رسایی می گوید: «شاه باید برود و یک شورایی هم تشکیل بشود. حالا بعد یک پنج - شش ماه و یک سالی بگذرد. شاید اوضاع آرام تر بشود. مردم هم بالاخره کم کم بله، اینها را فراموش می کنند». مدنی [می گوید]: «کشور دارد از بین می رود. منتها ایشان (شاه) ولی نمی دانم والله. حالا یک سری بزنم بعد هم دکتر امینی را ببینیم، شاید بتوانیم ایشان را متقاعد بکنیم که به مسافرت بروند. چه اشکالی دارد آدم خسته می شود و مسافرت می رود». دریا دار رسایی جواب می دهد: «من فکر می کنم که رأی اعتماد بدهند که حالا برود. باید رأی اعتماد بدهند. تا روز سه شنبه و پنجشنبه مسلماً معلوم می شود که وزرا چه کسانی هستند». اسامی را که خواسته بودید در این مکالمه آمده است. دکتر مدنی گفت: «یکی آقای کاظمی هست در

### نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۰۳

وزارت امور خارجه، یکی دکتر مشایخی هست، یکی هم محمد - نمی دانم کی هست - در تربیت معلم نمایندگان. محمد درخشش».

دکتر یزدی [در حال نقل قول مکالمات تلفنی مدنی]: «رزم آرا برای بهداری که حالا دو دل است. آموزگار برای اطلاعات، ابراهیم زاده که کرج با هم درس می دادیم از قدیم، ایشان برای دارایی و اقتصاد، وزارت کشور را هم به من پیشنهاد کردند که گفتم معذور هستم. تیمساز جم را برای وزارت جنگ، آقای مهندس بیانی را برای آب و برق».

دکتر یزدی: در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۸ یادداشتی از استانداری خوزستان با امضای آقای دکتر مدنی، استاندار استان خوزستان با این متن [صادر شده است]: «به عموم به ویژه مراجع مربوط در استان خوزستان این توجه داده می شود که آقای شیخ مهنا مزرعه از دوستان است و در مسیر انقلاب اسلامی ملت ایران تلاش دارد و کمک و مساعدت لازم را در این راه با این استانداری و دیگر کارگزاران دولت انقلاب می نماید». حالا آقای مهنا مزرعه [کیست؟]، سندی است از ساواک خوزستان به تاریخ ۱۳۴۷/۱۰/۲۳ درباره مهنا مزرعه به اسم مستعار علی زاده، شماره منبع ۰۲۷۲۳: «با پیشنهاد آن ساواک در مورد استخدام نام برده بالا مقرری ماهیانه ۱۵۰۰ ریال موافقت گردید. دستور فرمایید تاریخی را که استخدام وی عملی خواهد شد، اعلام نمایند تا نسبت به تعیین شماره رمز و پرداخت مقرری وی اقدام شود. ضمناً نسبت به تهیه و ارسال مدارک استخدامی مشارالیه، بیوگرافی ملصق به دو قطعه عکس و دو برگ رونوشت شناسنامه، تعهدنامه و سوگندنامه نیز اقدام نمایند». نامه های دیگری هست به خط خود آقای مهنا مزرعه به تاریخ ۱۳۴۷/۱۱/۱: «این جانب مهنا مزرعه چیذر جاراالله (اسمش همین است؟ نمی دانم) افتخار می نماید و تقاضا دارم در اداره ساواک محترم خدمت ابراز میل و رغبت دارم همکاری های لازم را در مواردی که به این جانب صحبت شده، نموده در راه و خدمتگزاری به شاهنشاه آریامهر ارواحنا فداه و میهن عزیزم همیشه آماده هستم». یک نوشته دیگری باز هم هست: «ریاست محترم ساواک دشت میشان، محترماً به عرض می رسانم برای پاره ای مذاکرات مدت دو ساعت منتظر هستم؛ خواهشمندم دستور

## ۱۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

فرمایید به جهت ملاقات جناب عالی. امضا - دشت میشان - مروج مذهبی شیخ مهنا مزرعه - مروج مذهبی کاویان رفیع».

دکتر یزدی: از توضیح شما ممنونم. باز هم نامه دیگری است به تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۱۷ که خود آقای مهنا به دفتر استانداری خوزستان به آقای مدنی نوشته است: «به استحضار عالی می‌رساند این‌جانب شیخ مهنا مزرعه مبنی بر اینکه تصور می‌کنم تا آنجایی که مقدر بوده به اسلام و انقلاب خدمت کرده‌ام و انتظار داشته‌ام خداوند متعال قبول فرماید. ان‌شاءالله من اشتباهی کردم متوجه نشدم با کدام حزب همکاری کنم و من به علت اختلافات ناشی از جاه‌طلبی آخرین از تاریخ ۱۳۵۸/۹/۱۲ تا تاریخ ۵۸/۱۰/۴ در دادگاه انقلاب زندانی بوده‌ام (رئیس: سال ۵۸ است؟) عین چیزی است که نوشته‌اند. منظور ۴ / ۱۰ / ۵۸ است. هل جزاء الإحسان الا الإحسان؟ آیا من انتظار داشتم به علت خدمات این‌جانب زندانی شوم؟ آیا همکاری با جناب عالی همکاری با اسلام نیست؟ آیا اعلام کرده بودند که همکاری با استاندار مخالف انقلاب است؟ در خلال این مدت یکی از مسئولین بازجویی به نام موسوی در دادگاه انقلاب، کلیه تحقیقات این بود که در خلال مدت همکاری شما با استاندار برای ما تشریح دهید و فقط به خاطر این نکته بازداشت بودم و ادعای ساواکی این‌جانب عاری از حقیقت بود و دو برگه که در روزنامه درج شده که در واقع شاهد عدم همکاری این‌جانب می‌باشد، آن را بهانه گرفته‌اند و به‌خاطر همکاری با جناب عالی دستگیر شده‌ام و برای صدق مدعا از جناب عالی تقاضا می‌شود پرونده این‌جانب را مطالعه و قضاوت فرمایید. ضمناً بعد از آزادی این‌جانب اعلام کرده‌اند که این‌جانب خلع لباس شده است. متمنی است حیثیت یک روحانی و مظلوم را و دفاع را آزاد فرمایید تا اعاده حیثیت شود». باز، نامه‌ای است از دادستان کل انقلاب اسلامی اهواز به تاریخ ۵۷/۷/۲۱ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

دکتر یزدی: «بسمه تعالی. رابطه مدنی با تیمسار علوی و برعکس و اعترافات علوی و انتصابش از طرف مدنی و پرونده علوی که هنوز در جریان است نیز توضیح فرمایید

---

۱. گویا ۵۸/۷/۲۱ درست باشد؛ زیرا در ۱۳۵۷ که هنوز سپاه پاسداران تشکیل نشده بود (ویراستار).



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۰۵

و همچنین سعی داشت تیمسار مجیدی را به جانشینی خود در نیروی دریایی نصب کند». این مطلب بحث شد. اسنادی در مورد رابطه آقای مدنی و علوی به کمیسیون تحقیق نرسید.

دکتر یزدی: من به دادگاه ارتش تلفن کردم؛ گفتند: ما پرونده‌ها را فرستادیم و اعترافات خطرناکی هم دریادار علوی در رابطه با وابستگی مدنی با آمریکا کرده. من یک ماه پیش با دادگاه ارتش تماس گرفتم و این اطلاعات را به من دادند.

دکتر یزدی: تا آنجایی که من می‌دانم و اعضای محترم کمیسیون تحقیق هم مستحضر هستند، اگر غیر از این است.

دکتر یزدی: البته در این مورد گفتند که یک چنین چیزی هست.

رئیس: بعد از بیانات آقای دکتر یزدی، آقایان می‌توانند توضیح بدهند.

دکتر یزدی: یادداشت دوم این است: «بسمه تعالی. آقای دکتر یزدی، لطفاً همان‌طور که آقای خلخالی توضیح دادند، بفرمایید که این اسناد و مدارک را در زمان تصدی شاه به آقای مدنی می‌دادند، ولی ایشان توجه نمی‌کرد». خوب ایشان این تذکر را دادند، ولی احتیاج نبود. من همه مطلب را تکرار بکنم و مجدداً یادداشت شما را خواندم. یادداشت دیگر این است. این سندها در زمان استانداری و فرماندهی مدنی همچنین کاندیدا شدنش به ریاست جمهوری کجا بوده؟ لطفاً توضیح دهید. «خوب این را مسئولیتش بر عهده من نیست. توضیح بدهم وزارت کشور که صلاحیت یک فردی را برای کاندیدا شدن برای ریاست جمهوری یا مجلس تصویب می‌کند و تأیید می‌کند، آنها باید این جواب را بدهند، نه من. من فقط جواب‌ده چیزی هستم که در کمیسیون تحقیق بحث شده و تصمیم گرفته شده.

یادداشت دیگر: «بسمه تعالی. سؤال را حتماً بخوانید اگر ملت غیور و مسلمان و شهیدپرور ایران از مسئولین امور مملکت و دولت موقت بازرگان و شورای انقلاب سؤال کنند چرا این اسناد تا دیروز افشا نشده؟

دکتر یزدی: جناب آقای خلخالی، ما هم که آن را استقبال کردیم. حالا اگر آقایان سؤال داشته باشند.

## ۱۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

دکتر یزدی: یک توضیحی هم جناب آقای باغانی خواسته‌اند به این شرح که گفته‌اند: «راجع به درگیری خرمشهر و اعدام پنج نفر هم اسناد را بخوانید». اگر خاطر جناب آقای باغانی باشد، در گزارش کمیسیون این چون روشن نبود، اکثریت رأی داد که از گزارش حذف بشود. حالا اگر شخص خود شما مایل باشید به‌عنوان یک نماینده حق دارید و می‌توانید توضیح بدهید، ولی در گزارش کمیسیون تحقیق قرار شد که این حذف بشود؛ چون قضیه روشن نبود.

رئیس: بسیار خوب، رسیدگی می‌کنیم. اگر چیزی باشد می‌دهم برای انتشار. آقایان اگر پیشنهادی دارید به‌صورت کتبی بدهید. شما مطلبی ندارید جناب آقای دکتر یزدی؟  
دکتر یزدی: خیر.

صفاتی: جناب آقای هاشمی من یک تذکری داشتم در رابطه با آن مطالبی که آقای زرهانی فرمودند.

رئیس: شما بفرمایید؛ چون پیشنهاد کفایت مذاکرات را می‌خواهیم مطرح کنیم. بله و آن مطلب این است که در باره رابطه آقای مدنی با علوی، از طرف آقای ری شهری مدارکی فرستاده شده بود اینجا، و بنده چند بار آن را در کمیسیون تحقیق مطرح کردم که آن مطالب هم مورد بررسی قرار بگیرد و آقای دکتر یزدی گفتند که آنها مطلب مهمی نیست و حالا تعجب می‌کنم که آقای دکتر یزدی چطور می‌گویند که چنین مدارکی به ما نرسیده و چرا وقتی که من آنجا مطرح کردم، چرا آن را پیگیری نکردند و اصولاً این رویه کمیسیون تحقیق که درباره بعضی‌ها خیلی خوب تحقیق می‌شود، بررسی می‌شود و مدارک از همه جا خواسته می‌شود، ولی در تمام موارد این موضوع رعایت نمی‌شود. در رابطه با مطالبی که آقای زرهانی و آقای دکتر یزدی فرمودند خواستم این موضوع را به عرض مجلس برسانم.

صفاتی: عرض کنم بنده چندین بار روی این مطلب تکیه کردم و آن را مطرح کردم، ولی اهمیتی داده نشد و آقای دکتر یزدی فرمودند: این مطلب، مسئله مهمی نبوده.  
رئیس: آقای دکتر یزدی توضیح بدهید.

دکتر یزدی: بسم الله الرحمن الرحيم. این تذکر را من بارها داده‌ام آنچه را که من اینجا می‌خوانم گزارش کمیسیون تحقیق است، نه گزارش یزدی. آقای صفاتی که

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۰۷

خودشان عضو کمیسیون تحقیق هستند و صورت جلسه را هم می‌نویسند، باید این را توجه می‌کردند که وقتی گزارش کمیسیون تحقیق خوانده می‌شود و به رأی گذاشته می‌شود اگر ببینند که گزارش کمیسیون تحقیق ناقص است، همانجا باید اعتراض می‌کردند و یا اگر هم اعتراضی کرده‌اند یا نکرده‌اند که من الآن هم نمی‌دانم. در هر حال آنچه را که ما در اینجا می‌خوانیم مصوبه کمیسیون تحقیق است. اگر چنانچه جناب آقای صفاتی و جناب آقای دکتر میلانی در صورت جلسه کمیسیون تحقیق، چنین نقل قولی را از من بیاورند و به محضر مجلس محترم ارائه بدهند من حرف ایشان را می‌پذیرم. چنین چیزی هرگز مطرح نشده بوده که من چنین بیانی را بکنم و من نهایت تعجب می‌کنم که ایشان چگونه چنین حرفی را می‌زنند که بله مدارک و اسناد آمد و یزدی گفت - بر فرض یزدی گفت؛ فرض محال که محال نیست - بر فرض یزدی گفت، مگر شما توی کمیسیون نبودید؛ مگر نمی‌توانستید رأی بگیرید که این باید رسیدگی بشود؟ این چه حرفی است که شما می‌زنید؟

کیاوش: بلی. مسئله دوم، قسمت دوم نوار، شامل تقاضاهایی است که آقای مدنی از دادگاه انقلاب اسلامی کرمان از آقای هاشمیان برای رهاسازی ساواکی‌ها و خائنین به ملت قهرمان ایران خواسته‌اند؛ از جمله تقاضا کردند آقای برخوردار - که فراماسونر معروف استادشان بوده - آزاد بشوند و ایشان در بازجویی‌های خودشان اعتراف کردند که هر نوع اقدامی را انجام دادند. آقای برخوردار برای آزادی غیر از خودش حتی ساواکی‌هایی مثل آرشام، رئیس ساواک کرمان، حتی پیش آیت‌الله صدوقی هم رفته‌اند برای اینکه آرشام را تبرئه کنند. از آتش‌سوزی مسجد جامع خوشبختانه موفق نشدند. دومین شخصی که در این نوار تقاضا کرده‌اند آزاد بشود، سرهنگ صبا است. سرهنگ صبا رئیس دادگاه تجدید نظر ارتش است که دستش به خون حداقل ده‌ها نفر آلوده است؛ همان شخصی که با شاهپور هم ارتباط داشته. سومین نفر آقای عباس خاندانی است که مجسمه شاه را می‌ساخته است و مجسمه میدان ارک هم از دستپخت همین آقا است. در بازجویی که از منزل او شده است مقداری اسلحه و مهمات و مدال‌ها و اینها هست. این نوار اول. برادرمان آقای دکتر یزدی راجع به حیف و میل ایشان صحبت می‌کردند، فرمودند: اسنادی وجود ندارد که کاملاً این مطالب را ثابت کند. من

## ۱۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

اما آن اسناد را دارم. اولین سندی که اینجا دارم شماره‌بندی شده. (رئیس: این‌طور گفته نشد. یا گفتند تحقیق نشده. گفتند که سوء استفاده‌شان را تحقیق کنند و نظر بدهند). در هر حال من اینجا مدرکی است از بانک لندن از انگلیس که ایشان ۲۴ میلیون تومان یک بار، ۹۰۰ هزارپوند و بار دیگر ۴۰۰ هزار پوند توسط ناخدا خوشنام در دسامبر ۱۹۷۹ به بانک انگلیس ریخته‌اند. باید توضیح بدهند این پول برای چه بود؟ نویسنده این ورقه که در انگلیس هم هست، کارمندی است که در همان بانک کار می‌کند به نام آقای حسین سخایی.

کیاوش: این مدرک الآن موجود است که باید اثبات بشود این مسئله. بار دوم مخصوصاً ۲۵ میلیون دلار باز اینجا مدرک داریم. عین مدرک موجود است. توسط آقای نزیه در سوم فوریه ۱۹۷۹ از ایران خارج شده. شماره مدرک ۲۳ است. باید آقای مدنی جواب بدهند چه رابطه‌ای با این پول داشته‌اند (رئیس: چه ربطی به ایشان داشته؟ چه نوع ارتباطی می‌تواند با ایشان داشته باشد؟). این‌طور که توی این پرونده گزارش شده، ایشان هم در این مسئله سهمیه بوده‌اند (رئیس: آقای دکتر یزدی دستشان را بلند کرده‌اند. این‌گونه مطالب زیاد پیش می‌آید. یادداشت کنید و بعد آنها را توضیح بدهید). مدرک سوم که اینجا دارم و شماره‌اش ۱۷ است و در این پرونده هست ...

رئیس: ضمن اینکه گوینده بعدی صحبت می‌کنند من یک تذکر می‌دهم که توجه بفرمایند که این چیز کم سابقه‌ای است که ده - دوازده نفر وقت گرفته باشند و طبق آیین‌نامه هر یک هم بخواهند یک ربع صحبت کنند. این خیلی طولانی خواهد شد و خیلی مطالب هم تکراری است. بسیاری از همین حرف‌های آقای کیاوش در گزارش آقای دکتر یزدی آمده بود. من خواهش می‌کنم آقایانی که بعداً صحبت می‌کنند سعی کنند فهرست‌وار و مختصر باشد.

رئیس: آقای دکتر یزدی، شما توضیحی درباره این اظهارات آقای نصراللهی می‌توانید بدهید؟ (مهمه نمایندگان). آرام باشید بحث بین الاثینی نباشد. آقای نقوی و آقای معرفی‌زاده با همدیگر بحث نکنید.

دکتر یزدی: هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۰۹

دکتر یزدی: خیر، اینجا من مجبورم از حیثیت کمیسیون تحقیق دفاع بکنم. کسانی بدون احساس مسئولیت، بعضی از حرف‌ها را می‌زنند و توجه ندارند آقایانی که رأی ممتنع یا رأی مخالف در کمیسیون دادند، گفته شد که می‌توانند به‌عنوان مخالف اینجا بلند شوند و حرف‌هایشان را دوباره بزنند. خود آنها جزء کسانی بودند که در جلسه علنی مجلس مخالفت کردند و اعتراض کردند.

دکتر یزدی: تمام اعضای کمیسیون تحقیق به من یادداشت دادند که آقا شما از حیثیت ما دفاع بکنید.

دکتر یزدی: ما از ۳۲ گزارشی که داده‌ایم ۲۳ گزارش آن تصویب اعتبارنامه بوده است، با همین سبک که داده‌ایم. چطور شده است که حالا به یاد آیین‌نامه افتاده‌اید؟  
رشیدیان: بسم الله الرحمن الرحیم. همان‌طوری که برادرم آقای نصراللهی فرمودند به دلایلی که ذکر کردند، بنده هم رسیدگی به این پرونده را به اتفاق آقای صفاتی ناقص دانستم و عده‌ای از نمایندگان هم که شاید بالاجبار در رأی‌گیری شرکت کرده بودند، اینها هم رسیدگی به پرونده را ناقص می‌دانستند. پنج نفر از معترضین [پرونده را ناقص می‌دانستند]. قاعدتاً آقای دکتر یزدی، شما طبق روال عمل نکردید. ۳۲ پرونده یا پنجاه پرونده. تمام نمایندگان معترضی که اعتراض کردند چرا به کمیسیون دعوت نشدند و نیامدند اعتراضات خودشان را و دلایل اعتراضات خودشان را بیان کنند؟ به جز آقای نصراللهی و آقای چراغزاده کس دیگری به کمیسیون دعوت نشد و نیامدند و ما اصرار کردیم که آقا فقط یک روز یک عصر یک بعدازظهر این را مهلت بدهید. [حتی گفتیم:] هیچ اشکالی ندارد فردا صبح ساعت هفت صبح می‌آییم، این آقایان هم می‌آیند و حرف‌هایشان را می‌زنند؛ حتی همه‌شان را فاکتور می‌گیریم؛ فقط آن شهود انجمن اسلامی می‌آیند مطالبشان را می‌گویند؛ چون به مسائل فنی آشنایی دارند. بعد رأی‌گیری می‌کنیم. خیلی هم راضی هستیم. باندبازی و این چیزها نبوده است که شما می‌گویید توی دلشان چه بوده است، ولی من آقای یزدی، اگر بخواهم بگویم دیگر و فلان ... آن وقت شما حاضرید تودلی‌هایتان را بگویید؟

دکتر یزدی: آقای هاشمی، من طبق آیین‌نامه تقاضا دارم که وقت بدهید صحبت

کنم.

## ۱۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دکتر یزدی: این موضوع مربوط به اعتبارنامه من نیست. نیت من چه هست و چه می نویسم به ایشان مربوط نیست که الآن می کنند.

رئیس: به هر حال اگر این طور بخواهید بگویید، اینها همه به کمیسیون اعتراض می کنند و شما نباید جواب بدهید و آن هم شخص شما نیست، مربوط به همه کمیسیون است.

دکتر یزدی: من باید جواب مطالبی را که گفته اند بدهم. شما می فرمایید جواب ندهم.

دکتر یزدی: من توضیحاتم را نوشته ام، شما می فرمایید جواب ندهم؟

دکتر یزدی: همین حرفهایی را که گفته اند باید جواب بدهم.

دکتر یزدی: من هنوز مطلبم را نگفته ام. شما از کجا می فهمید که مدلل نیست؟ رئیس: مدلول پرونده را باید مدلل بگویید. طبق آیین نامه، مدلول گزارشتان باید مدلل باشد، ولی شما نمی گوید؛ بنابراین، اعتراض وارد است.

دکتر یزدی: وارد نیست.

دکتر یزدی: ایشان می گویند که اصلاً در کمیسیون بررسی نشده است. من باید جواب بدهم.

دکتر یزدی: این مطلب جداگانه ای است. این حرفهایی که اینها زدند وارد نیست.

دکتر یزدی: در مورد دیگران هم همین کار را می کنید؟

دکتر یزدی: وقتی به کمیسیون ایراد می گیرند و ما می خواهیم جواب بدهیم، شما این اجازه را نمی دهید که جواب بدهیم؟

دکتر یزدی: درست نیست.

دکتر یزدی: رئیس کمیسیون تحقیق آقای خلخالی در این مورد توضیح می دهند.

دکتر یزدی: اجازه بدهید آقا شما خودتان در کمیسیون حاضر شدید و شرح

دادید...

دکتر یزدی: می دانم. بنده عرض نکردم که نیست. بنده عرض می کنم که گزارشی که هیئت رئیسه به ما داد اینها بودند. من نگفتم که شما نبودید. بسیار خوب، حالا اسم شما را هم می نویسم. آن چیزی که به ما دادند این بود. از این عده آقای غفاری و آقای

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۱۱

رشیدیان خودشان عضو کمیسیون تحقیق بودند. مدت دو ماه این پرونده در کمیسیون بود. ما به آقایان کتباً نوشتیم که بیایید و گزارشتان را بدهید؛ آنها هم آمدند و دادند. دکتر یزدی: اجازه بدهید آقا شما خودتان در کمیسیون حاضر شدید و شرح دادید. دکتر یزدی: آقای صفاتی جزو معترضین در جلسه علنی نبودند، ولی توی کمیسیون جزو مخالفین بودند و صحبت کردند؛ بنابراین، آقایان آمدند، صحبت‌هایشان را کردند و تا به آنجایی که من به یاد دارم آقای رشیدیان در جلسه بودند و حرف‌هایشان را زدند؛ آقای نصراللهی آمدند و حرف‌هایشان را زدند؛ آقای چراغزاده آمدند و حرف زدند (همه‌هه نمایندگان). اگر نمی‌خواهید که من حرفم را بزخم شلوغ کنید. بعد از اینکه آقای نصراللهی تمام مطالب را بیان کردند، آخرین نفر ... اسدی‌نیا: آقای دکتر یزدی، بنده صحبت‌های خودم را نکرده‌ام. رئیس: آقایان همه با هم بلند نشوید و صحبت نکنید تا بعداً من تو ضیح بدهم. آقای دکتر یزدی، ادامه بدهید.

دکتر یزدی: بعد از اینکه آقایان آمدند و در کمیسیون تحقیق صحبت کردند، دو نفر از کسانی که عضو شعبه پنج بودند گزارش دادند و گفتند تمام این مطالب در شعبه پنج هم آمد و بحث شد. به موجب نظری که این دو نفر دادند و کمیسیون روی نظر این دو نفر تصمیم گرفت، قرار بر این شد که دعوت شهودی که آقایان درخواست کردند از انجمن اسلامی بیایند، ضرورتی ندارد؛ خصوصاً که در کمیسیون از آقایان رشیدیان و صفاتی که مخالف بودند، سؤال شد آیا علاوه بر آن چیزی را که آقای نصراللهی آمد و به صورت مبسوط در اینجا شرح داد، یک سند یا یک موردی غیر از اینهایی که گفته شد آیا وجود دارد که ما برویم دنبال آن یا نه؟ دکتر یزدی: آقای محترم، استدعا می‌کنم. شما در مجلس هم این رویه را دارید (همه‌هه نمایندگان). آقای رئیس، اجازه بدهید تا من حرفم را بزخم.

### رسیدگی به اعتبارنامه آقای تاتاری

رئیس: برنامه بعدی رسیدگی به اعتبارنامه آقای تاتاری است. آقای دکتر یزدی، برای قرائت گزارش تشریف بیاورید.

## ۱۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

رئیس: آقای دکتر یزدی بخوانید.

دکتر یزدی: پس اجازه بدهید من یک توضیحاتی بدهم؛ چون بعضی از آقایان اعضا از من می‌خواهند که توضیح بدهم. اولاً پرونده ایشان از مرکز اسناد خواسته شده؛ یعنی ما از ابتدای کار کمیسیون هم طی نامه‌ای از هیئت محترم رئیسه خواسته بودیم که کلیه کسانی که پرونده‌های آنها به کمیسیون تحقیق برای بررسی ارجاع می‌شود، از مرکز اسناد خلاصه پرونده آنها بیاید. تا آنجایی که ما می‌دانیم خلاصه پرونده آقای تاتاری هم در اختیار کمیسیون تحقیق گذاشته نشده و چون موردی هم که آقای فؤاد کریمی اعتراض کرده بودند که ورقه‌ای بود که البته توی این پرونده نیست. آنجا هست؟ (خطاب به یکی از منشی‌ها). (منشی: خیر). عرض کنم که تنها ورقه‌ای که آقای فؤاد کریمی به کمیسیون تحقیق داده بودند، نامه‌ای بود که شخصی به نام دبیر حزب رستاخیز به آقای تاتاری نوشته بود که شما به سمت عضو و مشاور در فلان کمیته منصوب می‌شوید، ولی چیزی که نشان بدهد که آقای تاتاری قبول کردند و شرکت کردند در اختیار کمیسیون گذاشته نشده و علاوه بر این، آقای تاتاری در جلسه کمیسیون، اسناد و مدارکی را ارائه دادند که به دلیل مخالفتشان با حزب و عدم حضور و شرکت در حزب، باعث دردسرهایی برای ایشان شدند و ایشان را از زاهدان به ایرانشهر منتقل کردند؛ لذا با این توضیحات، کمیسیون رأی خودش را داده و بیش از این نمی‌توانست منتظر تأخیر در ارسال خلاصه پرونده از مرکز اسناد بشود.

دکتر یزدی: مدارک و اسناد را آقای فؤاد کریمی در اختیار کمیسیون گذاشته‌اند، ولی از مرکز اسناد ملی چیزی در این مورد به کمیسیون تحقیق نرسیده است.

دکتر یزدی: معترض هم چیزی نداشته است.

رئیس: یکشنبه نیست، دوشنبه است. آقای موسوی شما باز دارید حرف خودتان را تکرار می‌کنید، شروعهش از دوشنبه است. تازه اگر از روز یکشنبه هم بود، من می‌توانستم جلسه فوق‌العاده اعلام بکنم. شما کمک نکنید. ببینید آقای زرهانی، می‌خواهیم یک ماده قانونی را عوض کنیم. تعویض یک ماده قانون همین جوری که نمی‌شود؛ یک پیشنهادی می‌خواهد. دو فوریتی اگر نباشد باید برود به همان کمیسیون. چند روز طول بکشد تا برگردد و ما نمی‌توانیم تا روز دوشنبه [صبر کنیم]. حق شما



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۱۳

است که طبق این آیین‌نامه بروید. پس ما باید این را اصلاح بکنیم. این حرف را از آقای دکتر یزدی که پهلوی شما هستند می‌پرسیدید بعد شروع می‌کردید.

### اعتبارنامه آقای حاج علی مهیمی

دکتر یزدی: یعنی چه؟ من نماینده ام باید رأی بدهم.

رئیس: قبل از شما هم کسانی اسم نوشته‌اند و آنها هم سؤالاتشان واجب است. آقای دکتر یزدی در این فاصله سؤالتان را بفرمایید تا جواب بدهند.  
دکتر یزدی: آقای هاشمی، شاید شما بدانید، ولی این چه صحبتی است که شما می‌فرمایید؟!

دکتر یزدی: می‌گویم آقا این استناداری که شما این اختیار را به او می‌دهید، اگر پولی را در یک طرح نسنجیده خرج کرد، چه کسی مسئول است؟  
رئیس: هرچه می‌خواهید پیشنهاد بدهید و پیشنهادتان یک مسئولی بگذارید. اینکه آقای دکتر یزدی سؤال نبود ... افتادگی متن) ... (زنگ رئیس).  
رئیس: آقای دکتر یزدی، ادامه بدهید، ولی در بیان این‌گونه مطالب تصریح نفرمایید.

دکتر یزدی: اجازه بفرمایید گزارش تمام بشود.

دکتر یزدی: در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱۶ ... آقای بهرامی، اجازه بفرمایید! من مجبورم آنچه را که در کمیسیون از جمیع جهات مطرح شده، به شما گزارش بدهم.  
دکتر یزدی: چرا، همین است.

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، شما عین صورت جلسه را بخوانید.

نایب رئیس: اجازه بفرمایید. آقای دکتر یزدی، مگر صورت جلسه پیش شما نیست؟  
نایب رئیس: چشم. آقای دکتر یزدی اجازه بدهید.

نایب رئیس: بفرمایید. اینکه تذکر آیین‌نامه‌ای نیست. آقای دکتر یزدی شما ادامه بدهید.

دکتر یزدی: اگر چنانچه آقایان اجازه ندهند که من این مطلب را تذکر بدهم و بقیه این مطالب را بخوانم، ظلمی در حق آقای مهیمی کرده‌اند. برای اینکه بعضی از حرف‌ها را شما گفتید. اگر می‌خواستید نمی‌بایستی از اول بگذارید ما اصلاً این مطالب

## ۱۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

را بخوانیم. حالا که ما خواندیم، بقیه‌اش هم [باید خوانده شود]؛ من جمله من باید نامه‌های دو نفر از استاندارهای این مملکت را در حق ایشان بخوانم.  
دکتر یزدی: نامه استانداران را در حق ایشان من باید بخوانم.  
نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، همه اعضای کمیسیونتان به شما اعتراض می‌کنند. کارتان چطوری است؟  
دکتر یزدی: خیر، این عین همان صورت جلسه است که من اینجا آورده‌ام و آماده کرده‌ام.

دکتر یزدی: بلی.  
دکتر یزدی: آقای خامنه‌ای، حرف شما درست نیست.  
نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، شما چرا عین صورت جلسه را نمی‌خوانید؟  
دکتر یزدی: اجازه بفرمایید رأی را (همه‌نماینده‌گان).  
نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، گزارش کمیسیون تحقیق را قرائت می‌کنید؟  
نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، آن گزارش را به من بدهید.  
دکتر یزدی: این گزارشی است که اصلش را من به شما داده بودم که اینجا نیست، این کپی خودم است.

دکتر یزدی: ادله رد را دارم می‌خوانم؛ شما نمی‌گذارید.  
خلخالی: آقای طباطبایی، آقای دکتر یزدی ادله رد را دارد می‌خواند. گزارش می‌گوید رد شد. در گذشته، اول می‌گفت، ولی حالا آخر می‌گوید.

دکتر یزدی: جناب آقای میرسلیم معاونت محترم وزارت کشور، در مورد آقای حاج علی مهیمی به استحضار می‌رساند: از سابقه ایشان قبل از پیروزی انقلاب، اطلاع درست و مشخصی ندارم، ولی در چند مسافرت که به منطقه جیرفت و رودبار در معیت دادستان انقلاب و فرمانده سپاه پاسداران انجام گردید، در اجتماع مردم، در مساجد هیچ‌کس از نام‌برده یا افراد فامیل وی شاکی نبود، بلکه از ایشان تأیید نیز می‌نمودند (ابوالفضل موسوی تبریزی: این مطالب را چرا می‌خوانید؟). اینکه نشد؛ شما هر چه مطابق میلان است، می‌گویید بخوان و هر چه که مطابق میلان نیست، می‌گویید نخوان (همه‌نماینده‌گان).

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۱۵

نایب رئیس: آخر خود حرف حق را برخلاف آیین نامه گفتن، می شود ناحق. آقای دکتر یزدی، چطور شده که این دفعه همه اعضای کمیسیون تحقیق به خود شما اعتراض دارند؟

دکتر یزدی: اخذ پیمان بیعت (ادامه نامه آقای بهرامی است) اخذ پیمان بیعت و وفاداری نسبت به انقلاب و امام از عشایر منطقه که کراراً به استحضار رسیده، با همکاری ایشان تحقق پذیرفته است. انتخاب ایشان [در مرحله اول انتخابات] به نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیز در مرحله اول مؤید این امر است و می دانیم که در شرایط فعلی مملکت، حتی در دورافتاده ترین نقاط بلوچستان نیز امکان به دست آوردن هیچ اکثریتی علی رغم خواسته مردم میسر نیست و عملاً هم نبوده است. آنچه این جانب تأیید می نمایم، همکاری ایشان با انقلاب و دولت اسلامی است.

ایشان در آرام کردن منطقه بلوچستان و خواباندن غائله لاشار، نقش تعیین کننده داشته است. تمام سلاح هایی که از خلع سلاح پاسگاه ها به دست افراد میرلاشاری افتاده بود، به وسیله ایشان اخذ شده و به دولت تحویل گردید که مدارک آن نیز موجود است و تقدیم خواهد شد. ارسال نامه به امضای سران عشایر بلوچستان به خدمت امام، به وسیله ایشان بوده است. نام برده چندین مرتبه به وسیله آقای دکتر جلیلی، استاندار سابق سیستان و بلوچستان مورد تقدیر و تشویق قرار گرفته است.

این خلاصه مطلبی است که ایشان نوشته اند. بعد از این، نامه آقای جریری است که آن هم درباره آقای مهمی نوشته شده است. حالا اگر موافقید می خوانم و گرنه، رد می شوم (مهمه نمایندگان).

دکتر یزدی: اگر آقایان نخواهند من نامه آقای جریری را نمی خوانم.

دکتر یزدی: شما حوصله داشته باشید، گزارش من تمام بشود، بعد بفرمایید خلاف آیین نامه است.

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، شما بفرمایید.

دکتر یزدی: آقای خلخالی این که نشد. من هر جمله ای که می گویم اگر موافق ذوق شما باشد، شما می گوید: به به؛ به محض اینکه جمله بعدی را می گویم و شما خوششان نمی آید، اعتراض می کنید! بگذارید بنده گزارشم تمام بشود، بعد.

## ۱۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، اجازه بفرمایید. آقایان توجه بفرمایید آن طوری که به نظر من می‌رسد این گزارش که مخبر کمیسیون تحقیق تهیه کرده، قبلاً به نظر اعضای کمیسیون تحقیق دقیقاً نرسیده و آنها موافقت نکردند (طباطبایی نژاد: نرسیده با نظر خودشان تهیه کرده‌اند). بنابراین، من تصور می‌کنم حق بر این است که این پرونده برگردد به همان کمیسیون. گزارش صحیحی که همه اعضای کمیسیون یا اکثریت امضا کرده باشند، برگردد، و إلا هر کدام از اعضای کمیسیون بلند می‌شوند، می‌گویند این گزارش این طور نبوده.

دکتر یزدی: من این را نمی‌پذیرم؛ مگر اینکه آقای خلخالی یا منشی‌های جلسه، صورت‌جلسات را بیاورند، ببینم در این مورد چه تصویب کرده‌اند که من باید انجام بدهم؛ وگرنه نمی‌پذیرم این را. این معنا ندارد.

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، اجازه بفرمایید. شما خودتان بیشتر از همه صحبت می‌کنید. آقای خلخالی آخر این چه وضعیت است؟ آقای خلخالی چند روز نبودند مجلس راحت بود (خنده نمایندگان).  
دکتر یزدی: بفرستیدشان به جبهه.

... (افتادگی متن) مدلل و موجه باشد و در مجلس قرائت بشود؛ یعنی آقای دکتر یزدی اول آن رأی کمیسیون را که در روی برگه نوشته‌اند باید در اینجا قرائت بفرمایند و بگویند دلایلی که در کمیسیون این پرونده طبق آن دلایل رد یا تأیید شده، این است. [آنگاه] آن گزارش را بخوانند. ایشان الآن مجدداً باز صحبت من که قطع شد، می‌روند روی ادله. در صورتی که ایشان باید گزارش را بخوانند که در روز فلان، ساعت فلان، این گزارش در کمیسیون تهیه شده. بعد از آن، دلایل هم که ذکر شد، اگر آقایان خواستند، سند آن دلایل را بدانند، [برایشان توضیح داده شود]. ایشان می‌گویند مطابق فلان نامه که مثلاً از آقای صدر گفته است، مطابق فلان نامه که از آقای بخشدار است، یا از آقای استاندار.

دکتر یزدی: شده آقا، چرا شما می‌گویید نشده آخر؟

نایب رئیس: گزارش کجاست آقای دکتر یزدی؟

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۱۷

دکتر یزدی: آقای رئیس مجلس از ۱۳۵۹/۶/۲۵ بنده گزارشش را داده‌ام. کپی شده. اصل آن هم خدمت آقایان است؛ حالا شما ندارید. در اینجا، من از کپی خودم می‌خوانم.

دکتر یزدی: اجازه بفرمایید من تمام بکنم، بعد آن وقت شما بگویید. نایب رئیس: خوب آقای دکتر یزدی، همه دارند اعتراض می‌کنند. باز شما روش خودتان را ادامه می‌دهید.

دکتر یزدی: نمی‌خواهید، نمی‌خوانم.

دکتر یزدی: دارم می‌خوانم دلایلش را؛ شما نمی‌گذارید.

نایب رئیس: آخر آقای دکتر یزدی طبق همان روال سابق، گزارش را نمی‌خوانند.

دکتر یزدی: آقای موسوی، شما چرا این حرف را می‌زنید؟ طبق روال گذشته، ما

این را تنظیم کردیم و داریم می‌خوانیم.

دکتر یزدی: آخر هنوز تمام نشده که ...

دکتر یزدی: شما بگذارید من تمامش بکنم، بعد قضاوت بکنید.

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، شما اجازه بفرمایید. این پیشنهادی که من می‌کنم، اگر کسی مخالف است یک نفر صحبت کند، بعد از خود مجلس رأی می‌گیریم. پیشنهاد من این است که این گزارش به علت نقصی که دارد، قطع نظر از اینکه چند تا ورقه پانزده امضایی هم آمده که این کار فعلاً به تأخیر بیفتد؛ با توجه به همه آنها یک نفر از مخالفین می‌تواند صحبت کند.

دکتر یزدی: از کجا شما می‌دانید که ناقص است؛ در حالی که من همه آن را خوانده‌ام.

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، اجازه بفرمایید. آقای الویری به عنوان موافق صحبت بکنند.

الویری: بسم الله الرحمن الرحيم. روال گذشته به این صورت بوده است که پرونده‌ای که به کمیسیون تحقیق می‌رفت مخبر کمیسیون می‌آمد اینجا و گزارش می‌داد و می‌گفت که در فلان جلسه، رأی‌گیری به عمل آمد؛ پرونده فلان کس مطرح شد؛ این قدر موافق، این قدر مخالف، این قدر ممتنع [داشته است]؛ بنابراین، رد گردید. اگر رد شده بود، آن موقع دلایل و رد اعتبارنامه بعداً می‌آمد، ولی امروز ما می‌بینیم که آقای

## ۱۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

دکتر یزدی آمده و شروع کرده است و اول همه، نامه‌ای را می‌خواند از قول یک فردی مثلاً آقای طباطبایی که فرستاده و یک فرد دیگری و نامه‌های مختلفی را که در این زمینه هست؛ یعنی قبل از هر چیزی، مدارکی را که به کمیسیون تحقیق رسیده، آنها را می‌خواند. و این برخلاف روالی بوده که همیشه در گذشته اجرا می‌شده و برخلاف آن چیزی است که در آیین‌نامه آمده است؛ پس بنابراین، اگر ما بخواهیم ادامه بدهیم، درست برخلاف همان روال گذشته و برخلاف آیین‌نامه داخلی ما است؛ پس ما نمی‌توانیم ادامه بدهیم.

دکتر یزدی: اجازه می‌فرمایید که جواب ایشان را بدهم؟

دیالمه: آقای موسوی، گزارش وجود دارد. آقای دکتر یزدی نمی‌خوانند.

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، خواهش می‌کنم ادامه بدهید.

دکتر یزدی: هشتم: به دنبال اقدامات دادستان انقلاب اسلامی جیرفت در ۱۸ ...

دکتر یزدی: آقا موضوع آیین‌نامه نیست. شما گوش کنید.

نایب رئیس: گزارش را آقای دکتر یزدی می‌خوانند.

دکتر یزدی: دارم گزارش را می‌خوانم (همه‌هه نمایندگان).

دکتر یزدی: بفرمایید شما بخوانید. شما نمی‌گذارید من حرفم را بزنم. شما چرا

این قدر بی‌حوصله هستید؟

دکتر یزدی: در ۱۳۵۹/۳/۱۸ انجمن نظارت بر انتخابات کهنوج.

دکتر یزدی: این گزارش کمیسیون تحقیق است.

دکتر یزدی: شما می‌گویید دلایل باید مستدل باشد. من باید بگویم که آقا انجمن

نظارت بر انتخابات (همه‌هه نمایندگان).

دکتر یزدی: در دلایل رد کمیسیون این موضوع بوده که اعتبارنامه ایشان اصلاً امضا

نشده. من باید بگویم چرا امضا نشده. آقایان نمی‌گذارند من حرفم را بزنم.

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، خلاف عمل می‌کنند و عین گزارش کمیسیون

تحقیق را به روال گذاشته نمی‌خوانند.

دکتر یزدی: عین گزارش کمیسیون تحقیق را بنده به روال گذاشته دارم می‌خوانم.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۱۹

دکتر یزدی: هر کس اعتراض دارد، اگر گزارش دیگری هست، برود بیاورد و بخواند.

دکتر یزدی: به هیچ وجه من الوجوه بیان آقای طباطبایی با حقیقت وفق نمی‌دهد. کروی: حالا معلوم شد چرا ابتدا آقای دکتر یزدی فاحشه بودن را مطرح کرد. این کار برای تحریک احساسات دینی بود. به علاوه [اینکه] اموال این نماینده مصادره شده است.

دکتر یزدی: اجازه بفرمایید. من متأسفم از اینکه آقای طباطبایی این‌گونه قضاوت می‌فرمایند (همه‌نمایندگان).

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، همه دارند اعتراض می‌کنند.

نایب رئیس: آقایان اجازه بفرمایید. آقای دکتر یزدی، شما چرا همان رأی کمیسیون تحقیق یعنی موافق و مخالف را نمی‌خوانید؟ ادله رد را چرا نمی‌خوانید؟

دکتر یزدی: چون نمی‌خواهید ادله را گوش کنید، رأی نهایی کمیسیون را می‌خوانم.

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، رأی نهایی کمیسیون را بخوانید.

نایب رئیس: رسیده، فقط آقای دکتر یزدی باید بخواند. آقای دکتر یزدی، چرا عین آن را نمی‌خوانید؟ شما باعث می‌شوید که جلسه به‌هم بریزد. آقایان توجه بفرمایید که ایشان بخوانند. حالا دیگر راضی شدند که بخوانند. آقای خلخالی بفرمایید بنشینید؛ چرا می‌آیید پشت تریبون؟ آقای یزدی، شما گزارش را به ایشان ندهید.

دیالمه: گزارش کمیسیون تحقیق هست؛ آقای دکتر یزدی نمی‌خواهد بخواند.

دکتر یزدی: اگر شما بگذارید می‌خوانم.

دکتر یزدی: رأی نهایی را رئیس کمیسیون امضا نکرده است.

دکتر یزدی: هیچ وقت مرسوم نبوده است که ... (افتادگی متن).

دکتر یزدی: هیچ‌یک از گزارشات کمیسیون را آقای خلخالی به‌عنوان رئیس کمیسیون امضا نمی‌کردند.

دکتر یزدی: بروید نگاه کنید، ببینید که هیچ‌وقت نبوده است.

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، قرار شد ادامه بدهید یا نه؟

## ۱۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دکتر یزدی: عرض کنم که بر طبق روال گذشته، اگر آقایان اجازه می‌دادند من در پانزده مورد مدارک و اسناد را خلاصه کرده و به اطلاع مجلس می‌رساندم. حال که نمی‌خواهید در پایان رأی کمیسیون را می‌خوانم. با توجه به مراتب بالا و نظر به آنکه (دیالمه: مراتب چی بوده است).

دکتر یزدی: با توجه به مراتب بالا و نظر به اینکه همکاری آقای علی مهیمی با نظام گذشته برای کمیسیون تحقیق محرز شده است، کمیسیون تحقیق به اتفاق آرا، اعتبارنامه آقای مهیمی را مردود اعلام می‌دارد.

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، شما ادامه بدهید.

دکتر یزدی: شما می‌گویید رأی را بخوانید.

دکتر یزدی: تا ماده ۷ را برای شما خواندم. ماده ۸

دکتر یزدی: قسمت هشتم به دنبال اقدامات دادستان انقلاب اسلامی جیرفت در ۱۳۵۹/۳/۱۸ انجمن نظارت بر انتخابات کهنوج طی صورت جلسه‌ای به استناد نامه‌های دادستان انقلاب جیرفت از امضای اعتبارنامه آقای مهیمی خودداری می‌کنند. متن صورت جلسه مزبور در صورت اجازه آقایان خوانده می‌شود.

دکتر یزدی: من نمی‌فهمم با اینها چه کار باید کرد. حالا صورت جلسه انجمن نظارت را بخوانم یا نخوانم؟

دکتر یزدی: جزو دلایل رد است.

دکتر یزدی: عطف به صورت جلسه انجمن نظارت مرکزی مبنی بر خودداری از امضای اعتبارنامه آقای حاج علی مهیمی، نماینده مجلس شورای اسلامی در ساعت ۳۰:۲۰ دقیقه روز یکشنبه مورخ ۱۳۵۹/۳/۱۸ به وسیله فرماندار به‌طور شفاهی از هیئت اجرایی دعوت به عمل آمد؛ بلافاصله پنج نفر از هیئت اجرایی که در محل حاضر بودند، با حضور فرماندار جلسه تشکیل شد و تصمیمات زیر در مورد صدور و ارسال اعتبارنامه آقای علی مهیمی نماینده مجلس از کهنوج اتخاذ گردید.

دکتر یزدی: آقا به من مربوط نیست.

نایب رئیس: آقای دکتر یزدی، شما چرا گوش به این حرف‌ها می‌دهید؟ گزارش را

بخوانید.



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۲۱

دکتر یزدی: ۱۱- سرپرست ستاد انتخابات وزارت کشور - جواب آقای فردوسی پور اگر گوش بکنند - در ۱۳۵۹/۳/۲۶ متأسفانه پرونده ناقص و اعتبارنامه امضاننده آقای مهیمی را به مجلس می فرستد؛ درحالی که اعتبارنامه، بدون ... (افتادگی متن).

دکتر یزدی: بله.

دکتر یزدی: این را که می خواندم آقای خلخالی.

دکتر یزدی- این را که خواندیم.

نائب رئیس: آقای دکتر یزدی، از وزارت کشور شما سؤال نکردید که چرا

اعتبارنامه بی امضا است؟

دکتر یزدی: من شخصاً معتقد هستم که اعتبارنامه ای که امضا ندارد هنوز اعتبارنامه نیست، اما قبول بفرمایید که اعتبارنامه آمده، هیئت رئیسه پذیرفته و به شعبه ۸ ارجاع داده است. شعبه ۸ رسیدگی کرده و نظر داده و آمده در مجلس [و آنگاه] از طریق مجلس رفته به کمیسیون تحقیق. بنابر این، کمیسیون تحقیق، چیزی را بررسی می کند که از شعبه شماره ۸ دریافت کرده، قبول کرده، بررسی کرده و نظر روی آن داده است. اصل ایراد آقایان درست است، ولی وزارت کشور از خودش در این مورد سلب صلاحیت کرده و ارجاع داده است به مجلس.

### انتخابات بندر انزلی و اعتبارنامه نماینده این شهر

اکنون مساجد بندر انزلی از وجود ائمه جماعت روحانی که بتوانند اقامه نماز جماعت بکنند، خالی است؛ یعنی ایشان در زمان تصدی فرمانداری شان و بعد از آن، آنچنان جوی در محیط به وجود آورد که یک روحانی جرئت نمی کرد در مساجد بندر انزلی اقامه نماز جماعت بکند.

شهربانی بندر انزلی ۱۲ فقره گزارشاتی راجع به مسائل آنجا و کشتار و زد و خورد دارد.

آرای انتخابات مجلس شورای اسلامی بندر انزلی در حضور دو نفر از نمایندگان محترم مجلس و یک بازپرس دولت مجدداً شمرده شود. ادعا می شود که عده زیادی کمتر از شانزده سال رأی داده اند. خوب این مسئله خیلی ساده را می شود تحقیق کرد.

## ۱۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

در این زمینه بررسی و تحقیقات لازم به عمل آمد و در بازدید مجددی که این جانب به اتفاق اعضای انجمن نظارت مرکزی از چند صندوق فوق الذکر نمودیم، خلاقی که دال بر مخدوش بودن رأی یا تقلب در امر انتخابات باشد، مشاهده نشده است. دو مطلب در اینجا مطرح می‌شود: یکی صلاحیت انتخابات نماینده است و یکی صحت انتخابات است. با بررسی‌هایی که ما راجع به صحت انتخابات کردیم در گزارشات جریان انتخابات، چیزی که دال بر مخدوش بودن باشد، اعضای محترم کمیسیون ندیدند، اما نسبت به صلاحیت نماینده و آن مطالبی که در مورد ایشان گفته می‌شد آقای حسین جانی در جلسه آمدند و توضیحاتی دادند و این دلایلی که در مورد مخدوش بودن صلاحیت ایشان بیان شده بود، به نظر اکثریت کمیسیون تحقیق، وارد نبوده است.

### نمایندگان اعتبارنامه حسین جانی، نماینده بندرانزلی را رد کردند

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، برای اولین بار اعتبارنامه یک نماینده مورد تصویب نمایندگان قرار نگرفت. نماینده بندر انزلی که نتوانست اعتبارنامه‌اش را به تصویب برساند، سابق فرماندار بندر پهلوی بود.

جلسه علنی مجلس دیروز به ریاست دکتر یدالله سبحانی رسمیت یافت. ابتدا صورت غایبین یکشنبه قرائت شد و در پی آن سه نفر نطق قبل از دستور کردند: مساواتی نماینده اصفهان در مورد نهضت سوادآموزی صحبت کرد و حججی نماینده میانه در مورد سیل این شهر سخن گفت. در پی آن استاد رضا اصفهانی نماینده ورامین درخواست کرد اجازه ندهند که وقت تلف شود. وی در مورد مسئله بازدید وسایل دیپلمات‌ها گفت: باید بازدید کرد و از تصمیم اخیر شورای انقلاب در این مورد انتقاد کرد.

سپس رجایی ناطق بعدی در مورد کمیسیون‌هایی که باید تشکیل شود، صحبت کرد. پس از سخنان نمایندگان، دکتر ابراهیم یزدی، مخبر کمیسیون تحقیق گزارش خود را در مورد فخرالدین حجازی به مجلس ارائه کرد و گفت: پرونده فخرالدین حجازی با مخالفت مهدی جعفری به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود. آقای جعفری در

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۲۳

کمیسیون حضور به هم رسانید و دلایل اعتراض خود را گفت. کمیسیون تحقیق بعد از شنیدن [سخنان جعفری] اعتراض را وارد ندانست و با توجه به سوابق و مبارزات ایشان [حجازی] این پرونده را تأیید کرد. سپس جعفری گفت: در کمیسیون تحقیق توضیح دادم اگر اعتراضات مرا کمیسیون وارد ندانست، بنده تسلیم رأی کمیسیون هستم. با درخواست دکتر سجابی، نمایندگان با قیام خود اعتبارنامه وی را مورد تصویب قرار دادند.

### بررسی اعتبارنامه حسین جانی

سپس دکتر یزدی گزارش کمیسیون تحقیق را در مورد حسین جانی، نماینده بندر انزلی قرائت کرد. یزدی گفت: این پرونده که از طرف شعبه سوم ارجاع گردیده بود، در کمیسیون مورد بررسی قرار گرفت. صحت انتخابات بندر انزلی را تأیید و اعتبارنامه ایشان را با اکثریت تصویب نمود. با این پرونده عبدالکریمی، دیالمه و محمدعلی هادی مخالفت کردند. هر سه نماینده در مورد رعب و وحشتی که حسین جانی در بندر انزلی ایجاد کرده بود، صحبت کردند و گفتاری دال بر مخدوش بودن اعتبارنامه ایراد کردند. عبدالکریمی گفت ایشان چنان جوی در زمان تصدی فرمانداری بندر انزلی به وجود آورد که دیگر یک روحانی نمی‌تواند اقامه نماز کند. تصویب اعتبارنامه ایشان قابل تأمل است؛ زیرا کمیسیون تحقیق اعتبارنامه ایشان را بار اول رد کرد و سپس در دور دوم تأیید کرد. وی درباره سخنانی در دانشگاه گیلان گفت: فلان کس را کشتند (اشاره به مرحوم طالقانی) بعد مجلس ترحیم برگزار می‌کنند و سپس ریاست مجلس خبرگان را به‌عهده می‌گیرند. دیالمه نماینده مشهد گفت: ایشان دو مورد پرونده اهانت به مأمور دولت در حین خدمت و تخریب اموال عمومی را دارند. اختلاف رأی ایشان با رقیب ۳۰۰ رأی بود که کمیسیون تحقیق با ۴ رأی موافق ۳ مخالف و ۱۰ ممتنع این را تصویب می‌کند. سپس هادی نماینده تهران به‌عنوان مخالف سوم گفت که من حسین جانی را نمی‌شناسم، ولی از بندر انزلی رد می‌شدم با مردم که صحبت می‌کردم التماس‌هایی بود که مردم می‌کردند و احساس وظیفه کردم که این مطلب را اینجا بگویم. مردم می‌گفتند زمانی که وی فرماندار بود به مردم شهر گفته این شیلات و این

## ۱۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

شما. البته این یک صرف ادعاست که می‌شود تحقیق کرد و این مسئله در جریانات بندر انزلی ۱۴ کشته داده. در اینجا حجت‌الاسلام یزدی نماینده قم گفت: من به‌عنوان قاضی این را تأیید می‌کنم.

محمدعلی هادی در ادامه صحبت گفت: وقتی غنی بلوریان در یک محیط رعب و وحشت که در مهاباد ایجاد کرده، همه آرا را به خود اختصاص می‌دهد، دلیل این نیست که انتخابات صحیح است. رجایی خواستار این شد که این انتخابات باطل اعلام شود.

دکتر یزدی، مخبر کمیسیون تحقیق در این مورد گفت: بعضی مطالب که در مورد کمیسیون تحقیق گفته شد، درست نیست. بار اول به این دلیل رد نکردیم؛ زیرا برخلاف آیین‌نامه انجام داده بودیم که بایستی در حضور نماینده رسیدگی شود که اصلاح شده، اما آنچه که دیالمه گفت رأی کمیسیون تحقیق آن‌طور بود به هیچ وجه صحیح نیست، بلکه ۱۰ رأی موافق و ۵ رأی ممتنع بوده. به هر حال خلافتی که دال بر مخدوش بودن و یا تقلب در امر انتخابات باشد، مشاهده نشده است.

سپس حسین جانی در مقام دفاع از خود برآمد و گفت: اولاً نوع مخالفتی که بیان می‌شود حاکی از سازمان‌یافتگی مخالفت است. تقریباً در اسفندماه به‌عنوان فرماندار بندر انزلی مشغول به کار شدم و تا انتخابات در آن کار باقی بودم. درباره درگیری صیادان در قضیه شیلات صحبت شد. شاید در جریان درگیری انزلی باشید که تقریباً روز اول بود که درگیری در آنجا به‌عمل آمد و روز دوم بود که من علیه وزیر کشاورزی وقت دکتر ایزدی و مدیرعامل شیلات مهندس رجایی اعلام جرم کردم که متأسفانه هیچ اقدامی هنوز در باره‌اش انجام نگرفته است. بعد از اعلام جرم من، شیلات علیه من اعلام جرم کرد. و طرف دیگر، دکتر ایزدی حالا در آمریکا به‌سر می‌برد. مسائلی در مورد رعب و وحشت مطرح کردند و یا اینکه گفته شد ۱۵ هزار نفر رأی داده‌اند در مرحله اول. بندرانزلی ۲۶ هزار رأی دهنده دارد؛ در حالی که پنج نفر کاندیدا بود از گروه‌های مختلف. چگونه شد که مرحله اول اعتراض نمی‌شود؟ بازرسان وزارت کشور صحت انتخابات را تأیید کردند. در مرحله اول، بنده نفر اول بودم و اختلاف رأی حدود ۷۰۰ نفر بود. در مرحله دوم نیز ۶۰۰ رأی بود، ولی علت اینکه در

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۲۵

پرونده ۳۰۰ رأی ذکر شد بدین خاطر است که در یکی از صندوق‌ها موقع شمارش ۳ رأی می‌گیرند که علی‌القاعده بایستی آن ۳ رأی را باطل می‌کردند، نه اینکه کل صندوق را. من در این یک ساله هزار قطعه زمین در رابطه با اسکان بی‌خانمان‌ها تقسیم کرده‌ام. من در فرمانداری، ستادی به‌عنوان مبارزه با گران‌فروشی ایجاد کرده بودم و چیزهای احتکارشده را از انبارها درمی‌آوردیم و می‌فروختیم. هدف چیست؟ آیا برقراری دین و روح تفاهم اسلامی نیست؟ آقای دیالمه، چرا نتیجه رأی‌گیری شعبه ۳ را به نام تعداد آرای کمیسیون تحقیق اعلام می‌کنید؟ در مورد انتقاد از دولت و شورای انقلاب، مگر این غیر اسلامی است. تازه اگر قرار باشد که انتقاد کردن درست نباشد، تازه‌ترین منتقد خود امام است. در مورد سیاست گام به گام دولت موقت من انتقاد کرده‌ام و حالا هم می‌کنم. سپس خلخالی در موافقت با حسین‌جانی می‌خواست صحبت کند که رئیس مجلس اعلام تنفس کرد.

پس از پایان تنفس، خلخالی گفت: من مقید به این نیستم که شما رأی بدهید یا نه، ولی سخت‌گیری بی‌مورد باشد آن موقعی است که آدم بخواهد تسامح کند، هر دو افراط و تفریط است. ما درباره این معنی که چطور شد که جمعیت انزلی ۱۵۰ هزار نفر است و ۱۵ هزار رأی داده‌اند. ما هم گفتیم ممکن است که مسئله ارباب بوده، ولی دکتر یزدی آرای گیلان را آورد. فقط در هشتر طولش در دور اول کمتر بوده در دور دوم بیشتر، و در همه جا در دور دوم کمتر شد و جمعیت آنجا حدود شصت - هفتاد هزار نفر است که نصفش بچه است و این برای ما روشن کرد که به‌صورت طبیعی بود. محیط ارباب در بندر انزلی نبوده. در مورد اظهارات «هادی» من سؤال می‌کنم: وقتی شما به بندر انزلی رفتید، چرا فقط گریه مخالفین را شنیدید که همه بیست نفر بیشتر نبود. تحقیق یک‌طرفه همان قضاوت یک‌طرفه است که مژنون است. بندر انزلی چهار - پنج تا از همین بازاری بوده‌اند که بچه‌هایشان آتش فتنه را روشن کردند.

مسئله دیگر راجع به روحانیت. روحانیت بندر انزلی و غازیان برای من محترم است، ولی بعضی از این روحانیون خلع لباس شده‌اند. شما توقع دارید مخالفت با چنین روحانیتی مخالفت با کل روحانیت است. یک اطلاعیه در سراسر بندر انزلی علیه ایشان پخش شده که اگر من هم بودم ناراحت می‌شدم.

## ۱۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

سپس چند نماینده از حسین جانی سؤال کردند که وی پاسخ داد. از جمله معادی خواه در مورد صحبت های ایشان در مورد مرحوم طالقانی در دانشگاه گیلان پرسش کرد و موسی زرگر برای دفاع از حریم پزشکی از وی خواست اگر ایشان می گویند که مرحوم طالقانی به قتل رسیده است که یک توهین به حریم پزشکی است، جامعه پزشکی وی را به محاکمه دعوت می کند. اعظم طالقانی درخواست کرد که اجازه دهند در مورد پدرش صحبت کند تا این مسئله برای همیشه حل شود.

سپس حسین جانی برای آخرین بار در دفاع از خود گفت: چون تقریباً سؤال های مشابهی شده است که در رابطه با محیط رعب و وحشت بوده و من در جلسه گذشته توضیحات کافی در این مورد داده ام، در مورد انتقاد یا تضعیف دولت باید بگویم اگر مسئله قبول نداشتن دولت مرکزی و حکومت بود، هیچ وقت حاضر نمی شدم با این دولت همکاری کنم.

در مورد سخنرانی در دانشگاه گیلان رسماً تکذیب می کنم که گفته باشم مرحوم طالقانی به قتل رسیده است. این را اگر هر نوار یا مدرکی هست می تواند ارائه دهند. اگر گله ای بوده از کل خود ما بوده که ما نبایستی با پیش آمدن مرگ کسی، برایش جمع بشویم. حرفم را تکرار می کنم مسئله قتل یا کشتن را در هیچ جا طرح نکردم و معتقد به این هم نیستم؛ در ضمن آقایان لاهوتی، فومنی و یوسفی را به عنوان شاهد معرفی می کنم.

سپس دکتر سجابی اعلام رأی مخفی کرد. از ۱۹۸ نفر حاضر ۷۸ نفر به عنوان مخالف، ۷۴ نفر موافق و ۴۶ نفر رأی ممتنع دادند که در نتیجه اعتبارنامه این نماینده رد شد (روزنامه کیهان، شماره ۱۱۰۳۳، سه شنبه، ۱۰ تیر ۱۳۵۹، ص ۱۳).

### گزارش پرونده انتخابات مرودشت

پرونده انتخابات مرودشت که از شعبه یک به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود، مورد بررسی قرار گرفت و کمیسیون تحقیق به دلایل زیر ابطال انتخابات مرودشت را با اکثریت آرا تصویب نمود. در انتخابات مرودشت در دور اول از ۴۴ هزار و ۴۳۱ رأی اخذ شده، آقای ارسنجانی ۱۲ هزار و ۷۶۶ و آقای حسینی ۱۰ هزار و ۳۴۸ رأی آورده

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۲۷

بودند و دو نفر اول و دوم بودند. به طوری که ملاحظه می فرمایید اختلاف آرای نفر اول و دوم در حدود ۲ هزار و ۴۱۸ رأی بوده است. رئیس: همان طور که ملاحظه فرمودید از نظر کمیسیون تحقیق، این انتخابات باطل است.

رحیمی: بسم الله الرحمن الرحيم. توضیحی که از جناب آقای دکتر یزدی می خواهم این است که عین جریان مروودشت، برای حوزه انتخابیه ما بخش ملاوی لرستان بود. ابوالحسن حسینی: جناب آقای دکتر یزدی، درباره دو موضوع سؤال داشتم: یکی شما کلمه اعمال نفوذ را فرمودید که سؤال می کنم که در پرونده چگونه حکایت می کند یک فردی که نمی خواهم بگویم شناخت من، بلکه شناخت حداقل سی نفر شاید کسانی باشند که بگویند آقای حسینی را می شناسم که نفوذی نداشتند تا اعمال نفوذ داشته باشند. این را جواب بدهید. مطلب دوم این است که شما مرحله اول را ملاک قرار می دهید؛ در صورتی که مرحله اول به هیچ عنوان نمی تواند ملاک قرار بگیرد. فاصله های کوتاه یا کم یا زیاد نمی تواند ملاک قرار گیرد؛ زیرا من خودم در مرحله اول ۱۲ هزار نفر، رقیب من ۱۹ هزار، بعد در مرحله دوم فاصله من ۷۵٪ بود و او ۲۵٪ بوده. این شناخت برای آقایان بود که بنده می خواستم اینجا بگویم.

آنچه در دستور هست، گزارش کار کمیسیون تحقیق است که با توجه ما نوشتیم، رسیدگی به پرونده انتخابات مروودشت، و نه اعتبارنامه آقای دکتر حسینی که مربوط به صلاحیت ایشان بشود. غیر از این هم الآن چیزی نمی تواند مطرح باشد و هیچ شق دیگری جز گزارش کمیسیون تحقیق [مطرح نیست]. رأی موافق یعنی تأیید گزارش کمیسیون تحقیق، و رأی مخالف یعنی در گزارش کمیسیون تحقیق (مهمه نمایندگان).

رئیس: آقایان اجازه بدهید من یک مقدار صحبت کنم که خودم باید بگویم. من توضیح می دهم. به نظر من از نظر نتیجه، هیچ فرق ندارد. شما بی خود دارید مقاومت می کنید. فقط بفهمیم به چه رأی می دهیم! مطلب روشن باشد به چه رأی می دهیم. پیشنهاد آقای دکتر یزدی این است که: ...

گزارش کمیسیون تحقیق درباره اعتبارنامه آقای محمدتقی مطهری نماینده فریمان  
 دکتر یزدی: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. خواهران و برادران سلام عليكم.  
 گزارش کمیسیون تحقیق درباره اعتبارنامه آقای محمدتقی مطهری نماینده فریمان.  
 هادی: من الآن به کمیسیون تحقیق رفته‌م و پرونده را خواستم، ولیکن متأسفانه  
 پرونده از این کمیسیون به هیئت رئیسه رد شده بود و من آن را ندیدم. خواهش من  
 این است که آقای دکتر یزدی آن موارد را توضیح بفرمایند و مسائل را مطرح کنند تا ما  
 بدانیم که باید چگونه رأی بدهیم و داریم به چه کسی رأی می‌دهیم.  
 رئیس: بنابراین، شما می‌خواهید بعد از صحبت آقای دکتر یزدی صحبت بفرمایید؟  
 بدین طریق اصلاً مخالفی نیست و فقط خود آقای دکتر یزدی موارد را بیان خواهند  
 کرد و آقای مطهری، پس از صحبت آقای دکتر یزدی از خود دفاع خواهند کرد. پس  
 آقای دکتر یزدی، شما اجازه بفرمایید ایشان صحبت‌شان را بکنند بعد شما بفرمایید.<sup>۱</sup>  
 دکتر یزدی: قبل از اینکه برادرم صحبت کنند لازم می‌دانم به استحضار مجلس  
 محترم برسانم دلایلی وجود دارد که کمیسیون تحقیق در بعضی از موارد وقتی گزارش  
 خودش را خدمت مجلس تقدیم می‌کند، در متن گزارش بعضی از مسائل عنوان نشود  
 و تشخیص اینکه این مسائل عنوان بشود یا نه برعهده مجلس است. همان‌طور که  
 ملاحظه فرمودید در کمیسیون که بحث شد، نظر کمیسیون این بود که موارد را در  
 مورد این گزارش بخصوص ما در اینجا عنوان نکنیم، مگر اینکه خود مجلس  
 درخواست کند، ولی این شهودی که کتباً آن مطالب را نوشته‌اند، در اینجا هستند.  
 رئیس: آقای دکتر یزدی بفرمایید.  
 یکی از نمایندگان: استدعا می‌کنم آقای دکتر یزدی، پاره‌ای از آن موارد را که  
 فرمودند، توضیح بفرمایند.  
 رئیس: بعد از اینکه آقای موسوی که صحبت‌شان را کردند. من هم قبلاً نشنیده  
 بودم که بخواهند به عنوان مخالف صحبت کنند، ولی حالا می‌گویند که قبلاً تقاضا  
 کرده‌اند. بعد آقای دکتر یزدی توضیح خواهند داد و بعد هم از خود آقای مطهری  
 خواهم خواست که تشریف بیاورند و دفاع کنند.

۱. اینجا گویا صحبتی شده و نظر رئیس عوض شده که می‌گوید اول آقای مطهری صحبت کند (ویراستار).



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۲۹

موسوی: طبق وظیفه شرعی و حجت شرعی که اغلب آقایان نمایندگان محترم بلکه کلاً آن شاء الله عمل می‌کنند و عمل خواهند کرد، فقط این مقدار بدانید طبق آن ماده‌ای که آقای دکتر یزدی فرمودند، نقص انتخاباتی هم دارد و در پرونده منعکس شده است که از نام شریف آیت‌الله شهید مطهری استفاده شده است. تقریباً مردم اغفال شده‌اند که ایشان برادر شهید مطهری است و رأی داده‌اند. این نقص انتخاباتی را هم دارد، ولیکن روی هم‌رفته مسائل در اینجا مطرح شد. مخصوصاً بعضی از مسائل، مسائل خانوادگی بود؛ لذا من برای خودم وظیفه دانستم که این را بگویم که شما بدانید که اعضای کمیسیون تحقیق به اتفاق آرا این پرونده را رد کردند؛ یعنی رأی که گرفتند یک نفر ممتنع بود و موافق نداشت یا ممتنع بودند. یک نفر دو نفر ممتنع بود. کسانی هم که آن را رد کردند. خواهران و برادران محترم بدانند که به وظیفه شرعی خودشان عمل کردند و خواهش می‌کنم مسئله را تعقیب نکنید تا خودشان بیایند و دفاع بکنند. این توضیح من است؛ حالا اگر قبول دارید طبق شناسایی خودتان که از این آقای محترم دارید، یعنی از آقای محمدتقی مطهری رأی بدهید، والا مسائل را تعقیب نکنید. والسلام علیکم و رحمه الله.

رئیس: آقای دکتر یزدی، شما فرمایشی ندارید؟

یکی از نمایندگان: سؤالی هست.

رئیس: سؤال که نمی‌خواهیم مطرح کنیم. آقای دکتر یزدی، شما اگر مطلبی دارید بفرمایید. بعد بلافاصله از آقای مطهری خواهم خواست که تشریف بیاورند و دفاع لازم را بکنند.

دکتر یزدی: من فقط توضیحاً اضافه می‌کنم که آنچه را که ما را به این جمع‌بندی رساند، یک اسناد موجود در پرونده انتخاباتی و شهودی است شفاهاً و کتباً از علمای خراسان و تهران، در دادگستری، از دادسرای دادگاه انقلاب، و از اعضای خانواده مطهری، من جمله از برادران ایشان و همچنین از اعضای خانواده مرحوم مطهری.

صدر حاج سیدجوادی: آقایان توجه بفرمایند که بعضی مطالب از طرف آقای دکتر یزدی عنوان خواهد شد و بعداً از طرف آقای مطهری دفاع خواهد شد. اگر جلسه

## ۱۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

خصوصی بشود به نظر بنده آقایان کاملاً به مسائل روشن خواهند شد و حقی هم از آقای مطهری تزییع نخواهد شد.

دکتر یزدی: چون در متن گزارش کمیسیون تحقیق آمده است که این اسناد هست و طرحش با اجازه مجلس محترم خواهد بود، در صورتی که مجلس چنین امری را تصویب کند، آن وقت، مطلب آقای صدر مطرح خواهد شد که جلسه خصوصی تشکیل بشود.

منشی: آقای دکتر سحابی، من پیشنهاد می‌کنم آقای دکتر یزدی، مواردی را که شهود اظهار داشته‌اند اینجا بیان کنند تا ما بتوانیم تصمیم‌گیر باشیم.

رئیس: بسیار خوب پیشنهادی کردند که به نظر من پیشنهاد معقولی است. پیشنهادی که کردند در مورد اینکه یک جلسه به تأخیر بیفتد. آقایان در خارج به‌عنوان خصوصی تحقیق بیشتری در این باره بفرمایند. کسانی که موافق هستند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند). تصویب شد. گزارش کمیسیون تحقیق راجع به اعتبارنامه آقای مطهری به جلسه بعد موکول شد. آقای دکتر یزدی، گزارش کمیسیون تحقیق راجع به فرد دیگری را قرائت بفرمایید.

### ریگی، نماینده خاش

[یکی از نمایندگان]: من دارم راجع به آقای ریگی صحبت می‌کنم. این را اضافه نمایم که بنده یکی - دو بار بیشتر قیافه ایشان را ندیده‌ام. با توجه به آنچه در گزارش کمیسیون تحقیق از طریق جناب آقای دکتر یزدی ارائه شد، ایشان بیشتر عمرش را ...

رئیس: آقای ریگی استعفا کرده بودند. بنده شخصاً از اختیار خودم استفاده می‌کنم و استعفای ایشان را نمی‌پذیرم. ایشان باید اگر آقایان نظری داشته باشند، از خودشان دفاع کنند و آن را به رأی مجلس می‌گذاریم که درباره اعتبارنامه ایشان اظهار نظر کنند. برای ادامه بحث، اول خود آقای دکتر یزدی، مخبر کمیسیون تحقیق تشریف می‌آورند و مطالبی را که آقای ریگی جواب نداده‌اند یا ناقص مانده است، می‌گویند و ادعایی را که در مورد خودشان کرده‌اند بیان می‌کنند. آقای ریگی هم در این فاصله خودشان را آماده می‌کنند برای جواب دادن آن مسائل. ضمناً آقایانی که سؤال دارند سؤال خودشان را

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۳۱

بنویسند و برای هیئت رئیسه بفرستند؛ چون بعضی مطالب و سؤالات احتمالاً انحراف پیدا می‌کند. در اینجا خود من سؤال‌ها را یک یک به آقای ریگی عرضه خواهم کرد که ایشان جواب بدهند، برای اینکه زودتر نتیجه بگیریم، فرد فرد جداگانه سؤال‌ها را مطرح نکنند.

دکتر یزدی: [مسائل مربوط به اعتبارنامه آقای ریگی را] در دو مورد انتخابات و صلاحیت فرد مجدداً می‌خوانم و توضیح می‌دهم. یک قسمت مربوط به این بوده که انجمن نظارت بر انتخابات و کلیه رؤسا، اینها از بستگان آقای ریگی بودند و در انتخابات دخالت می‌کردند. گزارش دو سند در اینجا موجود است: گزارش کمیته اعزامی وزارت کشور برای بررسی کیفیت انتخابات از آقای محمدحسین کریم‌پور احمدی است و یکی هم گزارش دو نفر اعضای کمیسیون تحقیق هست که به دلیل شکایات متعددی که راجع به این پرونده وجود داشت، به منطقه اعزام شدند ...

گزارش بازرس ویژه وزارت کشور در شمارش چند صندوق حکایت می‌کند از ۴۸ صندوق که رسیدگی شد، به غیر از پنج صندوق در تمام صندوق‌ها تقلب شده. بازرس وزارت کشور در ادامه، چند آمار می‌دهد: ۲۳۲ ته‌چک بدون تاریخ تولد رأی‌دهنده، تاریخ تولد کمتر از شانزده سال رأی‌دهنده، اعداد و ارقام نامتناسب درج شده بود به جای تاریخ تولد، ۷۶۵ قلم ته‌چک بدون امضای نماینده بخشدار، فرماندار، منشی صندوق وجود داشته، ۹۹۷ قلم تقلب، سهل‌انگاری، تخلف و هر عنوان دیگر که بستگی به مسئولین امر دارد دیده شده.

بازرس ویژه دوباره در اینجا تکرار می‌کند و تأیید می‌کند که ظرف این چند روز به خوبی از جو صحبت‌ها و مذاکرات معلوم شد که اعضای هیئت اجرایی به جز یک نفر رئیس دادگاه که غیر بومی بود و انجمن نظارت مرکزی کاملاً یک‌طرفه انتخاب شده و طرفدار دکتر خسرو ریگی هستند و حتی یک نفر در این جمع از طایفه جمازه‌ای، خاشی، شهنوازی و غیره [از] طرفداران خاشی نبوده‌اند.

[بازرس وزارت کشور] باز هم یک بازرس دیگری را ذکر می‌کند در بخشداری‌های نصرت‌آباد و میرجاوه، مستقلاً تا اندازه‌ای عمل نموده و بخشداری نوک‌آباد (منطقه مورد شکایت آقای خاشی) نقش چندانی نداشته و دخالت فرماندار

## ۱۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

خاش به خوبی مشهود است. این موارد را کاملاً ذکر می‌کند. یک مورد دیگر در مورد برادر رقیب انتخاباتی که آقای ریگی فرمودند که اینها اختلافات طایفگی است و شاید هم درست باشد، اما برای انتخابات و در رابطه با کسی باشد که رئیس ستاد انتخاباتی رقیب است، این برای ما قابل قبول نبود؛ یعنی انتخاب زمان این حمله و مجروح کردن و بعد بردن و در خارج از شهر انداختن در آن شرایط، یک جوی از رعب و ترس و وحشت را به تشخیص کمیسیون تحقیق با توجه به این مسائل در شهر به وجود آورده. حالا در این قسمت نوشته شده که چه کسانی چه رابطه‌ای داشتند. فرماندار خاش، پسرعمه‌ی کانیدیا، شهردار پسرعمه‌ی ایشان، رئیس کشاورزی پسرعمه‌ی ایشان، عبدالرحمن ریگی مدیر عامل شیروخورشید، چه زمان حال چه زمان طاغوت، رئیس انجمن شهر در زمان طاغوت و حال میرکاظمی رئیس سازمان تعاون و عضو تحمیلی شورای شهر، مهین ریگی معاون آموزش و پرورش، گروه‌بان ژاندارمری احمدزاددهش؛ اینها یکی‌یکی تمام اسامی را ذکر کردند. اینها غیر از این مواردی است که تقلبات و تخلفات شده.

در هیئتی که اعزام شدند به خاش، آنجا با افراد محلی هم مصاحبه‌هایی کردند که معلوم شد در مناطقی که بلوچ‌های چادر نشین هستند، به جای اینکه صندوق‌ها را به محل ببرند، شناسنامه‌ها را جمع کرده‌اند و برده‌اند رأی داده‌اند؛ به طوری که هیچ‌یک از افراد محلی نمی‌دانستند که اینها به کی رأی داده‌اند. شناسنامه‌ها را توی چادر نشین‌ها جمع کرده بودند و برده بودند در یک مرکزی برای آنها رأی داده بودند. این یک نمونه‌هایی بوده است از آن چیزی که ما به عنوان تقلبات و تخلفات و جانبداری و دخالت ذکر کردیم.

... به بافت عشیره‌ای و عملکرد اینها ... آقای ریگی با نهایت ظرافت مسائل را به سالیان قبل برگرداندند. من کاری ندارم به اینکه در زمان رضاخان پالانی معروف به رضاخان، دلیل تبعید و دستگیری سران خوانین چه بوده است، آیا دلیل سیاسی داشته یا دلایل غیر سیاسی؟ اما در همین خاش، بعد از انقلاب در وقتی که جریانات زاهدان رخ داد کل منطقه به دلایلی که همین آقایان ایجاد کرده بودند، آبستن حوادث بزرگی بود. بعد من در مسئولیتی که به عهده‌ام گذاشته شده بود، به زاهدان رفتم و بعد رفتم به

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۳۳

خاش. به تحریک همین آقایانی که اسامی‌شان در اینجا به‌عنوان رؤسای شهرداری و فرمانداری است، آنچنان جوی در خاش به‌وجود آمده بود که سپاه پاسداران و جهاد سازندگی را محاصره کرده بودند و به آنها اولتیماتوم داده بودند که اگر تا فلان ساعت از شهر خارج نشوید، خون خودتان پای خودتان است؛ به‌طوری که ساعت دو و نیم بعد از نیمه‌شب از خاش به من در زاهدان تلفن کردند که ما چه کار باید بکنیم؟ ما هم از آنها خواستیم که خودشان بنشینند با توجه به تمام مسائل بحث کنند و تصمیم بگیرند. وقتی که تصمیمشان را گرفتند به من هم بگویند. من هم مشورتی می‌کنم، بعد ببینیم چه کار باید کرد. ساعت دو بعد از نیمه شب یا سه بعد از نیمه شب بود که اینها بالاخره تصمیم می‌گیرند برای حفظ جان خودشان از جهاد سازندگی از مقر خودش و سپاه پاسداران از مقر خودش بیرون بیایند و بروند.

[ادامه گزارش] دکتر یزدی: سیستم من همیشه این است که اینها چون پایگاه ندارند، باید از روی سر اینها پل زد به خود مردم. به همین دلیل [من در مأموریت به زاهدان، یکسره] به مسجد رفتم و به مردم گفتم: یا ایها الناس ببینید که وقتی ما می‌گوییم دوران صدر اسلام دارد زنده می‌شود، این است که من به‌عنوان نماینده امام آمده‌ام در مسجد که خانه خداست. شما همه مردم حضور دارید. اینها می‌گویند ولو اینکه جهادشان پیغمبر هم باشد، ما این را نمی‌خواهیم. اگر آب نیست، اگر برق نیست، بهداشت نیست بدانید که مسئولش چه کسانی هستند. ببینید که چه کسانی نمی‌گذارند که ما برای شما در اینجا کار بکنیم؟ خود مردم بعدها در برابر اینها ایستادند؛ چرا؟ برای اینکه سیاست من همیشه این‌طور بوده است که در این‌گونه موارد چون معتقدم که اینها پایگاه ندارند، باید به خود مردم مراجعه کرد که صاحب‌علیه هستند. وقتی توی مسجد جمع شدیم و مردم هم بودند، اینها در برابر فشار مردم نتوانستند مقاومت بکنند. وقتی این صحبت‌ها را کردم، خود مردم وادار کردند اینها را که روز بعد یک نفر

---

۱. این عبارت، تمثیل و استعاره‌ای است از ادبیات عربی؛ در آنجا که از حروف عله سخن می‌گوید. مقصود از آن در این عبارت این است که مردم همواره دارای جایگاهند و باید بر پایه خواست و نظر آنها سیاست‌گذاری کرد.

## ۱۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

بیاید به زاهدان و از من بخواهد که جهاد سازندگی را قانع بکنم که نروند از شهر بیرون، و از منطقه بیرون نروند.

دکتر یزدی: بنابراین، این مسئله‌ای نیست که در گذشته اینها در زمان‌های دور چه کار می‌کرده‌اند. از بعد از انقلاب این مسئله مطرح بوده است. در خود همین خاش هم مطرح بوده است. آنچنان هم جو مسموم و ناراحت‌کننده بود که دوستان ما برادران عزیز خود ما از اهل تسنن همین جناب آقای موسوی که الآن اینجا تشریف دارند، در منزل **مولوی عبدالعزیز** به ما توصیه می‌کردند که نروید خاش، خطرناک است. ممکن است خون‌ریزی بشود. من گفتم: نه، من می‌روم به خاش و می‌روم توی مسجد در خانه خدا می‌نشینم و با اینها صحبت می‌کنم. رفتیم و موفق هم شدیم، ولی عملکرد این آقایان این‌طور است. پس چنین نیست که بگوییم که خوب این بافت این طوری نیست و بعد هم در آن جریانات زاهدان شما می‌دانید که یکی از کسانی که به طرف مردم تیراندازی می‌کرد - و من همه این اسناد را در اختیار دادگاه انقلاب گذاشتم تا آنها رسیدگی بکنند، چون من مسئول رسیدگی قضایی به این قضایا نبودم - از جمله کسانی که در وقایع زاهدان دخالت مستقیم داشته، تقی ریگی است. از کسانی که در تیراندازی‌های خیابانی دستگیر شده بود، شخصی بود که خودش را به‌عنوان چاه‌کن افغانی معرفی کرده بود. در مرحله اول هم بدون توجه، چون قرار نبود همه دستگاه‌ها ...

دکتر یزدی: خیر، اینها را بنده از خودم دارم توضیح می‌دهم. بنده کلیاتش را در کمیسیون تحقیق گزارش دادم و دیگر اینجا نخواستم پرده‌داری بکنم. گفتم موضع‌گیری‌هایی است که در جریانات انقلاب و بعد از انقلاب رخ داده است.

دکتر یزدی: مطلب دیگری که باز هم ما اشاره کردیم به موضع‌گیری‌های آقای ریگی در دانشگاه بلوچستان نسبت به انقلاب اسلامی [مربوط می‌شود]، همان مسائلی است که منجر به کشتار زاهدان شد.

گروه‌های چپ یا چپ‌نما - کسانی که هیچ وقت درد مردم آنجا را نفهمیده بودند - زیر شعار همان چیزی که در کردستان به نام «شفق سرخ» منتشر می‌کردند و از گروهک‌هایی است که مقدار زیادی از آن جنجال‌ها را دامن زدند و دامن می‌زنند، در

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۳۵

بلوچستان هم همین تیپ آقایان به نام «بامی/ستار» منتشر می‌کردند و این گروه همان گروهی است که در خاش این جریان را به وجود آورد و اعلامیه منتشر کرد و مانع شد که جهاد سازندگی به کارش ادامه بدهد و آن درگیری‌ها را به وجود آورد. در وقایع زاهدان هم این افراد دخالت داشته‌اند با اشخاص دیگری که حالا من در اینجا اسم نمی‌برم.

تحقیقاتی که در محل شد رابطه آقای خسرو ریگی را با یک چنین گروه‌هایی بیان می‌کند؛ البته ما رأی به این ندادیم که حتماً ایشان رابطه دارد، ولی این یکی از مواردی بود که مورد نظر بود. بعد هم من اشاره کردم به شخصیت‌های مطلع و مورد وثوق. من نمی‌توانم آنها را در اینجا نام ببرم.

اینها شخصیت‌های مذهبی هستند که در محل حضور دارند و اشخاص را می‌شناسند و آنها هم به ما در همین زمینه نظر دادند. در مجموع با توجه به این مسائل بود که کمیسیون تحقیق، نظر نهایی خودش را اتخاذ کرده است. عذر می‌خواهم از اینکه نسبت به بعضی از مسائل بیش از حد توضیح داده شد.

یک سؤال کردند که آقای تقی ریگی با آقای خسرو ریگی چه رابطه ای دارد؟ من نمی‌دانم چه رابطه‌ای دارد. من هم این را مبنا قرار نداده‌ام، ولی چون بحث بر سر این شد که خوانین ریگی، دارای چه سوابقی هستند من لازم دانستم که برخی از سوابقی را که ما با آن برخورد کردیم و مطلع هستیم، بیان بکنیم. بنده هرگز به این اعتقاد ندارم کمیسیون تحقیق هم به این دلیل رأی نداد که ایشان از خانواده ریگی هستند؛ نه، رأی ندادن به این دلیل نبود.

آقای رشیدیان و آقای دکتر شیرازیان از طرف کمیسیون به محل رفتند. اگر مطلبی جا افتاده شد و مسائلی باشد که بخواهند توضیح بدهند، خود این دو نفر آقایان توضیح خواهند داد.

رشیدیان: آقای دکتر سحابی، بحث درباره کمیسیون تحقیق است. بنده هم رفته‌ام در محل تحقیق کرده‌ام. باید بگویم که آقای دکتر یزدی - البته جسارت نمی‌کنم ایشان - حق مطلب را به خوبی ادا نکردند؛ بنابراین، من یادداشتی فرستادم خدمتتان. به من پنج دقیقه مهلت بدهید دو جمله عرض می‌کنم تا روشن کنم.

## ۱۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

تصمیم گرفتند که برای مأمورین صندوق و نمایندگان فرماندار از برادران پاسدار استفاده شود. چون آقایان هم با سواد هستند و هم به عشایر و عشیره‌های مختلف وابسته نیستند. آن آقایان، مسئول صندوق بوده‌اند و هر دو طرف کاندیداها موافقت کردند. که [پاسداران را] لازم نداریم و این انتخابات این‌طور انجام گرفت.

### دفاعیات نماینده خاش

شکایت آقای خاشی بررسی شد و این هم صورت‌جلسه شده است که از نقطه‌نظر من، این صورت‌جلسه درباره صحت انتخابات کافی است که من درباره صحت انتخابات صحبت بکنم. اگر تقلبی شد آقای فرماندار مجرم است. ایشان نباید فرماندار بشود. لغو قوانین انتخاباتی را کرده است. باید تحت تعقیب قرار بگیرد. پسر عمه بنده باشد یا نباشد. شما نمایندگان محترم قانونگذار هستید و باید دنبال اجرای قوانین بروید. ایشان پسر عمه بنده بود. در آیین‌نامه آمده که بستگان درجه اول نباید باشند. ایشان بدین جهت استعفا نداده.

در مرحله دوم ایشان تقاضای مرخصی کرده است. مرخصی قبول نشد. ریاست هیئت اجرایی را به دست رئیس دادگاه داده است. ایشان در مرحله دوم رئیس هیئت اجرایی شده است و از طریق برادران پاسدار انتخابات را انجام دادند. حالا می‌گویند آقا شناسنامه آوردند و بردند. خدا آگاه است. بنده دخالتی نکردم و به این صورت‌جلسه که به امضای آقایان است، اطمینان دارم که تقلبی نشده است. این آقایان را بروید و ببینید و پرسید.

جناب آقای دکتر یزدی، تحقیق صحیحی نکرده است. امام‌بخش ریگی، شهید طایفه ریگی و فامیل ریگی پدرش اصرار دارد. بنده همین جا تلگراف و نامه از طرف ایشان دارم که به امضای ایشان است و به اتفاق همسرش شهید مهندس نیکبخت که آقایانی به اسامی برهان زهی اسم کوچکشان را نمی‌آورم و این آقایانی که رقیب انتخاباتی بنده بودند، بخصوص برادر ایشان در این قتل شرکت داشتند. من در مرحله کمیسیون تحقیق، تلگرافاتی از این آقای محمد ریگی، پدر امام‌بخش که همیشه می‌نویسد «جگرپاره من امام‌بخش» چنین و چنان شده که این آقایان را متهم کرده.



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۳۷

دکتر یزدی: بنابراین، آن‌طور که ما استنباط کردیم و بین دوستان بحث شد، کار کمیسیون تحقیق با رسمیت یافتن مجلس همچنان ادامه خواهد یافت؛ چرا که هنوز اعتبارنامه‌هایی هستند که در مجلس مطرح نشده‌اند؛ بنابراین، باز هم ادامه خواهد یافت.

### اعتبارنامه آقای مهندس معین فر<sup>۱</sup>

رئیس: بفرمایید آقای دکتر یزدی.

دکتر یزدی: رویه کمیسیون تحقیق هم این بوده است که اگر دو نفر خواستند یک مطلبی را تکرار بکنند، آن کسی که می‌خواهد همان مطلب و همان سندها را بخواند، ضرورتی در این کار نمی‌بیند. هر هفت نفر یک پرونده داشته‌اند؛ بنابراین، دو نفر، سه نفرشان را که شنیده پرسیده که آیا غیر از این مطالبی که عنوان شد، مطلب جدیدی، موضوع جدیدی، سند و مطلبی و اعتراض دیگری هست یا نیست؟ گفتند: خیر، همین‌ها است؛ بنابراین، کمیسیون ضرورتی ندید. در یک مورد که آقای نصراللهی اشاره کردند، کمیسیون برای این کار دلیلی ندید به این توضیحی که الآن عرض می‌کنم. اعتراض کرده بودند به آقای مهندس معین فر که چند نفر از مسئولین انجمن اسلامی را دادگاه گرفته و مسئول آنها شما هستید! شما اخراجشان کردید و دادگاه اینها را گرفته. بروید از اینها بخواهید و تحقیقات بکنید.

دکتر یزدی: خوب یکی دیگر اعتراض کرد. همین الآن شما گفتید که آقا شما از زندان اوین از اینها چرا تحقیق نکردید؟

دکتر یزدی: توضیحات آقای مهندس معین فر در مورد اخراج چند نفر این بود - حالا خودشان توضیح خواهند داد - که این در مسئولیت و مدیریت من نیست ...

دکتر یزدی: اجازه بفرمایید. آخر گفته‌اند که چرا اینها را به‌عنوان شهود نخواستید. توضیحات ایشان بود که این از اختیارات مدیریت من است. من حق داشتم، اگر هم اعتراضی هست باید اعتراض به مدیریت من باشد و نه به اعتبارنامه من. کمیسیون هم

---

۱. چنان که معلوم است، دکتر یزدی، اسناد مربوط به آغاز گفتگو در باره اعتبارنامه مهندس معین فر را یا آرشیو نکرده و یا به‌گونه‌ای از قلم انداخته است؛ از این‌رو، از میانه این گفتگوها در دسترس است. همچنین از آنجا که مهندس معین فر، دوره اول نمایندگی در مجلس شورای اسلامی را گذراند، دانسته می‌شود، اعتبارنامه ایشان تصویب شده است (ویراستار).

## ۱۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

تشخیص داد که حرف ایشان درست است. به فرض اینکه حق نداشته که چند نفر را اخراج بکند و این سوء مدیریت بوده است.

این ربطی به رد صلاحیت اعتبارنامه ایشان ندارد. به فرض اینکه آن چند نفر آمدند و گواهی دادند که برخلاف مقررات آنها را اخراج کرده است. این یک پرونده دیگری دارد. باید از یک مجرای دیگری رسیدگی بشود. کمیسیون تشخیص داد که این مورد مربوط به کمیسیون نیست که رسیدگی بکند و آن شهود را بخواهد. راجع به آقای اصفیا هم توضیحاتی دادند آقای مهندس ...

دکتر یزدی: این جزو چیزهایی است که اعتراض شده بود به کمیسیون تحقیق (همه‌نمایندگان).

دکتر یزدی: آقای صفاتی و آقای رشیدیان اعتراض کردند که چرا رأی ... (افتادگی متن).

دکتر یزدی: بنده عرض کردم. خلط مبحث می‌کنند.

رئیس: آقای دکتر یزدی، شما شخصاً به این اعتراض جواب بدهید که آیا این مخالفین ... (افتادگی متن).

دکتر یزدی: بنده عرض کردم که مخالفین وقتی که همه آمدند و صحبت‌هایشان را کردند، از آن دو نفر دیگر سؤال شد که شما مطلبی غیر از آن چیزی که تا به حال مطرح شده است، دارید یا ندارید؟ گفتند: خیر. بنابراین، کمیسیون تشخیص داد که دیگر نیازی نیست هفت نفر دیگر هم بیایند و همین حرف‌ها را تکرار بکنند؛ کما اینکه شما از همین مخالفین بخواهید اینجا که می‌آیند مخالفتشان را بگویند غیر از یک سلسله مطالبی که همه‌شان دارند، چیز دیگری نیست. بقیه هم تکرار همین حرف‌ها است.

دکتر یزدی: خیر.

دکتر یزدی: بگذارید مخالفین بیایند حرف‌هایشان را بزنند. اگر دیدید ما درست تحقیق نکردیم!

رئیس: آقای خلخالی، اجازه بدهید، شلوغ نکنید، ما می‌خواهیم تکلیف تعیین بکنیم. مجلس دارد تصمیم می‌گیرد. پانزده نفر از آقایان هم رسماً امضا کردند و خواستند که

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۳۹

برای تحقیق کامل، این پرونده به کمیسیون تحقیق برگردد (اعتراض چند نفر از نمایندگان). اجازه بدهید؛ فوری صحبت نکنید. من می‌گویم خود صاحب پرونده که حق دارد پرونده‌اش را در مجلس آن هم بی احتمال مطرح بکنید، چنین مهلتی را به ما می‌دهد (دکتر یزدی: درست نیست). (یکی از نمایندگان: این کار را نمی‌توانید بکنید). خواهش می‌کنم وسط صحبت من حرف نزنید (خلخالی: اجازه بدهید یک کلمه بگویم). شما تنها نیستید؛ عده زیادی هستند که می‌خواهند حرف بزنند. ما داریم راه پیدا می‌کنیم که از بن بست بیرون بیاییم و راهی که الان داریم این است که باید یکی از این دو راه را انتخاب بکنیم و هر رأیی که مجلس به یکی از این دو راه بدهد، همان را عمل می‌کنیم.

یک راه این است که به‌خاطر یک عامل بنا به تقاضای خود آقای معین‌فر؛ دو عامل به پیشنهاد پانزده نفر از نمایندگان؛ سه عامل، آن را که احساس کردیم که حداقل به صورت ظاهر و فورمولی، تحقیق از مخالفین کامل نبوده است؛ گرچه اعتماد کمیسیون بوده است.

آقای دکتر یزدی، ببینید از دو نفر آقایان سؤال نشده. به هر حال متن صریح آیین‌نامه می‌گوید از مخالفین باید سؤال بشود. حالا شهود را اینجا ندارد (همه‌مۀ نمایندگان) نظرات موافق و مخالف هیچ‌کس ... (افتادگی متن).

دکتر یزدی: تذکر آیین‌نامه‌ای دارم.

منشی: آقای هادی غفاری بفرمایید. آقای دکتر یزدی لابد توضیح دارند درباره کمیسیون تحقیق.

دکتر یزدی: آقای هاشمی من تذکر آیین‌نامه‌ای دارم.

رئیس: شما که تذکر بدهید دیگران هم بحث خواهند کرد. آقای دکتر یزدی، خواهش می‌کنم (دکتر یزدی: شما اجازه بفرمایید) بسیار خوب تذکرتان را بدهید، ولی دارید وقت مجلس را می‌گیرید برای چیزی که دیروز جواب دادید و جواب خوبی هم ندادید.

دکتر یزدی: جواب نمی‌خواهم بدهم. ایشان مطلبی را بیان فرمودند که لازم است بنده چند کلمه عرض کنم. آنچه را که هیئت رئیسه با امضای مسئول به کمیسیون تحقیق فرستاده و لیستش پیش من هست، درباره اعتبارنامه آقای علی‌اکبر معین‌فر،

## ۱۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

نماینده شهرستان تهران تنها کسی را که با دلیل اعتراض ذکر کرده‌اند آقای محمد رشیدیان بوده. بعداً به ما اطلاع دادند که آقای غفاری، نصراللهی، اسدی‌نیا، چراغ‌زاده و فؤاد کریمی هم مخالفت کرده‌اند، ولی از طرف هیئت رئیسه به ما اطلاع داده نشده که آقای فومنی جزء آن افرادی هستند که مخالفت کردند. این آن چیزی است که به دست ما داده‌اند.

دکتر یزدی: خوب، آخر باز هم ایشان تکرار کردند و من هم باید این مطلب را تکرار بکنم.

اسدی‌نیا: خیر، در رابطه با صحبت آقای دکتر یزدی.

دکتر یزدی: آقای معین‌فر توضیح بدهید.

معین‌فر: سلام علیکم. انجمن‌های اسلامی این چنین هستند. بنده اینجا مدارکی دارم افرادی هستند که پرونده منافی عفت دارند، چافوکشی دارند، رئیس پالایشگاه را می‌آید کتکش می‌زند، بیرونش می‌کند، قدرتمداری می‌خواهد بکند. بنده بیرون کردم و خوب کردم و اگر باشم باز هم بیرون می‌کنم و به هیچ وجه به کسی اجازه نمی‌دهم. اولاً آن نکته‌ای را که برادرم دکتر یزدی اینجا گفت، حق این بود که من تذکر می‌دادم. هر کاری را کردم - که به جای خودش هم باید بیایم بحث کنم - به‌عنوان یک مدیر کردم و به‌عنوان مدیر حق داشتم و تازه اگر کسی ایرادی داشته باشد باید به مدیریت من داشته باشد. چه کسی گفته است یکی از شرایط نمایندگی این است که کسانی که در اینجا می‌نشینند مدیر خوبی برای نفت باشند؟ چه کسی چنین حرفی زده است؟ تازه آخرش این است که مدیر خوبی نیست؛ که من معتقدم ما خوب انجام دادیم و جالب انجام دادیم و خدا را شکر می‌کنم که انجام دادیم. وقتی که فهمیدم این عده رئیس کل پالایشگاه‌های مملکت را برای قدرت‌نمایی کتک زده‌اند، برای اینکه پالایشگاه در اختیارشان باشد؛ یعنی آن بدبختی که موجود بود که تولید پالایشگاه آبادان از چهارصد هزار بشکه در روز نمی‌توانست تجاوز کند، بالا نمی‌رفت - برای اینکه هر روز یک قشقرقی در پالایشگاه‌ها و در جاهای دیگر راه می‌انداختند - وقتی که اینها را بیرون کردیم حالا می‌بینیم در این مدت بالای ششصد هزار بشکه رفته است. چه کار باید می‌کردیم؛ تحویل دادگاه می‌دادم؟ دادگاه دادگستری قرار عدم صلاحیت صادر کرد و گفت از جرایم انقلابی است و باید به دادگاه انقلاب مراجعه

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۴۱

بشود. دادگاه انقلاب هم گرفت. موقعی که برادرم آقای رفسنجانی و آقای بهشتی اصرار داشتند که اینها آزاد بشوند، گفتم آزادی اینها به من مربوط نیست. من در کار قضایی دخالت نمی‌کنم، ولی به‌عنوان یک مدیر اجازه نخواهم داد وارد پالایشگاه بشوند. یک همچون حرفی زدم و محکم هم زدم و محکم هم ایستادم و خدا رحمت کند پدر من را که چنین خوبی را به‌صورت ارثی به من داده است.

### دلیل رد بعضی از اعتبارنامه‌ها

بعضی از اعتبارنامه‌ها به دلایل عدم صلاحیت عملی رد شدند. رد اعتبارنامه برخی دیگر به اصل مخدوش بودن [مدارک] رد شد. ضمناً ۳۴ اعتبارنامه به کمیسیون تحقیق ارجاع شد، که ده مورد آنها رد شدند. یک نفر هم خودش استعفا داد.

رد اعتبارنامه‌های خسرو قشقایی و دکتر مدنی نیز با جنجال و سروصدا همراه بود. در هنگام بحث پیرامون پرونده خسرو قشقایی، مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی به کمیسیون آمد تا از او دفاع کند. موضوع دفاع او هم به حفظ امنیت در فارس مربوط می‌شد، اما صادق خلخالی حتی حاضر نبود به او اجازه صحبت بدهد. درگیری لفظی به درگیری فیزیکی رسید و عمامه‌ها بر زمین افتادند. با وساطت اعضای کمیسیون، غائله خاتمه پیدا کرد. خسرو قشقایی اعلام کرده بود - توسط مهندس حسنعلی طاهری - که اگر تأمین داشته باشم به مجلس می‌آیم و به تمام اتهامات جواب می‌دهم و اگر آمده بود، اعتبارنامه‌اش تصویب می‌شد. مهندس طاهری بعد از اطمینان از جانب رهبر انقلاب و سایر مقامات، به او تأمین می‌دهد و خسرو قشقایی که در ؟ و در میان ایل خود بود، به شیراز می‌آید و به منزل مهندس طاهری وارد می‌شود. او درحالی‌که در حمام مشغول شستشو بود، افرادی مسلح به زور وارد منزل می‌شوند و او را دستگیر و سپس اعدام می‌کنند. چه کسی حکم بازداشت و قتل او را داده بود، معلوم نشد. «روزنامه انقلاب اسلامی» از مرحوم دکتر بهشتی در ۱۹ خرداد ۱۳۵۹ نقل کرده است که حکم بازداشت از جانب او و آقای آیت‌الله قدوسی نبوده است. گفته شد که این، حکم آقای [سید علی] خامنه‌ای بوده است. ابوشریف فرمانده سپاه گفت: از دستگیری قشقایی به کلی بی اطلاع است.

## ۱۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

دکتر مدنی اشتباه کرد و به مجلس نیامد. اگر می‌آمد اعتبارنامه او نیز تصویب می‌شد، اما نه تنها نیامد، بلکه اصل صحت انتخابات را زیر سؤال برد. اعتراض خلخالی به اعتبارنامه شیخ اسماعیل سفری و توضیحات او بسیار جالب بود. خلخالی در کمیسیون و سپس در جلسه علنی مجلس توضیح داد که شیخ اسماعیل سفری همان کسی است که در سال؟ نواب صفوی و یارانش را به همراه فردی به نام ... در مدرسه فیضیه کتک زده و از مدرسه بیرون کرده است. سفری در دفاع از خود گفت: من نظر ولی فقیه زمانم را اجرا کرده‌ام. آقای بروجردی با اعمال فداییان و نواب صفوی موافق نبود و وقتی آنها به قم و مدرسه فیضیه آمدند، به من دستور داده شد که آنها را بیرون کنم.

### اعتبارنامه احمد سلامتیان، نماینده اصفهان

آقای سلامتیان از جمله نمایندگان بود که اعتبارنامه ایشان در آخرین مراحل رسیدگی به تصویب رسید؛ چنان که در یکی از جلسات که زمان قانونی اعتبارنامه ها رو به پایان بود، خود ایشان تذکر آیین‌نامه‌ای داد که به اعتبارنامه ایشان رسیدگی شود.

رئیس: اما اگر هم ما به آن نقطه نرسیم، باز روز سه‌شنبه ساعت ۹ صبح جلسه علنی خواهیم داشت و از طرف کمیسیون تحقیق به ما اطلاع داده‌اند که پرونده آقای سلامتیان تکمیل شده (دکتر یزدی: هنوز به من نداده‌اند). (خلخالی: تکمیل شده، امضا کرده‌ایم و آماده است). مخبر اطلاع ندارد، ولی آقای حقانی امضا کرده‌اند و فرستاده‌اند. کیاوش: بسم الله الرحمن الرحيم. در جلسه قبل، آقای حقانی، یکی از اعضای کمیسیون تحقیق نوشتند که پرونده آقای سلامتیان حاضر است. آقای هاشمی دستور دادند که از مخبر کمیسیون سؤال بشود که این درست است یا نه؟ کتباً نوشتیم به آقای دکتر یزدی و ایشان هم در زیر ورقه‌ای که الان اینجا هست، نوشتند که پرونده ایشان حاضر نیست: نه گزارش تهیه شده و نه به تصویب رسیده و نه می‌توانم که وقت آینده آن را معین کنم. الان نوشته آقای دکتر یزدی پیش من هست؛ پس به این دلیل در دستور جلسه نبوده است.

رئیس: آقای دکتر یزدی، شما که مخبر کمیسیون هستید، توضیحی دارید بدهید؟

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۴۳

دکتر یزدی: بسم الله الرحمن الرحيم. همان طور که هیئت محترم رئیسه مجلس مطلع هستند، پرونده آقای سلامتیان یک بار در کمیسیون رأی گیری شد و تصویب شد.

رئیس: بسیار خوب. البته من فکر می‌کنم تقاضای آقای سلامتیان، تقاضای برحق است؛ یعنی گزارش اول کمیسیون رسمی بوده است؛ یعنی ۱۴ نفر شرکت داشته‌اند و رسمی بوده است. کفایت مذاکرات هم بر فرض که ما بگوییم بی‌جهت بوده، ولی رأی داده شده و تصویب شده است. بنابراین، کمیسیون می‌توانسته است رأیش را بدهد. اشکال این است که باید می‌نوشتند هفت رأی کافی نبوده و رد شده تلقی می‌شود. درحالی که آقایان نوشته‌اند تصویب می‌شود، یعنی یک اشکالی در نحوه گزارش بوده است. این نحوه گزارش اگر اصلاح بشود ما می‌توانیم در جلسه علنی مطرح بکنیم، آقای دکتر یزدی بفرمایید.

دکتر یزدی: قبل از گزارش آقای سلامتیان نمونه‌های دیگری هم بود که با رأی‌گیری در همین آیین‌نامه مجلس، کمیسیون به همین ترتیب عمل کرده و اعتراضی نه از جانب اعضای کمیسیون تحقیق و نه از جانب اعضای محترم مجلس نسبت به آن‌گونه رأی‌گیری نشده، ولی در هر حال طرحش بستگی به نظر هیئت رئیسه دارد.

رئیس: ببینید آقای دکتر یزدی، ما مراجعه کردیم به کمیسیون تحقیق. این را شما قبلاً هم به من فرمودید. در کمیسیون معلوم شد چنان موردی نبوده که با هفت رأی از چهارده عضو کمیسیون بگویند تصویب شد. آن روز مراجعه کردیم آقای دکتر حاج‌سیدجوادی هم بودند. نشستیم آنجا، گفتند فقط در مورد پرونده آقای امید [نجف‌آبادی] چنین احتمالی می‌رفت که بعد هم معلوم بشود بیشتر بوده و آن‌طور نبوده است. شما می‌توانید آن گزارشاتتان را بدهید. اگر آقایان بحث دیگری روی این قضیه ندارند، ما منتظر گزارش آقای دکتر یزدی بمانیم که یک گزارشی بر اساس همان نظریه اول بفرستند به مجلس و ما در جلسه بعد مطرح بکنیم. چون ما رسیدیم به یک نقطه روشنی؛ یعنی آقای سلامتیان پیشنهاد کردند همان گزارش اول را به صورت قانونی بدهند به مجلس و ما آن را می‌پذیریم و رویش عمل می‌کنیم. سخنرانان قبل از دستور را دعوت کنید.

## ۱۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

دکتر یزدی: پایان ماده ۱۴ را هم قرائت بفرمایید. این ماده ۱۳ را شما فرمودید جامعیت رأی گیری را در کمیسیون مطرح می کند، اما موارد استثنایی به طور مشخص جداگانه ذکر شده است، و یکی از موارد استثنایی، چگونگی تصمیم گیری در مورد اعتبارنامه نمایندگان است. در پایان ماده ۱۴ می گوید آرای ممتنع، حساب نمی شود. اکثریت مطلق جمع آرای موافق و مخالف (یکی از نمایندگان: در مجلس) بله، طبیعی است و اختلاف بر سر این مسئله است؛ بنابراین، در نهایت ما به اینجا می رسیم که در تفسیر ماده ۱۳ و ۱۴ در بین ما اختلاف است؛ بنابراین، مجلس است که در این مورد باید قضاوت بکند.

کرمی: بنده راجع به این موضوع دچار اشکالی شده ام و از آقای دکتر یزدی می خواهم در این مورد توضیح بیشتری بدهد که آیا این گزارش که ایشان دارند می دهند، مطابق آیین نامه است یا نه؟ زیرا گزارش کمیسیون باید قرائت بشود و الآن دو گزارش مطرح شد: یکی بر رد و یکی بر تصویب است و این خلط شد و دچار اشتباه می شویم.

رئیس: خوب، حرف ها تمام شد. من جمع بندی می کنم و وارد کار می شویم. ببینید همان طور که از اول هم گفتم دو نظر اینجا وجود دارد: یک نظر اینکه با آن بیان هایی که کردند، پرونده رد نبوده و تصویب بوده است. نظر دیگر این است که پرونده رد بوده است (محمد مجتهد شبستری: لارای بوده است). [از] لارای چیزی در نمی آید. لارای هم عدم تصویب اگر باشد، به هر حال یعنی تصویب نشده است. این نظر حالا وجود دارد. ما اگر گفتیم که این گزارش تصویب بوده و گزارش کمیسیون تحقیق کافی است، در این صورت، همین حالا باید آقایان مخالف ادله مخالفتشان را بگویند؛ یعنی منتظر هیچ چیز نمی مانیم. عین این گزارشی که کمیسیون تحقیق دادند، کافی است. اگر گفتیم که رد بوده، ادله را منبر کمیسیون که آن هم تهیه شده است، قرائت می کنند؛ یعنی باز منتظر چیزی نخواهیم ماند؛ چون گزارشی تهیه شده (دکتر یزدی: تصویب شده است). تصویب شده؟ گفتند ادله را آقای صفاتی یادداشت کرده اند. لطفا آقای دکتر یزدی توضیح بدهید!



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۴۵

دکتر یزدی: همان‌طور که عرض کردم، ادله بعداً از روی صورت جلسه توسط منشی کمیسیون تنظیم می‌شود و به مخبر داده می‌شود که بتواند گزارش خودش را تنظیم کند. آقای صفاتی از روی صورت جلسه، چیزی تهیه کرده‌اند، ولی این چیزی که ایشان تهیه کردند در کمیسیون فرصت طرحش نشد. اکثریت لازم یعنی حد نصاب برای اینکه جلسه رسمی بشود، به دست نیامد؛ بنابراین، آن چیزی که به‌عنوان توضیحات منشی جلسه تهیه شده، به‌عنوان گزارش کمیسیون قابل طرح نیست تا وقتی که ما در کمیسیون خودمان به بحث بگذاریم و به‌صورت مصوبه کمیسیون دربیاید.

هادی: بسم الله الرحمن الرحيم. جناب آقای هاشمی توجه دارید که آن روز مجلس می‌خواست [هیئت‌های دوستی اعزامی به خارج از کشور را] انتخاب بکند. عده زیادی از نمایندگان هم برای رفتن به کشورهای خارجی برای عضویت در این هیئت تقاضا کرده بودند و از هیئت رئیسه خواسته بودند که عضو در این هیئت بشوند. مسئله در مجلس مطرح شد.

برادرمان آقای دکتر یزدی پیشنهاد می‌کردند مبنی بر اینکه این مسئله به کمیسیون امور خارجه واگذار بشود. مجلس هم تصویب کرد که این مسئله واگذار بشود به کمیسیون امور خارجه. در صورت جلسات هم هست؛ بنابراین، چون مجلس این حق را به کمیسیون امور خارجه داده است، کمیسیون امور خارجه هم لیست نمایندگانی را که تقاضا کرده بودند و نکرده بودند گذاشته جلویش و تشخیص داده است که این پنج نفر صلاحیت دارند و باید این پنج نفر بروند. حالا این پنج نفر را انتخاب کرده است. حالا اگر هر کس دیگری را هم که انتخاب می‌کرد و هر طرحی را که می‌ریخت باز مواجه می‌شد با اینکه نمایندگان می‌خواستند نظر بدهند. نمایندگان محترم، یک مرتبه نظر خودشان را داده‌اند مبنی بر اینکه کمیسیون خارجه، این امر را به عهده بگیرد. والسلام.

در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی که ساعت ۹:۳۰ صبح امروز (دیروز) به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، پیش از آنکه سخنان قبل از دستور آغاز شود، آقای سلامتیان به‌عنوان تذکر آیین‌نامه‌ای به استناد ماده ۵۹ گفت: دستور جلسات باید یک هفته قبل آماده باشد که به دلیل جا نیفتادن مجلس، این کار

## ۱۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

انجام نمی‌شود و به همین ترتیب ما تا حالا به ۲۴ ساعت قناعت کرده بودیم. در جلسه گذشته قرار بود پرونده من در جلسه بعد رسیدگی شود و حالا استدعا دارم با توجه به پایان رسیدن فرصت قانونی، همین امروز به اعتبارنامه من رسیدگی شود. آقای دکتر یزدی تذکر داد که پرونده ایشان یک بار در کمیسیون تصویب شده است، ولی مجدداً از طرف بعضی از اعضای کمیسیون تصویب شده است، ولی از طرف بعضی از اعضای کمیسیون تقاضا شد مجدداً در کمیسیون مطرح شود؛ زیرا ایراد فنی در آن بود و این ایراد به این صورت بود که طبق آیین‌نامه باید نصف به علاوه یک اکثریت اعضای کمیسیون، اعتبارنامه را تصویب می‌کردند، اما برای تصویب ۷ رأی موافق بیشتر نداشته است؛ حال آنکه باید از ۱۴ نفر عدد حاضر ۸ نفر رأی موافق می‌دادند.

رئیس مجلس یادآور شد که تقاضای آقای سلامتیان بر حق است و از کمیسیون تحقیق می‌خواهیم که گزارش خود را اصلاح کنند تا بتوانیم اعتبارنامه را در جلسه علنی مطرح کنیم.

### ت- کودتای نوژه

در گرماگرم زمانی که مجلس تازه تأسیس انقلابی، درحال بررسی اعتبارنامه‌های نمایندگان بود، خبر شکست طرح کودتایی در ارتش، همه مقامات، به ویژه مجلس را تحت تأثیر قرار داد.

طرح کودتای نوژه در ۱۶ تیر ۱۳۵۹ لو رفت و پیش از انجام هر اقدامی به شکست انجامید. یکی از پایگاه‌های مهم نیروی هوایی ایران به نام «شاهرخی» واقع در کبوترآهنگ، نزدیک همدان است. سرهنگ دوم خلبان محمد نوژه، از خلبانان نیروی هوایی این پایگاه بود که همراه با دکتر چمران، در عملیات پاوه شرکت کرده و در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۵ شهید شده بود؛ از این رو، نام آن خلبان شهید را بر این پایگاه نهادند.

پس از لو رفتن طرح کودتا، در مذاکرات مجلس شورای اسلامی در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ گفتگوی بسیاری پیرامون کودتای نوژه در میان نمایندگان صورت گرفت. بیشتر صحبت‌ها این بود که در ۵۹/۴/۱۶ عملیات کودتا لو رفته است، ولی چگونگی افشای

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۴۷

عملیات کودتا روشن نبود. برخی بر این باور بودند که منشاء خبر، شوروی و حزب توده بوده‌اند. برخی گفته‌اند محمدعلی عمویی<sup>۱</sup> با نام مستعار دکتر تبریزی، خبر را به حمید انصاری از اعضای دفتر رهبری می‌دهد و از سوی دیگر نیز کیانوری به سید هادی خسروشاهی خبر می‌دهد و خسروشاهی خبر را به سید احمد خمینی می‌رساند. محمد محمدی ری‌شهری، حاکم شرع وقت دادگاه‌های انقلاب در خاطراتش نوشته که او متهمان را محاکمه و محکوم کرد. سعید حجاریان، همکار کمیته اداره دوم ارتش با ری‌شهری همکاری داشت.

ری‌شهری در باره چگونگی لو رفتن عملیات کودتای نوژه در یک اظهارنظر شگفت‌انگیز، گفته بود: «در یک گفتگویی در تاکسی، خبر شنیده شد و لو رفت؛ ولی سعید حجاریان گفته است: «شوروی‌ها لو دادند».

ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهور وقت ایران گفته بود: «ذوالفقاری در دفترش به او خبر داد». برخی دیگر گفته‌اند: همسر یکی از خلبانان نیروی هوایی به خامنه‌ای خبر داد. جواد فکوری مأمور رسیدگی شد.

در مذاکرات مجلس، هم در این باره اظهارنظرهای متفاوتی شنیده می‌شد. سیدمحمد علوی تبار مشهور به محمد کیاوش، نماینده حوزه انتخابیه اهواز در دوره اول مجلس می‌گفت: در خوزستان هم قرار بوده نیروهای دریایی، هوایی و زمینی و لشکر ۹۲ پادگان دزفول کودتا کنند. حسن روحانی، نماینده سمنان هم درباره کودتا سخن گفت. در نتیجه، حملات سختی به ارتش شد. شهید دکتر مصطفی چمران طی سخنانی از ارتش دفاع کرد. پس از شکست کودتا، سه تن از سرهنگان فرار کردند و بقیه دستگیر شدند.

---

۱. محمد علی عمویی (زاده ۱۳۰۷ در کرمانشاه)، سیاستمدار ایرانی و عضو برجسته حزب توده ایران که به دلیل فعالیت مخفیانه‌اش در «حزب توده ایران» و مبارزه علیه حکومت پادشاهی، ۲۵ سال را در زندان‌های حکومت پهلوی گذراند. وی در گرماگرم انقلاب ۱۳۵۷ ایران، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران شد و پس از چندی دوباره دستگیر و مجبور به اقرار تلویزیونی شد. وی ۱۲ سال را نیز در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران گذراند (ویراستار به نقل از ویکی‌پدیا).

## ۱۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

در جلسه عمومی مجلس در ۲۴ تیرماه ۱۳۵۹ آقای هاشمی مطرح کرد که گویا جمعی از خلبانان این پایگاه در صدد بوده‌اند در روز پنجشنبه، ۱۹ تیرماه ۱۳۵۹ با بمباران مراکز حساس تهران، از جمله بیت امام، کودتا کنند، اما دو روز قبل از عملیات این برنامه لو می‌رود و خبر آن به مسئولان کشور داده می‌شود. در واکنش به این اخبار، پایگاه نوژه توسط واحدهایی از سپاه و ارتش اشغال می‌شود و جمعی از خلبانان این پایگاه بازداشت می‌شوند. در این جلسه مرحوم دکتر چمران، که هم نماینده مجلس و هم وزیر دفاع بود، درباره این موضوع، توضیحاتی داد. محاکمه متهمان در دادگاه ویژه‌ای زیر نظر محمد محمدی ری‌شهری انجام شد. تعدادی از خلبانان اعدام و تعدادی هم زندانی شدند.

از نظر من، چگونگی انتقال خبر این کودتا به مقامات جمهوری اسلامی همه روایت‌ها حاکی از نقش رهبران حزب توده دارد. در برخی از پایگاه‌های خبری اینترنتی آمده است که همسر یکی خلبانان که از کودتا باخبر شده بود، به من (یزدی) مراجعه کرده و خبر داده بود، اما این خبر نادرست است و کسی در این مورد به من خبری نداده بود.

حدود دو ماه بعد، در ۳۰ شهریور ماه ۱۳۵۹ عراق به ایران حمله کرد. با توجه به برتری قدرت نیروی هوایی ایران در مقایسه با عراق و نقش تعیین‌کننده نیروی هوایی در جنگ عراق، آیا رابطه‌ای میان خبردهی حزب توده از کودتای نوژه و حمله عراق به ایران وجود دارد؟ فراموش نشود که بعد از آغاز جنگ، عده‌ای از همان خلبانانی که به اتهام شرکت در کودتا زندانی شده بودند، داوطلب شرکت در جنگ شدند و خدمات قابل توجهی انجام دادند.

در جلسه مورخه ۲۴ تیرماه ۱۳۵۹ برخی از نمایندگان، کشف کودتا را بهانه حمله به ارتش و دکتر چمران، وزیر دفاع وقت، قرار دادند و مجدداً انحلال ارتش را به‌طور عام و انحلال تیپ نوهده<sup>۱</sup> را به‌طور خاص، مطرح کردند. دکتر چمران در پاسخ به این

---

۱. تیپ ۶۵ نیروهای ویژه هواپرد (اختصاصی نوهده (N.O.H.E.D FORCE) معروف به کلاه‌سبزیهای ارتش ایران یکی از هفت یگان تکاور نیروی زمینی ایران و از زنده‌ترین نیروهای ویژه ارتش جمهوری اسلامی ایران است که در سال ۱۳۷۱ به تیپ ۶۵ تغییر نام داد. مأموریت اصلی این تیپ، جنگ ناهمتر از تعریف

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۴۹

حملات، ضمن آنکه پاکسازی ارتش را گزارش داد، از ارتش و از تیپ نوهده، دفاع کرد.

شعار انحلال ارتش از همان روزهای پس از پیروزی انقلاب مطرح شده بود؛ بخصوص گروه‌های چپ، سازمان مجاهدین خلق، جنبش مسلمانان مبارز و برخی دیگر، شعار انحلال ارتش طاغوتی و وابسته را سر می‌دادند، اما دولت موقت با انحلال ارتش به شدت مخالفت کرد و مانع از اجرای این طرح شد. با انحلال ارتش، چند صد هزار تن عملاً بی‌کار می‌شدند و به نیروی بالقوه‌ای برای ضد انقلاب تبدیل می‌شدند. دکتر چمران در مخالفت با انحلال تیپ نوهده یادآور شد که اگر این تیپ منحل شود، افراد ورزیده آن عملاً آماج مناسبی برای ضد انقلاب خواهند بود. اگر آن روزها ما در دولت موقت با انحلال ارتش بر اساس دانش و منطق خود و مصالح ملی کشورمان مخالفت می‌کردیم، شاید کسی چندان به سخنان ما توجه نمی‌کرد، ولی پس از سی سال از آن روزگار، اکنون تجربه عراق بعد از حمله آمریکا و سقوط صدام و انحلال ارتش عراق در برابر ما قرار دارد. کادرهای ارتش عراق امروز یکی از بزرگ‌ترین نیروهای مخالف دولت عراق و از حامیان و همکاران داعش هستند.

### ث- مراسم تحلیف رئیس جمهوری

بر پایه اصل ۱۲۱ قانون اساسی، رئیس جمهوری پس از انتخاب بایستی مراسم سوگند را انجام دهد. این مراسم در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در حضور رئیس دیوان عالی کشور، آقای دکتر بهشتی برگزار شد. پیش از آمدن به جلسه، آقای بنی‌صدر توسط آقای احمد سلامتیان به **نمایندگان** پیغام داد که هنگام ورود او نمایندگان ادای احترام کنند و بلند شوند. وقتی آقای سلامتیان این پیغام را آورد، به او گفتم این کار را نکند؛ چرا که نمایندگان به این نوع رفتارها حساس هستند و ممکن است در واکنش به

---

شده‌است. این تیپ در سال ۱۳۴۹ تحت نام تیپ ۲۳ نیروهای ویژه هوایرد توسط سرلشکر خلبان منوچهر خسروداد تأسیس گردید و هرساله نیروهای مخصوص زبده را تربیت و آماده خدمت از مرزهای زمینی و خاکی ایران می‌کرد. بعدها این یگان از تیپ به لشکر ارتقا یافت. در حال حاضر تیپ «نوهده» به عنوان یکی از زبده‌ترین نیروهای نظامی در جهان است (ویراستار به نقل از ویکی پدیا).

## ۱۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

این توقع، موقع آمدن بنی صدر از جای خود بلند نشوند؛ اما اگر چیزی به آنها نگویی، وقتی رئیس جمهور وارد می‌شود، نمایندگان هوادار او برمی‌خیزند و عده‌ای هم به پیروی از آنها برخوانند خواست. این نوع توقعات، آن هم از نمایندگان اولین مجلس بعد از انقلاب دور از واقع‌بینی سیاسی و انعکاس روحیات خاص متقاضی است؛ به ویژه آنکه مراسم ادای سوگند در مجلس، مصادف بود با درگیری‌های شدید سیاسی میان رئیس جمهور منتخب و رهبران «حزب جمهوری اسلامی» بر سر معرفی نخست‌وزیر. این درگیری‌ها خواه - ناخواه در روابط متقابل میان نمایندگان عضو حزب جمهوری اسلامی و نمایندگان هوادار بنی صدر و نیز نمایندگان مستقل، از جمله نمایندگان عضو «نهضت آزادی ایران» و گروه «ملی - مذهبی‌ها» و نمایندگان نزدیک یا هوادار این گروه‌ها اثر گذاشت و برخوردهای خصمانه در سطح مجلس یک رویه جاری شد. با این حال، تصمیم ما نمایندگان عضو «نهضت آزادی ایران» این بود که فارغ از این درگیری‌ها، تا هر کجا ممکن باشد، وظایف نمایندگی خود را انجام دهیم و بخصوص در کمیسیون‌ها صمیمانه همکاری کنیم.

### ۱۳ نفر نامزد نخست‌وزیری شدند

دیروز در آخر وقت جلسه علنی مجلس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی غیرعلنی بودن مجلس را برای بحث در مورد چند مسئله خصوصی اعلام نمود و حضار و نمایندگان مطبوعات، جلسه را ترک گفتند.

مهم‌ترین مسئله در دستور مجلس در شرایط کنونی سیاسی ایران، بحث در مورد نخست‌وزیر و انتخاب یک نفر از میان چندین کاندیدای این پست که از سوی جناح‌های مختلف سیاسی مطرح شده‌اند می‌باشد. جناح‌های مختلفی که برای انتخاب نخست‌وزیر تلاش می‌نمایند و کاندیداهایی را پیشنهاد نموده‌اند، عبارتند از: ریاست جمهوری که برای نهاد هماهنگی در کار دولت سعی در انتخاب شخصی دارد. در محافل سیاسی در میان افراد موردنظر رئیس جمهور از چند نفر از جمله مهندس عزت‌الله سحابی، سرپرست سازمان برنامه و بودجه، دکتر حسن حبیبی، وزیر علوم و آموزش عالی، سلامتیان و ... نام برده می‌شود.

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۵۱

حزب جمهوری اسلامی نیز چند کاندیدا تاکنون موردنظر داشته که به ترتیب عبارتند از: جلال‌الدین فارسی، [محمدعلی] رجایی، وزیر آموزش و پرورش، [مصطفی] میرسلیم، مهندس غرضی، استاندار فعلی خوزستان، دکتر عباسپور و مهندس کلانتری که از میان افراد همان‌طور که در نامه رئیس جمهور به مجلس آمده بود، با توجه به جو موجود سیاسی، مصطفی میرسلیم، سرپرست کنونی شهربانی و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به‌عنوان نخست‌وزیر به مجلس پیشنهاد شد که حزب هم با توجه به جو موجود و جو مجلس، پیشنهاد دیگری که همان جلال‌الدین فارسی باشد را ارائه داد و در نتیجه، مذاکرات خصوصی با رئیس جمهور منجر به پس گرفتن پیشنهاد از سوی بنی‌صدر شد. این مسئله به یک هیئت مرکب از نمایندگان مجلس و رئیس جمهور و امام محول شد که با رد این پیشنهاد از طرف امام این مسئله بین نمایندگان مجلس و بنی‌صدر رئیس جمهور باقی ماند.

از طرف مجلس پنج تن برای بررسی کاندیداهای موجود به رئیس جمهور معرفی شد که در جلسه غیرعلنی، دیروز مجلس تمام کاندیداهای این پست را مشخص نمودند. افرادی که نامشان در این لیست برده می‌شوند به قرار زیر می‌باشند:

جلال‌الدین فارسی، بجنوردی، صادق خلخالی، مصطفی چمران، محمدعلی رجایی، عزت‌الله سبحانی، سلامتیان، رضا صدر، غرضی، غروی، میرسلیم، کلانتری و یحیی، که همان‌طور که گفته شد، عده‌ای از این افراد از طرف رئیس جمهور و عده‌ای از طرف حزب و عده‌ای دیگر خود در مجلس کاندید شده‌اند؛ از جمله صادق خلخالی که به نظر می‌رسد در ملاقات اخیر خود با امام از ایشان در این مورد نظر خواسته است، و هم اکنون این مسئله با توجه به فعل و انفعالات اخیر سیاسی در ایران، به‌صورت مسئله روز و تا حدی بغرنج درآمده.

سلامتیان می‌گوید: انتخاب جلال‌الدین فارسی به‌عنوان نخست‌وزیر، برای ایران یک فاجعه بزرگ خواهد بود و دکتر آیت می‌گوید: همان چیزی خواهد شد که من در نوار گفته‌ام!

بحث در مورد این مسئله از شنبه بین نمایندگان منتخب از سوی مجلس و رئیس جمهور آغاز خواهد شد.

## ۱۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

### ج- معرفی نخست‌وزیر و وزرا

پس از انجام مراسم تحلیف و آمادگی مجلس برای انجام سایر وظایف قانونی‌اش، نوبت معرفی نخست‌وزیر توسط رئیس جمهوری به مجلس فرا رسید. بر سر معرفی نخست‌وزیر، میان رئیس جمهوری و رهبران حزب جمهوری اسلامی اختلاف شدیدی بروز کرد. مجلس، یک جلسه خصوصی با حضور بنی‌صدر برگزار کرد و طی آن، اختلافات مطرح شد. بنی‌صدر اظهار کرد که برای معرفی نخست‌وزیر از رهبران حزب جمهوری نظرخواهی کرده بود. آنها در داخل حزب، موضوع را به همه‌پرسی می‌گذارند و اکثریت به آقای جلال‌الدین فارسی اظهار تمایل می‌کنند، اما این گزینه از سوی رهبری حزب رد می‌شود.

در جلسه خصوصی مجلس، رهبران حزب در مجلس در علت مخالفت خود با نخست‌وزیری فارسی، گفتند او با خودش هم دعوا دارد و از نظر قدرت مدیریت هم حتی یک مدرسه چهار کلاسه ابتدایی را نمی‌تواند اداره کند؛ سپس از افراد دیگری، از جمله دکتر مصطفی چمران و مهندس مصطفی میرسلیم و محمدعلی رجایی برای نخست‌وزیری نام برده شد. در نهایت، طرفین بر سر آقای رجایی به توافق رسیدند. البته بنی‌صدر با نخست‌وزیری رجایی هم موافق نبود، اما به هر حال برای خروج از بن بست اختلاف با هم توافق کردند. در مورد انتخاب وزیران نیز بین بنی‌صدر و رجایی اختلاف نظرهای شدیدی بروز کرد. اختلاف میان بنی‌صدر با رهبران حزب جمهوری تا زمان رأی به عدم کفایت رئیس جمهوری در مجلس و عزل بنی‌صدر ادامه پیدا کرد.

### اظهار نظر درباره و وزرای پیشنهادی با تخریب و توهین به نمایندگان طیف اقلیت

در یکی از جلسات انتخاب وزرا، پیش از ورود به موضوع بحث مجلس، برخی مطالب از سوی برخی از نمایندگان عنوان شد که رویارویی مستقیم جناح حاکم بر مجلس با طیف اقلیت ملی - مذهبی بود. سخنرانان طیف اکثریت بیم آن را داشتند که وزیرانی همفکر و هم‌عقیده با دولت موقت بار دیگر در دولت راه یابند؛ درحالی‌که نظر ما بسامان شدن هرچه زودتر کشور و ساختار دولت بود.



## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۵۳

[گوینده مشخص نیست]: در مسئله غائله بندر لنگه که برادرمان جناب آقای دکتر یزدی در جریان هستند، چند نفر از این چریک‌های عشایری منطقه لامرد این غائله را فرونشاندند.

فدایی: آقایانی که شما بزرگ مجلس هستید و بزرگان این مملکت هستید، باید شما توجه داشته باشید، اگر کوچک‌ترین کلام دروغی از دهن شما بیرون بیاید، امروز دیگر جمهوری، جمهوری اسلامی است. زمان شاه نیست که هر کس دروغ بگوید مردم هم به چیزی نگیرند، ولی وقتی که آقای بنا به قول خودشان، و بنا به گفته خودشان، اینها سابقه دینی و مذهبی و مبارزاتی دارند - که البته باید دید در چه راهی مبارزه کرده‌اند - اگر برای همین امروز مبارزه کرده‌اند که «هباء مثوراً» است، ولی اگر اینکه در راه مردم است، این مردم به شما پست و مقام داده‌اند، حالا چه کار می‌کنید؟ این دل انسان را به درد می‌آورد که، فردی که می‌گوید: «من سابقه دارم» - من نهایت ارادات را به آقای سحابی دارم - ولی [ایشان] اینجا می‌فرماید که «ما هرگز اجازه‌ای برای انجام نطق‌های پیش از دستور نداشته‌ایم و در این زمینه محدودیت‌هایی برایمان بوده است».

دکتر سحابی: «اینها را کجا من گفتم؟ تو دروغ می‌گویی».

این را دارم از روی روزنامه می‌خوانم. و باز جناب آقای بازرگان می‌فرماید: «چرا در مجلس سکوت کرده‌ایم و خاموش مانده‌ایم؟ چون مأموریت و مرام ما، نظم و آرامش و ایجاد قانون و رعایت آن بوده است». باز در جای دیگر می‌فرماید: «قرارهایی که در مجلس گذاشته می‌شود، تا نمایندگان سخن بگویند و پیرامون مسائل مختلف صحبت نمایند، برای ما تا به حال پیش نیامده است». و در خصوص نطق‌های قبل از دستور بماند که زیاد است. ببینید چه اهانتی به مجلس شده است!

دکتر سحابی: من باید دفاع کنم.

رئیس: آقای دکتر سحابی می‌گویند من این مطالب را نگفتم.

[ادامه سخنان فدایی]: آقای دکتر یزدی می‌فرمایند: «می‌بینیم سیستم تک‌حزبی، حاکم گردیده است و اکنون حزب حاکم همه چیز را در ید قدرت خود گرفته است و اداره امور مملکت در اختیار یک حزب واحد است، آن هم حزبی که دقیقاً پس از ۲۲

## ۱۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

بهمن ماه ۱۳۵۷ مایه گرفته و تشکیل شده است». آقا، حزبی که شما از آن دم می‌زنید، تمام ملت ایران است.

ملت واحد ما اگر اینکه به صورت متشکل باشد، این گناه است که جناب دکتر یزدی می‌فرماید: «ایجاد حکومت حزب واحد برخلاف قرآن است»؟! (مشاجره آقای خلخالی با آقای حسینی طباطبایی).

رئیس: آقای خلخالی شما با بی‌انضباطی خو گرفته‌اید. هر کس حرف می‌زند شما باید حرف بزنید؟

فدایی: ایجاد حزب واحد، خلاف قرآن است آقای دکتر یزدی؟ اگر ملتی متشکل شدند، اگر تمام ملت دست در دست ...

دکتر یزدی: آقای هاشمی من تذکری دارم.

رئیس: آقا شما از این تذکر بگذرید؛ بگذارید کارمان را بکنیم. آقای دکتر یزدی تذکرتان را بفرمایید.

دکتر یزدی: بسم الله الرحمن الرحيم. تذکر بنده این است که من روز چهارشنبه که کسالت [داشتم] و در منزل بستری بودم و از طریق رایو، مذاکرات مجلس را گوش می‌کردم، برادر عزیزمان آقای فدایی مطالبی را در مورد من گفتند که برخلاف واقع بود و من طبق ماده ۶۶ استدعا می‌کنم یک ربع وقت به من بدهید تا من راجع به آن مطالب توضیحاتی بدهم.

رئیس: متشکر. آقای دکتر یزدی خوب است همان ماده را می‌خواندند؛ چون در آنجا نوشته است که «در همان مجلس باید تقاضا بکنند» و سرکار نبودید. تقصیری نداریم.

دکتر یزدی: کی گفته است در همان مجلس؟ اگر یک کسی مریض هم بود باید حقتش از بین برود؟ اگر کسی نبود، آن که گنااهش بیشتر است که یک کسی که نیست در غیاب او به او افتراهایی ببندند که صحیح نباشد؛ آن که گنااهش بیشتر است!

---

۱. اینجا گویا جز دکتر یزدی، کس دیگری می‌خواست تذکر بدهد که رئیس اجازه نداد (ویراستار).

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۵۵

رئیس: خیلی خوب، پیشنهاد بفرمایید آقای دکتر یزدی آیین‌نامه اصلاح می‌کند. آیین‌نامه می‌گوید اگر در همان جلسه تقاضا بکنید، پذیرفته می‌شود. آقای دکتر سبحانی تقاضا کردند پذیرفته شد.

دکتر یزدی: آیا سخنگو مجاز است که در غیاب یک فرد هر چه دلش خواهد بگوید؟ ... بنده یادداشت خدمتتان دادم که من کسالت دارم و مجبورم منزل استراحت کنم. این چه دخلی به آن دارد که یک کسی در غیبت من یک سخنانی گفته است که درست نبوده و دروغ بوده است. لاقلاً بیایند جواب بدهند ... خیر؛ اگر کسی نباشد که نباید حقش سلب بشود. آیین‌نامه که نمی‌گوید حق من سلب می‌شود.

رئیس: آقای دکتر یزدی، خواهش می‌کنم برخلاف آیین‌نامه صحبت نکنید. دکتر یزدی: آقای هاشمی آن موقعی که این دروغ‌ها را می‌گویند شما باید جلوشان را بگیرید.

دکتر یزدی<sup>۱</sup>: خودت دروغگو هستی. مگر جلسه رئیس ندارد که تو می‌گویی در رأس هستی! به شما چه مربوط است، جلسه رئیس دارد؛ مگر شما رئیس جلسه هستید؟ مگر من از شما خواستم؟ چرا به من نسبت دروغ می‌دهید. اگر اعتراضی دارید به رئیس بگویید.

استکی: بنشین بابا جون.

فدایی: نسبت به آقای کاظم‌زاده هم تا آنجایی که تحقیق کردم، بعد از تحصیلاتشان که به خارج تشریف بردند. با انجمن‌های اسلامی در رابطه بوده‌اند. در انجمن اسلامی با آقای دکتر یزدی ظاهراً در رابطه بوده‌اند و بعد هم به کشور تشریف آوردند و کاری را شروع کردند، اما هیچ شناختی در رابطه با مدیریت و کار آقایان ندارم؛ بنابراین، چون شناختی از نحوه مدیریت و کارآیی این دو نفر برادران ندارم، اصل شیوه پذیرش اینها از طرف آقای رئیس جمهور، مشکوکانه و عجولانه است؛ لذا من پیشنهاد می‌کنم با آن تصویب لایحه دو فوریتی، این دو نفر باید به مدت دو ماه به‌عنوان کفیل از طرف آقای نخست‌وزیر در این دو وزارتخانه باشند. در عمل وقتی که ما تجربه کردیم، بعداً این آقایان را رسماً معرفی بکنند. [آنگاه] یا ما [مجلس] رأی می‌دهیم یا نمی‌دهیم.

۱. گویا خطاب به فدایی است (ویراستار).

## ۱۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

با توجه به سوابقی که از ایشان ذکر کردند موقعی که ایشان در آمریکا، تشریف داشتند، در انجمن اسلامی آقای دکتر یزدی بودند. طرز تفکر و دیدگاه‌های آقای دکتر یزدی برای من قابل قبول نیست.

منتظری: آقای دکتر یزدی در انجمن اسلامی آمریکا نبود.

این مدت زمانی که در آنجا برخورد داشتند، تنها نقطه شاخصی که شما در آنجا می‌بینید یک نوع همکاری با انجمن‌های اسلامی است که انجمن‌های اسلامی بهترین آن، انجمن اسلامی آقای دکتر یزدی در آنجا بوده است (یکی از نمایندگان: بهترین نبوده) حالا تا آن حدی که من می‌دانم؛ بقیه‌اش را نمی‌دانم.

حایری‌زاده: بسم الله الرحمن الرحيم. اصولاً در مورد تمامی وزاری که قبلاً به مجلس معرفی می‌شدند فرد فرد ما روی همه وزراء یا تک تک آنها شناختی نداشتیم و روش خود من به‌عنوان یک نماینده این بود که افرادی که مورد اعتماد من بودند و می‌شناختند، می‌رفتم تحقیق می‌کردم و می‌پرسیدم؛ بعد شناخت آنها را در مورد آن افراد، جزء ایمان و اعتقاد خودم می‌دانستم و رأی می‌دادم. حالا به همین دلیل هم به آقای رجایی که قبلاً به او ارادت داشتم، رأی مثبت هم دادم و هم به تعدادی از وزراء. و حتی یکی از آقایان منفردین که می‌خواست به وزیری که نمی‌شناخت رأی منفی بدهد [گفتم: رأی] مخالف می‌دهی؟ پس حداقل رأی ممتنع بدهید. در مورد این آقایان هم شناخت ما به همین نحو است. من در بین نمایندگان چرخیدم و از بعضی‌ها پرسیدم و یک شناخت نسبی مثل شناختی که نسبت به بقیه آقایان وزرا داشتیم، [به دست آوردم]. همه وزراء که نباید حتماً فامیل و یا آشنای بنده باشند، یا حتماً با آنها شناسیتی داشته باشم، اما آنچه را که مخالفین گفتند، بیشتر و مهم‌تر و همه هم فهمیدند که بیشتر مخالفت، مخالفت سیاسی بود، بلکه مسئله شناخت افراد نبود. آخر چگونه؟ برخورد با دو نفر وزیری است که با این همه علاقه و ایثار [کار کرده‌اند]. قبل از انقلاب هم این آقایان مذهبی بودند و حالا نه ریش بعد از انقلاب دارند و قبل از انقلاب هم اسلامی بودند و حالا که خود آقای رجایی این آقایان را آورده، این‌طور برخورد می‌شود؟ مخالفتی که می‌کنند و می‌گویند: «با عجله زیاد معرفی شده‌اند». آقای رجایی که در معرفی این آقایان عجله‌ای نداشته است. اگر رئیس جمهور در این باره عجله کرده

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۵۷

است، حالا شتابزده معرفی می‌کند، پس آن هم باز دقت لازم را نکرده است، ولی آن کانالی که می‌گویید نظر مخالفین است و مورد اعتماد است - که من هم به آقای رجایی ارادت دارم - حالا این کانال را که قبول کرده است، این که شتابزده نبوده. قبلاً مطالعات خودش را کرده و حتی شخصیتی مثل آقای هاشمی که مورد ارادت همه ما است ببینید، این آدم خودش دارد تأیید می‌کند. این چه جور مخالفتی است؟ فقط جنبه سیاسی دارد. شخصی مثل آقای **مجتهد شبستری** می‌گوید: من از گذشته این آدم را می‌شناختم. آن زمان‌ها که اصلاً مذهبی بودن مد روز نبود. مخالفین به این صورت مطرح می‌کنند و باز می‌گویند که حتی یکی از آقایان اشتباهاً می‌گفت که آقای نمازی با آقای دکتر یزدی بوده است! از کجا ... درحالی‌که باز جای دو نفر آقایان را اشتباه کردند و در بعضی صحبت‌ها با زرنگی موضوع را قاطی کردند. «شناختی از نحوه مدیریت و کارایی نداریم». مگر از بقیه آقایان داشتیم؟ مگر یکی از آقایان که رئیس دانشگاه است در این دوران بحرانی انقلاب بعد از انقلاب دو سال رئیس یک دانشگاه بوده و توانست این همه موج‌ها را تحمل بکند و اداره بکند، آیا این کار اداری است یا کار علمی؟ کاملاً کار اجرایی است؛ مشخص است. و یا دیگری که در وزارت بازرگانی بوده و آقای هاشمی هم گفتند فردی که مورد اعتماد ما است در آنجا، آن شخص او را تأیید کرده است و کاملاً قابل قبول ما است باز آن را زیر علامت سؤال می‌برند که عضو فلان انجمن بوده که فلان شخص [رئیس آن] بوده است. انگار آن انجمن اختصاص به آن فرد داشته است!

خلیخالی: این یک واقعیتی است که من گفتم. شما بروید تحقیق کنید؛ ببینید که چه کسی بختیار را فراری داده و حالا چه کسی این کارها را می‌کند؟  
دکتر یزدی: منبع موثق رادیو اسرائیل است؟

فخرالدین حجازی: بسم الله الرحمن الرحيم. بنده با استفاده از فرصتی که به من داده شده است که پاسخ عرض کنم، با تشکر از آقای هادی که ایشان متولی مجلس شدند و ایشان دارای یک تخصص کاملی در امور خارجی کشور هستند؛ البته فعالیت‌هایی هم کرده‌اند که وزیر خارجه بشوند، ولی متأسفانه هنوز موفق نشده‌اند (خنده نمایندگان). و این اعتراضاتی را هم که می‌فرمایند برای این است که آقایان

نمایندگان بفهمند که ایشان در امور وزارت خارجه تخصص دارند و ایشان را ان شاء الله به این پست انتخاب بکنند. صحبت در این است که بنده هر وقت راجع به مسائل خارجی حرف زدم، ایشان به بنده پریده‌اند؛ چون بنده را مظلوم‌ترین فرد تشخیص داده‌اند. آن روز هم که بنده گفتم چرا موشک‌های فراک ۷ شوروی دزفول را دارد ویران می‌کند؟ باز فرمودند که تو داری روابط ما را با شوروی به هم می‌زنی. بعد آن روز هم که بنده گفتم که دلایل مستندی دارم که در کشورهای همجوار، علیه کشور اسلامی اقداماتی می‌شود، باز به بنده پریدند که تو داری روابط را به هم می‌زنی. من نمی‌دانم که چه باید بکنم؟ اگر ما مطالبمان را در مجلس نگوئیم پس به چه کسی بگوئیم. ایشان بنده را مجبور کردند که من حرفی بزنم. ایشان گفتند که «به مقامات دولتی باید این حرف‌ها را بزنیم». ما که اصلاً وزارت خارجه‌ای نداریم. با اینکه این مجلس تصویب کرده است که آقای رجایی سرپرستی را به عهده بگیرند، هنوز این مسئله حل نشده است. قبل از آقای رجایی هم وزیر خارجه‌ای نبوده است. بنده از خارج هم آمده‌ام و دلایلی هم داشته‌ام و اخباری هم داشته‌ام و وزارت خارجه‌ای وجود نداشته است که بگوئیم. مسائل دیگری بوده است که به آقای بهزاد نبوی تلفن کردم و گفتم: بابا من از خارج آمده‌ام و حرف حساب دارم: یا من بیایم به اتاق تو و یا تو به خانه ما بیا. یا من بیایم به خانه تو، یا تو بیا به مجلس. من درد دارم، من حرف‌هایی دارم، من اطلاعاتی دارم. آقای بهزاد نبوی اصلاً حاضر نشده است و اصلاً مثل اینکه ما مداد هستیم (خنده نمایندگان).

آخر آقای وزیر مشاور، ما با تو حرف داریم. آن هم که نمی‌آید. وزیر خارجه هم که کسی نیست. مسائل هم مستند است. من خیلی از گزارش‌ها هم هست که به رئیس مجلس می‌دهم، ولی سایر آقایان نمایندگان هم باید مطلع بشوند که چه می‌گذرد. بنده اینجا صاف و پوست‌کنده می‌گویم که هر چه اطلاعات داشته باشم، به شرط اینکه مستند باشد می‌آیم و در مجلس می‌گویم (احسنت). چون این مقامات این جور هستند. چرا آقای بهزاد نبوی نیامد که حرف من را بشنود؟ چرا الآن در رأس وزارت خارجه ما که از حساس‌ترین وزارتخانه‌ها است کسی نیست؟ و این جریان‌ها هم مستند است. بنده سندش را به آقای رئیس می‌گویم. بعد آقای دکتر یزدی می‌گویند که چک کن که

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۵۹

از کجا رسیده است. ممکن است دست چندم آن دست کسانی باشد. خیر، بنده چک هم کرده‌ام. درست است که بنده مثل آقای دکتر یزدی، هفده سال در امور دیپلماسی وارد نبوده‌ام. من یک معلمی هستم، ولی در هر صورت، چک شده هم هستم. مطمئن باشید.

بنده به آقای رفسنجانی می‌گویم و اگر هم بخواهید می‌آیم و اینجا پشت تریبون می‌گویم من را عصبانی نکنید (خنده نمایندگان). ما هر مسئله‌ای که راجع به ایران و خارج باشد، می‌گوییم. این دیپلمات‌ها آدم‌های قالتافی هستند. باور بفرمایید آقای کاردار سفارت انگلیس به حضور آقای رئیس مجلس می‌آید و می‌گوید: «بله، آن مسئله گروگان‌ها تمام شده است و حالا با هم دوست باشیم. کجا ما دوست باشیم؟ مارگارت تاچر الآن دارد در خلیج فارس علیه ما توطئه می‌کند؛ یعنی پس از چهار روز که از انقلاب گذشته است هر چه ضد انقلاب بوده و هر چه مستشاران خارجی بوده و همه عوامل جنایت و کشتار در این کشور به دست عباس امیرانتظام و سیاست آقای مهندس بازرگان و من تبع او، و اینهایی که در یوزه‌اند برای سیاست آمریکا در این کشور، از این کشور خارج شدند؟

در پاریس و لندن نشریه درمی‌آورند. این همه توطئه می‌چینند و می‌خواهند در اینجا شخصیت‌های ما را به افتضاح بکشانند و انقلاب را به افتضاح بکشانند و در این کشور، خط امام را از بین ببرند. یک فکری برای این کشور بکنید. همین تیمسار فرُّد که یک افسر کودتاچی بود، با تحمیل یک جناحی در این کشور، در این هفت ماه جنگ، معاون وزیر دفاع در امور خرید اسلحه از دو طریق کودتا به این شخص رسیده بود و افراد می‌دانستند و شخص بنده بارها در شورای عالی دفاع تذکر دادم که مسئولیت خرید اسلحه در دست یک افسر کودتاچی است. طرف را آزاد کردند، باز او را معاون وزیر دفاع قرار دادند و اخیراً هم دو بار می‌خواست خودکشی بکند. و بعد هم الآن بحمدالله زندان است؛ چون گندش درآمد همین شخص. سرهنگ حیدری نامی را که تصفیه شده ارتش بود و به دست تیمسار باقری خائن داخل ارتش آمد، به اسپانیا فرستادند؛ ۷۳ میلیون دلار را بلند کردند که ۵۴ میلیون آن همین است که الآن سروصدایش است. یعنی جناحی به دولت تحمیل می‌شود و هر کاری می‌کنند،

## ۱۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌خواهند به اسم دولت تمام بکنند و آبروی دولت جمهوری اسلامی و مجلس را که انتخاب‌کننده دولت است، از بین می‌برند. هم‌اکنون نامه‌ای در اختیار بنده است که به امضای سر تیپ ولی فلاحی و همچنین سرهنگ ستاد علی هاشمی روان است که تصفیه‌شده‌ها را باز برگردانده‌اند. یک سری تصفیه‌شده را به داخل ارتش برگرداندند و آبروی ارتش جمهوری اسلامی را می‌برند؛ چون صد نفر آدم ضد انقلابی آبروی کل جوانان و افسران ما را می‌برند.

از آن طرف دوباره نامه نوشته‌اند که دارد موافقت می‌شود و رئیس جمهور موافقت کرده است که بقیه تصفیه‌شدگان را به داخل ارتش برگردانید. برادران و خواهران در مورد ضد انقلاب، اگر در داخل این کشور با قاطعیت عمل نشود، هم آبروی ما و هم آبروی دولت منتخب ما می‌رود و هم این همه جنایت در کشور می‌شود. به حال این کشور فکری بکنید و این عناصر ضد انقلابی که در شهرستان‌ها یا در زندان‌ها به سر می‌برند، آنهایی را که در جهه یک هستند، به اشد وجه - به حکم «اشداء علی الکفار» - مجازات بکنید و اجازه ندهید که این چنین بشود.

فقط عباس امیرانتظام نیست که باید محاکمه بشود؛ باید افراد زیادی در این کشور محاکمه بشوند و بعضی‌هایشان هم در این مجلس حضور دارند و متأسفانه بدون داشتن قاطعیت، اینها این رقم دارند در این کشور کارشکنی می‌کنند. بروید و ببینید (عده‌ای از نمایندگان: احسنت. احسنت).

رئیس: وقتتان تمام است.

یکی از نمایندگان: چه کسی در این مجلس است، اسم ببرید.

فخرالدین حجازی: آقای دکتر یزدی و آقای صباغیان و امثال اینها که در این کشور...

رئیس: وقتتان تمام است.

دکتر یزدی: آقای رئیس، ایشان با اجازه چه کسی دارد حرف می‌زند؟

رئیس: متشکر. یک مخالف و موافق می‌توانند صحبت کنند. آقای دکتر یزدی، چون

یک مطلبی فرستاده‌اند، به‌عنوان مخالف می‌توانند صحبت کنند.

دکتر یزدی: تذکر است، آن را بخوانید.



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۶۱

دکتر یزدی: تا آنجا که من اطلاع دارم، چنین قوانینی هست، احتیاج به تصویب نیست.

[گوینده مشخص نیست]:<sup>۱</sup> «آقای رئیس جمهور (یعنی کارتر) به دلیل علاقه بسیار به راه حلی سریع، تمایل داشت در ازای گروگان‌ها شاه را برگرداند، اما تحت تأثیر برژینسکی و (دقت کنید) سخنان عجولانه بنی‌صدر مبنی بر اینکه ممکن است گروگان‌ها به زودی آزاد شوند، کارتر از تصمیم خود صرف‌نظر کرد». یک جمله هم اینجا از آقای دکتر یزدی نقل کنم. در کمیسیون امور خارجه مجلس - اعضای محترم کمیسیون هم همه‌شان الآن اینجا تشریف دارند - آقای دکتر یزدی برای ما نقل کرد که «مسئله مسدود شدن و بلوکه شدن دارایی‌های ایران در آمریکا در اثر اشغال لانه جاسوسی نبود». ملت ایران به این مسائل توجه کند که آقای بنی‌صدر سیاستمداری بود که نه [اینکه] سیاست نمی‌دانست، اما سیاستمدار جمهوری اسلامی ایران نیست. آقای بنی‌صدر برای تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری در نماز جمعه تهران فریاد می‌زند که «ما وام‌هایی را که به آمریکا بدهکاریم نخواهیم داد». [او رئیس جمهور کشور بود] رئیس جمهوری این حرف را می‌زند که می‌داند ذخائر ارزی ما در آمریکا و در بانک‌های آمریکایی در سراسر دنیا است. پول ما توی دست آنهاست و توی مشت آنهاست و [با این حال] شعار می‌دهد که ما این وام‌ها را نخواهیم داد. آقای دکتر یزدی برای ما نقل کرد که همان روز که آقای بنی‌صدر آن جمله را گفت، بلافاصله خبرنگاران مطبوعات خارجی و داخلی اطراف ایشان ریختند که شما چطور این مطلب را می‌گویید درحالی‌که پولاتان آنجاست؟ گفت: نه، پول ما یک اندکی در آمریکا و بانک‌های آمریکایی است و ترتیب بقیه‌اش را دادیم و نمی‌توانند بلوکه کنند و در همان شب، نیمه‌های شب آقای کارتر دستور بلوکه شدن دارایی‌های ایران را صادر می‌کند. العهده علی الراوی. آقای دکتر یزدی برای کمیسیون خارجه این مطلب را گفت که من به آقای دکتر یزدی گفتم چرا شما در مجلس این مطلب را نگفتید؟ چرا نمی‌گویید؟ ایشان گفتند که ما روزش که برسد به جایش این مطلب را می‌گوییم.

---

۱. این مذاکرات ادامه مطلب قبلی نیست؛ گویا در جلسه دیگری عنوان شده است (ویراستار).

## ۱۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

دولت موقت گفته شد (وزارت خارجه آقای دکتر یزدی، وزارت نفت آقای معین‌فر) که آنها باید دفاع می‌کردند، ولی با این رویه‌ای که انتخاب کردیم، آنها نمی‌توانند دفاع کنند، مگر اینکه آن رویه را دوباره به هم بزنیم.

احمدی (معاون وزارت صنایع و معادن): برادر، آقای دکتر یزدی سؤال فرموده بودند که در متن قرارداد، مرجع رسیدگی به شکایات، محاکم ایرانی قلمداد شده است یا خیر؟ جواب این سؤال این است که در متن قرارداد، از ملیت اسمی برده نشده، فقط انتظار این هست که افرادی که این حکمیت را تقبل می‌کنند باید آشنایی به قوانین بین‌المللی داشته باشند. سؤال دوم این است: آیا باید حکمیت خارجی باشد یا ارجاع به حکمیت ایرانی هم قابل قبول است؟ ما در حقیقت پس از تماس‌هایی که با کمیسیون دعوای بانک مرکزی و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در فرانسه و سویس گرفتیم درصدد هستیم حتی الامکان از وکلایی که ایرانی هستند و معتقد به انقلاب هستند و معتقد به این هستند که از منافع این کشور دفاع بکنند، انتخاب بکنیم و خیلی هم خوشبین هستیم. ان‌شاءالله پس از اینکه اجازه بفرمایید و کیلی انتخاب بکنیم که از منافع ما دفاع بکند و ما حقمان را بتوانیم بگیریم. دو تاسؤال دیگر بود که مربوط به این قرارداد نمی‌شود. من جداگانه و کتباً جواب این سؤال را به سروران گرامی خواهم داد. خیلی متشکرم.

[گوینده مشخص نیست]: توجه به تأثیر عمیقی که فقدان این عزیزان در من گذاشته است و بخصوص فقدان چهره مبارز و مقاوم محمد منتظری هیچ‌گونه آمادگی برای صحبت نداشتم، اما با توجه به مطالبی که گفته شد این را یک نوع ظلم می‌دانستم اگر چند جمله‌ای پیرامون برادرمان جناب آقای موسوی صحبت نکنم. اولاً در رابطه با حرف‌های گفته شده از طرف آقای کاشانی و آقای آیت، جمله‌ای عرض بکنم و بعد برگردم به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب. آقای دکتر آیت طبق شیوه همیشگی، همه حرف‌هایشان را زدند و بعد هم گفتند مطالب زیاد است. هیچ مطالب زیاد نیست. شما مخالفین دو ساعت و نیم وقت دارید. خواهش مندییم هر چه دارید و ندارید و می‌توانید علیه برادرمان موسوی بگویید، بگویید (عده‌ای از نمایندگان: احسنت) که بعد نگوید مطالبی بود و به خاطر شهدا و به خاطر واقعه اخیر نگفتیم.

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۶۳

خیر، اگر مطلبی دارید شما را به خون همان شهدا قسم بیاوید بگوئید. ولی من مطمئنم که مطلبی باقی نگذاشتید؛ چون من خودم با آقایان تماس گرفتم. با عده زیادی که مخالف بودند، ولی دلیلی جز همین که روزی در روزنامه اسمی از کسی برده شده است، جز این مطلب دیگری ندارند و مطالب دیگری که در فلان وقت مقاله ما را چاپ نکردند، در فلان وقت چه نکردند. مطالبی و رای این مطالب وجود ندارد.

اما در رابطه با سیاست خارجی، بارها پیرامون اهمیت سیاست خارجی در این مجلس گفتگو شده است. من اگر فرصت داشتم در مسئله عدم کفایت سیاسی آقای بنی‌صدر صحبت بکنم، یکی از بزرگ‌ترین ادله من بر عدم کفایت سیاسی ایشان برای احراز پست ریاست جمهوری، معلق گذاشتن وزارت امور خارجه بود. وزارت امور خارجه‌ای که در مقایسه با کل کشور کمتر از نصف حجم مسائل سیاسی مملکت را از نظر کیفیت ندارد. سیاست خارجی و وزارت خارجه‌ای که می‌بایست تبلور عینی انقلاب اسلامی ایران باشد و مخصوصاً انقلاب اسلامی ایران که شعارهای مطرح شده از ناحیه انقلاب و شعارهایی را که امام مطرح می‌فرمایند و شعار مبارزه با آمریکا و شعار مرگ بر آمریکا و شعار دفاع بی‌دریغ از مستضعفین و بلکه بالاتر از شعار، قانون اساسی و ایستادن جمهوری اسلامی در کنار کلیه مسلمانان و محرومین جهان، این اهداف ترسیم شده در قانون اساسی (اهداف سیاسی خارجی) بزرگ‌ترین مسئولیت را در این جمهوری بر عهده وزیر امور خارجه می‌گذارد و این پست وزارت امور خارجه از ابتدای انقلاب دچار نابسامانی شدید بود. چه در دوران آقای دکتر سنجابی، چه در دوران آقای دکتر یزدی، چه در دوران آقای بنی‌صدر (دوران کوتاه کمتر از یک ماه آقای بنی‌صدر) و چه در دوران آقای قطب‌زاده و چه در دوران بلاتکلیفی و بی‌وزیری، وزارت امور خارجه، هرگز نقشی را که می‌بایست در سطح جهانی، در دفاع از مستضعفین، دفاع از جنبش‌های آزادی‌بخش، معرفی انقلاب اسلامی، معرفی امام امت، دفاع از امام امت، کلیه تعهداتی را که وزارت امور خارجه به عهده داشت، عمل نکرد. این صحبت را هم من در پراکنش بگویم: اشکال عمده‌ای را که الآن آقایان می‌کنند و این خطی را که آمدند در انقلاب مطرح می‌کنند، این به خاطر آن خطی بود که اول انقلاب می‌خواست مطرح بشود؛ یعنی انقلاب اسلامی ما هیچ ارتباطی به مصدق نداشت. یک

## ۱۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

انقلابی بود که مبدأ آن بعثت پیغمبر اکرم(ص) بود و شهدای کربلا و بدر و احد و حنین و بیابید تا حال و این را می‌خواستند ببرند و مبدأش را مصدق و نهضت ملی و ملی شدن صنعت نفت بگذارند. من یک نمونه بریتان بگویم که هم تأیید این گفتار اخیرم باشد، هم برای مسئله وزارت امور خارجه. اولین وزیر امور خارجه آقای سنجابی در دعوتی که از یاسر عرفات در وزارت خارجه کرده بود، یک نطقی ایراد کرد. در این نطق از اول تا آخر بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب و اوج عظمت امام در سراسر ایران، یک کلمه اسم امام را نیاورد و دو مرتبه از مصدق به‌عنوان بزرگ‌ترین رهبر شرق و منجی فلان و فلان یاد کرد که نطق‌هایش اینجا هست؛ اگر خواستید ببینید. یک کلمه اسم امام را نمی‌آورد. بعد وقتی آنها خواستند انقلابی را که اسلام این انقلاب را رهبری کرده است به پای کس دیگری بنویسند، آن طرف خط هم افراط آقای آیت و دوستان آقای آیت می‌شود و اگر اینها این مسئله را مطرح نکرده بودند، این خط و این انحراف هم پیدا نمی‌شد که اینها آن طرف خط بیفتند. در هر صورت، آقای دکتر سنجابی بسیار بی‌حال و بدون اینکه شناختی و تخصصی و تعهدی در زمینه مسائل سیاست خارجی داشته باشد، این بار را به دوشش گذاشتند. یادم است یکی از سفرای کشورهای اسلامی به من می‌گفت: من به آقای سنجابی گفتم: شما امروز با آن حجمی که انقلاب اسلامی ایران دارد قوی‌ترین وزیر خارجه در دنیا هستید؛ قوی‌تر از وزیر خارجه شوروی و قوی‌تر از وزیر خارجه آمریکا. اما وقتی به ایشان می‌گفتی آقا روابط ایران با مصر باید قطع بشود، این قدر جوان‌های انقلابی به ایشان مراجعه کردند و به وزارت خارجه و گفتند آقا روابط ایران و مصر به خاطر قرارداد خائنانه کمپ دیوید باید قطع بشود، ایشان مقاومت می‌کردند تا اینکه بالاخره بعد هم مقاومت شد، تا شخص امام دستور دادند که باید قطع بشود و بعد قطع شد. در زمان وزارت امور خارجه ایشان افرادی که دورش بودند: سعید سنجابی بود، مسعود امینی بود که پدرش اولین شهردار قدیم زمان دکتر مصدق و اولین استاندار فارس بود. مقاله‌ای مسعود امینی در یک نشریه‌ای که وزارت خارجه دارد می‌نویسد که از اول خیلی جالب است. چه کسانی وزارت امور خارجه ایران را در دست داشتند، از اول تا آخر این مقاله بسیار مفصل که الآن هم پیش من هست، یک کلمه اسم اسلام و اسم انقلاب اسلامی نمی‌آید

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۶۵

و آنها ترسیم کننده خط وزارت امور خارجه بودند. بعد که آقای سنجابی قبل از فرماندوم جمهوری اسلامی استعفا کرد و قبل از اعلام شدن او را قانع کردند و استعفایش را پس گرفت، بالاخره چون دید که نمی‌تواند با این جمهوری و با این دخالت‌های افراد غیرمسئول که به او می‌گویند روابط را قطع کن و چه کن، بالاخره ایشان در ۲۶ فروردین استعفا دادند و مسئولیت وزارت امور خارجه به‌عهده آقای دکتر یزدی افتاد.

رئیس: دیگر از اینجا چیزی نگویید که حق یک ربع ساعت درست کنید. مسئله‌ای که وجود دارد ... شما باید در دفاع از آقای موسوی صحبت کنید. تاریخچه هم نفرمایید.

محمدعلی هادی: من می‌گویم ایشان [موسوی] چون که شناخت دارند، برای استخدام افراد در وزارت امور خارجه، از اینها استفاده می‌کنند؛ بنابراین، با توجه به کفایت آقای موسوی در اداره «روزنامه جمهوری اسلامی»، آنچه را که شما دلیل قبح در روزنامه گرفتید، البته نه آن مسائلی که ذکر کردید ولی خود روزنامه، آن افرادی که روزنامه‌ای را اداره کردند، می‌دانند چه کار مشکلی است. بعد از انقلاب که «روزنامه آیندگان» به آن خط انحرافی که آن‌طور داشت می‌رفت، مقامات رسمی که در وزارت ارشاد بودند، رسماً از «روزنامه آیندگان» و بستن روزنامه‌ای که امام می‌فرمایند: «من این روزنامه را نمی‌خوانم» مقامات رسمی می‌گویند «که این روزنامه می‌تواند به کار خودش ادامه بدهد». در آن شرایط حساس پس از انقلاب، بیرون آوردن روزنامه و اداره کردن روزنامه با آن شرایط مادی و با آن جوی که به هیچ وجه همکاری از هیچ ناحیه‌ای نیست و این‌طور اداره کردن و خط روزنامه که از اول مدافع خط امام، مدافع انجمن‌های اسلامی، مدافع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مدافع انجمن‌های اسلامی خارج از کشور و افشاکننده همه خطوط انحرافی [بود]، اداره کردن این روزنامه، خود دلیل بر مدیر بودن است و خط روزنامه، دلیل بر صحت خط آن فردی است که این روزنامه را اداره می‌کند. به نظر من خود روزنامه، بهترین دلیل است. باز شما اجازه به من نمی‌دهید که من از وزارت امور خارجه صحبت بکنم، اما الآن وزارت امور خارجه‌ای که آقای موسوی می‌خواهند به آنجا بروند، نه کادر دارد، نه افراد دارد.

## ۱۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

وظیفه آقای موسوی در درجه اول تربیت کادر و پرورش کادر است و بالا بردن سطح (دکتر یزدی: آقای هاشمی، اجازه بدهید من دودقیقه صحبت کنم) و پرستیژ جمهوری اسلامی است. و شما در وزارت امور خارجه‌ای دارید می‌روید که به خاطر فعال نبودن همان وزارتخانه، ما قسمت عمده‌ای از جنگ را داریم. یک وزیر امور خارجه الگو و نمونه و معرف انقلاب باشید و همان‌طوری که آقای رجایی فرمودند تبلور انقلاب را بتوانید کاملاً در خارج منعکس بکنید و پس از شش ماه یا یک سال که گزارش کارتان را به مجلس می‌دهید، همه در لیاقت و کاردانی شما و صحت رای‌ی را که امروز می‌دهند، به آن ایقان و اعتقاد داشته باشند. والسلام علیکم ورحمة الله.

[گوینده مشخص نیست]: مرحوم شهید آیت و شهید بهشتی با مبارزات پیگیر خود و با اتکا بر نیروی ملت حزب الله، لیبرالیزم سیاسی را شکست دادند، اما لیبرالیزم اقتصادی با همه مبارزات آنان هنوز باقی مانده و فقهای متعهد و در خط امام را متهم می‌کند. امروز بعد از شکست لیبرالیزم سیاسی، امید آمریکا و سایر کشورهای سرمایه‌داری به جناح لیبرالیزم اقتصادی بسته شده است (رئیس دو دقیقه وقت دارید). بررسی قسمتی از اسناد لانه جاسوسی نشان می‌دهد که سرمایه‌داران و مقاطعه‌کاران و تجار بزرگ، یکی از پایگاه‌های مهم آمریکا بوده‌اند. آمریکا از طریق آنان، از دو طریق در کشور نفوذ می‌کرده است: یکی از طریق صنایع و تجارت وابسته و چاپیدن و استثمار اقتصاد کشور به وسیله ایدای آنان و دیگری استفاده جاسوسی و سیاسی از سرمایه‌داران و مقاطعه‌کاران و تجار بزرگ. در اسناد لانه جاسوسی اسامی عده‌ای از این‌گونه عناصر آمده است.

با پیروزی انقلاب، دادگاه‌های انقلاب، این سرمایه‌داران را به محاکمه کشید و ثروت‌های نامشروع آنان را مصادره کرد، اما در آن موقع دولت موقت که لیبرالیسم خط حاکم بر آن بود و عناصر خائنی چون نزیه و دکتر یزدی و عناصر وابسته دیگر را در پست‌های اقتصادی کلیدی کشور قرار داده بود، فریاد برآورد و خواستار انحلال دادگاه‌های انقلاب گردید و متأسفانه برخی از فقهای که به افکار لیبرالیسمی تمایل داشتند، با آنها هم‌نوا شدند، و خصوصاً در زمان بنی‌صدر، تبلیغات وسیعی به همین علت بر علیه دادگاه‌های انقلاب شد (دکتر یزدی: آقای هاشمی، نمی‌شود تحمل کرد که

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۶۷

ایشان هرچه دلشان می‌خواهد بگویند) که خوشبختانه با رهبری سازش‌ناپذیر امام، این توطئه‌ها خنثی گردید (همهمه و اعتراض عده‌ای از نمایندگان).

اولاً راجع به قرضشان ۱۶۴ هزار و ۳۶۰ روپیه، اولاً پولی نیست. به پول ما اگر ضرب کنید در شش و هشت دهم ریال می‌شود ۱۶۰ میلیون تومان. اما وام ما ۵۸۰ میلیون دلار است. ضرب کنید در هشت تومان و هفت ریال، ببینید سر به فلک می‌کشد.

مطبوعات در سال ۱۳۵۷ گزارش دادند **آقاشاهی**، مشاور رسمی پاکستان از شاه خائن آمده دیداری کرده و در تاریخ ۱۳۵۷/۶/۲۹ توافق کردند که این وام را به آنها مهلت بدهند. الآن عکس شاه لعنتی اینجاست و آقاشاهی لعنتی‌تر هم همین جا دست من است. بعد از انقلاب جناب آقای دکتر یزدی هم می‌آیند اولین بار شلیک خنده‌ها را سر می‌دهند و با همین آقای آقاشاهی شروع می‌کنند مذاکره می‌کنند. در مذاکراتشان که در اینجا در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۵۸ چاپ شده، اینجا آقای دکتر یزدی می‌فرمایند به آقای آقاشاهی که ما دو ملت در یک مسیر حرکت می‌کنیم و من بسیار خوش‌وقت هستم که در این جهت داریم حرکت می‌کنیم. و بعد توافق می‌کنند که بله این وام را نگیرند. اما اصل مسئله چیز دیگر است. صحبت ملت با ملت نیست. ما ملت مسلمانیم؛ ملت پاکستان هم مسلمان. واقعاً من آن‌طور که جمهوری اسلامی را فهمیدم و واقعاً جز این هم نیست جمهوری اسلامی می‌گوید ما یک لقمه نانی خدا به ما داده نعمت‌هایش را به ما داده، حاضریم با تمام کشورهای مسلمان دنیا در طبق اخلاص بگذاریم با هم بخوریم، اما به شرط اینکه اسلامی باشند و روش اسلامی داشته باشند. «به کافر یک لقمه نان دادن ستمکاری است بر همه گوسفندان». اما ریشه این، آن‌طور که آقای مخبر فرمودند، نیست.

در سال ۱۳۵۳ پروتکلی امضا می‌شود بین شاه لعنتی و پاکستان که بنا می‌شود دویست میلیون دلار ما سرمایه‌گذاری کنیم در پاکستان. ۴۹ درصد سهام نساجی آنجا متعلق به ما باشد، دو کارخانه نساجی داشته باشد: هر یک به ظرفیت پنج هزار دوک. یک کارخانه سیمان داشته باشد به ظرفیت سیصد هزار تن که سیمان مال ما باشد در پاکستان. این شرکت تأسیس می‌شود؛ ۴۸ میلیون دلار هم باز وام می‌دهند که

## ۱۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

بیایند این طرح را انجام بدهند؛ دوباره باز یک موافقتنامه دیگری می‌شود که می‌آیند باز هم چند کارخانه دیگری از جمله سه کارخانه نساجی باز یک کارخانه سیمان سیصد هزار تنی و ۵۱۶ هزار تن کود شیمیایی بنا می‌شود. طبق این سرمایه‌گذاری که ما آنجا...

ضیاء الحق در پنجم بهمن گذشته از فرانسه می‌آید میراژ تقاضا می‌کند؛ جنگنده‌های بمب‌افکن تقاضا می‌کند. میراژهای دوهزار، چقدر؟ من ننگ دارم تعدادش را بگویم. کشوری که اعلام می‌کند عربستان سعودی و امارات متحده آمریکا تعهد کرده کمبود تسلیحات نظامی ما را تأمین بکند هر چقدر که بخواهیم، آیا باز هم فقیر است که ما بیایم به این مهلت بدهیم؟ با آن جوسازی روزنامه‌ها که استمهال را برداشته‌اند، نوشته‌اند: استهلاک.

پاکستان متخصص‌های نظامی دارد. الآن در خود پاکستان پرورش پیدا می‌کنند. متخصص‌های نیروهای نظامی کشورهای مرتجع منطقه، هم از نظر هوایی، هم دریایی هم زمینی؛ مخصوصاً عربستان سعودی. در همین امسال باز این کشور فقیری است که ما می‌خواهیم به این مهلت بدهیم، در همین امسال شش فروند اف - ۶ گرفته، ۳۲ تا میراژ گرفته مجهز با موشک‌های جدید و الآن در مرز پاکستان دارد پایگاه هوایی می‌سازد. ما می‌خواهیم چه کار کنیم؟ ما داریم از تمام مستضعفین دنیا حمایت می‌کنیم؟ الآن بیایم مهلت بدهیم تا دوباره شروع کند پایگاه بسازد؛ بعد از آنجا میراژهای فرانسوی و آمریکایی و اسرائیلی بلند شوند به سر مردم بدبخت در منطقه یا خودشان؟ الآن که می‌بینید چقدر است در خود پاکستان (رئیس: وقتان تمام است). در هر حال الآن در پاکستان مقدمات استقرار تجهیزات نیروی واکنش سریع آمریکا دارد آنجا پیاده می‌شود و در حقیقت یک سنگری شده برای آمریکا در منطقه. اگر بنا است به این کشور شما وام بدهید که متأسفانه تصویب کرده کمیسیون اقتصاد و دارایی. تشکر می‌کنم از کمیسیون امور خارجه که متوجه مسائل هست که مسائل از کجا آب می‌خورد. امیدوارم نمایندگان محترم - با آن تعهد شرعی که دارند به دشمنان اسلام که دولت پاکستان باشد، دولت نظامی پاکستان که هفت سال حکومت نظامی را در آنجا پیاده کرده و الآن برای سرکوبی مسلمانان اقدام کرده؛ همین الآن که [شما اینجا]



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۶۹

نشسته‌اید - به چنین لایحه‌ای مهلت ندهند. ما طلبکاریم قدرتش را هم داریم بگیریم. تمام دنیا هم می‌داند ما قدرت را داریم. جوسازی‌هایی که (رئیس: وقتان تمام است) می‌کنند محول کنیم به دادگاه‌ها و آنجا چه مسائلی پیش می‌آید به ضرر ما تمام می‌شود ...

### چ- بررسی لایحه اصلاح بودجه سال ۱۳۵۹ و طرح اتهام علیه من

از جمله اولین لوایحی که در اواخر سال ۱۳۵۹ در دستور کار مجلس قرار گرفت، لایحه اصلاح برخی از مقررات بودجه سال ۱۳۵۹ بود. در نطق پیش از دستور این جلسه، آقای حسن روحانی، نماینده سمنان، سخنانی ایراد کرد و طی آن مطالب بی‌پایه‌ای درباره مذاکرات دولت موقت و وزارت خارجه آن دولت درباره قراردادهای نظامی ایران و آمریکا مطرح کرد که نشان می‌داد اطلاعی از صورت جلسات وزارت دفاع و شورای انقلاب ندارد و تنها سخنان پراکنده مخالفان دولت موقت را بازگو می‌کند؛ از این رو، من اعتراض کردم و از رئیس مجلس درخواست وقت پاسخگویی کردم. گزارش نطق‌های پیش از دستور آن روز مجلس را «روزنامه اطلاعات» بدین شرح نگاشته است.

### در جلسه علنی مجلس، لایحه اصلاح بعضی از مقررات قانون بودجه سال ۱۳۵۹ به تصویب مجلس رسید

در ادامه بررسی لایحه اصلاحی قانون بودجه سال ۱۳۵۹ کشور، مجلس شورای اسلامی صبح و بعد از ظهر دیروز به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل جلسه داد. در جلسات مذکور به دنبال نطق‌های قبل از دستور، بحث پیرامون لایحه مزبور ادامه یافت و به تصویب رسید.

سخنان نماینده سمنان: نخستین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی، [حجت‌الاسلام حسن] روحانی نماینده سمنان بود. وی ضمن اشاره به هفته جاری گفت: هفته پیروزی انقلاب درخشان اسلامی ایران به همه ملت ایران، امام امت، نمایندگان محترم، تبریک عرض می‌کنم.

## ۱۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

این هفته، هفته فوق‌العاده مهمی در تاریخ ایران و اسلام بود. بسیاری از ابرقدرت‌ها در این هفته بعد از پیروزی انقلاب در واقع معجزه بزرگ را مشاهده کردند. به این فکر افتادند که این واقعیت است: یک انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده، ولی ادامه‌اش بیشتر به طول نخواهد کشید.

ناطق، آنگاه به تاریخ انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد و گفت: در طول دو سال توطئه‌های زیادی را شاهد بودیم؛ چرا که انقلاب ما با دیگر انقلاب‌ها قابل مقابله نیست. آنان که امروز از نفوذ ما می‌نالند بدان دلیل است که از تاریخ انقلابات بی‌خبرند و یا تغافل می‌کنند.

روحانی سپس به تاریخ انقلاب اکتبر شوروی اشاره کرد و گفت: بعد از انقلاب اکتبر، روسیه چهار سال دچار جنگ داخلی بود و از نظر اقتصادی آنچنان وضع نابسامانی داشت که حتی لنین در برابر آمریکا تواضع کرد که اگر آمریکا کمک نکند ما سقوط می‌کنیم. ناطق آنگاه گفت: اگر ما این انقلاب را با سایر انقلاب‌ها مقایسه کنیم، می‌بینیم که مشکلات ما بسیار ناچیز بوده و به علاوه انقلاب ما عمیق‌تر بوده است.

روحانی گفت: اکنون که در آستانه دومین سالگرد انقلاب اسلامی قرار داریم، مسائلی به‌عنوان سؤال در جامعه مطرح است. اولین مسئله این است که ما بعد از پیروزی انقلاب شنیدیم بختیار دستگیر شده و بعد شنیدیم که او فرار کرده است. این مسئله ساده‌ای نیست. امروز در همه توطئه‌هایی که ترسیم می‌شود این خائن در آن نقش دارد؛ لذا این مسئله باید روشن شود که آیا بختیار دستگیر گردید یا نه. اگر دستگیر شد چگونه فرار کرد؟

وی سپس گفت: اسناد سری فراوانی از ارتش جمع‌آوری شده و به افراد بخصوص داده شده است. این اسناد سری کجا رفت؟ شخص گیرنده این اسناد مشخص است. حادثه‌ای به نام کردستان در هفته‌های اول پیروزی انقلاب آغاز می‌شود که هنوز هم ادامه دارد. آن روز مرحوم تیمسار قرنی نقشه‌هایی داشتند که مسئله کردستان حل می‌شد، ولی چه کسانی با آن مخالفت کردند؟ عده‌ای از سوی شورای انقلاب برای حل مشکل کردستان به آنجا رفتند، ولی هنوز کارشان مشخص نیست.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۷۱

حادثه بزرگی به نام گروگان‌گیری در تاریخ ما رخ داد و بت آمریکا شکسته شد و از بین رفت. با مسئله گروگان‌گیری یک عده از اول با این امر مخالفت کردند و عده‌ای هم با آن موافق بودند.

آمریکا سعی کرد در این بین مسئله پولی را مطرح کند، ولی من اعلام می‌کنم ما گروگان نگرفته بودیم که پول بگیریم. ما می‌خواستیم جلوی توطئه آمریکا را بگیریم که بدین وسیله توطئه آنها را خنثی کردیم. در مسئله گروگان‌گیری ما آنقدر مقاومت کردیم تا آمریکا خم و وادار به رکوع شد.

ناطق گفت: چه کسانی بودند که می‌خواستند «اف ۱۴»های ما را به آمریکا بفروشند؟ «اف ۱۴»هایی که امروز از آسمان ایران محافظت می‌کنند. اینها باید برای ما روشن شود. «ماجرای طبس» معمای پیچیده‌ای است. اگر مسئله طبس روشن می‌شد، به یقین کودتای نافرجامی در بین نبود.

وی سپس به مسئله شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و گفت: پلی از آرزوهای ملت ما این بود که آخرین اصل قانون اساسی به مرحله اجرا درآید و نمایندگان سه قوه، نظارت بر این سازمان را بر عهده بگیرند. در آستانه سومین سالگرد انقلاب اسلامی، این امر تحقق پیدا کرد. مشکلات فراوانی در داخل این دستگاه عظیم بود که ما به مسائلی پرداختیم که اگر توجه نمی‌شد این دستگاه می‌خوابید. در عین حال بعضی از خطوط و روزنامه‌ها در ابتدای امر، حملاتی علیه شورای سرپرستی شروع کرده‌اند. اینها خواسته‌اند القای پیش‌داوری کنند. این درس را همه خوانده‌اند. نه تنها آنها، روزنامه‌هایی که ادعای ضد سانسوری می‌کنند خبر ملاقات اعضای شورای سرپرستی صدا و سیما با امام را درج نکردند، ولی به خاطر توصیه‌هایی که امام به ما کرده است، حرفی نمی‌زنیم، ولی روزی آنها را پای میز مناظره خواهیم کشاند. اما این را بدانید که می‌خواهند قوای سه‌گانه را تضعیف کنند و کاری کنند که ما وادار به عکس‌العمل شویم و بعد بگویند دیدید که اینها بی‌طرف نیستند! ما بی‌طرف هستیم، ولی بی‌خط نیستیم.

دکتر یزدی: ایشان (روحانی) بپذیرند که در مناظره، مسئله «اف-۱۴»ها مطرح شود.

## ۱۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

بنا به گزارش خبرنگار ما، دکتر ابراهیم یزدی نماینده مردم تهران به دنبال اظهارات روحانی، بر اساس ماده دوم آیین‌نامه داخلی مجلس، خواستار ۱۵ دقیقه وقت جهت رفع ابهام شد. وی گفت: من باید یک ربع صحبت بکنم و یا لااقل ایشان بپذیرند که در مناظره، مسئله «اف ۱۴»ها مطرح شود. آقا چرا ایشان که مدارکزار<sup>۱</sup> هستند صورت‌جلسه‌های شورای انقلاب را نمی‌خوانند تا بعد قضاوت کنند.

سلامتیان: مطمئن باشید اینها اهل مناظره نیستند  
آنگاه سلامتیان<sup>۲</sup> در رابطه با اشاره روحانی به کشاندن به پای میز مناظره و همچنین تذکر دکتر یزدی مبنی بر کشانیدن مسئله «اف ۱۴»ها در مناظره، گفت: مطمئن باشید اینها اهل مناظره نیستند.

رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به دکتر یزدی گفت: آقای یزدی شما تقاضای وقت کردید؛ این تقاضا جای خود و در فرصت تنفس با هم صحبت می‌کنیم. در ادامه نیز دو تن از نمایندگان سخنرانی کردند و نکات درخوری گفتند که متن آن را در پیوست ۱۳ آورده‌ام تا گزارش جلسه علنی مجلس به لحاظ تاریخی کامل شود.

### ح- تصویب طرح قانونی احزاب

طرح قانونی احزاب تصویب شد- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۴۷۳، بیستم تیر ۱۳۶۰  
پس از روزها بحث و بررسی در مجلس شورای اسلامی، طرح قانونی احزاب تصویب شد. در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس شورای اسلامی، طرح قانونی احزاب از تصویب مجلس گذشت و برای اعلام نظر به شورای نگهبان ارجاع شد.

در این جلسه که به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی ساعت ۸:۳۰ صبح روز پنجشنبه هجدهم تیرماه تشکیل شد، آقایان دکتر ابراهیم یزدی، احمد ملازاده و شیخ صادق خلخالی، نمایندگان تهران، گناباد و قم به‌عنوان ناطقین قبل از دستور سخن گفتند. رئیس مجلس پس از سخنان ناطقین قبل از دستور و تذکرات نماینده بیجار به دولت در مورد گازرسانی و تذکر دکتر روحانی نماینده مجلس در

۱. مدارکزار، مانند گلزار و چمنزار؛ کنایه از اینکه او به اسناد و مدارک دسترسی فراوان دارد (ویراستار).

۲. احمد سلامتیان، نماینده اصفهان در دور اول مجلس.

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۷۳

صدا و سیمای جمهوری اسلامی به دکتر یزدی، از رزمندگان اسلام در جبهه نوسود که این شهر را از دست عمال کفر آزاد ساختند تشکر و تقدیر نمود.

مجلس در این مرحله، اعتبارنامه سید هادی حسینی خامنه‌ای نماینده فریمان را تصویب کرد. سپس مجلس وارد دستور شد و بحث پیرامون طرح قانونی احزاب را ادامه داد و مواد باقی‌مانده را با کلیت مصوبه به تصویب رساند. بدین ترتیب طرح قانونی احزاب از تصویب مجلس گذشت و حدود و نحوه فعالیت احزاب از نظر قانونی معلوم شد.

مجلس پس از تصویب طرح احزاب و ارجاع آن به شورای نگهبان جهت اظهار نظر، تنفس داد. پس از تنفس، یک لایحه از دولت پیرامون بخشودگی بدهکاری کشاورزان در مورد اصلاحات ارضی به مجلس داده شد. سپس با گزارش مخبر کمیسیون بودجه در مجلس شورای اسلامی، بحث پیرامون لایحه بودجه ۱۳۶۰ آغاز شد. ادامه بحث به جلسه آینده موکول شد.

### سخن گفتن برای ما مشکل است

نخستین سخنران قبل از دستور آقای دکتر ابراهیم یزدی، نماینده تهران بود. وی اظهار داشت: تصمیم بر صحبت کردن نداشتم؛ چرا که در شرایط کنونی سخن گفتن برای ما خیلی مشکل شده است. مطالب گفته شده یا نوشته شده ما را تحریف می‌کنند. سخنان گفته نشده‌ای را به ما نسبت می‌دهند؛ آن چه نسبت‌های ناروایی، بدون آنکه امکان دفاع از حیثیت و شرف انسانی و اسلامی خود داشته باشیم. در چنین شرایطی جز صبر و سکوت و تفویض امر به قادر منان چه تکلیفی بر عهده ما می‌تواند باشد؟ اما اکنون که فرصتی به دست آمده است در مقام دفاع از خود و دوستان و رفع برخی شبهات و اتهاماتی که بر ما وارد می‌شود که در این هفته گذشته بخصوص به‌طور بی‌سابقه‌ای وسعت یافته است، چند نکته‌ای را به عرض نمایندگان محترم مردم و امت شهیدپرور و قهرمان ایران برسانم.

۱- ما توطئه خائنانه انفجار غیرانسانی و ضداسلامی هفتم تیرماه را که منجر به از دست رفتن جمع کثیری از شخصیت‌های برجسته مملکتی و یاران وفادار امام شده

## ۱۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

است را شدیداً محکوم کرده و می‌کنیم. در همین رابطه این‌جانب در هشتم تیرماه تلگرافی به محضر امام و حضور آیت‌الله منتظری فرستادم. همچنین آقای بازرگان نیز در تلگرافی به حضور امام امت این اتفاق را فاجعه‌ای هولناک خواندند و مراتب تسلیت را بیان داشتند.

«نهضت آزادی ایران» هم این انفجار را یکی از مهم‌ترین مظاهر خشونت تلقی نموده و آن را شدیداً محکوم نمود، لکن متأسفانه این مراتب در هیچ کجا منعکس نشد؛ برعکس مطالبی از صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و حتی به زبان سخنگوی دولت وارد شد؛ مطالبی مطرح شده که به هیچ وجه درست نبود.

۲- برادر عزیز من آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه فرمودند که در اواخر سال ۱۳۵۰ که به خارج سفر کرده بودند، در پاریس مدت سه ماه صرف رفع اختلافاتی میان اشخاص نمودند؛ از جمله اسمی هم از این‌جانب بردند و فرمودند با پرداخت پول‌هایی توانستند تا حدودی اختلاف را تقلیل دهند. باید به عرض شما و ملت ایران برسانم که این‌جانب در آن مدت در پاریس نبودم و در جلسات مورد نظر ایشان شرکت نداشتم و هرگز جناب آقای هاشمی پولی به این‌جانب نپرداخته‌اند. این‌جانب نه از اصل پرداخت‌های ایشان به اشخاص و نه از مقدار آن اطلاعی نداشته‌ام. جناب آقای هاشمی به آمریکا تشریف آوردند. در مورد اختلافات مورد بحث با این‌جانب هم صحبت کردند در حضور کسانی که آن روزها سخت طرفدار آقای بنی‌صدر بودند و به همین دلیل هم با ما مخالفت می‌کردند.

ای کاش جناب ایشان توضیح می‌دادند که اختلافات ما بر سر مسائل شخصی نبود، بلکه اختلاف بر سر بینش‌ها و منش‌ها بود. آن کسانی که آن روزها سخت طرفداری می‌کردند و به همین دلیل با ما مخالف بودند، این روزها ما را به اتهام واهی ائتلاف با این یا آن شخص می‌کوبند. ای کاش آن برادران عزیزی که مدام اختلاف ما را با اشخاص، شخصی و خصوصی و گروهی تلقی می‌کردند، به توضیحات ما بیشتر دقت می‌کردند. چه بسا ملت ما مجبور نبود امروز چنین بهای سنگینی را بپردازد. در تذکر خصوصی به جناب آقای هاشمی، ظاهراً مطلب روشن شد و معلوم شد که جناب

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۷۵

ایشان هرگز وجهی به این جانب نپرداخته‌اند و آنچه را که ایشان خصوصی فرمودند ربطی به این جانب نداشته است.

۳- اما جناب آقای هادی چند نکته شبهه‌انگیز در بیانات خودشان فرمودند که باید پاسخ گفته شود. اگرچه این برای اولین بار نیست که من مجبور می‌شوم به این مسایل پاسخ بدهم. اولاً جناب ایشان برای اثبات صلاحیت وزیر معرفی شده، لزومی نداشت که اصرار داشته باشند که دیگران را ملکوک نمایند؛ می‌توانستند مستقیماً از جناب آقای مهندس موسوی دفاع نمایند. ثانیاً در مورد مطلب عنوان‌شده اول در مورد هواپیماهای اف - ۱۴ همان‌طوری که من بارها به عرض ملت ایران رسانده‌ام، تصمیم در مورد هواپیماهای اف - ۱۴ با شورای انقلاب بوده است. هواپیماهای اف - ۱۴ چیزی نبود که در کیف یا جیب وزیر امور خارجه جا بگیرد و محرمانه بخواهد به آمریکایی‌ها بفروشد. به دلیل تصمیم شورای انقلاب در آن شرایط خاص این بود که گزارش مفصلی به شورا داده شده بود. در مورد تعداد و مشخصات این هواپیماها و اینکه حدود پنج هزار میلیون دلار خرج این هواپیماها شده است و نگهداری اینها سالی ۵۰۰ میلیون دلار هزینه برمی‌دارد؛ به اضافه لوازم یدکی و مشکلات و آموزش‌ها خصوصاً با توجه به این مطلب که در دنیا فقط دو کشور هست که این هواپیماها را دارد: نیروی دریایی آمریکا و نیروی هوایی ایران و لاغیر. با توجه به این گزارش مفصلی که در اینجا فرصت بحث و بررسی آن نیست، شورای انقلاب خواسته بود که ما [در باره فروش این هواپیماها از آمریکایی‌ها] سؤال بکنیم و این مطلب به همین ترتیب با کاردار مربوطه [سفارت آمریکا در ایران] صحبت شد. چون [کاردار] شرایطی را عنوان کرد که برای ما قابل قبول نبود، مسئله منتفی شد. در یکی از سخنرانی‌هایی که در مسجد الجواد داشتم، وقتی یکی از حضار سؤالی کرد و توضیح دادم - خوشبختانه برادر عزیزم آقای دکتر شیبانی آنجا بودند، چون منشی جلسات شورا بودند - از ایشان استمداد طلبیدم. ایشان عیناً مطلب را بیان فرمودند. در مطالبی نظیر اینکه روزنامه جمهوری اسلامی عنوان کرده بود توضیحات مفصل دادم و تعجب می‌کنم که برادر عزیزم آقای هادی می‌بایستی دقیق‌تر از این عمل می‌فرمودند. ظاهراً همان‌طوری که مثل معروف می‌گوید «نصف حقیقت بدتر از جعل است»، در اینجا صادق هست.

## ۱۷۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

ایشان فقط نیمی از حقیقت را شنیده بودند و لاغیر. امیدوارم این توضیحات روشن‌کننده باشد که در این میان، وزیر امور خارجه وقت، هیچ نقشی در فروش اینها [هواپیماهای اف - ۱۴] لوازم نظامی یا وزیر امور خارجه نیست. اما در مورد روابط ما با فلسطین و سازمان‌های آزادی‌بخش، مطالبی فرمودند. متأسفانه من فرصت نداشتم که نامه‌هایی را که از جانب سازمان آزادی‌بخش فلسطین برادر یاسر عرفات به امام نوشته شد و در همان زمان به من نوشته شد، به‌عنوان وزیر امور خارجه و تشکر از سیاستی که ما اتخاذ کرده بودیم و کمک‌هایی که شده بود، بیاورم و در اینجا بخوانم. همین‌طور نامه مشابهی از سازمان آزادی‌بخش اریتره و جنبش آزادی‌بخش پولیساریو در مورد سیاست‌هایی که ما اعمال کرده بودیم و کمک‌های ذی‌قیمتی که به اینها در محافل بین‌المللی، چه در کوبا و چه در سازمان ملل، انجام شده بود. در مورد کنفرانس ملل غیرمتعهد و اینکه ایشان فرمودند موضع ما بسیار انفعالی بوده است و به همین دلیل هم تشکیل هفتمین گردهمایی سران کشورهای غیرمتعهد در دوره بعد در بغداد خواهد بود. من تعجب می‌کنم از این برادر عزیزم که سوابقی در مطالعات سیاسی بخصوص روابط بین‌المللی دارند، چنین حرفی را بزنند. سابقه عضویت ایران در ملل غیرمتعهد به بعد از انقلاب برمی‌گردد. زمانی که در خردادماه<sup>۱</sup> من مسئولیت وزارت امور خارجه را پذیرفتم اولین اقدامات برای عضویت در گروه ملل غیرمتعهد صورت گرفت. نماینده ایران در کنفرانس وزرای امور خارجه ملل غیرمتعهد در سریلانکا شرکت کرد و به‌طور مقدماتی عضویت ایران در این گروه قبول شد، اما عضویت نهایی موکول به برگزاری ششمین کنفرانس سران کشورها در «هاوانا» شد. تنها در کنفرانس «هاوانا» بود که عضویت ایران در جلسه عمومی گردهمایی مطرح و به تصویب نهایی رسید و تا قبل از آن ایران به عنوان ناظر دعوت شده بود.

اما عراق از سال ۱۹۶۰ حداقل قریب ۲۰ سال است که عضو ملل غیرمتعهد است در تمام کنفرانس‌های سران قبلاً شرکت داشته است. تصمیم بر اینکه هفتمین کنفرانس

---

۱. دکتر یزدی از دوم اردیبهشت ۱۳۵۹ سرپرستی وزارت خارجه را بر عهده گرفت و در خرداد رسماً به عنوان وزیر امور خارجه معرفی شد؛ از این رو، در اینجا می‌گوید: «زمانی که در خردادماه من مسئولیت وزارت امور خارجه را پذیرفتم».



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۷۷

سران در بغداد تشکیل بشود، قبل از عضویت ایران در این کنفرانس اتخاذ شده بود. من نفهمیدم چنان تصمیم چه ارتباطی به موضع فعال یا غیرفعال ایران در این کنفرانس داشته است! اما به اعتقاد من و تمام کسانی که از نزدیک ناظر بر فعالیت‌های هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس «هاوانا» بودند هیئت ما از فعال‌ترین هیئت‌های شرکت کننده بود. من فرصت دادن گزارش کامل را ندارم و متأسفم ما در شرایطی کار می‌کردیم که حتی گزارش کامل شرکت هیئت نمایندگی ایران در این کنفرانس منتشر نشد. چندین هزار جلد کتاب ترجمه بیانیه‌ها و خطبه‌های متعدد امام، ترجمه انگلیسی نهج‌البلاغه و ترجمه کتاب‌های دیگری در رابطه با ایران در آنجا توزیع شد. بیش از سی و چند مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران جهان که بیش از ۱۲۰۰ خبرنگار و هیئت‌های رسانه‌های گروهی آمده بودند، صورت گرفت و بالاخره موضع ما در مورد مصر و مراکش و به‌طور واضح، ایستادگی برای اخراج آنها از جنبشی مثل غیرمتعهد بود. معذک با تمام اینها در مقایسه با هر هیئتی که به خارج از ایران سفر کرده است، ما آماده هستیم که نتایج کار خودمان را به تحقیق بگذاریم. جمع کل مخارج هیئت اعزامی جمهوری اسلامی ایران به ششمین کنفرانس ملل غیرمتعهد در کوبا، ۶۷۰۰ دلار شده بود که در مقایسه با هر هیئتی قابل بررسی و مطالعه می‌باشد.

از ما پرسیده شده است که چرا ما نامزدی برای ریاست جمهوری و با نامزدهایی برای انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی معرفی نکرده‌ایم؟ در پاسخ به این سؤال، نهضت آزادی اعلامیه‌ای داده است که من قرائت می‌کنم. نهضت آزادی ایران با توجه به شرایط جاری و جنگی کشور و محرومیت از تبلیغات آزاد قانونی، تعیین نامزد برای ریاست جمهوری و نمایندگان میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی نکرده‌ایم. توضیح آنکه نهضت آزادی با علاقه به مشارکت جدی در انتخابات، طی نامه‌ای در تاریخ ۴ تیر ۱۳۶۰ از وزارت کشور درخواست کرده بود که با رفع توقیف‌های غیرقانونی و رفع محرومیت از مطبوعات و انتشارات و جلوگیری از ممانعت‌ها و خطراتی که برای اجتماع وجود دارد، شرایط مناسب را تأمین نماید؛ خصوصاً که همه برادران و خواهران توجه دارند در این مورد زمینه‌های تبلیغاتی مساعد وجود ندارد.

## ۱۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

همین چند روز پیش ما ناظر بودیم به اینکه از صدا و سیمای جمهوری مطلبی پخش شد که به هیچ وجه درست نبود. آقای رادینا که از مبارزین قدیمی هستند، عضو نهضت آزادی نیستند و روشن است که نهضت مسئولیتی در قبال فعالیت‌های ایشان ندارد. حتی [کمترین انتظار] آن بود که مسئولین امر قبل از آن، حداقل در این مورد از نهضت سؤالی می‌فرمودند.

مطلب پنجم در رابطه با شهادت پرافتخار سردار مجاهد اسلام، دکتر مصطفی چمران است که من این شهادت را به حضور امام و امت و تمامی رزمندگان جبهه‌های حق و باطل چه در خوزستان، چه در جنوب لبنان، تبریک و تسلیت می‌گویم. از دست دادن این یار قدیمی برای من بسیار ناگوار است. آشنایی و همکاری و همگامی و هم‌سنگری من با شهید دکتر چمران از زمانی شروع شد که او محصل سال آخر دبیرستان البرز بود. در تمام دوران مبارزات ضد استعماری ملی شدن نفت و سپس بعد از کودتای خائنه ۲۸ مرداد، در مبارزات نهضت مقاومت ملی در جریان تظاهرات چهاردهم تا شانزدهم آذر ۱۳۳۲ هنگام ورود نیکسون خائن به تهران و برقراری روابط ایران و انگلیس که منجر به شهادت سه دانشجوی دانشکده فنی شد و سپس در خارج از کشور از سال ۱۳۴۰ در اعتصابات و در تظاهرات ضد رژیم در درگیری با پلیس فاشیست آمریکا در برنامه‌های الجزایر و سپس مصر و سپس دوران تدارک آموزش جنگ‌های چریکی و سازماندهی مبارزات مخفی در سازماندهی شیعیان لبنان، همراه با برادر بزرگوارمان امام موسی صدر - که هر کجا هست خداوند مشمول عنایات خودش بفرماید و دشمنان او را نابود سازد - در همکاری با مقاومت فلسطین در درگیری‌های مسلحانه با نیروی اشغالگر صهیونیستی، در آموزش جوانان ایرانی برای ادامه مبارزات مسلحانه علیه نظام شاهنشاهی در ایران، در همه جا در طی طول سی سال گذشته تا آخرین روزهای شهادتش با هم بودیم. چقدر دردناک است و چه فاجعه‌ای برای این انقلاب که تا روز قبل از شهادتش از چپ و راست مورد بدترین و زشت‌ترین اتهامات قرار گرفته بود. او را جاسوس خواندند؛ او را قاتل «تَلّ زعتر» خواندند؛ علیه او کتاب فاجعه لبنان را نوشتند؛ او را قاتل کردستان نامیدند؛ او را عامل مسلح کردن فئودال‌های کردستان معرفی کردند و چه نسبت‌هایی که به او ندادند تا روز قبل از شهادتش. در

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۷۹

بیانیه‌هایی که علیه او و دوستانش منتشر می‌شد، او را به عنوان عامل آمریکا - که باید محاکمه شود - معرفی کردند. حتی در جلوی دانشگاه تهران لوحه‌ای آویزان کردند و نام وی را هم جزء کسانی یادداشت کرده بودند که باید محاکمه شود. حتی چنین بیانیه‌ای در جلوی مجلس و در ناهارخوری مجلس هم منتشر شده؛ البته روز بعد از شهادتش رفتند و با قلم ماژیک، روی اسم او را خط کشیدند. به راستی که چمران چه سعادت‌مندانه به حقیقت پیوست. از خدا می‌طلبم و دعا می‌کنم که به حق این ایام ماه مبارک رمضان هرچه زودتر وسیله الحاق مرا به یار دیرینه‌ام فراهم سازد. از خدا می‌طلبم که به ما توفیق دهد که رفتارهایمان را قبل از آنی که خیلی دیر شده باشد، اصلاح کنیم و به جای چنگ زدن بر یکدیگر، به دشمن اصلی و واقعی و داخلی و خارجی اسلام و انقلاب و ملت پردازیم.

### پاسخ رئیس مجلس به یزدی

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در ارتباط با سخنان آقای دکتر یزدی اظهار داشتند: تا آمدن سخنان بعدی، یک تذکری در مورد اظهارات جناب آقای یزدی بدهم. آقایان یادشان هست که تعبیر من در خطبه نماز جمعه این بود که من با قدرت پولی برای حل مشکل رفتم و هیچ اظهاری نبود که پولی به کسی دادم. قضیه هم به این شکل بود که در ایران برای اینکه تنفس سیاسی مشکل بوده، بنا شد که مبارزات خارج را تقویت کنیم. شرکتی در ایران با سرمایه یکی از افرادی که الآن فوت کرده و هستی‌اش را وقف کرده بود، تشکیل شد و من مسئول شدم که بروم آنجا و نظامی بدهم و دوستانی را که در خارج مبارزه می‌کنند، متحد کنیم. اختلافات را رفع کنیم و این پول را هم در خارج متمرکز کنیم برای ادامه مبارزه. آن شخص هم آقای تولیت بود و آن شرکت هم هنوز مانده که البته شرایطی دارد که مورد بررسی است. بعد هم من آنجا این ترتیب را دادم و به آقای دکتر یزدی و دیگران به هیچ وجه پول شخصی داده نشد. یک مبلغی آنجا به حسابی ریخته شد که مخارج مبارزه، روزنامه، اعلامیه مسافرت و وکیل گرفتن و چیزهای دیگر و بعد از من هم آقای صدر حاج سیدجوادی بودند؛ زیرا من که برگشتم، مرا گرفتند و بازداشت کردند و دوستان دیگر این راه را ادامه دادند. یک پای جریان در

## ۱۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

لبنان بود و یک پا در اروپا بود، یک پا [هم] در آمریکا بود و اینکه ایشان فرمودند، در جریان اختلافات نبودند. البته من خودم رفتم آمریکا با ایشان صحبت کردم و ایشان تشریف آوردند اروپا و من هم یک روز بعد از لبنان برگشتم اروپا. در پاریس در منزل آقای بنی صدر شاید ناهار را در آنجا با هم بودیم یا جای دیگر، یک جلسه طولانی داشتیم و مسائل را بحث کردیم. یک کیفیتی هم انتخاب شد از کسانی که حالا در این مجلس هستند. آقای دکتر حبیبی هستند که می‌داند من رفتم آنجا و برای این منظور تلاش کردم. آقای صدر حاج سیدجوادی هستند که اینجا بودند و جزو برنامه‌مان بودند و هیچ‌یک از آقایانی را که اسم بردم متهم نمی‌شوند که کوچک‌ترین پولی از شخص من یا دیگری گرفته‌اند. برای شخص خودشان و آقای دکتر یزدی و دیگران زندگی‌شان اداره می‌شد و آنچه مطرح بود، مبارزه بود. منتها اختلافات مانع انسجام بود. این وسیله برای ایجاد اتحاد به کار رفت و کمی موفق بود و بعد از آن را من دیگر در جریان نبودم.

### چرا بمب‌گذاری و ترور می‌کنند؟

دومین سخنران پیش از دستور آقای احمد ملازاده، نماینده مردم گناباد [بود که] پیش از آغاز سخن، خطاب به آقای دکتر یزدی اظهار داشت: آیا می‌توانم از آقای یزدی سؤال کنم درحالی‌که شما همه حرف‌هایتان را به این روانی و در محیطی چنین آرام از تریبونی که مستقیماً صدای شما را به مردم ایران می‌رساند، می‌زنید دیگر آن اتهاماتی که نمی‌گذارند حرف‌هایمان را بزنیم، چه معنایی دارد؟ دیگر عصر نهضت آزادی به سر آمده است و کارتان را کردید و نشان دادید که چه‌کاره هستید. قضاوت را در این مورد به مردم هوشیار مسلمان پیرو خط امام واگذار می‌کنم.

ناطق سپس چنین آغاز سخن کرد: چرا گروه‌ها بمب‌گذاری [می‌کنند] و یا کسانی را که به نحوی می‌توانند برای استقلال این کشور مفید باشند، ترور می‌کنند؟ به این مطلب باید توجه داشت. زمانی که مسئولین مملکتی در رابطه مستقیم با مردم باشند و در میان آنها، از نظر روحی و عاطفی روی توده‌های محروم تأثیر می‌گذارند و آنها را از خودشان جدا نمی‌دانند و بیشتر به درد و مشکلات مردم آشنا می‌شوند. دلایلی که معمولاً به ذهن می‌آید با توجه به شناختی که از آنها داریم این است.

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۸۱

۱- جدا کردن مسئولین مملکتی از مردم: در نتیجه مقامات باید حصار تنگی به وسیله نیروهای امنیتی به گرد خود بکشند.

۲- سپاه پاسداران و کمیته‌ها و شهربانی را در سطح کشور مشغول کردند تا مسئله جنگ با نوکر استکبار جهانی، صدام حسین، به فراموشی سپرده شود و ذهن مردم به خودشان و به داخل برگردد.

۳- موازنه قوا را - با شهید کردن ده‌ها شخصیت مکتبی، سیاسی چون آیت‌الله بهشتی مظلوم - به نفع یکی از دو ابر قدرت برهم زدن و با توجه به این سخن، محافل امپریالیستی و رادیوهای بیگانه که آیت‌الله بهشتی گلوی ایران است، می‌توان گفت در عین ساده نگاه کردن به قضیه، بمب‌گذاری بدون اطلاع ابرقدرت‌ها نبوده است؛ چون آنها از تأثیر شخصیتی چون آیت‌الله بهشتی و دیگران بر سیاست موازنه منفی «نه شرقی نه غربی» آگاه بوده‌اند و نوک تیز حمله آنها همیشه نیروهای مکتبی مستقل بوده است.

با توجه به دلایل ذکرشده، آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند، صحبتی است که امروز بر زبان سیاستمداران کهنه‌کار روشنفکر جاری است که در عین حال می‌توان گفت زبان حال خود گروه‌های منافق هست. گویندگانش می‌توانند دیگران هم باشند و آن این است: خشونت، خشونت می‌آورد؛ پس باید با آنها وارد مذاکره شد و امتیاز داد. ممکن است ظاهر قضیه این باشد، ولی تمام حقیقت این نیست. چنانچه خشونت به‌خاطر نفس خشونت باشد، حرفتان درست است، اما چنانچه آقایان نظام جمهوری اسلامی [را] پذیرفته باشند، این را توجه دارند که امروز با گذشته دقیقاً فرق دارد و لابد می‌دانند اعمال قدرت ما به خاطر اهداف مقدسی است که برای آن انقلاب کرده‌ایم و تاکنون یکصد هزار شهید داده و بیش از آن معلول داریم و الآن هم حاضریم تمام زندگی خویش را در این راه مقدس فدا کنیم.

ما به خاطر نفس حکومت نمی‌جنگیم و نمی‌کشیم، که مبارزه را تکلیفی الهی و وظیفه می‌دانیم. ما به خاطر تحقق عدالت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی توده‌های محروم جهان پیکار می‌کنیم تا جلوی هرگونه زبونی و پستی را بگیریم و در عین اجرای حدود شرعی، از وظیفه عدالت و تقوا خارج نشویم و متوجه باشیم با همه سختی‌ها که سر

## ۱۸۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

راه عدالت هست، باید آن را با کمال قدرت اجرا کنیم و تحت تأثیر شرایط داخلی و خارجی قرار نگیریم.

پس به این موضوع باید توجه داشت که خشونت گروه‌ها با ما فرق می‌کند. اصولاً آنها که گروهی را می‌شناسند، می‌دانند که تمام آنها که به نحوی متأثر از فرهنگ مارکسیستی هستند، بیشتر به کانون قدرت و قدرت شدن توجه دارند، نه حق و مشروعیت و اگر دریابند قدرت کجا است به آنجا روی می‌آورند.

با تجربه‌ای که در طول سال‌ها از اینها به دست آمده است، این مطلب به روشنی به چشم می‌آید که به‌خاطر قدرت جنگیدن و محور شدن و اگر نشد، سازش و تسلیم. این را برادرانی که زندان بوده‌اند از اینها به یاد می‌آورند که اگر در سال‌های ۱۳۵۳ به بعد روحانیت مسئول در زندان نبود، همین مسلمان‌هایشان جرئت نماز خواندن نداشتند و این سد نماز جماعت خواندن را روحانیت مظلوم شکست و ترس‌ها را از بین برد. اینها بدانند که پیشکسوتان مارکسیست بالاخره با شاه ساختند و با ساواک همکاری کردند.

این را باید گفت که تمام سازمان‌های مبارزاتی - چنان که به نحوی از فرهنگ مارکسیسم تأثیر پذیرفته‌اند - وقتی زورشان نرسیده است، آرام‌آرام به سیاسی‌کاری و این بازی‌ها افتاده‌اند.

اگر کشوری بوده‌اند در دام ابرقدرتی غلتیده‌اند که نمونه‌اش با شرایط فعلی نیاز به گفتن نیست که زیاد است و از نهضت‌های آزادی‌اش نمونه زیادی هست؛ احتیاج به ذکر دلیل ندارد.

ای انقلابیون بدلی، مگر توجه ندارید که مردم آزادی‌خواه ایرلند شمالی و ارتش آزادی‌بخش آن از الگوی انقلاب ایران که همان شهادت است استفاده می‌کنند. نمونه‌اش بابی ساندرز و دیگر قهرمانان ستم‌کشیده ایرلند شمالی [هستند] که توجه توده‌های محروم و مستضعف را به شکل مبارزه جدید جلب کرده‌اند و دارند کوس رسوایی حقوق بشر روباه پیر به اصطلاح بریتانیای کبیر را سر می‌دهند و اثبات می‌کنند معیار حق و باطل در جهان امروز، امامت تشیع و شهادت در آن است، نه آنکه اربابان کلیسا در خدمت قدرتمندان قرار داده‌اند و هر روز مسیح را مصلوب می‌کنند. مگر اینها

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۸۳

کور هستند که به گفته قرآن چنین اند. نمی بینند، کورند، چشم ندارند ... اینها نظام جمهوری اسلامی را با شاهنشاهی اشتباه گرفته اند.

مگر یادشان رفته است که برای مرحوم دکتر علی شریعتی و شهید مصطفی خمینی مجلس یادبود نگرفتند و آنها را قبول نداشتند. چرا امروز با این همه قلمبه گویی های دروغین و این همه لغت پراکنی های تکراری، همه روزه دروغ های بنی صدری و هیتلری و حرف ها را کوچک و بزرگ کردن و سازمان را خدا کردن که تنها ما مسلمانیم!

مگر یادتان رفته است در زندان قصر در عید نوروز ۱۳۵۷ چهلم شهدای تبریز بعد از ده ها ساعت بحث سیاسی، بالاخره بر سر یک سفره با اتحاد نشستید و بر روی خون شهیدان خلق رقصیدید و ترانه خواندید. بعد که فهمیدید رسوایی به بار آمده، شکل قضیه را عوض و اعتصاب کردید و ده ها مسئله دیگر که مثنوی هفتاد من کاغذ شود. چرا دختران و پسران معصوم را به خیابان ها می کشانید. عاقبت رسوا خواهید شد. شما خیلی احمق هستید اگر خیال می کنید می توانید کانون قدرت شوید. آیا مردمی که امام امتی چنین دیده اند که خواب را از سر ابرقدرت ها ربوده است، می آیند و اسیر دست شما می شوند که امروز آلت دست آمریکا هستید و طرفدارانتان را فرزندان مرفه بالای شهر تشکیل می دهند و حزب الهی های محروم از شما بیزارند؟

ما باید به هوش باشیم که اینها دارند ما را تجربه می کنند که تا چه اندازه به آنها امتیاز می دهیم. فقط دنبال امتیاز می گردند و اهل مبارزه مردانه نیستند؛ چون سیاسی کارند. اگر شما یان ده ها عمل کثیف هم در آینده انجام دهید، شکست خودتان را نزدیک تر می کنید. شهیدان ما امروز مرز حق و باطلند و پایه های عدالت جهانی بر خون اینها بنا خواهد شد.

شما باید بدانید این توده های قهرمان و انقلابی، دیگر به شما و اربابانتان اجازه میدان عمل نخواهند داد و با کمال قدرت شما را همچون خس و خاشاک از سر راه برخواهند داشت و به حول و قوه الهی پوزه استکبار جهانی را به خاک خواهند مالید. با غرور و این گونه تلاش مذبحانه، مرگ خودتان را نزدیک می کنید. امروز همه چیز شما زیر سؤال قرار دارد و دیگر نمی توانید مظلوم نمایی کنید. ملت ما مشروعیت و حقانیت الهی خود را یافته است و فریب نخواهد خورد.

**نضهت آزادی کلی‌گویی می‌کند**

آقای صادق خلخالی سومین ناطق پیش از دستور اظهار داشت: این مسئله را عرض کنم: وقتی که روباه پیر می‌شود دست از فعالیت برمی‌دارد و به شهر و ده نمی‌رود؛ چون می‌داند که در ده، شیر طرفدار زیادی ندارد. نهضت آزادی، بیانیه‌ای داده که موضع خویش را در مورد حادثه هفتم تیر بیان کرده است و در مورد کسانی که مسلحانه یا غیرمسلحانه به قصد کشتار مردم اقدام نمایند، به ضرر جمهوری اسلامی و به نفع بیگانگان است. اینجا کلی‌گویی شده است و مطلق گفتن و کلی‌گویی کردن این عمل ریاکارانه است و حق این بود که با صراحت می‌گفتند. و در پایان بیانیه آمده است: «ما هم این توطئه را به شدت محکوم می‌کنیم» که باید گفت خوب، این توطئه را همه محکوم می‌کنند. آمریکا هم محکوم بقیه در صفحه ۱۰ (مطلب از اینجا در صفحه اصلی سند، افتادگی دارد) (روزنامه اطلاعات، ۲۰/ تیر ماه ۱۳۶۰).



## پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل یکم

### پیوست ۱- نمونه‌ای از معرفی نامزدها

#### معرفی دکتر ابراهیم یزدی

ابراهیم یزدی در مهرماه ۱۳۱۰ در شهر قزوین در یک خانواده متوسط به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذرانده و در سال ۱۳۳۳ از دانشکده داروسازی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و پس از چند سال خدمت و اخذ تجربه مدیریت و آموزش‌های علمی در سال ۱۳۳۹ درحالی‌که ممنوع‌الخروج بوده، توانست با استفاده از امکانات شرکتی که در آن کار می‌کرد، به‌عنوان مأموریت تجارتي از ایران خارج شود و بلافاصله به جمع دوستان مسلمان و مبارزش پیوندد و چون فعالیت‌های شدید و علنی بر علیه رژیم شاه کرده بود، تا ۱۸ سال دیگر هرگز نتوانست به ایران بازگردد. یزدی در آمریکا علاوه بر فعالیت مبارزاتی و مکتبی در زمینه سرطانشناسی به تحقیق پرداخت و مقالات و کنفرانس‌های متعددی در مجامع عملی ایراد و چاپ کرد و در سمت استادیاری در دانشکده پزشکی بیلور در مرکز طبی تگزاس به کار پرداخت.

#### فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی - مکتبی

یزدی، فعالیت اسلامی و اجتماعی خود را از دوره دبیرستان آغاز کرد. ابتدا با کمک دوستانش «انجمن اسلامی امیرکبیر» را در دارالفنون تأسیس نمود و «مجله قلندر» را منتشر ساخت و بعدها هنگامی که وارد دانشگاه و عضو فعال انجمن اسلامی دانشجویان شد، تلاش فرهنگی خود را در تهیه مطالب و انتشار مجلات «فروغ علم» و «گنج شایگان» شدت بخشید و در خارج از دانشگاه با گروه دیگری از مسلمانان متعهد «روزنامه مهد علم» و «نشریه دانش‌آموزان و دانشجویان فارس» را منتشر می‌ساخت. یزدی، در این دوران در جلسات تفسیر قرآن مجاهد نستوه مرحوم طالقانی در مسجد هدایت همراه مجاهدین و انقلابیون شرکت می‌کرد و شخصیت مکتبی خود را در محضر ایشان می‌ساخت. در دوران نهضت ملی ایران و جنبش ملی شدن صنایع نفت، یزدی فعالیت زیادی داشت و با پیاده کردن طرح تشکیل «سازمان صنفی دانشجویان دانشگاه» توانست تمامی دانشجویان را بسیج کند و به عضویت شورای مرکزی و هیئت دبیران این سازمان در آید (این سازمان، رهبری کلیه مبارزات

## ۱۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

دانشجویان را هدایت می‌کرد). بعد از کودتای ۲۸ مرداد [۱۳۳۲]، یزدی به نهضت مقاومت ملی پیوست و از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۹ مسئولیت‌های مختلفی مانند مسئول کمیته دانشگاه، انتشارات، چاپخانه مخفی، کمیته شهرستان‌ها، ادارات و کمیته اجرایی را بر عهده داشته است. در خارج از کشور، نام‌برده به کمک دوستانش جنبش دانشجویی و مبارزات خارج از کشور را شکل جدید و شتاب تازه‌ای دادند و برای مطالعه جنبش‌های انقلابی و تدارک جنگ مسلحانه به کشورهای مصر و الجزایر سفر کردند. آنها پس از مذاکره با دولت [جمال] عبدالناصر و تهیه مقدمات جنگ مسلحانه، [در] مراکز مختلف خاور میانه، افرادی را برای شناسایی و تدارکات عملی مستقر نمودند؛ سپس شبکه‌های ارتباطی با داخل ایران به‌وجود آوردند و در بیروت، مرکزی برقرار کرده، با سازمان مقاومت فلسطین مرتبط شدند.

در سال ۱۹۶۵ هنگامی که امام خمینی از ترکیه به نجف منتقل شدند، ایشان بلافاصله به همراه برادر دکتر چمران به دیدار ایشان شتافتند و پیام مسلمانان خارج از کشور را به ایشان رسانده و ترتیب ارتباط دائمی و ارسال گزارش و اخذ پیام را می‌دهند. یزدی در ۱۹۶۷ مجدداً به آمریکا برمی‌گردد و در هدایت و تشکل فکری، اخلاقی و سیاسی هزاران دانشجوی ایرانی نقش فعال و اساسی در کادر انجمن اسلامی دانشجویان و نهضت آزادی بر عهده می‌گیرد. در این دوران، امام [خمینی] ایشان را به‌عنوان وکیل برای جمع‌آوری وجوهات و خرج بخشی از آن در فعالیت‌ها و تبلیغات اسلامی معرفی می‌نمایند و اغلب پیام‌های خود را برای دانشجویان از طریق نام‌برده ابلاغ می‌فرمایند. دکتر یزدی عضو شورای مرکزی و مسئول انتشارات نهضت آزادی ایران در خارج بوده و نوارهای سخنرانی سیاسی - ایدئولوژیک و تحلیل‌های اجتماعی ایشان قبل از پیروزی انقلاب، محرمانه به ایران فرستاده می‌شد و دست به دست در سراسر ایران تکثیر و توزیع می‌شد. وی با بسیاری از جریان‌ها و سازمان‌های اسلامی و انقلابی دنیا در رابطه نزدیک بوده و در جنبش اسلامی مستضعفان آمریکا نقش بسزایی داشته است و در حمایت از جنبش مسلحانه مجاهدین اصیل اولیه، از سال ۱۳۵۰ با انتشار «ماهنامه پیام مجاهد» بازوی سیاسی و تبلیغاتی مؤثری بوده است.

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۸۷

هنگام هجرت امام [خمینی] از نجف به کویت و پاریس ایشان به همراه معظم‌له بوده و به‌عنوان نزدیک‌ترین مشاور امام تلاش شبانه‌روزی صادقانه‌ای در طی اقامت امام نموده است. دکتر یزدی، پس از بازگشت به ایران از طرف امام به عضویت در شورای انقلاب منصوب گردید و پس از تأسیس دولت موقت، معاونت نخست‌وزیر در امور انقلاب را پذیرفت و در این مسئولیت، برخی از نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران، دادگاه‌های ویژه انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی و ... را پایه‌گذاری کرد و سپس مسئولیت وزارت خارجه را در حساس‌ترین و سخت‌ترین شرایط تاریخی به‌عهده گرفت و در اداره وزارتخانه و اداره سیاست خارجی کشور توانست موفقیت بزرگی به دست آورد و با پاک‌سازی و بازسازی و تزکیه، فعالیت، خودجوشی، تحرک تازه‌ای به وزارت خارجه بخشید و ابتکارات فراوانی به کار بست. در همین مسئولیت، پیشنهاد برگزاری روز قدس را در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان نمود که با تصویب امام در سراسر عالم اعلام شد.

دکتر یزدی پس از کناره‌گیری از مسئولیت‌های دولتی، طبق فرمان امام، نماینده ویژه معظم‌له برای رسیدگی به شکایات و مشکلات مردم شد و با تکیه بر لیاقت خود و با حسن اعتمادی که امام به ندرت در باره شخصیتی ابراز می‌دارند، توانست در سیستم و بلوچستان و بندر لنگه و سایر نقاط، بحران‌ها را خاموش و آرام سازد.

### بعضی از اقدامات وزارت امور خارجه در دوران دکتر یزدی

- تنزل روابط دیپلماسی با آمریکا از سطح سفیر به کادار.
- لغو پذیرش سفیر آمریکا، که توسط وزیر خارجه قبلی تصویب شده بود و عدم اجازه سفر به ایران.
- لغو کاپیتولاسیون.
- خروج ایران از پیمان نظامی سنتو و انحلال پیمان مزبور.
- انتشار اسناد محرمانه مربوط به سنتو.
- لغو قرارداد مورخه ۱۳۲۶ استخدام مستشاران نظامی آمریکا.
- لغو قرارداد دوجانبه مورخه ۱۳۳۸ ایران و آمریکا و انتشار اسناد آن.

## ۱۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری


- اعلام بلاموضوعی اصول ۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱ ایران و روسیه .
- قطع رابطه دیپلماسی با مصر.
- برقراری رابطه با کوبا ویتنام، لیبی، یمن جنوبی.
- به رسمیت شناختن دولت انقلابی نیکاراگوئه و برقراری رابطه با آن.
- قطع صدور نفت به فیلیپین.
- برقراری رابطه با نهضت[های] آزادی‌بخش جهان مثل اریتره، پولیساریو، مسلمانان عراق، افغانستان، ظفار و فیلیپین.
- شناسایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین به‌عنوان تنها نماینده خلق فلسطین و برقراری روابط دیپلماتیک در سطح یک دولت.
- برگزاری روز تاریخی قدس.
- اقدام برای استرداد اموال شاه خائن از سوییس.
- اعتراض شدید به دخالت‌های آمریکا در ایران.
- اعتراض رسمی و شدید به سفر شاه خائن و همراهانش به آمریکا و تقاضای استرداد شاه خائن.
- شرکت فعال و مؤثر در ششمین کنفرانس سران دول غیرمتعهد در کوبا.
- شرکت در اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد و معرفی فکری و سیاسی انقلاب ایران.
- تصفیه و پاک‌سازی در وزارت امور خارجه و ده‌ها اقدامات و فعالیت‌های انقلابی دیگر.

سی و پنج سال تلاش و مبارزه مستمر  
برای حفظ ارزشهای اصیل اسلامی



دکتر ابراهیم یزدی کاندیدای

- روحانیت مبارز تهران
- جمعیت حافظ وحدت
- جامعه زنان انقلاب اسلامی
- جمعیت آذربایجانیهای مقیم مرکز
- جنبش مسلمانان پیشگام
- گروه قدس
- گروه همنام
- عده‌ای از انجمن‌های اسلامی



ابراهیم یزدی

مصطفی جمان

• نمایندگان مردم تهران در مجلس شورا

- یابندگان مقاومت و نهضت در دوران قدرت
- دو بار درین ایام و دوشاگرد مکتب انقلابی
- دو مهاجر دیرپروز

همام

سی و پنج سال تلاش و مبارزه مستمر  
برای حفظ ارزشهای اصیل اسلامی



دکتر ابراهیم یزدی کاندیدای

- روحانیت مبارز تهران
- جمعیت حافظ وحدت
- جامعه زنان انقلاب اسلامی
- جمعیت آذربایجانیهای مقیم مرکز
- جنبش مسلمانان پیشگام
- گروه قدس
- گروه همنام
- عده‌ای از انجمن‌های اسلامی

نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۹۱

جناب آقای دکتر یزدی خدمت‌های ارزنده‌ای به این  
نهضت مقدس کرده‌اند

امام خمینی ۱۳۱۱ تا ۱۳۵۷



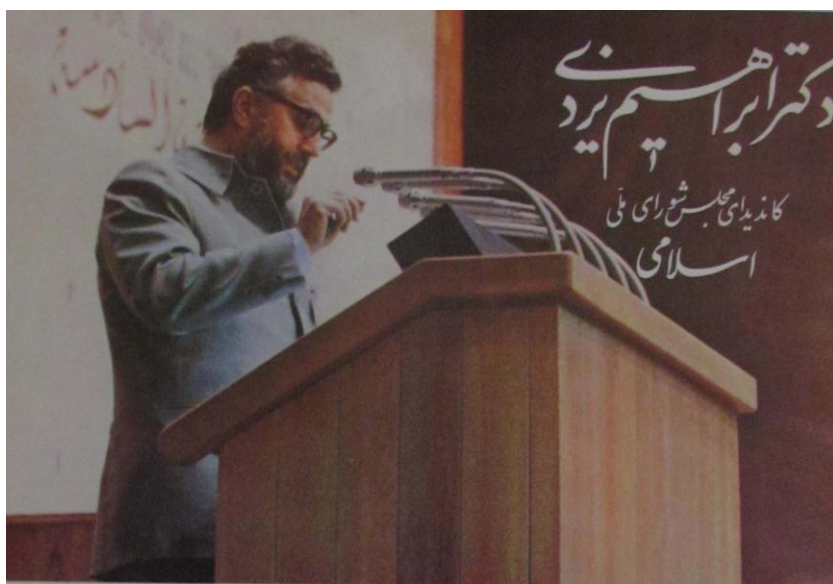
دکتر ابراهیم یزدی کاندیدای تهران برای مجلس شورای اسلامی



دکتر ابراهیم یزدی



چریک‌بیر مهندس مهدی بازرگان



خواهرانم و برادرانم :  
 با برکت دستان و ارشاد نیا محمد ، ارشاد اسلام ، پروردگار  
 راضی که کمال ، ایم . هرگز بهای برابر ارشاد محمد <sup>ص</sup> پروردگار  
 پروردگار از دست نجات  
 پروردگار از دست تضعیف نجات  
 اینم وعده حدیث :

از خان کتر ابراهیم پروردی دکتر انکس با می غیر مستعد  
 دانش آموزان معتمد تهران



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۹۳

### پیوست ۲- آخرین نتیجه آرای ۷۲ کاندیدای پیشتاز تهران

نگاهی به نتایج اولیه انتخابات تهران، نشان می‌داد هر یک از شخصیت‌ها و نیز گروه‌های سیاسی در میان مردم دارای چه وزن و اعتباری هستند؛ همچنین نشان می‌دهد برخی از افراد بیش از آنکه به‌عنوان یک حقوقدان و سیاستمدار مناسب قانون‌گذاری شناخته شوند، به دلیل معروف بودن شخصی و خانوادگی مورد استقبال واقع شده‌اند؛ چنان که شخصیت‌های بزرگ و توانمندی حتی نتوانسته‌اند به فهرست‌های یادشده راه یابند. فهرست افراد و تعداد آرای هر یک به‌طور نسبی نشانگر، فرهنگ سیاسی جامعه تهران در آخر دهه ۱۳۵۰ خورشیدی است.

آرای ۴ تن از نامزدهای مجلس از مرز یک میلیون گذشت.

اسامی کاندیداهایی که بیش از ۱۵۰ هزار رأی تاکنون به خود اختصاص داده‌اند در

کیهان امروز

با پایان گرفتن کار شمارش بیش از نیمی از آرای تهران، چهره کاندیداهایی که شانس بیشتری برای راهیابی به مجلس دارند، مشخص‌تر شد. بر اساس نتایجی که دیشب اعلام شد تاکنون آرای فخرالدین حجازی، حسن ابراهیم حبیبی، مهدی بازرگان و علی‌اکبر معین‌فر از مرز یک میلیون گذشت و به‌طور قطع این عده تا پایان شمارش آراء همچنان در صدر باقی خواهند ماند. ناظران سیاسی اظهار عقیده می‌کنند که آرای باقی‌مانده حدود ۵۰۰ صندوق دیگر نمی‌تواند در سرنوشت این چهار تن تأثیر زیادی بگذارد، ولی احتمال دارد عده‌ای به لیست حایزین اکثریت مطلقه اضافه شوند.

به‌طور کلی آنچه که پیش‌بینی را مشکل می‌کند، مشخص نبودن کل آرای ریخته شده به صندوق‌های رأی است. آرای ریخته شده به صندوق‌ها در انتخابات قبلی هم به دلیل متفاوت بودن تعداد آنها نمی‌تواند ملاک قرار بگیرد، اما با توجه به تعداد آرای که در صندوق‌های ۱۵۳۹ حوزه رأی‌گیری شمارش شده است، می‌توان حدس زد که تعداد آرای تهران از مرز دو میلیون و نیم فراتر نخواهد رفت.

خبرنگار کیهان گزارش می‌دهد که تا ساعت ۷ بعد از ظهر دیروز یک میلیون و ۵۳۱ هزار و ۸۱۷ رأی (۱۵۳۱۸۱۷) از ۱۵۳۹ حوزه رأی‌گیری شمارش شده است که نتایج آن به این شرح است:

## ۱۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

حایزین اکثریت مطلق:

- |           |                          |
|-----------|--------------------------|
| ۱،۱۱۴،۹۰۷ | ۱- فخرالدین حجازی        |
| ۱،۱۰۴،۱۲۵ | ۲- حسن ابراهیم حبیبی     |
| ۱،۰۲۹،۵۱۹ | ۳- مهدی بازرگان          |
| ۰۲۵،۰۵۱،۱ | ۴- علی اکبر معین فر      |
| ۹۹۷،۵۸۴   | ۵- سیدعلی حسینی خامنه‌ای |
| ۹۹۳۶۳۱    | ۶- محمدجواد حجتی کرمانی  |
| ۹۸۲۲۴۴    | ۷- محمدجواد باهنر        |
| ۹۶۸۱۰۵    | ۸- سید حسن آیت           |
| ۹۵۳۰۳۰    | ۹- علی گلزاده غفوری      |
| ۹۵۰۰۷۷    | ۱۰- هادی غفاری           |
| ۸۸۷۹۲۴    | ۱۱- سیدمحمد خویینی‌ها    |
| ۸۵۹۳۹۲    | ۱۲- محمدعلی رجایی        |
| ۸۵۴۹۲۵    | ۱۳- علی اکبر ناطق نوری   |
| ۸۱۹۹۶۵    | ۱۴- اکبر هاشمی رفسنجانی  |
| ۷۹۴۶۸۱    | ۱۵- ابراهیم یزدی         |
| ۷۸۱۳۰۷    | ۱۶- اعظم علایی طالقانی   |
| ۷۷۱۹۳۴    | ۱۷- مصطفی چمران          |

ضمناً حایزین اکثریت نسبی آرای استخراج شده به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- |        |                       |
|--------|-----------------------|
| ۷۵۹۶۸۲ | ۱- عزت الله سبحابی    |
| ۶۷۳۱۳۵ | ۲- محسن مجتهد شبستری  |
| ۶۱۷۵۷۲ | ۳- یدالله سبحابی      |
| ۵۹۷۱۹۳ | ۴- کاظم سامی          |
| ۵۹۴۶۷۳ | ۵- گوهرالشریعه دستغیب |
| ۵۶۴۵۷۱ | ۶- هاشم صباغیان       |
| ۵۳۹۳۶۸ | ۷- علی اکبر ولایتی    |

نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۹۵

- ۵۳۶۴۰۲ ۸- محمد توسلی حجتی  
 ۵۲۲۵۴۳ ۹- محمدعلی هادی نجف آبادی  
 ۵۰۵۱۷۴ ۱۰- حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان  
 ۴۹۵۵۵۳ ۱۱- عبدالمجید معادی خواه  
 ۴۸۵۹۳۸ ۱۲- فرشته هاشمی  
 ۴۵۷۹۷۴ ۱۳- سعید امانی همدانی  
 ۴۵۴۱۴۸ ۱۴- محمدکاظم موسوی بجنوردی  
 ۴۴۵۶۹۰ ۱۵- مهدی شاه‌آبادی  
 ۴۳۳۶۶۶ ۱۶- دکتر سیدمحمدباقر حسنی لواسانی  
 ۴۳۱۳۵۹ ۱۷- محمد مبلغی اسلامی  
 ۴۳۱۷۸۹ ۱۸- سیف‌الله وحید دستجردی  
 ۴۱۰۱۶۷ ۱۹- سید فتح‌الله بنی‌صدر  
 ۳۹۲۶۰۵ ۲۰- مسعود رجوی  
 ۳۷۵۶۶۴ ۲۱- محمدرضا توسلی  
 ۳۶۷۱۱۸ ۲۲- سیداسدالله لاجوردی  
 ۳۴۲۳۸۰ ۲۳- سیدرضا زواره‌ای  
 ۳۴۰۰۴۵ ۲۴- احمد مولایی  
 ۳۳۰۸۱۳ ۲۵- نجفقلی حبیبی  
 ۳۲۲۵۰۶ ۲۶- عبدالعلی بازرگان

اسامی کاندیداهایی که بیش از ۲۰۰۰۰۰ رأی آورده‌اند:

- ۳۸۹۵۳۸ ۱- مهدی ابریشمچی  
 ۲۸۶۷۴۴ ۲- ماه‌منیر رضایی  
 ۲۸۶۶۷۱ ۳- حسن توانایان فرد  
 ۲۸۱۸۵۱ ۴- حسین کمالی  
 ۲۷۴۴۹۰ ۵- مصطفی کتیرایی  
 ۲۷۳۰۰۱ ۶- سیدعبدالکریم لاهیجی حسینی

۱۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

۲۶۵۹۸۲	۷- مریم علایی طالقانی
۲۶۰۸۳۴	۸- علی صادقی تهرانی
۲۳۳۹۴۸	۹- اشرف ربیعی
۲۲۴۱۸۴	۱۰- عذرا اعلائی طالقانی
۲۲۰۱۴۲	۱۱- عباسعلی داوری فیض‌پور آذر
۲۰۹۱۳۹	۱۲- محمد ملکی
۲۰۷۰۹۳	۱۳- علی محمد تشید
۲۰۴۵۷۵	۱۴- سیدمحمود کاشانی (مصطفوی)
۲۰۴۴۷۷	۱۵- پرویز یعقوبی
۲۰۳۵۴۱	۱۶- محمد مدیرشانه‌چی

اسامی کاندیداهایی که بیش از ۱۵۰ هزار رأی آورده‌اند:

۱۹۷۹۳۴	۱- مهدی هادوی
۱۹۳۹۳۳	۲- علی اصغر مروارید
۱۹۳۴۸۲	۳- مجید معینی
۱۸۰۱۷۹	۴- علی اکبر پوراستاد
۱۷۹۷۴۶	۵- مهدی ممکن
۱۷۵۳۳۱	۶- عباس آگاه اسمعیل‌زاده
۱۶۷۲۶۲	۷- رقیه دانشگری
۱۶۴۹۱۸	۸- مصطفی مدنی
۱۶۳۶۴۶	۹- مریم قجر عضدانلو
۱۶۳۵۲۳	۱۰- سیدمحمد سیدی کاشانی
۱۶۳۳۳۴	۱۱- علیرضا جعفری منصوری
۱۵۲۷۴۱	۱۲- معصومه شادمانی
۱۵۱۷۰۳	۱۳- منوچهر هزارخانی

پیوست ۳- گروه‌های تازه‌ای به لیست نامزدهای مجلس افزوده شدند - روزنامه

کیهان، ۱۳۵۸/۱۲/۸

## آخرین نتیجه آراء ۷۲ کاندیدای پیشتاز تهران

۲۴۰،۰۵۵	۶۱- محمد بولانی	۹۹۲،۱۳۱	۶- محمدجواد حسینی کرمانی	۶- آراء ۱۵۰ تن از نخلرد ملی مجلس از مرز يك ميليون گنیش .
۲۳۰،۸۱۴	۶۲- نجفعلی حبیبی	۹۸۲،۴۴۴	۷- محمدجواد باهنر	۷- آسامی کاندیداهائی که بیش از ۱۵۰ هزار رای تاکنون بخود اختصاص داده‌اند در کیهان اه وز
۲۲۲،۵۰۶	۶۳- عبدالعلی بازرگان	۹۶۸،۱۰۵	۸- سیدحسن آیت	
	آسامی کاندیداهائی که بیش از ۲۰۰۰۰۰ رای آورده‌اند	۹۵۴،۰۳۰	۹- علی‌گزاره غفوری	
۲۸۹،۵۲۸	۶۴- مهدی ابریشمی	۸۸۷،۸۲۴	۱۰- بلادی نظاری	
۲۸۱،۷۴۴	۶۵- مامعز رضائی	۸۵۹،۳۹۲	۱۱- سیدمحمد خونیسی	
۲۸۱،۱۷۱	۶۶- حسن نواتیان فرد	۸۵۴،۸۳۵	۱۲- مصطفی رجائی	
۲۸۱،۵۰۱	۶۷- حسین کمالی	۸۱۹،۹۶۵	۱۳- علی‌اکبر تالقنوری	
۲۷۴،۹۰۰	۶۸- مصطفی کبرائی	۷۹۴،۶۸۱	۱۴- اکبرهاشمی رفسنجانی	
۲۷۴،۰۰۱	۶۹- سیدعبدالکریم لاهیجی حسینی	۷۸۱،۳۰۷	۱۵- ابراهیم یزدی	
۲۶۵،۸۸۲	۷۰- مریم اعلائی طالقانی	۷۷۱،۸۳۴	۱۶- اعظم علایی طالقانی	
۲۶۰،۲۴۴	۷۱- علی صادقی تهران		۱۷- مصطفی چمران	
۲۴۳،۸۶۸	۷۲- اشرف ربیعی		ضمناً حائزین اکثریت نسبی آراء استخراج شده	
۲۴۲،۱۸۴	۷۳- طهرا اعلائی طالقانی	۷۵۸،۷۸۲		
۲۳۰،۴۴۲	۷۴- عباسعلی نوری فیضی پور آند	۷۱۷،۱۳۵		
۲۰۹،۸۴۹	۷۵- محمد ملکی	۱۱۷،۵۷۲		
۲۰۷،۰۹۲	۷۶- علی محمد تشید	۵۸۷،۱۹۲		
۲۰۴،۵۷۵	۷۷- سیدمحمدکاظمی (مصطفوی)	۵۴۴،۱۷۲		
۲۰۴،۴۷۷	۷۸- پرویز یقوی	۵۱۴،۵۷۱		
۲۰۲،۵۶۱	۷۹- محمد هاشم‌زاده‌چی	۵۲۹،۳۷۸		
	آسامی کاندیداهائی که بیش از ۱۵۰ هزار رای آورده‌اند	۵۲۶،۰۰۲		
۱۷۷،۸۴۴	۶۰- مهدی هادوی	۵۲۲،۵۴۲		
۱۹۴،۸۳۳	۶۱- علی‌اصغر مروارید	۵۰۵،۱۷۴		
۱۹۴،۴۸۲	۶۲- مجید حسینی	۴۹۵،۵۵۳		
۱۸۰،۱۷۹	۶۳- علی‌کیویز استاد	۴۸۵،۸۲۸		
۱۷۹،۷۴۶	۶۴- مهدی ممکن	۴۵۷،۸۷۴		
۱۷۵،۳۳۱	۶۵- عباس آگاه اسمعیل‌زاده	۴۵۴،۱۴۸		
۱۱۷،۳۳۲	۶۶- رقیه دانشگری	۴۴۵،۶۹۰		
۱۱۴،۹۱۸	۶۷- مصطفی حدادی	۴۳۳،۶۶۶		
۱۱۲،۸۶۶	۶۸- مریم فخرعزضائو	۴۳۱،۳۵۹		
۱۱۲،۵۳۴	۶۹- سیدمحمدسید کاشانی	۴۲۱،۷۸۸		
۱۱۲،۳۳۴	۷۰- نظیرضا جعفری منصور	۴۱۰،۱۷۷		
۱۵۲،۷۴۱	۷۱- مصوبه شادمانی	۳۹۲،۶۰۵		
۱۵۱،۷۰۴	۷۲- هوشیگر هزارخانی	۳۷۵،۶۶۴		
		۳۷۳،۱۱۸		
		۲۴۴،۳۸۰		

احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی آماده شده‌اند تا با اعلام رسمی نام نامزدهای مجلس شورای ملی و آزادی تبلیغات، با همه نیرو و توان دست به تبلیغات گسترده

## ۱۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

انتخاباتی بزنند. از هم اکنون اکثر چاپخانه‌های کشور از پیش برای تبلیغ در مورد نامزدها، از سوی احزاب و گروه‌ها اجاره شده‌اند و با اعلام صلاحیت کاندیداها اطلاعیه‌های از پیش آماده روانه در و دیوار شهرها خواهد شد.

همچنین گروه‌های سیاسی با ارسال نامه و تلگراف همچنان بر خواست‌های خود چون پایان دادن به دو مرحله‌ای بودن انتخابات پا می‌فشارند و شخصیت‌ها نیز طی اطلاعیه‌های متعدد، خواستار تغییر در سیستم انتخاباتی و حذف دو درجه‌ای بودن آن شده‌اند. در همین زمینه تاکنون با چندین شخصیت صحبت کرده‌ایم و نظر موسی خیابانی را نیز سؤال کردیم.

موسی خیابانی، یکی از اعضای کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران در گفتگویی با کیهان، نظر خود را در مورد دو مرحله‌ای بودن انتخابات بیان داشت. او در پاسخ پرسش کیهان گفت: «نظر سازمان در این مورد قبلاً اعلام شده و یکی از مواد قطعنامه سراسری نیز اعتراض به این مسئله است».

خیابانی سپس توضیح داد: کسانی که این طرح را مطرح کرده‌اند، قصد دارند به این وسیله، جلوی ورود نیروهای انقلابی و مترقی را به مجلس بگیرند. مکانیسمی هم که در اینجا به کار گرفته‌اند، به این ترتیب عمل می‌کند که آنها یک بار در دور اول نظر خودشان را اعمال می‌کنند تا اینکه کرسی‌های مجلس را به دست آورند. یک بار هم در دور دوم وارد عمل می‌شوند که نیروهای مترقی نتوانند کرسی‌های مجلس را به دست آورند و آن را به خود اختصاص دهند. به این ترتیب اگر انتخابات یک درجه‌ای باشد، اکثریت، تعدادی کرسی به دست می‌آورند و اقلیت هم ممکن است تعدادی کرسی به دست آورد، ولی با مطرح کردن دور دوم، خواهند توانست بار دیگر وارد عمل شوند و این کرسی‌ها را از دست اقلیت به در آورند. همچنین این نیروها در مرحله دوم تفرقه موجود میان خود را از میان برداشته و به این ترتیب به کرسی‌ها دست یابند و سد راه نیروهای مترقی شوند.

### نامزدهای مؤتلفه

«مجاهدین انقلاب اسلامی»، «انجمن اسلامی معلمان ایران»، «نهضت زنان مسلمان» و «سازمان فجر اسلام» با یکدیگر ائتلاف کرده و نامزدهای زیر را که تا حدودی به نامزدهای حزب جمهوری اسلامی نزدیک است، معرفی کرده‌اند:

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۱۹۹

تهران: حسن آیت، محمدجواد باهنر، خانم بهروزی، دکتر حسن حبیبی، علی قلی حبیبی، فخرالدین حجازی، محمدجواد حجتی کرمانی، سیدعلی خامنه‌ای، علی دانش منفرد، دکتر وحید دستجردی، خانم دستغیب، محمدعلی رجایی، عبدالکریم سروش، هادی غفاری، محمود کاشانی، دکتر لواسانی، جواد منصوری، موسوی خویینی، ناطق نوری، دکتر ولایتی، محمدعلی هادی و اکبر هاشمی رفسنجانی.

آبادان: محمد رشیدیان. اصفهان: پرورش، فضل‌الله صلواتی، عبدالله نوری، امید نجف‌آبادی. ایزه: ستار اکبری. دماوند: مرتضی الویری. بهبهان: ماندنی جهانتاب. بهشهر: احمد توکلی. رودسر: ربانی املشی. کازرون: رجبعلی طاهری. شیراز: سیاح زنگنه، محی‌الدین حائری و عطاءالله مهاجرانی. قم: محمد یزدی. کرج: عباس زالی. مشهد: محمد خامنه‌ای، جواد اسدالله‌زاده و جواد فریدزاده. امامشهر: محمدحسین امام‌پور. بندرانزلی: مهدی پورگل. شهریار: دکتر زرگر. دزفول: عبدالمحمد سلمان خاکسار. بابل: محمد فاضل. شهبسوار: حسن یوسفی اشکوری. یزد: محمد منتظر قائم. رشت: مهندس آرامی. خرم‌آباد: حاج نبی صادقی. بندرعباس: حقانی. اردکان: محمد خاتمی. گرمسار: مرتضی فضلی. علی‌آباد: شیخ علی‌اکبر نصرتی. لاهیجان: ابوالحسن کریمی. همدان: دکتر امیرپروین علی‌محمدی. ساوه و زرند: موحدی ساوجی. گنبد: رحیم حق‌پرست. فومن: حائری فومنی. بم: علیرضا محمدی. صومعه‌سرا: سیروس قربانی. قصر و نطنز: منیره گرجی. اهواز: هوشنگ کلابگش و جواد کریمی. همایون‌شهر: محمدعلی احمدی. کاشمر: حسن‌زاده. کاشان: حجت‌الاسلام امامی کاشانی. کرمانشاه: رضا موسوی، سیدزاده و دکتر سلیمی. تبریز: موسوی تبریزی و ساریخانی و طالقان: باقر اویسی.

### هدایت و مراقبت

«جمعیت هدایت و مراقبت» از انتخابات در اطلاعیه‌ای دیگر، خواسته‌های خود را برای بهتر برگزار شدن انتخابات ارائه کرده است. در بخشی از اطلاعیه خدا را می‌خوانیم: «ما سخت نگرانیم تفرقه نیروها و عناصر ملی و انقلابی و دل‌سوخته سبب شود تنها فرصتی که برای این ملت باقی مانده است، از دست رفته، مجلسی از عناصر ناهماهنگ، غیرمسئول، خودخواه یا روباه‌صفت و مغرور، یا ترسو، حرف‌شنو و مطیع و هوادار ثروت‌اندوزان پر شود. در این صورت همه امیدها از دست خواهد رفت و آنگاه

## ۲۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

است که به سهولت یا شبیه گرگ مستبدي خواهيم شد يا به يك به هم ريختگي و جنگ و برادرکشي ناخواسته کشانده مي شويم.

ما ضمن تأکيد شديد به گروه ها، احزاب، جمعيت ها، افراد و شخصيت هاي دست اندرکار انتخابات، به اجتناب از تفرقه توصيه مي کنيم با هوشياري و فراست و شجاعت و حریت به گردهمائي و تهيه و توافق ليست واحد برآيند و نیز آماده ايم کليه امکانات و کوشش صادقانه خود را در اختيار قرار دهيم. برای ابراز نظرات و پيشنهادات خود مي توانيد با ما توسط تلفن ۸۷۹۶۰۸ تماس حاصل کنيد».

### هيئت معرف نامزدهاي انتخابات (همنام)

همنام اطلاعیه زیر را صادر کرد:

این هیئت همان طوری که در اطلاعیه های قبلی یاد آور شده، به هیچ حزب و گروه خاصی بستگی ندارد؛ فلذا از نظر آگاهی مردم ایران، ضمن بررسی های لازم بدون در نظر گرفتن وابستگی گروهی، افراد ذی صلاح و شایسته ای را معرفی می نماید. همنام به دنبال اقدامات قبلی، نامزدهای انتخاباتی شهرهای زیر را معرفی می نماید: رزن همدان: حجت الاسلام محی الدین انواری. بندرعباس: غلامحسین حقانی. الیگودرز: حجت الاسلام مهدی کروبی. رشت: حجت الاسلام حسن لاهوتی، مهندس شمس الدین غروی. زنجان: محمدجواد رجاییان. مرند: دکتر رفیعیان. نظر به اینکه آقای دکتر حسین عالی انصراف خود را از نامزدی خرم آباد اعلام نموده، حجت الاسلام سید محمدتقی شاهرخی و حاج نبی صادقی معرفی می گردند. ضمناً تلفن ستادهای تهران به شرح زیر اصلاح می گردد: دروازه دولت ۸۳۵۳۱۴، سی متری نارمک ۷۹۰۵۸۶، خیابان شریعتی ۷۶۲۶۳۸ و ۷۵۳۹۶۸، نظام آباد ۷۳۰۹۱۸، جوادیه ۵۲۸۴۱۰، میدان شوش ۵۳۳۳۱۲، ساختمان پیش آهنگی ۵۹۴۰۸۹، خیابان خارک ۹-۹۷۱۱۰۴، بازار ۵۷۰۱۳۴، آپادانا ۸۲۹۹۹۳، ویلا ۸۹۴۰۰۰ و ۸۹۷۶۳۲ و خیابان سپهسالار ۳۰۴۲۵۶.

### توضیحات و کناره گیری کاندیداها

خانم دکتر طاهره لباف، ضمن تشکر از اظهار لطف «جامعه روحانیت مبارز» که وی را نامزد انتخابات مجلس کرده اند، به جای خود دکتر فرشته هاشمی را معرفی کرد.



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۰۱

همچنین ناهید ظهوریان همسر دکتر ممکن ضمن تشکر از گروه‌ها اعلام داشت که به خاطر گرفتاری‌های بسیار در آموزش و پرورش نامزد انتخابات مجلس نیست. حجت‌الاسلام هادی خاتمی بروجردی وسیله چند گروه از کرج نامزد انتخابات معرفی شده است. ضمناً بهمن مصور رحمانی نیز کاندیدای منفرد مجلس شورای ملی از تهران است. وی فوق لیسانس اقتصاد و بازرگانی دارد و متخصص امور بانکی است.

### نامزد جمعیت آذربایجانی‌ها

جمعیت آذربایجانی‌ها نامزدهای خود را در تهران به شرح زیر معرفی کرد: مهدی بازرگان، کاظم حسینی، حاج محمود مانیان، فتح‌الله بنی‌صدر، اصغر پارسا، ناصر میناچی، مسعود رجوی، کاظم نامی، گلزاده غفوری، حسن لباسچی، هاشم صباغیان، کریم ورجاوند، عبدالکریم لاهیجی، ادیب برومند، علی اصغر حاج‌سیدجواد، کریم آبادی، اعظم طالقانی، ابراهیم یزدی، مهدی ممکن و در تبریز جلال غنی‌زاده و مشهد طاهر احمدزاده، شیخ علی تهرانی و عبدالحسین ثانی.

### روحانیت مبارز

علی‌رغم اعلام اسامی نامزدهای روحانیت مبارز، این جامعه اصلاحات زیر را به کیهان اعلام کرد. در تهران دکتر مصطفی چمران، احمد مولایی، فرشته هاشمی و شمس آل احمد اضافه شده‌اند و در شهرستان‌ها گلپایگان: ابوطالب محمودی، ورامین: سید مرتضی محمودی، قم: صادق خلخالی و محمد یزدی، شهریار: دکتر زرگر، شوشتر: جواد شرافت، آشتیان: غلامرضا دانش، قوچان: محمدتقی کمالی‌نیا، ابهر: فرج‌الله واعظی، سمنان: حسن فریدون (دکتر روحانی)، دماوند: مهندس الویری و سلماس: محمد غفاری.

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه کار، اتحادیه کتاب‌فروشان مسلمان و ناشران، جوانان مسلمان خزانه، دانش‌آموزان دبیرستان بزرگ تهران هدف شماره ۴، انجمن دانشجویان مسلمان عالی پرستاری و بانک ملی با ارسال اطلاعیه‌های جداگانه نامزدهای زیر را برای انتخابات تهران معرفی کرده‌اند: غلامرضا آغوش، عباس آگاه، مهدی ابریشمی، مجنون احمدی، علی محمد تشید، دکتر حسن توانایان فرد، مهندس

## ۲۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

یزدان حاج حمزه، عباس داوری، اشرف ربیعی، مسعود رجوی، فاطمه رضایی، محمد سیدی کاشانی، معصومه شادمانی (کیبری)، حاج محمد شانه‌چی، کریم طالقانی، عذرا علوی طالقانی، مریم فجر عضدانلو، دکتر گلزاده غفوری، عبدالکریم لاهیجی، مجید محسنی، محمد ملکی، علیرضا منصوری، منوچهر مرادخانی و پرویز یعقوبی.

### کاندیداهای ارامنه جنوب

در پی اجتماع عده زیادی از ارامنه جلفا، دکتر «هراچ خاچاطوریان» به‌عنوان کاندیدای ارامنه جنوب کشور برای مجلس شورا انتخاب شد. دکتر خاچاطوریان از سوی شورای انقلابی ارامنه اصفهان و انجمن ملی و فرهنگی ارامنه ایران، مرکز جلفا که از گروه‌های مترقی این شهر هستند، حمایت می‌شود.

«سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران» اسامی دیگر کاندیداهای خود در شهرستان‌های زیر را اعلام داشت: خرمشهر: شویر معیل، بهبهان: ناصر لیاپرست، آبادان: ملیحه السادات زهتاب مورانی، سید فاخر شجری، رامهرمز: بیژن شیروانی، خرم آباد: براتعلی رخشان، رشت: یوسف نصیری، لنگرود: زین العابدین کاظمی، انزلی: محمد خوش‌ذوق (خوش‌دل)، آستانه، سیاهکل و کیاشهر: شهروز رضایی‌نژاد، سیاهکل محله و شهنسوار و رامسر: شیخ‌هادی شیخ‌الاسلامیان.

ضمناً محمدعلی ایزدی از تهران از سوی گروه سیاسی «راه کارگر» به‌عنوان نامزد مجلس شورای عالی معرفی شده است.

«سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» اعلام داشت که دو تن از نامزدهای این سازمان علی‌رضا سیاسی آشتیانی و حسین روحانی ساعت ۳ عصر پنجشنبه این هفته در سالن ورزش دانشگاه صنعتی شریف سخنرانی خواهند کرد (روزنامه کیهان، چهارشنبه، ۸/ اسفند ۱۳۵۸، شماره ۱۰۹۴۰، ص ۹).

# نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۰۳

## پیوست ۴- در انتظار هیئت هفت نفره - روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۱۰۹

۱۳۵۹/۱/۱۵

### ایمان احبار کسور

#### مردم خارو به کارگران متحن هشدار دادند

مردم خارو به کارگران متحن هشدار دادند که در صورت عدم توجه به حقوق و دستمزد خود، ممکن است با مشکلات جدی مواجه شوند. ایشان تاکید کردند که کارگران باید با اتحاد و همبستگی، مطالبات خود را از کارفرمایان مطالب کنند.

#### درخواست گروهی از کارگران بر تشنه مفارقت

گروهی از کارگران به دلیل نارضایتی از شرایط کاری و دستمزد، درخواست مفارقت کرده است. این گروه اعلام کرد که در صورت عدم رسیدگی به مشکلاتشان، اقدام به ترک کار خواهند کرد.

#### مادر نیازار

#### برادر کسی

#### شهر فستک

#### سوهان یزی

#### حاجر ضاصوهانی ویران

#### سیبنا

#### شهر دوآله

#### پانویلا جیر

#### گر وهیهای تازه ای به لیست نامزدهای مجلس افزوده شدند

به گزارش روزنامه اطلاعات، هیئت هفت نفره برای بررسی نامزدهای مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است. در این هیئت، نامزدهای تازه ای به لیست نامزدها افزوده شده است. این نامزدها شامل افرادی با تحصیلات و تجربیات گوناگون است.

#### شیراز - سیوال - با پاری نور

در شیراز و سیوال، با پاری نور، اقدامات فرهنگی و اجتماعی در حال انجام است. این اقدامات شامل برگزاری کارگاهها، سمینارها و دورهمیهاست.

#### از همگامی با مسئولان عبدالرزاقی

روشنایان بزرگ همگامی با مسئولان عبدالرزاقی را در راستای پیشبرد اهداف ملی و انقلابی اعلام کردند. ایشان تاکید کردند که باید با همکاری و همبستگی، مشکلات کشور را حل و فصل کرد.

#### از همگامی با مسئولان عبدالرزاقی

روشنایان بزرگ همگامی با مسئولان عبدالرزاقی را در راستای پیشبرد اهداف ملی و انقلابی اعلام کردند. ایشان تاکید کردند که باید با همکاری و همبستگی، مشکلات کشور را حل و فصل کرد.

#### از همگامی با مسئولان عبدالرزاقی

روشنایان بزرگ همگامی با مسئولان عبدالرزاقی را در راستای پیشبرد اهداف ملی و انقلابی اعلام کردند. ایشان تاکید کردند که باید با همکاری و همبستگی، مشکلات کشور را حل و فصل کرد.

#### از همگامی با مسئولان عبدالرزاقی

روشنایان بزرگ همگامی با مسئولان عبدالرزاقی را در راستای پیشبرد اهداف ملی و انقلابی اعلام کردند. ایشان تاکید کردند که باید با همکاری و همبستگی، مشکلات کشور را حل و فصل کرد.

## ۲۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

هرکدام از انتخابات و مراجعه به آرای عمومی ملت که از زمان سرنگونی رژیم ضد خلقی شاهنشاهی به دست ملت تاکنون در این فاصله زمانی کوتاه (یک سال و اندی) شش بار جامه عمل پوشیده است، گامی است در استقرار و تحکیم نظام در ایران بعد از انقلاب و حرکتی است از نقش بر آب کردن نقشه‌های شیطانی، توطئه‌ها و دسایس جبهه واحد ضد انقلاب که مرکب از ایادی داخلی و خارجی امپریالیسم جهان‌خوار به سرکردگی آمریکا و پس مانده‌ها و تفاله‌های رژیم گذشته و دیگر جناح‌های ضد انقلاب و ضد ارتقای متعالی خلق‌های ایران است.

مرحله نخست انتخابات نمایندگان اولین مجلس که با تشکیل آن، حکومت عینی و عملی قانون در نظام جدید آغاز می‌شود، با انعکاس وسیعی از نقطه‌نظرهای گوناگون و از دیدگاه‌های احزاب و سازمان‌ها و مکاتیب سیاسی مختلف برگزار شد و به پایان آمد و طی آن هجده تن از سی نفر نمایندگان حوزه‌های رأی‌گیری تهران با اکثریت مطلق آرای مردم تهران به مجلس راه یافتند و ۲۴ تن از کل کاندیداهایی که دارای اکثریت نسبی آرای مردم هستند، در مرحله دوم انتخابات مجلس شرکت خواهند کرد. انتخابات پُرصدا و پر شبهه اولین مجلس شورای ملی در ایران بعد از انقلاب برانگیزنده و طرح‌کننده سؤالات و مسائلی است که با وجود پایان یافتن دور اول این انتخابات همچنان به قوت خود باقی است و پاسخی برای آنها پیدا نشده است و یا لاف‌پاسخ صریحی به این سؤالات و در مقابل این همه مسائل پیرامون این انتخابات ارائه نشده است.

در این میان تنها یک گره از گره‌های کور انتخابات مجلس شورای ملی گشوده شد و آن منطقه‌ای بودن انتخابات بود که از سوی شورای انقلاب مطرح شده بود و شورای انقلاب بر آن اصرار و پافشاری داشت که با انتقادهای پیاپی گروه‌ها و سازمان‌های گوناگون و درک مشکلات فراوان در این نوع انتخابات [روبه‌رو شد]، بعداً از سوی شورای انقلاب منتفی شد. لیکن در این رهگذر، حکایت دیگری آغاز شد و آن دو مرحله‌ای بودن انتخابات مجلس به جای منطقه‌ای بودن آن بود که از سوی شورای انقلاب مطرح شد و علی‌رغم مخالفت صریح گروه‌ها، سازمان‌ها و احزاب سیاسی و انقلابی ایران حتی تنی چند از اعضای شورای انقلاب، تصویب و در قانون انتخابات

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۰۵

مجلس شورای ملی گنجانده شد. حتی عدم موافقت رئیس شورای انقلاب و رئیس جمهوری میهنمان هم نتوانست گره از این معما بگشاید.

دیگر مسئله مهم و مطرح در انتخابات مجلس شورای ملی، تخلفات و تقلباتی است که گفته می‌شود در سراسر کشور - چه در مرحله تبلیغات و چه در مراحل رأی‌گیری و رأی‌خوانی - صورت گرفته است که اگر صحت داشته باشد، این گناه خطیر در یک امر اسلامی و در یک کشور اسلامی نابخشودنی است.

اسامی هجده تن از کاندیداهایی که اکثریت مطلق آرا را در جو انتخاباتی تهران به‌عنوان نمایندگان انتخابی مردم دارا شده‌اند، اعلام شده است. مسئله این است که در صورت رسیدگی درست به همه شکایات رسیده، آیا تغییری در لیست هجده نفری صورت خواهد گرفت یا نه؟

به هر حال انتخابات اولین مجلس شورای ملی ایران بعد از انقلاب با این همه سؤال و مسئله و با این همه شبهه و صدا در مرحله اول به انجام رسید. باید منتظر مرحله دوم بود و دید که در آن مرحله از انتخابات، برای راه یافتن بقیه نمایندگان مردم به مجلس چه پیش می‌آید. ناگفته نگذاریم که گروه‌های زیادی از مردم، در این جو سیاسی برای حفظ وحدت، برای اینکه ضد انقلاب و توطئه‌گران از اختلافات درونی جامعه سوءاستفاده نکنند و فرصت طعنه و توطئه نیابند، اصولاً از شکایات خود در مورد انتخابات مجلس و تخلفات و تقلباتی که صورت گرفته است، صرف‌نظر کردند و بعضاً شکایات خود را مطرح هم نکردند.

### حائزین اکثریت مطلق

۱- فخرالدین حجازی، ۲- حسن ابراهیم حبیبی، ۳- مهدی بازرگان، ۴- علی‌اکبر معین‌فر، ۵- سیدعلی خامنه‌ای، ۶- محمدجواد حجتی کرمانی، ۷- محمدجواد باهنر، ۸- سید حسن آیت، ۹- علی گلزاده غفوری، ۱۰- هادی غفاری، ۱۱- سید محمد خویینی‌ها، ۱۲- محمدعلی رجایی، ۱۳- علی‌اکبر ناطق نوری، ۱۴- اکبر هاشمی رفسنجانی، ۱۵- ابراهیم یزدی، ۱۶- اعظم علایی طالقانی، ۱۷- مصطفی چمران، ۱۸- عزت‌الله سبحانی.

## ۲۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

### حایزین اکثریت نسبی

این گروه از کاندیداهای تهران که حایز اکثریت نسبی قابل قبول برای شرکت در مرحله دوم انتخابات مجلس شورای ملی هستند، در دور دوم انتخابات مجلس شورای ملی در تهران کاندیدا خواهند بود.

- ۱- محسن مجتهد شبستری با ۹۴۱۰۷۸ رأی
- ۲- یدالله سحابی با ۸۶۸۷۴۵ رأی
- ۳- کاظم سامی با ۸۳۵۲۲۵ رأی
- ۴- خانم گوهرالشریعه دستغیب با ۸۳۱۷۲۲ رأی
- ۵- هاشم صباغیان با ۸۰۴۴۱۱ رأی
- ۶- محمد توسلی حجتی با ۷۴۷۶۶۷ رأی
- ۷- علی اکبر ولایتی با ۷۴۵۱۱۰ رأی
- ۸- محمدعلی هادی نجف آبادی با ۷۲۴۱۶۱ رأی
- ۹- حبیب الله عسکراولادی مسلمان با ۷۰۴۳۲۸ رأی
- ۱۰- عبدالمجید معادی خواه با ۶۸۶۲۰۵ رأی
- ۱۱- خانم فرشته هاشمی با ۶۷۲۳۶۸ رأی
- ۱۲- سید امانی همدانی با ۶۳۸۸۲۱ رأی
- ۱۳- محمد کاظم موسوی بجنوردی با ۶۲۳۹۰۰ رأی
- ۱۴- سید محمدباقر حسین لواسانی با ۶۱۸۰۲۰ رأی
- ۱۵- مهدی شاه آبادی با ۶۱۴۳۷۵ رأی
- ۱۶- محمد نجفی اسلامی با ۵۹۹۹۷۸ رأی
- ۱۷- سیف الله وحید دستجردی با ۵۸۳۳۹۴ رأی
- ۱۸- سید فتح الله بنی صدر با ۵۸۱۳۴۷ رأی
- ۱۹- محمدرضا توسلی با ۵۲۸۴۴۴ رأی
- ۲۰- مسعود رجوی با ۵۲۱۹۴۲ رأی
- ۲۱- سید اسدالله لاجوردی با ۵۰۹۹۲۹ رأی
- ۲۲- سیدرضا زواره‌ای با ۴۷۲۰۱۴ رأی

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۰۷

۲۳- احمد مولایی با ۴۶۹۰۷۵ رأی

۲۴- عبدالعلی بازرگان با ۴۵۵۷۲۷ رأی

### دیگر حائزین اکثریت نسبی

بقیه کاندیداهای حوزه‌های تهران که در زیر نامشان با تعداد آرای که به دست آورده‌اند، درج می‌شود. این گروه در دور دوم انتخابات نمی‌توانند کاندیدا شوند.

۲۵- نجفقلی حبیبی با ۴۵۳۳۷۰ رأی

۲۶- حسن تواناییان فرد با ۴۰۲۱۶۹ رأی

۲۷- ماه‌منیر رضایی با ۳۹۱۴۳۲ رأی

۲۸- مهدی ابریشمچی با ۳۹۰۶۸۳ رأی

۲۹- حسین کمالی با ۳۸۸۲۹۲ رأی

۳۰- مصطفی کتیرایی با ۳۸۰۲۰۱ رأی

۳۱- سید عبدالکریم حسینی لاهیجی با ۳۶۹۶۸۰ رأی

۳۲- مریم علایی طالقانی با ۳۶۸۹۴۳ رأی

۳۳- علی صادقی تهرانی با ۳۹۴۹۵۰ رأی

۳۴- اشرف ربیعی با ۳۱۹۰۸۹ رأی

۳۵- عذرا علوی طالقانی با ۳۰۸۵۴۱ رأی

۳۶- عباسعلی داوری سیف‌پور آذریا با ۲۹۶۱۹۵ رأی

۳۷- سید محمود کاشانی مصطفوی با ۲۸۶۳۰۰ رأی

۳۸- محمد ملکی با ۲۸۶۱۶۷ رأی

۳۹- علی محمد تشید با ۲۷۸۷۷۷ رأی

۴۰- محمد مدیر شانه‌چی با ۲۷۶۷۸۶ رأی

۴۱- مهدی هادوی با ۲۷۹۴۹۰ رأی

۴۲- پرویز یعقوبی با ۲۷۵۵۷۸ رأی

۴۳- علی‌اکبر مروارید با ۲۷۱۲۱۸ رأی

۴۴- مجید معینی با ۲۶۲۷۸۸ رأی

## ۲۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۴۵- علی اکبر پوراستاد با ۲۹۱۹۶۳ رأی
- ۴۶- مهدی ممکن ۲۵۱۶۷۹ رأی
- ۴۷- عباس آگاه اسماعیلی زاده ۲۳۸۱۲۱ رأی
- ۴۸- سید محمد سیدی کاشانی با ۲۴۲۳۱۸ رأی
- ۴۹- مریم فجر عضدانلو با ۲۲۱۸۳۱ رأی
- ۵۰- رقیه دانشگری با ۲۲۰۷۳۷ رأی
- ۵۱- علیرضا جعفری منصورى با ۲۱۹۵۰۵ رأی
- ۵۲- مصطفی مدنی با ۲۱۸۸۸۲ رأی
- ۵۳- معصومه شادمانی با ۲۰۷۸۷۶ رأی
- ۵۴- علی اصغر بهزادنی با ۲۰۷۸۶۸ رأی
- ۵۵- منوچهر هزارخانی با ۲۰۴۵۵۲ رأی
- ۵۶- کاظم حسینی با ۱۹۴۳۲۲ رأی
- ۵۷- حشمت‌الله رئیسی با ۱۸۹۲۰۶ رأی
- ۵۸- مستوره احمدزاده هروی با ۱۸۵۸۸۷ رأی
- ۵۹- غلامرضا آذرش گرگانی با ۱۸۰۸۵۴ رأی
- ۶۰- علی محمد فرخنده جهرمی (کشنگر) با ۱۷۸۴۵۶ رأی
- ۶۱- طاهره صفارزاده با ۱۷۷۲۶۹ رأی
- ۶۲- لطف‌الله پژمان با ۱۵۶۹۵۲ رأی
- ۶۳- سعید سلطانیپور با ۱۵۶۷۴۰ رأی
- ۶۴- سید محمود احمدی علون آبادی با ۱۴۹۶۹۱ رأی
- ۶۵- یزدان حاج حمزه با ۱۴۷۹۴۵ رأی
- ۶۶- جواد منصوری با ۱۴۴۹۰۸ رأی
- ۶۷- سید هیبت‌الله طیب غفاری با ۱۴۲۷۸۴ رأی
- ۶۸- مهدی حاج قاضی تهرانی با ۱۳۹۴۷۰ رأی
- ۶۹- جلال‌الدین آشتیانی با ۱۳۹۱۴۷ رأی
- ۷۰- علی دانش منفرد با ۱۳۸۰۰۲ رأی



نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۰۹

- ۷۱- اسدالله مبشری با ۱۱۷۷۰۰ رأی
- ۷۲- ابوالقاسم سرحدی زاده با ۱۰۷۱۹۵ رأی
- ۷۳- محمود مانیان با ۱۰۰۸۵۶ رأی
- ۷۴- محمدباقر شاپوری با ۸۸۵۰۹ رأی
- ۷۵- مرتضی آلاذپوش با ۱۷۰۷۴ رأی
- ۷۶- سید محمدباقر حسینی لواسانی با ۸۵۹۵۳ رأی
- ۷۷- عباسعلی کمالی اسلامی با ۷۷۱۷۷ رأی
- ۷۸- ابوالفضل میرشمس شهبهانی با ۷۲۶۷۰ رأی
- ۷۹- محمد صادقی با ۷۰۴۹۲ رأی
- ۸۰- علی قاسمی نراقی با ۶۹۰۲۸ رأی
- ۸۱- سید محمدحسین رسولی با ۶۶۰۲۷ رأی
- ۸۲- محمود احمدی با ۶۰۲۷۰ رأی
- ۸۳- آحمدرضا کریم حصارى با ۶۰۶۵۶ رأی
- ۸۴- مهدی عسکری با ۵۹۳۹۲ رأی
- ۸۵- نورالدین کشاورزی با ۵۸۸۰۷ رأی
- ۸۶- احسان الله طبری با ۵۵۳۵۲ رأی
- ۸۷- سید محمدعلی لواسانی با ۵۲۹۱۳ رأی
- ۸۸- حشمت الله مقصودی با ۴۸۶۵۶ رأی
- ۸۹- پروانه فروهر (حجت اسکندری) با ۴۷۷۲۵ رأی
- ۹۰- نظام الدین غباری با ۴۳۷۷۵ رأی
- ۹۱- عین الله جعفری جاسمی با ۴۲۵۶۰ رأی
- ۹۲- علی اصغر ایزدی با ۴۲۵۴۵ رأی
- ۹۳- عبدالکریم انواری با ۴۰۷۹۳ رأی
- ۹۴- محمدعلی صادق تهرانی با ۴۳۵۴۵ رأی
- ( نصیرالدین امیر صادقی) ۳۹۶۳۵ رأی
- ۹۵- سید علی بطحایی با ۳۹۲۴۱ رأی

## ۲۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۹۶- سید محمود عنایت با ۳۸۸۲۱ رأی
- ۹۷- سیاوش کسرایی با ۳۷۱۵۹ رأی
- ۹۸- سید ابوالقاسم هزاره‌ای با ۳۷۶۰۵ رأی
- ۹۹- عبدالصمد تقی‌زاده با ۳۷۹۰۷ رأی
- ۱۰۰- حسن افتخار اردبیلی با ۳۰۸۷۸ رأی
- ۱۰۱- سید محمد مهدی طباطبایی شیراز ۳۵۰۶۶ رأی
- ۱۰۲- محمد جعفری ماجینی با ۳۲۰۳۰ رأی
- ۱۰۴- مریم فرمانفرمایان (فیروز) با ۲۹۶۹۴ رأی
- ۱۰۵- علیرضا سپاسی آشتیانی با ۲۹۰۹۱ رأی
- ۱۰۶- مهری حیدرزاده با ۲۸۷۳۲ رأی
- ۱۰۷- حسین احمدی روحانی با ۲۷۵۱۴ رأی
- ۱۰۸- حسین احمدیان با ۲۶۹۷۶ رأی
- ۱۰۹- فاطمه ایزدی با ۲۶۸۴۸ رأی
- ۱۱۰- سید ناصر فریدنیا با ۲۶۸۱۰ رأی
- ۱۱۱- سید مصطفی میرخانی با ۲۹۹۲۰ رأی
- ۱۱۲- محمدحسین لباسچی با ۲۹۲۲۰ رأی
- ۱۱۳- ابراهیم کریم آبادی با ۲۶۰۴۸ رأی
- ۱۱۴- علی محمد عرب با ۲۴۵۰۲ رأی
- ۱۱۵- اصغر اصغرزاده پارسا با ۲۲۳۹۹ رأی
- ۱۱۶- پرویز ورجاوند ناصری با ۲۲۱۸۱ رأی
- ۱۱۷- منوچهر بهزادی با ۲۲۵۵۶ رأی
- ۱۱۸- عزت‌الله خلیلی با ۲۴۵۴۷ رأی
- ۱۱۹- فرج‌الله میزانی با ۲۰۰۶۹ رأی
- ۱۲۰- علی عدالت‌فام با ۱۹۲۹۸ رأی
- ۱۲۱- عبدالحسین حق‌پناه با ۱۹۲۴۰ رأی
- ۱۲۲- زین‌العابدین شعبانی‌نیا با ۱۸۹۱۶ رأی

نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۱۱

- ۱۲۳- مصطفی هرمان با ۱۸۵۹۰ رأی  
۱۲۴- ملک تاج محمدی با ۱۸۲۳۰ رأی  
۱۲۵- هوشنگ شهلائی با ۱۸۰۷۰ رأی  
۱۲۶- محمود سید روغنی با ۱۷۹۱۸ رأی  
۱۲۷- نورعلی تابنده با ۱۷۷۷۶ رأی  
۱۲۹- سیدرضا هاشمی نجفآبادی با ۱۷۳۹۹ رأی  
۱۳۰- رفعت محمدزاده کوکری با ۱۷۲۸۰ رأی  
۱۳۱- هوشنگ ناظمی زاهدانی (امیر نیک‌آیین) با ۱۶۹۸۹ رأی  
۱۳۲- منوچهر مسعودی با ۱۶۹۷۲ رأی  
۱۳۳- سید محمدعلی سادات خسروی با ۱۶۹۴۳ رأی  
۱۳۴- سید جبار صفوی با ۱۶۹۱۵ رأی  
۱۳۵- عبدالعلی عزیز برومند با ۱۶۰۸۰ رأی  
۱۳۶- حسین شفیعی علویه با ۱۵۹۴۸ رأی  
۱۳۷- محمود نکوروح مطلق با ۱۵۹۷۱ رأی  
۱۳۸- سید بابک زهرایی با ۱۵۴۳۹ رأی  
۱۳۹- حمید ذوالقدر با ۱۵۱۴۰ رأی  
۱۴۰- محمدکاظم رضایی با ۱۵۰۶۷ رأی  
۱۴۱- حسین دین‌پرور با ۱۴۳۵۲ رأی  
۱۴۲- سید ابراهیم سکایی با ۱۳۶۹۵ رأی  
۱۴۳- بهروز برومند با ۱۲۴۶۶ رأی  
۱۴۴- عبدالحمید مصدق با ۱۲۲۷۱ رأی  
۱۴۵- سید محمدعلی میرداماد اصفهانی با ۱۲۱۷۲ رأی  
۱۴۶- نعمت غلاموند با ۱۲۰۳۲ رأی  
۱۴۷- حسن شهیدی با ۱۲۰۲۴ رأی  
۱۴۸- سید بهاء‌الدین غروی با ۱۱۷۵۰ رأی  
۱۴۹- محمدرضا اسلامی با ۱۱۶۳۳ رأی

## ۲۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۱۵۰- مصطفی رضایی با ۱۱۵۰۵ رأی  
۱۵۱- احمدعلی بابایی با ۱۰۷۴۸ رأی  
۱۵۲- ابوالقاسم رفیعی با ۱۰۶۷۸ رأی  
۱۵۳- مصطفی هوشیار آب قلعه با ۱۰۳۷۴ رأی  
۱۵۴- عبدالله کرباسیان با ۱۰۰۸۳ رأی  
۱۵۵- مهدی شایسته با ۱۰۰۴۱ رأی  
۱۵۶- غیاث‌الدین جزایری با ۹۷۲۶ رأی  
۱۵۷- باقر مولایی تهرانی با ۱۵۴۷۰ رأی  
۱۵۸- عبدالحسین خلیلی ۹۴۵۹ رأی.  
۱۵۹- عباس دوزدوزانی با ۹۲۲۷ رأی  
۱۶۰- محمد مهدی کدخدایی با ۹۲۸۹ رأی  
۱۶۱- حسن انصاری با ۸۵۸۷ رأی  
۱۶۲- مصطفی اربابی با ۸۵۳۶ رأی  
۱۶۳- خلیل آذریا ۸۴۹۸ رأی  
۱۶۴- نصرت‌الله میثمی با ۸۱۱۵ رأی  
۱۶۵- پرویز نوخیز با ۸۹۰۰ رأی  
۱۶۶- احمد شهاب با ۷۴۲۳ رأی  
۱۶۷- سید جلال‌الدین مدنی گرشاسبی با ۶۹۵۲ رأی  
۱۶۸- سید محمدرضا آقامیر محمدعلی با ۶۹۰۷ رأی  
۱۶۹- مهدی شهید کلهری با ۶۷۹۲ رأی  
۱۷۰- رحیم خوشدل سخنور با ۶۷۰۸ رأی  
۱۷۱- اسدالله نورصالحی با ۶۵۳۱ رأی  
۱۷۲- غلامعلی ملول با ۶۲۷۵ رأی  
۱۷۳- سید احمد فردید با ۶۱۶۵ رأی  
۱۷۴- خسرو سیف با ۶۰۸۸ رأی  
۱۷۵- علی راسخ افشار با ۶۰۶۵ رأی

نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۱۳

- ۱۷۶- عباس زمانی با ۶۰۳۴ رأی  
۱۷۷- علی اصغر کریمی با ۶۰۲۰ رأی  
۱۷۸- مهدی شریفزاده اکباتان با ۵۵۷۱ رأی  
۱۷۹- رحیم عابدی با ۵۴۷۵ رأی  
۱۸۰- محمدحسین محمدزاده تهرانی با ۵۷۲۸ رأی  
۱۸۱- غلامعباس شمس با ۵۲۳۶ رأی  
۱۸۲- اصغر زارع با ۵۰۷۵ رأی  
۱۸۳- سید ضیاء دهخوارقانی با ۵۰۴۲ رأی  
۱۸۴- سیدعلی مهاجرانی با ۵۰۷۳ رأی  
۱۸۵- مصطفی قرپور قوچانی با ۵۰۵۹ رأی  
۱۸۶- فریدون گلچین ۴۹۹۹ رأی  
۱۸۷- کاظم صمدیان ۴۸۸۸ رأی  
۱۸۸- گلستان سیاوش ۴۸۷۹ رأی  
۱۸۹- علی حیدری ۴۸۰۸ رأی  
۱۹۰- مرتضی تاجیکی ۴۶۲۴ رأی  
۱۹۱- سید مهدی آستانه با ۴۵۷۵ رأی  
۱۹۲- مهرداد ارفعزاده رودسری ۴۵۱۴ رأی  
۱۹۳- حسن تهرانچی ۴۳۰۶ رأی  
۱۹۴- ایرج هاشمی ۴۲۹۰ رأی  
۱۹۵- محمود آیت‌اللهی ۴۲۴۵ رأی  
۱۹۶- مهدی پازوکی ۴۱۳۹ رأی  
۱۹۷- شهره امین ۴۰۶۵ رأی  
۱۹۸- حسین اقبالی ۴۰۶۲ رأی  
۱۹۹- علی اکبر ابراهیمی نژاد ۳۹۶۸ رأی  
۲۰۰- امیرناصر محبی آذر ۳۹۴۹ رأی  
۲۰۱- حسین اسماعیل خان طلایی ۳۹۰۳ رأی

## ۲۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۲۰۲- سید محمد اسماعیل طالب شهرستانی ۳۸۱۶ رأی
- ۲۰۳- حسن فاطمی ۳۷۹۲ رأی
- ۲۰۴- محمد حکمی ۳۷۰۵ رأی
- ۲۰۵- احمد حسابی ۳۶۳۴ رأی
- ۲۰۶- محمد کریم عابدی ۳۶۱۷ رأی
- ۲۰۷- سید ناصر موسوی ۳۶۰۹ رأی
- ۲۰۸- احمد جلالی مقدم ۳۵۹۵ رأی
- ۲۰۹- رضا گودرزی ۳۵۸۳ رأی
- ۲۱۰- علی عمرانی ۳۵۷۰ رأی
- ۲۱۱- سیدهادی اولیایی ۳۴۸۷ رأی
- ۲۱۲- سید محمد ابوتراب طباطبایی ۳۴۷۱ رأی
- ۲۱۳- اصغر قائم مقامی ۳۴۵۰ رأی
- ۲۱۴- یوسف ذوقی ۳۳۹۸ رأی
- ۲۱۵- محمد روحی ۳۳۷۲ رأی
- ۲۱۶- حسن میرمحمد صادق ۳۲۸۷ رأی
- ۲۱۷- بهمن بوربور ۳۲۷۲ رأی
- ۲۱۸- غلامعلی کریمی اصفهانی ۳۲۴۹ رأی
- ۲۱۹- نصرالله جمشیدی ۳۲۱۱ رأی
- ۲۲۰- مینا ملک‌زاده ۳۱۹۴ رأی
- ۲۲۱- ابراهیم عینکچی ۳۱۷۵ رأی
- ۲۲۲- نقی سید خاموشی ۳۱۷۲ رأی
- ۲۲۳- سید مهدی سیادت ۳۱۲۷ رأی
- ۲۲۴- منصور فدایی ۳۱۱۹ رأی
- ۲۲۵- علی دادگستر ۳۱۱۱ رأی
- ۲۲۶- فریدون بشارتی ۳۱۰۱ رأی
- ۲۲۷- حسین مرادی ۳۰۹۵ رأی

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۱۵

- ۲۲۸- جمشید توانا ۳۰۸۱ رأی
  - ۲۲۹- سعید پارسی ۲۹۳۱ رأی
  - ۲۳۰- محمد عبدی فرجو ۲۷۹۳ رأی
  - ۲۳۱- منصور تابش ۲۷۴۵ رأی
  - ۲۳۲- احسان‌الله نیکو ۲۷۳۴ رأی
  - ۲۳۳- رسول طهماسبی ۲۷۳۴ رأی
  - ۲۳۴- منوچهر اسکندری ۲۷۲۶ رأی
  - ۲۳۵- سعید باباخانی الیموری ۲۷۰۰ رأی
  - ۲۳۶- خلیل طلائی ۲۶۷۹ رأی
  - ۲۳۷- جعفر محمد حسینی ۲۶۱۱ رأی
- ادامه مطلب در روزنامه، افتادگی دارد.

### پیوست ۵- نمونه‌ای از اعتبارنامه نمایندگان مجلس

بسمه تعالی

اعتبارنامه نمایندگی مجلس شورای ملی

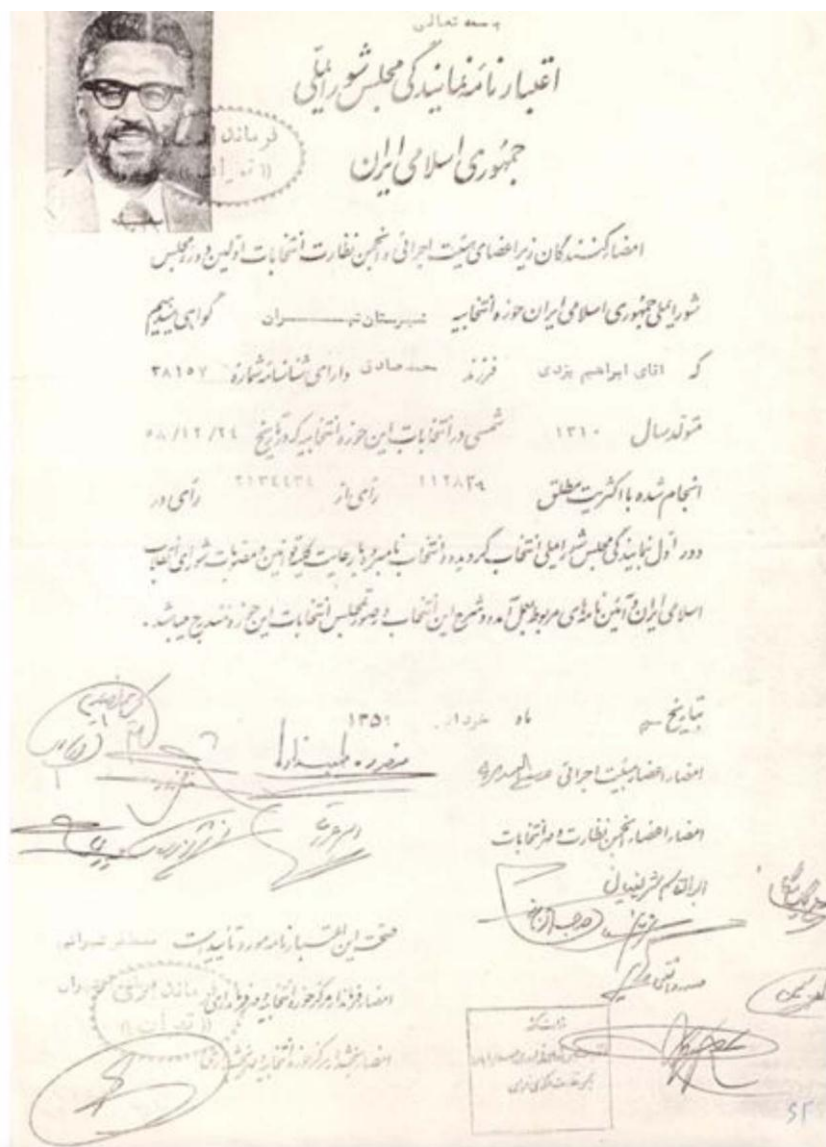
جمهوری اسلامی ایران

امضاکنندگان زیر، اعضای هیئت اجرایی و انجمن نظارت انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران حوزه انتخابیه شهرستان تهران گواهی می‌دهم که آقای ابراهیم یزدی، فرزند محمدصادق، دارای شناسنامه شماره ۳۸۱۵۷ متولد سال ۱۳۱۰ شمسی در انتخابات این حوزه انتخابیه که در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۴ انجام شده با اکثریت مطلق ۱۱۲۸۳۰۴ رأی از ۲۱۳۴۴۳۴ رأی در دور اول به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و انتخاب نامبرده با رعایت کلیه قوانین و مصوبات شورای انقلاب اسلامی ایران و آیین‌نامه‌های مربوط به عمل آمده و شرح این انتخاب در صورت مجلس انتخابات این حوزه مندرج می‌باشد.

به تاریخ سوم ماه خرداد سال ۱۳۵۹

اعضای هیئت اجرایی

امضای اعضای انجمن نظارت و مهر انتخابات - ابوالقاسم شریفیان



پیوست ۶- در جلسه علنی مجلس عنوان شد: آمریکا می‌خواهد عراق، ترکیه و  
شیخ‌نشین‌ها را برای حمله به ایران بسیج کند



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۱۷

در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی که ساعت ۹:۳۰ صبح امروز (دیروز) به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، پیش از آنکه سخنان قبل از دستور آغاز شود، آقای سلامتیان به‌عنوان تذکر آیین‌نامه‌ای به استناد ماده ۵۹ گفت: دستور جلسات باید یک هفته قبل آماده باشد که به دلیل جا نیفتادن مجلس، این کار انجام نمی‌شود و به همین ترتیب ما تا حالا به ۲۴ ساعت قناعت کرده بودیم. در جلسه گذشته قرار بود پرونده من در جلسه بعد رسیدگی شود و حالا استدعا دارم با توجه به پایان رسیدن فرصت قانونی، همین امروز به اعتبارنامه من رسیدگی شود. آقای دکتر یزدی تذکر داد که پرونده ایشان یک بار در کمیسیون تصویب شده است، ولی مجدداً از طرف بعضی از اعضای کمیسیون تصویب شده است، ولی از طرف بعضی از اعضای کمیسیون تقاضا شد مجدداً در کمیسیون مطرح شود؛ زیرا ایراد فنی در آن بود و این ایراد به این صورت بود که طبق آیین‌نامه باید نصف به علاوه یک اکثریت اعضای کمیسیون، اعتبارنامه را تصویب می‌کردند، اما برای تصویب ۷ رأی موافق بیشتر نداشته است؛ حال آنکه باید از ۱۴ نفر عدد حاضر ۸ نفر رأی موافق می‌دادند. رئیس مجلس یادآور شد که تقاضای آقای سلامتیان بر حق است و از کمیسیون تحقیق می‌خواهیم که گزارش خود را اصلاح کنند تا بتوانیم اعتبارنامه را در جلسه علنی مطرح کنیم.

### تلاش ابرقدرت‌ها به جایی نخواهد رسید

نخستین سخنران قبل از دستور، آقای قائمی نماینده بابل طی سخنانی گفت: عرایض خود را در شش نکته خلاصه می‌کنم. دو نکته مسئله خارج، دو نکته مسئله داخل و دو نکته مربوط به حوزه انتخابی‌ام. در مورد دو نکته اول مربوط است به دو ابرقدرت آمریکا و شوروی. مسئله این است که انقلاب ما پیروز شد و این وعده خدا بود در جهت حق مستضعفان و لذا به اینها می‌گویم علیه انقلاب ما که خواست خداست جبهه نگیرند و به عوامل خود دستور ندهند که توطئه بکنند. کمبود تصنعی ایجاد نکنند و این قدر ناشیانه علیه جمهوری اسلامی ما نایستند که کار انقلاب ما از این حد گذشته است. سخن دومم خطاب به کشورهای اقماری این دو ابر قدرت است که بیایند چون مردم ایران آزاده و آزادمرد باشند و این قدر قوانین بین‌المللی را به رخ ما نکنند؛ زیرا وجود «حق و تو» مبین این است که ابرقدرت‌ها دلشان به حال ما نمی‌سوزد.

اما در مسئله‌ای که مربوط به کشورمان است اینکه ما برخلاف شایعه‌سازان که منفی‌بافی‌هایی علیه انقلاب دارند معتقدیم که در همین مدت کوتاه فعالیت‌های انقلابی انجام شده که از آن جمله پاکسازی ادارات، تعطیل اماکن فساد، حفظ خزائن مملکت، تعدیل مالیات، تعدیل ثروت، ملی کردن بانک‌های کشور، تقویت کشاورزی که امسال کشور ما از لحاظ گندم و نیاز گندم به خارج بی‌نیاز است. ایجاد سپاه پاسداران و ایجاد ارتش بیست میلیونی از همه مهم‌تر ایجاد میل به شهادت در نسل ما، همه از نکته‌های مثبتی است از پیروزی انقلابمان. اما نکته‌دوم اینکه من مطمئن هستم اکثر دولتمردان ما خدمتگزار هستند و بسیاری از خلافت‌کاری‌هایشان از روی قصور است، ولی به هر حال فراموش نکنیم که بعضی از قصورها موجب لطماتی برای کشور است که گاهی غیرقابل جبران است و اگر احیاناً قصوری شده از مردم عذرخواهی شود. از جمله با وجود گذشت بیست ماه از انقلاب هنوز کتاب‌های درسی در جریان ارزیابی است. هنوز در برخی از موارد روابط بر ضوابط حکومت می‌کند و هنوز موضع دولت در برابر گروهک‌های خلقی و غیرخلق‌ی مشخص نیست. ناطق سپس به بسیاری از اخلاص‌گری‌های بعضی از عوامل و نارسائی‌های موجود در ادارات و عدم کنترل دروازه‌های دولت و عدم رعایت حجاب اسلامی در هواپیمایی ملی ایران و رفتار بانک‌های کشور و مسائل دیگر اشاره کرد و نتیجه گرفت که ما باید خودمان به پیشواز مسائل برویم و منتظر نباشیم که امام به نارسایی‌ها اشاره کند. ناطق آنگاه به مشکلات و کمبودهای حوزه انتخابیه خود از جمله فقدان آب و بهداشت و غیره اشاره کرد و خواستار تأمین نیازهای رفاهی منطقه خود شد.

#### شایسته نبود

ناطق بعدی آقای محمدتقی بشارت، نماینده سمیرم اظهار داشت: با پذیرفتن این مسئولیت برای رسیدن به قدرت و مال و دولت به این مجلس نیامده‌ایم، بلکه برای پاسداری از مکتب و حفظ دستاوردهای انقلاب و تداوم آن و گسترش و صدور انقلاب بر آن شده‌ایم که با خلوص نیت این مسئولیت را بپذیریم. پس ما باید با کمک گرفتن از الهامات الهی همان‌طور که امام امت می‌فرمایند خداوند ما را یاری می‌کند.

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۱۹

این است که ما هم نیازمند تقوا هستیم و هر قدر سیاستمدار و فنی باشیم، در مقابل شبکه پیچیده سیاستمداران شرق و غرب، قدرت مقابله نداریم و اما اگر خلوص و تقوا باشد، خدا ما را یاری خواهد کرد؛ پس ما باید بیش از پیش از رفتار غیراسلامی در مجلس خودداری کنیم. در جلسه قبل، مسئله‌ای پیش آمد که شایسته ما نبود و یکی از نمایندگان به یکی از تماشاچیان جسارتی کرد و این شایسته نبود؛ زیرا اینها بودند که ما را به مجلس آورده‌اند و من از محضر ریاست مجلس استدعا می‌کنم که هر روز به تماشاچیان تذکر بدهند که وظیفه خود را بدانند.

### اسباب شرمندگی

وی افزود: وجود همین برادران و خواهران، پشت میله‌های مجلس که به انتظار دیدار با وکلا می‌ایستند، اسباب شرمندگی است و امیدوارم هرچه زودتر این مشکل آنها حل شود.

مسئله دیگری که این روزها مطرح شد سر و صداهایی است که شیطان بزرگ می‌خواهد عراق، ترکیه و شیخ‌نشین‌ها را بسیج کند تا به ما حمله کنند، اما همان‌طور که امام فرمودند کاری از آنها بر نمی‌آید. اما به هر حال ملت ما باید بداند این درست است که ما در شرق و غرب یک دولت دوست نداریم، اما ملت‌ها با ما هستند. این جالب است که ۴۰۰ زندانی در عربستان یکصد فریاد الله اکبر سر دادند و این پشت حکومت عربستان را لرزاند. این مسئله مهمی است که وقتی صدای عربی رادیوی ایران در کشورهای عربی پخش می‌شود کارگران آن را ضبط می‌کنند تا در فرصت مناسب سخنان امام را بشنوند. الآن در بسیاری نقاط، نهضت اسلامی شکل گرفته است؛ حتی این مردم اعتراض داشتند که چرا وزیر خارجه ما باید با حکومت‌های فاسد آنها مذاکره کند. به هر حال من صراحتاً بگویم اینها هرگز جرئت حمله به ایران را ندارند؛ زیرا در کشورهای خود پایگاهی ندارند.

### مسئولان غیر مکتبی

سومین سخنران، آقای اسلامی‌نیا نماینده مردم اهواز گفت: یکی از مطالبی که از ابتدای انقلاب تاکنون به حرکت انقلابی ما ضربه زده است، انتخاب مسئولان غیر مکتبی بوده

## ۲۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

است و این بزرگ‌ترین خطری است که انقلاب ما را تهدید می‌کند. اولاً تا ولایت فقیه است هیچ خطی جز خط امام مورد پذیرش نیست و اینکه خط من، خط من بگویند قابل پذیرش نیست. پس این خط من گفتن را بگذاریم کنار و یک مقدار به این ملت صادق توجه بشود. ما انقلاب نکرده‌ایم که بانک‌های ما سیستم غربی باشد؛ یا سفارتخانه‌های ما چنان باشد که همه می‌دانیم. کجای سیستم اقتصادی ما اسلامی است؟ ملت ما از این مسائل نخواهد گذشت.

مسئله دیگر این که مردم را باید در جریان امور قرار داد. رسانه‌های گروهی موظفند مسائل را بخصوص آنچه در کردستان می‌گذرد در اختیار مردم بگذارند. در مورد حوزه انتخابیه خود چند کلمه‌ای بگویم. گرچه که می‌دانم کوچک‌ترین اثری ندارد. ناطق سپس به مشکلات منطقه و تبلیغات کشورهای همسایه اشاره کرد که چگونه از فقر مردم منطقه ما سوءاستفاده می‌شود. این ننگ است که در منطقه اهواز به وسیله مردم فقیر منطقه ما با دریافت پانصد تومان از ضد انقلاب و اجنبی انفجار به پا کنند.

### تجلیل از شهید عراقی

آخرین سخنران، آقای دری نماینده اردل طی سخنانی گفت: سختم را در سه جمله خلاصه می‌کنم: سخن اولم سالگرد شهادت حاج آقا عراقی است: مردی که از سال ۱۳۴۲ همواره در کنار امام و همراه با امام [بود] و بعد [از] اعدام انقلابی منصور خائن، مقاومت و استقامتش در برابر جلادان شاه در زندان بسیار جالب توجه است. ناطق سپس به ابتکارات و فعالیت‌های ثمربخش مرحوم حاج عراقی در زندان اشاره کرد و آنها را ستود.

وی افزود: در رابطه با پیام نوروزی امام بزرگوار، دو مسئله به چشم می‌خورد: یکی امنیت و یکی رسیدگی به وضع مستضعفین. در مورد امنیت باید بگویم امپریالیسم جهانخوار می‌کوشد که نگذارد ایران ثبات سیاسی به خود بگیرد و لذا با توطئه‌های مختلف، سعی می‌کند مانع از پیروزی انقلاب ما شود. ناطق سپس به مسائل مربوط به چگونگی عملکرد شهربانی، سپاه پاسداران و ژاندارمری اشاره کرد و وظایف مسئولان

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۲۱

را نسبت به روش‌هایی که باید درباره زندانیان اتخاذ کنند، یادآور شد و در مورد دادرهای انقلاب، ارتش و جهاد سازندگی به ناهماهنگی این سازمان‌ها اشاره کرد و گفت: اینها باید در مرز به وظایف و مسئولیت‌های خود عمل کنند تا نتیجه کارشان مؤثر باشد.

### لایحه تمدید مدت پاکسازی

پس از پایان سخنان آقای اسدی‌نیا، مجلس وارد دستور شد و ماده واحده‌ای برای تمدید لایحه قانونی پاکسازی مطرح شد که به مدت شش ماه دیگر تمدید شود. در مخالفت دو فوریتی بودن لایحه، مهندس سبحانی گفت: مسئله پاکسازی امری مهم و حیاتی است؛ منتها در جریان تجربه اجرایی در اثر اینکه ضوابط مشخصی نبوده است، هیئت‌های پاکسازی، شیوه‌های مغایر و مختلفی داشته‌اند؛ تا آنجا که به جای پاکسازی افراد ضد انقلاب، افراد صدیق دارند پاکسازی می‌شوند؛ لذا لازم است یک تجدیدنظر کلی در آن بشود و این کار به هیچ وجه موجب عقب افتادن کار نمی‌شود و سازمان‌ها می‌توانند کسانی را که لازم است کنار گذاشته شوند، آنها را بازنشسته کنند. بعد به کارشان رسیدگی شود.

آقای خلخالی در موافقت با دو فوریت لایحه گفت: اگر این کار را امروز انجام ندهیم و لایحه را امروز تصویب نکنیم، ضد انقلاب در ادارات رشد خواهد کرد؛ مثلاً مسئله حجاب با وجود اینکه فرمان امام است، ولی بعضی ادارات به هیچ وجه رعایت نمی‌کنند. در مورد پاکسازی هم باید بگویم نباید ناراضی‌تراشی کرد و کسی را به این دلیل که روزگاری اشتباهی کرده است از نان خوردن محروم کرد. پس از آن، نسبت به دو فوریت بودن لایحه رأی گرفتند و تصویب نشد و برای تحقیق به کمیسیون مربوط ارجاع شد.

### لایحه مخالف قانون اساسی

سپس طرح دو فوریتی مربوط به نمایندگان تقدیم مجلس شد که عبارت بود از اینکه نمایندگانی که به ضرورت، سمت دولتی می‌پذیرند بتوانند پس از استعفا از سمت دولتی با خاتمه یافتن مدت مأموریت، مجدداً به مجلس بازگردند و کرسی آنها محفوظ

## ۲۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

باشد. در مخالفت با این طرح آقای آیت به استناد بعضی از مواد قانون اساسی اظهار داشت، اصولاً این لایحه قابل طرح در مجلس نیست و در این مورد ضمن تأیید نظر آقای آیت چند تن از نمایندگان تذکراتی دادند. رئیس مجلس نتیجه گرفت که مجلس به این نتیجه رسیده است که طرح این مسئله مخالف روح قانون اساسی است. در نتیجه به پیشنهاد آقای هاشمی رأی گرفتند به اینکه کسانی که نظرشان این است که این طرح مخالف قانون است، قیام کنند. اکثریت رأی داد که مخالف قانون اساسی است و لذا از طرح لایحه در مجلس صرف نظر شد.

### نظارت بر طرح و چاپ اسکناس

سپس طرح دو فوریتی دیگر در مورد ترمیم نقایص در پاسگاه‌ها و مرزها و جاده‌ها در غرب کشور مطرح شد که با دو فوریتی بودن طرح، ضمن توضیحات و تذکرات چند تن از نمایندگان رأی گرفتند که فوریت آن تصویب شد. همچنین رئیس مجلس تذکر داد که امام فرموده‌اند در مورد چاپ اسکناس، مجلس باید مداخله کند و در نتیجه طی نامه‌ای به بانک مرکزی این موضوع اعلام شد و بر اساس این نامه بانک مرکزی گزارشی به مجلس داده است که کمیسیون مربوطه باید در مورد چاپ اسکناس و طرح‌های روی آن، بررسی‌های لازم را انجام دهد. جلسه علنی در ساعت ۱۲:۳۰ خاتمه یافت.

پیوست ۷- مجلس، اعتبارنامه سلامتین را تصویب کرد - روزنامه کیهان، ۸ شهریور ۱۳۵۹

جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس شورای اسلامی ساعت ۹:۳۰ دقیقه با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. در این جلسه، اعتبارنامه سلامتین مطرح و مورد رسیدگی قرار گرفت و تصویب شد و طرح دو فوریتی ترمیم نواقص جاده‌ها و پاسگاه‌های مرزی با حضور اعضای شورای نگهبان بررسی شد.

پس از پایان یافتن نطق‌های قبل از دستور، دکتر یزدی مخبر کمیسیون تحقیق، گزارش این کمیسیون را در مورد احمد سلامتین به شرح زیر قرائت کرد: پرونده آقای

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۲۳

سلامتیان که به علت اعتراض و مخالفت آقای فؤاد کریمی به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. آقای فؤاد کریمی در کمیسیون حضور به هم رسانید و موارد اعتراض و مخالفت خود را بیان داشت. آقای احمد سلامتیان در جلسه کمیسیون حاضر شد و به موارد اعتراض جواب دادند. کمیسیون تحقیق بعد از استماع و توضیحات آقای سلامتیان، اعتبارنامه ایشان را تصویب کرد. دکتر یزدی همچنین اضافه کرد که در کمیسیون تحقیق چهارده نفر شرکت داشتند که ۷ رأی موافق، ۴ رأی مخالف و ۳ رأی ممتنع به این اعتبارنامه دادند.

سپس در مورد این گزارش، بحث زیادی بین نمایندگان شد. علت بحث این بود که بنا به تصریح آیین‌نامه داخلی بایستی که این اعتبارنامه رد تلقی می‌شد؛ به خاطر اینکه بایستی اکثریت مطلق آرا را حایز می‌شد تا به عنوان تصویب تلقی گردد و لازمه‌اش آوردن ۸ رأی از ۱۴ رأی بوده است.

در همین زمینه ماده‌های ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ آیین‌نامه داخلی مورد بحث قرار گرفت. سلامتیان معتقد بود که ماده ۱۳ عام است و ماده ۱۴ خاص و در ماده ۱۴ در مورد کمیسیون‌ها و نحوه رأی‌گیری آن صحبت به عمل آمده است و در اینجا طبق روال بایستی همیشه خاص را انتخاب کرد.

در مقابل حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای استدلال کرد که ماده ۱۴ عام است و ماده ۱۳ خاص و لذا اکثریت مطلق بایستی منظور گردد و این اعتبارنامه رد شده تلقی شود.

دکتر هادی، اجرای ماده ۱۵ آیین‌نامه را خواستار شد که بر این مبنا اگر پرونده اعتبارنامه فردی بیش از حد معین در کمیسیون تحقیق طول بکشد، نماینده مذکور حق دارد که بخواهد پرونده‌اش در مجلس رسیدگی شود و این امر را سلامتیان از مجلس خواسته بود.

حجت‌الاسلام شبستری در مورد تفسیر آیین‌نامه معتقد بود که بر این اساس این رأی حکم لارایی بایستی تلقی گردد.

بالاخره بعد از بحث‌های مفصل از نمایندگان رأی‌گیری به عمل آمد که صرف‌نظر از همه این مسائل وارد بحث شوند.

## سخنان مخالف

پس از این، فؤاد کریمی، نماینده اهواز که به این پرونده اعتراض کرده بود، به عنوان مخالف، دلایل مخالفت خود را با این اعتبارنامه به شرح زیر بیان کرد. وی گفت: علت اعتراض براساس وظیفه شرعی بود. از زمان تشکیل مجلس خبرگان با مقالات «روزنامه انقلاب اسلامی» آشنا شدم. در قسمت بحث‌های حقوقی که مسئول مستقیم آن آقای سلامتیان بود، اگر مطالعه کنید رویه این روزنامه را بر علیه مجلس خبرگان می‌بینید؛ مخصوصاً مقالات این روزنامه که بر علیه ولایت فقیه بود خشم همه را برمی‌انگیخت. ایشان مقاله‌ای تحت عنوان «ولایت فقیه و استالینسم» نوشته است که ولایت فقیه را با دیکتاتوری استالین مقایسه کرده است. بعد که رفتند به رادیو و تلویزیون که به دستور امام از رادیو و تلویزیون تصفیه شدند. آشنایی من همچنین از طریق مقاله‌ای بود که در «روزنامه صبح آزادگان» چاپ شده بود. همچنین اسنادی از «مرکز انقلاب اسلامی» فرستاده شده است و عده‌ای از برادران رادیو و تلویزیون و برادران خارج از کشور نیز حاضر به شهادت هستند که اگر خواستند شهادت بدهند در میان تماشاچیان هستند. ایشان به‌طور کلی به دلیل شهرت به فساد و نادرستی سیاسی و عدم اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی، صلاحیت ندارند دلایل آن به شرح زیر است.

مبارزه ضد استعماری و ضد استثمار ما دین اسلام بوده است. استعمار با پیش انداختن ملی‌گرایی و مدعیان سوسیال دموکراسی، مسیر مبارزات را منحرف کرده و جنایات اینها به مسلمین کمتر از مستبدین نبوده است. شیخ فضل‌الله نوری به دست این عده بر سر دار رفت. رضاخان به دست این افراد روی کار آمد. مشروطیت به دست ایشان منحرف شد. نهضت عظیم نفت به دست این افراد دچار شکست شد.

کریمی آنگاه در مورد سران جبهه ملی از جمله شاهپور بختیار، الله‌یار صالح، ابوالفضل قاسم و کریم سنجابی صحبت کرد و خیانت‌های آنان را تشریح کرد. وی در مورد سنجابی گفت که در زمان تصدی ایشان در وزارت خارجه، تمام اسناد سری به «روزنامه آیندگان» داده شده است و آقای سلامتیان در آن هنگام معاون ایشان بود و مسئول این فساد سیاسی نیز هستند. ایشان رفراوندوم قانون اساسی را تحریم کرده است و ولایت فقیه را قبول ندارد. وی در کمیسیون تحقیق از سنجابی تعریف و تمجید کرده



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۲۵

است و کدام مسلمان آگاه است که نفهمد سنجابی کیست. اگر امام می‌فرماید اینها بروند گم شوند، اگر امام می‌گوید تمام بدبختی ما از اینها است، منظور اینها هستند و آقای سلامتیان حدود سی سال فعالیت خویش را در این سازمان گذرانده‌اند؛ در «جبهه ملی» بودند، خوب خیلی‌ها بوده‌اند، ولی مهم این است که در چه گروه بوده است، متهم است.

کریمی در اینجا گزارشی که از «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» در مورد سلامتیان فرستاده شده بود، قسمت‌هایی را قرائت کرد. براساس این گزارش، سلامتیان «روزنامه پیام دانشجو» را که مسئول آن بختیار بوده، توزیع می‌کرده. از سال ۱۳۳۹ در جبهه ملی فعالیت داشته و دستورات آن را اجرا می‌کرده. رابطه با بختیار، هدایت‌الله متین دفتری و سنجابی داشته است. از طرفداران و جزو باند دکتر خنجی بود است. ایشان چندین بار بر اساس فعالیت در جبهه ملی دستگیر می‌شوند و پس از دستگیری حاضر می‌شوند که اعترافات بکنند. از جمله وعده همکاری به ساواک را داده‌اند. ایشان در فعالیت سیاسی‌شان فرد ضعیفی بوده‌اند.

کریمی پرسش کرد که آیا این مسئله که قول همکاری با ساواک را داده است، صوری بوده یا واقعاً آن را عملی کرده. در این رابطه، کریمی اسنادی را نشان داد که وی در اروپا با خوانساری مأمور برجسته ساواک مذاکرات حضوری داشته و گزارشتی در مورد کنوانسیون به ساواک داده است.

مطابق شواهد، فعالیت خودش را در «حزب سوسیالیست» و با دکتر خنجی ادامه داده است. سلامتیان با مقدم مراغه‌ای که اخیراً سند ارتباطش با آمریکا کشف شد، روابط منظم داشته است.

مسئله بعد در مورد اینان کتاب‌فروشی وی در فرانسه است که کتاب‌های مارکسیستی را چاپ و پخش می‌نموده است و اعلامیه‌های «سازمان چریک‌های فدایی خلق» را تکثیر می‌نموده. وی همچنین سخنرانی‌هایی در کنفدراسیون در دفاع از فداییان خلق داشته [است].

کریمی افزود: مسئله بعد که در مورد ایشان مطرح است اسناد جبهه ملی چهارم است که وی با شاهپور بختیار همکاری داشته و در تشکیل کابینه دکتر صدیقی شرکت

## ۲۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

داشته و می‌خواست رهبری امام را ساقط کند. آخرین سند در مورد ایشان نشان می‌دهد که وی تا عید ۱۳۵۹ عضو جبهه ملی بوده است. همچنین اسنادی داریم که علت خروج ایشان را که به فرمان امام اخراج شده‌اند، بیان می‌کند.

### دفاع سلامتیمان

پس از سخنان کریمی، سلامتیمان با ناراحتی درحالی‌که مدارک خود را به همراه نیاورده بود، چند بار به نزدیک تریبون آمد و دوباره برگشت. [یکی از] نمایندگان با حرکت دست خطاب به رئیس مجلس گفت: این اسناد تا به حال یک بار نیز در کمیسیون تحقیق مطرح نشده است. تا به حال ارتباط با ساواک در کمیسیون مطرح نشده است. این جعل است. سلامتیمان پس از قرار گرفتن در پشت تریبون گفت: نظر مجلس محترم را جلب می‌کنم بدین که اصولاً این نحوه تهمت زدن و رسیدگی بهترین دلیل بر سوء نیت بوده است. یادتان می‌آید روز عید فطر رفتیم خدمت امام و امام فرمودند که در مجلس مثل دو طلبه با هم بحث کنید و با هم خصام نداشته باشید. حرفی که آن روز امام زد، من در بچگی از مراد خودم شنیدم راجع به جهنم و بهشت که هر کدام را خودت می‌سازی. بهشت را خودت می‌سازی و با دشمنی و خصومت کردن چوب جهنم را خودت تهیه می‌کنی. خصام یعنی این، خصومت و دشمنی یعنی این. خصومت و دشمنی یعنی اینکه حاضر می‌شود آلوده‌ترین و پلیدترین شیوه‌ها را به علت خلاف نظر سیاسی و از میدان به‌در کردن طرف به کار بندد.

چرا دشمنی به این ترتیب است که ۲۲ سال مبارزه و دربه‌دوری را می‌خواهد به ساواک مرتبط کند. اگر می‌خواستیم با ساواک همکاری کنم وزیر هفت‌بارۀ هویدا می‌شدم. سلامتیمان آنگاه در مورد بیوگرافی خود زمانی که بیش از چهار سال نداشته، وارد مبارزه شده، صحبت کرد و گفت در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، موشی را سر چوب کردم و بعد مرا آنقدر زدند که بیهوش شدم و از آن زمان کرم سیاست در وجود ما رخنه کرد. پدر بزرگم می‌گفت که سیاست حکم نجاست را دارد. در بهمن سال ۳۹ مرا گرفتند. علت آن هم درگیر شدن مسئله انتخابات آزاد بود. بعد از آزاد شدن رفتم قم. یادم نمی‌رود که شریف امامی آمد آنجا که من خیلی ناراحت شدم و به خانواده‌ام گفتم که

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۲۷

برای من انتخاب مرجع، دیگر آن صفات اشجع، اصیل، اعلم و ... کافی نیست، بلکه بایستی سیاسی باشد. یک کار ما کردیم. در آخر سال ۳۹ دانشجویان دور هم جمع شدیم و گفتیم که همه احزاب به درد نمی‌خورد و حالا هم می‌گوییم که احزاب ضرر دارند. یکی از عمده‌ترین مشکلات دنیای سوم مشکل حزب بود. بعد مسئله انجمن‌های ایالتی و ولایتی پیش آمد. اعلامیه روحانیت پیش آمد که جذب شدیم تا کشید به نهم بهمن کذایی که فراری و مخفی شدم.

وی ادامه داد: داستان فیضیه و کشتار آن پیش آمد. اعلامیه امام خطاب به علمای تهران را بنده در چاپخانه‌ای در گذر نوروزخان دویست هزار تا تکثیر کردم و در مسجد ارک پخش می‌کردم که آن موقع شجونی منبر بود و اولین بار مردم فریاد زدند: «خمینی پیروز است» به جای شعار «مصدق پیروز است». ۲۳ فروردین ۴۲ بنده به اتفاق دانشجوی دیگری در دفتر سازمان ملل متحصن شدیم. به خاطر اعتراض به کشتار دانشجویان و باز دوباره شش ماه زندان رفتیم که در پانزده خرداد من زندان بودم و خیلی تعجب‌آور است که ما امام را یک اهرم برای ضد استعمار می‌دیدیم. الآن بنده را به‌عنوان طرفدار بختیار می‌نامند که تمام مدتی که در جبهه ملی بودم، یک مشخصه داشتم که با بختیار مخالف بودم.

سلامتیان همچنین افزود: فردی که آزاد می‌شود کجا می‌رود به جز لندن و پاریس؟ من رفتم کربلا. برای چه؟ فلسطین چه کار داشتیم؟ از روز اول که رفتیم پاریس با «سازمان الفتح» آشنا شدم که هنوز تشکیل نشده بود که در سال ۱۳۵۵ پلیس فرانسه می‌خواست مرا به‌عنوان عامل سازمان الفتح بیرون کنند.

سلامتیان همچنین گفت که من یک دوره فعالیت در فرانسه داشتم. کل کار این بود که دفاع بکنم از جریاناتی که در ایران می‌گذرد و بنده هفده هیئت بین‌المللی برای وضع زندانیان سیاسی به ایران فرستادم و سازمان امنیت و پلیس ایران بیش از هر چیزی از این می‌ترسید. عملاً کار ما این بود در خارج از کشور که هرکس را می‌گرفتند و یا شکنجه می‌کردند، برویم سراغش. از چریک‌های فدایی خلق نیز مطلب منتشر کرده‌ام. طرح شکنجه‌های اشرف دهقانی، آیت‌الله غفاری، سعیدی و رضا رضایی را در یک کتاب چاپ کردم و به مراجع بین‌المللی فرستادم. در کتاب‌فروشی که من داشتم

## ۲۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

چهارده هزار عنوان کتاب وجود داشت. کتاب‌فروشی بود که از اقصی نقاط دنیا، جبهه‌های آزادی‌بخش، کتاب‌هایشان را به نمایش می‌گذاشتند و دو بار بمب در آنجا گذاشته شد.

این کتاب‌فروشی را من سی - چهل هزار تومان پول گذاشتم. بنده را در محیط‌های سیاسی خارج می‌شناختند. در سال ۱۹۶۵ اولین بار علی‌رغم مخالفت‌ها یک جلسه بزرگداشت از فلسطین گذاشتیم. بنده سه ماه در سوریه تعلیمات دیدم و قرار شد که بروم فلسطین، ولی قرار شد که بروم کارهای تبلیغاتی بکنم. طرح ریختیم سه تا کتابخانه درست کردیم به نام‌های «عرب»، «فلسطین» و «اسطوره سوم» که هر کدام وظیفه خاصی داشت که همه به سمت مسئله فلسطین سوق داده می‌شد. کتاب‌فروشی محل و مقر تمام جنبش‌های آزادی‌بخش شد که یک بار مسئول یک کتاب‌فروشی را با رگبار مسلسل سوراخ سوراخ کردند.

وی گفت: یکی از دردهای بزرگ هر انقلاب این است که کینه‌های دوران تبعید، پدر هر انقلابی را درمی‌آورد و پدر انقلاب الجزایر را درآورد.

وی در مورد تصدی‌اش در رادیو و تلویزیون گفت: در زمانی که در رادیو و تلویزیون بودم، در ارتباط مستقیم با رئیس‌جمهور بودم که معتقد هستم با رادیو و تلویزیون می‌شود کشور را اداره کرد و با رادیو و تلویزیون می‌شود کشور را منفجر کرد.

سلامتیان همچنین نظر خودش را که در گذشته در روزنامه‌ها و تلگراف‌ها در مورد اقدام شاه و شخص امام منعکس شده بود، بیان کرد و گفت که در سال ۱۳۴۷ به نجف برای دیدار امام رفتم و امام توصیه‌ها و تذکراتی دادند که چگونه تبلیغات کنیم. وی گفت: داستان تبریز را در ظرف سه ساعت به جهان مخابره کردیم. سلامتیان در پایان گفت: اگر می‌خواهید که ملی‌گرایی را بکوبید که استعمار در جلوی اسلام مطرح کرده است، این راه حلش نیست.

بعد از پایان یافتن دفاع سلامتیان، رأی‌گیری مخفی به عمل آمد و از مجموع آرای ۱۸۲ نفری، ۷۹ نفر به عنوان موافق، ۵۸ رأی به عنوان مخالف و ۴۵ رأی ممتنع اعتبارنامه سلامتیان تصویب شد و جلسه در ساعت ۱۳:۵۵ دقیقه پایان یافت.

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۲۹

جلسه بعد فردا (یکشنبه) در ساعت ۹ صبح تشکیل خواهد شد که به احتمال زیاد در آن کابینه معرفی می‌شود.

### در حاشیه جلسه علنی مجلس

بررسی اعتبارنامه سلامتین در مجلس بحث‌های زیادی را از نظر کلاسیک به همراه داشت. به این معنی که طرفین موافق و مخالف هرکدام به استناد یک ماده با بندی از آیین‌نامه، گزارش کمیسیون تحقیق را تفسیر می‌نمود که وقت زیادی را گرفت. پس از سخنان کریمی به‌عنوان مخالف، به دلیل کمی وقت، قاعدتاً نایستی سلامتین از خود دفاع می‌کرد و طبق معمول دفاع سلامتین بایستی به جلسه بعدی موکول می‌شد؛ زیرا همیشه در موقع اذان ظهر حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی اعلام ختم جلسه را می‌نمود، اما این بار رئیس مجلس از نمایندگان خواست که اقامه نماز را به تأخیر بیندازند تا این پرونده پایان یابد که عده‌ای به‌عنوان موافق قیام کردند و رئیس مجلس بلافاصله گفت: تصویب شد! و وارد دستور خود شد و [جلسه] سه ربع اضافه بر ساعت معمول خود ادامه یافت. دلیل این امر را رئیس مجلس، برنامه زیاد هفته آینده برای معرفی کابینه از طرف نخست‌وزیر دانست.

می‌گویند که اطاعت از پدر و مادر واجب است و احترام به پدر و مادر نیز در قرآن و روایات بسیار آمده است. سلامتین در این قسمت از سخنان خود به یک‌باره به یاد حرف مادرش که تلفنی شب قبل با او صحبت کرده بود، افتاد که گفته بود: در ابتدای شروع سخنان با این سوره شروع کنی: قل اعوذ برب الفلق. من شر ما خلق ... و من حاسد اذا حسد. که سلامتین برای ادای احترام اگرچه در اول سخنان خود به دلیل ناراحتی نخواند، ولی به هر حال آن را در پایان سخنان خود خواند. زیدی گفت: اضافه کن! گفتم چی را؟ گفت: یک امتیاز!

سلامتین در رابطه با فعالیتش در رادیو و تلویزیون می‌خواست دلیل بیاورد که حرفی که می‌زند درست است. بر این اساس یک شاهد را معرفی کرد که کسی جز غضنفرپور نبود، ولی خود سلامتین بلافاصله فهمید که غضنفرپور نیز در مجلس آنچنان طرفدار ندارد و گفت: شاهد کسی است در قم!

## ۲۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

کریمی، اسنادی را در مورد سلامتین ارائه کرد از جمله در زمان دکتر سنجابی که وی معاون سیاسی بود. و بعد از استعفای دکتر سنجابی مدتی کفیل وزارت خارجه بود. اسناد محرمانه‌ای را به «روزنامه آینه‌گان» داد. جالب است که اصلاً وی به آن اشاره‌ای نکرد. زیدی گفت: چرا این حرف را می‌زنی؟ چرا اصلاً مخالفت مسئله قبول کردن کاتر به‌عنوان سفیر آمریکا از طرف وی را که یکی از مأموران برجسته سیا و تعلیم دیده ضد شورشگری بود و بعد به وسیله دکتر یزدی از آمدن وی جلوگیری به عمل آمد مطرح نکرد، گفتم نمی‌دانم: گفت: به خاطر اینکه !!!...

یکی از جریان‌های دائمی در مجلس آیت‌الله خلخالی است. بخصوص اینکه اگر بخواهد از کسی دفاع کند که به قول معروف با چنگ و دندان می‌خواهد آن را به اثبات برساند؛ برای این منظور هر وقت لازم هست حرفش را می‌زند. یک بار رئیس به او گفت: چرا اینقدر بی‌نظمی می‌کنی؟ خلخالی در جواب گفت: این عین نظم است. همچنین در جای دیگر رئیس مجلس به وی گفت: شما بهتر است حرفت را عوض کنی. چرا می‌خواهی یک مرتبه حرفت را بزنی؟ (روزنامه کیهان، شنبه، ۸ شهریور ۱۳۵۹، شماره ۱۱۰۸۱، ص ۳).

### پیوست ۸ - نامه به سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۳۵۹/۶/۵

برادر گرامی جناب آقای مهندس [میر]حسین موسوی

سردبیر و مسئول جریده جمهوری اسلامی - ارگان حزب جمهوری اسلامی  
بعد از سلام، در روز سه‌شنبه ۴ شهریورماه ۱۳۵۹ «روزنامه جمهوری اسلامی» در بالای صفحه اول با تیتر درشتی، مطلب بسیار نادرستی تحت عنوان نامه سرگشاده گروهی از اعضای کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی را چاپ کرده بود که در صفحه ۶ فقط یک نفر به نام محمد رشیدیان آن را امضا کرده است که برای خالی نبودن عریضه از طرف عده‌ای از کمیسیون تحقیق امضا نموده است. توجه شما و خوانندگان را به مطالب زیر جلب می‌نماید:

۱- در جلسه دیروز صبح (۴ شهریورماه) کمیسیون تحقیق، موضوع نامه مطرح شد؛ البته آقای محمد رشیدیان در جلسه حضور نداشتند و غایب بودند. از حاضرین در

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۳۱

جلسه کمیسیون هیچ‌کس آن نامه را امضا نکرده بود و یک نفر از اعضای کمیسیون، آقای صفاتی دزفولی گفتند که اگرچه آن را امضا نکرده‌اند، ولیکن آن را تأیید می‌کنند؛ بنابراین، امضای نامه به آن شکل صحیح نبوده است و عملی است خلاف و باطل و غلط‌انداز و شبهه‌انگیز است.

۲- من از قصد و نیت آقای محمد رشیدیان در ارسال این نامه، آن هم بعد از حدود یک ماه که از چاپ و انتشار گزارش این‌جانب به موکلین (در باره آیت) می‌گذرد، خبر ندارم. تنها خداست که علیم به ذات الصدور است، ولی با شناختی که از روحيات و خلیقات ایشان در همین مدت پیدا کرده‌ام از این عمل ایشان تعجب نکردم، اما ای برادر حسین موسوی، با شناختی که از شما دارم، از چاپ آن خیلی تعجب کردم. مگر قرار نیست که شما در خط امام باشید؟ مگر امام نفرمودند که به این جنگ اعصاب تبلیغاتی خاتمه دهید؟ چرا باز به آن دامن می‌زنید؟ آیا تصور می‌کنید که مطلب بی سروتهی که نوشته و چاپ شده است، جواب ندارد؟ من به احترام فرمان امام از هرگونه پاسخگویی به آن نامه خودداری می‌کنم، کما اینکه بعد از صدور فرمان امام که هم صدا و سیمای جمهوری اسلامی و هم روزنامه شما و هم «روزنامه صبح آزادگان»، که همه مدعیان خط امامند، فرمان را ندیده گرفتند و باز بی‌مه‌با هرچه خواستند گفتند و چاپ کردند، من از هرگونه پاسخگویی خودداری نمودم، و الآن هم بر همان تصمیم باقی هستم.

۳- اما در مورد دعوت ایشان از این‌جانب برای مصاحبه و مناظره تلویزیونی، در صورتی که رهنمودهای تعیین‌شده از طرف امام رعایت گردد و متقاضی ترتیب مناظره را با گرداندگان سیمای جمهوری اسلامی - که عموماً از دوستان نام‌برده هستند - بدهد برای روشن کردن اذهان مردم نسبت به جریان‌ات انحرافی که نعل وارونه می‌زنند، با کمال میل شرکت کرده و آن را تکلیف شرعی خود خواهم دانست. والسلام.

ابراهیم یزدی ۱۳۵۹/۶/۵

رونوشت جهت: روزنامه کیهان، روزنامه اطلاعات، روزنامه صبح آزادگان، روزنامه انقلاب اسلامی).

## ۲۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

### پیوست ۹- اسناد همکاری جوانمردی با ساواک در کیهان امروز

نماینده میانه در مجلس خلع لباس شد. حجت الاسلام بیات دلایل خلع لباس نماینده میانه را توضیح داد. دکتر یزدی مخبر کمیسیون تحقیق دلایل رد اعتبارنامه را تشریح کرد. عکس‌های مستند با شاه، اجرای برنامه به نفع رژیم طاغوت، اسناد ساواک از دلایل رد اعتبارنامه و خلع لباس نماینده میانه است.

**نماینده میانه خلع لباس شد**

روز پس از رد اعتبارنامه در مجلس شورای ملی



**اسناد همکاری**  
**نماینده میانه**  
**با ساواک**

در گزارشی بروز مخبر کمیسیون تحقیق همکاری اسناد همکاری با ساواک افشاد گردید. سروس سیاسی کیهان بر توطئه از اسناد را که طرح میگردید، مظهر کیهان تحقیق اسناد است.

**افتخار نارنجک در**  
**مقابل خانه رضائیهها**  
**به ۶ اومیل**  
**ضارت زد**

خانواده رضائیهها با انتقاد از اسناد همکاری، شت فرمان جانیان را به در جومات با تانکت برده شب گذشته با ریزش در تاریکی به سمت آن تانکر از اسناد را که طرح میگردید، مظهر کیهان تحقیق اسناد است.

**خطبه نماز جمعه**

خطبه نماز جمعه در روز جمعه ۱۳۲۸ هـ. ق. در مسجد اعظم تهران، توسط آیت‌الله العظمی آملی ایراد شد. در این خطبه، موضوع همکاری با رژیم پهلوی و اسناد همکاری با ساواک مورد بحث قرار گرفت.

**اختلاف شدید گمته**  
**مרכזی به**  
**هواداران طاغوت**  
**و بختیار**

روایت می‌شود که مרכזی در اختلافی با هواداران طاغوت و بختیار قرار گرفته است. این اختلاف در مورد سیاست‌های جاری و همکاری با رژیم پهلوی است.

**خبر دیدار آیت الله العظمی آملی**

آیت‌الله العظمی آملی در دیدار با جمعی از روحانیان، موضوع همکاری با رژیم پهلوی را مورد بحث قرار داد. ایشان تأکید بر استقلال و آزادی داشتند.

**خبر دیدار آیت الله العظمی آملی**

در دیدار دیگری، آیت‌الله العظمی آملی با جمعی از علمای دیگر گفت‌وگو کردند. در این دیدار، موضوع همکاری با رژیم پهلوی و اسناد همکاری با ساواک مورد بحث قرار گرفت.

**خبر دیدار آیت الله العظمی آملی**

آیت‌الله العظمی آملی در دیدار با جمعی از روحانیان، موضوع همکاری با رژیم پهلوی را مورد بحث قرار داد. ایشان تأکید بر استقلال و آزادی داشتند.

**خبر دیدار آیت الله العظمی آملی**

در دیدار دیگری، آیت‌الله العظمی آملی با جمعی از علمای دیگر گفت‌وگو کردند. در این دیدار، موضوع همکاری با رژیم پهلوی و اسناد همکاری با ساواک مورد بحث قرار گرفت.

**خبر دیدار آیت الله العظمی آملی**

**ارزش صدای آیت الله العظمی آملی**

**ساران سخن ۵۰۰**

۸۵۰۱۸۱۳۸ - ۸۵۰۱۸۱۳۸

**مبارک و پرورش**

**۵۸ ساعه**

**سازمان مسکن با پیشوند**

۱۳۲۳۲۰ و ۱۳۲۳۲۱

۹۰۰۱۳۲۳ و ۹۰۰۱۳۲۳



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۳۳

### پیوست ۱۰- اعتراض هاشمی رفسنجانی به دکتر یزدی

دکتر یزدی: بسم الله الرحمن الرحيم. من دو تا مطلب دارم: یکی اینکه جناب آقای هاشمی در طرح استعفانامه آقای شجاعی مطلب را قاطی کردند. استعفانامه ایشان هیچ ربطی به «روزنامه کیهان» نداشت.

آن کسی که استعفا داده است حق دارد و حق داشته است و خودش مستقیماً به همه خبرگزاری‌ها داده است. به اعتقاد من این اندازه اهمیت دارد وقتی که در آستانه شروع کار رسمی مجلس، نماینده‌ای با این طرز استعفا می‌دهد حایز آن اندازه اهمیت است که در صفحه اول بیاید. ممکن است شما بفرمایید خیر. خوب این اختلاف سلیقه هست، ولی حق نبود در اینجا مطرح بشود؛ خصوصاً که من می‌بینم هر کاری را که روزنامه‌های دیگر بکنند، اشکالی ندارد. اگر چنانچه لیست غایبین را بدون اجازه ریاست محترم مجلس، «روزنامه اطلاعات» هم چاپ بکند و «کیهان» هم چاپ بکند، «روزنامه کیهان» است که بایستی در اینجا مطرح بشود و به آن حمله بشود (همه‌ههههه نمایندگان).

من هیچ انتظار نداشتم که جناب آقای هاشمی از متد تکفیر استفاده بفرمایند؛ بگویند که «کیهان» هم شده «آیندگان». خیلی ممنون و متشکر هستیم. این به ازای زحمت و انجام وظیفه‌ای است که من قبول کردم باید این‌جوری با من برخورد بشود؛ چرا؟ برای اینکه من در یک خط مشخص و معینی که بعضی‌ها علاقه دارند، نیستم. من قضاوت نسبت به این امر را به امام که به من این مأموریت را داده‌اند و به ملت و مردم، واگذار می‌کنم و در اینجا هم به هیچ‌وجه قصد دفاع ندارم. اینکه آیا «روزنامه کیهان» در خط تضعیف مجلس هست، به یادداشت‌های من مراجعه بفرمایید. اولین و مفصل‌ترین تحلیل را در مورد مجلس من به‌عنوان «گزارش به موکلین» نوشتم و مخالفت کردم با کسانی که وقتی یک لیوان آب را می‌بینند که نصفه هست می‌گویند که این لیوان نصفش خالی است. همیشه کمبودها را می‌بینند. من از جمله کسانی هستم که اگر لیوان آب را می‌بینم ولو اینکه نصفش خالی باشد، می‌گویم نصفش پر است. به استناد آنچه را که نوشته‌ام قضاوت را هم همان‌طور که عرض کردم بر عهده امام و ملت ایران می‌گذارم آنها قضاوت بکنند. وقتی یک نماینده این درخواست رأی علنی را

## ۲۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌کند و شخصاً می‌گوید من می‌خواهم بدانم که هر کس در چه خطی هست، هر نماینده‌ای که رأی مخالف می‌دهد حق دارد به موکلین خودش گزارش بدهد که چرا من به این آدم رأی مخالف دادم (آیت: حرف موافق را هم باید بنویسید). شما هم بنویسید من چاپ می‌کنم، اما نه اینکه بروند در مساجد بگویند. همین دیشب در مسجدی گفته شده من حالا تکرار نمی‌کنم چه چیزهایی گفته شده و نمی‌خواهم این مسائل را به اینجا بکشانم. بنابراین، من با این گله‌ای که از برادر بزرگوارم جناب آقای هاشمی کردم که مسئله را مخلوط کردند با اعتبارنامه آقای شجاعی. استدعا می‌کنم وقت دیگری به من بدهید. من «روزنامه کیهان» و «روزنامه اطلاعات» و «روزنامه جمهوری اسلامی» و «آزادگان» را بیاورم و همه را مقایسه بکنم؛ ببینم چه کسانی دارند این مجلس را تضعیف می‌کنند. عرض دیگری ندارم.

قبلاً هم بعضی از آقایان نمایندگان مطالبی را که موهن بود نسبت به من در مورد تصدی من در وزارت امور خارجه گفتند؛ با وجودی که حق نداشتند بگویند. مسئله مطرح نبود. من طی یادداشتی از آقای رئیس درخواست کردم که من هم آیا باید از اینجا بلند شوم و فریاد بزنم یا اگر یادداشتی دادم که این آقای که این مطلب را اینجا گفته باید من جوابی بدهم؛ باید این حق را به من بدهند که جواب بدهم؟ ولی آقای رئیس وقت ندادند. از این هم صرف‌نظر می‌کنم. مطلب دیگری بدون اینکه من اطلاع داشته باشم نوشته‌اند که آقای دکتر یزدی هم رفته است پیش امام برای استعفا. خیر بنده برای استعفا از نمایندگی مجلس پیش امام نرفته بودم. مسئله اینکه بعضی از نمایندگان مصرأ استعفا را مطرح کرده‌اند. با امام عنوان کردم و امام فرمودند که بگویید که سنگرها را خالی نکنند و هیچ‌کس حق ندارد از سنگر مجلس بیرون بیاید. عیناً این را منعکس کردم. والسلام علیکم.

**کیاوش:** مسئله سوم درباره فرمایشات آقای دکتر یزدی است. سخن برادرمان آقای هاشمی زیاد خلاف نبود. بلکه من از برادرمان آقای دکتر یزدی گله می‌کنم. خود ایشان عملاً آورده‌اند، تیتراژ «روزنامه کیهان» دیروز را بخوانید، در یک جا فرموده‌اند که حضور امام رفته‌اند و امام فرموده‌اند گروه‌های منحرف را معرفی کنید. درست بغل همان تیتراژ، بحث مجلس را آورده‌اند. با آن مقاله‌ای که نوشته‌اند آنجا که نباید می‌نوشتند. مسلماً

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۳۵

خودشان هم می‌دانند واردند در تیتراژ در روزنامه، که این نوشته در جوار آن نوشته راجع به مجلس، خود این تضعیف مجلس است. اگر شما می‌خواهید از روزنامه دفاع کنید اول از خودتان دفاع کنید آقای دکتر یزدی. والسلام.

پیوست ۱۱- نقد فضا سازی و دروغ پردازی حزب توده علیه دکتر یزدی در روزنامه «نامه مردم»

### یزدی‌ها

روزی نامه غیروابسته «نامه مردم» ارگان حزب توده ایران، در شماره روز دوشنبه ۲۴ شهریور [۱۳۵۹] در حاشیه مجلس نوشته است:

«مخالفت با آزادی!»

پس از آنکه استاد رضا اصفهانی گفت: «هستند کسانی که چند میلیارد ثروت اندوخته‌اند، و هیچ‌کس از اینها نمی‌پرسد اینها را از کجا آورده‌ای»، جلسه بسیار متشنج شد. آقای دکتر ابراهیم یزدی از پرشورترین مخالفان بود. رضا اصفهانی در جواب مخالفان گفت: «چرا هر وقت در مورد گرفتن احقاق حق مستضعفین صحبت می‌شود، از اینجا و آنجا صدا بلند می‌شود».

«نامه مردم» باز رندی کرده است؛ مثل دزدی که دنبال بازار آشفته می‌گردد خواسته است خلط مبحث کند، اما باز هم کماکان خیط کاشته است.

این اولین بار نیست که مخالفین و دشمنان دکتر یزدی از تشابه اسمی ایشان سوء استفاده کرده و خواسته‌اند به اصطلاح ضربه‌های آنچنانی خود را بزنند و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی مملکت را لکه‌دار کنند. این موضوع بارها اتفاق افتاده است.

بعد از ۲۲ بهمن که ملت مبارز ایران به حیات استبداد داخلی و سلطه سیاسی امپریالیسم در این کشور خاتمه داد و دست اجانب را برای همیشه از این سرزمین کوتاه کرد و دولت موقت به فرمان رهبر شکست‌ناپذیر امام خمینی، زمام امور مملکت را به عهده گرفت و دکتر یزدی به عنوان معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب انتخاب شد، عناصر چپ و راست و اربابان‌شان، وجود چهره‌های مکتبی و مسلمان با سوابق ممتد در مبارزات ضد رژیم، همچون دکتر یزدی در دولت موقت برایشان غیرقابل تحمل بود

## ۲۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

[از این رو،] به هر وسیله نامشروعی چنگ می‌زدند تا آنها را از صحنه انقلاب خارج سازند؛ بنابراین، این‌طور شایع کردند که در زمان رژیم سابق، دکتر یزدی با شاه ملاقات و عکس داشته است.

این خبر را، هم عناصر راست منتشر می‌کردند و هم عناصر چپ؛ و در سراسر ایران آن را پخش می‌کردند. چپی‌ها و راستی‌ها برای ترور شخصیت، القای شبهه می‌نمودند که دکتر یزدی، قبل از انقلاب کمونیست بوده و حالا مسلمان شده است، و با شاه هم ملاقات داشته است.

چپی‌ها و حزب توده هم به این شایعات دامن زده و آن را با قدرت تمام پخش می‌نمودند؛ برای اینکه بتوانند ننگ خیانت دکتر مرتضی یزدی، رهبر حزب توده را ماستمالی نموده و سَمَبَل کنند؛ چرا که ملاقات‌کننده با شاه خائن، دکتر مرتضی یزدی از رهبران برجسته حزب توده ایران بوده است و نه دکتر ابراهیم یزدی که سی و چند سال سابقه مبارزات اسلامی شناخته‌شده دارد.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، این است که سیاست منافقانه و خائنانه حزب توده چنین ایجاب می‌کند که در شرایط فعلی با توجه به حمله‌های مکرر امام به «شرق تجاوزگر» در کنار «غرب خیانتکار» چون جرئت این را ندارد که کوچک‌ترین توهینی به امام خمینی نماید و نمی‌تواند مواضع رهبری را تضعیف کند، سعی دارد اطرافیان امام و شخصیت‌های مورد تأیید امام را لکه‌دار کند تا زمینه‌ای باشد برای حمله‌های بعدی به خود امام.

نکته دیگر اینکه راستگرایان و آنها که قلب‌هایشان بیمار و ضیق است نیز از شیوه‌های استالینی حزب توده استفاده می‌کنند و از همین تشابه اسمی برای ترور شخصیت استفاده می‌کنند.

یکی از موارد دیگری که از تشابه اسمی دکتر یزدی سوء استفاده شده، خبری بود که در «روزنامه صبح آزادگان» در تاریخ ۱۳۵۹/۵/۲۸ با تیتراژ درشت بالای صفحه اول نوشته بود: «یزدی با شلیک دو گلوله خودکشی کرد». البته وقتی خبر را در داخل صفحه می‌خواندید متوجه می‌شدید که سرتیپ حسن یزدی، یکی از عاملین کودتای نافرجام بوده است و نه دکتر یزدی ...، ولی گویا دست‌اندرکاران «صبح آزادگان» با

## نماینده‌گی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۳۷

[آن] تیتراژ می‌خواستند القای شبه نمایندند و یا شاید هم خواسته‌اند با جلب توجه خوانندگان تیتراژ خود را بالا ببرند.

روز یکشنبه هم که در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی گفتگویی بین آقای رضا اصفهانی، نماینده ورامین و شیخ محمد یزدی، نماینده قم صورت می‌گیرد، دست اندرکاران «روزنامه مردم» رندانه دکتر ابراهیم یزدی، نماینده تهران را به جای شیخ محمد یزدی، نماینده قم، یکی از پرشورترین مخالفان رضا اصفهانی معرفی می‌نمایند. گردانندگان حزب توده و «روزنامه مردم» که هیچ ربطی به مردم ایران ندارند، خیال می‌کنند اولاً مردم خیانت‌های آنان و وابستگی‌های آشکارشان به روسیه را فراموش کرده‌اند و یا نمی‌بینند و ثانیاً تصور می‌کنند که با دروغ‌پراکنی و شایعه‌سازی قادرند چهره‌های خدمتگزار به اسلام و انقلاب اسلامی را مخدوش سازند. زهی خیال باطل و تلاش بیهوده. م - فرد (روزنامه کیهان).



## ۲۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

### پیوست ۱۲- اسامی نمایندگان غایب مجلس شورای اسلامی

روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، اسامی نمایندگانی را که در جلسه علنی دیروز غیبت و یا تأخیر موجه داشته‌اند اعلام کرد. غایبین غیرموجه جلسه دیروز عبارت بودند از: فتح‌الله امید نجف‌آبادی، نماینده اصفهان؛ حسن ابراهیم حبیبی، نماینده تهران، محسن رهامی، نماینده خدابنده، غفور صادقی گیوی، نماینده خلخال.

نمایندگانی که بین ۱۷ الی ۱۱۰ دقیقه تأخیر غیرموجه داشته‌اند عبارت بودند از: ابوالحسن حسینی، ابوترابی فرد، عالی‌پور، سیدین، عبدالکریمی، روحانی، عرفانی، حق‌شناس، عباسعلی ناطق نوری، امین ناصری، خویینی‌ها، آقامحمدی، عزت‌الله سحابی، کیاوش، هادی نجف‌آبادی صامی، سید علی خامنه‌ای، گلزاده غفوری، فرج‌الله واعظی، طاهری، یدالله سحابی، رفیعیان، فؤاد کریمی، رضوی، قاسم صادقی، رشیدیان، انصاری راد، محمدعلی حیدری، حسینی لواسانی، کاظم دانش، نظرمحمد دیدگاه، عمادالدین کریمی، کروی، معین‌فر، ابوسعیدی منوچهری، سلامتیان، شجاعی، متکی، محمد منتظری، ابراهیم یزدی، محمد خزاعی، کشفی.

ضمناً آقای سلامتیان به علت ترک جلسه پس از نطق‌های قبل از دستور، چهار ساعت غیبت غیرموجه داشته‌اند. همچنین غیبت آقایان هادی غفاری و موسوی تبریزی موجه بوده است.

### پیوست ۱۳- ادامه گزارش جلسه علنی مجلس در باره لایحه اصلاح بودجه سال

۱۳۵۹

دومین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی، مظفر، منشی کمیسیون بودجه مجلس بود. وی ضمن درود بر شهدا و معلولین انقلاب اسلامی ایران گفت: لازم می‌بینم چند نکته اساسی را با مردم و نمایندگان محترم در میان بگذارم.

۱- پربهاترین معنی که این انقلاب الهی برای این ملت عاشق و رنج‌دیده به ارمغان آورد «ولایت فقیه» به‌عنوان یک ارزش نو بود، ارزشی که در ناملایمات تاریخ به فراموشی سپرده بودیم. ضمانت تداوم انقلاب و وحدت ما فقط و فقط زنده نگه‌داشتن این ارزش است. وی افزود تمام سعی شیطان بزرگ و ایادی شرقی و غربی‌اش بر این است که ذهن ما را از این ارزش به ضدارزش تبدیل کند. خطر واقعی، معاندین هستند

## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۳۹

که در مقابل اسلام با طرح شعارهای گولزن، دانسته یا ندانسته بین صفوف فشرده ملت شکاف ایجاد می‌کنند، و وحدت، موقعی برای ما ارج دارد که ارزش‌های ما را خدشه‌دار نسازد. وحدت در کفر چه ارزشی می‌تواند برای ما داشته باشد؟ وحدتی که انبیا تبلیغش می‌کنند، وحدت در پرتو قوانین خداست، نه با هرکس خاص. ملت از مخالفین انقلاب انتظار ندارد که ولایت فقیه را تقویت کنند، ولی از منتخبین خود این انتظار را دارد.

ناطق آنگاه گفت: القای ایدئولوژی شخصی در یک پست رسمی مملکتی و سوءاستفاده از اعتقاد مردم و القای خودمحموری و اتکای صرف آنها به خود، شعاری است انحرافی و ملت باید متوجه این شعار گول‌زننده باشند. حضور دائم مردم در صحنه سیاست لازم است، ولی کافی نیست. وحدت مردم هنگامی معنی دارد که در قالب کلمه توحید و توحید کلمه شکل بگیرد و مردم را به سوی آزادی و فنای در خدا سوق دهد.

۲- ارزش این دولت در این است که اجازه رشد به مردم مستضعف می‌دهد و در عین حال به ایمان و تخصص افراد احترام می‌گذارد. به هوش باشد که در برخورد با مخالفین حالت انفعالی به خود نگیرد و همیشه خدا و صلاح مردم را در نظر داشته باشد.

۳- از آنجا که مجلس شورای اسلامی، عصاره ملت است به کمیسیون امور شوراها پیشنهاد می‌کنیم هرچه زودتر حدود و اختیارات شوراها را تعیین کند.

۴- در رابطه با لایحه اصلاحی بودجه سال ۵۹ باید بگویم که در آن لایحه، دولت مطرح نیست، بلکه به راه‌اندازی امور انقلاب مطرح است.

۵- عدم ارائه سیاست کلی و برنامه‌ریزی صحیح همه‌جانبه اقتصادی از طرف دولت و مجلس، باعث خواهد شد که ارگان‌ها برای حل مشکلات خود موضعی برخورد کنند و نقش سازمان برنامه و بودجه بی‌اثر بماند. نقش کمیسیون طرح‌های انقلاب این است که با طرح‌های طولانی، دورنمای چنین برنامه‌ای را برای مجلس روشن کند.

۶- نبودن سه وزیر در حساس‌ترین وضع مملکت، ضربه مهلکی است که بر روی پیکر این انقلاب پویا وارد می‌شود و مجلس و رئیس جمهور و نخست‌وزیر نباید

## ۲۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

نسبت به این امر کم توجه باشند و در مقابل امام و مردم مسئولند. ما باید نام انقلاب را به گوش جهانیان برسانیم و جلوی سیاست‌های خبرگزاری‌های صهیونیستی را با تبلیغات صحیح خود بگیریم. وی سپس در رابطه با مسئله دادن میراث‌های فرانسوی به مردم گفت: مردم فرانسه بدانید این سیاستی که رئیس‌جمهورمان در پیش گرفته است، آنها را به گردابی هولناک‌تر از ویتنام و الجزایر می‌اندازد.

**مصطفی تبریزی: فاجعه زمانی است که عبودیت گروه‌های سیاسی جانشین**

**عبودیت الله می‌شود**

سومین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، مصطفی تبریزی نماینده بجنورد بود که ضمن اشاره به نامه ارتش از جبهه‌های ذوالفقاری و فیاضیه، گفت: در جبهه‌های ذوالفقاری و فیاضیه، شاهد تحقق عالی‌ترین کمالات بشری بودم و درعین حال، خباثت شیطان را به چشم دیدم که چگونه گهواره کودکی توسط بعثی‌های عراقی مچاله شده بود.

در اولین خط مقدم جبهه در داخل سنگری نمود و تاریک، به جوانی برخوردارم که با پاهای فلج مبارزه می‌کرد و ترکش‌های خمپاره دشمن را به جان می‌خرد، اما اختلاف سران و دولتمردان برایش غیرقابل تحمل بود و با نگرانی از کار مجلس می‌پرسید؛ از تداوم انقلاب و مبارزه با آمریکا. من که هرگز حمالة الحطب این اختلافات نبوده‌ام، معتقدم فاجعه زمانی شروع می‌شود که عبودیت گروه‌های سیاسی جانشین عبودیت الله شود؛ که اگر این‌طور شد، شاهد قلم‌ها، قدم‌ها و گفتارهایی خواهیم بود که به جای ترویج کلمه توحید و توحید کلمه با جمله‌های هیستریک به ترویج شرک و تفرقه پردازند تا جایی که امام امت در برابرشان موضع‌گیری کنند و بگویند: این قلم‌ها، این قدم‌ها، این گفتارها از سیاست دور است و با یک دید غیرسیاسی و غیراسلامی است. من به سراسر ملت هشدار می‌دهم که اگر چنانچه از این اختلاف‌اندازها پیروی کنند - هر کس باشد - مملکت شما به دامن آمریکا می‌افتد.

خواهران و برادران، انقلاب اسلامی بنا به سیاست ضداستکباری‌اش مدام در معرض توطئه‌های کثیف شیطان بزرگ است و ما باید با جاذبه بسیار قوی، نسبت به معتقدین به انقلاب و رهبری امام، توان خودمان را در مقابله با ابرقدرت‌ها به کار



## نمایندگی دوره اول مجلس شورای اسلامی و ... □ ۲۴۱

ببریم، لذا به جای منزوی کردن جوانان که به دلیل تبعیت از توصیه‌های امام و عدم شرکت در این درگیری‌ها، از بی‌مهری هر دو جناح برخوردارند. به جای منزوی کردن این جوانان که گاه استخوان در گلو دارند، آنان را در سراسر کشور به کار گیریم. اگر این اشتباهات تاکتیکی که باعث روی گرداندن صادقانه‌ترین افراد از انقلاب می‌شود، مبدل به یک خطای استراتژیک شود، در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد رشد فرصت‌طلبی‌هایی خواهیم بود که اصلشان تبعیت از قدرت برتر است و در صورت بروز این توطئه‌ها، چگونه با ابرقدرت‌ها مبارزه خواهیم کرد؟

ناطق آنگاه گفت: رئیس جمهور و نخست‌وزیر از آنجا که مدعی وحی نیستند، باید با قبول انتقادهای سازنده و تصحیح مواضع و مجهز شدن به ایمان و تلاش و برنامه‌ریزی‌های دقیق، بی‌کاری، فقر، گرانی، قشری‌گری، غرب‌زدگی را از بین ببرند. اگر اختلاف اینها در اصول است، ما میزان و امام داریم. از ایشان تبعیت کنند.

تبریزی سپس گفت: شتاب در تصویب طرح‌های انقلابی که به نفع کلیه ارزش‌های طاغوتی منجر شود، کار ماست. این درست است که انقلاب ما برای اسلام بوده، و این هم درست است که مبارزه با فئودالیزم و سرمایه‌داری و الحاد هم جزئی از اسلام است. امیدوارم هرچه زودتر شرایط برای اجرای بند ج طرح واگذاری زمین آماده شود. هم‌اکنون با توقف بند ج، فئودال‌های شهر بجنورد برای نشان دادن زهر چشم، کشاورزی را جلوی درب خانه اش حلق‌آویز کرده‌اند.

پس از نطق‌های قبل از دستور، مجلس وارد دستور کار خود شد و در ادامه بررسی لایحه اصلاحی بودجه سال ۱۳۵۹ منشی کمیسیون برنامه و بودجه (مظفر) پشت تریبون قرار گرفت و تبصره ۱۰ لایحه مزبور را قرائت نمود و پیرامون آن توضیحاتی داد.

### اوراق قرض الحسنه

آقای مهندس هاشم صباغیان، نماینده مردم تهران اظهار داشت که با توجه به اینکه رقم وام درخواستی از بانک مرکزی برای تأمین کسری بودجه رقم ۵۰۳ میلیارد ریال است و با تعریف جالبی که آقای مهندس معین‌فر از تصور رقم میلیارد کردند، تأمین این وام

## ۲۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

از طرف بانک مرکزی، یکی از راه‌های چاپ اسکناس است و ما می‌دانیم که توزیع بیشتر اسکناس در دست مردم با توجه به حجم اسکناس که در حال حاضر در اختیار مردم است، به تورم موجود اضافه می‌کند. تورمی که هم اکنون در جامعه ما حاکم است و در بعضی مواقع روز به روز بر تورم افزوده می‌شود. اضافه کردن این پول تا زمانی که اقتصاد ناسالم خودمان را هنوز ترتیبی برایش نداده‌ایم و هنوز نتوانسته‌ایم دست واسطه‌ها را قطع کنیم و هنوز می‌دانیم که از مراکز تولیدی داخل و یا از طریق تجارت خارجی، فاصله بین تولیدکننده و واردکننده با مصرف‌کننده چندین دست می‌گذرد، این دست‌ها، فشاری است که بیشتر بر روی طبقه مصرف‌کننده و بیشتر طبقه محروم جامعه فرود می‌آید. خود اضافه کردن این پول، به نظر من یک مشکل دیگری را اضافه می‌کند. برای این کار، من پیشنهاد کردم که ضمن اینکه در تبصره ماده ۱۰ بند ب، که از محل ۳۴۰ میلیارد ریال پیش‌بینی شده، ۸۴ میلیارد ریال اختصاص ارزی داده شده است، این بسیار جالب خواهد بود که از حجم پول در گردش جلوگیری می‌کند که کمتر باشد.

پیشنهاد من این است که بانک مرکزی ایران مکلف است از محل فروش اوراق قرض الحسنه تا میزان اعتبار مذکور تأمین نماید. این مسئله اوراق قرض الحسنه، که حتماً پیش‌بینی برای جوایزی که تشویق به خرید هم بکنند، می‌شود، و مسائل شرعی آن را هم می‌توان در نظر گرفت. ما در شرایطی که می‌بینیم فلان پیرزن آماده است اندوخته خود را در راه جنگ‌زدگان بدهد و می‌بینید که فلان کودک قلک خود را می‌شکند و تقدیم برادران جنگ‌زده خودش می‌کند، ما باید الآن به هوش بیاییم و مردم را تشویق بکنیم با خرید اوراق قرض الحسنه، این اقتصاد ناسالم را تا مقدار زیادی جبران بکنند. جلوگیری از پول اضافی و توزیع آن در بازارهای اقتصاد ناسالم ما، راهش همین است. ببینید اوراق قرض الحسنه الآن کسانی که در دو سال بعد از انقلاب، سودهای کلانی را از وضع نابسامان برده‌اند و یا از سیستم اقتصادی ناسالم برده‌اند، الآن آنها هستند که باید بیایند کمک بکنند و بدهند؛ در حالی که ما پول را اضافه بکنیم با یک تورمی و تقریباً با همین فاصله ۴۵ روزه‌ای که به پایان سال ۱۳۵۹ مانده است، با تورمی حدود ۱۵٪ روبرو خواهیم شد ...



## فصل دوم

### در کمیسیون‌های مجلس

#### الف - در کمیسیون امور خارجه

اعضای کمیسیون خارجه در سال اول مجلس عبارت بودند از آقایان: سید محمد خاتمی، سید محمود دعایی، سید محمد موسوی خویینی‌ها، محمدعلی هادی، سید حسن شاهچراغی، منوچهر متکی، محمدامین سازگارنژاد، محمد منتظری، محمدرضا باباصفیری و من. آقایان هاشمی رفسنجانی و سید علی خامنه‌ای نیز اکثراً در جلسات آن شرکت می‌کردند.

در رأی‌گیری داخلی کمیسیون امور خارجه، آقای خویینی‌ها به ریاست آن انتخاب شد. کار عمده کمیسیون، بررسی مسائل سیاسی بین‌المللی و طرح آن در کمیسیون بود. بخشی از این بررسی‌ها را من انجام می‌دادم. به‌عنوان نمونه هنگامی که وقایع لهستان و تظاهرات جنبش همبستگی به رهبری **لخ والسا** اوج گرفت، به درخواست اعضای کمیسیون، گزارشی از این کشور تهیه کردم و تحلیل جامعی ارائه دادم. علاوه بر این، هر تحلیل جالب و مفید خارجی که به دستم می‌رسید، نظیر گزارشی از وضعیت افغانستان که برای استفاده اعضای کمیسیون تکثیر می‌کردم [پیوست ۱].

گاهی که سفیران ایران در کشورهای خارجی به ایران می‌آمدند، به کمیسیون دعوت می‌شدند و گزارش‌هایی می‌دادند. برخی از این گزارش‌ها بسیار مهم و آموزنده بود. به‌عنوان نمونه آقای **دکتر علی شمس اردکانی** - که دکترای اقتصاد انرژی دارد -

---

۱. سیاستمدار و فعال حقوق بشر لهستانی که در سال ۱۹۸۰ م جنبش همبستگی کارگری لهستان را تشکیل داد و رهبری آن را در دست گرفت. در ۱۹۸۳ برنده جایزه صلح نوبل شد. پس از مبارزات طولانی، در سال ۱۹۸۹ با شرکت در انتخابات، به ریاست جمهوری آن کشور برگزیده شد و تا سال ۱۳۹۵ در این مقام ماند. **لخ والسا** هنوز در صحنه سیاسی لهستان فعال است (ویراستار).

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۴۵

سفیر ایران در کویت بود. ایشان در کمیسیون حاضر شد و درباره سرنوشت خبر سری حمله ارتش عراق به ایران توضیحاتی داد. ایشان گفت: افسران شیعه عراقی در دیدار حضوری با وی در کویت روز، ساعت و محل حمله ارتش عراق به ایران را اطلاع دادند. ایشان گفت که این خبر را بلافاصله با تلکس محرمانه به جانشین وزیر امور خارجه وقت، مخبره کرده است، اما هیچ واکنش و اقدامی دیده نشد. او سپس در سفری به ایران شخصاً به وزارت امور خارجه می‌رود و سرنوشت تلکس محرمانه خود را پیگیری می‌کند و می‌بیند، مقام محترم جانشین وزیر در حاشیه خبر ارسالی ایشان نوشته است: «ملاحظه شد بایگانی شود!» یعنی کمترین اقدامی صورت نداده بودند؛ حتی به مقامات ارشد؛ حتی به رهبر انقلاب یا رئیس جمهور یا نخست وزیر وقت هم اطلاع نداده بودند. او از این بابت بسیار ناراحت و عصبانی بود.

در همین راستا لازم می‌دانم توضیح دهم که پیش از انقلاب، اداره دوم ساواک به‌عنوان اداره جاسوسی برون‌مرزی فعالیت می‌کرد؛ به‌ویژه در عراق، بسیار فعال بود. افسران شیعه عراقی، اخبار نظامی خود را توسط گله‌داران مرزی به اداره ساواک در شهرهای مرزی ایران می‌فرستادند. یک بار در زمانی که معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب بودم، از اسناد ساواک دیدن کردم. در آنجا اسنادی دیدم که نشان می‌داد گزارش‌های نظامی ارتش عراق پیش از آنکه به دست حسن البکر، رئیس جمهور وقت عراق، برسد، به ایران می‌رسیده است. پس از انقلاب که شبکه جاسوسی برون مرزی ساواک برچیده شد، افسران عراقی با آقای سید محمود دعایی، سفیر ایران در بغداد، تماس می‌گیرند و درباره چگونگی ارسال اخبار خود می‌پرسند. آقای دعایی مراتب را به من گزارش داد و من از آنها خواستم گزارش‌های خود را مستقیماً به دست سفیر ایران در کویت (آقای شمس اردکانی) بدهند. خبر حمله ارتش عراق به ایران بسیار دقیق بود، اما متأسفانه از آن منابع خبری، استفاده لازم صورت نگرفت.

یک مورد دیگر، حضور سفیر ایران در آرژانتین بود. ایشان یک روحانی و مسئول نظارت بر کشتار دام برای ایران بود، که به سفارت منصوب شده بود. او گزارش بسیار خوبی از اوضاع سیاسی و اقتصادی آرژانتین به کمیسیون داد که نشان از دقت و پیگیری او داشت. او همچنین گلابه می‌کرد که سفرای کشورهای دیگر، حتی

## ۲۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

کشورهایی نظیر سوریه و لیبی و ... او را تحویل نمی‌گیرند و در مجالس گردهمایی سفرای خارجی به او بی‌اعتنایی می‌کنند؛ از این رو، از ما خواست که سفارش او را به این کشورها بکنیم. وقتی با این موضوع روبه‌رو شدیم، من علت بی‌اعتنایی سفرای کشورهای دیگر نسبت به این سفیر را دریافتم و برای کمیسیون توضیح دادم که این شخص به‌عنوان نظارت بر کشتار دام‌ها از طرف ایران به آرژانتین رفته بود و اشتباه در این بود که او را در همان کشور به مقام سفارت منصوب کرده بودند. دولت آرژانتین برای حفظ روابط خود با ایران با سفارت او موافقت کرده بود (آگریمان داده بود)، اما در عرف دیپلماتیک معمولاً چنین کاری نمی‌کنند؛ زیرا سوابق فرد برای سفارت بسیار مهم است. اگر همین فرد را به‌عنوان سفیر به کشور دیگری می‌فرستادند، مشکلی برایش پیش نمی‌آمد.

در دوران وزرات من در امور خارجه، مورد مشابهی پیش آمد و من با سفیر شدن او موافقت نکردم. داستان این بود که یک روحانی برای نظارت بر کشتار دام سفارش ایران به استرالیا، اعزام شده بود و پس از مدتی، تلاش می‌کرد به‌عنوان سفیر معرفی و منصوب شود؛ حتی **آیت‌الله منتظری**، طی نامه‌ای، ایشان را به **آقای خمینی** معرفی و سفارش کرده بود که ایشان را به‌عنوان سفیر آن کشور منصوب کنند. مرحوم آقای خمینی هم ذیل نامه‌ای به من توصیه کرده بود که این شخص را به سفارت در استرالیا منصوب کنم؛ اما من قبول نکردم و به آقای خمینی جواب دادم که این شخص فعلاً به ایران بیاید تا من بررسی کنم؛ اگر او را واجد صلاحیت دیدم در جای دیگری منصوب می‌کنم، اما آن آقای روحانی هرگز نزد من نیامد (شصت سال صبوری و شکوری: خاطرات دکتر ابراهیم یزدی، جلد پنجم، دفتر اول، در وزارت امور خارجه، اردیبهشت - آبان ۱۳۵۸).

### ۱- روابط با مصر - گزارش به مجلس

در مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز پنجشنبه ۲۷ شهریورماه ۱۳۵۹ آقای شیخ مهدی کروبی، ضمن حمله به سیاست خارجه ایران در زمان تصدی این جانب ادعا کرد: «جریان کلی سیاست خارجی این آقایان، نه تنها مسئله آمریکا اصلاً

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۴۷

موضع‌گیری‌شان، موضع‌گیری بسیار سازشکارانه و غلطی بود. از آن جمله در داستانی که خودشان هم اشاره کردند، مسئله مصر که پیش آمد، ایشان وزیر امور خارجه بود و ایشان باید قطع ارتباط کند، قطع ارتباط نکرد تا اینکه امام نامه نوشتند. بعد هم که امام نامه نوشته بودند، ایشان تلفن کرده بود به رادیو - تلویزیون که نامه را نخوانید. همین آقای یزدی تلفن کرد که نامه خوانده نشود و ...».

بنده در همان جلسه و در همان جا این مطلب را تکذیب کردم و اشاره کردم که این حرف آقای کروبی صحیح نیست. پس از آن نیز با آنکه چندین بار موضوع قطع رابطه ایران و مصر را توضیح داده بودم، ناچار شدم اقدامات خودم در دوران وزارت امور خارجه در باره قطع رابطه ایران و مصر را طی نامه‌ای سرگشاده برای نمایندگان مجلس و مردم ایران تشریح کنم.

### نامه سرگشاده دکتر یزدی به مجلس شورای اسلامی درباره چگونگی قطع رابطه جمهوری اسلامی ایران با دولت مصر

«بسمه تعالی

نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی

در مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز پنجشنبه ۲۷ شهریورماه ۱۳۵۹ جناب آقای [مهدی] کروبی ضمن حمله به سیاست خارجه ایران در زمان صدی این‌جانب فرمودند که:

«جریان کلی سیاست خارجی این آقایان، نه تنها مسئله آمریکا اصلاً موضع‌گیری‌شان، موضع‌گیری بسیار سازشکارانه و غلطی بود. از آن جمله در داستانی که خودشان هم اشاره کردند، مسئله مصر که پیش آمد ایشان وزیر امور خارجه بود و ایشان باید قطع ارتباط کند، قطع ارتباط نکرد تا اینکه امام نامه نوشتند. بعد هم که امام نامه نوشته بودند ایشان تلفن کرده بود به رادیو - تلویزیون که نامه را نخوانید. همین آقای یزدی تلفن کرد که نامه خوانده نشود و ...».

بنده در همان جلسه در همان جا این مطلب را تکذیب کردم و اشاره کردم که این حرف آقای کروبی صحیح نیست.

## ۲۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

اینک برای روشن کردن اذهان مردم و جلوگیری از تحریف مغرضانه تاریخ، جریان روابط با مصر و قطع آن را به شرح زیر به ملت قهرمان ایران گزارش می‌دهم:

این‌جانب در ۱۳۵۸/۲/۲ به سمت وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران منصوب شدم. قبل از پذیرش مسئولیت جدید، در قم حضور امام رسیدم و با مشورت و تأیید ایشان مسئولیت جدید را پذیرفتم. در همین دیدار مسئله قطع روابط ایران با مصر به‌عنوان یک امر فوری و ضروری عنوان شد. فرمودند هر طور که مصلحت می‌دانید فوری عمل کنید و نظر این‌جانب بر قطع فوری رابطه با مصر بود. در همان هفته اول، این مسئله با دولت مطرح شد. البته دولت با آنکه موافق قطع رابطه بود اما تصمیم‌گیری دولت و شورای انقلاب در این مورد نیاز به بررسی‌هایی داشت: از آن جمله سرنوشت سرمایه‌گذاری ایران در مصر. در زمان شاه سابق حدود هزار میلیون دلار ایران در مصر سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه چه خواهد شد؟ اما قطع فوری روابط، امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری بود. ما نمی‌توانستیم صبر کنیم؛ اگر می‌خواستیم این بررسی‌ها را انجام بدهیم و بعد تصمیم بگیریم از نظر تأثیرات سیاسی نه تنها بی‌فایده می‌شد، بلکه برای حیثیت انقلاب اسلامی ایران نیز مضر بود؛ چرا که دنیای اسلام انتظار داشت که ایران اولین کشوری باشد که عکس‌العمل نشان بدهد، وگرنه عکس‌العمل ایران انقلابی بعد از عکس‌العمل کشورهای عربی نظیر عربستان و عراق و ... چه تأثیر مثبتی می‌تواند داشته باشد؟

با توجه این ملاحظات بود که این‌جانب اصرار داشتم که هر چه سریع‌تر و فوری روابط قطع شود. به همین دلیل در ۵۸/۲/۱۰ یعنی درست یک هفته بعد از قبول و شروع مسئولیت جدیدم سفیر جدید مصر را احضار کردم و با او درباره قطع روابط صحبت کردم و نظر ایران را به وی اطلاع دادم.

متن کامل این مذاکره به پیوست است (۱). این مذاکرات دقیقاً مواضع و نظر این‌جانب را نشان می‌دهد. به دنبال این مذاکرات با سفیر مصر، این‌جانب مراتب را هم به دولت گزارش دادم و هم به عرض امام رسانیدم و در خواست رهنمود را نمودم. امام در ۱۳۵۸/۲/۱۲ رسماً دستور قطع رابطه با مصر را به این‌جانب ابلاغ فرمودند. به دنبال این فرمان و در همان روز، وزارت امور خارجه ضمن انتشار فرمان امام، بیانیه‌ای



## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۴۹

صادر کرده و مراتب قطع روابط جمهوری اسلامی را با مصر اعلام کرد. متن این بیانیه و فرمان امام به پیوست هست (۲).

در اینجا لازم به تذکر است که برخلاف تصور بعضی از افراد که تحت تأثیر القاء شبهات قرار می‌گیرند، قطع یا وصل روابط دیپلماسی میان دو کشور با وزیر امور خارجه نیست، وزیر امور خارجه حق ندارد به تنهایی و بدون تصویب دولت یا شورای انقلاب، روابط را با کشوری قطع و یا برقرار سازد. البته در انقلاب اسلامی ایران نظر نهایی و قطعی امام در هر موردی برای ما مطاع خواهد بود؛ به طوری که دولت و شورای انقلاب نیز مشروعیت خود را از جانب امام و به دلیل انتصاب از جانب معظم‌له در یافت کرده بودند و در مورد روابط با مصر مسلم است که فرمان و نظر امام برای وزیر امور خارجه، قانونی و لذا لازم الاجرا بوده است و اجرا هم شده است.

به طوری که ملاحظه می‌فرمایید برخلاف آنچه که جناب آقای کروبی فرمودند، روش ما و موضع‌گیری‌های ما هرگز سازشکارانه و غلط نبوده است و نمونه‌ای را هم که برای اثبات ادعای خود بیان فرمودند کاملاً نادرست و به ناحق می‌باشد. واضح است وقتی اصل مسئله غلط و نادرست باشد، ادعای اینکه این جانب به رادیو و تلویزیون گفته باشم فرمان امام را منتشر نکنید بی‌اساس است؛ خصوصاً که متن فرمان امام را خود این جانب طی بیانیه‌ای منتشر ساختم. چگونه است که مخالفین ما فرمان امام را که در وزارت خارجه آمده است می‌خوانند و به یاد دارند، اما متن بیانیه وزارت امور خارجه را ندیده می‌گیرند و فراموش می‌کنند.

در این بیانیه تعمداً ما به مذاکرات ۵۸/۲/۱۰ با سفیر مصر اشاره کرده‌ایم تا ملت بدانند که این جانب قبل از دریافت دست‌خط امام مراتب قطع روابط را به نماینده مصر ابلاغ کرده بودم. امید است این توضیحات برای رفع شبهات کفایت کند و جناب آقای کروبی و سایر کسانی را که در همین تصورات باطل هستند متقاعد سازد و آنچه را که به ناحق گفته‌اند اصلاح نمایند.

والله علی ما نقول شهید.

والسلام - ابراهیم یزدی

## ۲۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۱- نامه به وزارت امور خارجه و مشروح گفتگو با سفیر مصر در ایران

نامه به وزارت امور خارجه در ۱۳۵۹ / ۷ / ۱

برادر محترم جناب آقای کریم خداپناهی، کفیل وزارت امور خارجه

در دوران تصدی این جانب در وزارت امور خارجه، قبل از قطع روابط با دولت مصر طی دو یا سه جلسه مذاکرات حضوری با سفیر مصر در ایران داشتم؛ خواهشمند است دستور فرمایید تا یک کپی از صورت جلسات تنظیم شده را برای این جانب ارسال دارند.

با تشکر. ابراهیم یزدی - نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی

آقای خدا پناهی از اداره هشتم سوابق را می خواهد. آقای محمود هاشمی سرپرست اداره هشتم سیاسی در ۱۳۵۹ / ۷ / ۶ طی یادداشت ۸۱۹ - ۸ این صورت جلسه را برای آقای خدا پناهی می فرستد. آقای خداپناهی در ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۰ طی نامه ای به شماره ۳۷۲ این صورت مذاکرات را برایم فرستاد.

از اداره هشتم وزارت امور خارجه: صورت جلسه مذاکرات جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه با آقای سمیر صفوت، سفیر مصر در تهران در ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۳۵۸/۲/۱۰

**سفیر مصر:** غرض از مزاحمت عرض تبریک صمیمانه برای پست وزارت امور خارجه است و امیدوارم موفق باشید. در نخست وزیری که تشریف داشتید چند بار خواستم حضورتان شرفیاب شوم، اما چون واقعاً مشغول بودید به خودم اجازه ندادم که وقت جناب عالی را بگیرم. لازم می دانم که در خصوص روابط ایران و مصر، سابقه مختصری حضورتان عرض کنم (سفیر مصر از روی aide = memoritise مطالبی به شرح زیر قرائت نمود).

Aide - memorise ضمیمه این صورت جلسه است).

۱- پس آنکه ایران با اسرائیل رابطه برقرار کرد، مصر اولین کشور عربی بود که روابط خود را با ایران قطع کرد.

۲- مصر در خاتمه دادن به اختلافات ایران با عراق نقش مهمی داشت.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۵۱

- ۳- مصر در آرام کردن دنیای غرب پس از آنکه ایران جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را اشغال کرد نقش مهمی داشت.
- ۴- مصر اولین کشوری بود که راه حل سازش‌آمیز را در مورد نام خلیج فارس ارائه داد و جای آن «خلیج» را عنوان کرد.
- ۵- قاهره مقر دفتر نزدیک‌کننده فرقی شیعه و سنی است.
- ۶- مصر اولین کشوری است که از تأسیس و برقراری دفتر PLO حمایت کرد.
- ۷- مصر اولین کشوری است که در مورد پذیرش PLO در سازمان ملل اقدام کرد.
- ۸- مصر اولین کشوری است که در کنفرانس سران عرب در رباط (۱۹۷۴) اعراب را وادار کرد که PLO را به‌عنوان تنها نماینده فلسطینی‌ها بشناسند.
- ۹- علی‌رغم میل سوریه و لیبی، مصر اولین کشوری بود که برای عضویت PLO در جامعه عرب اقدام نمود.
- ۱۰- مصر تنها کشوری بود که جان فلسطینی‌ها را در قتل عام ۱۹۷۰ در اردن نجات داد و یاسر عرفات را از اردن فراری داد.
- ۱۱- مصر مانند سوریه، یاسر عرفات را زندانی نکرد و مانند لیبی به اختلافات فلسطینی‌ها دامن نزد.
- ۱۲- اعراب در کنفرانس بغداد، تمام تصمیماتشان علیه مصر بود؛ درحالی‌که تصمیمی علیه اسرائیل و آمریکا [اتخاذ] نکردند.
- ۱۳- مصر اعلام کرده است که در راه آزادی بلندی‌های جولان به سوریه کمک خواهد کرد.
- ۱۴- مصر به کشورهای عرب - که در بغداد گرد آمده بودند - اصرار کرد که در راه بهره‌برداری از نفت به‌عنوان سلاحی در راه بهبود مشکل اعراب استفاده کنند.
- ۱۵- مصر تنها کشوری است که می‌تواند به نحوی مؤثر در راه تجدید نفوذ کمونیست در منطقه با ایران همکاری نماید.
- ۱۶- مصر طی چهار جنگ با اسرائیل صد هزار نفر کشته داده و چهار میلیون دلار خرج کرده است.

## ۲۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

۱۷- شوروی تنها کشوری است که از وضع فعلی در منطقه بهره‌برداری می‌کند و از کنفرانس بغداد نیز منتفع شده است.

با توجه به مراتب فوق و با توجه به این حقیقت که مصر جزو اولین کشورهای بود که انقلاب ایران را [به رسمیت] شناخت، انتظار داریم روابط دولت ایران با مصر مبتنی بر عمل متقابل باشد. من خیلی متأسفم که روزنامه‌های ایران همه علیه مصر مطلب می‌نوشتند و من به خاطر حفظ روابط، تمام اخبار را sugar coat می‌کردم (زهر آنها را گرفتم) و به قاهره مخابره می‌کردم.

سخنان اخیر سادات در مورد وقایع مصر در شهر عین‌الشمس نیز به نحو نامساعدی در روزنامه‌های ایران منعکس شد. سادات اصلاً به انقلاب ایران توهین نکرده است. توجه به این مطلب نیز ضروری است که ما در مصر شش میلیون مسیحی داریم؛ یعنی حدود ۱۸ درصد مصری‌ها مسیحی هستند. ما نمی‌توانیم تمام مسائل خصوصاً مذهب را علم کنیم؛ زیرا موجب اغتشاش می‌گردد. سادات فقط گفت تجربه ایران در مصر نمی‌تواند پیاده شود.

عده‌ای از سفرای عرب مقیم تهران به من می‌گویند چرا اینجا ایستاده‌ای و این تحقیر را تحمل می‌کنی؟ به آنها پاسخ دادم روابط ایران و مصر آن قدر قوی است که به این مسائل نباید اعتنا کند.

مطلب مهم دیگری که لازم است عرض کنم راجع به روابط اعراب با یکدیگر است. اعراب به هر حال در حکم یک فامیل هستند: یک روبوسی می‌کنند و روزی دگر با هم قهر می‌کنند. جناب‌عالی خواهید دید که همه چیز به‌زودی درست خواهد شد و اختلاف از میان می‌رود. حتماً می‌دانید تا به امروز شانزده کشور عرب با ما قطع رابطه کرده‌اند. ما اعراب احساساتی هستیم. ما هیچ اختلافی با اسرائیل برای حل و فصل قضایا نداشتیم، مگر مشکل فلسطین. ما چقدر باید صبر کنیم، ما چقدر باید خسارت بدهیم؛ درحالی‌که ملت مصر نان ندارد. چقدر باید خرج اسلحه کنیم و نتیجه‌ای از جنگ نگیریم. آنچه اتفاق افتاده، مرحله‌نهایی نیست. اولین قدم در راه صلح است. از همه اعراب خواسته‌ایم که به مذاکرات صلح ملحق شوند. چرا نمی‌شوند؟ کارتر برای اولین بار از قدرت خود استفاده کرد و به اسرائیل فشار آورده است. اگر

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۵۳

اعراب سعی کنند دیالوگ برقرار سازند مسلماً به نتیجه خواهند رسید. ما باید منطقی فکر کنیم. از جنگ چه به دست آورده‌ایم؟

جناب آقای دکتر یزدی: از تبریک شما به مناسبت پست وزارت خارجه متشکریم و آرزوی موفقیت شما را دارم. در مورد روابط مردم ایران و مصر و روابط دولت مصر با دولت ایران باید قائل به تفکیک شد. روابط بین دو ملت بسیار قوی است؛ زیرا تشابه فرهنگی، تاریخی و مذهبی بین ما و برادران مصری بسیار زیاد است و احتمالاً سال‌ها حکومت خلفای فاطمی بر مصر موجب شده که در فرهنگ اسلامی کشورهای ما شباهت زیادی باشد.

هنگامی که در مصر انقلاب شد ایرانی‌ها اولین ملتی بودند که آن را به رسمیت شناختند؛ همچنین وقتی مرحوم دکتر مصدق به مصر رفت با استقبال بی‌سابقه مصر مواجه شد. هنگامی که جمال عبدالناصر قیام کرد ما همه در ایران خوشحال بودیم. شخص من سال‌هاست که با مصری‌ها در تماس بوده‌ام. ما اولین گروه ایرانی بودیم که کتاب «فلسفه انقلاب ناصر» را ترجمه و منتشر کردیم. در سال ۱۹۵۵ وقتی که اسرائیل به مصر حمله کرد، ملت ایران به نفع مصر تظاهرات کرد و خود من از کسانی بودم که حین تظاهرات در تهران دستگیر شدم.

بعد از شکست مهاجمان فراسوی، انگلیسی و اسرائیلی در مصر، نهضت مقاومت ملی [ایران] برای مردم پورت سعید یک قالیچه فرستاد که روی قالیچه بافته شده بود: «هدیه نهضت مقاومت ملی ایران به شهر قهرمان پورت سعید».

عبدالناصر که روابط خود را با دولت شاه قطع کرد، ما از او تمجید کردیم. پس از آن فرصتی دست داد تا من به مصر رفتم و با ناصر ملاقات کردم و آن هنگامی بود که فعالیت‌های زیرزمینی می‌کردم. خیلی از دوستان بسیار خوب من مصری هستند، اما با وجود تمام مطالبی که گفتم ما سیاست دولت فعلی مصر را نمی‌توانیم بپذیریم.

از نقطه نظر اسلام بحث می‌کنم؛ زیرا به نظر ما سیاست مصر از اصول اسلامی جدا شده و مبتنی بر سازش با اسرائیل است؛ مبتنی بر سازش با ابر قدرت‌ها برای حل مسئله خاور میانه است؛ و این بر خلاف اصل توکیل و توکل علی‌الله است. شما پس از

## ۲۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

نزدیکی بسیار با روس‌ها به این نتیجه رسیدید که شوروی دوست شما نیست؛ حالا هم خواهید دید که آمریکا نیز در پی منافع خاص خود است.

ما با مردم مصر دوست هستیم و نهایت احترام را برای آنان قائلیم، اما این مطلب با سیاست ما در مورد دولت مصر متفاوت است. آن زمان که ما از کوشش‌های مصر حمایت می‌کردیم عاشق شخص ناصر نبودیم، بلکه دلیلش سیاست ضد استعماری و ضد امپریالیستی مصر بود. ما در سیاست داخلی هیچ کشوری دخالت نمی‌کنیم. اکنون نیز من قصد دخالت در سیاست مصر را ندارم، اما باید بگویم که سیاست مصر، سیاست ضد اسلام است؛ و درعین حال مشکلات اقتصادی شما را نیز درک می‌کنیم. می‌دانیم که برای تهیه سلاح، پول زیادی خرج کرده‌اید و حالا قصد دارید مشکلات خودتان را از راه صلح با اسرائیل از پیش پا بردارید.

از سوی دیگر، این نکته را نیز باید بگویم که دولت مصر مهمان‌دار شاه بود؛ شاهی که جانی است و ملت ما را قتل‌عام کرده است. ما واقعاً تعجب کردیم که دولت مصر چرا میزبان شاه شد. نمی‌دانم احساس شما چه بود، اما مطمئنم که مصری‌های جوان همان احساسی را که پدران آنها هنگامی که فاروق مصر را ترک می‌گفت داشتند. به نظر من دولت مصر مرتکب اشتباه شد. از طرف دیگر، سخنان سادات در مورد انقلاب ایران و دادگاه‌های انقلاب باعث رنجش شدید ملت ایران و عکس‌العمل آنان شد. تا آنجا که به ما مربوط می‌شود این سیاست سادات را نمی‌توانیم بپذیریم.

به‌خاطر امضای قرار داد صلح مصر با اسرائیل ما روابط خود را با مصر قطع خواهیم کرد. دولت مصر نیز در زمان ناصر به خاطر آنکه ایران اسرائیل را شناخته بود، روابطش را با ایران قطع کرد. حالا شما با اسرائیل رابطه برقرار کرده‌اید!

من تنها به‌عنوان وزیر امور خارجه ایران این مطالب را بیان نمی‌کنم، بلکه به‌عنوان یک برادر مسلمان به شما این نکات را گوشزد می‌کنم. وقتی شما با اسرائیل رابطه برقرار می‌کنید باید نتایج حاصل از آن را نیز متوقع باشید. شما باید بدانید که صلح یک‌جانبه میان مصر با اسرائیل، مشکل خاورمیانه را حل نمی‌کند؛ زیرا مسئله فلسطین هنوز باقی است.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۵۵

**سفیر مصر:** راجع به سفر شاه به مصر باید عرض کنم که اقدام سادات صرفاً جنبه انسانی داشت. لازم است مثالی بزنم. حتماً استحضار دارید که قذافی دوست صمیمی ناصر بود؛ مع ذلک وقتی پادشاه لیبی خلع شد، ناصر او را در مصر پذیرفت. شاه از سخنان سادات که گفت بار دیگر او را قبول نمی‌کند، بسیار رنجید. سادات اضافه کرد: چنانچه شاه بخواهد به مصر بازگردد باید به هزینه خود بیاید و این خوش‌آمدگویی نبود.

**جناب آقای دکتر یزدی:** خیلی تعجب می‌کنم که شما مطلب را به این نحو بیان می‌کنید. اصلاً چرا او را به مصر راه دادید؛ آیا مجبور بودید؟

**سفیر مصر:** چرا مراکش راه داد؟

**جناب آقای دکتر یزدی:** به نظر من باید اسرائیل میزبان او می‌شد، نه شما. شما را در تله انداختند. اسرائیل می‌خواهد شما را تنها و بی یار و یاور از برادران مسلمان جدا کند. شما شاه را قبول کردید؛ درحالی که اجباری برای او نداشتید و این سیاست غلطی بود.

**سفیر مصر:** چنانچه اشتباهی هم شده است، علاقه و احساس ما این است که به این اشتباه خاتمه داده شود. اظهارات شما در مورد قطع رابطه با مصر مرا به شدت ناراحت کرد. اگر تصمیم گرفته‌اید، که هیچ، اما اگر هنوز تصمیم نهایی را اتخاذ نکرده‌اید، خواهشمند است که بیشتر بررسی فرمایید. برای مصر خیلی ناراحت‌کننده است که ایران اولین کشور غیر عرب باشد که رابطه خود را با مصر قطع می‌کند. سه روز پیش شنیدم که آقای [صادق] قطب‌زاده در مصاحبه با روزنامه حوادث گفته بودند که ایران با مصر قطع رابطه نخواهد کرد. این را که شنیدم خیلی خوشحال شدم؛ زیرا معتقدم که مشکل اعراب برای خودشان است؛ چرا دیگران باید درگیر این مشکل شوند. از قطع رابطه ایران با مصر، نه به‌عنوان سفیر مصر، بلکه به‌عنوان یک دیپلمات و به‌عنوان یک مسلمان ناراحت خواهم شد. باور بفرمایید که من دستوری از دولت خود ندارم، اما اگر تصمیم نشده، تجدید نظر فرمایید. هنگامی که با جناب آقای سنجابی مذاکره می‌کردم به ایشان گفتم: روابط شما با فلسطینی‌ها نباید با روابط ایران و مصر مخلوط گردد. بهار به روابط ما با اعراب باز می‌گردد و شما خواهید دید که همه چیز عادی خواهد شد.

## ۲۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

اجازه بدهید از شما بخواهم که در این باره تجدید نظر کنید. من نمی‌دانم چه باید به قاهره مخابره کنم! آیا مطالبی را که درباره قطع رابطه آتی با مصر بیان نمودید باید مخابره کنم؟

**جناب آقای دکتر یزدی:** در مورد مخابره یا عدم مخابره این مطلب البته شما مختارید.

سفیر مصر درحالی‌که بسیار ناراحت و نگران بود، پس از یک ساعت و ۱۰ دقیقه مذاکره، دفتر جناب آقای وزیر امور خارجه را ترک گفت (روزنامه کیهان، یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۵۹).

پیوست شماره ۲: بیانیه وزارت خارجه ایران درباره قطع رابطه با مصر - چهارشنبه ۱۳۵۸/۲/۱۲

وزارت امور خارجه، امروز ضمن صدور بیانیه‌ای که به دنبال پیام امام خمینی در مورد قطع رابطه ایران با اسرائیل را صحنه‌گذاری به تجاوزطلبی صهیونیسم بین‌الملل خواند.<sup>۱</sup> در اطلاعیه وزارت خارجه آمده است:

متن نامه امام خمینی به وزیر امور خارجه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه

با درنظر گرفتن پیمان خائنانه مصر و اسرائیل و اطاعت بی‌چون و چرای دولت مصر از آمریکا و صهیونیسم، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، قطع روابط دیپلماتیک خود را با دولت مصر بنماید.

روح الله الموسوی الخمينی

---

۱. چنان‌که ملاحظه می‌شود این جمله بسیار درهم و گنگ است. چون عین مطلبی است که دکتر یزدی به آن استناد کرده، ویرایش نمی‌شود؛ وانگهی موضوع نامه امام خمینی و بیانیه وزارت خارجه، قطع رابطه با مصر است که نام اسرائیل در اینجا به اشتباه آمده است.

گویا عبارت درست چنین باشد: به دنبال پیام امام خمینی در مورد قطع رابطه ایران با مصر، وزارت امور خارجه، امروز ضمن صدور بیانیه‌ای چون روابط مصر با اسرائیل را صحنه‌گذاری به تجاوزطلبی صهیونیسم بین‌الملل می‌داند، به روابط خود با این کشور پایان می‌دهد (ویراستار).



## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۵۷

در پی صدور این نامه، دیروز وزارت امور خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در مورد قطع روابط ایران با مصر بیانیه‌ای به این شرح انتشار داد:

بسمه تعالی

علت اصلی بحرانی که ۳۱ سال منطقه خاورمیانه را به آتش و خون کشیده و چهار جنگ خانمان سوز را به مردم منطقه تحمیل کرده است، عدم توجه به حقوق حقه خلق فلسطین و به حساب نیاوردن موجودیت آنان بوده است. مسلم است که بدون شناخت ریشه‌ها و علل فاجعه فلسطین، رفع آن میسر نبوده و هیچ نوع اقدام جنبی نمی‌تواند صلح و تفاهم را در منطقه و جهان برقرار سازد.

امضای قرارداد خائنانه بین مصر با اسرائیل که بدون توجه به خواسته‌های مشروع ملت فلسطین و مصالح امت اسلام انجام گرفته، به معنای صحه گذاردن به تجاوزطلبی‌های صهیونیسم بین‌المللی و پایمال کردن حقوق مردم فلسطین و دیگر برادران عربی است که سرزمین‌های آنان مورد تجاوز اسرائیل قرار گرفته است.

قراردادی که توسط دولت کنونی مصر با دولت غاصب اسرائیل تحت نظر و قیادت ایالات متحده آمریکا تنظیم شده است، جز استقرار اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی عرب و تثبیت آن به‌عنوان یک دژ سیاست‌های استعماری در منطقه، ذلت و خفت و اسارت مردم مسلمان نتیجه‌ای ندارد.

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران بار دیگر ضمن ابراز پشتیبانی کامل و همه‌جانبه خود از ملت فلسطین و ضمن تأیید ملت برادر عرب مسلمان که حاضر به پذیرش این صلح تحمیلی نشده‌اند و با توجه به آرمان و آرزوی ملت مسلمان ایران - که رهایی بیت المقدس از چنگال غاصبین اسرائیل است - نمی‌تواند در این برهه از زمان نسبت به حقوق از دست رفته برادران عرب ساکت بنشیند. لذا در ملاقاتی که سفیر مصر در روز دوشنبه ۵۸/۲/۱۰ با وزیر امور خارجه نموده، دولت ایران نظر خود را در مورد سیاست ضد اسلامی و ضد عربی دولت کنونی مصر بیان داشت و تصمیم خود را دایر بر قطع روابط دیپلماتیک به اطلاع سفیر مصر رسانید. این تصمیم که از آرمان‌های انقلاب عظیم اسلامی مردم ایران الهام می‌گیرد، با اساسی‌ترین مبانی ایدئولوژی اسلامی منطبق بوده و در جهت اجرای نظر رهبری عالی‌قدر انقلاب (امام خمینی) می‌باشد که طی فرمانی به وزارت امور خارجه ابلاغ شده است.

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران لازم می‌داند این مطالب را تأکید کند که قطع رابطه با دولت کنونی مصر به هیچ وجه عملی علیه ملت دوست و برادر مصر نمی‌باشد. ملت ایران ضمن ابراز همدردی با ملت مبارز و غیور و برادر مصر بار دیگر پشتیبانی خود را از مبارزات برحق مردم فلسطین ابراز می‌دارد و امیدوار است که اقدامات ملت برادر مصر همگام با دیگر برادران مسلمان و عرب، راهگشای ایجاد تفاهم و صلح پایدار واقعی و دائمی در منطقه بشود.

## ۲- مطالعه وضعیت کشورهای مرتبط با ایران

اگر چه مبانی و اصول سیاست خارجی هر کشوری، از جمله ایران، بر اساس منافع و مصالح ملی و برنامه‌های راهبردی توسعه ملی تنظیم می‌شود، اما انطباق یا کاربرد آن در هر کشوری باید متناسب با وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن کشور و روابط متقابل با هر کشور تعریف شود. تدوین چنین مجموعه‌ای از وظایف وزارت امور خارجه است. در دورانی که در وزارت امور خارجه بودم، بعد از تدوین مبانی اصول سیاست خارجی و تصویب آن توسط هیئت وزیران و شورای انقلاب، به ادارات سیاسی در وزارت امور خارجه مأموریت داده شد درباره کاربرد یا کارکرد مبانی سیاست خارجی ایران در کشورهایی که با جمهوری اسلامی رابطه دارند، کتابی تهیه کنند. کتابی با همین محتوا تهیه شد که اصطلاحاً «کتاب سبز» گفته می‌شود (چگونگی پیشنهاد و تهیه و توزیع این کتاب را در دفتر اول از جلد پنجم خاطراتم با عنوان «در وزارت امور خارجه: اردیبهشت - آبان ۱۳۵۸» شرح داده‌ام).

ضرورت این مسئله را در کمیسیون خارجه مطرح کردم، اما در آن زمان، به دلیل اختلاف میان رئیس جمهوری و نخست‌وزیر و جریانات متأثر از آن، وزارت امور خارجه در وضعیتی نبود که بتواند به چنین نیازی پاسخ دهد؛ حتی مسئولان وزارت خارجه نتوانستند متنی را که در زمان مسئولیتم در وزارت خارجه تحت عنوان «کتاب سبز» تدوین شده بود پیدا کنند.

با این همه، طرح این موضوع در کمیسیون، موجب شد کوششی در راستای جمع‌آوری اطلاعات درباره کشورهای همسایه صورت گیرد.

### بررسی سیاست و عملکرد دولت عراق

بحث سیاسی خارجی در جلسه ۲ / ۷ / ۱۳۵۹ ساعت ۱۵: ۹ صبح با حضور آقایان خویینی‌ها، متکی، باباصفیری، خاتمی، هادی، شاه‌چراغی و یزدی ادامه پیدا کرد (محمد منتظری در این جلسه غایب بود).

در ادامه بحث جلسه قبل، من آغازگر جلسه شدم که در راستای طرح بررسی سیاست خارجی ایران، به موضوع روابط ایران و عراق پرداختم و این پرسش را به میان آوردم که: سیاست خارجی ما در رابطه با عراق چیست و چه باید باشد؟ موسوی خویینی‌ها به بررسی علایق دو ملت و اثرات انقلاب اسلامی ایران در این علایق دو طرفه پرداخت و گفت: این علایق وضع ما را با روسیه متفاوت می‌سازد. علی‌رغم موضع ایران بعد از انقلاب، عراقی‌ها موضع دوستانه‌ای اتخاذ نکردند. چه کارهایی که می‌توان کرد و می‌شد که انجام ندادیم و شکاف زیاد شده تا به این حد [جنگ] رسیده است.

خاتمی اظهار داشت: در سیاست ظاهری عراق بعد از انقلاب اسلامی ایران، راستگرایی آغاز شد. ملاقات‌های زیادی صورت گرفت، تماس‌هایی با آلمان فرانسه و انگلیس صورت گرفت. پیمان با یمن شمالی و عربستان سعودی به رغم ایران بسته شد. بدترین دشمن ما در منطقه، سعودی‌ها هستند. سعودی، رئیس جبهه و دشمن اصلی است.

چنان‌که در جلد پنجم خاطراتم در بخش «در جنبش غیرمتعهدها» آورده‌ام، چندین ماه پس از انقلاب در ایران، تحرکات تنش‌آمیزی از دو سوی ایران و عراق نسبت به همدیگر صورت می‌گرفت؛ از این رو، در روزهایی که اجلاس جنبش عدم تعهد در هاوانای کوبا برقرار بود، طی دیداری با صدام حسین، رئیس جمهور عراق، با ایشان در باره همکاری‌های دو جانبه و رفع کدورت‌ها سخن گفتم. در سال ۱۳۹۳ پس از آنکه متن آن گفتگو را در سایت تاریخ ایرانی منتشر کردم<sup>۱</sup>، افزون بر آنکه از سوی دیگر

۱. متن کامل مذاکرات ابراهیم یزدی با صدام حسین در هاوانا، دوم مهر ۱۳۹۳  
(<http://tarikhirani.ir/fa/news/7832>)

پایگاه‌های اینترنتی با استقبال روبه‌رو شد، برخی از افراد، مقاله‌هایی نیز پیرامون آن نوشتند؛ از جمله آقای علی افشاری مقاله‌ای نوشت با عنوان «دیپلماسی فریبکارانه صدام پیش از جنگ» که در پیوست ۲ آمده است.

### ۳- بررسی مسئله جنگ

پیشنهاد شده بود که مجلس، ستاد ویژه‌ای برای بررسی جنگ، ادامه یا پایان دادن به آن، تشکیل دهد. این پیشنهاد در کمیسیون در جلسه ساعت ۳۰:۹ صبح روز ۷/۷/۱۳۵۹ با حضور خویینی‌ها، نظری، باباصفیری، خاتمی، متکی و یزدی مطرح شد.

خویینی‌ها مسئله ستاد ویژه مجلس و قانونیت آن را مطرح کرد. متکی گفت که تشکیل ستاد متفی است؛ برای اینکه اگر منظور این است که جنگ را بررسی کنیم و آن را خاتمه بدهیم، یا اینکه چون امام فرمودند «صدام کافر است» باید جنگ را تا سرنگونی صدام ادامه دهیم؟ خویینی‌ها گفت: یعنی چه؟ باید بررسی کنیم. این حرف [ادامه جنگ تا سرنگونی صدام] یعنی اگر خود صدام عقب‌نشینی کرد، ما جنگ را ادامه بدهیم و برویم به بغداد تا آنها ساقط شوند و بعد انتخابات برگزار کنیم؛ یا اینکه در مرزها با نیروهای صدام جنگ و گریز را ادامه بدهیم تا مردم عراق قیام کنند؟ باباصفیری: اخبار ما ناقص است؛ اگر توان مبارزه را نداشته باشیم، و صدام هم بپذیرد که عقب‌نشینی کند، ما باید بپذیریم و جنگ پایان یابد.

خوئینی‌ها: می‌دانیم حکومت صدام غیر مردمی است و با مردم رابطه‌ای ندارد. اعدام مرحوم صدر، اتفاقی نبود. باید به بررسی نیروهای مقاوم بالقوه مردمی پرداخت و امکان تبدیل این نیروها به نیروهای بالفعل را در نظر گرفت. اگر درگیری ادامه پیدا کند، نیروهای عراقی به جای شهرها و سرکوب مردم به مرزها می‌آیند. اینها یک معنای ادامه جنگ است.

متکی معتقد است باید تا سرنگونی رژیم صدام، جنگ ادامه یابد ولو اینکه شیوه جنگ را تغییر دهیم.

در ادامه بحث، توضیح دادم که سیاست [دولت] ما باید [این‌گونه باشد]: ۱- با دولت‌های مختلف تماس بگیرد و از طریق تبلیغات مفید، بر افکار عمومی مردم جهان اثر مثبت بگذارد. ۲- از تبلیغات مضر و ضد ایران، جلوگیری کند. منافع این دولت‌ها با

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۶۱

اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران تناقض دارد. برای جلب افکار عمومی مردم دنیا و سایر کشورها، باید روش‌های ویژه‌ای به کار گرفت؛ مانند:

- ۱- نمایندگی‌ها و سفارتخانه‌های خودمان و استفاده از شیوه‌های مختلف برای تماس با گروه‌های مردمی و تبلیغات مؤثر؛
- ۲- رسوخ و رخنه در رسانه‌های گروهی بین‌المللی؛
- ۳- نمایندگی‌ها و سفارتخانه‌های خارجی در تهران؛
- ۴- شرکت در کنفرانس‌ها و مجامع دائمی و موسمی بین‌المللی؛
- ۵- برپایی جلسات و کنفرانس‌ها در تهران.

### بررسی جنگ در جلسه مشترک کمیسیون امور خارجه و کمیسیون دفاع

عراق چه می‌کند، یا ما چه می‌خواهیم بکنیم تا عراق را وادار به آن سازیم؟ حمله عراق به ایران و عدم موفقیت عراق، ضربه کاری و مهلکی به صدام بود.

بررسی مسئله جنگ در کمیسیون مشترک امور خارجه و دفاع در ۱۳۵۹/۷/۹ با حضور آقایان حقانی، زنگنه، منتظری، محلاتی، باباصفیری، خویینی‌ها، روحانی، عابدین‌زاده، متکی، شاه‌چراغی، هادی و یزدی ادامه پیدا کرد.

بعد از بحث مختصر، یک گروه ویژه خبری - اطلاعاتی سه نفری تعیین شد: از کمیسیون مشترک دو نفر آقایان حقانی و روحانی و نفر سوم به معرفی ستاد مشترک ارتش. سپس آخرین اخبار و امکانات از جهت سیاسی و نظامی بررسی و بحث شد.

آخرین بیانات امام و هماهنگی با نظرات امام: آیا مذاکره بشود یا نه؟ خلاصه صحبت‌های بنی‌صدر با ضیاء‌الحق، رئیس جمهور پاکستان، و یاسر عرفات این بود که هیچ مذاکره‌ای نداریم. عراق خودش جنگ را شروع کرده است، خودش شکایت می‌کند، بعد آتش‌بس را می‌پذیرد تا اراضی اشغالی را حفظ کند. بعد مذاکره می‌کند!

تجاوز هوایی روس‌ها به ایران بحث شد. هر نوع مذاکره را ایران رد کرده است و آتش‌بس را نپذیرفته است. جنگ تا زمان اشغال اراضی ایران ادامه دارد. اختلاف نظری بین امام، رئیس جمهوری و نخست‌وزیر وجود ندارد. مشکل جنگ مردمی در خوزستان، مسطح بودن سرزمین است.

## ۲۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

بجنوردی، قرارداد پانزده ساله عراق و روسیه و فروش سلاح‌های نظامی روسیه به عراق را عنوان کرد. او سپس پرسید: آیا توافق روسیه و آمریکا در مورد جنگ عراق علیه ایران امکان دارد؟ آیا خطر گرایش این دو کشور به اعراب وجود دارد؟ نیروهای چپ به دلیل ضعف و کمی نفرت، خطر جدی برای جمهوری اسلامی نیستند، بلکه یک احساس ترس کاذب از روسیه است که به آن می‌گویند: «Red Phobia» (ترس سرخ). اگر شوروی حماقت کند و بی‌طرفی خود را حفظ کند احتمالاً گرایش به غرب شدت خواهد گرفت؛ مانند چراغ سبز آمریکا به روسیه، برای دادن قطعات به عراق. اگر این گرایش‌های غربی ادامه یابد جمهوری از بین خواهد رفت. ما باید به سوریه، الجزایر، لیبی و فلسطین نزدیک شویم. وزارت خارجه و دیپلماسی‌ها فعال باشد و گروه‌های توجیه‌کننده، به کشورهای بلوک شرق اعزام شوند تا نشان داده شود که جنگ عراق با ایران، جنگ آمریکاست، تا زبان تفاهم پیدا کنیم و مناسبات لازم را به وجود بیاوریم. در صنایع می‌توانیم با هندوستان روابط خوبی داشته باشیم؛ بخصوص صنایع نساجی. تباری روس‌ها و آمریکا برای جنگ یک دروغ است. روس‌ها چه سودی از این جنگ می‌برند؟ آمریکا از ایران اخراج شده است و این برای روس‌ها سود بیشتری دارد. نباید فریب خورد.

روحانی: آقای بجنوردی، حرف‌های مجاهدین و توده‌ای‌ها را می‌زند. من با آنها بحث داشته‌ام. این سیاست [طرح آقای بجنوردی]، مطرود است و موجب جدا شدن از مردم می‌شود. باید حملات شدید متوجه آمریکا باشد؛ باید به سخنان امام توجه کنیم؛ مبادا سرمان کلاه برود. اینکه مذهبی هستیم و کمونیست‌ها کاری نمی‌کنند، فایده ندارد. کمونیست‌ها با ترور عمل می‌کنند. شوروی در کارهای داخلی ما مرتباً دخالت داشته و دارد. شواهد در اداره دوم وجود دارد. کوشش و تحریکات روس‌ها در بلوچستان، نمونه‌ای از این دخالت‌هاست. عراق، دست‌بردار نیست و دست‌بردار نخواهد بود. جنگ طولانی خواهد شد، اما اگر عراق عقب نشست چه کنیم؟ قرارداد ۱۹۷۵ را باید بررسی کرد. قبول داریم یا خیر؟

محلاتی: روس‌ها با کمک نیروهای محلی عرب، به شدت مشغول آماده‌سازی عراق هستند. اگر یک هفته مجال بدهیم آنها آماده‌تر می‌شوند.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۶۳

منتظری: برای آمریکا و روس‌ها خلیج مهم است. تجربه‌ی سومالی را در نظر بگیرید. روس‌ها نفوذ داشتند. وقتی بین سومالی و حبشه جنگ شد، روس‌ها به سومالی کمک نکردند؛ در نتیجه، سومالی رفت سراغ آمریکا. در خلیج هم اگر کمکی به عراق نکنند، عراق به طرف غرب خواهد غلطید و روس‌ها می‌بازند. روابط عراق با روس‌ها در حال حاضر خوب نیست. کمونیست‌های روسی عراق، همه فراری هستند. اخوان المسلمین آمریکایی آمده‌اند به عراق. روس‌ها الآن با سوریه هستند. سوریه و عراق با هم در جنگند. سیاست عراق از دو سال گذشته، خیلی فرق کرده است. بعد از برهم خوردن روابط یمن جنوبی با عراق، روابط عراق با عربستان و همزمان با یمن شمالی بهبودی یافته است. قراردادهایی میان عراق و عربستان بسته شده است. عراق، علیه ایران سیاست تهاجمی دارد و هدفش زدن و داغان کردن ماست و جنگ شدید خواهد شد.

### ۴- بررسی مبانی سیاست خارجی با حضور یکی از مدیران وزارت خارجه

جلسه کمیسیون در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۹ ساعت ۴ بعد از ظهر با حضور کلیه اعضا و آقای حسین لواسانی، مدیرکل سیاسی آسیا و آفریقایی وزارت امور خارجه برگزار شد. آقای لواسانی نتیجه دعوت از سفرای کشورهای عرب را گزارش داد و نیز دعوت از روزنامه‌نگاران دنیای اسلام و عرب و ترکیه و هند و پاکستان. در این دیدارها، سفیر سوریه از ایران پرسیده است: هدف شما از جنگ چیست؟ و معنا و مفهوم آن چیست؟ لواسانی جواب داده است: عراق در ۱۳۵۹/۷/۶ به ما حمله کرده است؛ قبلاً هم در جاهای دیگر حمله می‌کرده است؛ بنابراین، ما دفاع می‌کنیم.

سفیر لیبی: اگر ما جانب شما را بگیریم و به عراق پشت کنیم، در نتیجه به قومیت خود (عربیت) لطمه زده‌ایم و اگر برعکس شود به اسلامیت خودمان لطمه زده‌ایم. سفیر الجزایر: هر گونه امکاناتی که داریم در اختیار شما می‌گذاریم. آنچه را هم که نداریم از دیگران تهیه می‌کنیم و در اختیار شما می‌گذاریم.

لواسانی گفت: [بر پایه همین وعده‌های سفیر الجزایر] قرار است هیئتی به الجزایر

برود.

## ۲۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

کاردار عربستان سعودی چیزی نگفت. با مدارک و شواهد و گزارشاتی که داریم، می‌دانیم عربستان مشغول کمک به عراق است. با یمن جنوبی ارتباطی نداریم. یمن شمالی، عراق را تأیید می‌کند، اما ما هنوز با آنها تماس نگرفته‌ایم. درباره کویت، نیز گفته می‌شود تمام بنادر و امکانات آنها در اختیار عراق است. کاردار کویت در ایران است، اما سفیر این کشور، هنوز برنگشته است. زخمی‌های ما در بیمارستان‌های کویت بستری هستند. باید با آنها دوستانه رفتار کرد. امارات متحده عربی، برخورد دوستانه‌ای با ما ندارد. عمق پشتیبانی کویت از عراق، خیلی بیشتر از امارات است، اما ستاد جنگ ما به امارات حمله کرده است. بچه‌های بوشهر معتقدند امارات در چند روز اخیر علی‌الظاهر موضع خود را عوض کرده و روی موافق به ایران نشان می‌دهد. تلکس اخیر کاردار ایران از ابوظبی، سه نکته دارد: شش فروند هواپیمای عراقی در فرودگاه ابوظبی دیده شده‌اند که به مقصد نامعلومی پرواز کرده‌اند. ۲۴ کامیون با محموله مشکوک یا سؤال‌برانگیز دیده شده است. فرودگاه هم از ساعت ۷ شب تا صبح برای تمامی هواپیماها بسته شده بود. شیخ راشد و شیخ خلیفه حضوراً به آقای امامی گفته‌اند که با عراق همکاری نخواهند کرد. در مورد ترکیه، آقای لواسانی گفت: هنوز وزارتخانه از موضع آن کشور خبر ندارد و متحیر است که چه موضعی بگیرد.

آقای احمد سلامتیان که در کمیسیون حضور پیدا کرده بود، مسئله میراژهای فرانسوی در عراق را مطرح کرد که با خلبانان مراکشی که تجربه میراژ فرانسوی و هواپیمای اف یک را دارند، به عراق آمده‌اند. او به انتخابات ریاست جمهوری فرانسه اشاره کرد و گفت با توجه به اختلافاتی که در فرانسه هست، ما توانایی آن را داریم که فروش اسلحه فرانسوی به عراق را مطرح کنیم و به نفع خود بر آنها فشار بیاوریم. دیپلماسی و تبلیغات فعال ما در فرانسه می‌تواند برای ایران فواید زیادی داشته باشد و به احتمال، جلوی تحویل اسلحه فرانسوی به عراق را بگیرد یا متوقف سازد. بخصوص در مرحله تجاوز عراق به ایران.

سلامتیان پیشنهاد داد: ۱- کمیسیون امور خارجه مجلس، پیامی خطاب به مردم فرانسه صادر و درخواست توقف صدور اسلحه به عراق تا پایان جنگ را بنماید.



## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۶۵

۲- شخصیت ها، سازمان‌ها، رئیس جمهور، نخست‌وزیر، رئیس مجلس، کمیسیون خارجه مجلس و وزارت امور خارجه، یادداشت رسمی و تلگراف‌های اعتراض به فرانسه بفرستند. ۳- مصاحبه‌هایی درباره ماهیت تجاوزطلبی عراق و اعتراض به کمک‌های دیگر کشورها به عراق بشود. ۴- اعزام هیئتی به فرانسه برای تبلیغات و دیپلماسی.

۵- احضار سفیر فرانسه برای ادای توضیحات.

در همین جلسه کمیسیون نیز طرح کمیسیون اصل ۹۰ مطرح و جواب تهیه شد که ارسال شود.

### ۵- کمیته صلح اسلامی

#### دیدار با ضیاءالرحمان رئیس، جمهوری بنگلادش

در اواخر سال ۱۳۵۹ آقای دکتر همایون کبیر، سفیر بنگلادش در ایران، با من تماس گرفت و گفت: آقای ضیاءالرحمن که به همراه هیئتی از جانب کنفرانس اسلامی برای وساطت میان ایران و عراق به تهران آمده، مایل است با شما دیدار کند. آقای دکتر همایون کبیر در دروران تحصیل در آمریکا از اعضای فعال «انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا» بود؛ از این رو، با هم آشنا بودیم. او پس از اتمام تحصیل به بنگلادش برگشت و به وزارت امور خارجه رفت. بعد از انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان سفیر بنگلادش به ایران آمد. زمانی که من وزیر خارجه ایران بودم، گاهی همدیگر را می‌دیدیم. او از جانب ضیاءالرحمن مرا به شام در منزلش دعوت کرد. در این دیدار، ضیاءالرحمن، دیدگاه‌هایش درباره جنگ را برایم توضیح داد. او گفت هیئت اعزامی، صدام را عامل جنگ و مقصر می‌دانند. آقای خمینی به آنها گفته بود: این نظر را به‌طور علنی اعلام کنید. اما این هیئت حاضر نبود این نظر را به‌طور علنی ابراز دارد. سال‌ها بعد هنگامی که برای گرفتن ویزای سفر به آمریکا به برن (سوئیس) رفته بودم، به کنفرانسی در ژنو دعوت شدم. از جمله شرکت‌کنندگان در این کنفرانس، بن بلا، رئیس جمهور اسبق الجزایر، و نیز آقای حبیب شطی، دبیر کل سابق «اتحادیه عرب» بودند. به مناسبت حضور من در این نشست، موضوع جنگ ایران و عراق مطرح شد. آقای

## ۲۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

حبيب شطی همين مطلب آقای ضياء الرحمن را شرح داد و گفت: «مسئول شکست مذاکرات صلح بين ايران و عراق، اعضای کمیته صلح بودند؛ آنها در دیدار خصوصی با آقای خمینی اعتراف می کردند که صدام متجاوز است، اما حاضر نبودند آن را به طور علنی اعلام کنند».

ضياء الرحمن در دیدار خود یک نسخه از طرح صلح هیئت را به من داد و نظر مرا جویا شد. آن را با دقت خواندم. اگر چه در مجموع پیشنهادها قابل توجه و بررسی بود، اما در برخی از مواد آن ابهامات جدی وجود داشت که باید برطرف می شد. متن زیر، شرح پیشنهادات «کمیته صلح اسلامی» است. در این متن، نکاتی را که می بایستی اصلاح شوند تا برای ایران قابل قبول باشد، با فونت زرد مشخص کرده ام که یک نسخه از آن را توسط آقای همایون کبیر به آقای ضياء الرحمن برگرداندم.

«بسم الله الرحمن الرحيم

کمیته صلح اسلامی

پیشنهادات برای برقراری صلح

کمیته صلح اسلامی سران هشت کشور و دولت و دبیرکل «سازمان کنفرانس اسلامی» که توسط سومین کنفرانس سران اسلامی منعقد در طائف مکه در ژانویه ۱۹۸۱ تشکیل گردیده از تمایل جهانی امت اسلامی به اینکه اختلاف و برادرکشی بین ایران و عراق باید به یک پایان صلح عادلانه و شرافتمندانه برسد، عمیقاً آگاه است. کمیته برای ایجاد صلح و آشتی میان برادران مسلمانی که از یکدیگر دوری گزیده و به زد و خورد مسلحانه پرداخته اند، از حکم اسلامی آگاهی بسیار دارد.

دلگرم از توافق موجود میان سران کشورها و دولت های سازمان کنفرانس اسلامی، کمیته صلح اسلامی با رهبران ایران و عراق ملاقات نمود، نقطه نظرهایشان را به دقت مورد توجه قرار داد و آنان را تشویق کرد که در حل اختلاف به طور مسالمت آمیز میان برادران مسلمان احکام قرآن را رعایت نمایند.

عمیقاً نگران از نابودی مداوم جان های گرامی و انهدام منابع مادی که مردم مسلمان را به نابودی می کشاند، کمیته صلح اسلامی به طرفین دعوا همین طور پایان بخشیدن

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۶۷

فوری به جنگ و تسهیل در برقراری صلح مطابق احکام اسلام و عدالت و قانون بین‌المللی پیشنهادات زیر را می‌نماید:

### الف- اصول

- ۱- احترام محض توسط ایران و عراق برای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یکدیگر.
  - ۲- تصدیق مجدد توسط عراق و ایران به ناپسند بودن گرفتن سرزمین به زور.
  - ۳- تصدیق مجدد توسط ایران و عراق به عدم دخالت و مداخله به هر شکل در امور داخلی یکدیگر.
  - ۴- تصدیق مجدد توسط عراق و ایران به پیوستگی آنها به اصول رفع اختلافات بین‌المللی به طرق صلح‌آمیز.
- نظری که من دادم: در این ماده می‌بایستی رفع اختلاف بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ تصریح شود.

۵- قبول توسط ایران و عراق به آزادی کشتی‌رانی در شط العرب.

### ب - ارکان حل اختلاف به طور مسالمت‌آمیز

- ۱- آتش‌بس بین عراق و ایران باید در ساعت .... شب پنجشنبه جمعه ۱۳ مارچ ۱۹۸۱ (۲۲ اسفند ۱۳۵۹) به مرحله اجرا درآید.
- ۲- عقب‌نشینی نیروهای عراقی از (تمامی اراضی) سرزمین ایران باید از جمعه ۲۰ مارچ (۲۹ اسفند ۱۳۵۹) شروع شود و در مدت چهار هفته، موکول به توجه به آن توسط یک کمیته فرعی، تمام خواهد شد [و نیروهای عراقی به مراکز خود قبل از آغاز جنگ در شهریور ۵۹ عقب‌نشینی می‌کنند].
- ۳- آتش‌بس و عقب‌نشینی [نیروهای عراقی] با نظارت ناظرین نظامی منتخب از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (سکا) مورد قبول طرفین انجام خواهد شد.
- ۴- مسئله شط العرب به کمیته‌ای متشکل از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی (سکا) مورد قبول دو کشور ایران و عراق محول خواهد شد تا آخرین قانون این راه آبی را [طبق قرارداد ۱۹۷۵] تعیین نماید.
- ۵- مذاکرات برای حل سایر اختلافات به‌طور مسالمت‌آمیز پس از عقب‌نشینی نیروهای عراقی از سرزمین ایران [بر اساس قرارداد ۱۹۷۵].

## ۲۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

۶- مبادلهٔ اعلامیه‌های عدم مداخله و دخالت در امور یکدیگر توسط ایران و عراق.  
۷- کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی (سکا) ضمانت خواهند نمود که طرفین تعهدات را که بر اساس حل اختلاف به‌طور مسالمت‌آمیز پذیرفته‌اند، رعایت کنند و در صورت لزوم، ناظرانی در طرفین مرز بین‌المللی برای مدتی معین نگاه دارند [مرز بین‌المللی مبهم است؛ باید تصریح شود مرزهای قبل از آغاز جنگ].

پ- اقدامات موقتی برای کشتیرانی آزاد در شط العرب.

۸- از روزی که در آن آتش‌بس به مرحلهٔ اجرا درمی‌آید و تا آن موقع که مسئلهٔ شط العرب به یک توافق نهایی برسد، کشتی‌رانی در این گذرگاه آبی توسط یک هیئت ویژه تحت توجه سازمان کنفرانس اسلامی (سکا) باید سازمان بیابد و نظارت گردد.

۶- این هیئت ویژه ممکن است از سازمان کنفرانس اسلامی بخواهد که به‌منظور اطمینان یافتن از کشتیرانی آزاد در شط العرب در دورهٔ موقت، یک کمیته احتمالی حفظ صلح تشکیل دهد.

ت- کمیتهٔ صلح اسلامی یک کمیتهٔ فرعی تشکیل خواهد داد تا طرفین را در اجرای شرایط حل اختلاف [بر طبق قرارداد ۱۹۷۵ با حکمیت الجزایر] به‌طور مسالمت‌آمیز یاری نماید.

حضرت آقای احمد سکوتوره - رئیس جمهوری انقلابی خلق گینه

حضرت میر داکایرا باجا وارا - رئیس جمهور جمهوری گامبیا

حضرت آقای ضیاء الرحمن - رئیس جمهوری خلق بنگلادش

حضرت ژنرال محمد ضیاءالحق - رئیس جمهور جمهوری اسلامی پاکستان

حضرت آقای یاسر عرفات - رئیس کمیتهٔ اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین

حضرت آقای مصطفی نیاسی - وزیر امور خارجهٔ جمهوری سنگال و نمایندهٔ

رئیس کشور

حضرت آقای تنگو احمد ریتو آدین بین تنگکو اسماعیل - نمایندهٔ ویژهٔ نخست‌وزیر

و وزیر امور خارجهٔ مالزی

حضرت آقای حبیب شطی - دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۶۹

نامه آقایان مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، دکتر یزدی و مهندس صباغیان به  
دبیرکل سازمان ملل متحد

بسمه تعالی

جناب آقای خاویز پرز دکوئیار - دبیر کل سازمان ملل متحد ۱۳۶۲/۹/۱۴

ما امضاکنندگان ذیل، نمایندگان مردم ایران در مجلس شورای اسلامی ایران به نام خدا و حقوق بین‌الملل و حقوق بشر و با اعتراض شدید نسبت به سکوت و عدم عمل آن سازمان درباره تجاوزات اخیر دولت عراق، لازم می‌دانیم مراتب زیر را متذکر شده و اقدام عاجل مقتضی درباره آن را درخواست نماییم.

به طوری که مسبوق هستید دولت عراق به کرات و اخیراً با شدت بیشتری شهرهای بی‌دفاع و دور از صحنه اصلی جنگ را مورد حملات سبعانه خود قرار داده و صدها خانه و ساختمان و مدرسه و بیمارستان و مراکز غیرنظامی دیگر را با بمباران‌های هوایی و با پرتاب موشک‌های کوه‌پیکر منهدم و هزاران تن از مردم بی‌گناه و بی‌دفاع را مقتول و مجروح نموده است.

سومین کنفرانسسیون بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۴۹ در مبحث (قربانیان جنگ) طرفین مخاصمه را از هر گونه اقدامی علیه مردم شهرها و مراکز غیرنظامی دور از صحنه جنگ ممنوع ساخته است. اقدام دولت عراق نقض صریح و آشکار مفاد این کنوانسیون و مشابه آن می‌باشد.

ما بدون آنکه در اینجا وارد بحث ریشه‌ها و ماهیت تجاوزات و جنایات دولت عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران بشویم و یا دفاع از حقوق و تمامیت ارضی کشورمان را مطرح سازیم، به نقض آشکار مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق بشر توسط دولت عراق اعتراض نموده و انتظار داریم سازمان ملل متحد ضمن تقبیح تجاوزات آشکار دولت عراق، مراتب را به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اعلام دارند و اقدام عاجلی در جهت تمکین دولت عراق از تعهدات بین‌المللی و متوقف کردن حملات علیه شهرهای بی‌دفاع و مردم بی‌گناه بنمایند.

ما تنها دولت عراق را مسئول و مقصر این جنایات و نقض تعهدات بین‌المللی ندانسته، دولت‌های بلوک شرق و غرب را که موشک و هواپیما در اختیار دولت عراق

## ۲۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

گذارده و مانع از آن نمی‌شوند که در کشتار اهالی بی‌گناه شهرهای بی‌دفاع به‌کار برده شود، شریک جرم می‌شناسیم.  
یدالله سبحانی، مهدی بازرگان، دکتر یزدی، هاشم صباغیان — ۱۳۶۲/۹/۱۴.

### ۶- بررسی سیاست فروش نفت

اداره امور بین‌المللی وزارت نفت، طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه، خواستار نظر وزارت خارجه درباره قراردادهای نفتی شد. مدیرکل امور اقتصادی وزارت امور خارجه در ۱۳۵۹/۱۱/۱۳ طی نامه‌ای از وزارت نفت دعوت کرد که برای مذاکره پیرامون قراردادهای نفتی گفتگو کنند [پیوست ۳].

اجلاس مشترک کمیسیون امور خارجه مجلس در ۱۳۵۹/۱۱/۲۷ با حضور آقایان محلاتی، آبان، اتابک و کبیر، مسئولان اقتصادی وزارت امور خارجه، آقایان حق‌شناس و مهندس مهرورز از وزارت نفت، آقای کامیاب و خانم شفیعی از بانک مرکزی و آقای محمد توکل از وزارت امور اقتصادی و دارایی) برگزار شد.

موضوع اصلی، تعیین معیارها و ضوابط برای فروش نفت و خریداران بود. در این نشست، مسائلی همچون میزان تولید، صدور نفت، ارزیابی و قیمت نفت بررسی شد. ارزیابی کلی این بود که وضع خیلی خوب نیست، اما بازار نفت فعال است و در حد صدور نفت خریدار وجود دارد. درباره خریداران، قیمت و نیز نوع ارز که بابت فروش نفت دریافت می‌شود، بانک‌ها، سپرده‌ها و ذخایر بحث شد. محدودیت فروش نفت به مشتریان، اشکالات تولید، محدودیت برای فروش و بازار و نوع خریداران و قراردادهای فروش نفت به کشورهای مختلف، مانند انگلیس، فرانسه، آمریکا، افغانستان، اسرائیل، آفریقای جنوبی، اردن، مصر، کانادا، فیلیپین و لهستان بررسی شد. دو کشور اسرائیل و آفریقای جنوبی که زمان شاه از مشتریان نفت ایران بودند، پس از انقلاب، از فروش نفت به آنها خودداری شد. دلیل آن هم غاضب بودن رژیم اسرائیل و نژادپرست بودن رژیم حاکم بر آفریقای جنوبی بود.

۲۵ - تاریخ

۱۱۰



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور خارجه  
۹۰۰  
۵۹/۱۱/۲۵

امور اقتصادی شماره ۱۰۱۴۱۵۹ تاریخ ۲۰۵۹/۱۱/۲۵

بسمه تعالی

محرمانه

فوری

وزارت امور اقتصادی و دارایی

اداره امور بین المللی وزارت نفت به منظور عقد قرارداد های نفتی با کشورهای  
خریدار نفت خواستار آگاهی از نظرات وزارت امور خارجه در مورد انعقاد قرارداد  
نفتی با کشورهای خریدار نفت گردید که پاسخ لازم با اطلاع وزارت مزبور رسید .  
اینکه وزارت نفت به منظور روشن تر شدن موضع دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر  
خریداران نفتی و خواستار تشکیل جلسه ای در این خصوص گردیده است . خواهشمند است  
دستور نامه تهیه و معلق نام آن اختیار وزارت نیز در جلسه ای که در رأس ساعت ۱۰ صبح  
روز دوشنبه ۵۹/۱۱/۲۲ به همین منظور در دفتر مدیرکل امور اقتصادی وزارت امور  
خارجه تشکیل میگردد شرکت نمایند .

مدیرکل امور اقتصادی - محمد جعفر محلاتی

۵۹/۱۱/۲۲

گیرندگان رونوشت جهت اطلاع و اعزام نمایند و مطلع

- وزارت بازرگانی
- بانک مرکزی ایران
- کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی
- وزارت نفت

## ۲۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

### ۷- بررسی سیاست خارجی و نهاد دیپلماسی

گام نخست ما در کمیسیون سیاست خارجی، بررسی دو موضوع بود: ۱- بررسی وضعیت وزارت خارجه. ۲- بررسی مبانی سیاست خارجی جمهوری.

#### بررسی وضعیت وزارت امور خارجه

جلسه مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۴ با حضور آقایان موسوی خویینی‌ها، منتظری، محمد خاتمی، باباصفری، هادی، شاهچراغی و یزدی برگزار شد. در این جلسه آقای متکی غایب بود.

اساسنامه وزارت امور خارجه و شرایط استخدام مطرح شد؛ از جمله اینکه وزارت امور خارجه، در همین زمینه، نامه‌ای به سازمان امور اداری و استخدامی فرستاده است.

#### بررسی مبانی سیاست خارجی در کمیسیون امور خارجه

مبانی و اصول سیاست خارجی ایران قاعداً باید بر اساس مصالح، منافع و امنیت ملی کشورمان از یک طرف و اصول اعتقادی برگرفته از آموزه‌های دینی تدوین و تعریف شود.

وظیفه نهاد دیپلماسی، تهیه و تدوین سیاست خارجی با همکاری شورای عالی امنیت ملی است؛ آنگاه برنامه تدوین شده، از طریق رئیس دولت، به مجلس ارائه می‌شود و در کمیسیون امور خارجه بررسی کارشناسی می‌شود؛ سپس برای تصویب به صحن علنی مجلس می‌رود. زمانی که ما به کمیسیون امور خارجی رفتیم، هیچ طرح مدونی درباره مبانی سیاست خارجی خارجی به کمیسیون ارائه نشده بود؛ بنابراین، بحث اعضای کمیسیون در این موضوع بسیار پراکنده بود و هر یک از اعضا صرفاً نظرات خود را بیان می‌کرد.

در اینجا پاره‌ای از سخنان و مواضع اعضای کمیسیون را نقل می‌کنم. به نظر من نقل این مواضع از نظر شناخت ذهنیت نمایندگان این دوره مجلس درباره روابط خارجی حایز اهمیت است.

محمد منتظری، درباره حاکمیت اسلام به معنای حاکمیت مستضعفان و نقش جنبش‌های اسلامی ملی و مارکسیستی سخن گفت.



## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۷۳

خویننی‌ها: «باید به جای پرداختن به کارهای روزمره اجرایی و هدایت سیاست خارجی دولت از مجلس، به تدوین مبانی مکتب در سیاست خارجی بپردازیم. ما نمی‌توانیم تقسیم‌بندی میان دولت‌ها و امت‌ها را نادیده بگیریم. باید این تقسیم‌بندی و تفکیک را انجام بدهیم و در نظر بگیریم. رابطه ما با گروه‌های غیر اسلامی باید بررسی شود. در دوره انقلاب به ما گفتند چون با شاه مخالفیم حتی با مارکسیست‌ها هم همکاری کنیم؛ حتی احکام نجاسات هم در این مورد ملغی شد. باید مرز ما کفر و ایمان باشد».

من اما در برابر این نگرش‌ها، آنچه را به‌عنوان «دکترین امنیت ملی» در همایش دانشگاه دفاع ملی مطرح کرده بودم، توضیح دادم.

در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ سمیناری با عنوان: «مسائل دفاعی و امنیت کشور» در دانشگاه دفاع ملی برگزار شد. این سمینار به ابتکار مرحوم شهید دکتر چمران، وزیر دفاع وقت، برگزار شد و یکی از اساسی‌ترین و جدی‌ترین گام‌ها در راه تحول اساسی در ساختار و اهداف ارتش بود که آن را از یک ارتش شاهنشاهی و خدمتگزار یک فرد و حامیان بیگانه‌اش به یک ارتش ملی و مردمی و خدمتگزار ملت و پاسدار تمامیت ارضی کشورمان تعریف می‌کرد و همراه با آن، زمینه را برای تدوین دکترین امنیت ملی فراهم می‌کرد. چون از من برای سخنرانی در آن همایش دعوت کرده بودند، مقاله «دکترین امنیت ملی» را ارائه کردم که مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرار گرفت و متن کامل آن هم در «روزنامه کیهان» و هم جداگانه در قالب یک کتابچه منتشر شد. خلاصه‌ای از آن مقاله را در این جلسه کمیسیون امور خارجه ارائه کردم که خلاصه آن بدین شرح است:

«مسئله اول: سیاست خارجی، ادامه برنامه‌های کلان توسعه ملی است؛ بنابراین، دولت باید ابتدا برنامه کلان توسعه ملی را تدوین کند و ارائه دهد. سیاست خارجی دولت باید در جهت تحقق اهداف تعریف‌شده باشد. در همین راستا، دولت‌های خارجی را باید بر اساس سیاست‌ها و عملکردهایشان در مورد ایران و جمهوری اسلامی به سه گروه: دوست، مخالف و دشمن تقسیم‌بندی کرد و برای هر یک دو وضعیت بالقوه و بالفعل در نظر گرفت. سیاست خارجی فعال باید در جهت منافع و

## ۲۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

مصالح ملی تلاش کند. این سیاست باید دشمن بالفعل را به دشمن بالقوه، و دشمن را به مخالف و مخالف بالفعل را به مخالف بالقوه و اگر توانست مخالف را به دوست و دوست بالقوه را به دوست بالفعل تبدیل کند. این نظریه، جهت حرکت‌های دیپلماسی را نشان می‌دهد. بدترین سیاست خارجی حرکت در جهت عکس این سیاست است. دومین مسئله این است که حرکت‌های جبهه‌ای، عموماً و در مرحله اول، تاکتیکی هستند نه استراتژیک؛ و مبنای حرکت جبهه‌ای هم باید بر اساس موازین حکمت و مصالح ایران و انقلاب اسلامی باشد» (نک: دکترین امنیت ملی، دکتر ابراهیم یزدی، تهران، نشر سرایی، ۱۳۸۴).

خاتمی ضمن تایید نظرات من اضافه کرد: باید مصادیق و معیارهای این دوستان را تعریف کرد. او به‌عنوان مثال گفت رژیم ضیاء الحق در [کشور مسلمان] پاکستان برای ایران خیلی خطرناک‌تر است تا رژیم [هندوی] ایندیراگانندی.

متکی نیز اظهار داشت: باید ماهیت گروه‌های غیراسلامی روشن شوند. برای مثال، حرکت چریک‌های فدایی خلق برای دیدار با امام [باید مورد توجه ما باشد؛ زیرا اگر ما روش پیامبر اسلام را الگوی خود برگزیده‌ایم، باید بدانیم] پیامبر تنها صلح حدیبیه نداشت، بلکه غزوه بدر و اخذ را هم داشت. با آنها نباید کنار آمد. ماهیت آنها را باید روشن کرد. اشاره آقای متکی به سخن من درباره صلح حدیبیه بود که اساس و محور آن این است که وقتی رهبری یک جنبش می‌بیند روند و سیر تحولات به نفع رشد و گسترش جنبش است، در یک مرحله در برابر تهاجم دشمن بالفعل کوتاه می‌آید (توضیحات بیشتر در مقاله «غرب، اسلام و مسلمانان» در «مجموعه آثار، جلد دهم، مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۸۵» آمده است).

سپس در پاسخ برای آقای متکی توضیح دادم که عامل اصلی تعیین سیاست‌های ما در روابط با کشورهای خارجی اولویت‌ها و امکانات داخلی خودمان است. آمریکا را می‌توان از یک دشمن بالفعل به یک دشمن بالقوه یا برعکس تبدیل کرد؛ نظیر روابط ویتنام و آمریکا که آمریکا مجبور شد حضور ویتنام را در جهان بپذیرد؛ اگرچه هنوز دشمن ویتنام است، اما نه یک دشمن بالفعل.

منتظری گفت: باید سایر قومیت‌ها را به داخل مدینه راه داد و به آنها کار داد.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۷۵

محمدعلی هادی اضافه کرد: سیاست خارجی، ادامه سیاست داخلی است. هدف سیاست خارجی، حاکمیت اسلام بر جهان است؛ حاکمیت مؤمنان است بر جهان. تضاد بین دولت‌ها و ملت‌ها - که امروز در جهان مشاهده می‌شود، در زمان پیامبر نبود؛ اما اکنون مسئله این است که آیا ارتباط اصلی ما باید با دولت‌ها باشد یا با ملت‌ها. الگوبرداری در مدینه: در زمان پیامبر تازمانی که داخل مدینه خوب مستحکم نشده بود، این رفتار چگونه بود؟ آیا حال هم باید تمام نیرو را برای حفظ جمهوری گذاشت؟ آنگاه صدور ایده انقلاب اسلامی چه می‌شود؟

نظر آقای هادی غیر واقع‌بینانه و بسیار مبهم بود. هدف سیاست خارجی باید حاکمیت کدام اسلام باشد؟

موسوی خویینی‌ها توضیح داد که در استنتاج از روش پیامبر باید تمام شرایط را در نظر گرفت. هر یک از ما برداشت جداگانه‌ای از مدینه داریم. باید اول اصول را در نظر گرفت، بعد آنها را با سیره پیامبر در جنگ بدر و خندق و مانند آن انطباق داد. همچنین اصولی را که امام علی(ع) یا امام حسن(ع) بدان عمل کرده‌اند، باید در نظر داشت. اصل اساسی نیاز به ارتباط با دنیای خارج است، برای: ۱- صادر کردن یا ابلاغ پیام انقلاب، ۲- نیازهای داخلی خودمان برای ادامه حیات که باید تنظیم و کنترل کنیم. تمام موجودات زنده جهان برای ادامه حیات خود به ارتباط با خارج از خود نیاز دارند. او همچنین اشاره کرد که: هرگز بدون دشمن بالفعل یا بالقوه نخواهیم بود. همچنین دشمن در هر زمانی به دشمن اصلی و فرعی تقسیم می‌شود که اکنون آمریکا و روسیه هر دو دشمن ما هستند، اما فرق میان دشمنی روسیه و آمریکا در این است که آمریکا دشمن اصلی است.

اما من تأکید کردم که فرق میان عملکرد روسیه و آمریکا را باید در رابطه با وضعیت داخلی خودمان و عملکرد هر یک از آنها با ما بررسی کنیم.

### ۸- عضویت ایران در سازمان‌های بین‌المللی

تصمیم درباره عضویت ایران در سازمان‌های بین‌المللی بر عهده مجلس شورای اسلامی است. در تیرماه ۱۳۶۰ سرپرست اداره سازمان‌های بین‌المللی به کمیسیون خارجه

## ۲۷۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

مجلس مراجعه و کسب تکلیف کرد و قرار شد از وزارت خارجه، اسامی و فهرست این سازمان‌ها و مشخصات کامل آنها خواسته شود. کمیسیون، رسیدگی به این موضوع و تهیه گزارش برای اعضا را بر عهده این‌جانب (یزدی) محول کرد. این گزارش تهیه و به تمامی اعضا داده شد، اما کمیسیون برای اتخاذ تصمیم به هزینه و سهم ایران در این سازمان‌ها نیاز داشت. آقای منوچهر طالع، سرپرست این اداره در ۱۳۶۰/۴/۲۸ اساس و مشخصات این سازمان‌ها را همراه با یادداشتی برای این‌جانب فرستاد.

آقای مهندس عزت‌الله سحابی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه، طی یادداشتی در ۱۳۶۰/۵/۶ اطلاعاتی را درباره این سازمان‌ها از کمیسیون امور خارجه درخواست کرد. ایشان این اطلاعات را طی ۱۵ سؤال مشخص کرده بود. وزارت امور خارجه، در پاسخ به مجلس به تمام ۱۵ سؤال درباره همه بیست سازمان بین‌المللی، پاسخ‌های نسبتاً جامع و خوبی فرستاد که برای اتخاذ تصمیم کافی بود. بعد از مطالعه دقیق این اطلاعات، نظرم را طی نامه‌ای در ۱۳۶۰/۵/۱۲ به کمیسیون تسلیم کردم. کمیسیون نیز عین گزارش مرا تصویب کرد و به مجلس ارائه داد.

متن نامه‌های دریافتی و ارسالی به شرح زیر است:

### ۱- نامه آقای منوچهر طالع

برادر عزیز جناب آقای دکتر یزدی

طبق مذاکره تلفنی که باهم داشتیم قرار شد روز یکشنبه ساعت ۹ صبح به اتفاق آقای دکتر [حسن] آیت در طبقه اول مجلس ملاقاتی در خصوص عضویت ایران در بعضی از سازمان‌های بین‌المللی بحث شود.

طی مذاکره‌ای که با آقای دکتر آیت صورت گرفت، قرار شد یک نسخه پاسخ سؤالات مجلس را در مورد سازمان‌ها در اختیار جناب‌عالی و آقای دکتر آیت قرار دهیم که مطالعه شود و بعد از مطالعه، احتمالاً روز سه‌شنبه مورخ ۳۰/۴/۱۳۶۰ که تلفنی به اطلاع جناب‌عالی خواهم رساند، در مورد سازمان‌ها بحث شود. بدین‌وسیله یک نسخه پاسخ سؤالات جهت مطالعه ضمیمه می‌باشد.

با احترام - برادر شما سرپرست اداره سازمان‌های بین‌المللی

منوچهر طالع ۱۳۶۰/۴/۲۸

## ۲- نامه آقای مهندس سبحانی به دکتر یزدی

بسمه تعالی

خدمت برادر دکتر یزدی

از: کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی

موضوع: پرسشنامه درباره پرداخت سهمیه، حق عضویت و کمک دولت ایران بابت

مخارج سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی و تعهدات

چون تصویب نهایی پرداخت سهمیه، حق عضویت و تعهدات دولت ایران به

موجب تبصره ۲۶ قانون بودجه سال ۱۳۴۶ و تبصره ۲۷ متمم بودجه سال ۱۳۴۶ با

کمیسیون برنامه و بودجه مجلس است، این کمیسیون جهت تصمیم‌گیری خود نیازمند

به اطلاعاتی در زمینه ماهیت انجمن یا سازمان مربوطه، نفع یا ضرر حضور ایران در

آن، حق عضویت سالانه و مبنای تعیین حق عضویت و ... می‌باشد؛ لذا از آن

وزارت/سازمان خواهشمند است در اسرع وقت، دقیقاً اطلاعات مندرج در پرسشنامه

زیر را جهت این کمیسیون ارسال دارند.

بدیهی است که بدون این اطلاعات کمیسیون نخواهد توانست به تصمیم‌گیری و

صدور مجوز برسد؛ بنابراین، هر گونه تأخیر آن وزارت در ارسال پاسخ، موجب عقب

افتادن مجوز پرداخت تعهدات و عواقب بعدی آن خواهد بود.

۱- تاریخچه تشکیل این سازمان را مختصراً مرقوم بفرمائید (با اولین کشورهای تشکیل

دهنده).

۲- هدف از تشکیل سازمان یا انجمن.

۳- زمینه فعالیت سازمان (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، علمی و...).

۴- سوابق عضویت ایران.

۵- بودجه کل سازمان در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰.

۶- میزان حق عضویت هر یک از اعضا.

۷- میزان پرداختی ایران در هر سال از ابتدای عضویت تاحال.

۸- حق عضویت بر چه مبنا و معیاری تعیین شده و می‌شود.

## ۲۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

۹- اعضای که تاکنون اخراج یا خارج شده‌اند یا از پرداخت حق عضویت خود داری نموده‌اند.

۱۰- آیا موافق ادامه عضویت ایران در این سازمان یا انجمن هستی یا خیر؛ چرا؟

۱۱- تاکنون ایران از آن سازمان یا انجمن چه استفاده‌ای کرده است؟

۱۲- عواقب جانبی کاهش یا افزایش حق عضویت یا تعهدات ایران.

۱۳- آیا سیاست‌های سازمان با اهداف انقلاب سازگاری دارد یا خیر؛ چرا؟

۱۴- عواقب خروج ایران از سازمان.

۱۵- اساسنامه و منشورهای سازمان ضمیمه و ارسال شود.

والسلام - رئیس کمیسیون برنامه و بودجه - عزت‌الله سحابی ۱۳۶۰/۵/۶

کمیسیون امور خارجه، پاسخ به درخواست رئیس کمیسیون برنامه و بودجه را به من واگذار کرد. به دنبال آن، یادداشت زیر را به کمیسیون امور خارجه دادم:

### ۳- نامه به کمیسیون امور خارجه مجلس شورای اسلامی

موضوع: عضویت ایران در سازمان‌های بین‌المللی

بسمه تعالی

کمیسیون محترم امور خارجه مجلس شورای اسلامی

پیرو مأموریتی که از جانب کمیسیون به این جانب محول شده بود، با نماینده وزارت امور خارجه و کمیسیون بودجه مجلس تماس گرفته و اطلاعات اولیه دریافت گردید. پس از مطالعه مدارک ارائه داده شده و گزارشات وزارت امور خارجه در جلسه مشترکی با حضور نماینده وزارت امور خارجه و کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، وضعیت ۱۷ سازمان و موسسه بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت و تصمیمات به شرح زیر اتخاذ گردید:

۱- دیوان داوری لاهه: ادامه عضویت و پرداخت حق عضویت کنونی تصویب شد.

۲- برنامه غذایی جهانی (وابسته به سازمان ملل متحد): ادامه شرکت ایران تصویب شد.

با پرداخت کمک ایران برابر ارقام سال‌های قبلی، مخالفت شد. با پرداخت کمک

برابر کشورهای مشابه ایران و حداقل تصویب شد.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۷۹

- ۳- مؤسسه تحقیق و پرورش کادر ملل متحد: با ادامه عضویت ایران و پرداخت حداکثر ۵۰۰۰ دلار در سال موافقت شد.
- ۴- موسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی: با ادامه عضویت ایران و پرداخت حداکثر شش هزار فرانک سوییس در سال موافقت شد.
- ۵- سازمان کنفرانس اسلامی: با ادامه عضویت ایران، موقتاً موافقت شد. پرداخت سهمیه کنونی رد شد. با پرداخت حداقل سهمیه‌ای که تنها جنبه سمبولیک داشته باشد موافقت شد.
- ۶- صندوق نامیبیا: با شرکت فعال ایران و پرداخت سهمیه موافقت شد.
- ۷- نگهداری نیروهای صلح سازمان ملل در خاور میانه: با ادامه عضویت ایران در این برنامه موافقت شد. با پرداخت سهمیه در حداقل و آن هم به صورت سمبولیک موافقت گردید.
- ۸- سازمان ملل متحد: با ادامه عضویت موافقت شد. پرداخت سهمیه حد اکثر برابر پرداختی سال ۱۹۷۹ تصویب شد.
- ۹- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ: با ادامه عضویت موافقت شد. سهمیه‌ای برابر با کشورهای مشابه ایران و حد اکثر برابر با ۵۰۰۰۰ فرانک سوییس در سال موافقت شد.
- ۱۰- کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان: ادامه مشارکت ایران تصویب شد. با پرداخت سهمیه‌ای حد اکثر برابر با سهمیه سال ۱۳۵۶ (ده هزار دلار در سال) موافقت شد. مشروط بر آنکه وزارت امور خارجه مسئله کمک به پناهندگان افغانی و عراقی به ایران را پیگیری نماید تا بتواند کمک‌های مالی و جنسی و غیره را جلب نماید.
- ۱۱- موسسه آسیایی توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی (اسکاپ): با ادامه عضویت موافقت شد. با پرداخت سهمیه‌ای حد اکثر برابر پنج ساله اول، یعنی سالی ۲۸۰۰ دلار، موافقت گردید.
- ۱۲- صندوق مبارزه با استعمار وابسته به سازمان وحدت آفریقا: با ادامه عضویت و فعالیت و پرداخت عضویت و کمک برابر گذشته موافقت شد. توسعه همکاری و

## ۲۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

فعالیت را توصیه می‌نماید. با پرداخت اضافی، متناسب با فعالیت‌های ضروری موافقت شد.

۱۳- کمیته حقوقی مشورتی آسیایی و آفریقایی: با ادامه عضویت موافقت شد. پرداخت سهمیه حد اکثر ۴۰۰۰ دلار در سال تصویب شد.

۱۴- برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد: با ادامه عضویت و مشارکت موافقت شد. با پرداخت سهمیه به میزان گذشته مخالفت شد. حد اکثر پرداخت سهمیه برابر با ۴۰۰۰ دلار (پرداختی سال ۱۹۷۶ م) تصویب شد.

۱۵- برنامه توسعه و عمران ملل متحد:

الف- عضویت و مشارکت در برنامه: قرار شد بر اساس پاسخ به سؤال هشتم عمل نمایند.

توضیح: حق عضویت، داوطلبانه و به نسبت کمکی است که ایران از برنامه دریافت خواهد نمود و در این مورد، سازمان برنامه و بودجه، ذیصلاح‌ترین ارگان‌ها از نظر فنی می‌باشند.

ب- دفتر این برنامه در تهران به کار خود ادامه می‌دهد و بودجه آن توسط کمیسیون برنامه و بودجه بررسی و تقلیل داده شده است.

۱۶- سازمان آوارگان فلسطین: با شرکت فعال و ابتکاری و مشروط به امکان اعمال نظر و سیاست جمهوری اسلامی و کنترل بر فعالیت‌ها، موافقت شد. پرداخت سهمیه برابر گذشته تصویب شد.

۱۷- نیروی صلح سازمان ملل در قبرس: با ادامه عضویت و مشارکت و پرداخت هر گونه سهمیه‌ای مخالفت شد.

گزارش بالا جهت استحضار و اقدام ضروری تقدیم می‌گردد.

والسلام - ابراهیم یزدی ۱۳۶۰/۵/۱۲

### عضویت ایران در کمیته حقوقی مشورتی آسیایی و آفریقایی

«کمیته حقوقی مشورتی آسیایی و آفریقایی» که در اصل کمیته حقوقی مشورتی آسیایی نام داشت، در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۵۶ با عضویت کشورهای برمه، سیلان (سریلانکا)،



## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۸۱

هند، اندونزی، عراق، ژاپن و سوریه تأسیس گردید. در سال ۱۹۵۸ متعاقب پیشنهاد **جواهر لعل نهرو**، نخست‌وزیر هند، با تغییری در اساسنامه کمیته، نام آن به کمیته حقوقی مشورتی آسیایی و آفریقایی تغییر یافت تا شرکت ممالک آفریقایی در آن عملی شود. مقر این کمیته در دهلی نو است و آقای دکتر سن مشاور حقوقی وزارت امور خارجه هند در سمت دبیر کل کمیته انجام وظیفه می‌کند. در حال حاضر نزدیک چهل کشور عضو این کمیته هستند.

این کمیته، هیئتی از حقوقدانان است که وظیفه اصلی آن، بررسی و مطالعه در امور حقوقی مرجوعه از طرف دولت‌های عضو است. وظایف کمیته به موجب ماده ۳ اساسنامه آن به‌طور موجز به‌شرح زیر است:

۱- بررسی مسائلی که در کمیسیون حقوق بین‌الملل در دست مطالعه است و اعلام نظر درباره آنها.

۲- مطالعه درباره مسائل حقوقی که از طرف دولت‌های عضو کمیته ارجاع می‌شود و ارائه توصیه‌های لازم.

۳- اعلام نظرات کمیته درباره مسائل حقوق بین‌الملل با موافقت کشورهای عضو سازمان ملل متحد یا سایر سازمان‌های بین‌المللی.

کمیته حقوقی مشورتی آسیایی و آفریقایی از هنگام تأسیس، رابطه نزدیکی با سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی آن و کمیسیون حقوق بین‌الملل و شورای حقوقدانان ممالک آمریکا و اتحادیه عرب برقرار کرده و دامنه روابط و همکاری خود را با سازمان‌های مزبور طی ۲۵ سال فعالیت روز به روز گسترده‌تر کرده است.

طی اجلاس‌های کمیته که هر سال در یکی از کشورهای عضو کمیته برگزار می‌شود، موضوعات متنوع و مختلفی مورد مذاکره و بررسی قرار می‌گیرد که پاره‌ای از آنها را در اینجا می‌آورم:

- بهره‌برداری از رودخانه‌های مرزی و مشترک،

- رژیم دریاها،

- مسائل مربوط به حقوق دریاها،

- حقوق معاهدات،

## ۲۸۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

- جانشینی دول،
- داوری بازرگانی بین‌المللی،
- فروش اموال در حقوق بین‌الملل،
- حفظ محیط زیست،
- حقوق تجارت،
- حمایت از جان دیپلمات‌ها،
- پناهندگی،
- استرداد مجرمین،
- کشتی‌رانی بین‌المللی،

همچنین از طرف کمیته، دوره‌های کارآموزی در رشته‌های مختلف حقوقی برای کارمندان کشورهای آسیایی و آفریقایی تشکیل می‌شود. انتشار بولتنی سه ماهه حاوی موضوعات بین‌المللی مورد علاقه دولت‌های عضو، از جمله فعالیت‌های دیگر این کمیته است.

دولت ایران - باتوجه به همبستگی عمیق مسائل کشورهای آسیایی و آفریقایی که مراحل رشد را در شئون مختلف طی می‌کنند و با توجه به اینکه کمیته مذکور موفق به انجام اقدامات قابل توجهی در زمینه حفظ حقوق کشورهای آسیایی و آفریقایی شده است و نظر به روابط نزدیکی که این کمیته با سازمان ملل متحد و ارکان آن دارد و به‌منظور آنکه بتواند در مجمع کشورهای آسیایی و آفریقایی مقام شایسته خود را احراز نماید - در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) عضویت کمیته را قبول کرد و نمایندگان ایران برای اولین بار در اجلاسیه دوازدهم کمیته که در ژانویه ۱۹۷۱ در کلمبو پایتخت سریلانکا برپا شد، شرکت کردند. شانزدهمین اجلاسیه کمیته نیز در ماه ژانویه ۱۹۷۵ (بهمن ۱۳۵۴) در تهران تشکیل شد.

### عضویت ایران در اتحادیه بین‌المجالس

با آغاز به کار مجلس شورای اسلامی، مسئله عضویت مجلس ایران در این اتحادیه مطرح گردید. هیئت رئیسه مجلس نیز گزارشی حاوی سوابق این اتحادیه تهیه کرد و

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۸۳

آن را طی نامه‌ای به همراه فرم درخواست عضویت در گروه ملی پارلمان ایران، برای تمام نمایندگان فرستاد.

### ۱- نامه هیئت رئیسه مجلس به نمایندگان

بسمه تعالی

برادر ارجمند جناب آقای ... نماینده محترم مجلس شورای اسلامی جزوه‌ای که به پیوست تقدیم می‌شود، حاوی اطلاعاتی درباره اتحادیه بین‌المجالس می‌باشد.

مجلس ایران سابقاً عضو اتحادیه مذکور بوده و پس از پیروزی ملت ایران در انقلاب اصیل اسلامی در مدت تعطیلی مجلس، عضویت ایران مسکوت مانده است. پس از تشکیل مجلس شورای اسلامی، دبیرکل اتحادیه بین‌المجالس با کاردار موقت در نمایندگی دائم ایران نزد دفتر سازمان ملل متحد در ژنو ملاقاتی به عمل آورده و عضویت مجدد مجلس ایران را در اتحادیه مطرح نموده است. این موضوع به وسیله اداره سازمان‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه، طی نامه‌ای به اطلاع ریاست محترم رسید. پس از بررسی، مقرر گشت با اتحادیه تماس و عضویت مجلس شورای اسلامی را به اتحادیه اطلاع دهیم. به این منظور تلگرافی به ژنو مقرر اتحادیه مخابره شد تا مدارک و اطلاعات لازم را برای ما ارسال دارند.

بلافاصله از طرف دبیرکل اتحادیه، تلگرافی به ما اطلاع داده شد که اسناد و مدارک در تاریخ دوم فوریه، مطابق با ۱۳ بهمن ۱۳۵۹ ارسال شده، ولی دوباره ارسال خواهد شد و در ضمن تاریخ تشکیل شورای بین‌المجالس از ۲۰ تا ۲۵ آوریل مطابق با ۳۱ فروردین تا ۵ اردیبهشت را متذکر شده بود. نامه مورخ ۲۵ فوریه مطابق با ۶ اسفند با ضمائم، متأسفانه در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۶۰ به دست ما رسیده که حاوی کلیه مدارک برای شرکت در اجلاس شورای بین‌المجالس می‌باشد.

پس از بررسی مدارک مقرر شد گروه ملی تشکیل و انتخابات انجام شود و دو نفر نماینده برای شرکت در اجلاسیه بهاره مانیل اعزام گردند. برای این منظور مجلس شورای اسلامی از طریق تلکس به دبیرکل اتحادیه اعلام نمود که کشور ایران در اجلاسیه فوق‌الذکر شرکت خواهد نمود.

## ۲۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

اینک ضمن تقدیم خلاصه‌ای از سازمان و روش کار اتحادیه بین‌المجالس به اطلاع می‌رساند که باید در اسرع وقت برای تعیین اعضای گروه ملی پارلمان ایران اقدام گردد.

با تشکر - هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی

### ۲- آشنایی با اتحادیه بین‌المجالس

بسمه تعالی

۱- تاریخچه: سازمان اتحادیه بین‌المجالس تنها سازمان جهانی پارلمان‌ها است که در سال ۱۸۸۹ توسط آقای سیر ویلیام راندل از انگلستان و آقای فردریک پاسی از فرانسه با اساسنامه و دبیرخانه مخصوص خود به وجود آمد.

۲- هدف‌ها: هدف اتحادیه بین‌المجالس افزایش تماس‌های شخص میان اعضای همه پارلمان‌ها است که به شکل گروه‌های ملی در کنفرانس شرکت می‌کنند. ایجاد وحدت بین آنها در اقدامات مشترک برای تأمین و تشویق شرکت کامل دولت‌ها در استقرار و توسعه سازمان‌های بین‌المللی و پیشبرد فعالیت‌های مربوط به صلح و همکاری بین‌المللی بخصوص حمایت از هدف‌های سازمان ملل متحد.

با توجه به این هدف، اتحادیه بین‌المجالس تمام مسائل بین‌المللی را که از طریق اقدامات پارلمانی فیصله‌پذیر باشند بررسی کرده و راه‌هایی برای حل آنها ارائه می‌دهد و پیشنهادهایی به‌منظور توسعه به سازمان‌های پارلمانی برای بهبود و نحوه کار و افزایش حیثیت آنها انجام می‌دهد.

۳- سازمان اتحادیه: اتحادیه بین‌المجالس مرکب از گروه‌های ملی است که باید عضو پارلمان‌هایی باشند که نمایندگان آن پارلمان‌ها قانوناً انتخاب شده‌اند. در عمل هر پارلمان یک گروه ملی را تشکیل می‌دهد.

۴- کنفرانس‌های بین‌المجالس سالی یک بار در کشورهای مختلف تشکیل می‌گردد. کار آن بررسی دستور جلسه‌ای است که توسط شورای بین‌المجالس درباره مسائل بین‌المللی تهیه و تنظیم می‌گردد.

گروه‌های ملی با اعزام نمایندگان خود می‌توانند در این کنفرانس شرکت نمایند. تعداد شرکت‌کنندگان نسبت به جمعیت کشور متبوع خود متفاوت می‌باشند. هر گروه

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۸۵

می‌تواند تعدادی معین نماینده که مطابق تعداد رأی آن گروه است به کنفرانس اعزام دارد.

دستور کار کنفرانس به وسیله شورای بین‌المجالس تعیین می‌گردد، و لیکن کنفرانس می‌تواند مسائل دیگری را جهت بحث و گفتگو به دستور کار اضافه نماید. حق رأی در کنفرانس متعلق به اعضای اتحادیه بین‌المجالس می‌باشد که شخصاً حضور دارند. تعداد رأی گروه‌های ملی بر اساس ضوابطی به شرح زیر تعیین می‌شود:

- ۱- هر گروه حداقل دارای ۸ رأی می‌باشد.
- ۲- از یک تا پنج میلیون نفر از جمعیت هر کشور دارای یک رأی.  
از پنج تا ده میلیون نفر از جمعیت هر کشور دارای یک رأی.  
از ده تا ۱۵ میلیون نفر از جمعیت هر کشور دارای یک رأی.  
از ۱۵ میلیون به بالا هر ده میلیون نفر دارای یک رأی.
- ۳- چنانچه اعضای گروه ملی نصف به‌علاوه یک از کل نمایندگان پارلمان باشند، دارای ۲ رأی اضافی خواهند بود.
- ۴- شورای بین‌المجالس: کار آن راهنمایی و کنترل فعالیت اتحادیه طبق اساسنامه اتحادیه مرکب از دو عضو از هر گروه می‌باشد و می‌تواند کمیته‌های مطالعاتی دائمی یا موقت ایجاد نماید. رئیس شورای بین‌المجالس برای مدت سه سال توسط کنفرانس انتخاب می‌شود.
- ۵- کمیته اجرایی: اتحادیه دارای کمیته اجرایی است که نظارت بر سازمان اداری اتحادیه دارد و از ۱۱ عضو متعلق به گروه‌های مختلف تشکیل شده. تعداد ده نفر از اعضا در جریان کنفرانس بین‌المجالس برای مدت چهار سال انتخاب می‌گردد و عضو یازدهم همان شورای بین‌المجالس است که ریاست کمیته اجرایی را نیز به عهده دارد.
- ۶- دبیرخانه اتحادیه: اتحادیه دارای دبیرخانه‌ای است که مجری کلیه برنامه‌ها و فعالیت‌های کنفرانس‌ها و شورا می‌باشد؛ همچنین فعالیت‌های گروه‌های ملی را توسط مرکز بین‌المللی اسناد پارلمانی زیر نظر دارد. این مرکز بررسی‌هایی را نیز راجع به توسعه و روش کار پارلمان‌ها و همچنین وضع نماینده‌ها انجام می‌دهد.

## ۲۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

۷- مقر اتحادیه: در کشور سوئیس و در شهر ژنو می‌باشد و آدرس آن به شرح زیر است:

Inter - Parliamentary Union Place du Petit - Saconnex 1209 Genève, Switzerland.

۸- کشورهای عضو: در اول اکتبر سال ۱۹۷۸ اتحادیه دارای ۷۶ عضو به شرح زیر بوده: آلبانی، الجزایر، استرالیا، اتریش، بلژیک، برزیل، بلغارستان، کانادا، کاستاریکا، کوبا، قبرس، چکسلواکی، جمهوری خلق کره [شمالی]، دانمارک، مصر، فنلاند، فرانسه، گابن، جمهوری دموکراتیک آلمان [آلمان شرقی]، آلمان فدرال [آلمان غربی]، یونان، هاییتی، هنگری [مجارستان]، ایسلند، هندوستان، اندونزی، ایران، ایرلند، اسرائیل، ایتالیا، ساحل عاج، ژاپن، اردن، کنیا، لبنان، لیبیا، لوکزامبورگ، ماداگاسکار، مالی، مالزی، مکزیک، موناکو، مغولستان، موریتانی، نپال، هلند، نیوزلند، نیکاراگوئه، نروژ، پاناما، پاراگوئه، لهستان، پرتغال، جمهوری کره [کره جنوبی]، رومانی، سنگال، سریلانکا، سنگاپور، اسپانیا، سومالی، سودان، سوئد، سوئیس، سوریه، تایلند، تونس، ترکیه، امارات متحده عربی، انگلستان، کامرون، ایالات متحده آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی، ونزوئلا، یوگسلاوی، زئیر، زامبیا.

۹- روابط با سایر سازمان‌های بین‌المللی: اتحادیه بین‌المجالس در مقام مشاوران تراز اول شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد قرار دارد. اتحادیه همین وضع مشورتی را نیز در مقابل یونسکو، سازمان بین‌المللی کار، سازمان بهداشت جهانی و همچنین با سایر مؤسسات تخصصی سازمان ملل متحد دارد.

اتحادیه دارای روابط نزدیک با سایر سازمان‌های مختلف، مانند شورای اروپا، سازمان، ایالات متحده، انجمن پارلمانی کشورهای مشترک‌المنافع کامنولث<sup>۱</sup>، اتحادیه پارلمان آفریقا، اتحادیه بین‌المجالس عرب و اتحادیه پارلمان‌های آسیا دارد.

۱۰- اجلاس‌ها: اتحادیه برای فعالیت‌های خود هر سال به‌طور منظم دو اجلاس در کشورهای مختلف منعقد می‌سازد:

---

۱. کامنولث: مشترک‌المنافع؛ مجموعه کشورهای مرکب از بریتانیا و مستملکات سابق و کنونی آن که تشکیل یک واحد داده‌اند.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۸۷

اول، اجلاسیه بهاره که شورای بین‌المجالس نامیده می‌شود و دارای کمیته بررسی و مطالعه به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- کمیته مسائل سیاسی، امنیت بین‌المللی و خلع سلاح.
- ۲- کمیته پارلمانی، حقوق و حقوق بشر.
- ۳- کمیته امور اقتصادی و اجتماعی.
- ۴- کمیته آموزش، علوم فرهنگی و مسائل محیط زیست.
- ۵- کمیته سرزمین‌های غیرمختار و مسائل نژادی.

گروه‌های ملی می‌توانند با یک نماینده و یک جانشین در کمیسیون‌ها شرکت نمایند (جمعاً دو نفر) و قطعنامه و پیشنهادهای رسیده را بررسی و برای کنفرانس آماده نمایند (اجلاسیه امسال از ۲۰ تا ۲۵ آوریل مطابق با ۳۱ فروردین تا ۵ اردیبهشت در شهر مانیل، پایتخت فیلیپین تشکیل می‌گردد).

اجلاسیه دوم، کنفرانس بین‌المجالس است که هر سال در پاییز تشکیل می‌گردد (کنفرانس آینده در هاوانا پایتخت کشور کوبا منعقد می‌گردد).

اتحادیه برای تحکیم صلح در جهان، اجلاس‌های اضافی نیز در مورد مسائل بین‌المللی تشکیل می‌دهد.

۱۱- وضع مالی: مهم‌ترین منبع درآمد اتحادیه، حق‌السهم گروه‌های ملی است. هر گروه ملی باید سالانه مبلغی را به‌عنوان حق عضویت بپردازد که مبلغ آن هر سال توسط شورای بین‌المجالس تعیین می‌گردد.

آخرین بار کشور ایران در سال ۱۹۷۸ در کنفرانس بن شرکت نمود. حق‌السهم ایران در سال ۱۹۷۸ بالغ بر ۱۲/۹۰۴ فرانک سوییس بوده که پرداخت شده است. در اجلاسیه شورای بین‌المجالس در سال ۱۹۷۸ شورای ملی فلسطین به‌عنوان ناظر شرکت داشته است.

### ۳- فرم درخواست عضویت

بسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

## ۲۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

این جانب ... .. نماینده مجلس شورای اسلامی از شهرستان... آمادگی خود را جهت عضویت در گروه ملی پارلمان ایران برای پیوستن به اتحادیه بین‌المجالس اعلام می‌دارم.  
امضا

### ۹- سفرهای خارجی نمایندگان مجلس

در یک مقطعی، نظام جمهوری اسلامی تصمیم گرفت هیئت‌هایی به شماری از کشورها اعزام کند تا هم مواضع جمهوری اسلامی را تشریح کنند و هم درباره روابط متقابل گفتگو کنند. تصمیم بر این بود که هیئت‌ها مرکب از افراد کارشناس باشند، ولی حتماً یک یا چند نماینده مجلس با این هیئت‌ها همراه باشند. چنین بود که در بهمن ماه ۱۳۵۹ تعداد هیجده هیئت از مجلس ایران به کشورهای مختلف اعزام شد که رئیس برخی از این هیئت‌ها نمایندگان مجلس بودند. فهرست و مشخصات این هیئت‌های اعزامی به قرار زیر بود:

#### الف- هیئت اعزامی به هندوستان

- ۱- سید علی خامنه‌ای - سرپرست
- ۲- محمود رستگاری - عضو هیئت
- ۳- حسن فیروزآبادی - عضو هیئت
- ۴- محمدعلی مقدم‌زاده - عضو هیئت
- ۵- عباس سلیمی - عضو هیئت
- ۶- مسعود جلالی‌نژاد - عضو هیئت
- ۷- مرتضی آوینی - عضو هیئت

#### ب- هیئت اعزامی به ایتالیا

- ۱- فخرالدین حجازی - سرپرست هیئت
- ۲- منوچهر حقیقی - عضو هیئت
- ۳- علی‌رضا محجوب - عضو هیئت
- ۴- جواد خلیج‌زاده - عضو هیئت
- ۵- رسول لاهیجانیان - عضو هیئت



۶- سید مهدی مبلغ - عضو هیئت

پ - هیئت اعزامی به یوگسلاوی و بلغارستان

۱- عبدالله جاسبی - معاون نخست‌وزیر و سرپرست هیئت

۲- اکبر ترکان - عضو هیئت از سازمان جهاد سازندگی

۳- محمد باقر داوری - عضو هیئت، مدرس حوزه علمیه قم

۴- دکتر حسین سرورالدین - عضو هیئت، مشاور وزارت نیرو

۵- سید محمدتقی مظلومی - عضو هیئت، از دفتر تبلیغات امام

ت - هیئت اعزامی به فرانسه

۱- احمد عزیزی - سرپرست هیئت، مسئول امور ارگان‌ها

۲- محسن قاسمیه - عضو هیئت

۳- حسن اجاره‌دار - عضو هیئت

۴- غلامرضا اسدی - عضو هیئت

۵- محمد خزائی ترشیزی - عضو هیئت

۶- عبدالله اتی - عضو هیئت

ث - هیئت اعزامی به اندونزی

۱- ابوالقاسم خزعلی - سرپرست هیئت، مدرس حوزه علمیه قم

۲- محمدباقر انصاری - عضو هیئت

۳- امیر حسنی - عضو هیئت

۴- احمد حسینی - عضو هیئت

۵- میر فضل‌الله موسوی - عضو هیئت

۶- ایرج خوش‌چهره - - عضو هیئت

۷- عبدالرحیم صالحی دزفولی - عضو هیئت

ج - هیئت اعزامی به بنگلادش

۱- اکبر پرورش - سرپرست هیئت، نماینده مجلس

۲- علی اصغر فرامرزیان - عضو هیئت

۳- مصطفی فیروزبخت - عضو هیئت

## ۲۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴- مهدی قائمی - عضو هیئت

۵- احمد سالک - عضو هیئت

۶- فرهاد پرورش - عضو هیئت

چ - هیئت اعزامی به کویت، قطر، ابوظبی

۱- محمد یزدی - سرپرست هیئت، نماینده مجلس

۲- محمدصفر حبیبزاده - عضو هیئت، از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۳- محمدعلی جهان‌آرا - عضو هیئت، از دفتر تحکیم وحدت اسلامی<sup>۱</sup>

۴- محسن شیرازی مقدم - عضو هیئت، از جهاد سازندگی

۵- هاشم آغاجری - عضو هیئت، از دفتر تبلیغات امام

۶- حسن آفانظری - عضو هیئت، از دفتر تبلیغات امام

ح - هیئت اعزامی به چین

۱- سید محمد خامنه‌ای سرپرست هیئت، نماینده مجلس

۲- عباس بشردوست - عضو هیئت

۳- شمس‌الدین عباس کاتوزی - عضو هیئت

۴- منصور واعظی - عضو هیئت

۵- جعفر خلقانی - عضو هیئت

۶- سید هادی خامنه‌ای - عضو هیئت

۷- جلیل شاکری - عضو هیئت

---

۱. اتحادیه انجمن‌های اسلامی و سازمان‌های دانشجویی سراسر کشور یا دفتر تحکیم وحدت، یک سازمان دانشجویی در ایران بود که ابتدا با گرد هم آمدن «انجمن‌های اسلامی» دانشکده‌های گوناگون در سال ۱۳۵۹ به‌عنوان «مرکز انجمن‌های اسلامی دانشجویان» پا گرفت و در سال ۱۳۶۱ به‌طور رسمی تشکیل شد. این تشکل در دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ قوی‌ترین جنبش دانشجویی ایران بود و در پیروزی جنبش دوم خرداد نقش مهمی داشت. حمله به کوی دانشگاه به تدریج سبب ایجاد محدودیت‌هایی برای دفتر تحکیم وحدت شد. با وجود تشکیل سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت)، دفتر تحکیم ضعیف شد. در دهه ۱۳۸۰ دو انشعاب طیف علامه و طیف شیراز از یکدیگر جدا شدند. با منحل شدن رسمی طیف اصلاح‌طلب‌تر (طیف علامه) توسط دبیرخانه هیئت‌های مرکزی نظارت بر تشکل‌های دانشگاهی، دفتر تحکیم وحدت عملاً غیرفعال شد؛ و دچار تغییرات و تحولاتی در مبانی سیاسی و فکری گردید. منبع: ویکی‌پدیا <https://fa.wikipedia.org/wiki> (ویراستار).

در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۹۱

خ- هیئت اعزامی به مالزی و فیلیپین

- ۱- محمدتقی بانکی - سرپرست هیئت، معاون و مشاور سیاسی نخست‌وزیر
- ۲- محمود رجبی - عضو هیئت
- ۳- حسین سعادت‌ی - عضو هیئت
- ۴- مهدی تابشیان - عضو هیئت
- ۵- حمید قایقی - عضو هیئت

د- هیئت اعزامی به پاکستان

- ۱- احمد جنتی - سرپرست هیئت، عضو شورای نگهبان
- ۲- علی اصغر سمسار - عضو هیئت
- ۳- مصطفی امانی - عضو هیئت
- ۴- اسدالله بادامچیان - عضو هیئت
- ۵- محمدرضا خاتمی - عضو هیئت
- ۶- ابراهیم نجف آبادی - عضو هیئت
- ۷- سید حسین سیدمحسنی - عضو هیئت

ذ - هیئت اعزامی به الجزایر و لیبی

- ۱- محمدمهدی ربانی رانکوهی - سرپرست هیئت و عضو شورای عالی قضایی
- ۲- غلام رضا - عضو هیئت
- ۳- محمدمهدی سرزعیم - عضو هیئت
- ۴- اصغر رسولزاده - عضو هیئت
- ۵- علی قنادی - عضو هیئت
- ۶- محمدرضا قربانی رانکوهی - عضو هیئت
- ۷- محسن نجفی - عضو هیئت

ر - هیئت اعزامی به سومالی، کنیا و تانزانیا

- ۱- صباح زنگنه - سرپرست هیئت، نماینده مجلس
- ۲- محمد پرهام - عضو هیئت
- ۳- علی اصغر محمدخانی - عضو هیئت
- ۴- محمد حسن اختری - عضو هیئت

## ۲۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۵- اصغر سلیمانی - عضو هیئت
- ۶- مصطفی ستوده حقیقی فرد - عضو هیئت
- ز - هیئت اعزامی به آلمان، بلژیک، اتریش
- ۱- محمد جواد باهنر - سرپرست هیئت - وزیر آموزش و پرورش
- ۲- کاظم معینی - عضو هیئت
- ۳- محمد متولیان - عضو هیئت
- ۴- مهندس محمد هنری - عضو هیئت
- ۵- محمد مصلحی - عضو هیئت
- ۶- محمدحسین اسکندری - عضو هیئت
- ۷- سهیل نصیری - عضو هیئت
- ۸- محمود فهیمی بخش - عضو هیئت
- ۹- غلامعلی حداد عادل - عضو هیئت
- ژ - هیئت اعزامی به عربستان، یمن شمالی و یمن جنوبی
- ۱- غلامحسین حقانی - سرپرست هیئت و نماینده نماینده مجلس
- ۲- سید حسین رجبی - عضو هیئت
- ۳- محمود محمدی عراقی - عضو هیئت
- ۳- هدایت الله آقایی - عضو هیئت
- ۴- سید طه هاشمی - عضو هیئت
- ۵- محمود مسلط - عضو هیئت
- ۶- محمد جواد صباحی - عضو هیئت
- ۷- شریعتمداری - عضو هیئت
- س - هیئت اعزامی به انگلستان و کشورهای اسکاندیناوی
- ۱- حسن غفوری - سرپرست هیئت، استاندار خراسان
- ۲- علی فرزین طرزجانی - عضو هیئت، از سپاه پاسداران
- ۳- صادق واعظزاده - عضو هیئت
- ۴- ابوالقاسم سرحدی زاده - عضو هیئت

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۹۳

- ۵- حسین سحابی‌نیا - عضو هیئت، از وزارت امور خارجه  
۶- محمداقبر فرزانه - عضو هیئت، مدرس حوزه علمیه مشهد  
ش- هیئت اعزامی به تونس
- ۱- محمود کاشانی - سرپرست هیئت، استاد دانشگاه  
۲- حسین رحیمی - عضو هیئت  
۳- علیرضا بهشتی - عضو هیئت  
۴- سید محمود محدث - عضو هیئت  
۵- محمد صراف‌پور - عضو هیئت  
۶- نصرالله تاکی روحانی - عضو هیئت  
۷- علی شمخانی - عضو هیئت  
۸- محمداقبر خلیلی - عضو هیئت
- ص - هیئت اعزامی به شوروی، آتن، بیروت و دمشق
- ۱- جلال‌الدین فارسی - سرپرست هیئت، عضو ستاد انقلاب فرهنگی  
۲- اسدالله اکبر اف - عضو هیئت  
۳- فرشاد مؤمنی - عضو هیئت  
۴- امیر حلم‌زاده - عضو هیئت  
۵- علی اصغر محسن شیخی - عضو هیئت  
۶- حسن منتظر قائم - عضو هیئت  
۷- جواد مالکی - عضو هیئت  
۸- ابوالقاسم حسینی - عضو هیئت  
۹- علی شریعتمداری - عضو هیئت، از ستاد انقلاب فرهنگی  
۱۰- عبدالکریم سروش - عضو هیئت، از ستاد انقلاب فرهنگی
- ض- هیئت اعزامی به ژاپن
- ۱- حبیب هاشمی‌نژاد - سرپرست هیئت، مدرس حوزه علمیه  
۲- مسعود نوری - عضو هیئت  
۳- عباس فاتحی - عضو هیئت

## ۲۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴- لطف‌الله مهدوی - عضو هیئت

۵- مسیح مهاجری - عضو هیئت

۶- محمد علی - عضو هیئت

۷- هادی مهاجر - عضو هیئت

به‌طوری که ملاحظه می‌شود اولاً هیچ‌یک از نمایندگان اقلیت در این سفرها با هیچ‌یک از هیئت‌ها همراه نبودند. از نظر هیئت رئیسهٔ مجلس و تصمیم‌گیرندگان، بعضی از نمایندگان از بعضی دیگر «نماینده‌تر» بودند. البته نمایندگان اقلیت چندان اهمیتی به این سفرها نمی‌دادند که به رئیس مجلس اعتراض کنند. ثانیاً علاوه بر نمایندگان مجلس، افرادی از بیرون مجلس نمایندگان را در این سفرها همراهی می‌کردند. ثالثاً برخی از اعضای بعضی از این هیئت‌ها اگرچه به‌نام مجلس سفر می‌کردند، اما عضو مجلس نبودند.

### ب- در کمیسیون بهداشت و درمان

در سال اول مجلس، من در کمیسیون خارجه بودم. بر طبق آیین‌نامهٔ ادارهٔ مجلس، رئیس و اعضای هیئت رئیسه و اعضای کمیسیون‌ها در هر سال تجدید می‌شدند. در سال دوم نمایندگی و به دنبال بالاگرفتن اختلافات ما با گروه حزب جمهوری، هیئت رئیسهٔ مجلس در تعیین اعضای کمیسیون‌ها، مرا به جای کمیسیون امور خارجه، به «کمیسیون بهزیستی و امداد و تأمین اجتماعی و هلال احمر» فرستاد.

ابلاغ عضویت در کمیسیون بهداشت و بهزیستی

جمهوری اسلامی ایران شماره: ۳۰۵/د.ک.

مجلس شورای اسلامی تاریخ: ۱۳۶۱/۹/۹

بسمه تعالی

جناب آقای ابراهیم یزدی

طبق تصمیم متخذة جلسهٔ مشترک هیئت رئیسه و رؤسای شعب مورخ ۱۳۶۱/۹/۸ جناب‌عالی به عضویت کمیسیون بهداشت و بهزیستی تعیین شده‌اید. امید است در جلسات این کمیسیون به‌طور منظم شرکت فرمایید. /ض

سید محمد خامنه‌ای

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۹۵

هیچ توضیحی هم برای این کار خود به ما ندادند و من هم علاقه‌ای نداشتم که بپرسم؛ زیرا انگیزه و یا دلایل آنها برایم روشن بود. آقای اکبر هاشمی رفسنجانی به‌عنوان رئیس مجلس، هر کار می‌خواست می‌کرد. ظاهراً ملاحظات سیاسی در انتخاب بعضی از اعضای کمیسیون‌ها، تعیین‌کننده بوده است؛ مثل همین فرستادن آقای دکتر سحابی و من به کمیسیون بهداشت.

سال‌ها بعد اطلاعاتی به دست آوردم که نشان می‌داد این جابه‌جایی پیامد توطئه‌ای علیه من همزمان با سفر حج بوده است. در مهرماه ۱۳۶۰ از سفر حج برگشتم؛ در آذرماه مرا به کمیسیون بهداشت منتقل کردند. در بخش سفر حج به انگیزه این جابه‌جایی پرداخته‌ام.

با وجود این، من در کمیسیون بهداری به‌طور فعال در مذاکرات شرکت می‌کردم. اعضای این کمیسیون یازده نفر و عبارت بودند از: دکتر بیت اوشانا، دکتر جواد شیرازیان، دکتر محمد خلیلی، دکتر عباس شیبانی، دکتر سید محمد میلانی حسینی، دکتر موسی زرگر، دکتر کاظم سامی، دکتر ابوالقاسم اخوتیان، دکتر یدالله سحابی، دکتر مصطفی معین و دکتر ابراهیم یزدی. اکثر اعضای این کمیسیون پزشک بودند. با همین ملاحظات سیاسی که به آن اشاره شد، دکتر بیت اوشانا، عضو برجسته حزب توده، رئیس کمیسیون شد.

### ۱- گزارش انتخاب دو نفر برای کمیسیون بهداری

بسمه تعالی

شعبه ۲ هیئت رئیسه مجلس به ریاست آقای دکتر سحابی و با حضور اعضا آقایان: ۱- سید ابوالفضل موسوی تبریزی، ۲- نواب، ۳- فرض پور، ۴- فردوسی پور، ۵- سید احمد بهشتی، ۶- واعظی، ۷- دکتر زرگر، ۸- دکتر شیرازیان، ۹- خاموشی، ۱۰- حسینی، ۱۱- شوشتری و ۱۲- صفاتی، در ساعت ۱۰ صبح در نمازخانه تشکیل جلسه داد. دستور جلسه تعیین دو نفر عضو کمیسیون بهداری است. آقای دکتر سحابی گفتند چون این‌جانب و دکتر سامی هم اکنون عضو کمیسیون بهداری هستیم و استعفا نکرده‌ایم، بنابراین کاندیدا نمی‌شویم و شما می‌توانید نسبت به افرادی که تصمیم به استعفا

## ۲۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

گرفته‌اند، تصمیم بگیرید و جای آنها را پر کنید. آقای موسوی گفتند ماطبق نامه هیئت رئیسه که در آن نوشته شده است کمیسیون بهداری منحل شده است دو نفر را انتخاب می‌کنیم و کاری نداریم که شما هم اکنون عضو کمیسیون هستید یا نیستید. آقای دکتر سبحانی، چون با این گونه رأی‌گیری مخالف بود، جلسه را ترک کرد، آقای فرض‌پور هم بلند شد و آقای واعظی هم از دادن رأی امتناع ورزید؛ در نتیجه برای انتخاب این دو نفر، میان ده نماینده رأی‌گیری شد و این نتیجه به دست آمد:

۱- آقای دکتر زرگر ۸ رأی

۲- دکتر شیرازیان ۷ رأی

۳- ممتنع ۲ رأی

جلسه در ساعت ۳۰:۱۰ پایان پذیرفت.

بسمه تعالی

با رسمیت شعبه ۲، رأی‌گیری به عمل آمد و نتیجه رأی‌گیری همان‌طور است که مرقوم داشته‌اند.

نایب رئیس شعبه ۲ سید ابوالفضل موسوی تبریزی

### ۲- دفتر تعرفه خدمات درمانی

یکی از مشاهدات جالب من در این کمیسیون این بود که وزیر محترم وقت بهداری، یک جلد تعرفه‌های خدمات درمانی را برای ملاحظه اعضای کمیسیون فرستاد. در مقدمه این دفتر ادعا شده بود که این تعرفه‌ها، بعد از مشورت با پزشکان ایرانی و انجمن‌های اسلامی و کسب نظر آنان تهیه شده است. در یک صفحه این دفتر، تعرفه‌ها به فارسی آمده بود و در صفحه دیگر به انگلیسی. صفحات انگلیسی عیناً از روی تعرفه‌های شرکت بیمه معروف به Blue Cross و Blue Sheet کالیفرنیا آمریکا کپی شده بود. حتی در بعضی از عناوین بیماری‌ها و یا خدمات پزشکی، هیچ تغییر و اصلاحی، متناسب با ایران داده نشده بود. نظیر تعرفه‌هایی که برای دیدار پزشک از بیمار در منزل، بر حسب فاصله مطب پزشک با منزل بیمار تعیین شده بود که در ایران هیچگاه رسم نبوده است. این نشان می‌داد که بر خلاف ادعای وزارت بهداری در



### در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۹۷

مقدمه دفتر، متأسفانه این تعرفه‌ها، در وزارت بهداشتی تهیه نشده بودند. شاید چاپ صفحات انگلیسی در این دفتر، شیطنت بعضی از کارمندان زیرک وزارت بهداشتی و گرفتاری فراوان آقای وزیر بود، که فرصت نکرده بود متن نهایی را ببیند، و درعین حال مقدمه‌ای غیر واقعی بر آن نوشته شده بود.

### ۳- طرح جامع برای خدمات پزشکی

در کمیسیون بهداشتی، من طرحی را برای تغییر و تحول در برنامه‌های آموزشی پزشکی ارائه دادم. این طرح بر اساس تجربه موفق کوبا ارائه شد. بر اساس گزارش‌های سازمان جهانی بهداشت، نظام خدمات درمانی کوبا یکی از موفق‌ترین نظام‌های بهداشتی جهان است.

در راستای تغییر در نظام آموزش پزشکی، طرحی برای آموزش پزشکی و توزیع خدمات بهداشتی و پزشکی ارائه دادم. خلاصه آن طرح این بود که ایران نزدیک ۶۰۰۰۰ (شصت هزار) روستا دارد و ما باید در هر روستایی یک کارشناس بهداشتی، در سطح بهیار، داشته باشیم که قادر باشد کلیه خدمات بهداشتی و درمانی را در ابتدایی‌ترین سطح ارائه دهد؛ بنابراین، نهادهای آموزشی پزشکی باید به‌گونه‌ای بازسازی و برنامه‌ریزی شوند که در مدت معینی شصت هزار نیروی مورد نیاز را تربیت کنند.

در سطح دوم، ایجاد درمانگاه‌های بهداشتی و درمان، زیر نظر یک پزشک، برای حداقل هر ده روستا بود. این درمانگاه‌ها در هر منطقه بر حسب وضعیت و موقعیت جغرافیایی آن منطقه ساخته می‌شوند. کارشناس بهداشتی و درمان روستا، بیمارانی را که قادر به درمان نباشند، به این درمانگاه‌ها ارجاع می‌دهد. پزشک این درمانگاه و تسهیلات آن باید در حدی باشد که بتواند سطح معینی از نیازهای بیماران را برآورده کند. بر پایه این طرح، برای ارائه بهینه خدمات پزشکی، دولت موظف می‌شد ساختمان ۶۰۰۰ درمانگاه با امکانات خدمات درمانی در یک سطح اولیه را با ۶۰۰۰ پزشک عمومی، فراهم کند.

## ۲۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

در نهایت خدمات پزشکی پیشرفته تخصصی و فوق تخصصی را می‌توان در چند مرکز بزرگ در بعضی از مراکز استان‌ها ارائه داد. به‌عنوان نمونه هم اکنون یزد به یکی از مراکز بزرگ و پیشرفته نازایی کشور تبدیل شده است. هدف این طرح، ارائه خدمات بهداشت و درمان به کلیه هموطنان، در سرتاسر ایران، بخصوص در مناطق محروم بود. علاوه بر این، بر این باور بوده و هستم که امکانات انسانی و مالی ایران و تخصص بالای پزشکان ایرانی آنچنان است که ایران می‌تواند به مرکزی برای مراجعه بیماران کلیه کشورهای خاورمیانه و خاور دور تبدیل شود. پزشکان ایرانی نشان داده‌اند دارای ظرفیت‌های بسیار بالایی هستند. متأسفانه درگیری‌های سیاسی آنچنان بود که توجه چندانی به این مسائل و طرح‌ها نمی‌شد. جو غالب بر مجلس، نیز آمادگی نداشت تا بتوان طرح را با تعامل با نمایندگان، به یک طرح رسمی تبدیل کرد و آن را به صحن علنی مجلس آورد و به تصویب رساند. با این وضع، من هم دیگر این طرح را پیگیری نکردم.

### ۴- یادی از دکتر سرگئون بیت اوشانا

در مجلس اول، دکتر سرگئون بیت اوشانا، نماینده اقلیت مسیحیان آشوری و کلدانی در مجلس بود. او یک پزشک بود و ما با هم همدوره بودیم. او در دانشکده پزشکی من در داروسازی. او زودتر از من وارد دانشگاه شده بود و زودتر هم فارغ التحصیل شد. او از فعالان حزب توده و سازمان جوانان حزب و سازمان دانشجویان دانشگاه تهران بود. من چند دوره نماینده منتخب دانشجویان در سازمان ملی دانشجویان دانشگاه تهران، عضو شورای مرکزی و هیئت دبیران بودم. دکتر اوشانا سلیم‌النفس و بی‌ریا و اهل مطالعه بود. ما با همه اختلافاتی که در دین و مسلک سیاسی داشتیم، ولی با هم دوست بودیم. مدتی هم او به زندان افتاد؛ به گمانم پیش از دوره دکتر مصدق بود. بعد از سال‌های دراز بی‌خبری از هم، نخستین بار در دوران جمهوری اسلامی و در مجلس شورای ملی یکدیگر را دیدیم. در این دیدارها که بیشتر در محافل رسمی و اداری بود، اغلب با هم بر سر مسائل سیاسی گفتگو و جدل می‌کردیم. او به دکتر نورالدین کیانوری، دبیرکل حزب توده، هم خیلی نزدیک بود و از او خیلی تعریف و حمایت می‌کرد. او در تعریف مدیریت سیاسی کیانوری می‌گفت: کیانوری موفق شد

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۲۹۹

شاخه اکثریت چریک‌های فدایی خلق را قانع کند و از تندروی و افتادن به ورطه نبرد مسلحانه با جمهوری اسلامی منصرف سازد، اما شماها که به هر حال با مجاهدین آشنا بودید، می‌توانستید آنها را قانع کنید که دست به اسلحه نبرند. او راست می‌گفت. ما، مرحوم طالقانی، بازرگان و خود من سعی کردیم، اما موفق نشدیم. در مقاله‌ای در مجله «چشم انداز» درباره وقایع سال ۱۳۶۰، دیدار خودم و خواهرزاده‌ام محمد صدیقی را با مسعود رجوی و موسی خیابانی، در خانه پدری‌ام در خیابان ایران در اوایل سال ۱۳۶۰ و گفتگوهایم را درباره مسائل جاری آن روز، خصوصا درباره زیان‌بار و بی‌حاصل بودن مقابله مسلحانه با حکومت را شرح داده‌ام.

اما در پاسخ بیت اوشانا و دفاع و تجلیلش از کیانوری، گفتم اما سیاست‌های کلان کیانوری به کلی اشتباه است و او به زودی همه شماها را به دره مرگ پرتاب می‌کند. دیری نکشید که دستگیری توده‌ای‌ها آغاز شد. دولت انگلستان اسناد همکاری غیرمستقیم حزب توده با صدام را در اختیار دولت ایران قرار داد. گفته می‌شد این اسناد را کاردار سفارت شوروی در ایران - که از طریق زمینی و مرز بازرگان از ایران خارج و به انگلیس پناهنده شده بود - در اختیار دولت انگلیس قرار می‌دهد. دولت انگلیس این اسناد را توسط دولت پاکستان در اختیار ایران قرار داد. آقای عسکراولادی، وزیر بازرگانی در دولت میرحسین موسوی، به اسلام‌آباد رفت و این اسناد را تحویل گرفت. در آن زمان آقای علی اکبر ناطق نوری وزیر کشور بود. او طی دیداری با آقای خمینی مطرح و اصرار می‌ورزد که ایشان اجازه دهند سران و فعالان نهضت آزادی ایران را بازداشت کنند و کار نهضت را هم تمام کنند. آقای خمینی مخالفت می‌کند و می‌گوید: مهندس بازرگان، دکتر سحابی و دکتر یزدی مسلمان هستند، اما با ما نیستند؛ شما بروید فکری برای آنها بکنید که می‌گویند با ما هستند، اما مسلمان نیستند (نقل به مضمون). منظور ایشان حزب توده بود. بعد از این گفتگوها بود که سران حزب توده دستگیر شدند.

بخشی از خاطرات کاردار سفارت شوروی در ایران با نام «کاگ ب در ایران» به فارسی برگردان و چاپ شده است. به موجب این اسناد، برخی از افسران ارتش وابسته به حزب توده، از جمله ناخدا افضلی، اطلاعات جنگ را به حزب می‌داده‌اند

## ۳۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

و حزب توده آن را به روس‌ها و روس‌ها به صدام می‌داده‌اند. با دستگیری سران حزب توده، ناگهان موقعیت بیت اوشانا در مجلس تغییر کرد. او تا آن زمان، حکم «السلمان منا اهل البیت» را داشت؛ یعنی با آنکه مسلمان نبود، ولی نمایندگان مسلمان به او اعتماد می‌کردند و او را در بسیاری از فعالیت‌های مجلس مشارکت می‌دادند؛ همراه با هیئت‌های نمایندگان مجلس به سفرهای خارجی می‌رفت و از حضور او در این هیئت‌ها برای نشان دادن موقعیت ممتاز اقلیت‌های دینی در ایران، بخصوص مسیحیان استفاده می‌شد. پس از دستگیری سران حزب توده، بیت اوشانا نیز در شهریور ۱۳۶۲ دستگیر شد و به عضویت خود در حزب توده اعتراف و درخواست عفو کرد. به علت بازداشت مدتی به مجلس نیامد؛ سپس به بهانه غیبت طولانی او را مستعفی شناختند.

### پ- در کمیسیون ویژه بازرگانی خارجی

دولت آقای میرحسین موسوی لایحه بازرگانی خارجی را به مجلس داده بود تا مجلس آن را بررسی و تصویب کند و سیاست‌های کلان بازرگانی به‌طور عام و بازرگانی خارجی به‌طور خاص معین شود. برای بررسی لایحه و تنظیم این سیاست‌ها، کمیسویی با شرکت و عضویت نمایندگان از کمیسیون‌های مختلف مجلس تشکیل شد. از طرف کمیسیون امور خارجه، آقای سید محمد خویینی‌ها و من انتخاب شدیم. در این کمیسیون، آقای حبیب الله عسکراولادی، دکتر بیت اوشانا، نماینده ارامنه در مجلس و آقای صمد شجاعیان، نماینده نورآباد ممسنی نیز بودند.

دو دیدگاه به‌طور کاملاً مشخص در برابر هم قرار داشتند. یک دیدگاه از دولتی کردن کامل و تمام‌عیار بازرگانی خارجی، هم در سطح تصدی و هم حاکمیت (سیاست‌گذاری) حمایت می‌کرد. دیدگاه دوم، نقش دولت را صرفاً و اساساً نقش «حاکمیتی» یعنی تدوین و تنظیم سیاست‌های کلان می‌دانست، اما به تصدی دولت در امور اقتصاد و تولید اعتقادی نداشت. این دو دیدگاه در تمام جلسات این کمیسیون در برابر هم قرار گرفته بودند. من شخصاً مدافع دیدگاه دوم بودم. آقای عسکراولادی و برخی دیگر از اعضای کمیسیون هم همین دیدگاه را داشتند. اما آقای خویینی‌ها، دکتر بیت اوشانا و برخی دیگر بر دیدگاه اول اصرار داشتند. بیت اوشانا، خواهان دولتی کردن کامل بازرگانی، اعم از واردات و صادرات بود.

### در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۰۱

موسوی خویینی‌ها و صمد شجاعیان هم که عضو این کمیسیون بودند، از نظر بیت اوشانا حمایت می‌کردند.

بحث‌های خیلی جالبی در جلسات این کمیسیون صورت می‌گرفت. گروهی که از دولتی کردن کامل بازرگانی خارجی دفاع می‌کرد بر این باور بود که بخش خصوصی، منفعت طلب است و به ضرر منافع ملی کار می‌کند، اما در برابر این پرسش که چه تضمینی وجود دارد که مأمور دولت در انجام وظائف محوله و خریدهای خارجی، سود شخصی خود را نادیده بگیرد، پاسخ روشنی نداشتند. برای اعضای کمیسیون، آمار سوء استفاده‌های کلان مأموران وزارت بازرگانی شوروی را ارائه دادم. مأموران خرید وزارت بازرگانی شوروی بالاترین سپرده‌گذاران در بانک‌های سوئیس بودند. یکی از رفتارهای مرسوم در بازرگانی بین‌المللی این بود که شرکت فروشنده کالا، رقمی حدود ۴ تا ۵ درصد مبلغ خرید را به عامل خرید می‌پرداخت. این پرداخت، ارتباطی با بهای خرید بسیاری از کالاها نداشت. به‌عنوان نمونه، بهای گندم در بازارهای بین‌المللی معین بود. از هر فروشنده‌ای خریداری می‌شد قیمت فرق نمی‌کرد، اما فروشنده، همان ۴ - ۵ درصد را به عامل خرید می‌داد. بنابراین در بسیاری از موارد، این پول از جیب دولت خریدار پرداخت نمی‌شد. در دولت موقت، آقای دکتر رضا صدر، وزیر بازرگانی، این رویه را در هیئت دولت مطرح کرد. قرار بر این شد که چون مأموران با امکانات دولت این خریدها را می‌کنند، باید این پورسانت‌ها را بگیرند، ولی به خزانه دولت واریز کنند. پس از دولت موقت، این رویه برهم خورد و از برخی مراجع حکم گرفتند که این پول‌ها هدیه‌ای است به مأمور خریدهای دولت؛ بنابراین، لزومی به واریز آن به حساب دولت نیست!

به هر حال در جلسات کمیسیون ویژه بازرگانی خارجی، هر دو دیدگاه مطرح شد و چون آرای طرفین تقریباً برابر بود، در گزارش کمیسیون ویژه به جلسه عمومی مجلس به هر دو دیدگاه اشاره شد.

یکی از موضوعات جالبی که توسط دیدگاه اول در کمیسیون مطرح شد، این بود که افراد در بخش خصوصی طمع‌ورزی و مال‌اندوزی می‌کنند و نباید به آنها این امکان داده شود. در مقابل استدلال من این بود که چگونه یک فرد در بخش خصوصی در

## ۳۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

دفتر کار خودش با امکانات محدود خودش، طمع‌ورزی می‌کند، ولی افراد در مقام‌های دولتی، با بهره‌مندی از امکانات وسیع دولت که چندین برابر بخش خصوصی است، سوء استفاده نمی‌کنند؟ چه تضمینی وجود دارد که مدیر یا مأمور دولتی، طمع‌ورزی نکند؟ باز هم مقامات دولت شوروی را مثال می‌زدیم که بزرگ‌ترین سپرده‌گذاران بانک‌های کشور سوئیس هستند؛ زیرا در عرف روابط بازرگانی بین‌المللی رسم است که ۴ درصد بهای خرید کالا به عامل خرید، چه بخش خصوصی باشد چه دولتی، از هر شرکتی خریداری شود، پرداخت می‌شود. حجم بازرگانی خارجی شوروی آنچنان عظیم است که همین مبلغ به ظاهر ناچیز چهار درصد، رقم بسیار بزرگی را تشکیل می‌دهد. در بخش خصوصی، این رقم، یعنی کاهش هزینه خرید، که در نهایت ممکن است به مصرف‌کننده منتقل شود، اما در بخش دولتی به حساب خصوصی مأمور خرید واریز می‌شود.

نتیجه بحث‌های کمیسیون ویژه بازرگانی خارجی، تهیه و پیش‌نویس طرح بازرگانی خارجی برای ارائه به جلسه عمومی مجلس بود. اکثریت اعضای کمیسیون با کمی تعدیل در مواضع، به دیدگاه اول رأی دادند؛ یعنی دولتی کردن امور رأی بیشتری پیدا کرد. با توجه به آنچه در این کمیسیون بحث شده بود، مطالبی را نوشتیم و در دفتر سیاسی نهضت آزادی مطرح کردم. پس از آنکه طرح بازرگانی خارجی با گرایش دولتی شدن، تصویب شد، مطالبی را که تهیه کرده بودم، به صورت نشریه مفصلی تحت عنوان «بازرگانی خارجی» از سوی نهضت آزادی ایران منتشر شد. محور اصلی این نشریه، تفکیک قلمرو اختیارات دولت در «حاکمیت» و «تصدی»، نه فقط بازرگانی خارجی، بلکه در کل اقتصاد کشور است.

### ت- استیضاح رئیس جمهور

یکی از رخدادهای مهم دوران نمایندگی من در مجلس، تصویب «طرح عدم کفایت سیاسی رئیس جمهوری» بود. برخی از نمایندگان مجلس همواره نسبت به رئیس جمهور آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر و مواضع او انتقاد داشتند؛ به‌ویژه آنکه ایشان نیز گاهی سخنانی ایراد می‌کرد که واکنش نمایندگان را برمی‌انگیخت. یکی از مواردی که آقای بنی‌صدر سخنرانی کرده بود و سخنانش موجب شد شماری از نمایندگان مجلس

### در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۰۳

طی نامه‌ای ایشان را برای پاسخگویی به مجلس فرابخوانند، سخنرانی ایشان در ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ بود؛ هرچند پس از گفتگوهای بسیار، دعوت از رئیس جمهور مسکوت گذاشته شد. گزارش این گفتگوها در جلسه علنی مجلس در روز ۲۳ شهریور ۱۳۵۹ را روزنامه «میزان» به شرح زیر آورده است.

#### ۱- گزارش روزنامه میزان از دعوت رئیس جمهور به مجلس برای پاسخگویی - روزنامه میزان، ۱۳۵۹/۶/۲۴

در جلسه علنی دیروز، مجلس تصویب کرد که درخواست ۱۱۳ تن از نمایندگان مبنی بر احضار رئیس جمهور به مجلس مسکوت گذاشته شود و به کمیسیون امور خارجه مجلس اجازه داده شد که به نمایندگان کنگره پاسخ دهد.

#### مسکوت گذاشتن دعوت از رئیس جمهور

در بررسی نامه ۱۱۳ تن از نمایندگان مبنی بر دعوت [از] رئیس جمهور و توضیح مطالب عنوان شده از سوی ایشان در مراسم بزرگداشت ۱۷ شهریور، رئیس تذکر داد که طرح دیگری نیز به امضای پانزده تن از نمایندگان رسیده است که این دعوت از دستور جلسه خارج و مسکوت گذاشته شود.

و نیز طرحی دیگر از سوی پانزده تن از نمایندگان رسیده بود که به منظور ابراز حسن نیت نمایندگان و در اجرای فرمایشات امام، رئیس جمهور در جلسه علنی حضور یابند. رئیس جلسه این دو طرح را به بحث گذاشت. بر اساس اعلام توکلی، منشی مجلس، ۳۵ تن از نمایندگان در مخالفت و موافقت ثبت نام کرده‌اند. موسوی لاری در این زمینه گفت: سخنان رئیس جمهور در ارتباط با مجلس و نمایندگان بود و اتهاماتی در این زمینه داده شد. وی گفت: حضور رئیس جمهور در مجلس و توضیح ایشان منافاتی با پیام امام ندارد و نمایندگانی که طرح مسکوت گذاشتن را داده‌اند، پیشنهاد خود را پس بگیرند.

#### آخرین بار برای رئیس جمهور

سید ابوالفضل موسوی تبریزی نیز گفت: بهتر بود رئیس جمهور از مکتب شهادت در آن روز سخن می‌گفت. یک درصد مطالب ایشان در آن روز ناهق بود، ولی پس از

## ۳۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

اینکه امام گفت اختلافات جزئی بود، من به‌عنوان یک امضاکننده از دعوت ایشان صرف‌نظر می‌کنم.

هادی نجف‌آبادی نیز در این مورد ضمن سخنانی گفت: ۱۷ شهریور از ایام الله بود. سخنان آن روز هم اهانت به مجلس و هم اهانت به امام و هم اهانت به انقلاب بود و در خارج هم عکس‌العمل منفی داشت. ناطق‌آنگاه گفت: ببینید از سخنان ایشان چه گروه‌هایی استقبال کرده‌اند و در بهشت زهرا چه افرادی [استقبال] کردند؟ با توجه به اینکه امام فرمودند اختلاف نکنید، من امضایم را پس می‌گیرم، ولی از آقای بنی‌صدر خواهش می‌کنم آخرین بار باشد که این چنین صحبت گنگ می‌کند.

امامی کاشانی نیز در رابطه با دعوت رئیس‌جمهور صحبت کرد. وی گفت: شخصیت مجلس که در قانون اساسی معین است در مشاجرات لفظی نباید دخالت کنند. به هر حال آتشی در خانه روشن شده است، ولی با بیانی که امام به مراجع پاسخ داده‌اند این اختلافات ناشی از بینش است. وی گفت در صورت دعوت رئیس‌جمهور، اختلافات کش پیدا می‌کند و جهت دیگر، صلاح کشور در این بحران و اضطراب نیست و من پیشنهاد را تکرار می‌کنم که این موضوع از دستور خارج و مسکوت گذاشته شود.

### تأکید بر دعوت از رئیس‌جمهور

محمد یزدی، نماینده شهر قم در موافقت با دعوت رئیس‌جمهور صحبت کرد. وی گفت: دعوت ایشان این است که جواب نامه را داده‌اند و [با] آمدن رئیس‌جمهور سوءتفاهم مرتفع می‌گردد. وی در پایان سخنان خود گفت: حتماً رئیس‌جمهور به مجلس تشریف بیاورند و جلسه هم حتماً علنی باشد.

مجید انصاری نیز پیشنهاد کرد که [دعوت رئیس‌جمهور به مجلس] از دستور خارج شود؛ در صورتی که سخنرانی آقای بنی‌صدر تکرار نشود. وی گفت: ما معتقد به اجرای دستور امام هستیم اما آقای رئیس‌جمهور در روستای زادگاه آیت‌الله طالقانی مطالبی را عنوان کرده‌اند که کمتر از مطالب گفته شده روز ۱۷ شهریور نیست. وی در پایان سخنان خود گفت: کشور در وضع حساسی است. رئیس‌جمهور در سخنرانی عمومی مسئله را دامن نزند.



## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۰۵

### طرفدار بحث آزاد

جواد حجتی گردانی نیز در ارتباط با دعوت رئیس جمهور صحبت کرد. وی گفت: دعوت رئیس جمهور در ارتباط با بحث آزاد که ایشان طرفدار آن هستند، می‌باشد. اکنون به طرزی که مجلس این نامه را از دستور خارج می‌کند، نوعی منت گذاشتن است. ایشان تشریف بیاورند موجب تفاهم می‌شود و همان‌طور که امام گفته‌اند اختلاف ریشه‌ای نیست.

در این هنگام، کیاوش، منشی جلسه تذکر داد که آقای حجتی از افرادی هستند که طرح مسکوت گذاشتن دعوتنامه را امضا کرده‌اند.

سیدعلی خامنه‌ای نیز که کفایت مذاکره درباره مسکوت گذاشتن دعوتنامه را داده بود، از طرح نامه صحبت کرد که با تذکر رئیس از کفایت مذاکره درباره دعوتنامه سخن گفت و اشاره کرد که کفایت مذاکره دلیل نمی‌خواهد.

هاشم صباغیان نیز در کفایت مذاکره صحبت کرد. صباغیان گفت: در دستور جلسه امروز (دیروز) مطالب نامه پاسخ به نمایندگان کنگره، گزارش کمیسیون امور خارجه و دیگر مطالب است. مذاکرات نیز در مورد این نامه شده است، پیشنهاد کرد ریاست جلسه کفایت را به رأی بگذارند. در این هنگام رأی گرفته شد و نامه نمایندگان مبنی بر دعوت رئیس جمهور برای حضور در مجلس مسکوت گذاشته شد (روزنامه میزان، شماره ۷، دوشنبه، ۲۴ شهریور ۱۳۵۹).

### ۲- طرح و تصویب عدم کفایت رئیس جمهوری و عزل بنی‌صدر

در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ با درخواست کتبی بیش از ۱۴۰ تن از نمایندگان، طرح «عدم کفایت سیاسی آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر» مطرح شد. در جلسه روز ۳۱ خرداد نیز بحث ادامه پیدا کرد. در نهایت با حضور ۱۹۰ نماینده، ۱۷۷ رأی موافق، یک مخالف و ۱۲ رأی ممتنع تصویب شد و در همان روز مراتب طی نامه‌ای برای رهبر انقلاب فرستاده شد و با تأیید ایشان عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری نهایی شد. بلافاصله شورای ریاست جمهوری با عضویت آقایان اکبر هاشمی رفسنجانی، سید محمد حسینی بهشتی و محمدعلی رجایی تشکیل شد. من در جلسات رسیدگی به عدم

## ۳۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

کفایت سیاسی بنی‌صدر حاضر نشدم. از نظر من اختلافات و درگیری‌ها بین حق و باطل نبود. رفتار هر دو طرف دعوا را ناحق می‌دانستم و نمی‌توانستم خود را به حضور و شرکت در این تقابل‌ها راضی کنم. از نظر سیاسی هم، حضور و رأی مثبت یا منفی ما تأثیری در وضعیت ما و هیچ نفعی برای ما نداشت؛ خصوصاً که این رویداد در مجلس مصادف بود با شهادت دکتر چمران در دهلاویه.

### ث- روابط با آمریکا در دولت موقت<sup>۱</sup>

#### ۱- مصاحبه در باره خط‌مشی وزارت امور خارجه

س - آقای دکتر یزدی، در یکی از جلسات مجلس شورای اسلامی، وقتی شما به حملات مغرضانه و تهمت‌های بی‌اساس چند نفری که تا قبل از پیروزی انقلاب، عضو یک انجمنی بودند<sup>۲</sup> که فعالیت سیاسی را حرام می‌دانستند و با صراحت، تقلید از آقای خمینی را مردود می‌شمردند، جواب می‌دادید و در مورد تماس‌ها و مذاکرات و ملاقات‌های خود به‌عنوان وزیر امور خارجه با مقامات دیپلماتیک کشورهای خارجی توضیحاتی می‌دادید، رئیس مجلس، سخنان شما را به‌عنوان اینکه وقتتان تمام است، قطع کرد؛ درحالی‌که شما مطالبی را توضیح می‌دادید که دانستن آنها از نظر ملت ایران بسیار مهم است. ممکن است آن مطالب را که نیمه‌تمام ماند برای مردم بازگو کنید؟

ج - مسئله این بود که اولاً برقراری یا قطع روابط دیپلماتیک با یک کشور خارجی در هیچ کشوری در محدوده اختیارات وزیر خارجه نیست، بلکه با دولت و مجلس است. در زمان ما این امر بر عهده دولت و شورای انقلاب بود. ثانیاً تا زمانی که نهادهای ذی‌صلاح قطع روابط با یک کشور را تصویب نکرده باشند، این روابط ادامه دارد و وزارت امور خارجه مسئول تنظیم و مدیریت این روابط است. طبیعی است که نمایندگان دولت‌های خارجی که در تهران هستند با مقامات وزارت امور خارجه ملاقات و صحبت کنند. کسانی که به ما حمله می‌کنند و می‌گویند چرا روابط را قطع نکردیم، در واقع یا در مسائل سیاسی خیلی بی‌جه هستند و یا آنکه دانسته می‌خواهند از

۱. این موضوع در دفتر دوم جلد پنجم به‌طور مفصل آمده است.

۲. منظور انجمن حجّتیّه است (ویراستار).

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۰۷

احساسات پاک مردم و بی‌اطلاعی آنها استفاده کنند و جنجال سیاسی ایجاد نمایند و اهداف خود را در کسب قدرت تثبیت نمایند.

من در همان جلسه در مجلس توضیح دادم اشخاصی که خارج از کادر وزارت امور خارجه و بدون اطلاع این وزارتخانه با نمایندگان کشورهای خارجی ملاقات و مذاکره می‌کردند، امری خلاف انجام می‌دادند و آنها باید مؤاخذه شوند، نه آنکه با عوام‌فریبی وزیر امور خارجه وقت را مؤاخذه کنند که چرا با سفیر فلان دولت ملاقات کرده است! مردم حق دارند بپرسند که راستی وقتی کاردار یا سفیر آمریکا در تهران با اشخاصی بیرون از وزارت امور خارجه ملاقات کردند، گزارشی به رؤسای خود نداده‌اند و اگر داده‌اند چرا آنها که خود را در خط امام می‌دانند آنها را منتشر نکرده‌اند؟! آنچه که من گفته‌ام این است که بعد از اشغال سفارت آمریکا، از وزارت امور خارجه آمریکا به وزارت امور خارجه ایران تلفن کردند که با این‌جانب به‌عنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی صحبت کنند.

این‌جانب حاضر نشدم؛ سپس از کاخ سفید به من تلفن زدند، باز هم آن را رد کردم. سپس از طریق سفارت جمهوری اسلامی در واشنگتن اطلاع دادند که دو نفر نمایندگان کارتر به ایران می‌آیند. ما حاضر نشدیم به آنها ویزا بدهیم؛ سپس مطلع شدم که مقامات آمریکایی (آقای هنری پرکت و بروس لینگن) با آقای بهشتی که در شورای انقلاب بودند، تماس گرفته‌اند و ایشان مسئله را در شورای انقلاب مطرح و تصویب نمودند که آن دو نفر به ایران بیایند.

روز چهارشنبه ۱۶ آبان‌ماه حدود ساعت ۱۰ صبح آقای دکتر خرازی معاون سیاسی وزارت خارجه به من اطلاع داد که آقای بهشتی با ایشان تلفنی صحبت کرده‌اند و نظر شورا را ابلاغ کرده‌اند که به دو نفر از نمایندگان دولت آمریکا که در ترکیه منتظر ویزا هستند، اجازه سفر به ایران داده شود. این‌جانب با توجه به تجارب گذشته، چون می‌دانستم آمدن این افراد در آن شرایط جنجال جدید به‌وجود خواهد آورد و تصویب‌کنندگان این امر، به دلیل عوام‌زدگی حاضر نخواهند شد که از تصمیم خود دفاع کنند و به قول معروف همه کاسه کوزه را روی سر ما خواهند شکست، بیانه‌ای به شرح زیر صادر کردم و مراتب را به اطلاع عموم رساندم:

## ۳۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

«با تصویب شورای انقلاب به سفارت ایران در ترکیه دستور داده شده است که برای سفر دو نفر نمایندگان اعزامی کارتر به ایران ویزا داده شود».

متن روشن و گویاست و نشان می‌دهد که وزارت امور خارجه دخالتی در این امر ندارد. این بیانیه عصر همان روز حدود ساعت ۴ بعد از ظهر به دست امام می‌رسد و امام که دقیقاً متوجه قضیه شده بودند، همان روز بیانیه‌ای به شرح زیر صادر کرد که عین آن بیانیه در «صحیفه نور» آمده است.

صدور این بیانیه موجب می‌شود سفر نمایندگان کارتر به ایران به کلی منتفی گردد. این اولین دستور صریح امام در منع ملاقات و مذاکره با مقامات آمریکایی بود. تا آن تاریخ، نه امام و نه شورای انقلاب و نه دولت هیچ‌کدام نه دستوری مبنی بر قطع رابطه با آمریکا و نه دستوری مبنی بر منع ملاقات با مقامات آمریکا را نداده بودند. این توضیحات من بود در آن جلسه که ناتمام ماند.

### ۲- درباره دیدار با برژینسکی

داستان دیدار مهندس بازرگان و هیئت همراه ایرانی‌اش با برژینسکی، مشاور امنیت ملی دولت آمریکا، را در دفتر اول جلد پنجم خاطراتم به‌طور مفصل آورده‌ام، ولی در آنجا مباحث مطرح شده در مجلس را نیاورده بودم. در اینجا که به خاطرات دوران نمایندگی پرداخته‌ام، مباحث مطرح شده در مجلس را همچنان که به‌عنوان خاطرات شخصی‌ام می‌نویسم، برای ثبت در تاریخ کشورم نیز می‌نگارم. در دوره اول مجلس شورای اسلامی که ما هم پس از استعفای دولت موقت، در انتخابات شرکت کرده و از سوی مردم برگزیده شده بودیم، از آنجا که طیف فکری ما در مجلس در اقلیت بود، بعضی از نمایندگان در هر فرصتی می‌کوشیدند درباره دیدار مهندس بازرگان در الجزایر با نماینده دولت آمریکا (برژینسکی)، دولت موقت و وزیر امور خارجه آن دولت را زیر سؤال ببرند و مورد انتقاد قرار دهند.

در این باره دو بار در مجلس گفتگوی مفصل درگرفت: یکی از این جلسات را دو روزنامه «اطلاعات» و «میزان» گزارش کرده‌اند و دیگری از آرشیو شخصی خودم نقل می‌شود.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۰۹

گزارش اول: گزارش روزنامه اطلاعات (۱۳۵۹/۶/۲۹) از گفتگوی نمایندگان مجلس درباره دیدار با برژینسکی

برخی از نمایندگان طیف اکثریت مجلس، در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۹ بار دیگر دیدار هیئت ایرانی با برژینسکی را مطرح کردند.

در این جلسه دکتر ابراهیم یزدی درباره ملاقات مهندس بازرگان با برژینسکی در الجزایر گفت: ما تمام جزئیات این مذاکره را به نظر ملت ایران رسانده‌ایم، و حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای در همین زمینه اظهار داشت: تا آنجا که من به یاد دارم، گزارش کتبی از ملاقات بازرگان با برژینسکی ندیده‌ام. حجت‌الاسلام خامنه‌ای: شورای انقلاب از ملاقات بازرگان با برژینسکی خبر نداشت.

دکتر یزدی: تمام جزئیات این مذاکره را به نظر ملت ایران رساندیم.

مهندس بازرگان: بهتر است تمام مطالب گفته شود.

دکتر یزدی: آقای کاشانی، مجلس رئیس دارد به شما چه مربوط است؛ چرا مجلس را متشنج می‌کنید؛ مگر شما قیم مجلس هستید؟  
رئیس: آقای دکتر یزدی، بفرمایید.

دکتر یزدی: بسم الله الرحمن الرحيم، طبق ماده ۶۶ آیین‌نامه داخلی، وقتی در طی مذاکرات، نماینده‌ای مطلبی را بیان بکند که توهین یا سوء تعبیری در مورد نماینده دیگری باشد [آن نماینده می‌تواند اجازه تکرار آیین‌نامه‌ای بگیرد و از خود دفاع کند] من اجازه می‌خواهم که خارج از نوبت یک ربع در این باره صحبت کنم.

دکتر یزدی: خیر، شما یک ربع باید به من وقت بدهید. آقای هاشمی، این چندمین بار است که من از مجلس درخواست کرده‌ام که بسیاری از این اتهامات و سوء تعبیرات باید بحث بشود. اگر نشود ما دائماً با هم برخورد خواهیم کرد. شما بزرگ‌ترین ظلم را در حق ما انجام دادید و باید به ما اجازه بدهید ما این مطالب را بحث بکنیم و روشن بکنیم و برای همیشه این روشن بشود، نه اینکه هر کسی وسط صحبتش بلند شود هی حرف بزند.

## ۳۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

رئیس: عیبی ندارد؛ شما این حق را دارید. ایشان حالا اشاره کردند به ملاقات با برژینسکی و آقای دکتر یزدی می‌خواهند درباره این مسئله صحبت کنند. همین است منظورتان؟

دکتر یزدی: بله (همه‌ نمایندگان).

دکتر یزدی: این وظیفه شماس است که وقتی دیگران ضمن صحبت این مطالب را مطرح می‌کنند جلوی ایشان را بگیرید.

دکتر یزدی: این اولین بار نبوده است.

الویری: آقای دکتر یزدی، بحث نباید منحرف بشود، توجه داشته باشید که الآن ...  
دکتر یزدی: اگر حق من را شما محفوظ نگه می‌دارید، من در یک وقت دیگری صحبت خواهم کرد، آخر این برنامه، یا در جلسه بعد، ولی این حق باید برای من باشد.

رئیس: صحبت بکنید (همه‌ نمایندگان). صحبت بفرمایید (نمایندگان: الآن باید بگویند). بفرمایید آقای دکتر یزدی.

دکتر یزدی: اجازه بفرمایید یک وقت دیگری به من بدهید.

دکتر یزدی: همین الان؟

دکتر یزدی: الآن یا بعداً که این بحث منحرف نشود (نمایندگان همین الآن، همین الآن).  
رئیس: آقای دکتر یزدی، اجازه می‌دهم که شما صحبت بفرمایید؛ یعنی حقتان است.  
دکتر یزدی: من اجازه می‌خواهم در یک وقت دیگری صحبت بکنم (همه‌ نمایندگان). من باید صحبت‌م را تنظیم بکنم.

دکتر یزدی: اگر تا آن زمان، قبل از آن، امام صراحتاً دستوری فرموده بودند که نباید [دیدار و گفتگویی صورت بگیرد] بلی [حرف منتقدان درست است که ما برخلاف نظر و دستور امام با برژینسکی دیدار کرده ایم، ولی] آنچه را که امام گفتند بعد از آن بوده.  
محمد یزدی: آن ضعف بینشی بود.

دکتر یزدی: عرض کنم به حضور شما که حرارت سنج بینشی شما خوب کار نمی‌کند. گروه‌گرا و انحصارطلب هستید؛ همه بینش‌ها را منحصر به خودتان می‌دانید و هیچ‌کس دیگر را واجد آن بینش نمی‌دانید.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۱۱

یکی از نمایندگان: این توهین است آقا.  
اسدی‌نیا: آقای هاشمی، این چه بحثی است؟ (همه‌هه نمایندگان).  
رئیس: شما خیلی خوب، آقای دکتر یزدی، شما مراعات کنید که دیگر باعث نشود که بعد از شما هفت - هشت نفر وقت بگیرند.  
دکتر یزدی: من نفهمیدم اگر چنانچه من از آقایان دلیل می‌خواهم که آقایان محترم، آقایان معترضین بفرمایید که در کجای قرآن و روش رسول اکرم و ائمه اطهار هست که شما نمی‌توانید با خصم خودتان چه کافر حربی و یا غیرحربی به صحبت بنشینید (همه‌هه شدید نمایندگان و زنگ رئیس).

دکتر یزدی: با استاد دانشگاهتان، با هر کس، در مملکت یک وزارت امور خارجه هست که مسئول این ارتباطات است. حالا من باشم، چه شما باشید، چه دیگری باشد. تا زمانی که مقامات مسئول مملکتی که مسئول هستند با یک مملکتی رابطه داشته باشیم یا نداشته باشیم. (فردوسی: همان ماست بندها اینها را سرکار آورده بودند). این دست وزیر امور خارجه نیست که تصمیم بگیرید که با یک مملکتی رابطه داشته باشد یا نداشته باشد؛ این به دولت و شورای انقلاب مربوط می‌شود؛ می‌توانستند یک مصوبه تصویب بکنند که آقا رابطه را با آمریکا قطع بکنید. اگر من به‌عنوان وزیر امور خارجه، رابطه را قطع نمی‌کردم آن وقت شما باید می‌آمدید به من ایراد می‌گرفتید و محاکمه می‌کردید؛ بنابراین، در مورد این ۲۱ میلیارد دلار ما مجبور بودیم با آنها صحبت بکنیم، مسئله استرداد مجرمینی که به آمریکا پناهنده شده‌اند<sup>۱</sup> و یا فرار کرده‌اند که آخرین آنها شاه بود. قبل از این جریانات، خوب بله ما صحبت کرده بودیم، لیست داشتیم، افرادی مثل رزمی فرار کردند به آمریکا. ما تحقیق کردیم با چه پاسپورتهای رفته با چه اسم عوضی رفته، کجا هست در لس‌آنجلس آدرسش را پیگیری کردیم؛ بعد همه اینها را هم به اینترپل یعنی پلیس بین‌الملل دادیم که آقا این یک جانی و مجرم واقعی است و مورد درخواست ملت ایران و هم به مقامات آمریکا گفتیم. شما [آمریکا که] می‌گویید که ما شما [جمهوری اسلامی] را به رسمیت شناختیم، بسیار خوب؛ این مجرم را به ما

---

۱. مقصود، طلب‌های ایران از آمریکا و نیز برخی از سران حکومت پهلوی و مجرمان حقوقی و سیاسی هستند که به آمریکا گریخته بودند.

## ۳۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

تحویلش بدهید. آقایان دیگری هم بودند که لیست بهشان دادیم (فردوسی: می‌خواستید این کارها را هم نکنید) بعد در وقتی که شاه رفت این را ما گزارشش را دادیم. وقتی شاه می‌خواست برود به آمریکا ما به این آقایان گفته بودیم. آمدند همان زمانی که نماینده وزارت امور خارجه آمد به آمریکا، غیر از وزیر امور خارجه، خیلی آقایان دیگر هم با او ملاقات کردند. راست می‌گویید، در بعضی اعمال ما ساده لوحانه عمل کردیم؛ می‌بایست مثل بقیه آقایان یک جور دیگر با آنها ملاقات می‌کردیم که ملاقات صورت دادند (چند نفر از نمایندگان: کی‌ها بودند، روشن کنید و اسم ببرید) چطور شما به وزیر امور خارجه‌تان اعتراض می‌کنید که با یک دیپلمات خارجی که آمده ملاقات کرده، ولی کسانی که در مقام وزارت نبودند روی چه مجوزی با اینها ملاقات کردند (همه‌هه نمایندگان: اسم ببرید) بنده از شما سؤال می‌کنم آقای هنری پرکت که آمد به ایران، برسید به چه مجوزی با آقای بهشتی ملاقات کرد به چه مجوزی او را بردند به قم و با بعضی از مدرسین ملاقات کرد، آیا آنها مسئول وزارت امور خارجه بودند؟ (همه‌هه نمایندگان)

دکتر یزدی: اجازه بفرمایید.

دکتر یزدی: آقای خلخالی، آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است.

دکتر یزدی: اما حسابرسی‌های اسلامی!

دکتر یزدی: بنده مسئول کسی نیستم؛ من مسئول خودم هستم (رشیدیان: ... حزب است دیگر).

دکتر یزدی: خیر، شما وسط دعوا نرخ تعیین نکنید آقای رشیدیان.

دکتر یزدی: از من خواستند.

دکتر یزدی: از من خواستند به من گفتند اسم ببرید.

دکتر یزدی: آقای امیرانتظام در زندان است و تکلیفش به عهده دادگاه که می‌خواهد محاکمه‌اش بکند. تا زمانی که آن دادگاه محاکمه‌اش نکرده، نه به من مربوط است حکم بدهم، نه به شما.

توکلی: به شما خیلی مربوط است آقای یزدی (همه‌هه شدید نمایندگان).

رئیس: آقا بگذارید صحبت کنند. آقای دکتر یزدی خواهش می‌کنم بفرمایید.



### در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۱۳

دکتر یزدی: شما می‌فرمایید که این ملاقات‌ها (همه‌ه نمایندگان) اجازه بفرمایید.

رئیس: شما دو دقیقه دیگر وقت دارید آقای دکتر یزدی.

دکتر یزدی: بسیار خوب بعد از اینکه شاه به آمریکا رفت مادر مقام یک دولت به آمریکا اخطار کردیم و رسماً طی یادداشتی استرداد شاه و فرح را خواستیم، و هر دو را ما طبق یک یادداشت رسمی که به دولت آمریکا دادیم درخواست کردیم، اما تا آن زمان کوچک‌ترین رهنمودی از طرف امام در مورد اینکه باید هیچ‌گونه ملاقاتی صورت نگیرد، داده نشد، همان‌طوری که عرض کردم.

دکتر یزدی: از طرف شورای انقلاب هم داده نشده بود.

رئیس: آقای موسوی بگذارید، آقای دکتر یزدی، شما بفرمایید.

دکتر یزدی: بعد از انقلاب، بعد از اینکه ...

دکتر یزدی: آقای هاشمی شما همه این قطع کردن‌های صحبت‌های من را هم جزء

وقت من حساب کردید؟

دکتر یزدی: خوب بله. اشکال ندارد. به همین دلیل ما گفتیم که بحث آزاد بگذارید

تا این مسائل روشن بشود.

دکتر یزدی: بعد از جریانی که ما از الجزایر برگشتیم، بله درست است، شما فقط

یک چیز شنیدید که ما در الجزایر انجام دادیم؛ آن هم ما ملاقات نکردیم، بلکه عیناً مثل

شمر که شب عاشورا به دیدن ابوالفضل آمد، [برژینسکس هم] به دیدن آقای مهندس

بازرگان [آمد] (خنده نمایندگان). آقای مهندس بازرگان گفتند: بپذیریم این را،

می‌خواهد بیاید، یا نپذیریم؟

دکتر یزدی: کدام را؟ برژینسکی مثل شمر نبود؟

دکتر یزدی: شما چرا باز هم این‌طوری می‌کنید؟ بنده گفتم دو دشمن خصم هستند،

رفتند خواستند با هم ملاقات بکنند (یکی از نمایندگان: ابوالفضل فردایش شهید شد)

اما در الجزایر شما فقط همین را شنیدید. شما هرگز نشنیدید، شما می‌گویید و ما را

بی‌دلیل متهم می‌کنید. اولین دفتر برای نهضت آزادی‌بخش در وزارت امور خارجه در

زمان من به وجود آمد. بعد هم ما به دعوت خود آنها رفتیم به الجزایر و در جلسه‌شان

که از سی و چند نهضت آزادی‌بخش و جنبش ...

## ۳۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

دکتر یزدی: بسیار خوب، چند دقیقه دیگر صحبت‌م را تمام می‌کنم؛ چون به یک مطلبی اشاره شد من باید توضیح بدهم.

دکتر یزدی: بله، بعد از اینکه مسئله گروگان‌گیری اتفاق افتاد، من اولین کسی بودم که تأیید کردم و با آقای موسوی خویینی‌ها تلفنی تماس گرفتم و گفتم آقا این کار لازم بوده، خود من (فردوسی: اعتراض، اولین باری که سپاه رفت بگیرد، نگذاشتند) در این مورد هم من تحلیل‌های گذشته را دارم، راجع به اینکه چگونه باید محاکمه بشوند، تمام اینها را من نوشتم و تازه هم نیست. از سه هفته، چهار هفته بعد از این، مسائل اینها را نوشتم، اما بعد از انقلاب وقتی خواستند با ما تماس بگیرند، من هنوز با وجودی که دولت استعفا داده بود، ولی قرار بود که تا آخر هفته ادامه بدهیم. از طرف وزارت امور خارجه آمریکا، وزیر امور خارجه آمریکا می‌خواست راجع به مسائل با ما صحبت بکند، ما قبول نکردیم. از طرف کاخ سفید خواستند صحبت بکنند، بنده قبول نکردم؛ گفتم من دیگر مسئولیتی ندارم. مستقیماً با شورای انقلاب تماس گرفتند. اگر خاطر آقایان باشد، سه نفر می‌خواستند به ایران بیایند.

رئیس: اجازه بدهید آقای خامنه‌ای به دلیل اینکه آقای دکتر یزدی گفتند که ایشان از بعضی مسائل شورای انقلاب اطلاع دارند، تذکری دارند که خودشان می‌گویند.

خامنه‌ای: بله، اولاً یک خطاب من به برادران حاضر در این جلسه می‌خواهم بکنم در مورد بریدن حرف آقای دکتر یزدی یا هر کسی که دارد یک مسئله‌ای را می‌گوید که ما لازم است نسبت به آن مسئله آگاهی و بصیرت داشته باشیم، من می‌گویم این بریدن حرف ایشان چه اتهامات وارد به ایشان درست باشد یا غلط، غلط است. برای خاطر اینکه نمی‌گذارد ما حرف را بفهمیم. ممکن است ایشان در خلال فرمایشاتشان یک جمله‌ای را بگویند که یک تصور غلطی را در ذهن مستمع به جا بگذارد و با بریده شدن حرف ایشان قضیه لوٹ بشود. ممکن هم هست یک حرف حق و بجایی را بگویند که باز این پارازیت‌ها فرصت گفتن آن حرف را به ایشان ندهد. من خواهش می‌کنم آقایان بر احساساتشان مسلط بشوند. این چندمین بار است که این مطلب دارد توی این مجلس گفته می‌شود؛ بگذارید ایشان بگویند. وقت فراوان است، شما وقت بگیرید و اگر تمام اظهارات ایشان را مردود می‌دانید، رد کنید. بنابراین، این خواهش

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۱۵

من است. اما در مورد شورای انقلاب، اولاً شورای انقلاب کی و طی چه حکمی به آقای دکتر یزدی گفته بود که با آمریکا کج‌دارو مریز رفتار کنید، که ایشان این را اظهار کردند و من این را تکذیب می‌کنم. دوم اینکه شورای انقلاب از اینکه قرار است هیئت ایرانی در الجزایر با برژینسکی ملاقات کنند، مطلقاً خبر نداشت. اگر در ضمن فرمایشات ایشان این مطلب به نحو اشاره فهمانده می‌شود، بنده به‌عنوان عضو شورای انقلاب تکذیب می‌کنم. ما هیچ اطلاعی نداشتیم که قرار است آنجا با مقامات آمریکایی تماس بگیرند، آن هم با برژینسکی که یک مقام امنیتی است؛ و گزارش کتبی از ملاقات برژینسکی را هم من تا آنجایی که به یاد دارم، نمی‌توانم تأیید کنم. البته آقای هاشمی به‌عنوان عضوی از شورای انقلاب و برادران دیگر می‌توانند نظر بدهند. من هرچه به حافظه‌ام مراجعه کردم یادم نیامد که ایشان یک گزارش کتبی مشروحی از مذاکراتشان و مواردش با برژینسکی به ما داده باشند.

نکته دیگری که می‌خواهم اضافه کنم این است: ایشان اشاره کردند که از نطق ایشان در سازمان ملل در آن سفرشان و از مذاکراتشان مشروحاً در الجزایر، رسانه‌های گروهی خبر ندادند.

می‌دانید که امروز رسانه‌های گروهی مورد حملات زیادی هست. این حرف از جانب ایشان برخلاف انتظار من بود و من از برادرمان آقای دکتر یزدی انتظار نداشتم که خیلی رندانه حمله به رسانه‌های گروهی از زمان وزارت خارجه خودشان را بگذارند به حساب حملاتی که امروز دارد می‌شود و یا آنها تلمبار کنند و یک جو عمومی به وجود بیاورند. رسانه‌های گروهی - عمدتاً رادیو و تلویزیون - در زمان وزارت خارجه ایشان در اختیار آقای صادق قطب‌زاده بود که ایشان با آقای دکتر یزدی هر دو عضو نهضت آزادی هستند. ایشان در خلال فرمایشاتشان اشاره کردند و مسئله گروه‌گرایی بعد هم با آوردن اسم آقای دکتر بهشتی - خیلی رندانه نمی‌گویم مودیانه - سعی کردند مسئله گروه‌گرایی را [مطرح کنند. حالا باید] مشخص کنند که منظورشان کدام گروه است؟ درحالی‌که نفرمودند که گروه نهضت آزادی آن روز نه فقط بر دولت، بلکه بر رسانه‌های گروهی هم مسلط بود. رادیو و تلویزیون در اختیار آقای قطب‌زاده بود و ایشان عضو نهضت آزادی بودند؛ کما اینکه وزیر خارجه عضو نهضت بود؛ کما

## ۳۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

اینکه دولت عمدتاً در اختیار نهضت آزادی بود. این مسائل را از هم تفکیک کنیم، من فعلاً عرضی ندارم.

رئیس: بسیار خوب، حرف خیلی است. آقای خامنه‌ای چیزی که فرمودند این بود که ما همان موقع همیشه در شورای انقلاب از آقای دکتر یزدی گله داشتیم که شورای انقلاب را در جریان مسائلشان نمی‌گذارند؛ البته شاید با دولت می‌گذاشتند، اما، ما این گله را از ایشان داشتیم، ولی به هر حال مسئله خیلی زیاد است.

کروبی: بسم الله الرحمن الرحيم. اولاً اول بحث، جریان کلی سیاست خارجی این آقایان نه تنها مسئله آمریکا [که]، اصلاً موضع‌گیری‌شان، موضع‌گیری بسیار سازشکارانه و غلطی بود؛ از آن جمله در داستانی که خودشان هم اشاره کردند مسئله مصر که پیش آمد ایشان وزیر امور خارجه بود و ایشان که باید قطع ارتباط کند، قطع ارتباط نکرد تا اینکه امام نامه نوشتند. بعد هم که امام نامه نوشته بودند، ایشان تلفن کرده بود به رادیو - تلویزیون که نامه را نخوانید. همین آقای یزدی (برخی از نمایندگان: صحیح است) (دکتر یزدی: تکذیب می‌شود) تلفن کرده که نامه خوانده نشود. یک جمله هم راجع به امام. [آیا] موضع‌گیری امام معلوم نبود با آمریکا؟ امام سازشکارانه بود؟ درحالی‌که امام سال قبلش فرموده بود که: «الهی که قطع بشود ارتباط ما با آمریکا» و گفته بود: «رابطه آمریکا با ما، رابطه ظالم و مظلوم و غارتگر و غارت شده است»؛ بنابراین، خط مشی امام در تمام سخنرانی‌هایش مشخص بود. جریان کلی اینها هم بر اساس چنین چیزی بود و موارد زیادی هم داریم باز هم اگر می‌خواهید مثال بزنم.

۱- اول مقامی یا شخصی که علیه پناه دادن شاه در آمریکا کتباً اعتراض کرد و استرداد شاه را خواست، دولت موقت در زمان وزارت آقای دکتر یزدی بود، پیش از آنکه در هیچ راهپیمایی و اعلامیه‌ای و هیچ فرمایشی از فرمایشات دیگران در ایران این مسئله مطرح شده باشد.

۲- سیاست خارجی کلی دولت در شورای انقلاب، طی دو یا سه جلسه با حضور وزیر خارجه و پس از آنکه در هیئت وزیران مشروحاً مطرح و تدوین شده بود، در شورای انقلاب هم مطرح شد و ما بودیم که اصرار داشتیم این جلسات طولانی باشد و همه مطالب گفته بشود؛ حتی روی گزارش اولیه آقای دکتر یزدی [روابط خارجی ما به

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۱۷

این صورت [تقسیم‌بندی شده بود: روابط خارجی با ابرقدرت‌ها، روابط خارجی با کشورهای مسلمان، روابط خارجی با کشورهای غیرمتعهد و غیره. صورت جلسه‌اش موجود است. بعد از آنکه ایشان، و مختصری هم بنده توضیحاتی دادیم آقایان اعضای شورای انقلاب نظریات و نکاتی بیان فرموده‌اند، ولی بیشتر راجع به روابط کشورهای همجوار و مسلمان بود و به آن تر اصلی روابط ما با ابرقدرتها که مبنی بر موازنه منفی و اصرار بر عدم دخالت بود، هیچ ایرادی داده نشده بود و تصویب شده بود.

این مطالب را که آقای دکتر یزدی گفتند، در شورای انقلاب یک گزارش بود که ایشان دادند که مربوط به این جلسه نبود. بعد هم یک چیزهایی گفته بودند. ما هیچ وقت جزئیات مسائل را که بر عهده دولت گذاشته شده بود، نه با امام و نه با شورای انقلاب مطرح نمی‌کردیم، ولی رئوس و اساس مسائل اقتصادی، دولتی، اداری و خارجی با امام مطرح می‌شد. آن اندازه‌ای که الان یادم هست سه بار بخصوص راجع به روابط با آمریکا خدمت امام رسیدیم. یک یا دو بار با وزیر دفاع وقت که تیمسار ریاحی بود و گویا وزرای دیگری هم شرکت داشته‌اند؛ از جمله آقای مهندس کتیرایی، یا آقای دکتر یزدی. یکی دو بار هم بخصوص با حضور آقای دکتر یزدی راجع به روابط آمریکا، و فرمایش ایشان بود. یک بار بیشتر می‌رفت روی این ...

دکتر یزدی: آقای رئیس، این چه وضعی است جلو این اشخاص را بگیرید.

یکی از نمایندگان: آقای دکتر یزدی عنوان کردند، کس دیگری که عنوان نکردند.

دکتر یزدی: کتیرایی وجود ندارد؟ نباید کنترل بشود؟

دکتر یزدی: من سؤال دارم.

رئیس: آقای دکتر یزدی، ما در این شکل دیگر اصلاً سؤال نداریم. این سؤالاتی که

شد ...

دکتر یزدی: اگر سؤال من جواب داده نشود، چطور رأی بدهم.

اظهارات دکتر یزدی: در این موقع دکتر ابراهیم یزدی با استفاده از اختصار آیین‌نامه‌ای به اظهارات یکی از نمایندگان که به ملاقات و مذاکرات با برژینسکی اشاره کرده بود، پاسخ داد و گفت: ما تمام جزئیات این مذاکره را به نظر ملت ایران رساندیم و در این ملاقات مهندس بازرگان با اشاره به جنایات آمریکا در ایران، خواستار گرفتن

## ۳۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

غرامت شد. ضمناً پس از بازگشت از مسافرت، در جلسه مشترک دولت و شورای انقلاب، گزارش تمام جزئیات این ملاقات به اعضای شورا داده شد و این به عهده وزیر امور خارجه نیست که تصمیم بگیرد با چه دولتی رابطه داشته باشد و یا نداشته باشد. در این مورد، شورای انقلاب باید تصمیم می‌گرفت. نه امام و نه شورای انقلاب، هرگز از دولت نخواستند که رابطه با آمریکا را قطع کند.

### شورای انقلاب خبر نداشت

پس از سخنان دکتر یزدی، حجت‌الاسلام خامنه‌ای در رابطه با مسائل شورای انقلاب که در صحبت‌های دکتر یزدی آمده بود، توضیحاتی داد و گفت: «من به‌عنوان عضو شورای انقلاب می‌گویم شورای انقلاب چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم به دولت وقت و وزیر امور خارجه نگفته بود که با آمریکا کج‌دار و مریز رفتار کند و شورای انقلاب خبری از ملاقات ایشان با برژینسکی نداشت و تا آنجا هم که به یاد دارم گزارش کتبی از ملاقات با برژینسکی را هم ندیده‌ام».

محمد یزدی و کروی نیز در ارتباط با اظهارات دکتر یزدی مطالبی بیان داشتند و مهندس بازرگان ضمن سخنانی اظهار داشت که این دولت موقت بود که برای نخستین بار پس از رفتن شاه مخلوع به آمریکا، تقاضای استرداد او را کرد.

رئیس مجلس گفت: درباره این موضوع چون صحبت زیاد است، ممکن است جلسه‌ای را صرفاً به آن اختصاص داد. مهندس بازرگان نیز موافق بود و گفت: «چون بارها اتهاماتی در این زمینه به ما زده شده، بهتر است تمام مطالب گفته بشود».

یکی از نمایندگان (شرافت) به سخنان بازرگان اعتراض کرد. هادی غفاری در رابطه با ملاقات با برژینسکی گفت: این ملاقات باید با اذن مستقیم ولی امر باشد.

حجت‌الاسلام خلیلی با اشاره به سخنان مهندس بازرگان گفت: مطالبه شاه مخلوع از سوی دولت موقت، پس از صدور حکم اعدام شاه مخلوع از طرف من که حاکم شرع بودم، انجام شد. ولی گفت: در این جلسه مسئله گروگان‌ها مطرح بود و نباید اجازه داد که جو مجلس با این اظهارات تغییر کند.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۱۹

در اینجا توضیح این نکته را ضروری می‌دانم که بر خلاف سخنانی که گفته شد، سابقه نداشت که نخست‌وزیر یا وزیر امور خارجه از فعالیت‌های دیپلماتیک گزارش کتبی به شورای انقلاب بدهند. هرگز شورای انقلاب از دولت نخواستہ بود که در مورد دیدارهای دیپلماتیک، که از وظایف روزمره وزارت امور خارجه است، به شورای انقلاب گزارش کتبی بدهد.

### گزارش دوم: گزارش روزنامه میزان

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس، دکتر یزدی علت مذاکره با برژینسکی را فاش کرد - روزنامه میزان، ۱۳۵۹/۶/۲۹

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس، دکتر یزدی خطاب به رئیس مجلس: شما بزرگترین ظلم را درباره ما انجام داده‌اید.

در جلسه علنی چهار ساعته روز پنجشنبه مجلس شورا، شانزده تن از نمایندگان پیرامون مسائل مملکتی صحبت کردند. مهم‌ترین مسئله مورد بحث این جلسه مجلس، رسیدگی به وضع گروگان‌ها بود. به هنگام بحث درباره گروگان‌های جاسوس، جلسه چندین بار متشنج شد و سرانجام مجلس در این جلسه نتوانست به انتخاب کمیسیون ویژه و اختیارات و تعداد اعضای آن پردازد.

از سوی ۱۷ تن از نمایندگان مجلس پیشنهادی درباره گروگان‌ها ارائه گردید. مجلس در پایان جلسه علنی، یک جلسه رسمی غیرعلنی نیز داشت. در این جلسه، فرماندهان نظامی و نخست‌وزیر نیز شرکت داشتند و مسائل امنیتی کشور مورد بحث قرار گرفت.

### تحمیل جنگ

اولین ناطق پیش از دستور جلسه پنجشنبه موسوی خراسانی بود. وی درباره جنگ ایران و عراق صحبت کرد و گفت این جنگ هم به ایران و هم به عراق تحمیل شده است.

وی در قسمتی از سخنان خود گفت: صدام حسین خائن، کاره‌ای نیست و این آمریکا و کارتر خونخوار است که جنگ را به ملت عراق تحمیل کرده است. [در این

## ۳۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

هنگام، انواری با صدای بلند گفت: «این جنگ تحمیل به ملت عراق نیست». ناطق ادامه داد: پس در حقیقت جنگ ما با عراق نیست. حالا می‌خواهیم بدانیم که در این جنگی که بین ما و ابرقدرت‌ها و عراق وجود دارد، پیروزی از آن کیست. ناطق افزود: پیروزی از آن ما است. شکست ظاهری و چه پیروزی برای ما پیروزی است. برای آنکه اگر ما پیروز شویم زمینه‌ای است برای پیروزی ملت عراق از دست دولت صدام حسین و همچنین انقلاب ما به عراق صادر شده است. اما اگر ما به ظاهر شکست بخوریم که این شکست ظاهری هم بعید است؛ چون ملتی که آماده جنگ سرخ و شهادت است، شکست نخواهد خورد. مکتبی که تمام جوان‌هایش اعلام آمادگی برای شهادت کرده‌اند، ملتی که روحانیت آن اعلام آمادگی کرده است، این ملت پیروز است و شکست نخواهد خورد و من از طرف مردم خراسان اعلام می‌کنم که مردم غیور و مبارز مسلمان خراسان، یکپارچه آمادگی خود را برای جنگ با دشمن در غرب کشور اعلام کرده‌اند. ناطق در ادامه سخنان خود گفت: روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون تمام حقایق جنگی را بگویند و یا بنویسند؛ چون ملت ما آمادگی دارد که تمام حرف‌ها را بشنوند. وی همچنین گفت: پیشنهاد من این است که به حقوق پاسداران اضافه شود تا آنها در رفاه و آسایش باشند. پیشنهاد دوم اینکه از سراسر مملکت از تمام افرادی که آمادگی دارند گروهی انتخاب شوند و به آنها آموزش‌های چریکی لازم داده شود تا در آینده چنانچه به آنها نیازی پیدا کردیم بتوانند انجام وظیفه کنند.

### شکایت از بیمه

خراسانی در بخش دیگری از سخنان خود گفت که الآن کسبه‌های ما از بیمه شکایت دارند. شما می‌دانید که حقوق کارگران اضافه شده و باید بشود. به‌طور متناسب می‌توان گفت که یک کارگر ۶۰۰ تومان پول بیمه آن می‌شود که باید صاحب کار بپردازد و آن موجب نگرانی طبقات کسبه و کارگاه‌ها شده است و پیشنهاد می‌کنم که در این زمینه فکری شود. دوم راجع به قوه قضاییه: کسانی که زندانی می‌شوند مراحل بازپرسی آنها به تعویق می‌افتد که آنها گلایه دارند. ناطق در قسمتی دیگر از سخنان خود از مسئولان درخواست کرد که گوشت سرد در اختیار همگان قرار گیرد؛ زیرا گوشت سرد در



## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۲۱

خراسان نیست و وضع مردم از این لحاظ خیلی بد است. در نتیجه نرخ گوشت گرم بالا رفته است.

### تظاهرات اول مهرماه

منوچهر متکی، نماینده سنقر و کلیایی<sup>۱</sup> با دریافت سه دقیقه وقت به‌عنوان ناطق پیش از دستور گفت: با توجه به آغاز سال تحصیلی و وضعیت آمریکا و عراق، من پیشنهاد می‌کنم که آموزش و پرورش در روز اول سال تحصیلی تظاهراتی بر علیه آمریکا و عراق برپا کنند.

### همه قوانین به مجلس بیاید

سومین ناطق پیش از دستور محمدحسین سلمان زارچی نماینده سنقر بود. وی در آغاز سخنان خود گفت ما باید توجه داشته باشیم که آفت‌زدایی کنیم و نگذاریم صدمه‌ای به انقلاب بزنند. ناطق در قسمتی از سخنان خود درباره قوانین اسلام گفت: نظارت بر قوانین و مقررات اسلام و استخراج فروع از روی اصول باشد و حق فقیه جامع‌الشرایط است. شرایطش را امام بیان نمودند. ناطق همچنین گفت: همه قوانین بایستی به مجلس بیاید و نظر داده شود که این معنی درست نیست که هر کس در موضوعات دینی نظر دهد نتیجتاً به مرز قوانین اسلام صدمه بخورد و ما باید هم مرزهای کشور را حفظ کنیم هم قانون اسلام را. ما که التفاضلی نیستیم و کشورمان اسلامی است، انقلابمان اسلامی است و اسلاممان جامع است.

ناطق همچنین برای رفاه مستضعفین گفت: دین اسلام از این نظر جامع و کامل است. اگر بعضی از احکامی که چون دولت اسلامی روی کار نبوده عمل نشده است ذهن مردم آماده نیست.<sup>۲</sup> سلمان زارچی آنگاه از حوزه انتخابیه خود و نیازهای آن صحبت کرد.

---

۱. منوچهر متکی در دوره اول مجلس پس از انقلاب، نماینده حوزه انتخابیه کردکوی بود، نه سنقر و کلیایی. اشتباه از روزنامه است.

۲. مقصود این است که نمی‌توان به قوانین و احکام اسلام بی‌توجه بود به بهانه اینکه تاکنون دولت اسلامی نداشته‌ایم و به احکام اسلامی عمل نشده و هنوز ذهن مردم برای اجرای احکام اسلام آماده نیست (ویراستار).

## ۳۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

### بررسی وضع گروهان‌ها

در این هنگام مجلس وارد دستور شد. هاشمی رفسنجانی رئیس جلسه گفت: مسائل کلی گروهان‌ها مطرح است. نمایندگان می‌توانند در نوبت‌هایی که گرفته‌اند مطالب را مطرح کنند و پس از کلیات، مسئله کمیسیون ویژه، تعداد اعضای آن و اختیارات این کمیسیون مطرح و تصمیم‌گیری خواهد شد.

### تعیین چهارچوب

رئیس مجلس در این هنگام توضیح داد که دو نامه از سوی نمایندگان رسیده است. در یکی از نامه‌ها نمایندگان خواستار مشخص شدن اختیارات کمیسیون ویژه و در نامه دیگر ضمن طرح سؤال درخواست کردند که مجلس پیش از رسیدگی به وضع گروهان‌ها، موضع خود را مشخص کند. آنگاه رئیس مجلس [موضع مجلس را] در چهار مورد به این شرح قرائت کرد:

۱- موضع انقلاب اسلامی در مقابل آمریکا ۲- آیا گروهان‌گیری اساساً عمل انقلابی بوده است؟ ۳- آیا محاصره اقتصادی و سیاسی آمریکا و عمالش تنها نتیجه گروهان‌گیری است؟ ۴- آیا چنان‌که بعضی معتقدند گروهان‌گیری، انقلاب ما را به انزوا کشیده است؟

### اسامی درخواست‌کنندگان

آنگاه رئیس اسامی درخواست‌کنندگان طرح را به این شرح خواند: منوچهر متکی، خویینی‌ها، شاهچراغی، سازگارنژاد، آقامحمدی تبریزی، چراغ‌زاده، پرورش، توکلی، دانش آشتیانی، نصیری لاری، معرفی‌زاده، شجاعیان، بشارتی، معصومی، خزاعی، حقانی، امین ناصری، منتظری، مهاجرانی و ملازاده.

رئیس آنگاه با قرائت توضیح رضا اصفهانی در مورد اصلاحات ارضی که در اجرای آن تخلف شده، پرداخت.

### گروهان‌گیری بزرگ‌تر از انقلاب

مجلس در این هنگام تصویب کرد که قبل از بحث درباره گروهان‌ها، نمایندگان درباره پیشنهاد چهار ماده‌ای صحبت کنند.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۲۳

اولین ناطق در این بحث، موسوی خراسانی بود. وی گفت: آیا عمل گروگان‌گیری انقلابی است؟ اصلاً قابل بحث نیست. امام فرمودند: انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول و عمل انقلابی بود که دولت آمریکا را به وحشت انداخت و باید از این عمل انقلابی بهره‌برداری انقلابی نمود. شک نیست که سفارتخانه نبود، جاسوسخانه بود. بر فرض بخواهیم با آمریکا مدارا کنیم، آمریکا با ما مدارا نخواهد کرد و آنچنان که مقتضیات ایجاد می‌کند باید بهره‌برداری کرد. مطابق با دستورات امام ما می‌توانیم درباره گروگان‌ها رفتار کنیم.

### تصمیم شدید؟

دومین نماینده‌ای که در چهارچوب تعیین‌شده درباره گروگان‌ها صحبت کرد، خزاعی بود. وی گفت: من عرایضی دارم به صورت کلی. واقعیت این است که تصرف لانه جاسوسی فریاد ملت ایران بود. حداقل ۲۵ سال است که آمریکا در ایران حکومت می‌کند؛ بنابراین، در بررسی وضعیت جاسوس‌ها باید در نظر داشته باشیم تمام مصائبی که ما در این چند سال چشیده‌ایم بر اساس نوع حکومت آمریکا بوده است. به خاطر داشته باشید بعضی‌ها می‌ترسند که از اینکه اگر ما تصمیم شدید راجع به گروگان‌ها بگیریم، آمریکا در آینده با ایران چه خواهد کرد. آمریکا چه می‌توانسته بکند که تا حالا نکرده! در دوران شاه مردم ما را به شدیدترین وضع به فلاکت کشانده. درست است که نامه‌هایی از کنگره و ملت آمریکا آمده و عذرخواهی کرده، ولی آمریکا بعد از پیروزی انقلاب با تمام قوا و نیرو بر علیه انقلاب ما کوشیده است. ما هر اقدامی که بکنیم آمریکا تصمیمی بعد از آن نخواهد گرفت که قبل از آن نگرفته باشد. گروگان‌ها در ایران به‌عنوان یک الگوی دخالت آمریکا در سرنوشت مردم ایران مطرح است. اگر بخواهیم گروگان‌ها را محاکمه کنیم که جاسوس بودن آنها ثابت شود این یک تحصیل حاصل است؛ چرا که ما می‌دانیم که جاسوس بوده‌اند و جاسوسی می‌کرده‌اند. باید واقعیت آنها را روشن کنیم و آمریکا ارزشی برای جان پنجاه [تن] گروگان قائل نیست. آمریکا می‌خواهد به وسیله این گروگان‌ها و بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی، انقلاب ایران را بکوبد و گروگان‌ها یک مطلوب سیاسی برای آمریکا است. آمریکا در حال حاضر در بحرانی‌ترین مرحله است؛ به دلیل اینکه کارتر و کندی این مهره‌های

## ۳۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

سرمایه‌داری، تمام تلاش خود را برای مبارزه انتخاباتی می‌کنند و آزادی گروگان‌ها برای آنها مسئله است. برای ملت ایران به هیچ عنوان کارتر و ریگان فرق نمی‌کند و اینجا است که گلوی آمریکا را باید بگیریم و بزرگ‌ترین ضربه را به او بزنیم؛ چرا؟ [چون] وقتی که این مسئله منتفی شده و مسئله انتخابات آمریکا برگزار شد، دیگر بهره‌برداری سیاسی برای آنها مطرح نخواهد بود و آنها استفاده‌های تبلیغاتی از آنها خواهند کرد. ما نباید به آمریکا رشوه بدهیم. اگر ما ۸/۵ میلیارد دلار پول ما در آمریکا بلوکه شده و [با] روزی دو میلیون دلار بهره که در این مدت ۶۰۰ میلیون دلار بهره آن می‌شود.

من یک پیشنهاد دارم. ایران باید هرچه زودتر یک دیوان عالی محاسبات تشکیل دهد و خساراتی را که به ایران وارد شده مشخص شود و در سراسر دنیا پخش شود. بعضی‌ها عنوان می‌کنند که اگر بخواهیم جاسوس‌ها را محاکمه کنیم، کسانی که جاسوس نبوده‌اند و می‌گویند که من جاسوس نبودم و شما چرا مرا یک سال ننگه داشته‌اید و ادعای خسارت می‌کند باید گفت که ملت ایران بر اساس تفری که از آمریکا داشت اول آمریکاییان را به عنوان گروگان گرفت که بعداً نباید ادعای خسارت کند، بلکه به عنوان یک بعد از جنایت آمریکا در گروگان بوده است و وضع جاسوس‌ها هم مشخص است. در این هنگام رئیس تذکر داد که این حرف‌ها نظر خود آقایان است و نه نظر مجلس.

### گروگان‌گیری است، نه جاسوس‌گیری

آقامحمدی، نماینده همدان ضمن سخنانی گفت: مجلسی را من در مجموع مجلس می‌دانم که تصمیم‌گیری‌هایش در جهت انقلاب اسلامی خواهد بود و هست. وی از هاشمی رفسنجانی تعریف کرد و گفت: ایشان را از سال ۱۳۵۰ می‌شناسم. ناطق‌آنگاه گفت: عمل ما گروگان‌گیری است. [خلخالی گفت: فرقی نمی‌کند]. در زمانی این کار را کردیم که آمریکا داشت شاه را پناه می‌داد و پناه داد. امام امت بیان کرده بود که آمریکا نباید این کار را بکند. آمریکا او را پناه داده و به حریم کشور ما تجاوز کرد. ما گفتیم تجاوز یک‌طرفه نمی‌شود. حالا که تجاوز کردی ما هم تجاوز می‌کنیم. این ارزش را ممکن است حقوق بین‌الملل نپسندد، ولی ارزش انقلابی ما است.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۲۵

وی در قسمتی دیگر گفت: بنابراین، گروگان‌گیری حق مسلم ما است و حاضریم تا در هر کجا به بحث بنشینیم تا ببینیم که به چه حقی آمریکا ۲۵ سال تجاوز کرده و حالا که بیرونش کردیم، باز هم تجاوز می‌کند و در خارج هم بر علیه ما توطئه می‌کند. مسئله ما مسئله گروگان‌گیری است و فکر نمی‌کنم که مردم دنیا ما را محکوم کنند و برای اینکه حقم را بگیریم به آمریکا تجاوز کردیم. قرآن به ما می‌گوید: هر کس به تو تجاوز کرد به همان اندازه تجاوز کن و حالا به اندازه‌ای که آمریکا تجاوز کرده، ما قصاص نکرده‌ایم.

### پایگاه امام زمان

ناطق آنگاه گفت: آیا گرفتن گروگان‌ها به نفع ما بوده یا نه؟ آری، به نفع ما بوده. ما در دنیا انقلاب جدید با ارزش‌های جدید را داریم. ما اینجا را پایگاه قرار داده‌ایم که پایگاه حکومت جهانی امام عصر باشد و ما تجاوز را به هیچ عنوان به رسمیت نمی‌شناسیم. من می‌دانم که قطب‌زاده که به خارج می‌رود هیچ‌وقت پیش مردم محروم آنجا نرفتند، بلکه در کنفرانس شرکت می‌کنند. انتظار داشتید که دولت‌های تجاوزگر جهان ما را تأیید کنند و مرگشان را امضا کنند. از مردم پاکستان پرسید که بعد از عمل ما آنچنان جاسوسخانه آمریکا را آتش زدند و از مردم افغانستان پرسید که معنی مقابله تجاوز را به دنیا ثابت کرده‌اند. از جنوب لبنان پرسیدیم، از فعالیت‌های آزادی‌بخش سپاهان آمریکا پرسید که آنها تأیید می‌کنند. آنها نوید است. جنگ ما با آمریکا از سال ۴۲ است. باید کار کنیم تا به ۵۷ برسد. ما این تلاش را که آغاز کرده‌ایم به ۵۷ خواهیم رساند. محاصره اقتصادی و نظامی و جریان‌های دیگر که اتفاق افتاده، آیا به علت گروگان‌گیری است یا از ماهیت آمریکا و ماهیت انقلاب اسلامی است؟ اگر تجاوز را از آمریکای امپریالیسم بگیریم، دیگر امپریالیسم نیست. اگر از آمریکای ابرقدرت، زورگویی را بگیریم، دیگر ابرقدرت نیست. شما انتظار داشتید کسی که همه چیز دارد ما بگوییم نه خیر، بگوید چشم آقا، چون شما گفته‌اید ما مقلد امام شما می‌شویم و قبول می‌کنیم؟ معلوم است که تجاوزگر تجاوز خواهد کرد، ولی گروگان‌گیری حسی که داشت این بود که به جای اینکه کلاه سرمان برود، حالی مان نشود بگوییم حالی مان شد.

## کودتای ترکیه

ناطق اضافه کرد: فهمیدیم که مسئله غیر از این است. ما متوجه شدیم که دشمن آمده است تحت عنوان چپ و گروه‌های چپ اعلامیه پخش می‌کند. مدارس و دانشگاه‌ها را به تعطیلی بکشاند و کشور را به اغتشاش بکشاند و در دنیا ثابت کند که بگوید اسلام توانایی اداره مملکت را ندارد. ما نقش‌های آمریکا را رو کردیم و می‌کنیم. آیا ما به آن معنی نرسیده‌ایم که به ملت‌ها متکی باشیم نه به دولت‌ها؟ و برادران دانشجوی پیرو خط امام عملی را برای ما کردند که به نفع انقلاب بود. ترکیه چرا کودتا شد؟ عراق چرا با ما جنگید؟ چرا آمریکا در مقابل تجاوز روسیه صحبت نمی‌کند؟ چرا الآن آب‌های خلیج فارس را ناوهای دشمن می‌بندد؟ برای اینکه معلوم است ما در برابر آنهایم. اینجا امام فرزند رسول‌الله و ملت، امت [تکبیر نمایندگان].

گروگان‌گیری در دنیا سبب انزوای ما شده، یا صدور انقلاب؟ ما می‌بینیم از طرف تمام قدرت‌های تجاوزگر، سبب انزوای ما شده؛ چون ما نشان دادیم هیچ‌کدام را به رسمیت نمی‌شناسیم و افتخار می‌کنیم، ولی از نظر ملت‌ها پیروز شدیم. برادری که از شبه جزیره عربستان آمده بود، می‌گفت: عکس امام را در عربستان سعودی ۱۵۰ تومان می‌فروشدند؛ تازه پیدا نمی‌شود.

ما عملکردمان از گذشته غلط بوده که اتکا به ملت‌ها نداشتیم. دولت‌ها ما را از اول قبول نداشتند و هر وقت قبول کردند بدانید انقلاب به انحراف رفته؛ مگر اینکه همه آنها سرنگون شوند و دولت‌های منتخب مردم بر سر کار آیند که به نفع ماست.

اگر ما جهت انقلاب فراموشمان نشود، چهارچوب سیاست را مشخص کنیم نهضت‌های آزادی‌بخش را شکل دهیم و حمایت کنیم، آن وقت با آمریکا می‌جنگیم. انقلاب ما به انزوا کشیده نشده، دولت‌ها از اول ما را قبول نداشتند، اما آیا محاصره اقتصادی به نفع ما بوده یا به ضرر ما؟ به نفع ما بوده. اگر قرار است قطع وابستگی کنیم و روی پای خود بایستیم ما باید اقتصاد جنگی داشته باشیم. آیا برای آسفالت خیابان‌های تهران این همه بودجه باید خرج کنیم یا این پول‌ها را می‌دادیم که صنایع اشتغالی یک انسان جنگی را فراهم کنیم. آب برای کشاورزی می‌دادیم تا گندم را که برای صحنه جنگ لازم داریم بدهیم. اشتباه کردیم حالا تصحیح می‌کنیم. لذا پیشنهاد

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۲۷

می‌کنم کمیسیونی که قرار است تعیین شود اولین وظیفه‌اش این باشد که با کمیسیون امور بودجه و برنامه، بودجه جنگی و اضطراری ما را تعیین کنند. دوم وظایف سازمان بسیج مستضعفین را مشخص کنند. رابطه‌اش را با قوای نظامی دقیقاً مشخص کنند. بودجه را برای بیست میلیون مردم ایران در این سازمان مشخص کنند.

### پیشنهاد‌های آقامحمدی

آنگاه محمدی پیشنهادات زیر را مطرح کرد

۱- اول آمریکا رسماً اعلام کند و دخالتش را در ایران محکوم کند.  
۲- آمریکا که می‌گوید من شرایط شما را می‌پذیرم، شرایطی را که امام تعیین کرده بودند. بگویند شاه در آمریکا چقدر دارایی دارد، ایران چقدر دارایی دارد؛ رسماً اعلام کند و بعد کمیسیون کارش را شروع کند. بودجه نظامی را تعیین می‌کند. ارتش مستضعفین را بسیج می‌کنید و بعد شروع به کار می‌کند. وی افزود محاکمه، حق طبیعی ما است و اولین محاکمه مال آقایی است که چندین بار ویتنام را بمباران کرد و از ما یک هیئت به ویتنام خواهد رفت و به مردم ویتنام خواهد گفت یکی از قاتلین شما را داریم و بحث خواهد کرد و آنها را دعوت خواهیم کرد. بعد یکی یکی نوبت محاکمه‌شان خواهد رسید. در محاکمه است که معلوم می‌شود بی‌گناه کی هست و باگناه کی هست. کسی حق ندارد همین‌طوری بگوید کسی با گناه یا بی‌گناه است؛ چون ما قوه مقننه هستیم. قوه قضاییه طبق رساله تحریر به امام که جاسوس حکمش اعدام است، به آن عمل می‌کنیم.<sup>۱</sup> آمریکا یادش باشد، انقلاب شده و سال ۱۳۴۲ نیست. کاپیتولاسیون اولین جرقه انقلاب بود.

در جلسه روز پنجشنبه، اسدالله بیات نیز درباره گروگان‌ها صحبت کرد. بیات گفت: الان سرنوشت ما همان مسئله‌ای است که در قرآن ما آمده است. موضع ما با آمریکا رابطه مظلوم با ظالم است. ما دولت آمریکا را قاتل حربی می‌شناسیم و ما هیچ‌گونه آمادگی مذاکرات با آمریکا را نداریم؛ چون آمریکا را رسمی نمی‌دانیم. ما در مقابل آمریکا همان موضعی را می‌گیریم که در این ۲۷ سال در مقابل طاغوت گرفته‌ایم و این

۱. منظورش کتاب تحریر الوسیله، کتاب فقهی و رساله عملیه آیت الله خمینی به زبان عربی است.

## ۳۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

را ما در راهپیمایی‌ها گفته‌ایم. موضع ما همان موضعی است که مکتب ما روشن کرده است. ما در مقابل آمریکا با سرعت برخورد می‌کنیم. ما خواسته‌ای از آمریکا نداریم. ما حق خود را می‌خواهیم و حق گرفتنی است و ما می‌گیریم.

به خدا قسم آمریکا می‌خواهد سر ما را کلاه بگذارد. چهره آمریکا یعنی چهره دروغ. یکی از بزرگ‌ترین خدمت‌هایی که جوانان مسلمان پیرو خط امام کرده‌اند این است که موضع و در خط امام بودن خود را نشان داده‌اند. اینها با عملشان معنی خط امام و چهره منافقان را روشن کردند. خلاصه ما ملتی هستیم رنج‌کشیده و غارت‌شده. آمریکا نه قولش برای ما اعتبار دارد و نه عمل می‌کند؛ چون کارش غارتگری و جنایت است، و من می‌خواهم بگویم که ما به آمریکا تجاوز نکرده‌ایم؛ آنها چه بلاهایی سر دانشجویان ما در آمریکا آوردند. این است که ما در مقابل آمریکا ایستادگی می‌کنیم و به یاری پروردگار پیروزی از آن ماست، اگرچه کشته شویم و عرض می‌کنم که محاکمه باید در ایران باشد و از مقامات بین‌المللی هم دعوت می‌کنیم. همه اینها مطرح شود و در یک جلسه علنی به عرض ملت ایران برسد و یک پیشنهاد برای کمیسیون دارم. افرادی که در کمیسیون انتخاب می‌شوند حق مصاحبه با رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها را نداشته باشند.

### گروه فرقان

من فکر می‌کنم که از برادران این خواهرش را بشود کرد که بحث در جهتی باشد که در چهارچوب باشد تا کمیسیون ویژه در حقیقت جهت بگیرد و بداند نظر کلی مجلس چیست.

ماهیت رژیم آمریکا طوری است که تجاوز درش نهفته است و می‌خواهد به دیگران تجاوز کند. علی‌رغم اینکه مردم می‌دانستند که آمریکا در پشت حکومت محمدرضا پنهان شده و گاهی اوقات پنهان نبود، با این حال بعد از انقلاب رفتار بسیار ملایم با آمریکا شد.

پس از هفت - هشت ماه که لانه جاسوسی اشغال شد، اسناد منتشر شده نشان داد که سفارتخانه از جاسوسی غافل نبوده؛ حتی می‌بینید گروه به ظاهر رادیکال مذهبی «فرقان»، دست آمریکا بود. از چپ‌ترین تا راست‌ترین راست‌ها دست آمریکا بود و



## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۲۹

ماهیت آمریکا است و نمی‌توانیم ساده‌لوحانه با قضیه برخورد کنیم. تماس‌هایی که هادی علیاری اشاره کردند مثل قضیه برژینسکی. البته معتقد نیستم که از روی سوءنیت بوده، اما نگرش ساده‌لوحانه به قضیه است؛ یعنی اگر قرار باشد انسان قضایا را با نگرش آگاهانه نگاه نکند و از عمق آن آگاه نباشد، این‌طور برخورد می‌کنند که در آن ایام شد.

با انقلاب مجددی که کردند انقلاب خودشان را از انحطاط نجات دادند، اما ما به اثرات گروگان‌گیری در عرف بین‌المللی اهمیت نمی‌دهیم. ما ملاک کارمان قضاوت دولت‌ها نیست، بلکه ملت‌ها است و بخصوص عملکرد ملت‌ها نشان داده که ما را تأیید کردند. در سطح بین‌الملل، برای اولین بار نشان دادیم به دور از فعل و انفعالات پشت پرده بین آمریکا و شوروی کارهایی انجام می‌گیرد و می‌شود در برابر آنها ایستاد و یک قوت قلبی به مستضعفین جهان می‌دهد. کسانی که با انقلاب موافق نبودند و با ما برخورد منافقانه را شروع کردند و پلاکاردهایی بزرگ بردند و گفتند سازش با آمریکا است و اینها گروه‌های منحرف هستند [همه‌نمایندگان].

[پس از آنکه برخی از نمایندگان، در سخنرانی پیش از دستور خود، مستقیم و غیرمستقیم، دیدار مهندس بازرگان و شهید چمران و من با برژینسکی در الجزایر را مطرح و به دولت موقت حمله کردند، از رئیس مجلس درخواست کردم وقت بدهد تا برای چندمین بار اصل موضوع را مطرح کنم و به مباحث مطرح شده پاسخ دهم].  
**دکتر یزدی:** این چندمین بار است که از مجلس وقت خواستم نداده‌اید. این مسئله باید حل شود.

(یزدی خطاب به هاشمی): شما بزرگ‌ترین ظلم را درباره ما انجام دادید. اینکه هر کس بلند شود حرف بزند وظیفه شما است که جلوی‌شان را بگیرید و به ما هم اجازه صحبت دهید و اگر حق من را محفوظ نگه می‌دارید، حاضریم بعداً صحبت کنم. در این وقت همه‌نمایندگان فضای مجلس را گرفت. یزدی از رئیس مجلس خواست اجازه بدهد وقت دیگری صحبت کند برای اینکه مجلس از بحث اصلی<sup>۱</sup> منحرف نشود.

---

۱. بحث اصلی آن روز، بررسی مسئله گروگان‌های آمریکا و چگونگی پاسخ به نامه ۱۸۵ تن از نمایندگان کنگره آمریکا بود (ویراستار).

## ۳۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

چند تن از نمایندگان با صدای بلند: الآن صحبت کنید. خلخالی گفت: اگر صحبت نکنید بعداً دیگر حق ندارید و رئیس به یزدی اجازه صحبت داد.

### گروه‌گرا

یزدی: همه ما صحبت از مکتب می‌کنیم. در کجای قرآن است که با خصم مذاکره نکنید. اگر قرآن و ائمه اطهار چنین وضعی کرده‌اند شما فرمایید؟<sup>۱</sup> اگر قبل از آن زمان (پیش از سفر الجزایر) امام دستور داده بودند نباید مذاکره کنید! (همه‌هه نمایندگان که مانع صحبت یزدی می‌شدند). یزدی ادامه داد: بله، اما آنچه که امام گفتند بعد از آن بوده است.

یکی از نمایندگان گفت: حرارت صلح شما به کدام طرف بود؟ یزدی در پاسخ آن گفت: حرارت صلح شما خوب کار نمی‌کند. گروه‌گرا هستید. همه پیش‌ها را منحصر به خود می‌کنید.  
رئیس: شما مراعات کنید.

### هر مذاکره‌ای سازش نیست

یزدی گفت: شما حق داشتید بپرسید که در مذاکره چه گفتم. هر مذاکره سازش نیست، اما بعد از اینکه از الجزایر برگشتیم تمام جزئیات را به اطلاع ملت رساندیم. تمام یادداشت‌هایش هست. در این ملاقات اولین مطلب برژینسکی این بود که ما به خدا معتقدیم و شما هم همین‌طور؛ پس می‌توانیم دو ملت و دولت با هم کار کنیم. ما گفتیم در این ۲۷ سال که مردم ما را روی اجاق‌های برقی برشته می‌کردند، این خدای شما و انجیل شما کجا بود؟ وقتی بمب افکن‌های شما ویتنام را بمباران می‌کردند شما کجا بودید و در این جلسه آقای مهندس بازرگان مطرح کردند از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که کودتا کردید و این همه جنایات را کردید، مسئول تمام جنایات تا این تاریخ شما هستید و بایستی بابت کلیه خساراتی که به ملت وارد کرده‌اید غرامت بپردازید. برژینسکی گفت:

---

۱. متن جمله در روزنامه، کاملاً نارسا و نادرست است. گویا دکتر یزدی می‌پرسد: شما نمایندگانی که مخالف مذاکره با آمریکا هستید، باید سند و مدرک ارائه کنید که قرآن چنین دستوری داده و ائمه اطهار این چنین رفتار کرده‌اند.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۳۱

شما انقلاب کردید، ما باید به شما غرامت بدهیم؟ گفتم: بله. از شما درخواست می‌کنیم و محور بحث ما بر این دور می‌زد و اگر وقت باشد، جزئیات را به عرض می‌رسانم. اما خط مشی دولت موقت و شورای انقلاب آیا رهنمودی بوده است یا خیر؟ در تمام این موارد گزارش خودمان را هم به دولت و هم شورای انقلاب دادم.

### در جلسه چهار ساعته شورای انقلاب

وقتی از سازمان ملل برگشتیم، در یک جلسه مشترک شورای انقلاب و دولت چهار ساعت تمام جزئیات و ملاقات با سائرس ونس، وزیر امور خارجه آمریکا و گرومیکو، وزیر خارجه شوروی را دادم. کسانی که می‌گفتند شورای انقلاب مایل بود موضع‌گیری‌هایش قوی‌تر شود، همان موقع رهنمودی می‌دادند. آیا ما چیزی را پنهان کردیم؟ نه، همه را گفتیم و ما گفتیم مطالبه ما از آمریکا نه اموال شاه نه مسئله غرامت است، بلکه بابت خسارات یک قلم موجودی دولت ایران در حسابی که ارتش آمریکا در زمان شاه باز کرده بود به نام تنخواه‌گردان دولت ایران ۳۱ میلیارد دلار به آن حساب ریخته بود. آیا نباید تکلیف ۳۱ میلیارد دلار معلوم شود. از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۹ که ملت ایران انقلاب کرد و شاپور بختیار به دنبال شاه فرار کرد، این حساب ۳۱ میلیارد دلار چه شده، با چه کسی باید صحبت کنیم؟ اگر رهنمود امام و شورای انقلاب این بوده که قطع رابطه بشود، بله باید مثل جریان مصر قطع رابطه می‌شد، اما وقتی رهنمود این نبوده و این بوده که کج‌دار و مریز رفتار کنیم وزارت امور خارجه هم کارش این است.

### ملاقات با چه کسی

یزدی در ادامه سخنان خود گفت: سفرای خارجی و دیپلمات‌های خارجی که با ماست‌بند سر کوچه صحبت نمی‌کنند، با استاد دانشگاه یا وزیر کشاورزی که صحبت نمی‌کنند. خوب، با وزیر امور خارجه صحبت می‌کنند. اگر قرار باشد با یک مملکتی رابطه داشته باشیم این دست وزیر امور خارجه نیست که با کسی رابطه داشته باشیم یا نه. دست دولت و شورای انقلاب بوده است. می‌توانستند مصوبه تعیین کنند که قطع رابطه کنیم. با من راجع به ۲۱ میلیارد دلار باید صحبت شود و استرداد مجرمین که به

## ۳۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

آمریکا پناهنده شده‌اند و آخرین آنها شاه بود. قبل از این جریان‌ها صحبت کرده بودیم. نشست داشتیم. سرتیپ رزمی عامل فاجعه سینما رکس فرار کرده بود. تحقیق کردیم با چه پاسپورتی رفته و الان در لس‌آنجلس است و تمام اینها را به پلیس اینترنتل دادیم و به مقامات آمریکایی گفتیم. شما [آمریکا] می‌گویید ما را به رسمیت شناختید، [بسیار خوب] مجرم را به ما تحویل دهید. لیست دادیم و حتی شاه با آمریکا رفت. گزارش دادیم. نماینده وزیر امور خارجه [آمریکا] در همان زمانی که غیر از وزیر امور خارجه [ایران]، خیلی کسان دیگری را هم ملاقات کرد.

### ملاقات بهشتی با هنری پرگ کسان دیگری را ملاقات کرد<sup>۱</sup>

در بعضی مواقع ساده لوحانه صحبت کردیم. باید مانند بعضی آقایان طور دیگری ملاقات می‌کردیم که ملاقات صورت دادند. چطور به وزیر امور خارجه اعتراض می‌کنید؟ اما کسانی که در مقام وزارت نبودند روی چه مجوزی ملاقات کردند؟ چطور اجازه دادید که با مقامات صحبت کنند؟ (نمایندگان: نام ببرید).

هنری پرکت به ایران آمد. به چه مجوزی با بهشتی صحبت کرد؟ آیا آنها مسئول امور خارجه بودند؟

(نمایندگان: گفتند اسم ببرید) در این موقع یکی از نمایندگان نام امیرانتظام را برد و از وی جویا شد. دکتر یزدی گفت: آقای امیرانتظام تکلیفش بر عهده دادگاه است. تا وقتی محاکمه نکرده باشند، نه به من مربوط است که حکم دهم نه به شما. بعد از اینکه شاه به آمریکا رفت در مقام دولت به آمریکا اخطار کردیم و رسماً طی یادداشتی استرداد شاه و فرح را خواستیم، اما تا آن زمان کوچک‌ترین رهنمودی از حرف امام در مورد اینکه هیچ‌گونه ملاقاتی صورت نگیرد، نبود. از طرف شورای انقلاب هم دستوری داده نشده بود.

بعد از اینکه از الجزایر برگشتیم، شما فقط یک چیزی شنیدید که ما ملاقات کردیم. آنها هم مانند شمر که شب عاشورا به ملاقات ابوالفضل رفت، به ملاقات بازرگان آمدند و مهندس بازرگان گفت بپذیریم یا نه؟ ما را بی‌دلیل متهم می‌کنند.

۱. هنری پرکت درست است. میان تیترو روزنامه کاملاً درهم و نارساست (ویراستار).

### اولین دفتر نهضت آزادی‌بخش

یزدی ادامه داد: افتتاح اولین دفتر نهضت‌های آزادی‌بخش در زمان وزارت امور خارجه من به وجود آمد و به دعوت نهضت‌های آزادی‌بخش در سی و چند جلسه شرکت کردیم. از ساعت ۳ تا ۷ بعدازظهر صحبت کردیم و بیش از ۳۳ بار صحبت ما را با تکبیر قطع کردند و فیلم گرفتند. ۱۶ میلیون الجزایری صحبت مرا شنیدند، اما یک هموطن ما نشنید. چه گفتم؟ یک توطئه است [که ما را به خاطر ملاقات با برژینسکی متهم می‌کنند]. حالا از الجزایر آمدیم و از طرف مقامات آمریکایی خواستند با ما صحبت کنند.

بعد از اینکه مسئله گروگان‌گیری اتفاق افتاد، من اولین کسی بودم که تأیید کردم و با آقای موسوی خویینی‌ها تماس گرفتم و گفتم این کار لازم بود. من در این مورد تحلیل داشتم که چطور محاکمه شوند، اما بعد از انقلاب<sup>۱</sup> با وجودی که دولت استعفا داده بود، ولی قرار گذاشته بودیم تا آخر هفته کارها را ادامه دهیم. همین موقع از طرف وزارت امور خارجه آمریکا می‌خواستند با ما صحبت کنند. من قبول نکردم. گفتم که مسئولیتی ندارم. با شورای انقلاب تماس گرفتند. سه نفر می‌خواستند به ایران بیایند (در این هنگام هاشمی رفسنجانی اعلام کرد وقت شما تمام شد). یزدی گفت: اگر می‌خواهید نگویم نمی‌گویم. آقای هاشمی، این مسائل باید حل شود و إلا چهار سال نمی‌توانیم با هم کار کنیم. دائماً استخوان لای زخم خواهد ماند.

سیدعلی خامنه‌ای در پاسخ دکتر یزدی گفت: شورای انقلاب اولاً کی و طی چه حکمی به دکتر یزدی گفته بود با آمریکا کج‌دار و مریز رفتار کند؟ بازرگان گفت: به شخص من و دکتر یزدی امام فرمودند.

خامنه‌ای: شورای انقلاب چه مستقیم و چه غیرمستقیم چه به دولت و وزیر امور خارجه گفته باشد که با آمریکا کج‌دار و مریز رفتار کند، هرگز! من به عنوان عضو شورای انقلاب تکذیب می‌کنم. دوم اینکه شورای انقلاب از اینکه هیئتی ایرانی در الجزایر قرار بود با برژینسکی تماس بگیرند که مقام امنیتی است و گزارش کتبی از

---

۱. بعد از استعفا درست است (ویراستار).

## ۳۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

ملاقات با برژینسکی را تا آنجا که به یاد دارم، نمی‌توانم تأیید کنم. آقای هاشمی و دیگران می‌توانند نظر دهند.

نکته دیگر اینکه امروز رسانه‌های گروهی مورد حملات زیادی است. این حرف از جانب ایشان [یزدی] برخلاف انتظار من بود و من انتظار نداشتم که خیلی رندانه این جمله را به رادیو و تلویزیون زمان خودشان به حساب حملاتی که امروز می‌شود، بگذارند و حملات را با آنها تلبار کنند. رادیو و تلویزیون در زمان وزارت ایشان در اختیار قطب‌زاده بود که هر دو عضو نهضت آزادی هستند.

ایشان اشاره کردند به مسئله گروه‌گرایی و بعد هم با آوردن اسم دکتر بهشتی خیلی رندانه خواستند گروه‌گرایی را مشخص کنند که منظورشان کدام گروه است و گروه نهضت آزادی نه تنها دولت بلکه رادیو و تلویزیون را در دست داشت.

### چرا ملاقات؟

توکلی نماینده‌نوشهر<sup>۱</sup> در پاسخ دکتر یزدی صحبت کرد و گفت شما استرداد شاه را از آمریکا خواستید و دیدید محل نگذاشتند، چرا با برژینسکی ملاقات کردید؟ امام در رهنمودی که داد، گفت: جوانان بروید پایگاه آمریکا را بکوبید. اولین اعلامیه دانشجویان پیرو خط امام سرلوحه‌اش این بود، ولی شما نمی‌توانید پیام امام را بگیرید. شما نمی‌فهمید و ملاقات می‌کنید و بعد می‌گویید انحصارطلب.

### اطلاع از دفتر امام

فردوسی<sup>۲</sup> نیز در این زمینه صحبت کرد و گفت: نه تنها مسئله آمریکا موضع‌گیری سازشگرانه و غلط بوده است، مسئله مصر که پیش آمد، دکتر یزدی وزیر امور خارجه بود. قطع رابطه نکرد. تا اینکه امام نامه نوشتند و ایشان تلفن کردند به رادیو - تلویزیون که نامه خوانده نشود (دکتر یزدی با صدای بلند پاسخ داد: «تکذیب می‌کنم»). امام گفته بود: الهی که ارتباط ما با آمریکا قطع شود.

---

۱. بهشهر درست است؛ زیرا وی در دوره اول مجلس پس از انقلاب، در حوزه بهشهر نماینده مجلس شد (ویراستار).

۲. اسماعیل فردوسی‌پور، نماینده بشرویه.

### موازنه منفی بازرگان

مهندس مهدی بازرگان نیز در پاسخ به گفته‌های نمایندگان صحبت کرد و پیشنهاد نمود اگر جلسه اختصاصی تشکیل داده شود، حاضرین مطالبی را به اطلاع مجلس برسانم. بازرگان آنگاه گفت: اول مقام مملکتی که علیه پناه دادن شاه در آمریکا شفاهاً و کتباً اعتراض کرد و استرداد شاه را خواست، دولت موقت بود. پیش از آنکه در هیچ راهپیمایی و اعلامیه‌ای فرمایشاتی مطرح شده باشد.

سیاست خارجی کلی دولت در شورای انقلاب طی دو یا سه جلسه با حضور وزیر امور خارجه، پس از آنکه در هیئت وزیران مطرح و تدوین شد در شورای انقلاب مطرح گردید. ما بودیم که اصرار داشتیم جلسات طولانی باشد و مطالب گفته شود. حتی در گزارش دکتر یزدی تقسیم‌بندی شده بود: روابط خارجی با کشورهای مسلمان، روابط خارجی با کشورهای غیرمتعهد و روابط خارجی با ابرقدرت‌ها و ... صورت‌جلسه‌اش موجود است و بعد از اینکه من و او توضیحات مختصری دادیم، دیگر اعضای شورای انقلاب نظراتی بیان داشتند و بیشتر راجع به کشورهای همجوار و مسلمان بود و تز اصلی روابط ما با ابرقدرت‌ها که مبنی بر موازنه منفی اصرار بر عدم دخالت بود هیچ ایرادی نداشت، تصویب شده بود و اینکه دکتر یزدی گفت در شورای انقلاب گزارشی بود که دادند مربوط به جلسه نبود. علاوه بر شورای انقلاب و شورای وزیران در طرح مسائل مملکتی با شورای انقلاب، جزئیات را مطرح نمی‌کردیم، ولی رئوس و اساس مطالب را مطرح می‌کردیم. با امام هم به همین ترتیب و در مورد روابط با آمریکا دوباره با امام مطرح کردم. یک یا هر دو بار با وزرای وقت، کتیرایی و دکتر یزدی راجع به روابط آمریکا صحبت کردیم که ما احتیاجاتی داریم؛ سفارش قطعات یدکی به آمریکا داده‌ایم؛ اسلحه‌های ما که چندین میلیارد دلار ارزش دارد، نمی‌توانیم از جاهای دیگر بیاوریم؛ احتیاج به تعویض لوازم دارد و یگانه متخصصین آنها هستند. آیا ما به کلی کنار بگذاریم، حتی قطعات و لوازم دیگر که قبلاً سفارش داده‌ایم و پولش را هم داده‌ایم، مطالبه نکنیم؟ امام فرمودند: فعلاً احتیاج است این کار را بکنید، ولی افکار عمومی را برای ادامه روابط بر وضع محدود آماده کنید. این را به قید قسم می‌گویم. حالا ممکن است بعضی بگویند امام نگفته. راجع به روابط با آمریکا

## ۳۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

خدمت امام رسیدیم همراه با وزیر دفاع تیمسار ریاحی کسب اجازه کرده بودیم مشکلاتی که ارتش دارد پیش‌بینی حملات مفصل را می‌کردیم. این مسائل روشن بود و این را خدمت ایشان عرض کردیم.

رئیس [مجلس]: من می‌دانم مطالب شما پنج ساعت بحث پشت سرش دارد. بازرگان: به ما اتهاماتی را وارد می‌کنند و شما می‌خواهید ما جواب ندهیم. حق را از ما سلب [می]کنید. من حرفی ندارم. همان‌طور که دکتر یزدی گفت، جلسه دیگری خصوصی یا علنی ترتیب دهید و ما صحبت کنیم: چه راجع به برژینسکی [و چه راجع به] امیرانتظام که آقایان نقل زبانشان شده و بدترین اظهارات برخلاف اصول اسلامی می‌کنند. ما از خدا می‌خواهیم؛ شما فرصت دهید.

موسوی، رئیس دادگاه‌های تبریز: بازرگان روز اول گفت که امام گفته وزرا اگر بی‌نماز باشند عیبی ندارد. حتی در دولت‌های قبل هم شرکت داشته باشند عیبی ندارد. همین الان بازرگان و دو نفر برویم پیش امام. امام لفظش این بوده؟ [بازرگان] دروغ گفته.

هادی غفاری در رابطه با مسئله ملاقاتی که دکتر یزدی عنوان کردند که با سران مشرکین درست است که ملاقات داشته باشیم یا نه، [گفت]: ما دو نوع ملاقات داریم: یک ملاقات برای ارشاد کفار که قرآن اجازه می‌دهد. ایشان رفته بودند آیا برژینسکی را هدایت کنند و دعوت کنند برای حجاب و اسلام، حج و جهاد. ملاقات دوم که باید با اذن ولی باشد.

خلخالی: جناب بازرگان که فرمودند شاه را از آمریکا مطالبه کردیم، بعد از آن دادگاهی بود که من حکم اعدام شاه را داده بودم و سنای آمریکا و کنگره آمریکا علیه شخص من بیانیه دادند و خیلی ناراحت بودند و آقایان برای لوٹ کردن حتی حاضر نشدند در رسانه‌های گروهی پخش کند و دستاویز کردند که می‌خواهیم شاه را مطالبه کنیم؛ درحالی‌که یقین داشتند که آمریکا شاه را پس نمی‌دهد. مسئله در اینجا بحث گروگان‌هاست. نباید جو مجلس را عوض کنیم. درباره گروگان‌ها بود اظهارات عقاید نمایندگان. جناب بازرگان در مسجد نارمک گفتند: دانشجویان پیرو خط امام، پیرو خط امام نیستند. خط شیطان هستند (روزنامه میزان، شماره ۱۱، ۲۹ شهریور ۱۳۵۹، ص ۲).



### گزارش سوم: بی‌اطلاعی یا غرض‌ورزی

در جلسه عمومی مجلس در تاریخ ... آقای محمدعلی هادی ضمن حملاتی غیرواقعی‌بینانه به دولت موقت اظهار داشت:

«... من می‌خواهم به‌طور مختصر آنچه که بر وزارت امور خارجه تا حالا گذشته است من یک شرح مختصری بدهم. (رئیس: حالا همه ما شرح را می‌دانیم) ببینید آنچه در وزارت امور خارجه مهم است من بدون اینکه اسم کسی را ببرم، گردانندگان وزارت امور خارجه و بسیاری از گردانندگان جمهوری اسلامی در سابق و شاید الآن هم بعضی باشند. اینها به آن انقلاب و به آن توده مردم و به آن انقلاب عظیم و به عظمت انقلاب پی نبرده بودند. این خلاصه مطلب. و چون پی نبرده بودند برخورد‌هایشان در سطح جهانی یک برخورد‌های انفعالی بود؛ یعنی ایرانی که باید رهبری جنبش کشورهای غیرمتعهد را بر عهده بگیرد این قدر از موضع انفعالی برخورد می‌کند تا اینکه عراق در کنفرانس هاوانا پیشنهاد می‌کند که این کنفرانس در بغداد باشد و مورد قبول قرار می‌گیرد و سال آینده این کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد در بغداد خواهد بود.»

آقای محمدعلی هادی که خود را کارشناس مسائل بین‌المللی می‌دانست، توجه نداشت که ایران تا زمان انقلاب اسلامی، عضو کنفرانس غیرمتعهدها نبود و پس از انقلاب به جنبش غیرمتعهدها پیوسته بود؛ درحالی‌که عراق از قبل عضو جنبش بود و تعیین محل برگزاری کنفرانس سران، پس از کوبا در بغداد، قبل از عضویت ایران در جنبش تصویب شده بود. مشخص بود که این سخنان یا واقعاً از روی ناآگاهی از مناسبات بین‌المللی و جایگاه ایران در این مناسبات بود، یا اینکه تنها از روی غرض‌ورزی و برای تخریب وزارت خارجه دولت موقت صورت می‌گرفت!

آقای هادی، در همین جلسه خطاب به آقای موسوی<sup>۱</sup>، دربارهٔ هواپیماهای اف ۱۴ گفت: «شما آقای موسوی، به دنبال وزرای خارجه‌ای در وزارت امور خارجه می‌روید که این قدر بینش سیاسی، در این کشور نداشتند که با آمریکا مذاکره کردند که اف ۱۴ها

۱. آقای میرحسین موسوی، که آن زمان نخست‌وزیر بود (ویراستار).

## ۳۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

را به آمریکا پس بدهند. صورت مذاکراتش در اینجا است که همه خواسته‌اند و این هم صورت مذاکراتی است که مذاکره با لینگن شده است در رابطه با بازخرید هواپیماهای اف ۱۴. اگر آن آقایان سوء نیت نداشته‌اند، که ان‌شاءالله نداشته‌اند، این دلیل بر پایین بودن بیش سیاسی آنها است».

آقای هادی باید می‌دانست که تصمیم به فروش هواپیماهای اف ۱۴ را شورای انقلاب گرفته و از وزارت خارجه خواسته بود در این مورد از کاردار سفارت آمریکا استمراج نماید. در جلد پنجم خاطراتم، در وزارت خارجه، گزارش نیروی هوایی و ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی در مورد وضعیت این هواپیماها و دلایل تصمیم شورای انقلاب را آورده‌ام.

بعد از این جلسه و در موارد مشابه دیگر به کرات از آقای هاشمی گله کرده و خواسته بودم که خود ایشان توضیح بدهند که شورای انقلاب تصمیم به فروش هواپیماهای اف ۱۴ گرفته بود، نه دولت موقت؛ و به‌طریق اولی نه وزارت خارجه؛ اما ایشان دادن این توضیحات را به نفع خودشان و حزبشان نمی‌دانستند و توضیحی هم ندادند.

### در پاسخ به سخنان محمد منتظری

دکتر یزدی: بسم الله الرحمن الرحيم. اعوذ بالله من الشيطان الرجيم.  
برادران و خواهران عزیز، سلام علیکم. اگر خاطر نمایندگان محترم باشد من چندین بار در جلسات خصوصی و غیرعلنی و یا رسمی به کرات این مطلب را عنوان کردم که یا این مسائلی که آقایان مطرح می‌کنند، مهم است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به همین دلیل است که دائماً مطرح می‌کنند؛ خوب ما حاضریم یک جلسه وسیع بگذارید همین بحثی را که الآن بعضی‌ها عنوان می‌کنند فی‌البداهه [درباره آن بحث کنیم و موضوع را روشن کنیم]. ما چندین بار گفته‌ایم: آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است. یک جلسه بگذارید نه یک ساعت، نه دو ساعت؛ چندین ساعت و هر سؤالی که شما دارید مطرح بفرمایید و اجازه بدهید و این امکان را به ما بدهید ما برای شما توضیح بدهیم و یک‌طرفه پیش قاضی نروید. این‌گونه برداشتهای یک‌جانبه، این‌گونه برداشتهای و این‌گونه تهمت‌ها جز خسران و زیان در

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۳۹

دنیا و آخرت نصیب گویندگانش نخواهد بود. من نمی‌خواهم الآن از نقل قول‌ها و مطالبی که به کرات در روزنامه‌ها و یا سخنان این آقایان که در اینجا گفتند حالا نقل قول بیاورم. من نمی‌خواهم از «مجله پیام شهید» که آقای محمد منتظری منتشر می‌کرده است، در اینجا اشاراتی بیاورم و اسامی اشخاصی را که مرتباً در آنجا اسم برده‌اند در اینجا تکرار نکنم. من می‌خواهم بگویم که این کارها جز خسران و زیان در دنیا و آخرت هیچ نتیجه‌ای ندارد. اگر واقعاً مطلبی هست، ابهامی هست، هیچ اشکالی ندارد. دولت موقت در بحرانی‌ترین و حساس‌ترین شرایط تاریخ کشور ما روی کار آمده است. تمام نهادهای اداری و سیاسی و اجتماعی ما در آن دوره به هم ریخته است. خیلی طبیعی است که برای شما نسبت به بسیاری از این مسائل ابهام باشد و روشن نباشید. حق دارید که سؤال کنید، ولی حق توهین را ندارید. حق قضاوت یک‌طرفه را ندارید. می‌توانید سؤال کنید و اگر واقعاً این مسئله برای شما مهم است یک جلسه بگذارید. من امروز در حضور شما نمایندگان مردم در این مجلسی که مظهر عدل علی است، اعلام می‌کنم و به تمام مردم ایران که صدای من را می‌شنوند من اعلام می‌کنم که ما حاضر هستیم در اینجا و یا در هر کجای دیگری هر مقدار وقتی که لازم باشد، بگذارید این مسئله امروز به صورت یک بحران عمومی شما در کشور ما تبدیلش کرده‌اید، بگذارید تا ما هم برای شما توضیح بدهیم. به عنوان نمونه در همین مسئله‌ای که الآن جناب آقای مهندس بازرگان توضیح فرمودند یکی از اتهاماتی که به امیرانتظام زده شده، این است که لوازم مختلفی را که مال ایران بوده است و آمریکایی‌ها می‌خواستند ببرند، اجازه داده است که ببرند. خیر، این دروغ است. مسئول این کار در فرودگاه مهرآباد در هفتاد تا هشتاد برگ اسناد مربوطه را به دادگاه ویژه انقلاب برده است. به آقای محمدی گیلانی تسلیم کرده است در آنجا ...

دکتر یزدی: چشم.

دکتر یزدی: ملاحظه می‌فرمایید که از یک طرف می‌گویند وقت بدهید و از یک طرف دیگر من می‌خواهم بگویم که آقا من مسئول فرودگاه بودم. مسئولیت فرودگاه زیر نظر معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب بوده است و من دارم می‌گویم که این حرف‌هایی که می‌زنید درست نیست. آن نامه‌ای که اینجا خوانده شد، به آن صورتی که

## ۳۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

ایشان توضیح دادند درست نیست و این ۷۸ صندوق دقیقاً تماش باز شده است و صورت جلسه شده است و در حضور نمایندگان مختلف دادستان تهران، نیروی هوایی، سپاه پاسداران، کمیته مرکزی انقلاب همه صورت مجلس شده است و به مسئولین مربوطه در نیروی هوایی تحویل داده شده است.

دکتر یزدی: اما من در رابطه با دفاع از خودم آنچه را که آقای منتظری فرمودند و اسم بردند که کسانی در این مجلس هستند که آنها هم همین ویژگی‌ها را دارند و باید محاکمه بشوند و آمریکایی هستند، می‌خواهم یک مطلبی را عرض بکنم: اخیراً یک کتابی در آمریکا منتشر شده است به نام «گروگان خمینی» یا «در گرو خمینی». یک عکسی در آنجا هست که من راجع به این شخص توضیح می‌دهم (در این موقع دکتر یزدی کتاب را بطرف نمایندگان گرفت). عکس امام، عکس مرحوم مطهری شهید، این وسط یک عکس دیگری [هم] هست. این کتاب را شخصی به نام «رابرت دریفوس» منتشر کرده است و در این کتاب می‌خواهد ثابت کند که شعار «نه شرقی، نه غربی» پوچ است. می‌خواهد ثابت کند که انقلاب اسلامی ایران ساخته و مخلوق آمریکا و انگلیس است و برای اینکه این را ثابت بکند، رفته است و دانه به دانه زندگی امام را از زمانی که در قم بوده است، بررسی کرده است و اشخاص مختلف را من جمله عکسی را که در اینجا چاپ کرده است، مطالبی می‌گوید که من فرصت مرور تمام مطالب این کتاب را ندارم. قبل از اینکه این شخص را معرفی کنم سندی را از اسناد منتشر شده دانشجویان میخوانم. (یکی از نمایندگان: این دفاع از خودتان نیست). دفاع از خودم هست (رئیس: سعی کنید مربوط به مطلب باشد) آقای هاشمی رفسنجانی، این کاملاً مربوط به مطلب است (رئیس: من هم منتظر هستم، تا ببینم که ارتباطش کجا است) برای اینکه این آقایانی که این حرف‌ها را به ما می‌زنند یک سند تا به حال نیاورده‌اند ارائه بدهند که ما قراردادی را با این خارجی‌ها امضا کرده‌ایم یا دیناری را چرتکه نینداخته رد کرده‌ایم، [یا] قبول کرده‌ایم؛ هیچ ابداً. ما بارها گفته‌ایم که اگر این آقایانی که به ما این ایرادات را می‌گیرند، سندی دارند که ما یک حقی را از این ملت ضایع کرده‌ایم و به دیگران واگذار کرده‌ایم، بیاورند و ارائه بدهند. بارها گفته‌ایم و الآن هم داریم می‌گوییم. اما برای اینکه ثابت بکنیم که برادر عزیز من، دارند برای شما خط

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۴۱

پیاده می‌کنند؛ شیطان بزرگ یک چهره ندارد، چهره‌های مختلف دارد و یک چهره‌اش این است که از طریق این حرف‌ها ثابت بکند که این انقلاب، یک انقلاب مستقلی نبوده، و به همین دلیل مهم است که این مطلب را برای شما بگویم.

اگر چنانچه شما به من اتهامی بزنید بر طبق قانون «البینه علی المدعی» این شما هستید که باید سند و دلیل بیاورید. اصل در اسلام آقای محترم، براثت است (رئیس: دو دقیقه دیگر وقت دارید) (یکی از نمایندگان: درست است) بنابراین، جریانی است که ساخته شده است؛ جوی است که در کشور ما ساخته شده است از بدو پیروزی انقلاب برای مخدوش ساختن این انقلاب است. ما مطرح نیستیم، من تنها این حرف را در اینجا نرده‌ام؛ در سخنرانی‌های مختلف قبلی هم گفته‌ام که این حملاتی که به ما می‌کنند هدف ما نیستیم. اگر تنها هدف شخص من یا دیگری بوده، جهنم؛ بگذارید که اشخاص قربانی بشوند. این اولین باری نیست که در دنیا انقلابی رخ داده است و این‌گونه مسائل مطرح می‌شود. من در این دو دقیقه وقتم می‌خواهم داستانی را عرض کنم. شبی که قرار بود از پاریس به ایران برگردیم، من حدود نیم ساعت یا سه ربع با امام خلوت کردم. در موقعی که امام پیشنهاد سفر به پاریس را پذیرفتند، شرط و شروطی گذاشتند. آن شب از امام سؤال کردم که آیا نظر شما تأمین شد؟ راضی هستید؟ فرمودند: بله. پشت قرآنی که من داشتم به یاد آن روز چیزی نوشتند که من الآن نمی‌خواهم آن را بخوانم، اما من آن شب از امام خداحافظی کردم. بعد که به ایران آمدم، یادم نیست یک روز یا دو روز بعد در مدرسه علوی امام فرمودند که شما آن روز که خداحافظی کردید من را ناراحت کردید. گفتم هر طور که شما بفرمایید. گفتند که تکلیف شرعی است باید که بپذیری. پذیرفتم. در ظرف آن مدت که ماه پنج بار پیش امام رفتم. گفتم با این وضعیت و اوضاع و احوال چگونه می‌شود تکلیف شرعی را انجام داد؟ استعفا دادم. امام فرمودند که تکلیف شرعی است؛ همان گونه که باید نماز بخوانی. مگر می‌شود که از نماز خواندن استعفا داد؟ ماندم و چیزی نگفتم. در ظرف این مدت دو سال احمد آقا دو بار به من گفتند که آن حرفی که شما آن شب در پاریس به امام زدید، امام را ناراحت کرده است (رئیس: وقتتان تمام است) چند ثانیه دیگر تمام می‌شود. چند وقت پیش پاسخ این را که چرا من از امام خداحافظی کردم،

## ۳۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

خدمت ایشان عرض کردم و گفتم که تجربه همه انقلابات دنیا نشان می‌دهد که بعد از پیروزی انقلاب، انقلاب اول فرزندان خودش را می‌خورد و من مایل نبودم که مشمول این بشوم؛ می‌خواستم بروم و در بین مردم قلندری بکنم. می‌دانستم و بسیاری از کسانی هستند که می‌دانند و من به آنها گفته بودم که خیلی ساده است در حاشیه نشستن و انتقاد و ایراد کردن تا در میدان و در صحنه بودن.

من از این اتهاماتی که شما به من می‌زنید هیچ ترس و نگرانی ندارم. شما را به خدا واگذار می‌کنم. شما یک دلیل ندارید، یک بینه ندارید، یک سند ندارید. صرفاً اتهام است و اگر شما نتوانید این اتهام خودتان را ثابت بکنید می‌دانید که در دادگاه شرع شما باید تعزیر بشوید به خاطر اتهام ناروایی که زده‌اید (رئیس: وقتتان تمام است). بنابراین، من مجدداً خواهش خودم را تکرار می‌کنم که یک جلسه علنی وسیع، یا در اینجا یا در رادیو - تلویزیون بگذارید و هر سؤالی و هر ایرادی و هر سندی دارید بیاورید و بگذارید مردم آگاه بشوند. نگذارید که مردم متحیر بشوند و در اثر این تحیر به حالت انفعالی برسند و دیگر بروند و در خانه‌هایشان بنشینند. شما دارید با این اتهامات ناروای خودتان این کار را می‌کنید. والسلام علیکم ورحمة الله.

**پاسخی دیگر از مهندس بازرگان، دکتر یزدی و مهندس صباغیان به محمد منتظری**  
رئیس: طبق آیین‌نامه، دیگر صحبت نفرمایید. از آقای بعدی اگر کسی می‌خواهد صحبت کند ... بفرمایید آقای دکتر یزدی. بفرمایید؛ البته آقای انصاری یک اعتراضی به من کرده‌اند که به نظر من وارد نیست. ایشان می‌گویند چون آقای معین‌فر هم به آقای قاسمی و به بعضی از آقایان اهانت کرده‌اند، آنها هم حق صحبت دارند و تقاضا کرده‌اند. من جوابم این است که این در مذاکرات مجلس است که اگر در داخل مجلس بین خود آقایان حرفی بشود، این حقی ایجاد نمی‌کند و آن حق، در مذاکرات رسمی مجلس است.

رئیس: پخش هم بشود. هر چه هست این مربوط نمی‌شود که اگر کسی در داخل مجلس با هم اختلاف کرد ما نمی‌توانیم وقت به همه بدهیم که بیایند و صحبت کنند. (یکی از نمایندگان: در جلسه علنی بود). به هر حال ایشان در برنامه صحبتشان نبود. آقای دکتر یزدی بفرمایید.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۴۳

صباغیان: با توجه به مطالبی که آقای منتظری گفتند و اعتقاد داشتند که باید کسان دیگری هم محاکمه بشوند، دقیقاً من به‌عنوان یک فرد کوچکی که در این مملکت هستم و در انقلاب هم نقشی بسیار بسیار کوچک داشته‌ام، این آمادگی را دارم. دقیقاً در دادگاه ملت محاکمه شده و هر رأیی که صادر بشود به آن رأی تن در بدهم، ولی مطالبی که تنظیم کرده بودم به زعم خودم در پاسخ مطالب آقای محمد منتظری بود و به تشخیص آقای رئیس نبود. تسلیم هستم، ولی این را فقط یادآوری می‌کنم که می‌دانید هر کسی یک صحبتی می‌کند و یک پرونده مشخصی دارد و یک مسیر خاصی را می‌رود، ولی اگر کسی صحبت‌هایی بکند و هر روز این صحبت‌ها یک نوسان خاصی داشته باشد و یک جهت خاصی را بگیرد، مردم شهیدپرور ما خیلی آگاه هستند، خیلی خوب تشخیص می‌دهند. بارهانشان داده‌اند که میزان رأی آنها است. چندین بار آزمایش شده است. با همین رأی مردم است که من افتخار نمایندگی مردم تهران را پیدا کرده‌ام با تمام کارشکنی‌ها. یک خط مشخص سیاسی است، ولی شما می‌دانید کسی که به من این اتهام را زده است، مردم می‌دانند او چه گفته است. در مصاحبه‌هایش در سخنرانی‌هایش به چه کسانی توهین کرده است. یک روز صحبت از آقای دکتر بهشتی می‌کند، یک روز صحبت از آقای مهندس غرضی می‌کند، یک روز صحبت از آقای مهندس بهزاد نبوی می‌کند، یک روز صحبت از دکتر یزدی می‌کند، و یک روز صحبت از من می‌کند. مشخص است که چه نوع صحبت‌هایی در گذشته شده است؛ قشنگ معلوم است. پدر بزرگوارشان حضرت آیت‌الله منتظری فرمودند که ناشی از کسالت است (عده‌ای از نمایندگان: اهانت نکنید) و این کسالت غیر از این حرف، بقیه برادران هم که در ارتباط نزدیک بودند، این مسئله را تأیید کردند و باعث خوشحالی من بود؛ چون به ایشان علاقه دارم و ایشان را می‌شناسم و از مبارزات ایشان در خارج از کشور اطلاع دارم؛ درحالی که ممکن بود ایشان من را نشناسد. خوشحال بودم که بعد از یک مدتی آن ناراحتی برطرف شده است و سلامت حاصل شده است، ولی تعجب کردم با مطالب دیروزشان مثل اینکه ...

[رئیس]: از این به بعد اگر چنین حادثه‌ای پیش آمد، آقایان خودشان را از پیش آماده کنند که در همان موضوعی بیایند دفاع بفرمایند. آقای مهندس بازرگان تا حدودی

## ۳۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

در همین خط بودند. آقای دکتر یزدی زیاد کنار رفتند. آقای صباغیان قسمت اول صحبتشان کنار بود. من تذکر دادم و در آخر برگشتند باز از آقای منتظری به صورتی اسم بردند و آقای منتظری دوباره نامه نوشتند و تقاضای یک ربع وقت کرده‌اند؛ منتها در آیین‌نامه این نیست که اگر نماینده بعدی هم آمد چیزی گفت در دفاع از او باز وقت بدهیم؛ [چرا که] این تسلسل تا آخر جلسه خواهد بود. البته طبق آیین‌نامه در مذاکره است و اهانتی شده است و نسبت مرضی دادند و نسبت مسائلی دادند که اینها را باید بررسی کنیم. اگر چنین حقی برای ایشان بود، ما در هیئت رئیسه مطرح و رسیدگی می‌کنیم.

### اعتراض به ناشر کتاب برژینسکی

برژینسکی بعدها خاطرات خود ر دوران مسئولیت در دولت آمریکا را طی کتابی منتشر کرد؛ از جمله به دیدارش با مهندس بازرگان و هیئت همراه در الجزایر پرداخته است. آقای برژینسکی در کتاب خود، «قدرت و اصول» در مورد دیدارش با آقای مهندس بازرگان، دکتر چمران و دکتر یزدی مدعی شده است که این دیدار با درخواست آقای مهندس بازرگان صورت گرفته بود.

نامه‌ای اعتراضی به آقای برژینسکی و ناشر کتاب نوشتیم. این نامه در ۲۲ خرداد ۱۳۶۲ به شماره ۲۴۲/۴/۰۲۱ پس از ثبت در فتر مجلس از آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خواستیم که از طریق دفتر حفاظت منافع ایران در سفارت پاکستان، برای ناشر کتاب فرستاده شود. متأسفانه علی‌رغم پیگیری‌ها از اقدام مجلس خبری به ما داده نشد.

نامه اعتراضی به ناشر کتاب «قدرت و اصول» تالیف زیبگنیو برژینسکی - خرداد ۱۳۶۲  
برژینسکی در کتاب خود، با عنوان «قدرت و اصول» در صفحات ۴۷۵ - ۴۷۶، در شرح گزارش دیدار خود با مهندس بازرگان، دکتر یزدی و دکتر چمران در سفر به الجزایر، آورده است: «در این دیدار نخست وزیر ایران، آقای بازرگان درخواست دیدار با مرا کرد. من موافقت کردم و با او در اتاق هتل محل اقامتش در یک بعد از ظهری دیدار



## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۴۵

کردیم». مرحوم مهندس بازرگان و من، طی نامه‌ای به ناشر یادآور شدیم که: این ادعای آقای برژینسکی نادرست است.

واقعیت این است که در خواست دیدار از نخست وزیر ایران از جانب آقای برژینسکی بوده است. به این ترتیب که در روز شنبه ۲۹ اکتبر ۱۹۸۷، در مراسمی که به مناسبت روز ملی ترکیه در سفارت ترکیه در تهران برپا بود و نخست وزیر ایران هم حضور داشت، آقای لینگن، کاردار وقت سفارت آمریکا در تهران، به آقای مهندس بازرگان اطلاع داد که آقای برژینسکی در مراسم بیست و پنجمین سال استقلال الجزایر شرکت می‌کنند و مایل هستند که با شما دیداری داشته باشند. آقای مهندس بازرگان در یک مصاحبه تلویزیونی، در صدا و سیما ایران در ۷ نوامبر ۱۹۷۹ گفت: درخواست آقای برژینسکی برای دیدار و گفتگو مطرح گردید. در شرح گفتگوها نیز آقای برژینسکی مطالبی گفته‌اند که ناقص و گمراه‌کننده است و آن را در فرصت دیگری مطرح خواهیم کرد. با توجه به نکات بالا، از شما درخواست می‌کنیم بر طبق مقررات مربوطه این اشتباه را اصلاح نمایید. با تشکر

مهدی بازرگان - نخست‌وزیر پیشین

ابراهیم یزدی - وزیر امور خارجه پیشین

## ج - انفجار دفتر حزب جمهوری؛ دیدار با رجایی و اعلام پشتیبانی

در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ ساختمان مرکزی حزب جمهوری اسلامی منفجر شد و بیش از هشتاد تن از مسئولان کشور کشته شدند. عامل انفجار، شخصی به نام محمدرضا کلاهی، نفوذی سازمان مجاهدین خلق در حزب جمهوری اسلامی اعلام شد. در اینکه او عضو سازمان مجاهدین بود یا نه شک و تردیدهای جدی وجود دارد. چگونگی کار او بسیار حرفه‌ای و دور از امکانات و توانمندی‌های نفوذی مجاهدین بوده است. با انفجار حزب، التهاب و هیجان‌های زیادی جامعه را فرا گرفت؛ به طوری که آتش آن به نهضت آزادی نیز سرایت کرد، و بی هیچ دلیلی انگشت اتهام به سوی این حزب سیاسی نشانه گرفته شد. با وجود این، نهضت آزادی که با براندازی و هر نوع خشونت مخالف بود، این ترور را محکوم کرد و به ملت ایران و رهبران حزب جمهوری تسلیم

## ۳۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

گفت. علاوه بر این، دفتر سیاسی نهضت آزادی، این ترور را اقدامی علیه مصالح و منافع ملی تشخیص داد و تصویب کرد که نمایندگان نهضت با آقای محمدعلی رجایی، نخست وزیر وقت، دیدار کنند و مراتب پشتیبانی خود را از دولت در آن شرایط بحرانی اعلام کنند. من به اتفاق یک نفر دیگر برای انجام این تصمیم به سوی ساختمان نخست‌وزیری در خیابان پاستور حرکت کردیم. این درحالی بود که خیابان‌ها آکنده از جمعیت خشمناک و به شدت تحریک‌شده بود که به سمت ساختمان نخست‌وزیری و مجلس در حرکت بودند و ماشین ما مجبور بود از میان این مردم حرکت کند. موقعیت بسیار مخاطره‌آمیزی بود. به هر حال توانستیم وارد نخست‌وزیری شویم و با رجایی دیدار و پیام حمایت نهضت آزادی از دولت او را به ایشان برسانیم. هنگام خروج از ساختمان نخست‌وزیری وضعیت طوری بود که به ناچار ما را با یک مینی‌قرن بیرون بردند و به مقصد رساندند.

### چ- طرح مصادرهٔ اموال سران حکومت پهلوی

رئیس: آقای دکتر یزدی بفرمایید. اولین پیشنهاد را که عده‌ای از آقایان دادند، راجع به حذف کلمهٔ «ملی» [در اموال شاه و وابستگان او] است.

دکتر یزدی: بسم الله الرحمن الرحیم. پیشنهادی که من دادم این است که در متن مادهٔ واحده در آنجا که می‌گوید «به موجب این قانون ملی اعلام و در اختیار حکومت قرار می‌گیرد» [عبارت] «ملی اعلام» حذف بشود. استدلال من این است که با توجه به توضیحاتی که جناب آقای خامنه‌ای دادند، چون اینجا قانون ملی شدن است، این قانون بقیهٔ تصمیماتی را که در گذشته گرفته شده، نقض می‌کند؛ یعنی در واقع قانون ملی شدن در اینجا آن حکم دادگاه انقلاب را که به‌عنوان مصادره صادر شده، نقض می‌کند و این قانون اصلی، ملی شدن خواهد بود. ملی شدن، دو معنی دارد: قبول مالکیت ولی به دلیل مصلحت که توضیح دادند سلب مالکیت و همراه با غرامت است. در اکثر کشورهای جهان به این نحو است و با اشکالات زیادی شما روبه‌رو خواهید شد و چاره‌ای هم نخواهید داشت و این برخلاف مصالح انقلاب اسلامی است که به‌عنوان نمونه وامی را که شمس پهلوی گرفته بوده جزو وام‌های حال شده، شما می‌پردازید،

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۴۷

ولی اگر اشرف پهلوی در آمریکا یک کاخ پنج میلیون دلاری دارد، شما بخواهید از طریق ملی شدن، اصالت مالکیت را بپذیرید، بعد بگویید حالا ما می‌رویم ببینیم خسارت چه باید بدهیم و چه کار باید بکنیم؟ به همان طریقی که آن وام را طبق قرارداد و مذاکره‌ای که شده پرداخت شد، در اینجا هم اصل باید مصادره باشد و به هیچ‌وجه ما نباید زیر بار این برویم که غرامتی پرداخت بشود، یا مالکیت آنها قبول بشود. این یک پیشنهاد در این مورد بود که آن اصل جمله «ملی اعلام» حذف بشود، برای اینکه شما می‌گویید «حکم مصادره آنها را نیز صادر کرده است. به موجب این قانون در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد».

هادی: بسم الله الرحمن الرحيم. در استدلال‌هایی که موافقین و مخالفین کردند توجه کردید که تنها مستند مهمی را که موافقین ملی کردن اموال شاه معدوم و بستگانش داشتند تنها استدلال این بود که وکلای ایران که در آمریکا هستند، آنها گفته‌اند اگر چنانچه شما این را ملی بکنید ما بهتر می‌توانیم حق شما را استیفا بکنیم و هیچ دلیل دیگری - من دقت کردم - موافقین نداشتند برای اینکه چرا ما اموال شاه را ملی بکنیم؟ در صورتی که ما در بیانیه الجزایر در رابطه با مسئله اموال شاه صریحاً ذکر شده که به محض صدور گواهی مذکور در بند ۳ یعنی گواهی آزادی گروگان‌ها از طرف الجزایر ایالات متحده اموال و دارایی‌های موجود در آمریکا را که تحت کنترل وراث شاه سابق و یا هر یک از بستگان نزدیک وی بوده و به‌عنوان خواننده از جانب ایران به منظور برگرداندن اموال و دارایی‌های متعلق به ایران در دادگاه‌های ایالات متحده علیه آنان طرح دعوا می‌شود، مسدود و ترتیب انتقالش به ایران داده می‌شود. بحث در این است که وقتی که صریحاً در بیانیه الجزایر خود آمریکا قبول کرده است که اموال شاه معدوم را به ما پس بدهد، الآن تنها مسئله‌ای را که دولت جمهوری اسلامی ایران دارد، این است که اموال شاه را مشخص بکند که این کاخ مال شاه است، این کاخ مال اشرف است، این مغازه مال شاپور غلامرضا است. اینها را دولت ایران مشخص بکند و بعد حکم دادگاه‌های ایران را هم چه بسا نخواهد. بعداً بگویید این اموال شاه است، این هم بیانیه الجزایر. در نتیجه این اموال را به ما پس دهید و اگر چنانچه حکم احتیاج داشته باشد، حکم مصادره دادگاه‌های ما هست. آن اشکالی را که

## ۳۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

آقای سلامتیان و بعضی از برادرهای دیگر هم کردند، هنوز به آن جواب داده نشده است.

دادگاه‌های آمریکا در هر ایالتی برای خودش یک قوانینی دارد که بسیار هم پیچیده است و اگر ما بخواهیم الآن اموال را ملی بکنیم و بعد برود در آنجا و بر طبق قانون ملی کردن بخواهند بگویند حالا که ملی کردید، غرامت بپردازید، این خیلی مشکل است. در قانون اساسی هم اگر دقت کرده باشید مسئله ملی کردن و ملی شدن خیلی کم به چشم می‌خورد، اما مال حرام را اگر از یک ریال تا یک میلیارد ریال باشد پیش هر کسی که باشد باید پس گرفت و این در اصل ۴۹ قانون اساسی که یکی از افتخارات قانون اساسی ما است، هست و هیچ احتیاج ندارد.

ما همان اصل ۴۹ را که داریم احتیاجی به ذکر کلمه «ملی» نداریم و در مقابل استدلال آقای آیت که فرمودند این موضوع خودبه‌خود ملی است و در اصل ۴۹ هست، و از اصل ۴۹ شما ملی کردن را می‌فهمید، بنابراین، حق ندارید یک چنین چیزی را به مجلس بیاورید؛ زیرا قانون اساسی را نمی‌شود به مجلس آورد. ما فرض می‌گیریم که مفاد اصل ۴۹ را مجلس بخواهد به آن رأی ندهد، اگر مجلس به این مسئله رأی نداد، یعنی اصل ۴۹ را رد کرده است؛ بنابراین، این استدلال پایه محکمی ندارد که ملی کردن همان اصل ۴۹ است؛ خیر. من می‌گویم ملی کردن اصل ۴۹ نیست؛ ملی کردن یک چیز دیگری است و اصل ۴۹ هم یک چیز دیگری است و به مصلحت نیست که ما این کلمه «ملی کردن» را در اینجا بیاوریم، بلکه همان مصادره یا الآن که اصلش تصویب شد، «در اختیار دولت ایران قرار گرفتن» بهتر است. بنابراین، من با پیشنهاد آقای دکتر یزدی موافقم.

رئیس: حالا آقایانی که پیشنهاد کرده بودند آقای دکتر یزدی از طرف آنها صحبت کردند. پیشنهاد مشخص است: حذف شدن کلمه «به موجب این قانون ملی اعلام و» حذف می‌شود. نمایندگان که با حذف این قسمت موافق هستند، قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) با اکثریت تصویب شد. حالا آقای شاهچراغی، پیشنهادهای مشابه را بخوانید. پیشنهاد آقای امامی که می‌گویند «مصادره» را حذف کنید.

### پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل دوم

#### پیوست ۱- تحلیل و گزارش کوتاهی از: مسئله افغانستان

بسم الله قاصم الجبارین

این نوشته به دلایلی، هرگز ادعای کامل بودن ندارد و هم به علت مراعات ناگزیر اختصار، از بسیاری مسائل لازم‌الذکر، یا ذکری به میان نیامده و یا به صورت تقریباً مبهمی، مورد اشاره قرار داده است. از آنجا که بنا نیست این نوشته در سطح وسیع پخش و در دسترس عموم قرار گیرد، بلکه فقط در اختیار علاقه‌مندان واقعی به سرنوشت اسلام و مستضعفین گذاشته خواهد شد با برخورد صادقانه و متعهدانه، هیچ مصلحتی مانع گفتن آنچه حقیقت و واقعیت دارد، نخواهد شد. همچنین، سعی شده است از هیچ‌گونه کانالی، از نوع نژاد، مذهب، منطقه و ... به مسائل دیده نشود.

#### تاریخ

در شرق و جنوب سلسله جبال هندوکش از نزدیک دامنه‌های این سلسله، از آنجا که دره‌ها کم عمق و جلگه‌ها آغاز می‌گردد، تا رودخانه اندس، دره بولان و ابتدای جلگه سرسبز و گرم و حاصلخیز پنجاب، قبیله‌ای زندگی می‌کنند که متعلق به نژاد آریا و به قولی قبطی [هستند]. ۹۸٪ این مردم پیرو مذهب سنی حنفی‌اند.

زبان آنان پشتو است و به زراعت، دامداری و قاچاق مواد مخدر و اسلحه و اسلحه‌سازی مشغولند. این قبیله در پاکستان به «پتان» و در میان فارسی و ترک‌زبانان شمال و غرب هندوکش به «افغان» مشهورند و خودشان خود را «پختون» یا «پشتون» می‌خوانند.

در تاریخ بعد از اسلام، این قبیله به لشکریان پادشاهان مغول و ترک برای هجوم به شبه قاره هند، ملحق می‌شدند و یا به صورت ملوک‌الطوایفی به جنگ و غارتگری می‌پرداختند. تا ۱۸۰ سال قبل هیچگاه یک تشکیلات سراسری برای اداره امور کشوری و لشکری در میان این قبیله به وجود نیامد. این منطقه گاهی جزء متصرفات شاهان مغول و ترک حاکم بر هند محسوب می‌شد و گاهی قسمتی یا تمام آن در تصرف ایران یا شاهان آسیای مرکزی در می‌آمد. در منطقه‌ای تقریباً به وسعت یک سوم ایران، فقط

## ۳۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

سه شهر یعنی قندهار، جلال آباد و پیشاور متعلق به این قبیله بود و باقی دهنشین بودند و یا به دنبال آفتاب گرم و چراگاه و آب، از منطقه‌ای به منطقه دیگر در حال کوچ بودند.

در دویست سال اخیر، عواملی از جمله عدم امکان لشکرکشی از خارج به شبه قاره، کاهش تدریجی زندگی عشیره‌ای و رونق یافتن زراعت و رشد فنودالیسم و ... حکومت نیرومندی بر این قسمت از جهان حکومت نمی‌کرد.

در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی دو قدرت استعماری به سوی آسیای مرکزی در حال پیشروی بودند ...<sup>۱</sup> این دو قدرت استعماری عبارت بودند از:

**الف - امپراطوری بریتانیا:** استعمار انگلیس در آغاز با پوشش «کمپانی هند شرق» و سپس رسماً با سرکوبی نظامی نیروهای مقاومت مسلمانان هند، از جنوب و شرق هند در حال پیشروی به سوی شمال بود. در نزدیکی ارتفاعات استراتژیکی شمال هند که به «دروازه هند» مشهور است، پشتون‌های مسلمان می‌توانستند مزاحمت قابل توجه و مستمری برای استعمار بریتانیا ایجاد نمایند. استعمار بریتانیا نه تنها درصدد تصرف این مناطق استراتژیک - که برای تداوم سلطه‌اش بر هند بسیار ضروری بود - برآمد، بلکه قصد داشت که به پیشروی تا آسیای مرکزی ادامه دهد. استعمار بریتانیا برای سرکوب و تضعیف پشتون‌ها، ابتدا سیک‌های حاکم بر پنجاب را کمک، تطمیع و تشویق می‌کرد که به مناطق مسلمان‌نشین حمله کنند. بعد از حملات مکرر "سیک"ها و سقوط حکومت سیک‌ها در پنجاب، انگلیسی‌ها در پنجاب تا رودخانه اندس و حوالی پیشاور پیش رفتند. اولین حمله نظامی بریتانیا به افغانستان - که نیروهای نظامی‌اش از دره خیبر و بولان عبور نموده و تا کابل پیش رفتند - در سال ۱۸۳۹ روی داد. طی چهار سال جنگ و مقاومت مردم، از نیروی نظامی انگلیس هنگام عقب‌نشینی، فقط یک نفر خود را زنده به هند رسانید.

در سال ۱۸۷۹ که انگلیسی‌ها دوباره آهنگ افغانستان را کردند، در استراتژی انگلیسی‌ها یک تحول عمیق و تعیین‌کننده‌ای نسبت به افغانستان پدید آمده بود. علت

---

۱. در اینجا مطلب، در سند اصلی، افتادگی دارد (ویراستار).

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۵۱

این تحول پیشروی سیل‌آسای نیروهای تزار روس به فرماندهی ژنرال مشهور و نابغه روسی ژنرال کاوفمن، به سوی آسیای مرکزی بود. در سال ۱۸۶۹ روس‌ها وارد سمرقند شدند و اندکی بعد، نیروهای روسی تا رودخانه جیحون (آمو) رسیده بودند. انگلیسی‌ها دیگر از اشغال ارتفاعات و پیشروی به سوی آسیای مرکزی چشم پوشیدند، بلکه درصدد شدند که:

الف- با سازش و یا زور بر دره خیبر و بولان و دروازه‌های هند تسلط یابند.

ب- اراضی حایل میان دریای آمو و خیبر را با ایجاد و تقویت حکومت واحدی، متشکل سازند تا جلو پیشروی بیشتر روس‌ها را بگیرند.

در رابطه با همین استراتژی، بعد از لشکرکشی دوم و ۱۸۷۹ که در آن نیز به صورت وحشتناکی نیروهای انگلیسی تار و مار گشتند، قراردادی با امیر پشتون‌ها به نام **امیرمحمد یعقوب‌خان** به نام «**قرارداد گندمگ**» به امضا رساندند که طبق آن امیر مذکور، در ازای سالانه ۶۰۰۰۰۰ پوند انگلیسی، دره خیبر را به انگلیسی‌ها واگذار نمود. در سال ۱۸۹۳ قرار داد دیگری به نام «**دوراند**» - که همواره در تاریخ افغانستان از آن به قرارداد شوم یاد می‌شود - میان امیر عبدالرحمن‌خان و انگلیسی‌ها به امضا رسید که طبق آن تمام مناطق و ارتفاعات و نقاط استراتژیک از چترال تا زاهدان در اختیار انگلیسی‌ها قرار گرفت و در مقابل آن، بریتانیا [بی‌ها] به امیر کمک کردند تا سلطه و نفوذ حکومت خود را بر شمال هندوکش، غرب و مناطق مرکزی هزاره‌جات توسعه دهد. در واقع انگلیسی‌ها با تجزیه بزرگ مناطق پشتون‌نشین و تصرف بیش از نصف آن به امیران پشتون کمک کردند تا در عوض، با سرکوب کردن قبایل دیگر بر سرزمین‌های وسیع دیگری مسلط گردند. قبایل دیگر در مقابل سلطه پشتون‌ها...<sup>۱</sup> تاجیک را به خون کشانید. همچنین انگلیسی‌ها به روس‌ها و ایران فشار آوردند و به آنها قبولاندند که از مرزهای غربی و شمالی افغانستان عبور نکنند.

ب- **امپراطوری روسیه**: پتر کبیر، تزار روس گفته بود: «هرکس بر آنجا حکومت کند، بر تمام جهان حکومت خواهد کرد». مقصود وی از آنجا، سواحل شمالی دریای

۱. افتادگی مطلب در سند اصلی.

## ۳۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

عربی در اقیانوس هند می‌باشد. روس‌ها در راه رسیدن به آنجا با استفاده از تشتت و ضعف مسلمان‌ها در آسیای مرکزی، حکومت‌های محلی را یکی پس از دیگری سرنگون کردند و تا ۱۸۷۰ تا سواحل آمو و پامیر رسیدند. از آمو تا سواحل شمالی دریای عرب و دروازه‌های هند، فاصله زیادی نبود، ولی بریتانیا با قدرت و تسلطی که در اروپا و دریاها داشتند، روس‌ها را مجبور نمود (کنگره برلین) که به سواحل جنوب و شرق آمو به عنوان محدوده خارج از نفوذ خود بنگرند. در واقع به علت عدم استحکام موضع خود روس‌ها در آسیای مرکزی، آنها در موقعیتی نبودند که با وجود مخالفت بریتانیا، از رودخانه آمو عبور نمایند. با تهدید انگلیسی‌ها ایران هم از ادعای مالکیت هرات و سیستان چشم پوشید و بدین سان، کشوری که امروز افغانستان نامیده می‌شود، با مرزهای کنونی، با تسلط مطلق قبیله پشتون‌ها به وجود آمد.

### جمعیت و نژاد

تعداد دقیق جمعیت افغانستان معلوم نیست. تخمین‌ها میان ۱۲-۲۲ میلیون در نوسان است. هنوز آمارگیری کامل و دقیق انجام نشده است. پشتون‌ها که در افغانستان فقط به آنها «افغان» گفته می‌شود، تقریباً ۴۰٪ کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. ۳۰٪ را هزاره‌ها و ۸٪ ازبک و ۵٪ تاجیک و ۱۷٪ دیگر را به ترتیب هراتی‌ها، ترکمان‌ها، نورستانی‌ها، بلوچ‌ها و دیگر اقلیت‌های کوچک مانند: قرقیزها، قزلباش‌ها، قزاق‌ها و عرب‌ها، تشکیل می‌دهند. پشتون‌ها، هراتی‌ها، نورستانی‌ها و تاجیک‌ها آریایی و بقیه از نژاد زرد می‌باشند.

### زبان

زبان اکثریت مردم فارسی با لهجه‌های گوناگون محلی، می‌باشد. تقریباً ۳۷٪ جمعیت به پشتو صحبت می‌کنند. به ترکی و چند زبان یا لهجه دیگر نیز در شمال و شرق کشور صحبت می‌شود.

### مذهب

با یک حساب محتاطانه، ۳۵٪ کل جمعیت افغانستان را پیروان مذهب شیعه اثناعشری تشکیل می‌دهند. بقیه پیرو مذهب سنی حنفی می‌باشند. تعداد کمی اسماعیلی و سیک نیز در افغانستان زندگی می‌کنند.



## اقتصاد

اقتصاد افغانستان تا حدود زیادی بر زراعت و دامداری سنتی متکی است. اقلام صادراتی مهم را محصولات زراعتی و دامداری چون میوه‌جات، خشکبار، پنبه، پوست و گوشت تشکیل می‌دهد. معادنی از قبیل گاز، نفت، آهن، مس، زغال سنگ، اورانیوم و سنگ‌های گران‌قیمت تاکنون کشف شده است، اما به علت عدم وجود سرمایه و متخصص کافی، اکثر این معادن هنوز مورد بهره‌برداری واقع نشده است. فقط لعل و گاز، جزء صادرات افغانستان محسوب می‌شود.

قسمت عمده بودجه سالانه افغانستان از طریق کمک‌های بلاعوض و کم سود خارجی تأمین می‌شود، اما هر سال کسری بودجه‌ای در حدود ۲۸ تا ۴۰٪ وجود دارد. چند کارخانه کوچک نساجی، کفش‌سازی مونتاز، سیمان و کود توسط روس‌ها، آمریکایی‌ها و دیگران ساخته شده است. محصول کود و سیمان که کارخانه هر دو توسط شوروی‌ها ساخته شده است، به این کشور صادر می‌شود و بقیه به مصرف داخلی می‌رسد. بعد از کودتای مارکسیست‌ها بسیاری از همین واحدهای کوچک از کار افتاده است. تعداد کل کارگران دائمی به بیش از ۴۰ هزار نفر نمی‌رسد.

## وضع سیاسی

همان‌طور که در قسمت تاریخ افغانستان اشاره شد، خاندانی از قبیله پشتون به صورت پادشاهی موروثی، بر افغانستان حکومت می‌کردند و بعد از امان‌الله خان - که در ۱۹۱۹ رسماً استقلال افغانستان را اعلام کرد و در ۱۹۲۷ سقوط نمود - نه تنها کوششی در بهبود اوضاع صورت نگرفت که عمده سعی شد تا جامعه در فقر، اختلاف و جهل باقی بماند تا ثبات رژیم مستحکم‌تر گردد. تا اوایل دهه ۱۳۴۰ که سردار داود نخست‌وزیر بود، به [هیچ] حزب و گروه و کسی اجازه فعالیت سیاسی داده نمی‌شد و هر گونه حرکتی به شدت سرکوب می‌گردید. در اوایل دهه ۱۳۴۰ - همزمان با طرح انقلاب سفید در ایران - رژیم افغانستان به عللی تن به اعطای آزادی‌های سیاسی و اجازه نشر جراید و تأسیس حزب و اصلاحات داد و قانون اساسی جدیدی را به تصویب لویه جرگه رسانید. در سال ۱۳۴۴ اولین انتخابات نسبتاً آزاد برای تشکیل پارلمان صورت گرفت.

## ۳۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

در پی این انتخابات، رژیم حاکم، قدرت‌های خارجی و نیروهای گوناگون داخلی برنامه کار خودشان را با شرایط جدید تطبیق دادند و گروه‌های گوناگونی با اهداف و برنامه و انگیزه‌های مختلفی به وجود آمد. جهت تسهیل کار بررسی نیروهای سیاسی، در ابتدا تمام گروه‌ها را به دو بخش چپ و راست تقسیم می‌کنیم. مقصود از چپ، نیروهایی است که به نحوی از افکار مارکسیستی متأثر هستند و ارتباطی نیز با شوروی یا چین دارند. نیروهای راست نیز به تشکیلات فئودال‌ها، روشنفکران غرب‌زده و سرمایه‌داران، فاشیست‌ها، جناح مذهبی رژیم (آخوندهای درباری یا طرفداران ظاهرشاه) و تا اندازه‌ای رهبری تشکیلات اخوان المسلمین، اطلاق می‌شود که همگی آشکارا یا پنهان و به نحوی، متأثر از غرب و یا در رابطه مستقیم و یا از طریق ثالثی با غرب بودند. متأسفانه، نیروی سومی که کاملاً به اسلام راستین متکی باشد و ارتباط و پیوندی با طاغوت‌های خارجی نداشته باشد، در اوایل دهه ۱۳۴۰ نه موجودیت داشت و نه مطرح گردید.

### ۱- جریان چپ

**الف - حزب دموکراتیک خلق افغانستان:** شناخت و بررسی کامل عملکرد این حزب، بدون درک و شناخت استراتژی روس‌ها در افغانستان بسیار دشوار است و این مسئله هم از حوصله این نوشته بیرون می‌باشد. در زیر فقط به بررسی و ذکر کوتاه تاریخچه این حزب پرداخته می‌شود.

این حزب در سال ۱۳۴۳ با شرکت نیروهایی به وجود آمد که تنها وجه اشتراکشان علاوه بر ادعای پیروی از اصول مارکسیسم - لنینسم، وفاداری بی‌شائبه و بی‌چون و چرای‌شان نسبت به شوروی بود. در سایر مسائل حتی در نام حزب، نام جریده، برنامه کمونیستی یا غیرکمونیستی، موضع‌گیری در مقابل احزاب، رژیم و دیگر مسائل بنیادی اختلاف شدیدی میان اعضای مؤسس وجود داشت. در سال ۱۳۴۵ کمیته مرکزی حزب، **ببرک کارمل** را به اتهام موضع‌گیری سازشکارانه در مقابل رژیم ظاهرشاه، از عضویت کمیته مرکزی اخراج نمود و متعاقباً در سال ۱۳۴۶ نیمی از اعضای کمیته مرکزی به رهبری ببرک کارمل از این حزب انشعاب نمود. در سال ۱۳۴۹ ارتباط

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۵۵

سازمانی و ارگانیک میان هر دو شاخه حزب و افسران جوان و کمونیست ارتش به وجود آمد. روس‌ها از مدت‌ها قبل از نفوذ عمده‌ای در میان ارتش برخوردار بودند. در سال ۱۳۵۲ افسران عضو هر دو جناح از سردار داود در کودتایش علیه ظاهرشاه فعالانه حمایت کردند. طبق گزارش کتبی، حفیظ‌الله امین رابط و مسئول نظامی حزب خلق در سال ۱۳۵۵، حزب آماده بود که با دادن تلفات کم، قدرت سیاسی را از داود بگیرد (نقل از کتاب تاریخ مختصر حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پشاهنگ طبقه کارگر کشور، نوشته امین).

در سال ۱۳۵۶ تحت فشار داود و با سفارش شوروی هر دو جناح دوباره اتحاد کردند، و بالاخره در سال ۱۳۵۷ طی یک کودتای خونین، حزب قدرت سیاسی را به دست گرفت، اما اختلاف میان هر دو جناح به قوت خود باقی ماند و اندکی بعد جناح ببرک از کابینه اخراج شد. بعداً تره‌کی توسط امین سرنگون گردید و بعداً خود وی توسط نیروهای شوروی به قتل رسید و ببرک جانشین او گردید و اختلافات هر دو جناح به قتل و خشونت علنی کشید ...

ب - **شعله جاوید:** ۹۰٪ اعضای حزب خلق را پشتون‌ها تشکیل می‌دادند و در مقابل، نژادهای دیگر، دست به تأسیس حزب مارکسیستی دیگری زدند که متمایل به چین بود (در قبال شوروی).

«شعله جاوید» هرگز نتوانست به سازماندهی و تشکیلات رایج میان مارکسیست‌ها دست یابد و به سرعت دچار اختلافات و انشعابات زیادی گردید. [این جریان] در مقابل رژیم ظاهرشاه، داود و خلقی‌ها موضع خصمانه‌ای گرفت و در زمان حکومت مارکسیست‌ها مهلک‌ترین ضربه‌ها را خورد و تمام کادر رهبری خود را از دست داد. این جریان به‌طور بسیار مرموزانه و منافقانه در گوشه و کنار افغانستان با همکاری با گروه‌های طرفدار غرب و نفوذ در احزاب مذهبی پرداخته است. نفوذ اینها در حرکت انقلاب اسلامی و حرکت اسلامی قطعی می‌باشد.

ج - **سیستم ملی:** عده‌ای به رهبری **طاهر بدخشی**، از حزب دموکراتیک خلق افغانستان انشعاب نموده و به تبلیغ ایده ناسیونال - مارکسیسم پرداختند که در خاورمیانه بسیار رایج می‌باشد. اینها معتقد هستند که ستم و ظلم طبقاتی در افغانستان

## ۳۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

یا وجود ندارد و یا در درجه دوم اهمیت قرار دارد و آنچه موجود و مهم و قابل مبارزه است، ستم ملی یعنی ظلم ملتی - پشتون‌ها - بر ملل دیگر است. این جریان نیز در میان غیر پشتون‌ها به ویژه در شمال و شمال شرق نفوذ فراوانی نموده و بعد از یک سلسله انشعابات و تسلیم رهبری، اکثراً در مخالفت با روس‌ها و خلقی‌ها موضع خصمانه‌ای گرفته‌اند.

### ۲- جریان راست

**الف - افغان ملت:** این گروه بر اساس فلسفه «برتری و حق حاکمیت پشتون‌ها بر افغانستان» به وجود آمد و به مقیاس وسیعی توسعه نیافت. بعداً شاخه‌ای از این گروه به جناح خلق پیوست و بقیه به صورت پراکنده‌ای با جبهه نجات ملی و دیگر ارگان‌های مخالف همکاری می‌کند.

**ب - سوسیال دموکراسی - دموکراسی جدید:** زرنگ‌ترین و ورزیده‌ترین قشر بوروکرات‌های هیئت حاکمه در سال‌های چهل در این گروه‌ها متشکل گشتند. پیوند و ارتباط وسیعی میان اینها با سرمایه‌داری کمپرادور در حال رشد داخلی و سرمایه‌داری جهانی وجود دارد. این گروه‌ها نتوانستند مجزاً از رژیم رشد و پایگاه توده‌ای به دست آورند. در زمان داود و خلقی‌ها ضربات نابودکننده‌ای متوجه اینها گردید.

**پ - اخوان المسلمین:** در اواخر دهه ۱۳۳۰ ش و اوایل دهه ۱۳۴۰ افکار و مبارزات مرحوم مولانا عبدالاعلی مودودی و اخوان المسلمین جهانی و بخصوص مرحوم سید قطب، اثرات زیادی بر محافل مذهبی سنّی که در ارتباط نزدیک با الازهر و محافل مذهبی پاکستان بودند، گذاشت. هسته‌های اولیه نهضت اخوان المسلمین در محافل دانشگاهی و مدارس به سرعت رشد نمود و «سازمان جوانان مسلمان» در مدارس و دانشگاه کابل تأسیس گردید.

اشتباهات و انحرافات اخوان المسلمین بین‌الملل به علاوه نوپایی و کم‌تجربگی و تحلیل نادرست اوضاع توسط این نهضت در افغانستان، علی‌رغم قدرت و زمینه مناسب باعث گردید که این نهضت به جای کار درست و مکتبی و مبارزه با علل و ریشه‌های مصائب و برانداختن رژیم فاسد، به عنوان آلت دست رژیم و جناح مرتجع و

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۵۷

مذهبی آن، مورد استفاده واقع گردد و به عکس‌العمل‌های حساب‌نشده و سطحی در مقابل دیگر جریان‌ات دست بزند. سرخوردگی‌هایی که از بن‌بست و رکود سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ به وجود آمده بود، باعث گردید که تحول اساسی در این نهضت رخ دهد و نهضت به دو گروه بزرگ ۱- جمعیت اسلامی. ۲- حزب اسلامی. تقسیم گردد که بعداً هرکدام به چند شاخه تقسیم گردیدند [که] برخی از آنها عبارتند از:

**جمعیت اسلامی افغانستان:** به رهبری پروفیسور برهان‌الدین ربانی که در زمان داود به پاکستان پناهنده گشت و بعد از سقوط داود به ائتلاف جبهه نجات ملی پیوست. جمعیت اسلامی معتقد به همکاری نزدیک با تمام مخالفین بدون توجه به محتوا و هدف رژیم مارکسیستی می‌باشد. کادر رهبری جمعیت را پشتون‌ها تشکیل می‌دهند. مناطق نفوذ جمعیت در شرق و جنوب، کابل و غرب و شمال شرق افغانستان می‌باشد. جمعیت از تشکیلات منظم و حساب‌شده‌ای برخوردار نیست. بعد از اولین ائتلاف در جبهه نجات ملی، چندین بار کوشش‌هایی در جهت مؤتلف و متحد شدن میان گروه‌های سنی به‌عمل آمده است که جمعیت در همه آنها فعالانه نقش داشته است. روابط جمعیت با رژیم‌های پاکستان، سعودی، مصر و شیخ‌نشین‌های خلیج، عالی می‌باشد. شایع است که جمعیت از چین نیز اسلحه دریافت می‌کنند که گویا این امر به‌صورت مستقیم صحت ندارد. تاکنون دو انشعاب یکی به نام «سازمان آزادی‌بخش اسلامی افغانستان» (الحدید) و دیگری که تاکنون اعلام نشده است، از جمعیت صورت گرفته است.

**حزب اسلامی افغانستان:** قشر جوان دانشگاهی در انشعاب از اخوان المسلمین به رهبری مهندس گلبدین حکمتیار، حزب اسلامی را تشکیل دادند. این حزب، متأثر از افکار مودودی و سید قطب و دارای تعصب شدید مذهبی می‌باشد. مناطق فعالیت این حزب هرات، جنوب و شرق و تا حدودی شمال افغانستان می‌باشد. کادرهای اصلی این حزب را پشتون‌ها تشکیل می‌دهند. این حزب دارای روابط خوب و نزدیکی با سعودی، شیخ‌های خلیج فارس، جماعت اسلامی پاکستان، جناح تندرو اخوان‌المسلمین مصر می‌باشد. هیچ‌گونه ارتباط و همکاری میان این حزب و دیگر گروه‌های افغانی وجود ندارد.

**حزب اسلامی (شاخه پکتیا):** شاخه قدرتمند حزب اسلامی در پکتیا (یکی از ایالت‌های استراتژیک مرزی) به علت اختلاف در خط‌مشی سیاسی با تشکیلات اصلی، سال گذشته از حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار انشعاب نمود و در ائتلاف با دیگر گروه‌ها شرکت جست. محل عمده نفوذ و فعالیت این گروه همان ایالت پکتیا است.

**حرکت انقلاب اسلامی:** این حزب در ابتدا به نام جمعیت‌العلمای محمدی مشهور بود. رهبر آن مولانا محمد نبی محمدی می‌باشد. یکی از بزرگ‌ترین و نیرومندترین تشکیلات موجود می‌باشد. پایه‌های اساسی این حزب، تشکیلات اولیه و سنتی روحانیون محلی می‌باشد که از دورافتاده‌ترین دهات تا بزرگ‌ترین شهرها وجود دارد. رهبری این تشکیلات قبلاً در پارلمان در دوره‌های ۱۲ و ۱۳ حضور داشت، ولی از تشکیلات حزبی برخوردار نبود. این تشکیلات که در واقع جز برقراری ارتباط زنجیری میان تشکیلات سنتی روحانیون محلی، چیزی نمی‌باشد، بعد از آغاز مبارزات بر علیه مارکسیست‌ها به وجود آمد. منابع تأمین اسلحه و غیره این حزب، همان منابع دیگران است. گویا در به وجود آوردن این تشکیلات وسیع، دست‌هایی از خارج در کار بوده است. در شاخه‌های غربی (هرات و اطراف آن) این حزب مائویست‌ها و مسلمانان مترقی نفوذ نموده است. رهبری بسیار سنتی و بدون درک سیاسی می‌باشد.

**محاذ ملی اسلامی انقلابی افغانستان:** ۱۵٪ پشتون‌ها را عشایر چادرنشین (کوچی) تشکیل می‌دهد که در معادلات قدرت، نیروی مهمی به شمار می‌آیند. شخصی به نام سید احمد گیلانی آفندی، پیشوای مذهبی سنتی این عشایر چادرنشین است. این شخص دارای روابط بسیار دوستانه و نزدیک با خاندان ظاهرشاه و اطرافیان وی می‌باشد. بعد از تسلط مارکسیست‌ها، گیلانی با کمک سران عشایر، کادرهای تحصیل‌کرده عشایر و بعضی اطرافیان ظاهرشاه، حزب مزبور را تشکیل دادند. علاوه بر رژیم‌های مرتجع عرب، این تشکیلات از روابط دیرینه و سنتی با انگلیسی‌ها برخوردار است و از مهره‌های مهم غرب به حساب می‌آید. مناطق نفوذ و فعالیت این حزب، شرق و جنوب افغانستان می‌باشد.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۵۹

**جبهه نجات ملی:** بعد از تسلط مارکسیست‌ها رهبران سنتی مذهبی و غیرمذهبی و اطرافیان ظاهرشاه با عجله، تشکیلات ائتلافی مرکب از نه گروه به نام: «جبهه نجات ملی» را اعلام کردند. قرار بود تمام مخالفین رژیم بدون توجه به ماهیت و اهداف درازمدت، در این جبهه هماهنگ گردند. شرکت‌کنندگان اولیه نیز از مذهبی‌ها، فاشیست‌ها، ملیون، مائوئیست‌ها و اطرافیان ظاهرشاه تشکیل یافته بود. در به وجود آوردن این جبهه، خاندان مجددی‌ها نقش مهمی داشتند. صبغت‌الله مجددی رهبر جبهه می‌باشد. در اثر اختلافات بعدی، بسیاری از گروه‌ها از این تشکیلات کنار رفتند و گروه جدیدی هم در این جبهه جذب نگردید. خاندان مجددی مشهور به دوستی با سعودی‌ها و انگلیس‌ها می‌باشد.

مراکز رهبری گروه‌های فوق در پیشاور پاکستان مستقر می‌باشد. از آغاز مبارزه بر علیه مارکسیست‌ها تاکنون چندین بار کوشش‌هایی در جهت متحد کردن و هماهنگ نمودن گروه‌های مزبور به عمل آمده است که چندین بار توافق‌های اولیه نیز حاصل گردیده است و سپس دوباره از هم پاشیده است. آخرین بار در جریان اولین کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در اسلام‌آباد به ابتکار کشورهای اسلامی پنج گروه از گروه‌های فوق: ۱- جمعیت اسلامی، ۲- حزب اسلامی (شاخه پکتیا)، ۳- جبهه نجات ملی، ۴- محاذ ملی انقلابی اسلامی و ۵- حرکت انقلاب اسلامی، در «پیمان اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان» گرد هم آمدند و دبیر کل به نام عبدالرسول سیاف برای خود برگزیدند و تشکیلات مرکزی واحدی درست نمودند، ولی در عمل هنوز هماهنگی مطلوب و لازمی میان گروه‌های شرکت‌کننده به وجود نیامده است. خط‌مشی سیاسی - عقیدتی گروه‌های شرکت‌کننده در اتحاد مزبور درباره بسیاری از مسائل نیز تفاوت فاحش دارد و شانس به وجود آمدن اتحاد کامل بسیار ناچیز است. علاوه بر اینها گروه‌های کوچک دیگری نیز در پیشاور وجود دارد که همه متعلق به اکثریت سنی می‌باشد.

### گروه‌های شیعی

همان‌طوری که قبلاً اشاره شد، در جریانات سال‌های مهم دهه چهل «خط سوم» یعنی خط اسلامی و مردمی وجود نداشت و مطرح نبود و شیعیان افغانستان هم به علت

## ۳۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

اینکه قدرت سیاسی، در بست در دست پشتون‌ها بود و همگونی نژادی، مذهبی و حتی زبانی میان اکثریت شیعیان و قدرت حاکم وجود نداشت، از صحنه سیاست کاملاً به دور بوده و بیشتر از هر قشر جامعه افغانستان مورد تبعیض‌های گوناگون و ظلم و ستم قرار گرفته بودند و در سال‌های چهل هم نتوانستند جای مناسبی در صحنه سیاسی به دست آورند. در جریان مذهبی اخوان المسلمین هم به خاطر اینکه این جریان ماهیت مذهبی سنی داشت، جذب نشدند و به جز تعداد کمی از جوانان تحصیل کرده که به مائوئیست‌ها پیوستند، بقیه همچنان در انزوا باقی ماندند. در اوایل دهه ۱۳۵۰ بود که تحت تاثیر افکار اسلامی انقلابی ایران به ویژه افکار مرحوم دکتر علی شریعتی و مبارزات امام خمینی و حوزه علمیه قم، قرار گرفته بودند، فکر مبارزه اسلامی و شرکت در فعالیت‌های سیاسی افتادند ...<sup>۱</sup>

از روحانیون به شدت سرکوب گردید. فکر ایجاد تشکیلات برای دستیابی به هدف‌های بزرگ اسلامی در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ به وجود آمد و همچنین ضرورت ایجاد خط راستین اسلامی در میان شیعیان و جوانان سنی در همین ایام به وجود آمد. کودتای ۱۳۵۲ داود و کودتای ۱۳۵۷ کمونیست‌ها و تحولات و نوسانات اجتماعی حاصل از این کودتاها، فرصت تجزیه و تحلیل اوضاع و رشد طبیعی را به این سری نیروها نداد و آنها را و ملت را در یک جنگ ناخواسته و تحمیلی فرو برد و بسیاری از این نیروها یا نابود گشته و یا در دامن این یا آن سقوط نمودند و جذب یکی از دو قطب نیرومند گردیدند و اکنون به جز تعداد محدودی، آن هم در حال افول، نیروی مستقل و اسلامی امیدوارکننده‌ای وجود ندارد. [اکنون گروه‌های شیعی فعال در افغانستان عبارتند از]:

۱- **حرکت اسلامی:** در بهار سال ۱۳۵۸ این حزب در خارج به رهبری شیخ محمد آصف محسنی به وجود آمد. بیشتر کادرهای این گروه را روحانیونی تشکیل می‌دهند که با موقعیت عالی اجتماعی که سابقاً داشتند، هرگز به فکر مبارزه یا مخالفت و حتی بی‌طرفی نسبت به رژیم‌های ضد اسلامی حاکم نیفتادند. ویژگی عمده این گروه

۱. افتادگی مطلب در اصل سند.



## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۶۱

علاوه بر سازش با رژیم‌های حاکم، مخالفت و مبارزه با فکر انقلابی اسلامی، کتب مرحوم شریعتی و حتی حکومت اسلامی امام خمینی و دیگر اندیشمندان اسلامی می‌باشد؛ گرچه اکنون علناً از این مطالب دم نمی‌زنند. به علت نوپایی و بی‌تجربگی شدید و شروع همزمان عملیات سیاسی - نظامی بلافاصله بعد از تأسیس، این گروه تاکنون نتوانسته است به تشیقات و نظم لازم و مطلوبی برسد و به علت دروازه‌های باز مائوئیست‌ها در این گروه نفوذ نموده‌اند. فعالیت این گروه پراکنده و بیشتر در مناطق غربی و نوار مرزی ایران متمرکز است.

**۲- نهضت اسلامی افغانستان:** [این حزب] در بهار سال ۱۳۵۸ در قم تشکیل یافته و مرکب از طلاب علوم اسلامی متعلق به منطقه‌ای به نام جاغوری (اسم بخشی است در استان غزنی) تحت رهبری آقای افتخاری می‌باشد. به عکس حرکت اسلامی، این گروه بیشتر طرفدار روحانی و فکر انقلابی اسلامی می‌باشد، ولی از تشکل و تجربه لازم برخوردار نیست و همچنین به جز در منطقه جاغوری در جای دیگری فعالیت ندارد و اندکی دارای تعصبات نژادی و منطقه‌ای می‌باشد.

**۳- اتحادیه مجاهدین اسلامی:** رژیم پاکستان و به ویژه نیروهای مخصوصی در ارتش این کشور، تکیه یک‌جانبه و زیادی بر احزاب سنی مقیم پشاور که همگی تحت رهبری پشتون‌ها قرار دارند، نمی‌کنند. بعد از آغاز مقاومت اسلامی مسلمانان بر علیه مارکسیست‌ها و روس‌ها، در این فکر افتادند که به نحوی در میان شیعیان افغانستان که با وجود اینکه یک سوم جمعیت را تشکیل می‌دهند، نصفی از سنگینی بار جنگ را به دوش می‌کشند و ضمن تقویت نظامی شیعیان، به اهداف دیگری نیز دست یابند. چینی‌ها و آمریکایی‌ها نیز، هرکدام به دلیلی، موافق این طرح هستند (اتحادیه با سرکنسول آمریکا در ابتدا ارتباط گرفته بود و مذاکراتی در کویته میان اینها به عمل آمده بود. با توجه به روابط ارگانیک شیعیان افغانستان با انقلاب ایران، توجه آمریکا، قابل فهم است. متعاقب این سیاست، سه - چهار نفر از بزرگان قبایل شیعه را در کویته پاکستان جمع و «اتحادیه مجاهدین اسلامی» را به وجود آوردند. تاکنون هزاران قبضه اسلحه توسط اینها به داخل ارسال گردیده است.

## ۳۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴- سازمان نصر افغانستان: مؤسسين اوليهٔ اين سازمان اکثراً با سابقه و از افکار اسلامي انقلابي برخوردار بودند؛ همچنين گرايشات ناسيوناليستي نه چندان شديدی بر اين سازمان حکومت می‌کند. در ابتدا با موضع‌گیری مناسب و انقلابی مورد استقبال شایان روشنفکران واقع گردید. از نظر تجربه نسبتاً غنی ولی در آخر دچار بی‌نظمی و بی‌خطی وسیعی گردیده است. همین امر و نفوذ عده‌ای فرصت‌طلب عمدتاً باعث دلسردی روشنفکران گردیده و متأسفانه از گروه‌های مترقی اسلامي، سازمان نصر اولین گروهی است که به دام کمک‌های تسلیحاتی خارج افتاده است. گرچه این کمک‌ها را مستقیماً از خارج دریافت نمی‌کند، ولی از گروه‌هایی می‌گیرد که در وابستگی‌شان جای هیچ‌گونه تردیدی نیست. مناطق نفوذ و فعالیت این گروه مناطق مرکزی و شمال می‌باشد.

۵- جنبش اسلامي مستضعفين افغانستان: در سال ۱۳۵۴ تأسیس شده و متشکل از طلاب جوان علوم دینی و دانشجویان می‌باشد. یکی از پاک‌ترین نهادهای موجود است و دارای خط مشی رادیکال و از بینش سیاسی و موضع‌گیری حساب شده برخوردار است. فعالیت این گروه مخفی و در مناطق مرکزی و شهرها می‌باشد. شورای رهبری، این گروه را اداره می‌کند.

۶- نیروی اسلامي افغانستان: این گروه از عده‌ای روحانی، روسای قبیله و کارمندان عادی دولت تشکیل شده است و به‌صورت غیرطبیعی رشد و بسیار نامنظم فعالیت می‌کند. تأسیس آن در تابستان ۱۳۵۸ در خارج صورت گرفته و قبل از اینکه یک‌ساله شود، دچار انشعاب شده و جناح انشعابی به نام «نیروی انقلاب اسلامي افغانستان» فعالیت می‌کند.

۷- کانون مهاجر: این گروه، از طلاب جوان افغانی مقیم قم در سال ۱۳۵۷ به وجود آمده و فقط فعالیت‌های فرهنگی دارد. گروه از خط‌مشی بسیار افراطی پیروی کرده و نیروهای مخالف رژیم را بیشتر از رژیم می‌کوبد. رهبری گروه از افکار مجاهدین خلق ایران بسیار متأثر است، ولی اعضای پایین این چنین نیستند.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۶۳

۸- سازمان مجاهدین خلق افغانستان: در اوایل دهه ۱۳۴۰ فکر ایجاد تشکیلات سیاسی - مذهبی در میان عده‌ای از روشنفکران شیعه متعلق به اقلیت‌های نژادی غیر هزاره و (هزاره‌ها ۹۰٪ شیعیان افغانستان را تشکیل می‌دهند) ایجاد گردید و عده‌ای معدود و بی‌تجربه، بدون شناخت و تحلیل درست اوضاع حاکم بر افغانستان، دست به تشکیل حزب زدند. یکی از پیشگامان این کار و فکر سید اسدالله نکته‌دان بود. این شخص تشکیلات ابتدایی ایجاد نمود، اما به عللی، بیشتر به علت عدم کار صحیح مکتبی، در طول تقریباً بیست سال که از فعالیت این هسته تحت رهبری فرد مذکور می‌گذرد، چیزی جز تجمع و افتراق، اتحاد و انشعاب و انشعاب و ... مرتب، عمل قابل توجهی از طرف اینها صورت نگرفته است. در زیر به ذکر اسامی گروه‌هایی که به نحوی در رابطه با تشکیلات مربوط به فرد مذکور بوده‌اند، می‌پردازیم. البته تمام این گروه‌ها یک خاصیت مشترک دارند (با تمام اختلاف) و آن این است که کادر رهبری و اکثر کادرهای بالای این گروه‌ها را همچنان اقلیت‌های شیعی غیر هزاره تشکیل می‌دهند.

سازمان مجاهدین خلق افغانستان، در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ از تشکیلات نکته‌دان انشعاب نمود. تکیه‌گاه اصلی این سازمان، دانشجویان شیعه دانشگاه کابل می‌باشد. این سازمان همانند مجاهدین خلق ایران به تشکیلات، شعار و افکار و مسائل دیگر از کمونیسم و سازمان‌های مشابه مارکسیستی متأثر می‌باشد. به دنبال کودتای مارکسیست‌ها در میان مجاهدین خلق ایران، انشعاب بزرگی توسط مارکسیست‌ها در این سازمان نیز رخ داد. در سال‌های بسیار این سازمان تنها سازمان شیعی موجود در دانشگاه کابل بود، اما تشکیلات‌زدگی و امور دیگر، مانع از رشد و توسعه صحیح و طبیعی این سازمان گردید. اکنون این سازمان فعالیت مهمی انجام نمی‌دهد.

**حزب اسلامی رعد افغانستان:** تشکیلات هرات و شمال نکته‌دان از مرکز انشعاب و به نام حزب رعد فعالیت می‌کند. بسیاری از همکاران قدیمی نکته‌دان در این حزب وجود دارند. فعالیت این گروه در شمال و هرات نسبتاً منظم می‌باشد.

**نهضت اسلامی روحانیت و جوان:** این گروه در نقطه‌ای از جنوب فعالیت می‌کند. در طی سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۵ از تشکیلات اصلی انشعاب نموده و تاکنون نتوانسته است به فعالیت منظمی دست یابد.

## ۳۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

**اسلام مکتب توحید:** در سال ۱۳۵۸ تشکیلات اصلی نکته‌دان در ایران بدین اسم اعلام موجودیت نمود و اعلام کرد که فقط به فعالیت سیاسی - فرهنگی دست می‌زند. در این رابطه به نشر ارگان ماهانه و جزوه‌های دیگر، دست زده است. طبق سنت، یک سال از عمر این گروه نگذشته بود که انشعاب بزرگ دیگری در این گروه صورت گرفت.

**اتحادیه علمای افغانستان:** در قم از عده‌ای روحانی تشکیل و به جمع‌آوری و ارسال کمک به داخل پرداخته است.

**شورای اتفاق انقلاب اسلامی:** در سال ۱۳۵۸ از تشکیلات کمیته‌های محلی مناطق آزاد شده شیعه‌نشین، تشکیلات بزرگ‌تری به این اسم به وجود آمد که از خان‌ها و روحانیون و رهبران محلی تشکیل شده است.

در بهار سال ۱۳۵۹، ده گروه از گروه‌های شیعی بالا در جبهه آزادی‌بخش انقلاب اسلامی افغانستان، ائتلاف نمودند: ۱- حرکت اسلامی، ۲- سازمان نصر، ۳- نهضت اسلامی، ۴- نهضت اسلامی روحانیت و جوان، ۵- حزب رعد، ۶- جنبش اسلامی مستضعفین، ۷- سازمان مجاهدین خلق، ۸- اتحادیه علمای، ۹- نیروی اسلامی، ۱۰- شورای اتفاق انقلاب اسلامی. بعداً مجاهدین خلق و نهضت اسلامی روحانیت و جوان از عضویت جبهه اخراج شدند.

هنوز هیچ نیرویی تثبیت نشده و به وجود آمدن یک حزب فراگیر با فاصله‌های عمیقی که در میان اقوام و قشرهای تشکیل‌دهنده افغانستان وجود دارد، بسیار زود است.

پایان - ۱۳۵۹/۶/۱۴

## پیوست ۲- دیپلماسی فریبکارانه صدام پیش از جنگ

علی افشاری - ۳۱/خرداد/۱۳۹۴

صدام حداقل در آن مذاکرات ظاهراً اعلام کرده قصد جنگ با ایران را نداشته و در جستجوی راهی برای حل سیاسی مشکلات است. اما در عین حال هشدار هم داده است تداوم وضع موجود برای دولت عراق قابل تحمل نیست.

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۶۵

دیدار ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت و صدام حسین رئیس، جمهور عراق در حاشیه اجلاس کشورهای غیرمتعهد، منبع مناسبی برای آگاهی از چگونگی وقوع جنگ است. این دیدار در ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ تقریباً یک سال قبل از حمله نظامی تمام‌عیار ارتش عراق به نقاط جنوبی و غربی ایران در هاوانا پایتخت کوبا و با میانجی‌گری رئیس جمهور وقت الجزایر انجام شد.

از عراق صدام حسین، صلاح عمر علی، سفیر وقت عراق در سازمان ملل و سعدون حمادی، وزیر امور خارجه این کشور حضور داشتند. از ایران علاوه بر دکتر یزدی، آقایان حسین لواسانی، دکتر منصور فرهنگ و یک نفر دیگر از اعضای هیئت شرکت‌کننده بودند.

اخیراً دکتر یزدی بعد از ۳۵ سال متن کامل این گفتگو را که بخشی از خاطرات وی است در اختیار سایت تاریخ ایرانی قرار داده است. بررسی مفاد این گفتگو آشکار می‌کند که صدام حداقل در آن مذاکرات ظاهراً اعلام کرده قصد جنگ با ایران را نداشته و در جستجوی راهی برای حل سیاسی مشکلات است، اما در عین حال هشدار هم داده است تداوم وضع موجود برای دولت عراق قابل تحمل نیست و در صورت لزوم پروایی از جنگ و درگیری ندارد.

البته صلاح عمرعلی بعدها پس از سقوط صدام در مصاحبه با «الجزیره» آشکار ساخت که صدام به دروغ تمایل به صلح می‌کرده و تصمیم در خصوص جنگ با ایران را قبل از این مذاکره گرفته بوده است. وی از جدیت و اراده دکتر ابراهیم یزدی برای حل مسالمت‌آمیز مشکلات تجلیل می‌کند. عمرعلی که بعد از دریافت پیام از دکتر منصور فرهنگ مبنی بر تمایل یزدی به دیدار با صدام، واسطه این ملاقات بوده است، در مصاحبه فوق می‌گوید: بعد از پایان دیدار، پیش صدام برمی‌گردد و در پاسخ سؤال وی مبنی بر ارائه تحلیلش از جلسه، خوشحالی‌اش را در پیدا شدن راه حل دیپلماتیک در روابط بحرانی با ایران اعلام می‌کند، اما صدام برخلاف نظر او با رد دیپلماسی از ضرورت جنگ سخن گفته و چنین استدلال می‌کند:

«چه صلحی؟ چه مشکلی بین ما و ایران حل شد؟ ای صلاح، این مسئله ... یک فرصت است که شاید در یک قرن یک بار اتفاق می‌افتد. اینها (ایرانی‌ها) اهواز را از ما

## ۳۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

گرفتند، شطالعرب را از ما گرفتند! طبعاً حالا فرصت برای ما دست داده. الآن آنها خودشان آمده‌اند؛ درحالی‌که کشورشان از هم پاشیده است! ارتش آنها از هم گسیخته شده و نیروهایشان پراکنده گشته. بین خودشان جنگ و دعوا است! گروهی، گروهی دیگر را می‌کشند! پس الآن این فرصت تاریخی ماست تا بتوانیم تمام حقوقمان را به‌طور کامل بازگردانیم. این موضوع را فقط به تو می‌گویم. خودت را به‌عنوان نماینده عراق در سازمان ملل متحد آماده کن. من می‌روم ضربه‌ای را به آنها بزنم که صدایش در تمام کره زمین شنیده شود. تمام حقوقمان را پس می‌گیرم».

دکتر یزدی بر خلاف دیدگاه آیت‌الله خمینی در مذاکرات فوق، رویکردی آشتی‌جویانه را به نمایش می‌گذارد که خواهان تنش‌زدایی با دولت عراق است. او ضمن بیان انتقادات از عملکرد دولت عراق متنها رویکرد تقابلی در پیش نمی‌گیرد و سعی می‌کند صدام را قانع کند که سقوط شاه، تهدید مهمی را از عراق دور کرده است و از این رو، دولت عراق باید روابط استراتژیک خوبی با دولت جدید ایران داشته باشد. تأکید دکتر یزدی بر نگاه مثبت حکومت جدید ایران به اعراب و اتحاد با آنها بر علیه دشمنان مشترک از جمله دولت اسرائیل است. همچنین مسئله استقلال کردها را نیز برجسته می‌سازد.

منصور فرهنگ، سفیر وقت ایران در سازمان ملل که در این دیدار دکتر یزدی را همراهی می‌کرده است، می‌گوید که همراه با دکتر یزدی با آیت‌الله خمینی قبل از سفر دیدار کرده‌اند و بنیانگذار جمهوری اسلامی آنها را از بیان موافقت و یا مخالفت با قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر منع کرده و گفته موضوع را مسکوت بگذارند، اما ملاقات با صدام با هماهنگی آیت‌الله خمینی صورت گرفته است. در این دیدار وی سخنی دال بر بیان مخالفت با صدام نگفته، اما توصیه وی و تعلیق تعیین تکلیف مناسبات تازه با دولت عراق بر نگرانی همسایه غربی ایران می‌افزوده است؛ اما ارزیابی دکتر یزدی به ادعای دکتر فرهنگ از دلیل تصمیم‌گیری فوق که با مصالح سیاست خارجی و منافع ملی کشور تعارض داشته است، عدم تمایل آیت‌الله خمینی به پذیرش قراردادی که صدام و محمدرضا پهلوی به‌عنوان دو عنصر نا مطلوب از دید وی امضا کرده بودند. آیت‌الله خمینی در تیرماه ۱۳۵۸ طی پیامی به آیت‌الله سید محمدباقر صدر، از رهبران شیعیان

## در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۶۷

عراقی، ضمن حمله به دولت عراق خواستار فعالیت برای تکرار تجربه انقلاب اسلامی در عراق شده بود. رصد مواضع آیت‌الله خمینی، نشان می‌دهد او از ابتدا نظر منفی به صدام داشته و ارزشی برای تنش‌زدایی با دولت عراق و داشتن روابط حسنه با آن قائل نبوده است. شیعیان انقلابی و مخالف عراق هم از وی انتظار حمایت داشتند. اگرچه رابطه «حزب الدعوه» با آیت‌الله خمینی در هنگام اقامت در عراق خوب نبود. با تحلیل محتوایی متن کامل مذاکرات می‌توان نکات مهم آن را در محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

### تأکید صدام بر اعتقاد به اسلام و سکولاریسم

صدام حسین در این دیدار به ابراهیم یزدی توضیح می‌دهد حزب بعث به اسلام و مسئولیت انسان در روی زمین و رابطه‌اش با خدا معتقد است. صدام با این کار می‌خواسته اتهام ضدیت با اسلام را از خود و حزب متبوعش دور سازد، اما آیت‌الله خمینی از ابتدا صدام را فردی ضد اسلام و کافر می‌پنداشت. البته مراجع تقلید عراق اعم از سنتی و سیاسی نیز وی را فردی ضد مذهب ارزیابی می‌کردند، اما او علناً در این دیدار می‌گوید با نفس اسلام مشکلی ندارد، اما در عین حال تأکید می‌کند: «ما معتقدیم که تا هم‌اکنون سیستمی که مورد رضایت خداوند است دارد پیاده می‌شود که در آن تحقق عدالت اجتماعی برای انسان‌ها وجود دارد. ما مسلمانیم، ولی معتقدیم وقتی که حکومت و دین و یا دین و حکومت در یکدیگر دخالت کنند مردم از هم خواهند پاشید و این در همه جا و در هر دین و در بین هر قومی صادق است و این امر منحصر به دین اسلام نیست. به این جهت می‌دیدم که مردم از هم می‌پاشند و ما عذاب می‌کشیدیم». او می‌خواهد روشن سازد که با تلفیق دین و دولت مخالف است؛ امری که با مبنای مشروعیت جمهوری اسلامی تعارض داشت.

### ترجیح جمهوری اسلامی بر حکومت شاه

صدام در این گفتگو تصریح می‌کند که نگاه مثبتی به انقلاب اسلامی و تغییر حکومت در ایران دارد. او روشن می‌کند که مناسبات دولت با حکومت محمدرضا شاه پهلوی خصمانه بوده و جنگی یک ساله با آن داشته‌اند که به ادعای وی تعداد بمب‌هایی که از

## ۳۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

توپ‌های سنگین بر عراقی‌ها و خاک ما انداخته شد دو هزار تا سه هزار عدد بود و شانزده هزار نفر از افراد ارتشی و غیرارتشی ما کشته و زخمی شدند. در صحت آمار تلفات انسانی تردید وجود دارد. او مدعی است علی‌رغم این هزینه‌ها ارتش عراق جنگیده و پیش رفته است؛ درحالی‌که ادعای پیشروی ارتش عراق غلط است و در درگیری‌های محدودی که صورت گرفت، پیروزی در نهایت از آن ایران بود. او در این دیدار فاش می‌سازد که ته کشیدن تجهیزات نظامی باعث می‌شود که به مصالحه با شاه رضایت دهد که سرانجام منتهی به تصویب قرار داد الجزایر شد. او همچنین روشن می‌کند که دولت شوروی قول کمک به صدام در درگیری با شاه داده بود. صدام می‌کوشد قرارداد الجزایر را به نفع عراق تفسیر کند که ایستادگی عراقی‌ها منجر به تغییر مواضع ایران شده است! درحالی‌که واقعیت‌ها عکس این را می‌گوید و مفاد قرارداد الجزایر نیز بیشتر به نفع ایران است و به همین دلیل صدام آن را پاره کرد و دولت‌های بعدی عراق نیز تاکنون از پذیرش رسمی و عملی آن سر باز می‌زنند.

### دلخوری از آیت‌الله خمینی در هنگام اقامت در عراق

صدام آشکار می‌سازد که از رفتار آیت‌الله خمینی در دوران اقامت [در عراق] ناراضی بوده است. او می‌گوید دولت عراق خواسته‌های آیت‌الله خمینی را برآورده ساخته و احترام کامل نسبت به وی به عمل آورده بود، اما آیت‌الله به تقاضای هماهنگی با آنها پاسخ رد داده بود. صدام این گونه مشکل را توضیح می‌دهد:

«یکی از اعضای فرماندهی را پیش او فرستادم برای اینکه او را متوجه اوضاع بنماییم و خیلی صریح به ایشان گفتیم که در سرزمین عراق کسی نیست که به شما فشار بیاورد که بروید، ولی لازم است که به همکاری ما احترام بگذارید، در حالی که شاه به عهدها و گفته‌هایش احترام نمی‌گذارد. بعد از مسافرت خمینی به کویت و عدم اجازه دخول به آن کشور، فوراً اجازه بازگشت به ایشان دادیم و استقبالش کردیم و سپس به پاریس رفت. شاه از ما خواست (و مدارکش در وزارت خارجه وجود دارد) که امام را در عراق نگه داریم، ولی ما رد کرده و گفتیم که این خودمان هستیم که درباره سیاستمان تصمیم می‌گیریم و از هیچ کس پند و اندرز نمی‌پذیریم.»



### در کمیسیون‌های مجلس □ ۳۶۹

صدام مدعی است به دلایل مسائل داخلی عراق، خواهان خروج آیت‌الله خمینی شده و نظر حکومت شاه تأثیری نداشته است. برخلاف قول مشهور، وی می‌گوید حکومت شاه خواهان حفظ آیت‌الله خمینی در عراق بوده است! داوری در این خصوص نیاز به تحقیق بیشتر دارد (<https://aliafshari.com/1394/10/07/3235>).

#### پیوست ۳- نامه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور خارجه - اداره امور اقتصادی - شماره ۱۰/۱۲۱۵۶ تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۲۳  
ضمیمه ...

بسمه تعالی

وزارت امور اقتصادی و دارایی

اداره امور بین‌المللی وزارت نفت به منظور عقد قراردادهای نفتی با کشورهای خریدار نفت، خواستار آگاهی از نظرات وزارت امور خارجه در مورد انعقاد قرارداد نفتی با کشورهای خریدار نفت گردید که پاسخ لازم به اطلاع وزارت مزبور رسید.

اینک وزارت نفت به منظور روشن‌تر شدن مواضع دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر خریداران نفتی، خواستار تشکیل جلسه‌ای در این خصوص گردیده است. خواهشمند است دستور فرمایید نماینده مطلع و تام‌الاختیار آن وزارت نیز در جلسه‌ای که در رأس ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۱۳۵۹/۱۱/۲۷ به همین منظور در دفتر مدیر کل امور اقتصادی وزارت امور خارجه تشکیل می‌گردد، شرکت نمایند.

مدیرکل امور اقتصادی: محمد جعفر محلاتی - ۱۳۵۹/۱۱/۱۳

گیرندگان رونوشت جهت اطلاع و اعزام نماینده مطلع: وزارت بازرگانی، بانک مرکزی ایران، کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی و وزارت نفت.

## فصل سوم

### نامه‌های نمایندگان مجلس

در طول چهار سال دوره نمایندگی مجلس، هم خودم و هم برخی از نمایندگان طیف اقلیت، به مناسبت‌های مختلف نامه‌هایی به سازمان‌ها، نهادها شخصیت‌ها و به‌ویژه به رئیس مجلس می‌نوشتیم؛ همچنین برخی افراد، نامه‌هایی می‌نوشتند که به‌گونه‌ای به من و نهضت آزادی مربوط می‌شد، یا نامه را برای کس دیگری نوشته بودند و رونوشت آن به نام من صادر شد بود. شماری از این نامه‌ها را که در بایگانی خود نگه داشته‌ام و یا پس از چاپ در رسانه‌ها، به آنها دسترسی داشتم، گردآوری کردم و برای ثبت در تاریخ نگه داشتم. متن این نامه‌ها به اندازه کافی گویا هستند؛ با وجود این، در هر مورد توضیحات لازم داده شده است.

#### ۱- نامه آقای نصیری لاری به دکتر یزدی

بسمه تعالی

برادر عزیز و بزرگوار جناب دکتر یزدی، ایدم الله تعالی  
با احترام، اکنون که از ارائه پیشنهاد صمیمانه و برادرانه‌ام به حضرت عالی - به‌عنوان کسی که از میان برادران نهضت بیش از همه دوستان دارم و مجذوب بیانات شما در استماع از نوارهای قبل از پیروزی بودم - بیش از دو ماه می‌گذرد؛ همان مطلب را با سوز دل تجدید می‌کنم که بیایید با همتی که سزاوار مردان است اختلاف عناوین را که باعث اختلاف صفوف می‌شود از میان بردارید و با عرضه آن به امام که شیوه مرضیه اولیای خدا بوده - [چنان‌که] حضرت عبدالعظیم اعتقادات خود را به حضرت امام هادی برای تصحیح عرضه می‌کرده - این عنوان‌ها را در آنچه جمع‌الجمع است یعنی

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۷۱

خط امام درآمیزیم. تا آن‌گاه که عنوان به‌صورت خط جدا جلوه می‌کند<sup>۱</sup>، نمی‌توان به وحدت امیدوار بود. دریغ می‌آید در این پیچ تند تاریخ که انقلاب ما از آن می‌گذرد نیروی گریز از مرکز پرتوانش، کسانی را که خروجشان از صحنه صلاح نیست، فقط به صرف عنوان از مرکز دور کنند.

برادر کوچک شما، نصیری لاری - ۱۳۵۹/۱۱/۵

### ۲- نامه آقای جانکی به هاشمی رفسنجانی - ۱۳۵۹/۱۱/۱۱

آقای هاشمی رفسنجانی در یک مصاحبه تلویزیونی که در تاریخ یازدهم بهمن ۱۳۵۹ با تلویزیون جمهوری اسلامی انجام داده بود، هنگام مصاحبه به‌مناسبتی از مسائل مربوط به خلیج فارس حرف زده بود و گویا سهواً به جای عبارت «خلیج فارس» واژه خلیج را به تنهایی به کار برده بود. یکی از شهروندان شیرازی شاغل در صنعت گوشت شیراز، نامه‌ای به ایشان می‌نویسد و به ایشان یادآوری می‌کند که آقای هاشمی به‌عنوان یکی از مقامات اصلی جمهوری اسلامی باید دقت کند تا نام کامل خلیج فارس را به کار برد. نویسنده نامه درباره این موضوع از آقای هاشمی خواسته بود که هر گونه صلاح می‌داند در این باره توضیح دهد. نویسنده همچنین رونوشتی از نامه را برای من، جناب مهندس بازرگان، دکتر یدالله سبحانی و مهندس عزت‌الله سبحانی نیز فرستاده بود. متن این نامه به شرح زیر است.

بسمه تعالی

جناب آقای حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ۵۹/۹/۱۱ در مصاحبه تلویزیونی جناب‌عالی که در شنبه شب مورخ ۱۳۵۹/۹/۸ از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، چند بار در صحبت‌هایتان لغت خلیج را به کار بردید. در گذشته نیز این کار را تکرار فرموده‌اید. آیا منظور جناب‌عالی از خلیج کدام خلیج است؟ در دنیا خلیج‌های زیادی وجود دارد. اگر منظورتان خلیجی است که در جنوب ایران است، نامش «خلیج فارس» است. جناب‌عالی که رئیس مجلس این کشور

---

۱. نمی‌کند درست است؛ وگرنه جمله، معنی مقصود را نمی‌رساند. این یا اشتباه تایپی است یا اشتباه هنگام نوشتن (ویراستار).

## ۳۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

و سخنگوی ۳۶ میلیون ایرانی هستید، برای خوشایند کدام کشور یا شیخ‌نشین نام تاریخی کشور خود را نفی می‌کنید؟ چرا قدرت را به دست آنهایی می‌دهید که می‌خواهند این نام تاریخی را به تدریج از میان بردارند. امیدوار است جناب‌عالی و سایر مسئولین کاملاً مواظب باشید چنین کاری هرگز تکرار نشود که باعث ناراحتی و عذاب این ملت شریف و وطن‌پرست گردد.

خواهشمند است جواب این نامه را به هر طریق که صلاح می‌دانید، اظهار بفرمایید.

با تقدیم احترام: جواد جانکی

شیراز - مجتمع صنعتی گوشت فارس

رونوشت:

۱- جناب آقای بازرگان، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی، جهت طرح موضوع در مجلس و جلوگیری از این گونه وقایع.

۲- جناب آقای دکتر یزدی، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی، جهت طرح موضوع در مجلس و جلوگیری از این گونه وقایع.

۳- جناب آقای یدالله سجابی، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی، جهت طرح موضوع در مجلس و جلوگیری از این گونه وقایع.

۴- جناب آقای عزت سجابی، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی، جهت طرح موضوع در مجلس و جلوگیری از این گونه وقایع.

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۷۳

تصویر اصل نامهٔ جواد جانکی به هاشمی رفسنجانی

بسمه تعالی

۵۹/۹/۱۱

جناب آقای حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران

درصاحبه تلویزیونی جنابعالی که درشنبه شب مورخ ۱۳۵۹/۱/۸ ازسماج  
جمهوری اسلامی ایران پخش شد چندبار در صحبتهایتان لغت خلیج را بکار بردید  
درگذشته نیز این کار را تکرار فرموده اید، آیا منظور جنابعالی از خلیج کدام خلیج  
است در دنیا خلیجهای زیادی وجود دارد اگر منظورتان خلیجی است که در جنوب  
ایران است نامش خلیج فارس است. جنابعالی که رئیس مجلس این کشور و سخنگوی ۲۶  
میلون ایرانی هستید، هستند برای خوشایند کدام کشور یا شیخ نشین نام تاریخی کشور  
خود را نمیکنید؟ چرا قدرت بدست آنهاش میدهید که میخواهند این نام تاریخی  
را بدهند به ازمان بردارند. امیدوار است جنابعالی و سایر مسئولین کاملاً مواظب  
باشید چنین کاری هرگز تکرار نشود که باعث ناراحتی و طرد این ملت شریف و مظلوم  
پرست گردد.

خواهشمند است جواب این نامه را به هر طریق که صلاح میدانید اعلام

بفرمائید.



با تقدیم احترام: جواد جانکی

شیراز - مدت مع صنعتی کسوت فارس

رونوشت:

- (۱) جناب آقای بازرگان نماینده محترم مجلس شورای اسلامی جهت طرح موضوع در مجلس و جلوگیری از اینگونه وقایع.
- (۲) جناب آقای دکتر یزدی نماینده محترم مجلس شورای اسلامی
- (۳) بداله سحابی
- (۴) عزت سحابی

### ۳- نامهٔ دکتر یزدی به صدا و سیما

بسمه تعالی

جناب آقای مهندس لاریجانی، مدیرعامل سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی

ایران

## ۳۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

با ارسال یک نسخه از بیانیه‌ای که به امضای شورای تولید تلویزیون آموزشی در ۲۰/۱۱/۱۳۵۹ منتشر شده است، خواهشمند است اسامی اعضای شورای مزبور را جهت این جانب ارسال فرمایید.  
باتشکر. والسلام.

دکتر ابراهیم یزدی - نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی

پیوست نامه بالا: شبنامه علیه مهندس بازرگان و دکتر یزدی - اطلاعیه شماره ۷  
هم اینک (بعد از ظهر ۲۰ بهمن ۱۳۵۹) آقایان بازرگان و یزدی در یکی از استودیوهای تلویزیون آموزشی مشغول سخنرانی و مصاحبه هستند. جالب توجه اینکه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در آخرین افشاگری خود از ارتباط یزدی با عمال امپریالیسم جنایتکار آمریکا پرده برداشته‌اند.

افشاگری‌های تازه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

یکشنبه نوزدهم بهمن ۱۳۵۹ - شماره ۱۶۳۵۵

حتی بعد از مدتی، کار به روابط با cia می‌کشد. cia از کاردار آمریکا در استکهلم می‌خواهد که به انتظام اطلاع دهد که ما حاضریم تبادل اطلاعات بعد از دهم سپتامبر انجام شود. کاردار از انتظام خواهد خواست که با یزدی تماس بگیرد و یزدی با شما، تا تاریخ دقیق تبادل اطلاعات را تعیین کند. هدف ما از انجام این روش، این است که به شما (کاردار) اطمینان بدهیم که یزدی و انتظام در مواضع‌شان نسبت به این ملاقات‌ها هماهنگی کامل دارند، و حتی کار این افراد که بخشی از میانه‌روهای موجود در ایران هستند، به ملاقات با برژینسکی پدر بزرگ نصیری و مقدم و هویدا می‌کشد؛ یعنی پای گذاشتن در دامی که آمریکا برای سرنوشت انقلاب ما گسترده است.

«کاردار ایران در الجزایر، امروز به من اطلاع داد که با تهران تماس خواهد گرفت تا امکان تمایل بازرگان با یکی از اعضای هیئت دولت ایران را برای ملاقات با دکتر برژینسکی یا مقامات دیگر آمریکایی که از الجزیره دیدن می‌کنند، سؤال کند. ۳ اکتبر ۱۹۷۹».

در حقیقت، دولت آمریکا طرح یک هیئت نمایندگی پرقدرت را ریخته که مهره اصلی آن دکتر برژینسکی است.

#### نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۷۵

و همچنین تبادل اطلاعات جاسوسی با دولت موقت که عمدتاً شیوه میانه‌روی داشته است، به زعم اینکه این اطلاعات از دلسوزی و حسن نیت آمریکا است؛ در صورتی که جهت همه این عملیات آمریکا، تنها منافع این شیطان بزرگ است. «او (امیرانتظام) مجدداً خواهش کرد که تبادل اطلاعات داشته باشیم در مورد فعالیت‌هایی که در داخل و یا در کشورهای مجاور صورت می‌گیرد. چرا این‌گونه اطلاعات از نظر امنیت داخلی ایران حایز اهمیت است (لینگن)».

انتظام قویاً تماس دولت موقت را برای مبادله اطلاعاتی که مربوط به دولت‌های خارجی از تهدیدهای داخلی ایران است خواستار شد. ۱۷ مرداد ۱۳۵۷

تنها یک سؤال از تمامی مسئولین تلویزیون آموزشی داریم:

در سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، با چه دیدگاهی کسانی که وابسته به دنیای زور و سرمایه هستند و تمام لحظات زندگی‌شان حکایت از خیانت و تزویر دارد، برای تشریح انقلاب دعوت می‌شوند؟

شورای تولید تلویزیون آموزشی - ۱۳۵۹/۱۱/۲۰

#### ۴- نامه آقای سید غلامعلی غیاثی به نمایندگان مجلس - ۱۳۵۹/۱۲/۱۹

به نام خدا

آقایان نمایندگان محترم: دکتر سامی، دکتر غفوری، حاجتی کرمانی، دکتر آیت، دکتر یزدی، دکتر چمران و مجتهد شبستری (نمایندگان تهران)

به پیوست یک نسخه از مشاهدات خود را در جریان اخیر دانشگاه ارسال می‌دارم. چون این‌جانب به شما آقایان رأی داده‌ام و قانوناً وکیل من هستید، لذا حق مسلم قانونی و شرعی خود می‌دانم که از شما بخواهم درباره این قضیه برای کشف ماهیت واقعه و ریشه‌یابی آن اقدام فرمایید.

با عرض تشکر - سید غلامعلی غیاثی

نشانی: شرکت ملی گاز ایران - صندوق پستی ۳۳۷۵

به نام خدا

جناب آقای موسوی اردبیلی دادستان محترم کل کشور

## ۳۷۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

ضمن عرض سلام، پیام تلویزیونی جناب عالی علی‌رغم جو عدم اعتماد موجود در جامعه، بر دلم نشست که شاید از دل برآمده بود؛ لذا وظیفه شرعی خود می‌دانم که مشاهداتم را جهت اطلاع مقامات قضایی ارسال دارم.

در حدود ساعت ۳:۴۵ بعد از ظهر پنج‌شنبه ۱۳۵۹/۱۲/۱۴ از در شرقی وارد دانشگاه شدم. برخلاف روزهای جمعه، فقط میدان چمن و اطراف آن زیر پوشش صوتی بود. به هسته مرکزی مراسم که نزدیک شدم، اوضاع را آرام ندیدم، لیکن دقایقی طول کشید تا خود را با محیط توجیه کنم. ده الی پانزده دقیقه که گذشت، بلندگوی آن محوطه قطع شد. من که مایوس از استماع سخنرانی شده بودم و با توجه به شرایط موجود، ترجیح دادم که خارج شوم، لیکن خوشبختانه پس از پیمودن چندین متر متوجه شدم بلندگوی محوطه مجاور کار می‌کند؛ لذا از رفتن منصرف شدم. مواردی که جلب توجه این جانب نمود عبارتند از:

- ۱- عده‌ای که تعداد آنها از ۱۵۰ نفر کمتر بود، مشغول دادن شعار بودند که متن شعار برای من مفهوم نبود و هر از چند دقیقه به داخل جمعیت یورش می‌بردند و پس از لحظاتی خارج می‌شدند؛ به طوری که نظم آن قسمت به هم می‌خورد.
- ۲- در یکی از دفعات به گوش خود شنیدم و گوینده را نیز دیدم که اعلان کرد: «حزب الهی‌ها برگردند».
- ۳- کار مزاحمت بالا گرفت و آنها در حین شعار پایکوبی هم کردند؛ به طوری که استماع سخنرانی رئیس جمهور برای مردم مقدور نبود؛ لذا عکس‌العمل مردم هو کردن آن عده بود.
- ۴- یکی دیگر از کارهای مزاحمین، پرتاب سنگ و سوزاندن کاغذ بود؛ به طوری که دود رقیقی پخش شده بود که چشم را متأثر می‌کرد. درباره انگیزه این کار نمی‌خواهم قضاوتی کنم.
- ۵ - سرانجام به دستور رئیس جمهور، اطراف آنها را خالی کردند و چون پلیس از برقراری نظم عاجز شده بود، به درخواست رئیس جمهور، مردم وارد عمل شدند.
- ۶ - دقایقی قبل از درخواست رئیس جمهور، یک نفر را دیدم که بر دوش دیگری سوار شد و سیم برقی را که به طرف بلندگو می‌رفت قطع کرد. این جانب درباره تأثیر این عمل روی سیستم صوتی هیچ‌گونه قضاوتی نمی‌کنم.



## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۷۷

۷- شخصی که با لهجه ترکی حرف می‌زد، در میان جمعیت ضمن فحاشی به رئیس جمهور، نگهبان مسلح پشت بام کتابخانه مرکزی دانشگاه را خطاب کرد و گفت: «ای گارد جاویدان، بیا پایین، اگر در مقابل اسلحه‌ات نایستادم». چاشنی این عبارت هم مقداری فحش رکیک بود.

۸- مردم یکدیگر را به مقاومت در مقابل این گروه ترغیب می‌کردند و می‌گفتند فرار نکنید که فردا بدبخت خواهید شد.

۹- در حین درگیری، افرادی با جراحات سطحی را دیدم. یک نفر نیز به دلیلی که بر من پوشیده است روی دست چند نفر حمل می‌شد و آن افراد فریاد می‌زدند «این سند جنایت بنی‌صدر».

۱۰- در موقع خروج از دانشگاه متوجه شدم بلندگوهای آن اطراف به‌کار افتاده‌اند. ضمناً در خیابان قدس روبه‌روی در، پلاکارت‌هایی را دیدم که روی یکی از آنها نوشته شده بود: «مصدق رهبر من است سپهسالار بنی‌صدر!» [و بر دیگری نوشته بود: «همه گرفتاری‌های ما از ملی‌گراهاست. امام خمینی»].

از قوه قضائیه سؤال می‌کنم: اگر به گفته قرآن در مقابل گفته‌ها، شنیده‌ها و اندیشه‌ها مسئولیت وجود دارد، چگونه عده‌ای به خود حق می‌دهند در وقایع آن‌طور که اتفاق افتاده، دخل و تصرف کنند؟ چرا این قبیل وقایع که در طول دو سال اخیر متعدد اتفاق افتاده، تا کنون پیگیری نشده، ولی این دفعه که پای اعتبار نهادهای انقلابی پیش آمده، افراد همیشه ساکت را به فعالیت واداشته؟ در مورد دستور جناب‌عالی مبنی بر خواندن و نخواندن اعلامیه‌ها از رادیو و تلویزیون چه کسی تصمیم می‌گیرد؟ چه شده که رادیو و تلویزیون مدعی بی‌طرفی، به موضع‌گیری پرداخته؟

آیا اطمینان داشته باشیم مقامات قضایی من جمله شورای عالی قضایی فارغ از جوسازی‌های کنونی که بر له و علیه کس و یا کسانی می‌شود به قضاوت خواهند نشست؟

ان‌شاءالله.

۵- نامه به هیئت محترم سه نفری حل اختلافات در اعتراض به سخنان  
حجت‌الاسلام خامنه‌ای درباره دولت موقت - ۱۳۶۰/۲/۲۴

آقای خامنه‌ای در سفری به شیراز در جمع هوادارانشان به طرح موضوع اختلافات خود با دولت موقت، مطالب خلافی را عنوان کردند. پیرو انتشار این سخنان، نامه‌ای به هیئت سه نفری حل اختلافات نوشتم. هنگامی که اختلافات میان آقای بنی‌صدر و رهبران حزب جمهوری بالا گرفت، آقای خمینی یک هیئت سه نفره را مرکب از آقایان اشراقی، محمد یزدی و مهندس بازرگان برای رسیدگی به اختلافات آنان تعیین کردند و ضمن آن دستور دادند که هیچ‌یک از طرفین حق ندارند درباره اختلافات خود به‌طور علنی و در میان مردم سخن بگویند و فضای عمومی را متشنج سازند. در اینجا نخست سخنان آقای خامنه‌ای و سپس نامه به هیئت حل اختلافات را از نظر می‌گذرانیم.

#### سخنرانی حجت‌الاسلام خامنه‌ای در شیراز

«شیراز - خبرگزاری پارس - ۱۳۶۰/۲/۱۴: حجت‌الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران طی سخنرانی در اجتماع مردم شیراز در مسجد جامع عتیق، خطوط سیاسی دولت موقت و علت اختلاف آنان با شورای انقلاب را تشریح کرد.

به گزارش خبرگزاری پارس، وی در قسمتی از سخنان خود گفت: چهره‌هایی که در دولت موقت بودند و الآن هم هستند، از لحاظ خط سیاسی با ما اختلاف و فاصله زیادی دارند. وی افزود: دولت آنها دولتی بود که غرب احساس می‌کرد که با آن دولت می‌شود ساخت و این همان چیزی است که با آمریکا عناد و دشمنی ندارد و این خاصیت فرهنگی بود که در مغز آن برادران حکومت می‌کرد در طول سالیان تحصیل و اقامتشان در کشورهای خارجی.

امام جمعه تهران گفت: اینها طوری بار آمده بودند که به غرب به چشم احترام نگاه می‌کردند؛ نه به تکنیک غرب و نه به پیشرفت‌های علمی غرب و بلکه حتی به فرهنگ غرب، بلکه به چهره‌ها و شخصیت‌های معروف غرب، بلکه حتی به زبان و لهجه غربی‌ها. آن که [در] فرانسه زندگی کرده به لهجه فرانسوی، آن که در کشورهای انگلیسی زبان بوده، به لهجه انگلیسی. دستور زبان عربی را رعایت نمی‌کند، ولی

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۷۹

کمیسیون را غلیظ به لهجه فرانسوی می‌گوید. آقای خامنه‌ای افزود: با چنین فرهنگ و تفکری در ذهن، خیلی طبیعی است که اینها غرب را راحت قبول دارند. در شورای انقلاب، مرتب سر این گونه قضایا درگیری بود. سر ارتباط با فلان دولت، عدم ارتباط با دولت، فلان معامله و فلان قانون، که اینها همه ناشی از همان تفکر متفاوتی بود که این دو جریان در شورای انقلاب با هم داشتند. و بعد که مسئله اشغال لانه جاسوسی پیش آمد و تظاهرات مردم بر ضد آمریکا و قطع روابط اخلاقی و وحدت با آمریکا مسلم شد، دولت موقت دید نمی‌تواند، گفت بروم».

### اعتراض دکتر یزدی به سخنان آقای خامنه‌ای در نامه به هیئت حل اختلافات

پس از پخش سخنان آقای خامنه‌ای، از آنجا که این سخنان را خلاف توصیه آقای خمینی می‌دانستم مبنی بر اینکه هیچ‌یک از طرفین حق ندارند درباره اختلافات خود به‌طور علنی و در میان مردم سخن بگویند و فضای عمومی را متشنج سازند، نامه ای به هیئت سه نفری حل اختلافات نوشتم و خواهان رسیدگی به این مسئله شدم. این نامه را به دست آقای شیخ محمد یزدی دادم که یکی از اعضای هیئت حل اختلافات بود. متن آن نامه به این شرح است:

«بعد از سلام. با ارسال یک کپی از برگزیده سخنان جناب آقای خامنه‌ای، امام جمعه تهران - که در مسجد جامع شیراز ایراد فرموده‌اند - تقاضای رسیدگی به آن را دارم. آقای خامنه‌ای در سخنرانی خود از فرمان امام تخلف نموده‌اند و مطالبی بی‌اساس و موهن و تفرقه‌انگیز عنوان نموده‌اند. بعد از گذشت حدود هیجده ماه از استعفای دولت موقت، چه ضرورتی برای طرح اختلافات خودشان با دولت موقت وجود داشته است، آن هم در جمع مردم؛ بنابراین، این‌جانب با تبعیت از رهبری انقلاب و امام امت، قبل از آنکه موارد خلاف سخنانشان را به همان ترتیبی که ایشان عمل کرده‌اند در جمع مردم مطرح سازم، موضوع را با آن هیئت محترم مطرح و ارجاع نموده، در خواست رسیدگی به آن و اصلاح امر را دارم. والسلام، والعاقبه للمتقین.

با تشکر ابراهیم یزدی نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی - ۱۳۶۰/۲/۲۴».

به این نامه ترتیب اثری داده نشد و هیچ اقدام قابل توجهی صورت نگرفت.

## ۳۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

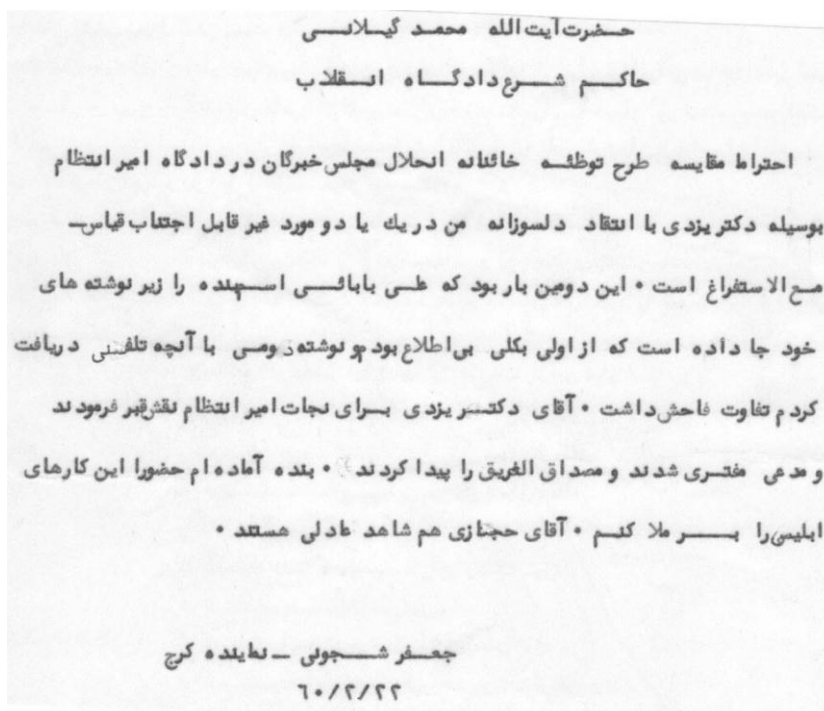
۶- نامه شیخ جعفر شجونی به دادگاه عباس امیرانتظام و نامه‌ها و مسائل پیرامون آن در دادگاه مهندس امیرانتظام، آقای مهندس بازرگان، دکتر سحابی و برخی دیگر از دوستان حضور پیدا کردند و مطالبی را در دفاع از آقای امیرانتظام بیان کردند. در یکی از جلسات دادگاه، ضمن دفاع از امیرانتظام، از اعتراض جمعی از شخصیت‌های سیاسی از جمله آقای شیخ جعفر شجونی<sup>۱</sup>، به فراندوم قانون اساسی یاد کردم. آقای شجونی که حس جهت‌یابی سیاسی‌اش خیلی خوب کار می‌کند، در اعتراض به سخن ما، در ۱۳۶۰/۲/۲۲ نامه‌ای به شرح زیر به دادگاه امیرانتظام نوشت که توسط نماینده دادستانی انقلاب، آقای میرلوحی خوانده شد.

---

۱. روحانی واعظ، زاده ۱۳۱۱ خورشیدی در فومن گیلان و از مبارزان دوران حکومت پهلوی که به خاطر مبارزاتش بارها به زندان افتاد. از یاران نواب صفوی (رهبر تشکیلات جمعیت فداییان اسلام) بوده است. او عضو جامعه روحانیت مبارز تهران و در دوران حکومت اسلامی، نخست مسئول اداره کاخ شمس پهلوی و سپس در اولین دوره مجلس، نماینده مردم کرج در مجلس شد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ از محمود احمدی نژاد حمایت کرد. در ۱۶ آبان ۱۳۹۵ درگذشت (ویرستار).

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۸۱

تصویر اصل نامه شیخ جعفر شجونی به دادگاه عباس امیرانتظام



مرحوم احمد علی بابایی که از این بیانات بی اساس شجونی ناراحت شده بود، در ۱۳۶۰/۲/۲۹ نامه‌ای به دادگاه شماره ۱ اوین نوشت و همراه آن، یک کپی از نامه‌ای را که آقای شجونی امضا کرده بود، نیز فرستاد. متن دو نامه به نقل از «روزنامه میزان»، ۱۳۶۰/۲/۲۹ به شرح زیر است:

ریاست محترم دادگاه شماره یک اوین

اطلاع یافتم که نامه‌ای از آقای شجونی در آن دادگاه قرائت شده دایر بر اینکه متن تلگراف منتشر شده به امضای عده‌ای از جمله ایشان درباره قانون اساسی با آنچه قبلاً به ایشان ارائه شده، فرق دارد. اینک نسخه‌ای از فتوکپی متن مذکور را که به امضای آقای شجونی و سایرین ممضی است، تقدیم می‌کنم و اضافه می‌نمایم که اولاً این متن به خط این جانب است که پس از تصویب و موافقت در پیش نویس و امضای یک‌یک

## ۳۸۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

امضاکنندگان مهیا و مخابره گردیده. ثانیاً مراجعه کوتاهی به آرشیو «روزنامه کیهان» و «اطلاعات» و دیگر نشریات و مجلات و همچنین رادیو و تلویزیون در آن تاریخ، شما را با ده‌ها از این‌گونه اظهارنظرهای افراد و شخصیت‌های مختلف، قبل از تصویب و معتبر شدن این قانون روبه‌رو خواهد کرد. افراد و شخصیت‌هایی که بعضاً در پست‌ها و مقامات حفظ و حراست همان قانون قرار دارند؛ چنان‌که به نوشته دیگری از آقای شجونی به اتفاق آقای **فخرالدین حجازی** در نحوه برگزاری انتخابات خبرگان در روزنامه‌ها برمی‌خورید که از صلابت و قاطعیت فوق‌العاده در مخالفت با مصوبات خبرگان حکایت می‌کند.

در خاتمه، هر گاه آقای شجونی به اظهار خود باقی باشند، ممکن است دادگاه محترم مقرر دارند اشخاص امضاکننده و کسی که نسخه‌ای بعد از فتوکپی به ایشان تسلیم کرده، در محضر دادگاه برای ادای شهادت حضور یابند.

چون علی‌القاعده این نامه در محضر دادگاه خوانده می‌شود، لذا از باب اطلاع دادگاه محترم و ملت شریف عرض می‌کنم نویسنده این نامه کسی است که بار سنگینی از این انقلاب را طی سی سال مبارزه تا لحظه پیروزی و تا به خاک سپردن ۷۰۰ شهید گمنام انقلاب در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۴ به دوش داشت.

با احترام - احمد علی بابایی

شیخ جعفر شجونی در نامه به دادگاه عباس امیرانتظام، در حالی از مجلس خبرگان دفاع می‌کرد که خود پیش‌تر در سال ۱۳۵۸ همراه جمعی از شخصیت‌ها، طی نامه‌ای به امام خمینی، از تناقضات درونی قانون اساسی سخن گفته بودند و شرکت در فراندوم قانون اساسی را فقط به خاطر حفظ مصالح انقلاب پذیرفته بودند و اظهارامیدواری کرده بودند که آقای خمینی در آینده نزدیک، اصلاحات مورد نظر آنها را در قانون اساسی اعمال کند.

نامه شجونی و جمعی از شخصیت‌ها به امام خمینی درباره نارسایی و تناقضات قانون اساسی

قم - محضر مبارک امام خمینی، رهبر عالی‌قدر انقلاب ایران - ۱۲ آذر ۱۳۵۸

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۸۳

با نهایت احترام معروض می‌دارد در شرایطی که همه، یا مرعوبند یا مجذوب، ما برای اینکه حق حیات در این جامعه را از خود سلب نکنیم، ناچار به رفراندوم پیشنهادی مقام رهبری رأی مثبت می‌دهیم، اما این نه به آن معنی است که ما این قانون را که تناقضات از سر و روی آن می‌بارد و حاکمیت ملی و مردمی را که خلاصه خلیفه‌اللهی انسان است و میراث انقلابی اسلام را پس از قرن‌ها اینکه به مخاطره سقوط و تباهی می‌بینیم و جاذبیت مکتبی که معجزه‌آسا طی هشت - ده سال اخیر با مفاهیم جدید در مقابل مکاتب دیگر اظهار وجود و تفوق جهانی می‌کرد و نسل جوان را از سرگستگی و گرایش انحرافی به صراط مستقیم اسلام هدایت کرد و این دستاورد گران‌بها را امروز شدیداً در خطر می‌بینیم، موافق باشیم! ما قاطعانه پیش‌بینی تناقضات شدیدی را بین گروه‌ها و طبقات مختلف در آتیه‌ای نه چندان دور می‌نماییم. ما این تناقضات را نه تنها بین عامه مردم بلکه بین همان دستگاه که اینک حامل ولایت فقیه گردیده، به روشنی احساس می‌کنیم. ما به دلیل اینکه امروز درحالی که مرکب این قانون هنوز خشک نشده **آقای شریعتمداری** را به راهی، **آقای منتظری** را به راهی، **آقای لاهوتی** را به راه دیگر می‌بینیم - و خود بهتر آگاهید که چقدر از این راه‌های تشتت در کمین امت ما است - بیمناکیم که ظهور و تناقضات و تلقی‌های متفاوت فی‌مابین همین طبقه، کمر مردم را زیر این فشارها خم کند؛ سهل است صدمات بنیانی غیرقابل جبرانی به اساس دعوت و مکتب وارد آورد؛ و به هر حال ما اینک به آن رأی مثبت می‌دهیم و این رأی به شخص مقام رهبری انقلاب و برای گذر از این مرحله خاص تاریخی و اجتناب از تفرقه و پراکندگی است. باشد که خداوند تبارک و تعالی عمری طولانی به آن رهبر عالی‌قدر و از دیده عزیزتر، عطا فرماید تا در کوتاه‌ترین زمان به جبران و ترمیم نارسایی‌های این قانون همت کند و یادگار حیات پرارزش خود را راهنمای قرن‌ها سلامت و سعادت امت به‌پاخواسته اسلام و ملت صمیمی و وفادار و یکپارچه خود قرار دهند.

با تجدید احترامات: احمد علی‌بابایی، مهدی حاجی‌آبادی، گیتی آذرخش، مجتبی طاووسی، زرین سحابی، ابوذر بیدار، مهندس محسن رهبر، مهندس شیرازی، ناصر شیرازی، جریره جنابی، پروانه کوشان، محمد اصفهانی، پگاه اصفهانی، مهندس علی

## ۳۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

مسعود انواری، صدرالله جعفری، دکتر منوچهر خاتمی، پوران شریعت رضوی، دکتر عبدالعظیم واعظی، پروین آذرخشی، جعفر شجونی، امیر طاووسی، عباس ایادی. آقای شجونی، پیش از این تاریخ و در ۲۱ مرداد ۱۳۵۸ هم به همراه آقای **فخرالدین حجازی**، نامه‌ای خطاب به مهندس بازرگان نوشته بود و به انتخابات مجلس بررسی پیش‌نویس قانون اساسی - که بعدها شد مجلس خبرگان - اعتراض کرده بود. به مناسبت نامه‌ی اخیرش به دادگاه اوین، این نامه نیز مجدداً در مطبوعات منتشر شد. متن این نامه به شرح زیر است:

نامه‌ی دو تن از شخصیت‌های اسلامی [شجونی و حجازی] به نخست‌وزیر - روزنامه‌ی اطلاعات، ۲۱ مرداد ۱۳۵۸

جناب آقای مهندس بازرگان، نخست‌وزیر محترم ایران انتخابات خبرگان که اولین آزمایش دموکراسی و آزادی در رژیم جمهوری اسلامی بود، متأسفانه به نحو ناپسندی برگزار شد. **آیت‌الله العظمی محلاتی** در اعتراض خود مرقوم داشته اند: «... نظر به سوء جریان و خدعه و اعمال نفوذ انتخابات مشکوک که در محیطی اختناق‌آمیز و جوی غیر آزاد انجام شد، نمی‌تواند مورد قبول این‌جانب و قاطبه‌ی مردم فارس قرار گیرد».

**دکتر ساروخانی** فرماندار تبریز می‌گوید: «من این انتخابات را درست و صحیح نمی‌دانم ... پنجاه درصد احتمال ابطال آن هست؛ چون این انتخابات ناحق است ... در حوزه ۲۹ بهمن چند نفر مسلح مرا جلب کردند ...».

در بوشهر در اثر مداخله‌ی افراد غیرمسئول، زدوخوردی منجر به زخمی شدن پنج نفر، در کردستان اعتراض عمومی، و استاندار خراسان در مکالمه‌ی تلفنی با وزیر کشور، انتخابات خراسان را بدترین انتخابات توصیف کرد، و در تهران از نوار خیابان سپه به پایین بدون استثنا عوامل یک حزب مشخص، آرای مراجعین را در شعب اخذ رأی مستظهر و مدعی به تمایل امام، تنظیم و القا می‌نمودند.

این چنین انتخاباتی برای آبروی انقلاب پاک و مردمی امت قهرمان ما چه تبعات و ضایعاتی به بار می‌آورد؟ در مصوبات چنین منتخبین در آینده، چه اندازه اعتنا و اعتبار



## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۸۵

قبول مردم انقلابی خواهد بود، بماند؛ اما چیزی که در نهایت اهمیت و غیر قابل گذشت و اغماض است، این است که تشکیل مجلسی با این ترکیب و هیئت یکسان و تعلق آن فقط به یک طبقه، توهین بزرگی به تمام جامعه ایران تلقی می‌شود و این چقدر خطرناک است که انبوه صلاحیت‌ها و صداقت‌ها که به منزله سرمایه بزرگ دوران سازندگی این کشور محسوب می‌شود، با این رفتار ظالمانه و حق‌کشی به حال انزوا و کناره‌گیری درآیند. این خطر بزرگ، نه تنها موجودیت جامعه و انقلاب مستضعفین امت ما را به مخاطره می‌اندازد، بلکه بزرگ‌ترین تهدیدی است برای مکتب نجاتبخش اسلام و این زینده شخصیت شما نبود که در دوران نخست‌وزیری کشور، چنین انحطاط و سیر قهقرایی به نهضت اسلامی ایران تحمیل شود. شاید هنوز هم دیر نشده باشد که چاره‌اندیشی مناسبی اختیار فرمایید و ملت انقلابی ما را بیش از آنکه به کابوس چنین مجتمع دچار کنید، بستر استعداد و امید را بار دیگر برایش بگشایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته  
جعفر شجونی - فخرالدین حجازی

### نامه دیگر جعفر شجونی در پاسخ به علی بابایی

آقای شجونی در پاسخ آقای علی بابایی، نامه دیگری در ۱۳۶۰/۲/۲۹ نوشت، که آقای علی بابایی نیز به آن پاسخ داد. متن هر دو نامه به شرح زیر است:

بسمه تعالی

نامه‌ای از شجونی نماینده مجلس به احمد علی بابایی - روزنامه میزان، ۱۳۶۰/۲/۲۹  
بله، من معتقد بودم تا امام هست، نباید خبرگان خلیفه تعیین کنند. این معنایش انحلال مجلس خبرگان نیست.

آقای علی بابایی، ما همدیگر را خوب می‌شناسیم. شما می‌دانید دیگران زودتر از من از شما بریدند و من دیرتر؛ چون من به مبارزات شما عقیده‌مند بودم. من زندان سال ۱۳۴۲ را فراموش نمی‌کنم و شب‌های دوشنبه را با آن صفای سابق هنوز آرزو می‌کنم. من روی عقیده به مبارزات شما آنچه تو با خطت نوشتی و دیگران هم امضا کرده بودند، بدون چون و چرا و حتی نگاه امضا می‌کردم. و خودت می‌دانی که من هرگز به بعضی اسامی داخل متن، ایمان نداشتم و حتی جز دو نفر از امضاکنندگان، بقیه را

## ۳۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

نمی‌شناسم. چرا نخوانده امضا می‌کردم؟ برای اینکه تو را بزرگواری می‌دانستم، نه سیاسی‌کار. و خود می‌دانی که در محفل شما و تصمیم شما نبودم.

بله، من نظرم این بود که خبرگان نباید تا وقتی امام هست، خلیفه بتراشند؛ البته تا آن وقت رئیس جمهور انتخاب نشده بودند. این نظر من بود، لذا با دیدن لغت تناقص در ورقه ممضی شده، بلافاصله قلم روی کاغذ گذاشتم و امضا کردم. و الآن صحت نظر سابقم را در جامعه می‌بینید. اینها را من انتقاد تلقی می‌کردم و شما هم انتقاد. ولی دکتر یزدی در دادگاه امیرانتظام این انتقاد را با انحلال مخلوط کرده. با اینکه دکتر یزدی این را خوب می‌داند. آیا شما و دوستان شما فرق بین انتقاد و انحلال را درک نمی‌کنید؟ بله، برای تطهیر توطئه انحلال مجلس خبرگان، شهود جمع‌آوری می‌کنید. آیا دولت موقت، فقط منتظر من و تو بود که طرح را شروع کند و عده‌ای هم امضا کنند به انحلال مجلس خبرگان؟ خداوند به شما و دوستان شما انصاف مرحمت فرماید.

آقای علی‌بابایی، در سال ۱۳۵۳ که من در زندان بودم و کسی جرئت نمی‌کرد به در خانه‌ام بیاید، تو و مولایی آمدی و حتی مقداری تخم مرغ و عسل آوردی - که با اینکه این شهد مزعفر را نخورده نمک‌گیر آن بودم - ولی به شما انتقاد فراوان دارم و با دلایل زیر رنجیده شدم:

- ۱- در فوت مرحوم مادرت جرئت نکردی تحمل سخنرانی بنده را بکنی و آن واعظ دعاگوی هویدا را به منبر فرستادی، که همه دوستانت به تو اعتراض کردند و گفتند تو در عمل دوگانه هستی.
- ۲- مرحوم آیت‌الله طالقانی به من می‌فرمود: ای شجونی، ترا به خدا مرا از دست علی‌بابایی نجات بده! گفتم چی شده؟ فرمود: آمده و می‌گوید می‌خواهم یک دست کت و شلوار برایت بیاورم و از این لباس بیرون بیا (در زمان دولت موقت).
- ۳- مکرر در مکرر می‌گفتی امام خمینی همه خوبی‌ها را دارد، فقط یک عیب بزرگ دارد و آن اینکه لباس آخوندی دارد.
- ۴- شما مکرراً به شهید مطهری و شهید مفتاح ناسزا می‌گفتی که در دادگاه دنیا و آخرت شهادت خواهم داد.

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۸۷

- ۵- شما تک‌رو هستی و برای خودت حتی یک دوست باقی نخواهی گذاشت.
- ۶- شما آنها را که با هویداها عکس و با ساواک ارتباط داشتند، درست می‌دانی؛ اگر چه آنها تو را قبول ندارند. واقعا اگر من این‌گونه بودم تو چه کار می‌کردی؟
- ۷- شما صلح کل هستی که با این همه شناخت باز در مورد منافقین، نامه‌ها می‌نویسی و امضاها می‌کنی و حتی دریغ مالی هم نداری.
- ۸- شماها انحصارطلب هستید که حتی امیرانتظام را بدون چون و چرا می‌ستایید.
- ۹- اگر این یک برگ از پرونده امیرانتظام را من می‌داشتم، هرگز مرا نمی‌بخشیدی و حتما از نظر تو جاسوس بودم.
- ۱۰- شما خودتان را برای انقلاب نمی‌خواهی، بلکه انقلاب را برای خودت می‌خواهی و حال اینکه معتقدم رقص تو در لیبی بی‌ریا و انقلابی بود.
- ۱۱- متأسفانه، مخالف حرفه‌ای شده‌ای؛ از سیاسی‌کاری خوشت می‌آید؛ حتی با دولت موقت و آیت‌الله طالقانی که از دوستان قدیمی بودند، مخالفت می‌کردی و ناسزا می‌گفتی.
- ۱۲- برای خاطر هوای نفس از **مجاهدین [خلق]** حمایت می‌کنی و حال آنکه آنها برای اینکه قاسم‌لو ناراحت نشود، حتی ذکری از بمباران زندان **دوله‌تو** به میان نیاوردند.
- ۱۳- ولی شما سایر دوستان خود را برای هیچ می‌کوبی.
- بله وقتی من پیوند شیطنی آقایان را فهمیدم بی‌علاقه شدم. آنچه از آنها دیدم نمی‌خواستم و آنچه می‌خواستم نمی‌دیدم. آقایان در حکومت منافسه دارند. شماها نقل ستم و بار انحراف از خط امام را به دوش کشیده‌اید؛ به همین دلیل و دلایل، من بی‌علاقه شدم و بدانید که دوستان جدیدی پیدا نکرده‌ام و هرگز به هیچ حزب و دفتر و جا و مکان وابسته نبوده و نخواهم بود. من ان‌شاءالله دنبال امامم و علاقه به شهید **نواب صفوی** را هرگز از دست نمی‌دهم. من از شماها خوبی دیده‌ام، ولی چون بدی‌ها بر خوبی‌ها چربیدند، دلسرد شدم و این دلسردی، دکتر یزدی را واداشت که در دادگاه امیرانتظام، با کمال بی‌انصافی بگوید شجونی گفته: «این خبرگان آبروی ما را برد». من این دروغ را هرگز نخواهم بخشید. مسائل بر ما آشکار است. من مثل شما نبودم که در رأی مثبت به قانون اساسی بر سر امام منت بگذارم. آقای یزدی، بی‌جا نبش قبر

## ۳۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

فرمودند و انتقاد را با انحلال مقایسه نمودند. این جاهلیت است که از دوستان سیاسی خود این گونه دفاع کنند، و لو به قیمت آبروی دیگران باشد. آقای علی بابایی، به هر صورت می‌دانید سیاسی‌کاری دل را سیاه و قلب را تبه می‌کند و در سن و سال شما و من، این کارها توبه دارد. توبه کنیم و از خدا بترسیم و بر سر دنیا دعوا نکنیم. خدا در کمین است و به قول مرحوم دکتر شریعتی، عقده‌ها را بر عقیده‌ها سوار نکنیم. «فمن يعمل مثقال ذره شراً یره» خداوند توفیق پرهیز از شیطان به ما عنایت فرماید.

شجونی واعظ

### پاسخ علی بابایی به نامه شجونی - چهارم خرداد ۱۳۶۰

جناب آقای شجونی

در پاسخ نامه‌ای که از طریق روابط عمومی مجلس برای این‌جانب فرستادید، اشعار می‌دارم:

۱- من اصرار ندارم و به من مربوط نیست که شما مخالف خبرگان و قانون اساسی بودید یا نه. فقط به حکم ضرورت، ناگزیر به ارائه توضیحی به دادگاه شدم. چه که برایم نقل شد: آن روز در حین دفاعیات آقای امیرانتظام، نامه‌ای از شما قرائت شد که شما چیزی امضا نکرده‌اید و آن نوشته‌ای هم که علی بابایی اسم شما را زیرش جا داده در اصل یا وجود خارجی نداشته یا با آنچه تلفنی موافقت گرفته شده، فرق دارد. قبول بفرمایید در این دنیای سوء ظن‌ها و تهمت‌ها و پرونده‌ها و در این اشتغالات نامبارکی که برای دادگاه‌های اسلامی پیش آمده، ظاهراً به من حق می‌دهید که بتوانم لااقل ضمن نامه‌ای دادگاه را از مآقع آگاه کنم!

۲- مرقوم فرموده‌اید: «آنچه تو با خطت نوشتی و دیگران هم امضا کرده بودند، بدون چون و چرا و حتی نگاه امضا می‌کردم»؛ درحالی‌که در نامه تقدیمی به دادگاه، چنین اعلام داشته‌اید: «این دومین بار بود که علی بابایی اسم بنده را زیر نوشته‌های خود جا داده است که از اولی به کلی بی‌اطلاع بودم و نوشته دوم با آنچه تلفنی دریافت کردم، تفاوت فاحش دارد...».

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۸۹

۳- معنی کلمات قاعداً آن نیست که من و شما اراده کنیم. کلمات خیلی پیش از ماها به وجود آمده و معانی به خود گرفته. آنچه از مضمون تلگراف و آن نوشته شناخته می‌شود، انتقاد است یا مخالفت؟ دیگران باید معنی کنند و ظاهراً مضمون آن از آنچه که به امیرانتظام نسبت می‌دهند تندتر است.

۴- در جریان درگذشت مادرم من در زندان برازجان تبعید بودم و از جریان خبر نداشتم تا سه روز بعد که همه مراسم تمام شده بود، به وسیله تلگراف تسلیت یکی از علما - رحمه الله علیه - از واقعه مطلع شدم؛ بنابراین، در هیچ امرش امکان ادای وظیفه نداشتم، چه رسد به انتخاب واعظش، و تا منبر رفتن بزرگوارانه و پر ارج جناب آقای صدر بلاغی<sup>۱</sup> که شما واعظ دعاگوی هویدایش نام دادید. هم او که حریت و آزادگی و یک چهره داشتن را از ابتدا پیشه ساخت. صدر بلاغی که زندگی و حضور او را در دوران طولانی طاغوت، دو - سه منبر تاریخی بت‌شکن تشکیل می‌دهد و اینک در جمهوری اسلامی خاموش و منزوی شبه گمنام، در انتظار سرنوشت نهایی راشد<sup>۲</sup> و امثال راشدها به کنج خلوتی خزیده است.

---

۱. سید صدرالدین بلاغی نایینی معروف به صدر بلاغی (۱۲۹۰-۱۳۷۳ش)، واعظ، خطیب، نویسنده و پژوهشگر شیعه قرن چهاردهم هجری است. نماینده آیت‌الله بروجردی در نهضت ملی شدن صنعت نفت و نیز نماینده وی در انگلستان بود. از سخنرانان و مدرسان دارالتبلیغ اسلامی قم و حسینیه ارشاد تهران و نیز از مؤسسان حزب جمهوری خلق مسلمان بود که پس از مدتی، از ادامه فعالیت در حزب استعفا داد. کتاب‌های قصص قرآن، برهان در قرآن، عدالت و قضا در اسلام از جمله آثار اوست. ترجمه صحیفه سجادیه و جاهلیت قرن بیستم، نوشته محمد قطب از وی به جا مانده است (ویراستار).

۲. حسینعلی راشد (۱۲۸۴-۱۳۵۹ش)، روحانی شیعه اهل ایران، نویسنده و سخنران مذهبی معروف. شهرت او به خاطر سال‌ها سخنرانی در رادیو ایران است. این سخنرانی‌ها هر هفته شب جمعه و نیز در مناسبت‌های مذهبی انجام می‌شد. او از معدود روحانیانی بود که صدایش از سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ش از رادیو ایران پخش می‌شد. راشد در دانشگاه تهران و مدرسه سپهسالار تدریس می‌کرد، فعالیت‌های سیاسی نیز داشت و به علت سخنرانی علیه کشف حجاب به زندان رفت. مهم‌ترین رویکرد سیاسی وی، حمایت از نهضت ملی شدن نفت بوده است. او پیشنهاد تصدی وزارت معارف را نپذیرفت و از نمایندگی مجلس شورای ملی نیز استعفا کرد. او فرزند ملا عباس تربتی است و کتاب «فضیلت‌های فراموش شده» را در شرح حال پدرش نوشت. دو فیلسوف شرق و غرب و مقالات راشد از جمله آثار مکتوب اوست. مجموعه سخنرانی‌های راشد نیز در چند مجموعه به چاپ رسیده است (برگرفته ویراستار از ویکی شیعه: <http://fa.wikishia.net/view/>).

## ۳۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۵- بنا نبود در جمهوری اسلامی «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»<sup>۱</sup> رایج بازار شود؛ همه پرونده داشته باشند و با کمال تأثر کار اساسی در این رژیم پر امید ملکوتی، اینک همین شده. ولی شما ظاهراً دیگر نباید با آن مناسباتی که خود در این نامه اشاره فرموده‌اید برای اثبات خود به این شیوه‌ها متشبث می‌شدید. من به قدری که به کار سوء تفاهم و پرونده‌سازی بخورد، خودم اقرار و سند ارائه کرده‌ام؛ شما قاعدتاً بایستی از این شیوه‌ها اجتناب می‌فرمودید.

۶- شما در این نامه مدعی هستید که من برای خودم حتی یک دوست باقی نمی‌گذارم، و مخالف حرفه‌ای هستم؛ حتی با دولت موقت و آیت‌الله طالقانی مخالفت می‌کردم و العیاذ بالله ناسزا می‌گفتم. آن وقت با این حال چگونه صلح کل هستم و با کسانی که با هویدا عکس و با ساواک ارتباط داشتند - که البته نظرتان دوستانی از دولت موقت هستند - دوست و همراه و موافق و حامی می‌توانم باشم. سبحان الله!

۷- من این را اخلاق اسلامی می‌دانم که اگر با کسی باشم، در موقع گرفتاری و ستم‌زدگی و عدوان، بی‌تفاوت نمانم. حدیث «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا للمسلمين فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»<sup>۲</sup> را من اول از آقای منتظری فراگرفتم. و اینک نیز آرزو می‌کنم عمرم را این‌گونه به پایان برسانم. من این کارها و دشمنی‌ها و نقاضت‌ها را خلاف اسلام و آنچه از این آیین من و شما طی بیست - سی سال گذشته علی‌آی نحو کان به مردم کرده‌ایم می‌دانم. یک کلام در مورد امیرانتظام بس که او به شهادت مهندس بازرگان و دکتر سبحانی که اقتدا کردن جناب‌عالی و بسیاری از اسلام‌شناس‌ها و دولتمردان فعلی را هنگام نماز به آن دو بزرگمرد عادل بسیار دیده‌ام، و آنها منتخب معتمد امام رهبر انقلاب هم بوده‌اند. امیرانتظام را آن دو، بی‌گناه اعلام کرده‌اند. باید ما نیز آرزو کنیم روز حساب، چنین شفیع و شاهد‌هایی داشته باشیم. اشتباه نکنید من هرگز با دولت موقت و انتخاب جناب آقای مهندس

۱. به راستی که برخی از گمان‌ها گناهند (سوره حجرات، آیه ۱۲).

۲. پیامبر اسلام: هر کس بشنود صدای آن کسی را که فریاد می‌کشد ای مسلمانان به فریادم برسید و پاسخش را ندهد، مسلمان نیست (شیخ کلینی، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۶۴).

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۹۱

بازرگان در آن شرایط و موقعیت انقلابی موافق نبودم، ولی فضیلت و پاکی و سابقه و خدمت و ایثار و اعتبار و آبرو چیزی نیست که قربانی این‌گونه داورهای سیاسی گردد.

۸- فلسفه تشکیل دادگاه، عرضه کردن اسناد و محتویات پرونده گناه‌کاری متهم است و آلا دادگاه و دادرس و حضور تماشاچی و انتشار در روزنامه‌ها معنی پیدا نمی‌کرد. من از آنچه در دسترس داور دیدم، گناهی متوجه او نیافتم و متأسفانه یا خوشبختانه، نوع مردمی هم که این چیزها را تعقیب می‌کنند همین‌گونه به قضاوت رسیده‌اند. حالا چیزهایی باشد یا بوده که دادرای انقلاب صلاح ندانسته برملا کند و همان‌ها را مبنای انحراف و گناه و جرم او قرار داده، من نمی‌دانم، شاید شما آگاه باشید. من بر اساس همان‌چه که در روزنامه‌ها خواندم آن اظهار نظرها را رد کرده و حمایت‌های اسلامی را به حکم وظیفه طلب کردم و پشیمان هم نیستم.

۹- آقای شجونی، حدیث رقص ما در لیبی دیگر کهنه شده. ملاحظه کردید به آن دوستان چه جواب دادم. درست است که منکر رقص «تویست داغم کن»<sup>۱</sup> و «رقص کبود» گردیدم، ولی با نهایت صراحت و سربلندی اعتراف کردم که من دو بار رقصیدم!

۱۰- یک بار نوشتم که من نه در گذشته عاشق سینه چاک مجاهدین بودم، نه امروز دشمن خونی آنها، و این کارها که با اینها پیش گرفته‌اند غیر اسلامی و مضر به حال انقلاب می‌دانم. دیگران و از جمله شما در گذشته در این باره چه می‌کردید، به وجدان خودتان رجوع کنید.

۱۱- اینکه کلمه خط امام را شما هم چماق کرده‌اید، باید عرض کنم من هرگز خط امام را به این تعریفی که امروز این بلاها را بعضی زیر این پوشش به سر انقلاب و این مردم آورده‌اند، قبول ندارم؛ هر کجا هم سرکار می‌خواهید چوقولی بفرمایید. من آن روز در خط رهبری و مرجعیت امام خمینی بودم که خیلی از سینه‌چاکان امروز در خط شیطان بودند. همان روز که مرحوم حاج آقا ضیاء را در سال ۴۱ تشییع

---

۱. «تویست داغم کن»، نام رمانی عاشقانه، اجتماعی و تاریخی از ر. اعتمادی در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی است (ویراستار).

## ۳۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌کردیم، همان روزها که ساواکی‌ها بالا و پایین کوچه‌ام به فال‌گوش ایستاده بودند و دویست نفر، دویست نفر از احرار و مبارزان به خانه‌ام آمد و رفت داشتند و همان روز که اعلامیه‌های آقای خمینی که اغلب مدعیان، تقیه که سهل است، تبری می‌جستند، من شب هنگام را به صبح نمی‌رساندم که هزاران هزار از آن را همچون برگ زر و برات آزادی به خلق تشنه می‌رساندم. ما خط رهبری و مرجعت امام خمینی را در زندان‌ها و کمیته و آرمان‌های سرکوب‌شده این ملت زجر دیده دنبال می‌کردیم. این قدر نام این چهره تاریخی و پرامید را وسیله و ابزار پاپوش‌دوزی‌های زشت قرار ندهید.

۱۲- من بحمدالله این توفیق را دارم که خیلی بیشتر از شما خودم را در قبال لغزش‌ها و گناه‌کاری‌ها که لازمه هر آدم زنده‌ای است مستوجب و مستحق استغفار و عفو و بخشش و عبرت و تنبیه می‌دانم و امیدوارم داوری و قضاوت همین مردم، که ناگزیر و لابد هم اینان زبان خدایند، راه توبه و ارشاد و تعالی را برای من پیوسته هموار کند. باقی حرف‌ها ان‌شاءالله سر پل صراط.

من نمی‌خواستم مناسبات ما به این صورت درآید. چنان‌که می‌دانید تا همین اواخر هم به هر بهانه به شما ادب و احترام می‌کردم. روی همین اصل نوشتن این پاسخ برایم بسی دشوار می‌نمود، ولی چاره چیست؟ برای آنهایی که چه امروز و چه فردایی که دیگر در اختیار ما نیست به داوری می‌نشینند، این توضیحات مفید خواهد بود. اضافه می‌کنم اعم از اینکه مکتوب بی‌تاریخ شما در روزنامه چاپ شود یا نه، این نوشته را برای چاپ به روزنامه نمی‌فرستم، ولی شما اگر صلاح می‌دانید با امکاناتی که در دسترس دارید، نسخه‌ای از این را برای همه آنهایی که از طریق روابط عمومی مجلس در جریان نامه خود قرار دادی بفرستید. ممنونم. والسلام.

با احترام - احمد علی بابایی - چهارم خرداد ۱۳۶۰

من با آقای شجونی آشنا نبودم. شاید در مجلس اول، برای اولین بار ایشان را می‌دیدم. در یکی از روزها، به هنگام تنفس، در حضور جمعی از نمایندگان مجلس که در راهرو جمع شده بودند، مرا که دید، با محبت و احترام در حضور نمایندگان گفت:



## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۹۳

«پسر من، حسن، بی دین به آمریکا رفت. اما در جلسات دینی این مرد شرکت کرد و مسلمان آگاه برگشت».

شجونی پسر، وقتی برای تحصیل به هیوستون تگزاس آمد، جذب گروه فارسی‌زبان انجمن اسلامی دانشجویان شد. البته فعال نبود، اما در جلسات به‌طور مرتب شرکت می‌کرد. ظاهراً شرکت در آن جلسات از نظر استحکام باورهای دینی‌اش مؤثر بوده است. وقتی از پدرش آن داوری را شنیدم در دل از خداوند تشکر کردم، اما به‌خنده و شوخی به شجونی جواب دادم، رفتارت در منزل و اندرون چگونه بوده است که پسرت بی‌دین به آمریکا آمده بود!

## ۷- نامه دکتر یزدی به رئیس شورای اسلامی درباره روابط بازرگانی با آمریکا - ۱۳۶۰/۵/۴

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

بعد از سلام. اخیراً گزارشاتی در مطبوعات خارجی منتشر شده‌اند که از توسعه روابط بازرگانی ایران و آمریکا، خصوصاً بعد از آزادی گروگان‌ها حکایت می‌نماید. انتشار این گزارشات، همراه با ارقام و آمار، اعتبار دولت جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان پایگاه و دژ مبارزات ضد امپریالیسم آمریکا مورد سؤال و تردید قرار می‌دهد. مخصوصاً توجه شما را به قسمت مربوط به درخواست تجهیزات ضد شورش و اسلحه و مهمات توسط ایران از آمریکا جلب می‌نماید.

به نظر این‌جانب، دولت و مقامات مسئول باید به این مسائل دقت و توجه کافی معطوف داشته و در موارد مقتضی برای روشن شدن ذهن مردم، توضیحات قانع‌کننده‌ای را بدهند. ترجمه دو نمونه از این گزارشات را عیناً تقدیم می‌دارد. خواهشمند است آنها را برای مقامات مسئول دولتی ارسال فرمایند تا در صورتی که مطالب گزارش شده، خلاف واقع باشند آنها را تکذیب نمایند و اجازه ندهند تبلیغات سوء دشمنان انقلاب اسلامی مؤثر واقع گردد. با تشکر. والسلام

دکتر ابراهیم یزدی - ۱۳۶۰/۵/۴

## ۳۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۸- اعتراض نمایندگان طیف اقلیت به رئیس مجلس شورای اسلامی - ۱۳۶۰/۶/۱۱

«بسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً به طوری که مستحضر هستید برخی از نمایندگان در رفتار و سخنان خود از حدود تذکر و توصیه به حق و انتقاد به جا نسبت به هم که یک سنت پارلمانی و فریضه اسلامی است، خارج شده، برخلاف تمام موازین شرعی معقول و مشروع و اخلاقی و مقررات قانونی، خود را مجاز و احیاناً ملزم می‌دانند که به هرکس و به هر یک از نمایندگان مجلس به عناوین مختلف، تهمت و افترا بزنند و نسبت‌های کذب بدهند و از هر گونه هتک حرمت و حیثیتی چه در محیط مجلس و چه در سخنرانی‌های قبل از دستور خود و یا خارج از مجلس خودداری نمی‌کنند و پا از این حد بالاتر گذارده و به اغوا و به تحریک مردم علیه ما تا سرحد اهانت و آزار و قتل می‌پردازند.

آخرین نمونه از این گونه اعمال، رفتار ناروا و غیر اسلامی برخی از نمایندگان در مراسم حزن‌انگیز و اندوهبار تشییع جنازه مرحومین جناب محمدعلی رجایی، رئیس جمهوری و جناب دکتر محمدجواد باهنر، نخست‌وزیر در مجلس شورای اسلامی در صبح روز دوشنبه ۹ شهریورماه جاری در جلسه خصوصی مقدماتی که در مجلس تشکیل شده بود و در راهروهای مجلس، کلمات زننده و اهانت‌هایی از طرف بعضی از آقایان نمایندگان و افراد ناشناخته حاضر در مجلس نسبت به نهضت آزادی ایران و اعضای آن صورت گرفت؛ از جمله اهانت آقای اسدی‌نیا در مجلس و سپس بیانات ناروا و تحریک‌کننده آقای فخرالدین حجازی که از بلندگوی خارج مجلس برای مردمی که جهت تشییع جنازه گرد آمده بودند، ایراد گردید و متأسفانه از صدای جمهوری اسلامی نیز مستقیماً پخش گردید؛ درحالی‌که نه ارتباط با آن حادثه داشت و نه در شأن آن مراسم و مجلس شورای اسلامی بود.

این‌جانبان برای رعایت شعائر اسلامی و احترام به شهدا، عکس‌العملی در برابر این رفتار ناهنجار از خود نشان ندادیم و حقاً می‌بایستی ریاست مجلس و همکاران محترم، مانع آن اظهارات و مدافع حقوق نمایندگان می‌شدند.

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۹۵

ما ناگزیر از طرح این سؤال هستیم که چرا در چنین روزی به جای آنکه در جهت وحدت و یکپارچگی که انقلاب و جمهوری اسلامی ما بیش از هر زمان بدان محتاج است و به کار گرفتن تمام نیروها در جهت مقابله با تجاوزات استعمارگران غربی و شرقی خصوصاً امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و دشمنان جنایتکار داخلی و جاسوسان و ستون پنجم آنها اقدام شود، با سوء استفاده از موقعیت حساس و احساسات پاک ملت، به ایراد چنین سخنرانی‌های تحریک‌کننده و اتهامات دور از انصاف دست زده می‌شود؟ یقیناً تصدیق می‌فرمایید که چقدر ایفای وظیفه و حضور ما در مجلس با چنین جوسازی‌های خلاف قانون و انسانیت و سمپاشی‌های مغرضانه مشکل است. والسلام علی من اتبع الهدی

یدالله سبحانی، مهدی بازرگان، احمد صدر حاج‌سیدجوادی، ابراهیم یزدی، هاشم صباغیان».

### ۹- نامهٔ دکتر یزدی به رئیس مجلس شورای اسلامی - ۱۳۶۰/۶/۱۱

«بسمه تعالی

جناب آقای هاشمی

در جلسهٔ دیروز مجلس، جناب آقای خلخالی مطالبی را در مورد وزارت امور خارجه در زمان تصدی این‌جانب بیان داشتند که دور از حقیقت و بی‌اساس بوده می‌باشد؛ لذا استدعا دارد وقتی را تعیین بفرمایید که این‌جانب با توضیحات خود رفع شبهات را از ذهن نمایندگان و مردم بنمایم. با احترام - دکتر یزدی».

### ۱۰- تلگراف تسلیت دکتر یزدی به محمد صادق بن یحیی، وزیر امور خارجهٔ

الجزایر، در پی زمین‌لرزه در آن کشور - ۱۳ اکتبر ۱۹۸۱، برابر با ۲۱ مهرماه ۱۳۶۰

بن یحیی، وزیر امور خارجهٔ الجزایر، مردی روشن و عمیقاً هوادار انقلاب اسلامی ایران بود. در سفر کوبا از نزدیک با او آشنا شدم. با او در کوبا مذاکرات مفصلی دربارهٔ عراق و سیاست‌های غلط و نادرست صدام داشتم. در حضور او چندین جلسه با رئیس جمهور الجزایر صحبت کردم و در نهایت بن یحیی ترتیب دیدار من با صدام را داد. گزارش کامل دیدار و گفتگوی رئیس جمهور الجزایر با صدام در: «شصت سال

## ۳۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

صبوری و شکوری، خاطرات دکتر ابراهیم یزدی، جلد ۵، دفتر سوم: روابط بین‌الملل، اردیبهشت - آبان ۱۳۵۸» آمده است.

«بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای محمد صادق بن یحیی، وزیر امور خارجه الجزایر  
برادر عزیز، خبر فاجعه زمین‌لرزه در «الاصنام» که موجب مرگ بیش از ۵۰ نفر از  
برادران و خواهران و خسارت عظیم شد، موجب بسی غم و اندوه شده است. لطفاً  
مراتب تسلیت عمیق ما را به جناب رئیس جمهوری و ملت الجزایر ابلاغ فرمایید. از  
خداوند متعال می‌خواهم که در مواقع سختی و مصیبت نظیر آنچه در الجزایر اتفاق  
افتاده است، به ما صبر و شکیبایی عنایت فرماید.  
برادر شما ابراهیم یزدی - نماینده مجلس شورای اسلامی ایران

### ۱۱- نامه دکتر یدالله سحابی به رئیس مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۱/۲/۱۱

بسمه تعالی

جناب آقای هاشمی، رئیس مجلس شورای اسلامی  
وظیفه نمایندگی و دینی ایجاب می‌کند که درباره اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب  
اسلامی که فعلاً در مجلس مورد بررسی است، مراتب ذیل را به استحضار برسانم و  
خواهش کنم که نسبت به مطالب آن توجه مخصوص مبذول فرمایید. اساسنامه سپاه  
پاسداران، در وضع موجود آن، که مورد بحث مجلس است - مخصوصاً از لحاظ آنکه  
می‌خواهند این سازمان را به صورت وزارتخانه‌ای درآورند، به خیر و صلاح نیست و  
خالی از خسران و زیان‌های بزرگ نمی‌باشد. این اظهار نظر به چند دلیل متکی است  
که عمده آنها ایجاد دلسردی و بدبینی در سازمان‌های ارتش و نیروهای منظم است که  
در حال حاضر به هیچ وجه به مصلحت کشور نمی‌باشد. سازمان‌های دفاعی نظامی  
مملکت، وجود تشکیلات دفاعی دیگر تحت عنوان وزارت سپاه پاسداران را ممکن  
است در مقابل خود و شاید مخالف خود تصور کنند و روح مسالمت و همکاری که  
بحمدالله حالا بین این دو نهاد فراهم شده و مظاهر آن در جبهه‌های دفاعی کشور  
مشهود است، مخدوش نماید. حضور بالاتفاق نظامیان و سپاهیان در جبهه‌های جنگ و  
هماهنگی و همدلی فرماندهان آنها، مهر و ایثار مشابه و یکسان هموطنان نسبت به همه

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۹۷

آنان، نتیجه‌اش همین همکاری‌های نمایانی [است] که در پیروزی‌های اخیر ظهور و بروز دارد. اما وقتی آتش جنگ خاموش شود - که ان‌شاءالله به زودی خاموش شود - و همکاری حضوری در نیروی دفاعی فراهم نبود، با تشکیل دو وزارت دفاع جداگانه، وحدت روش در فرماندهی زمان صلح وجود نیافت و بدگویی و نمایی دشمنان دین و وطن در کار بود، معلوم نیست چه سرنوشتی برای جمع نیروی دفاعی کشور ما پدید خواهد آمد. درحالی‌که اگر دو سازمان نظامی و سپاهی کشور، با استقلال مالی هر یک از آنها و تخصیص وظائفی که بر طبق قانون به عهده آنها محول شده و با نظارت و ایجاد هماهنگی شورای عالی دفاع، سازمان واحدی به نام وزارت دفاع برقرار شود و مجلس شورا هم به وسیله رئیس مجلس که عضو شورای دفاع است و در کار شورای مزبور نظارت داشته باشد، مسلماً موردی برای احتمال اختلال به نحوی که مذکور شد، نخواهد بود.

و اما دلایل دیگر این پیشنهاد و اظهار نظر:

۱- با ایجاد وزارت سپاه پاسداران، با تشکیلات اداری مربوط به حوزه وزارتت آن و تهیه اماکن و محل‌های اختصاصی و عملی در تمامی سطح مملکت و تهیه وسائل دفاعی اختصاصی، بار مالی بسیار سنگینی بر بودجه کشور تحمیل خواهد کرد که هرگز با وضع مالی فعلی ما متناسب نمی‌باشد و قبول انجام چنین مخارج که هیچ الزامی بر آن نیست و با همکاری و استفاده از وسایل نظامی موجود، همه احتیاجات مزبور رفع می‌شود، عمل شایسته‌ای از طرف مجلس شورای اسلامی نخواهد بود.

۲- در اولین جلسه طرح اساسنامه سپاه پاسداران در مجلس در روز دوم اردیبهشت‌ماه جاری، فرماندهان سپاه که اثر مفید و ارزنده‌ای در حسن اداره جبهه‌های جنگ تحمیلی داشته‌اند، عدم رضایت خود را نسبت به تشکیل وزارت سپاه اظهار می‌داشتند و دلایلی بر این عدم رضایت اظهار می‌نمودند و حق بود به این ایرادات توجه بیشتر مبذول می‌گردید. با تشکیل وزارت سپاه، اصلاحات اساسی که در این چنین سازمان لازم است، صورت نمی‌گیرد، ولی با تشکیلات اداری محدودتر و اخلاص عمل بیشتر است که می‌توان به مقصود اساسی رسید.

## ۳۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

۳- مقرراتی که در قانون پیشنهادی وزارت سپاه پاسداران پیش‌بینی شده است، اختیارات وزیر سپاه را بسیار محدود نمود است و از این جهت وزیر تأثیر چندانی در حسن اداره وزارت مربوط نخواهد داشت و این برخلاف اصول مربوط در قانون اساسی است که وزیران موظف به حسن اجرای تکالیف قانونی وزارتخانه مربوط و نیز مسئول مجلس شورای اسلامی می‌باشند.

جناب آقای هاشمی، اساسنامه سپاه پاسداران در مجلس مطرح شده و تاکنون قسمتی از آن و مخصوصاً ماده مربوط به تجویز تشکیل وزارت سپاه به تصویب رسیده، ولی ناتمام است و تا تصویب شورای نگهبان شکل قانونی ندارد. همان‌طور که در مقدمه به استحضار رسانیدم احساس وظیفه سنگینی مرا به ذکر مراتب فوق وادار نمود. تقاضا دارم در آنچه که از سر اخلاص و خیرخواهی عرض شده است توجه خاص بفرمایید و به هر نحو که مقتضی می‌دانید آقایان نمایندگان را متذکر ساخته بلکه سازمان سپاه پاسداران با مقررات قانونی را به شکل سازمان مستقل تحت نظر شورای عالی دفاع (شورای دفاع که رئیس مجلس شورای اسلامی نیز عضو آن باشد) وابسته به وزارت دفاع کشور به تصویب برسانند.

با احترام - یدالله سجابی - ۱۳۶۱/۲/۱۱

۱۲- نامه مهندس عزت‌الله سجابی، نماینده مجلس شورای اسلامی به آقایان خامنه‌ای رئیس جمهوری و هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی - ۱۳۶۱/۲/۱۱  
بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام خامنه‌ای، ریاست محترم جمهوری

جناب حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی  
در روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۸۳۹ مورخه ۱۳۶۱/۲/۶ صفحه ۹، طی مقاله «آیا سزاوار است؟» به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نسبت به این‌جانب اتهاماتی وارد کرده است. این مقاله در سرمقاله ارگان رسمی حزب جمهوری اسلامی که امروزه دولت و تمام ارگان‌های حاکمه و نهادهای انقلابی را در اختیار دارند، قطعاً نمی‌تواند خالی از معنای دادن خط و برنامه سیاسی به همه دستگاه‌های اجرایی و تبلیغاتی و نمایندگان

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۳۹۹

مجلس و غیره باشد؛ بنابراین، این جانب می‌بایستی منتظر اقدامات بعدی و تدوین اوراق بعدی پرونده‌ای که در شرف افتتاح و تکمیل است، باشم!

در روزنامه چنین آمده است: «... باید دانست که این همراهی، دفعی و غیرمنتظره نیست؛ چرا که بعضی از این افراد، در جلسات دیگری خارج از کشور و در سایه راهنمایی‌های شخص مفسدی چون «احسان نراقی» حاضرند و مشترکاً حرکت‌هایی را دنبال می‌کنند. اسامی احمد سلامتیان، احمد غضنفرپور، بنی‌صدر، قطب‌زاده ...؟؟؟ و عزت‌الله سجابی را در بسیاری از این جلسات می‌توان در کنار هم دید ...».

البته مطابق با قوانین اساسی و مطبوعات، این جانب حق دارم و می‌بایستی اعتراض خود را به روزنامه جمهوری اسلامی و سپس به مقامات قضایی ارسال نمایم، ولی از آنجا که شما دو نفر بزرگواران، در مقام رهبران عالی حزب جمهوری اسلامی، ریاست عالی بر روزنامه ارگان دارید و نیز بالاترین مقامات اجرایی و تقنینی دولت جمهوری اسلامی و طبعاً اشراف کامل بر امور و روندها و جریان‌های سیاسی دارید و از اینها گذشته، بیش از همه مقامات و دست‌اندرکاران فعلی مرا می‌شناسید و به سوابق سیاسی و مکتبی و مبارزاتی من که بیش از ربع قرن سابقه دارد، آشنایید، بهتر دانستم که شکایت و درد دل خویش را با شما در میان گذارم و از شما بخواهم قبل از اینکه این‌گونه سمپاشی‌ها در اذهان تثبیت شود و جریان‌ها و روندهای مقدم به آن در نیات خود موفق گردند، نسبت به جبران و تصحیح آن اقدام کنید. شما به سبب مسئولیت‌هایی و همان مقاماتی که دارید در برابر قانون، مردم، تاریخ، پروردگار عالم تعهد و مسئولیت دارید و اگر نسبت به این‌گونه حرکات و بازی‌های طرد و دفع و تفرقه‌افکن، بی‌اعتنا و خون‌سرد یا احیاناً مؤید و خط‌دهنده باشید، آنها چنان سیل‌آسا و طوفان‌زا رشد خواهند کرد که هرگز قابل و قادر به مقابله و مقاومت در برابر آنها نخواهید بود و خود شما و افکار و آملتان را با خود خواهد برد.

اگر آن آقای نویسنده یا نویسندگان این مقاله، در گذشته و رژیم سابق، خود اهل مبارزه سیاسی می‌بودند، قطعاً مرا می‌شناختند و خط فکری و عقاید و شیوه عملی و مبارزه مرا با اشخاصی که در آن سطور آمده است، خلط نمی‌کردند و با این نوشته‌ها و نگرش‌ها نشان دادند که مسلماً در امر مبارزه و سیاست، تازه‌کار و بی‌سابقه‌اند؛ یا به دار

## ۴۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

و دسته‌های خاصی تعلق دارند که امروزه در آرزوی خدمت انحصاری و زیر لوای احزاب و اشخاصی موجّه، جمهوری نوپای اسلامی را به جایی می‌خواهند ببرند که خود می‌دانند. این اشخاص اگر کمترین سابقه سیاسی یا اطلاع تاریخی می‌داشتند می‌دانستند که من کجا و احسان نراقی و ماسالی ... کجا.

از این گذشته، مصداق «دروغگویان کم حافظه هم هستند» شاید به یاد نداشتند که در آن ایام که این اشخاص در خارج به فعالیت‌هایی مشغول بودند، من در کجا و در چه موقعی قرار داشتم. نیاز به راه دور و تلفن و از اسناد پرونده‌های مخفی و علنی تحقیق کردن نبود. آن نویسنده می‌توانست از اکثریت اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری، که تازه به دوران رسیده نباشند، یا از خود شما پرسند تا بدانند که این جانب طی دوره خردادماه ۱۳۴۲ تا آبان‌ماه ۱۳۵۷، دورانی که ظاهراً آن جلسات مورد ادعای ایشان در خارج از کشور تشکیل می‌شده است، یازده سال و اندی را در زندان‌های تهران و برازجان و شیراز به سر برده و چهار سال را هم ظاهراً آزاد ولی محروم و ممنوع از خروج از کشور و زیر نظر و مراقبت «ساواک» بودم، و بسیاری از همان اعضای رئیسه و فعالین حزب، اعم از حاضرین یا شهیدان و فقیدان با من در زندان‌ها بوده و از اندیشه‌ها و اخلاقیات و خط سیاسی‌ام باخبرند. طی دوره ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ نیز ضمن سه بار زندان و آزادی کوتاه مدت، مسیری جز مقاومت و مبارزه با رژیم استبداد و استعمار و فساد، و دینی و طریقی جز تعقیب و تبلیغ مشی و مکتب اسلام انقلابی نداشتیم و سال‌های بعد از انقلاب را نیز خود شما حاضر و همکار بوده‌اید. این آقایان با این اتهامات و پرونده‌هایی که می‌خواهند افتتاح فرمایند و با وارد کردن این جانب و امثالهم به خروج از صحنه و بازگرداندن میدان خدمت به اسلام و امت اسلامی برای اهل شعار و فرصت‌طلبان بی‌مایه و ایمان، به چه کسی و چه جریانی می‌خواهند خدمت کنند. ما بالاخره، در کنج غزلت خانه یا در گوشه‌های زندان و تبعید هم، ضمن آنکه روحاً و وجداناً آزادتر می‌شویم، بالاخره بحول و رحمت الهی راهی برای خدمت و انجام وظیفه و تکلیف شرعی می‌یابیم؛ به دنیا و مقامات و منصب‌هایش هم به قدر فرصت‌طلبان راست و چپ امروزی، بحمدالله وابسته نیستیم. ولی با متهم ساختن و طرد و نفی من و امثال من از خدمت، ما که جز عشق و اخلاص به انقلاب اسلامی



## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۴۰۱

سرمایه‌ای نداریم، جلوی کدام خطر را می‌گیرند؛ راه را بر کدام دولت می‌کشایند؟ آنها اگر راست می‌گویند و جلوی خطر را می‌خواهند گرفتن، جلوی رشد ضد انقلاب و سلطنت‌طلبان و فعالان مخلص بازگشت به نظام طاغوتی را بگیرند. و ستعلمون غداً من الکذآب الأثیر.

در جای دیگر همان مقاله، مرا به خطوط لیبرالی، ملی‌گرایی یا غرب‌گرایی چسبانده است! البته با یک شعار هر کس را به هر چیز می‌توان نسبت داد، خصوصاً اگر عدم مسئولیت شرعی و اجتماعی و غرض‌های نامعلوم هم در کار باشد. وقتی در برابر مجلس، افرادی ساده‌بی‌خبر و پرشده و تعلیم سطحی‌یافته، علیه این‌جانب تظاهرات می‌کنند یا مرا به خطوطی که تناسبی با من و عقاید و سوابق ندارد، نسبت می‌دهند، سکوت کرده و خشم و درد خود را فرو می‌خورم با این اندیشه که این افراد، تازه‌کار و بی‌اطلاعتند و از تاریخ سیاسی نیم قرن اخیر کشور و موازین [و] ویژگی‌های مبارزه با استعمار و با خطوط فکری و سیاسی موجود و گذشته بی‌خبرند. ای کاش که این (ناخوانا) سرباز ساده و بی‌پیرایه را از صاحبان شعار و علم و دکان و دستگاه باز می‌شناختند «یا لیت قومی یعلمون». ولی وقتی این‌گونه سمپاشی‌ها [از] روزنامه‌ارگان حزب، بروز می‌کنند، ساکت نشستن در برابر آن را جایز نمی‌دانم. اینجا دیگر حق شخصی من نیست که پامال می‌شود، اینجا خروش و هجوم دیو سرکش هرج و مرج و فرصت‌طلبی و دکانداری است که سرانجامش معلوم و علی (ع) نهایت آن را در وصیت خویش فرموده است: «یوَلِّیْ عَلَیْکُمْ شَرَّ مَا خَلَقْکُمْ»<sup>۱</sup>. اگر خدمتی انجام داده یا ادای وظیفه و تعهدمان است و کسی را حتی به قدردانی زبانی، پاداشی که (ناخوانا) است، هم نمی‌طلبیم، و اجر و پاداشی جز از حضرت رب الارباب امید نمی‌داریم. مسئله این است یا اهدی سود (ناخوانا) و تجارت یا فرصت‌طلبان سیاسی چپ و راست و شرق و غرب که امروزه خطشان و سکه‌شان بسیار رایج است، در هر جا اثر انگشت دارند؟

---

۱. اصل عبارت نهج البلاغه این است: «فیولی علیکم شرارکم: پس بدترین شما را به فرمانروایی بر شما می‌گمارد (نهج البلاغه، نامه ۴۷، تصحیح صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۲۲).

## ۴۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

آیا این مملکت، آدم وفادار و دلباخته اسلام و انقلاب و صاحب بینش و سابقه خیلی زیاد دارد؟ احتمالاً خدمتتان می‌گویم که از نظر غرب‌زدگی و ملی‌گرایی [ناخوانا]، مراجعه‌ای به مقاله «ملت مسلمان ایران، مستشار مسیحی نمی‌خواهد» در «مجله گنج شایگان» تاریخ آبان ماه ۱۳۳۲ یعنی سه ماه پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، و در بجهوه حکومت کودتاچیان، و نیز مقدمه کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» اثر استاد شهید مطهری که در متن اجرای سیاست اسلام‌زدایی و رژیم گذشته نوشته شده است، بفرمایید و دستور و توصیه فرمایید که سرمقاله نویسان «روزنامه جمهوری اسلامی» نیز آن را بخوانند تا خط فکری و سیاسی بنده را بهتر بشناسند و آنگاه به ردّ و طرد و ... پردازند. در مورد اتهام لیبرالیسم نیز، خودتان بهتر می‌دانید و مرا می‌شناسید، عجب آنکه، در این مرز و بوم، هستند کسانی که به دلیلی از مواضع ضد لیبرالی من در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خوشنود نیستند و آن را علیه خویش یا منافع خویش می‌دانند و درست است که سردمدار چسباندن من به لیبرالیسم می‌باشند و این را در فرهنگ سیاسی امروز، از موضع راست، چپ زدن یا چپ نمودن می‌نامند. به هر حال به نویسندگان روزنامه ارگان بفرمایید که:

بودم آن روز من از طایفه دُردکشان که نه از تاک نشان بود و نه از تاک‌نشان در پایان مقاله، مجدداً چنین آمده است: «آیا سزاوار است کمیسیون‌های برنامه و بودجه، علوم، پزشکی و نیرو و ... هنوز اسیر دست کسانی باشند که زحمت‌های بجای مانده ...» ظاهراً نویسنده یا نویسندگان سرمقاله مذکور، که در مجلس تشریف ندارند یا از وضع کمیسیون‌های مجلس خبر ندارند. آنها ندانسته‌اند که ریاست کمیسیون‌های مجلس چون ریاست ادارات و شرکت‌ها نیست که رئیس آن از مزایا و موقعیت‌هایی سوی اعضای آن برخوردار باشند. ریاست کمیسیون‌های مجلس، به‌طور کلی، جز مسئولیت و بار سنگین‌تر از سایر اعضا داشتن، مزایایی ندارد و به‌طور خاص، کمیسیون برنامه و بودجه که حجم کارهای محوله به آن اعم از لوايح و طرح‌ها، بودجه‌های سالیانه و اصلاحیه‌های بودجه، رسیدگی به طرح‌های عمرانی و تعقیب و پیگیری آنها و نیز رسیدگی به هزینه خاص و ضروری چندان است که قابل قیاس با سایر کمیسیون‌ها

### نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۴۰۳

نیست. بار مسئولیت رئیس آن نیز با سایر کمیسیون‌ها قابلیت قیاس ندارد. و این قولی است که همهٔ مجلسیان و ادارات و قوانین و حقوقی مجلس بر آنند. حال اگر، تنها اسم ریاست کمیسیون، برخی از برادران و خواهران را به حساسیت و ناراحتی وا می‌دارد با کمال میل آن را تقدیم طالبانش می‌دارم. یک بار در سال گذشته به‌طور کتبی از ریاست کمیسیون استعفا دادم و با اعتراض جدی اعضا برخورد کردم و دو بار هم به‌طور شفاهی در جلسات مشترک هیئت رئیسه و رؤسای شعب به ریاست مجلس و نایب رئیس مجلس آقای خویینی‌ها نظرم را بر استعفا گفتم و ایشان مصلحت ندانستند و یقیناً نه مصلحت شخص بنده که مصلحت کمیسیون برنامه و بودجه و خود مجلس ندانستند. از طرف دیگر، [وقتی] سرمقاله‌نویس «روزنامهٔ جمهوری اسلامی» [مطالبش] را به این امور اختصاص دهد و در مردم این فکر را به‌وجود آورد که امور داخلی مجلس هم با برنامه‌ریزی و خط دادن روزنامهٔ ارگان حزب می‌گذرد، بدین ترتیب اعتبار مجلس خدشه برمی‌دارد. به هر حال مدت‌ها است که این‌جانب منتظر تصویب آیین‌نامهٔ جدید مجلس و اجرای آن هستم که هرچه زودتر از ریاست کمیسیون کنار روم تا حساسیت و تحریکی را ایجاد نکند و خود آزادتر و فارغ‌تر گردم و بتوانم به امور اساسی‌تر بپردازم.

برادران گرامی، من این سطور را نه برای دفاع از شخص خود یا تبرئه خود می‌نویسم که خودتان بیش همه مرا می‌شناسید و نه از ترس پرونده‌سازی و عواقب آن است که برای پذیرش هر عاقبتی، از قبیل اخراج از نمایندگی، تبعید، زندان و چیزهای دیگر آماده‌ام و در هر [... ناخوانا] به‌طور وجدانی و درونی خود را آسوده‌تر می‌یابم. این بنده در برابر بسیاری از نابسامانی‌ها، حکم‌ها و بی‌تقوایی‌ها که امروزه رایج بازار روز است، سکوت کرده‌ام؛ می‌دانید برای چه؟ برای اینکه مبدا صدا و فریاد اعتراض من موجب وهن و تضعیف انقلاب و مجلس شورای اسلامی شود که امروز از جهات گوناگون خارجی و داخلی و «داخلی داخلی» مورد هجوم است؛ و بدانید که از جانب بسیاری از مردم به سکوت و سازش و کنار آمدن با قدرت متهم شده و هستم؛ درحالی‌که گذشتهٔ من و منش شخصی من چنین حکم نمی‌کند. حال غرض از نوشتن این سطور، یادآوری هشداری به شما است؛ به شمایی که بالاترین مسئولین این

#### ۴۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

کشورید، که در این سرزمین جریاناتی و روندهایی، زیر لوای شما در حرکت است که همه کس و همه چیز را لگدمال کند و بکوبد، حتی کسی با سوابق و موافق ناچیز ولی به هر حال واقعیت این بنده. که چه شود؟ جامعه‌ای که دوست را از دشمن و خادم صادق بی ادعا و صدا را از خائنین و مدعیان اسلام و جامعه اسلامی باز نشناسد، سرانجامش همان پیش‌بینی علی(ع) است که در بالا رقم رفت. آیا تصور می‌کنید که این شیوه کوبیدن و طرد و منع و نفی و بی‌آبرو کردن اشخاص - اشخاصی که نه مخالف شما یا رقیب شما، بلکه اندکی متفاوت باشد می‌اندیشند و در عوض سینه‌ای مالا مال از دلدادگی به اسلام، انقلاب اسلامی و امت اسلامی دارند - به جایی می‌رسد که بار جمهوری اسلامی را کج به منزل می‌رساند؟ اگر خلاف این می‌اندیشید چرا در برابر این طوفان نمی‌ایستید؟ لازم نیست که فکر این و آن و امثال من باشید؛ به فکر انقلاب باشید که اگر قرار شد همه فرزندان و مؤمنین قدیمی‌اش حذف شوند، با نویسندگان و تازه‌کاران پرحرارت ولی کمتر عمیق و یا فرصت‌طلبان و قدرت‌دوستان، آیا بار جمهوری اسلامی به منزل می‌رسد؟ تنها [ناخوانا] این جامعه نیازمند بدهکاری و همفکری هزاران مسلمان متعهد و آگاه و با بینش است چه رسد به امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی. در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی، جامعه ما امروز بر راهی و جاده‌ای افتاده است که برگشت ندارد. نکند که خواص و ضرورت‌ها [افتادگی مطلب] این راه برگشت‌ناپذیر، شماها و ما را به جایی ببرد که هرگز تصورش را هم نمی‌کردید. و اتقوا فتنه لا تصیبین الذین ظلموا منکم خاصة.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد که شما آقایان هم از جریانات مزبور رضایت ندارید، ولی عدم رضایت کافی نیست؛ باید با قدرت در برابر خطوط به ظاهر ایرانی و اسلامی ولی در حقیقت برانداز و نابودگر ایستاد تا سرنوشت جمهوری نجات یابد. اگر در این موفقیت که از یک طرف مردم، شور و هیجان و ایثاری دارند و از طرف دیگر وجود مغتنم امام حضور دارند و از نقش و تأثیر و جاذبه ایشان می‌توانید بهره بسیار ببرید، کاری در

---

۱. بهره‌یزید از بلا و مصیبتی که چون نازل شود تنها ستمکاران را دربر نمی‌گیرد، بلکه همگان زیان خواهند کرد (سوره انفال، آیه ۲۵).

#### نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۴۰۵

جهت هدایت و تربیت مردم و اصلاح روندهای سیاسی ننمایید فردا خیلی دیر است و شما را قدرتی در اصلاح وضعیت و مقاومت در برابر این جریانات هم نخواهد بود.  
والسلام علی من التبع الهدی. ربنا هب لنا من لدنک رحمۃ و هیئ لنا من امرنا  
رشداً.

برادر شما عزت‌الله سبحانی - ۱۳۶۱/۲/۱۱

#### ۱۳- یادداشتی به وزارت ارشاد و پاسخ آن - ۱۳۶۱/۱/۱۶

بسمه تعالی

برادر گرامی جناب آقای بروجردی، معاونت محترم وزارت ارشاد اسلامی  
بعد از سلام و تبریک سال نو و پیروزی‌های چشمگیری ارتش اسلام در جبهه‌های نبرد  
علیه دشمن متجاوز بعثی، نامه‌ای که یکی از برادران مسلمان مقیم کانادا همراه با  
ضمائم ارسال داشته است خدمتتان می‌فرستم و امیدوار است همان‌طور که نویسنده  
نامه درخواست کرده است نشریات خارجی آن وزارتخانه جهت آدرس‌های مورد نظر  
ارسال گردد. با تشکر. والسلام.

ابراهیم یزدی - ۱۳۶۱/۱/۱۶

بسمه تعالی

برادر ابراهیم یزدی

نماینده محترم مردم در مجلس شورای اسلامی  
عطف به نامه مورخ ۶۱/۹/۸ به‌عنوان مقام عالی وزارت، ضمن اعلام وصول کتب و  
جزوات بدین‌وسیله مراتب تشکر و سپاسگزاری ایشان را اعلام می‌دارد.  
با احترام - رحیم پیروزفر - سرپرست موقت دفتر وزارتی - ۱۳۶/۹/۱۳

#### ۱۴- شکایت مهندس بازرگان و دکتر یزدی از مجله پیام انقلاب

شماره: ۱۷۸۰

جناب آقای کیوان

بازپرس محترم شعبه ۱۵ داد سرای عمومی تهران  
بعد از سلام، پیرو برگ احضاریه و بازرسی ۷۵۵/۱۵/۶۱ مورخه ۱۳۶۱/۱۱/۱۳ که به  
موجب آن این‌جانبان را جهت ادای توضیحات درباره اعلام جرمی که در تاریخ

## ۴۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

۱۳۶۱/۱۱/۶ از نویسندگان و مسئولان «مجله پیام انقلاب» (ارگان سپاه پاسداران) به عمل آورده‌ایم، احضار فرموده‌اید و پیرو مذاکره شفاهی، اشعار می‌دارد که این جانبان کماکان بر اعتراض و اعلام جرم خود باقی هستیم. ضمناً مدرک و ماخذ و نوع جرم در متن اعلام جرم ارسالی آمده است و همچنین فتوکپی صفحه‌ای که مجله پیام انقلاب در آن، مطلب مورد اعتراض ما را درج کرده است، ضمیمه نموده بودیم؛ اگرچه این اولین باری نبود که نویسندگان «مجله پیام انقلاب» و تحلیل‌های سیاسی سپاه چنین تخلفاتی را مرتکب شده‌اند.

جناب آقای بازپرس، اصرار و تأکید این جانبان بر آن است که در این مملکت اسلامی می‌بایستی مقامی باشد که یک بار و برای همیشه به این اتهامات و برچسب زدن‌ها و تخلفات از قانون رسیدگی نموده و به این جوسازی‌های مسموم‌کننده پایان بدهد. ما امیدواریم با طرح این شکایت و رسیدگی جدی از طرف آن مقام محترم، قوه قضایی جمهوری اسلامی نشان دهد که می‌تواند به وظایف خود عمل کند و متخلفین را در هر مقام و منصب و در هر لباس که باشد مجازات نماید. ما با طرح این شکایت وظیفه خود را انجام داده‌ایم؛ حال وظیفه شماست که آنچه را قانون شما را بر آن موظف ساخته و وجدان انسانی و ایمان اسلامی و آگاهی قضایی شما حکم می‌کند، به آن رسیدگی کرده و با متخلفین به دور از هر گونه گرایش سیاسی و یا تمکین به فشارهای سیاسی احتمالی بر طبق قانون رفتار کنید. والسلام. والعاقبة للمتقين  
مهدی بازرگان - ابراهیم یزدی - ۶۱/۱۲/۲

۱۵- نامه آقایان دکتر سحابی، دکتر سامی و دکتر یزدی به هیئت رئیسه مجلس -

۱۳۶۲/۲/۱۱

بسمه تعالی

هیئت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی  
محترماً در تاریخ ۶۲/۲/۵ دستورالعملی به‌عنوان رؤسای شعب مجلس به امضای جناب آقای سید محمد خامنه‌ای، نایب رئیس محترم ارسال شده است که در آن به مضمون زیر اشاره رفته است: «چون به نظر اکثریت هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی،

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۴۰۷

کمیسیون بهداری مجلس به سبب استعفای پنج نفر از اعضای آن (آقایان شیرازیان، خلیلی، زرگر، شبانی و معین) و عدم تمایل افراد مناسب برای عضویت آن منحل اعلام شده است» و آنگاه به استناد دلایل مذکور اضافه کرده‌اند که: «ناگزیر برای تشکیل دوباره آن باید از طریق شعب رأی‌گیری شود» که چون این دستورالعمل و استدلال مورد استناد آن موافق اصول قانون اساسی و مواد آیین‌نامه داخلی مجلس نبود، لازم دانستیم که توجه هیئت محترم را به موارد زیر جلب نمایم:

۱- در این دستورالعمل به استناد دو دلیل، و با نظر اکثریت هیئت رئیسه، یکی از کمیسیون‌های مجلس منحل اعلام شده است؛ درحالی‌که اصولاً انحلال کمیسیون‌ها در هیچ کدام از فصول و مواد آیین‌نامه داخلی پیش‌بینی نشده است و در موارد مربوط به وظایف هیئت رئیسه هم چنین اختیاری وجود ندارد.

۲- کمیسیون‌های مجلس با توجه به اصل ۸۵ قانون اساسی می‌توانند مستقلاً مرجع قانون‌گذاری باشند، لذا همان‌طور که مجلس شورای اسلامی را نمی‌توان منحل کرد و در قانون اساسی انحلال قوه مقننه پیش‌بینی نشده است، انحلال کمیسیون‌های مجلس - که جزئی از قوه مقننه و در بعضی موارد خود مرجع قانون‌گذاری هستند - ممکن نخواهد بود و به همین دلیل در آیین‌نامه داخلی مجلس هم پیش‌بینی انحلال کمیسیون‌ها نشده است؛ بنابراین، نه هیئت رئیسه و اکثریت اعضای آن و نه هیچ مرجع دیگری حق انحلال کمیسیون‌ها را نخواهند داشت.

۳- استعفای نمایندگان از عضویت در کمیسیون‌ها در آیین‌نامه داخلی پیش‌بینی نشده است؛ درحالی‌که استعفای نمایندگان از عضویت مجلس شورای اسلامی در مواد ۲۳ تا ۲۵ آیین‌نامه داخلی تصریح شده است. بنابراین، اگر ضرورت می‌داشت استعفای نمایندگان از عضویت در کمیسیون‌ها هم تصریح می‌شد، ولی تغییر عضویت در کمیسیون‌ها طبق ماده ۴۰ آیین‌نامه داخلی ممکن است و بنابراین، استعفای پنج نفر نمایندگان مذکور تنها می‌تواند به‌عنوان تقاضای تغییر عضویت در کمیسیون تلقی شود که در این صورت باید طبق مفاد ماده ۴۰ آیین‌نامه عمل شود. به این ترتیب اولین دلیل مورد استناد اکثریت هیئت رئیسه درباره اعلام انحلال کمیسیون بهداری خود مستند قانونی ندارد.

#### ۴۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴- دلیل دیگر مورد اشاره «عدم تمایل افراد مناسب دیگر» برای عضویت در کمیسیون مزبور ذکر شده است، که خود این ابراز تمایل و تشخیص صلاحیت نامزدی برای عضویت در کمیسیون باید طبق ماده ۱۰ آیین‌نامه داخلی از طریق شعب معین شود و معلوم نیست چگونه قبل از استفسار از شعب مجلس «عدم تمایل افراد مناسب دیگر» معلوم شده است؟ ضمناً خود دستورالعمل مؤید ضرورت نظرخواهی از شعب در مورد عضویت اعضای جدید است.

۵- قسمت ذیل دستورالعمل که مقرر داشته است: «نسبت به تعیین عضو یا اعضای برای کمیسیون اقدام لازم به عمل آید» باید تصریح می‌نمود که برای جانشینی اعضای جدید به جای اعضای مستعفی از کمیسیون (اگر بقیه استعفا درست باشد) طبق ماده ۱۰ رأی‌گیری شود؛ چرا که شش نفر اعضای غیرمستعفی کمیسیون که احکام عضویت خود را با توجه به مواد آیین‌نامه داخلی و انجام مسیر قانونی در شعب مربوطه و کمیسیون مشترک رؤسای شعب و هیئت رئیسه دریافت کرده‌اند و تاکنون تقاضای تغییر به عضویت از کمیسیون را هم ننموده‌اند، هم چنان در عضویت کمیسیون باقی هستند و تقاضای مجدد عضویت‌شان در کمیسیون که عضو آن هستند قطعاً بی‌مورد خواهد بود. ضمناً برای مزید اطلاع یک نسخه از دستورالعمل مورد اشاره به ضمیمه تقدیم می‌گردد.

با احترام دکتر یدالله سبحانی، دکتر کاظم سامی و دکتر ابراهیم یزدی - ۱۳۶۲/۲/۱۱

۱۶- نامه دکتر یزدی به رئیس مجلس درباره درخواست از وزرای دفاع و اقتصاد و

دارایی - ۱۳۶۲/۱۲/۲۹

بسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

بعد از سلام، پیرو سؤال این‌جانب از وزرای دفاع و اقتصاد و دارایی در ۱۳۶۲/۷/۱۱ طی نامه‌ای در ۶۲/۹/۲۰ درخواست ارسال مدارک مربوطه را از وزارت امور خارجه نمودم. مع‌الاسف تاکنون پاسخی به این درخواست این‌جانب داده نشده است و مدارک ضروری و لازم ارسال نشده‌اند. لذا بار دیگر درخواست می‌شود در این باره اقدام لازم و مقتضی مبذول فرمایید. با تشکر. والسلام.

دکتر یزدی - ۱۳۶۲/۱۲/۲۹



## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۴۰۹

۱۷- پاسخ آقای دکتر یدالله سبحانی به اظهارات آقای موحدی ساوجی دربارهٔ مدارس دولتی شده در مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۲/۵/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای موحدی ساوجی در جلسهٔ روز یکشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی، ضمن نطق قبل از دستور خود راجع به احیای مدارس ملی و عمل شورای عالی آموزش و پرورش و این‌جانب مطالبی را اظهار نمودند که خالی از صحت بود و کلاً به دور از حقیقت. چون در جلسهٔ مزبور مجازاً حاضر نبودم و به فرض حضور، تکذیب و دفاع مشروح و فوری هم مقدور نبود و از طرف دیگر، چون در روزنامه‌های روز، اظهارات آقای ساوجی به‌طور کل همسان و به‌طور کل درج نشده بود و از این جهت استناد به آنها برای جواب کافی به‌نظر نمی‌رسید، به ناچار تا پخش مجلهٔ رسمی «مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی» مربوط به جلسهٔ ۴۹۰ که پریروز صورت گرفت، پاسخ به اظهارات آقای ساوجی تا به حال به تعویق افتاده است و اینک برای تطبیق پاسخ و اظهارات آقای ساوجی و حضور ذهن بیشتر، عین بیانات ایشان را دربارهٔ مدارس ملی دولتی شده که در صفحهٔ ۱۵ شمارهٔ ۱۰ در صورت جلسهٔ ۴۹۰ مندرج است نقل می‌نمایم:

شهید رجایی این نمونه یک مسلمان مخلص و استوار انقلابی رضوان الله علیه می‌فرمود: «آموزش و پرورش برای همه» و باید همهٔ امکانات مادی و معنوی یعنی مدرسه و معلم و سایر وسایل میان همه به‌طور عادلانه توزیع شود و جلو مدارس ملی<sup>۱</sup> را گرفت. اما اکنون زمزمهٔ اعاده وضع سابق و تأیید و تقویت مدارس ملی به گوش می‌رسد و شورای عالی آموزش که افرادی مثل آقای دکتر سبحانی از سران نهضت آزادی در آن عضویت دارند، اخیراً تصویب کرده‌اند که مدارس ملی احیا شود و گفته می‌شود خود زمینی را برای مدرسهٔ ملی تهیه کرده است. اگر وجود مدارس ملی اسلامی قبل از انقلاب توجیه شرعی و منطقی داشت، در نظام جمهوری اسلامی که

---

۱. از دوران حکومت پهلوی تا اواخر دههٔ ۱۳۶۰ به مدارس خصوصی که هزینه‌های آموزشی را از دانش‌آموزان می‌گرفت، مدارس ملی گفته می‌شد. مدارس ملی در برابر مدارس دولتی قرار داشت.

## ۴۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

همه سیاست‌ها و برنامه‌های کشور مطابق قانون اساسی و موازین شرع مقدس است، وجود مدارس ملی، ایجاد دوگانگی در نظام آموزش و توهین به اسلام و ظلم و ستم به بیش از ده میلیون دانش آموز و صدها هزار آموزگار است؛ خصوصاً که مشاهده می‌شود این مدارس امروز غالباً در قبضه انجمن حجتیه قرار دارد. بنده از وزیر محترم آموزش و پرورش استدعا دارم جلو این سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را بگیرند و اجازه ندهند روش‌ها و سیاست‌های شهید رجایی و شهید باهنر به وسیله این جریان‌ها به فراموشی سپرده شود».

در بیانات فوق موضوع اصلی صحبت، مطرح ساختن مدارس ملی سابق و انتقاد از اعاده آنها است و آقای موحدی ساوجی به تصریح گفته‌اند که شورای عالی آموزش و پرورش اخیراً تصویب کرده است که مدارس ملی احیا شوند و ضمناً موضوع‌های مصرح و غیرمصرح دیگر در بیانات آقای ساوجی وجود دارد که به‌جاست درباره همه آنها توضیح داده شود.

در ابتدا به‌طور مجمل و قاطع عرض می‌کنم که در شورای عالی آموزش و پرورش، نه اخیراً و نه قبلاً مطلبی درباره مدارس ملی دولتی شده مطرح نگردیده و نه به طریق اولی چیزی درباره احیای مدارس مزبور به تصویب آن شورا رسیده است؛ بنابراین، اطلاعاتی که به آقای موحدی ساوجی در این زمینه رسیده است ناصحیح بوده و تصریحی که ایشان در تصویب احیای مدارس ملی سابق از طرف شورای عالی نموده است باطل و مردود می‌باشد. موضوع‌های دیگر از قبیل تهیه زمین از طرف این‌جانب برای تأسیس مدرسه ملی هم به دور از درستی و حقیقت است. پس از این تکذیب اجمالی و قطعی، برای مزید اطلاع و جلب توجه نمایندگان محترم و علاقه‌مندان به اصلاحات اساسی در معارف و تعلیمات کشور، اطلاعات و مطالب ذیل را اضافه می‌نمایم: اخیراً چندی است که شورای عالی آموزش و پرورش به تصریح تبصره‌ای از ماده واحده لایحه قانونی دولتی شدن مدارس ملی، مصوبه شورای انقلاب که به شرح ذیل است، مشغول بررسی نحوه مشارکت مردم در ایجاد مدارس غیر انتفاعی می‌باشد:

«تبصره ۱: با توجه به ضرورت مشارکت مردم در امر تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش می‌تواند از همکاری افراد و گروه‌هایی که داوطلب اداره

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۴۱۱

آموزشگاه‌ها به صورت غیر انتفاعی و بر اساس ضوابط دقیق آموزش و پرورش باشند، استفاده کرده و امکانات تسهیلات لازم در اختیار آنان قرار دهد. آیین‌نامه نحوه مشارکت مردم در اداره مدارس غیرانتفاعی باید حداکثر تا دو ماه دیگر تهیه و به تصویب شورا برسد».

این بررسی بیشتر، پس از تذکرات مکرر نخست‌وزیر به شورای عالی آموزش و پرورش در اجرای لایحه قانونی دولتی شدن مدارس ملی و تذکرات ریاست جمهوری به وزیر آموزش و پرورش در تقلیل بار مالی عظیم آموزشی دولت از راه مشارکت مالی مردم و همچنین تذکراتی از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی در همین زمینه‌ها شروع شده است. پس از این تذکرات، وزارت آموزش و پرورش از شورای عالی آموزش و پرورش خواست که برای اجرای موضوع تبصره ۱ ماده واحده قانون دولتی شدن مدارس ملی و با مطالعه لازم، آیین‌نامه مربوط را تهیه نماید و شورا هم کمیسیونی را مأمور نمود تا با توجه به تصریحات قانونی و ضرورت‌های لازم، آیین‌نامه‌ای را تهیه و برای رسیدگی و تصویب به شورا پیشنهاد نماید. کمیسیون نیز پس از چند ماه مطالعه، گزارشی تهیه نمود که در دستور کار شورای عالی آموزش و پرورش قرار گرفته است.

اصول کلی و اساسی که در گزارش کمیسیون در نظر گرفته شده از این قرار است:

- ۱- هر فرد خیر و یا مؤسسه خیریه علاقه‌مند به خدمات فرهنگی، در صورتی که ساختمان متناسبی را بدون دریافت اجاره بها برای ایجاد مدرسه واگذار کند و یا وقف نماید یا در زمین متعلق به دولت به خرج خود ساختمان متناسبی را ایجاد نماید و یا نیمی از کلیه مخارج جاری یک مدرسه را به عهده گیرد و تضمین پرداخت آن را بنماید، می‌تواند صاحب امتیاز مدرسه‌ای شود و خود به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره در اداره آن مدرسه مشارکت نماید. با این پیشنهاد و در صورت تصویب و اجرای آن، موجبات تشویق مسلمانان متمکن و علاقه‌مند در ایجاد مدارس با حقیقتی که منطبق با اعتقاد دینی آنها باشد فراهم می‌گردد و بار مالی قابل ملاحظه‌ای از بودجه عمومی برداشته می‌شود و وزارت آموزش و پرورش با صرفه‌جویی بزرگی که از این

## ۴۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

راه می‌نماید، احتیاجات لازم دیگر را رفع نموده و برنامه‌های تعلیماتی ناکامل خود را تکمیل می‌نماید.

۲- اداره هریک از چنین مدرسی به‌عهده هیئت مدیره‌ای مرکب از پنج نفر است که دو نفر آنها از اعضای اداره آموزش و پرورش و یا با نظر آن اداره انتخاب می‌شوند و دو نفر دیگر نماینده‌ای از اولیای دانش‌آموزان مدرسه و نماینده‌ای از معلمان مدرسه و پنج نفر صاحب امتیاز مدرسه می‌باشند. به این ترتیب، مقررات رسمی آموزش در این مدارس به وسیله اکثریت هیئت مدیره که از اعضای آموزش و پرورش هستند اجرا می‌شود و احتمال دوگانگی در نظام آموزش این مدارس نسبت به مدارس دولتی به نحوه‌ای که نماینده ساوه و دیگران از روی عدم بصیرت و یا تلقین بدخواهان داده‌اند موردی پیدا نخواهد نمود.

۳- معلمان مدارس غیرانتفاعی بر طبق مقررات و با تأیید ادارات آموزشی انتخاب می‌شوند و هر گاه از معلمان شاغل در مدارس دولتی در آموزشگاه‌های غیرانتفاعی استفاده شود، باید با اجازه اداره آموزش بوده و تدریس در مدارس غیرانتفاعی برای این معلمان در صورتی ممکن خواهد بود که خدمت اصلی خود را در مدارس دولتی انجام داده باشند. خدمات اداری و تعلیماتی مدارس غیرانتفاعی نیز تحت مراقبت مستمر و کنترل ادارات آموزشی قرار دارد تا در صورت مشاهده وضع نامطلوب از هر نوع فعالیت آموزشی و یا اداری آنها جلوگیری به‌عمل آید و با اجرای این اصول و مقررات، نگرانی واهی از اینکه مدارس غیرانتفاعی، معلمان مدارس دولتی را جذب می‌کنند و یا این مدارس تحت تأثیر افکار سیاسی برخلاف مصالح جمهوری قرار می‌گیرند، به‌کلی بی‌مورد است، مگر آنکه این قبیل ایرادات بهانه‌ای باشد برای مقاصد باطنی دیگر، که فعلاً به زبان نمی‌آورند.

۴- در مدارس غیرانتفاعی، هیچ قسم تصرف مالی خصوصی نباید صورت گیرد و به همین جهت است که آنها را به این اسم می‌نامند و غیرانتفاعی بودن آنها باید در اساسنامه مؤسسه صاحب امتیاز قید گردد، و بل فرد صاحب امتیاز آن را تعهد نماید.

۵- در مدارس غیرانتفاعی هنگام ثبت نام، غیر از وجوه مختصر قانونی، وجهی مطالبه نمی‌شود، اما اگر چیزی را به مدرسه اهدا نمایند و یا اولیای متمکن دانش‌آموزان

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۴۱۳

به قدر وسع و همت عالی خود وجهی را برای رفع احتیاجات مدرسه بپردازند و یا انجام خدمتی را تقبل نمایند، آن شئی و یا مبلغ و یا خدمت از طرف هیئت مدیره قبول می‌شود و به مصرف رفع نواقص و یا توسعه وسایل مدرسه می‌رسد و در آخر سال هم در بیان مالی مدرسه منعکس گردیده و به اطلاع عموم خواهد رسید.

جلب همکاری و کمک‌های مالی مردم برای رفع نواقص هر مدرسه، فرع جلب اعتماد آنان در تربیت و تعلیم فرزندان آنها است. هر گاه ادارات آموزشی با محبت و حسن تفاهم و به دور از سوء ظن، مشارکت اولیای دانش آموزان هر مدرسه را، تا حدودی که مصلحت و مقررات قانونی اجازه می‌دهد، بپذیرند و باعث شوند که اولیای محصلین همواره در تماس با مدرسه باشند، اگر نقیصه‌ای از نظر مالی در کار مدرسه وجود داشته باشد، مسلماً از طرف هر خانواده متمکن و خیراندیش و سخاوتمند که خدمت در راه مدرسه را باقیات الصالحات و سرمایه‌گذاری در راه خدا می‌داند، رفع خواهد گردید و یا توسعه مفیدی که در محیط مدرسه لازم به نظر می‌رسد، انجام خواهد یافت. این کار مقدمه‌ای برای اصلاحات بزرگ‌تر در وضع آموزشگاه‌ها خواهد شد و تنها با چنین همکاری و تعمیم آن است که می‌توان امیدوار رفع مشکلات مدارس و انحطاط روزافزون تعلیمات کشور گردید. فایده همکاری مردم در کار مدرسه نه فقط موجب جلب کمک‌های مالی به مدرسه خواهد شد، بلکه با رفت‌وآمد و حضور اولیای علاقه‌مند و دیندار در صحنه مدرسه و مؤانست آنان با اولیای مدرسه باعث می‌شود که از یک طرف مردم همه چیز و همه احوال مدرسه را از آن خود بدانند و به آن دلبسته باشند و از طرف دیگر، با تأثیر و آشنایی متقابلی که به شرایط زندگی اطفال و جوانان و اوصاف و رموز تعلیماتی آنان بین اولیای مدرسه و خانواده محصلین حاصل می‌شود، اساس همکاری خانه و مدرسه برای اجرای اصول هماهنگ در تربیت و تعلیم صحیح نوباوگان فراهم می‌گردد.

اشاره به کلیات فوق برای آن است تا علاقه‌مندان و صاحب‌نظران منصف ملاحظه نمایند که به دور از جنجال‌ها و بهانه‌ها چه تفاوت‌ها میان مدارس غیرانتفاعی پیش‌بینی شده با مدارس دولتی و یا دولتی‌شده وجود دارد.

## ۴۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

حال ملاحظه فرمایند که چگونه بدخواهان و آنان که دانسته و یا ندانسته ملهم از افکار افراطی مارکسیستی بوده و هواخواه متمرکز ساختن تمامی امور کشور در دست دولت می‌باشند و از جمله تعلیمات مملکت را به این روز انداخته‌اند، سوء استفاده نموده و موضوع مدارس غیرانتفاعی را که در پیشنهاد آن، هیچ نظری جز اصلاح اساسی تعلیمات کشور از راه مشارکت مردم و کم کردن بار مالی دولت نبوده و قانوناً موظف به این پیشنهاد نیز بوده‌اند(۱)، به بهانه‌های بی‌اساس و ایجاد مانع به آقای ساوجی بازگو می‌کنند و ایشان هم بدون تحقیق و به ناحق همان تحریکات را همراه با بعضی از چاشنی‌های سیاسی و نسبت‌های ناروا که متأسفانه نشانه از ضیق در قلب است، در نطق قبل از دستور خود مطرح می‌سازد. اما اینکه آقای موحدی ساوجی گفته است که من زمینی را برای تأسیس مدرسه ملی تهیه کرده‌ام، هرچند این گفتار آقای ساوجی هم صحیح و درست نیست، ولی ای کاش که این گفته مصداق پیدا می‌کرد و من می‌توانستم زمین و ساختمانی را در تأسیس مدرسه‌ای به کار می‌انداختم تا در کوهلت امروز مثل دوره جوانی به ایجاد مدرسه‌ای مثل دبیرستان کمال سابق در نارمک موفق می‌شدم و به دستگاه آموزش امروز و مردم علاقه‌مند، نشان می‌دادم که با وجود اشکالات و کمبودهای آموزشی موجود، چگونه می‌توان مدرسه‌ای را به کار انداخت که در آن به «تحکیم دین از راه ترویج علم» (۲) پرداخت و نهال‌های ثمربخش و برومندی را برای استقرار جمهوری اسلامی ایران تحویل جامعه کرد (۳).

اما راجع به آنچه آقای موحدی ساوجی در خصوص عضویت من در شورای عالی آموزش و پرورش و نهضت آزادی با تلویح نیش‌دار گفته است: ایشان خواسته است به خیال خود با مطرح ساختن تجدید فعالیت مدارس ملی سابق و تصویب آن از طرف شورای عالی آموزش و پرورش و تهمت، ایجاد دو گانگی در آموزش و پرورش که در مجلس و در ذهن‌های خالی حاصل می‌شود وهنی هم برای من از نظر عضویت در شورای عالی آموزش و در نهضت آزادی ایجاد نماید. خدا خیرش بدهد.

سال‌های دراز است که عضو شورای عالی فرهنگ سابق و آموزش و پرورش امروز هستم (البته غیر از سال‌های زندان و تبعید در رژیم گذشته). صورت جلسات مدون این شورا که در دسترس است و خاطره آقایانی که توفیق هم‌فکری با آنان را در

## نامه‌های نمایندگان مجلس □ ۴۱۵

بیش از ربع قرن داشته‌ام گواه اثر و ثمر حضور من در جلسات این شورا است. ای کاش آقای موحدی که می‌خواست مرا به سوءنظر و اعمال غرضی ناشی از افکار سیاسی در مصوبات شورا متهم سازد، به این سوابق مراجعه می‌کرد، بلکه شاهدهی برای ادعای افتراآمیز خود پیدا کرده و به آن استناد می‌نمود تا اقلماً برای اهل اطلاع لطمه‌ای به مراتب معنوی و تقوای ایشان وارد نشود. مرام و مسلک نهضت آزادی هم جز تلاش در راه خدا و خدمت به مردم و اعتلای وطن از طریق راستی و آزادی و اشاعه علم و اجتناب از فساد و خیانت چیزی نمی‌باشد.

اللهم اهدنا من عندك وافض علينا من فضلك.

یدالله سبحانی

۱- همین آیین‌نامه مدارس غیرانتفاعی پیشنهادشده هم با اشکالاتی که می‌گیرند، هنوز کاملاً به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش نرسیده است.

۲- شعار دبیرستان کمال سابق.

۳- دبیرستان کمال سابق در سال ۱۳۳۷ در نارمک که ساکنان آن از مردم کم‌بضاعت تهران بودند و بدون آنکه تحمیلی بر دولت باشد، تأسیس شد و به مدت ۱۶ سال نیز دایر بود و معلمانی با اخلاص و مجرب، کار تعلیمات این مدرسه را به‌عهده داشتند. وضع این مدرسه: ۱- از نظر علمی به قراری بود که در سال ۱۳۵۰ در مسابقات علمی که از طرف سازمان رادیو و تلویزیون ابتدا در بین دبیرستان‌های منطقه شرقی تهران و سپس در بین دبیرستان‌های تمام شهر تهران و بعداً در بین منتخبین تمام دبیرستان‌های کشور در رامسر ترتیب داده شده بود، دبیرستان کمال در تمام دوره‌ها رتبه اول را احراز نمود و یادبود علمی مخصوصی را دریافت کرد که هنوز هم موجود است. ۲- از نظر دینی و تعلیمات اسلامی در مدرسه کمال آزمایش مخصوصی به‌عمل نیامده بود، ولی اشتهار دبیرستان بر زبان‌ها جاری بود و اشاره به یک نکته فرعی کوچک در همین زمینه بی‌فایده نخواهد بود. در دبیرستان کمال نارمک، عده‌ای از جوانان مسیحی و ارمنی مشغول تحصیل بودند و با آنکه اقلیت‌های مذهبی قانوناً ملزم به مشارکت در درس‌های دینی اسلامی نمی‌باشند، این جوانان از روی علاقه در تمامی درس‌های دینی اسلامی دبیرستان شرکت می‌نمودند و رضایت و آرامش روحی خود را با حضور منظم

## ۴۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

در درس‌ها و پرسش‌ها و امتحانات و گرفتن نمرات برجسته و برتر ابراز می‌کردند. علاقه و اقبال دانش‌آموزان مسیحی ارمنی به تحصیل در دبیرستان کمال، در موقع و حالی بود که در شهر تهران، بسیاری از خانواده‌های توانگر و علاقه‌مند به تربیت و تعلیم بهتر، فرزندان خود را برای تحصیل به مدارس اقلیت‌های مذهبی مسیحی و یهودی می‌فرستادند و اکثریت شاگردان این مدارس متعدد مختلف را دانش‌آموزان مسلمان ایرانی تشکیل می‌دادند. دبیرستان کمال سرانجام در سال ۱۳۵۰ با اصرار و فشار ساواک تعطیل گردید. ۱۳۶۲/۵/۱۸

### ۱۸- نامه آقایان سبحانی، بازرگان، یزدی و صباغیان به رئیس مجلس - ۱۳۶۲/۸/۱۲

«بسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

در بیاناتی که روز سه‌شنبه دهم آبان‌ماه جاری هنگام نطق قبل از دستور و بعد از قطع اتصال رادیویی مذاکرات مجلس، برای اطلاع مردم فرمودید، وضع ناگوار و شرم‌انگیزی که از ناحیه عده‌ای از آقایان نمایندگان علیه ناطق قبل از دستور آقای مهندس هاشم صباغیان در مجلس برپا گردید و تفسیر و تعبیرهایی که شخصاً ابراز داشتید، به ناحق و من غیر واقع، نهضت آزادی را عامل و مسبب اجنبی معرفی نمودید؛ درحالی‌که در تمام اظهارات و [ناخوانا] و حمله‌ها که در قبال نطق نیمه‌تمام و کمتر از ده دقیقه‌ای آقای مهندس صباغیان، علی‌رغم قانون و اخلاق و آیین‌نامه اداری داخلی مجلس صورت گرفت و انعکاس خارجی یافت، جناب‌عالی در مقام ریاست و اداره مجلس کمترین ممانعت و مخالفتی به عمل نیاورده، با نظاره‌گری و سکوت خود صحنه بر آنها گذاشتید. لهذا بدین وسیله اعتراض خود را اعلام می‌داریم و در این مورد نیز مانند تعبیرهای ناروا و حق‌کشی‌هایی که در مقام ریاست مجلس و خطبه‌های نماز جمعه و مصاحبه‌ها نسبت به ما روا می‌دارید صبر می‌کنیم و قضاوت را به خدای احکم الحاکمین واگذار می‌نماییم.

یدالله سبحانی، مهدی بازرگان، ابراهیم یزدی، هاشم صباغیان».



## فصل چهارم

### برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر نیروهای ملی - مذهبی و نمایندگان طیف اقلیت در مجلس و سطح جامعه

از هنگامی که دولت موقت بر سر کار آمد، گروه‌هایی از جمله توده‌ای‌ها و بخش زیادی از روحانیان از منش و روش این دولت ناخرسند بودند و یکسره دست به انتقاد و تخریب می‌گشودند. پس از استعفای دولت موقت، هنگامی که دلیل و سندی برای محکومیت دولت موقت نداشتند و مخالفت آنان تنها بر منافع حزبی و جناحی استوار بود، دیدار با برژینسکی در الجزایر و همراهی نکردن با دانشجویان در اشغال سفارت و گروگان‌گیری را بهانه می‌کردند و در هر فرصتی به ضربه زدن و حذف این نیروها می‌کوشیدند. پس از انتخابات مجلس شورای اسلامی که چهرهای اصلی دولت موقت با استقبال مردم به مجلس راه یافتند، در مجلس نیز به این رفتار خود ادامه دادند. کار را به جایی رساندند که به نیروهای ملی - مذهبی حتی در اجتماعات عمومی نیز فرصت حضور و اظهار نظر داده نمی‌د.

در ادامه نیز به دنبال حوادث خرداد سال ۱۳۶۰ فشار بر دگراندیشان، از جمله نهضت آزادی ایران و نمایندگان اقلیت در مجلس بالا گرفت. در مطبوعات دولتی، در صدا و سیما، در سخنرانی‌های قبل از دستور نمایندگان و در خطبه‌های نمازهای جمعه، سیل اتهام‌ها و حملات سرازیر شد. یک نگاه اجمالی به مشروح مذاکرات مجلس اول، حجم این حملات را به روشنی نشان می‌دهد. نمایندگان اقلیت در مجلس از هر امکانی برای دفاع از خود استفاده می‌کردند: گاهی با ایراد سخنرانی در مجلس، گاه با نوشتن نامه به رئیس مجلس و گاه با شکایت به قوه قضائیه. در کمتر موردی به

## ۴۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

شکایات و دادخواهی ما توجه و رسیدگی می‌شد. در این بخش برخی از نامه‌ها و شکایات را آورده‌ام.

### الف- مواضع محمد منتظری و نشریه پیام انقلاب علیه یزدی

#### ۱- محمد منتظری و راسپوتین ایران

نخستین گروه و اشخاصی که در هیچ فرصتی از بدگویی و تهدید و تهمت بر ما فروگذار نمی‌کردند، آقای محمد منتظری و گروهش بودند. محمد منتظری، در هر فرصتی می‌کوشید تریبونی به دست آورد و علیه من، دولت موقت و نهضت آزادی سخنی بگوید. در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، در روز سه‌شنبه هفتم اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۰ یکی از نمایندگان نوبت نطق پیش از دستور خود را به آقای محمد منتظری واگذار کرده بود. او با زمینه‌سازی‌های قبلی، مطالبی را عنوان کرد که نه مفید بود و نه ضروری؛ و دقیقاً خلاف توصیه‌های امام خمینی مبنی بر خودداری از ایجاد تشنج بود. سخنان ایشان نه تنها مجلس را متشنج کرد، بلکه در سطح جامعه نیز موجبات اعتراضات وسیعی را فراهم ساخت. دو روز پس از آن، در جلسه روز پنج‌شنبه، آقایان مهندس مهدی بازرگان، دکتر یزدی و مهندس صباغیان با استفاده از ماده ۶۶ آیین‌نامه داخلی مجلس، درباره سخنان ایشان توضیحاتی دادند. متن کامل سخنان من در پاسخ به اظهارات آقای محمد منتظری را در اینجا از نظر می‌گذرانیم. با این توضیح که به دلیل کمی وقت، بخش زیادی از متنی که آماده کرده بودم در مجلس خوانده نشد، ولی به دلیل اهمیت ویژه‌ای که این مطالب دارند، متن کامل آن عیناً در اینجا نقل می‌شود.

#### پاسخ به سخنان محمد منتظری

«بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. برادران و خواهران، سلام عليكم. پناه می‌برم به خدای قادر متعال از شیطان‌های بزرگ و کوچک رانده شده.

با اظهار تشکر از وقت و فرصتی که داده شده است. در جلسه گذشته مجلس، آقای شیخ محمد منتظری مطالبی را بیان کرده‌اند که دور از واقع و به دور از شأن

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۱۹

نماینده [است]. مجلس مظهر عدل علی می‌باشد. این اولین بار نبود که ایشان چنین مطالبی را بیان کرده‌اند. سایرین هم در موارد دیگر، به مناسبت‌هایی و یا بی‌مناسبت، ما را مورد الطاف خود قرار داده‌اند، تهمت زده‌اند. در روزنامه و صدا و سیمای جمهوری اسلامی هم بارها نوشته و گفته‌اند. از نخستین روزهای پیروزی انقلاب و روی کار آمدن دولت موقت، وضع به همین منوال بوده است. نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به خاطر دارند که من بارها در جلسات عمومی، خصوصی، علنی و غیرعلنی گفته‌ام و بارها شما این در خواست پیشنهاد مرا شنیده‌اید که اگر بررسی عملکردهای دولت موقت و این‌جانب به‌عنوان وزیر امور خارجه آن دولت به نظر شما لازم و ضروری و مفید است، خوب، یک جلسه علنی و عمومی بگذارید و نمایندگان محترم هر سؤال و ایرادی دارند مطرح کنند؛ ما هم جواب بدهیم و مراتب از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش بشود تا مردم یعنی صاحبان اصلی این انقلاب از تمامی مآووع خبردار شوند و کسی هم تنها به قاضی نرود. این‌گونه برداشت‌های یک‌جانبه و این‌گونه تهمت‌ها جز ضرر و زیان در دنیا و آخرت نتیجه‌ای برای گویندگان آن ندارد. من نمی‌خواهم الآن مطالبی را که به کرات در روزنامه‌ها نوشته و در سخنرانی‌های این آقایان گفته شده است، نقل قولی بیاورم. من نمی‌خواهم از مجله «پیام شهید» - که آقای محمد منتظری منتشر کرده - در اینجا اشاراتی بیاورم و اسامی اشخاصی را که مرتب در آنجا اسم برده‌اند و انواع و اقسام تهمت‌ها و دروغ‌ها را به آنها نسبت داده‌اند، تکرار کنم. من می‌خواهم بگویم این کارها جز خسران و زیان، هیچ نتیجه‌ای در دنیا و آخرت ندارد. اگر واقعاً مطلبی است، ابهامی است، هیچ اشکالی ندارد. دولت موقت در بحرانی‌ترین و حساس‌ترین شرایط تاریخی کشورمان روی کار آمد. تمام نهادهای اداری، سیاسی، اجتماعی، نظامی و انتظامی ما بعد از انقلاب به‌هم ریخته بودند. خیلی طبیعی است که شما نسبت به برخی از مسائل و اقدامات ما دچار ابهام شده باشید و ایراد داشته باشید. [اگر] روشن نباشید، حق دارید سؤال بکنید، اما حق توهین، افترا و نسبت دروغ را ندارید؛ حق قضاوت یک‌طرفه را ندارید. می‌توانید سؤال بکنید. اگر این مسائل برای شما مهم هستند یک جلسه مخصوص بگذارید. من امروز در حضور شما نمایندگان مردم در این مجلس - که مظهر عدل علی نامگذاری شده است - اعلام

## ۴۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌کنم و به تمام مردم ایران که صدای مرا می‌شنوند اعلام می‌کنم که ما حاضر هستیم در اینجا یا در هر کجای دیگری هر مقدار وقتی که لازم باشد، بگذاریم. این مسئله امروز به صورت یک بحران عمومی درآمده است، که شما در کشور به وجود آورده‌اید. اگر مسائل برایتان مهم هستند، بیایید قبول کنید چنین بحثی را. بعد از بحث هم اگر معلوم شد که جرمی اتفاق افتاده است، مجرم و متخلف مجازات شود. مرگ یک بار و شیون یک بار. مملکت بیش از این تحمل تشنجات روانی و اختلافات داخلی را ندارد. اگر هم چنانچه چنین بحثی را لازم و مفید و ضروری نمی‌دانید، خوب، پس دیگر چرا آن را مرتب مطرح می‌کنید و موجبات تشنجات را فراهم می‌آورید؟ بنده از جانب خود و از جانب برادران دیگر به شما اعضای مجلس شورای اسلامی و به تمامی ملت ایران - که صدای مرا می‌شنوند - با قاطعیت، اعلام می‌دارم که ما هر آن حاضریم در چنین بحثی شرکت کنیم و آن را ضروری و مفید می‌دانیم. آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است. بگذارید تا ما هم برای شما توضیح بدهیم. به عنوان نمونه در همین مسئله که جناب مهندس بازرگان توضیح فرمودند یکی از اتهاماتی که به امیرانتظام زده شده این است که لوازم مختلفی که را که مال ایران بوده و آمریکایی‌ها می‌خواستند ببرند، اجازه داده است که ببرند. خیر، این دروغ است. مسئول این کار در فرودگاه مهرآباد ۷۰ تا ۸۰ برگ اسناد مربوطه را برده به دادگاه ویژه انقلاب به آقای محمدی گیلانی به دادگاه تسلیم کرده است [در اینجا همهمه گروهی از نمایندگان درگرفت. خلخالی با صدای بلند خطاب به هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس گفت: هاشمی خیلی شل می‌گیری به این لیبرال‌ها. در این هنگام رئیس به دکتر یزدی تذکر داد که از خودتان دفاع کنید. من هم ادامه دادم:] دفاع از خودمان است. برای اینکه از یک طرف می‌گویند وقت بدهید، از یک طرف می‌خواهم بگویم آقا من مسئول فرودگاه بودم؛ مسئولیت فرودگاه زیر نظر معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب بوده است و من می‌گویم این حرف‌ها که می‌زنید درست نیست. آن نامه‌ای که اینجا خوانده شده، درست نیست، به آن صورتی که ایشان توضیح دادند. و این ۷۰ تا ۸۰ تا صندوق، یکایک در ترمینال دقیقاً تمام آنها باز شده، صورت جلسه شده در حضور نمایندگان مختلف دادستان تهران، نیروی هوایی، سپاه پاسداران، کمیته مرکزی انقلاب و همه

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۲۱

صورت مجلس شده به مسئولین مربوط در نیروی هوایی تحویل داده شده است [همه‌همة نمایندگان و اعتراض آنها این بود که از خودتان دفاع کنید. من باز هم ادامه دادم].

اگر تقاضای ما منطقی است، بپذیرید و اگر هم نمی‌خواهید بپذیرید حداقل درخواستی را که در اولین جلسه غیرعلنی، بعد از حمله و تجاوز عراق به ایران، پیشنهاد دادیم که تا پایان جنگ در جبهه داخلی آتش بس داده شود، بپذیرید؛ بگذارید اعصاب مردم کمی آرام باشد. اما من در دفاع از خودم آنچه را که آقای منتظری گفتند، که اسم ببرید که کسانی هستند در این مجلس که آنان همین ویژگی‌ها را دارند و باید محاکمه بشوند؛ آمریکایی هستند، می‌خواهم چند نکته را به اطلاع شما برسانم و توجه شما را جلب نمایم.

**نکته اول** [درباره] شعار نه شرقی و نه غربی [است]؛ شعار نه شرقی و نه غربی انقلاب اسلامی و نقشه‌های شوم دشمنان برای نفی و مخدوش ساختن آن. یکی از بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین شعار انقلاب اسلامی ما بوده است. این شعار، عصاره فلسفه سیاسی در جهان‌بینی توحیدی است. در تفکر اسلامی، فلسفه سیاسی بر اساس استقلال و عدم وابستگی و بازگشت به فطرت الهی است. در جهان‌بینی شرک و کفر، فلسفه سیاسی، عدم استقلال و وابستگی و از خود بیگانگی است. به موجب قرآن مجید هر گاه رسولانی به قومی وارد می‌شوند که پیام الهی را به مردم ابلاغ کنند، یکی از اولین عکس‌العمل‌های مردم کفرزده این است که: «و عجبوا آن جاوهم منذر منهم». فقال الكافرون هذا ساحرٌ كذاب<sup>۱</sup>؛ یا اینکه: پس چرا از فرشتگان، رسولی فرستاده نشده است. این عکس‌العمل‌ها ریشه در احساس عدم استقلال و نفی خویش‌داری دارد. در این‌گونه جوامع، نه تنها خود گرفتار و اسیر اندیشه وابستگی هستند، بلکه به مصداق «کافر همه را به کیش خود پندارد»، کفرزدگان، هر حرکت مستقلی را وابسته می‌خوانند و فریاد می‌زنند و متهم می‌کنند که: «فهی تملی علیه بکره و اصیلاً»<sup>۲</sup>. بنابراین، یکی از بزرگ‌ترین توطئه‌ها [علیه] انقلاب اسلامی ایران این است که انقلاب اسلامی ایران و

۱. سوره ص، آیه ۴ و ۵.

۲. سوره فرقان، آیه ۵.

## ۴۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

شعار نه شرقی و نه غربی را به هر قیمت که باشد مخدوش سازند و نگذارند این فلسفه در میان مردم مستضعف جهان جا بیفتد. این یکی از شگردها و ترفندهای اساسی شیطان بزرگ در شرایط کنونی است.

فرصت بحث و تحلیل و ارائه بسیاری از شواهد و اسناد را ندارم تا به شما نشان بدهم که چگونه مروجین مذهب کفر، علیه انقلاب اسلامی ایران تبلیغ می‌کنند که این انقلاب وابسته است و مستقل نیست. تمامی شایعه‌سازی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در همین زمینه است.

من از فرصت استفاده کرده یک سند را به شما ارائه می‌دهم و اگر خواستید و میل داشتید و فرصت بود، مدارک و اسناد بیشتری را ارائه خواهم داد. کتابی را که ملاحظه می‌کنید [کتابی را به نمایندگان نشان دادم] «گروگان خمینی یا در گرو خمینی» نام دارد که در آمریکا در میلیون‌ها نسخه چاپ شده است. حداقل به زبان عربی نیز ترجمه و در دنیای اسلام به‌طور وسیعی توزیع شده است. روی جلد این کتاب، عکسی از امام با شخصی که در کنار ایشان ایستاده است - راجع به این شخص بعداً صحبت می‌کنم - آن طرف، در عکس مرحوم شهید استاد مطهری ایستاده است. این عکس احتمالاً حوالی فروردین سال ۱۳۵۸ قبل از شهادت استاد مطهری برداشته شده است. در داخل کتاب، عکس دیگری است از دو سرباز عراقی که در داخل خاک ایران هستند و عکس امام را روی زمین انداخته بر روی آن پا گذاشته‌اند. نویسنده این کتاب شخصی است یهودی و صهیونیست شناخته‌شده در آمریکا و عضو برجسته حزب کارگر آمریکا که یک سازمان مارکسیستی یا مدعی مارکسیستی است. اما کسانی که در آمریکا با طرز کار این سازمان و سایر اطلاعاتی که در دسترس می‌باشد، آشنا هستند، می‌دانند که این گروه ساخته و پرداخته سیای آمریکا و در کنترل صهیونیست‌ها می‌باشد. در دوران جنگ ویتنام، نقش مخرب این حزب، نقاب از چهره وی برگرفت و عملاً در خدمت نظام حاکم قرار گرفت. همان‌طور که می‌دانید در زمان جنگ ویتنام، حرکت وسیعی در آمریکا علیه دخالت و شرکت دولت آمریکا در جنگ ویتنام به‌وجود آمد و تظاهرات پی‌درپی و گسترده‌ای در تمام آمریکا برگزار شد. در این تظاهرات اعتراض‌آمیز، علیه جنایات دولت آمریکا در ویتنام زدوخوردهایی میان مردم و نیروهای نظامی درگرفت

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۲۳

که در یک مورد در دانشگاه کنت<sup>۱</sup>، نظامیان به دانشجویان حمله و تیراندازی کردند و چندین نفر کشته شدند. سازمان‌های پلیسی آمریکا کوشش زیادی به‌کار بردند تا با رخنه در این سازمان‌ها آنها را متلاشی سازند. حزب کارگر آمریکا چنین نقشی را ایفا نمود. علاوه بر این، می‌دانید که در آمریکا حرکت اسلامی بسیار قوی است. حتی قوی‌تر از حرکت مارکسیستی. در حرکت اسلامی، نقش اول را سیاهان برعهده دارند. سیاهان و سرخ‌پوستان آمریکا مبارزات وسیع و فراوانی علیه نظام ظالم و حاکم آمریکا دارند. سازمان‌های متعددی در این مبارزات شرکت دارند، اما هیچ حرکتی در آمریکا به اندازه حرکت مسلمانان سیاه ایجاد رعب و وحشت در نظام حاکم ننموده است. صهیونیست‌ها از رشد حرکت اسلامی در آمریکا وحشت فراوان دارند. برای اینکه حرکت اسلامی، سیاهان را روز به روز به موضع‌گیری علیه اسرائیل و به نفع اعراب وادار ساخته است. در گذشته یهودیان آمریکا روابط بسیار نزدیکی با سیاهان داشتند. یهودیان که خود از اقلیت‌های مذهبی محروم محسوب می‌شدند، با شعار حمایت از منافع اقلیت‌ها، خصوصاً حمایت از مبارزه سیاهان برای کسب آزادی‌های مدنی و برابری با سفیدان به تأمین آزادی‌های خود و کسب قدرت پرداختند. در بسیاری از موارد، یهودیان حامیان جدی سیاهان بودند، اما به تدریج که یهودیان به هدف‌های خود می‌رسیدند، سیاهان را به حال خود رها می‌کردند. اشتیاق سیاهان به اسلام و مسلمان شدن بسیاری از شخصیت‌های برجسته و مبارز سیاه آمریکا، روابط سیاهان را با یهودیان به‌کلی برهم زد، و در مواردی درگیری‌هایی نیز به‌وجود آورده است؛ به همین دلیل، صهیونیست‌ها به‌صورت مختلف سعی و کوشش کرده‌اند که حرکت اسلامی را مخدوش و خفه سازند؛ و بالاترین دشمنی را در حق کسانی می‌کنند که در حرکت اسلامی در میان مردم آمریکا نقش سازنده و تعیین‌کننده داشته‌اند. درگیری و دشمنی با مبارزین مسلمان در آمریکا، بعضی اوقات به قتل و کشتار نیز کشیده می‌شود؛ از جمله قتل رهبر حرکت اسلامی آمریکا شهید **مالکوم ایکس** است. علاوه بر سیاهان، در سال‌های اخیر سرخ‌پوستان آمریکا نیز در همین خط، حرکتی را آغاز کرده‌اند که نمونه چنین حرکتی، سفر یکی از رهبران سرخ‌پوست آمریکا به فلپین در چند سال قبل بود.

---

1. University of Kent.

## ۴۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

وی مدت سه سال در میان مسلمانان فیلیپین زندگی کرد. در کنار آنان علیه ارتش مارکوس جنگید. وقتی به آمریکا برگشت، خطاب به سرخ‌پوستان گفت: ما باید راهی را برویم که مسلمانان فیلیپین رفتند. تنها راه رهایی ما اسلام است. این مرد هم اکنون در زندان آمریکاست. در تمامی اقدامات ضد اسلامی، صهیونیست‌ها در صف مقدم قرار داشته‌اند. حزب کارگر آمریکا در فعالیت‌های ضد اسلامی نقش داشته است؛ در تخریب مبارزات مردم آمریکا علیه جنگ ویتنام نقش داشته است. به همین دلیل است که این حزب به نام «چپ‌های فاشیست» یا «فاشیست‌های چپ» معروف است و این سازمانی است در دست سیا و صهیونیست‌ها و به تعبیر مصطلح خودمان همان «مارکسیست‌های آمریکا». انقلاب اسلامی ایران در روند تکاملی و رو به رشد حرکت اسلامی در تمام جهان و بخصوص در آمریکا مؤثر بوده است، و دشمنی صهیونیست‌ها و سیا و مرتجعین آمریکا با انقلاب اسلامی و دست‌اندرکاران و فعالان و یاران صادق این انقلاب نیز کاملاً قابل درک و فهم می‌باشد. این جناح‌ها سعی بر آن داشته و دارند که انقلاب اسلامی ما را مخدوش سازند. با سندسازی، با جعل سند، با ساختن و انتشار شایعات بی اساس، یاران صادق انقلاب اسلامی را منزوی سازند؛ و این ساده‌ترین کاری است که سازمان‌های سیا و صهیونیست‌ها انجام می‌دهند. برخی از مراکز فعالیت این سازمان‌ها در دانشگاه‌های آمریکا از جمله پرینستون می‌باشد. بسیاری از فعالیت‌های ضداسلامی از اینجا سرچشمه می‌گیرد. از مؤسسه راند<sup>۱</sup> در کالیفرنیا سرچشمه می‌گیرد. در کتاب یادشده، در کنار عکس امام، عکس شخصی است به نام «روغنی» که بعضی آقایان او را می‌شناسند یا نام او را شنیده‌اند. آقای روغنی کسی است که امام در سال ۱۳۴۲ بعد از آزادی از زندان، چند ماهی و یا چند هفته‌ای در منزل ایشان بوده‌اند. چرا نویسنده کتاب از میان هزاران عکسی که از امام در دسترس

---

۱. رند کورپوریشن (RAND Corporation) اندیشکده سیاستگذاری جهانی غیرانتفاعی آمریکایی است که در سال ۱۹۴۸ توسط شرکت هواپیماسازی داگلاس، با هدف ارائه خدمات تحقیقاتی و تحلیل سیاسی به نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا تأسیس شد. بخشی از بودجه این شرکت را حکومت فدرال ایالات متحده آمریکا و موقوفه شرکت‌های فعال در حوزه‌های بهداشت و سلامت و دانشگاه‌ها، همچنین افراد شخصی تأمین می‌کنند (ویراستار به نقل از: دانشنامه ویکی پدیا).



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۲۵

است، برای روی جلد کتاب، این عکس را انتخاب کرده است؟ برای فهم و ارتباط این قضایا با هم به مرور سندی از لائۀ جاسوسی، که دانشجویان آن را منتشر ساخته‌اند، می‌پردازیم [اعتراض و مهمه‌ نمایندگان. در این هنگام گفتم: دفاع از خودم و مربوط به مطلب است]. کدام دینار را چرتکه نینداخته رد کردیم؟

### روغنی و اسناد لائۀ جاسوسی

[در قسمتی از سخنان خود گفتم]: این حرف‌هایی که آقایان به ما می‌زنند یک سند تا حالا نیآورده‌اند به ما ارائه دهند که ما قراردادی را با این خارجی‌ان امضا کردیم یا دیناری را از چرتکه نینداخته رد کرده‌ایم، قبول کردیم، هیچ ابداً. بارها گفته‌ایم اگر این آقایانی که به من این ایرادات را می‌گیرند یک سند دارند که ما یک حقی را از این ملت ضایع کردیم و به دیگران واگذار کردیم، بیایند ارائه بدهند. بارها گفته‌ایم و الآن هم داریم می‌گوییم، اما برای اینکه ثابت بکنیم، برادر عزیز من، دارند خط برایتان پیاده می‌کنند. شیطان بزرگ یک چهره ندارد، چهره‌های مختلف دارد. یک چهره آن این است که از طریق این حرف‌ها ثابت بکند که این انقلاب، انقلاب مستقلی نبوده و به همین دلیل مهم است که من این یک مطلب را برای شما می‌گویم. در اطلاعیه افشاگری شماره ۱۹ مورخ ۱۷/۹/۱۳۵۸ از دانشجویان سندی است از سفارت آمریکا در ایران به وزارت امور خارجه و واشنگتن آمده است که: گروهی به رهبری آقای روغنی در نظر دارند که یک کمیته بزرگی به وجود بیاورند تا بتوانند رابط بین دولت موقت بازرگان و کمیته امام خمینی باشد. امید است که تا تاریخ دهم مارس (۱۹ اسفند ۱۳۵۷) ترتیب زمانی آن داده شود.

### روغنی، معتمد امام خمینی و مأمور سیاسی سفارت

سفارت، استمپل، در صبح پنجم مارس (۱۴ اسفند) گفت که وی (روغنی) تعطیلات آخر هفته را در قم سپری کرده و در آنجا مشغول تشکیل کمیته هماهنگی وساطت میان دولت موقت و کمیته امام خمینی بوده است. او اظهار داشت که از تاریخ چهارم مارس (۱۳ اسفند ۱۳۵۷) رابطه بین دولت بازرگان و کمیته امام بسیار بد و خراب بوده است. همچنین اظهار داشت که هم اکنون در بسیاری از مکان‌ها کمیته امام از دولت

## ۴۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

بازرگان اطاعت نمی‌کند. روغنی به دنبال تشکیل دادن گروهی است که مشتمل بر یکصد نفر در واحدهای هشت تا ده نفره می‌باشد که در مسائل مشخص مورد اختلاف، مسئول باشند. روغنی از این افراد اسمی نمی‌برد، ولی گفت که متشکل از عناصر معتبر و بانفوذی از تمام جناح‌های موجود در جنبش انقلابی می‌باشند. مرکز این کمیته رابط در تهران است. همچنین اظهار داشت که هدف اصلی این کمیته این است که کمیته امام را به خطی بکشاند تا قدری بیشتر با دولت بازرگان ارتباط و همکاری داشته باشند. وی امیدوار بود تا در تاریخ ۹ و ۱۰ مارس (۱۸ و ۱۹ اسفند ۱۳۵۷) سفری به قم نماید تا ترتیب نهایی را بدهد. همچنین گفت که امام این عقیده را پسندیده است و الآن گفتگو با دولت بازرگان ادامه دارد. از وی پرسیده شد (توسط مأمور سیاسی) که آیا تشکیل یک کمیته دیگر، جوابگوی مشکلات خواهد بود یا نه؟ روغنی که به وضوح نسبت به مشکلات و عدم وجود قانونمندی در سه هفته بعد از انقلاب ناراضی بود، جواب داد: امیدوار است و باید کارهایی حتماً انجام پذیرد.

در سند دیگری به نام روغنی از همین منابع آمده است:

«از سفارتخانه آمریکا در تهران به وزیر امور خارجه - ونس

موضوع: ملاقات با روغنی

۱- مطلب به کلی محرمانه است.

۲- روغنی صبح امروز تهران را برای یک سفر چهار تا شش هفته‌ای به مقصد آمریکا ترک کرد.

مأمور سیاسی به او اسم [هنری] پرکت و شماره تلفن او را داد و به روغنی قویاً پیشنهاد کرد که با پرکت تماس بگیرد. روغنی از مأمور سیاسی پرسیده بود که آیا کسی هست که باید او را ملاقات کند؟ روغنی مایل است با پرکت صحبت کند و ممکن است به گفتگوهای محرمانه با دیگران نیز تمایل پیدا کند. وی به علت رابطه‌اش با امام خمینی می‌تواند منبع اطلاعات مفیدی از اطرافیان خمینی باشد. ناس».

من آقای روغنی را از نزدیک نمی‌شناسم، اما آنها که او را می‌شناسند بهتر است توضیح بدهند که اولاً آیا این شخص در وضعیتی بوده است که اصولاً بتواند چنین گروهی را راه بیندازد؟ ثانیاً به تاریخ‌های آمده در این به اصطلاح سند دقت کنید. که

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۲۷

مربوط است به اوایل اسفندماه ۱۳۵۷. در آن تاریخ هنوز تمامی اعضای کابینه دولت موقت تعیین و معرفی نشده بودند. دولت موقت هنوز کار خود را آغاز نکرده بود. در آن روز هنوز خبری از اختلافات نبود، تا آقای روعنی و یا کسانی دیگر برای رفع آنها پیش قدم شوند. پس معمای این سند و آن عکس پشت جلد کتاب یک نویسنده صهیونیست چیست؟ آیا جز این است که شیطان بزرگ (سیا و صهیونیست‌ها) می‌خواهند با برجسب زدن به افراد و پرونده‌سازی، انقلاب ما را مخدوش سازند تا به مستضعفان جهان بگویند که ببینید این اسطوره نه شرقی و نه غربی باطل است؛ تا ثابت کنند این حرف‌ها چی است! مگر در جهان ما کسی می‌تواند بدون اجازه انگلیس و روس و آمریکا نفس بکشد؟ این فلسفه سیاسی وابستگی کفرزده و شرک‌زده است. نمی‌تواند بپذیرد در جهان‌بینی، توحیدی فلسفه سیاسی از موضع استقلال حرکت می‌کند. جوی که در کشور ما ساخته شده است [در این هنگام رئیس به یزدی گفت: طوری صحبت کنید که ارتباط داشته باشد. دکتر یزدی: ارتباط دارد آقای هاشمی]. آنگاه دکتر یزدی خطاب به یکی از نمایندگان (موحدی ساوجی، نماینده ساوه) گفت: اگر شما به من اتهامی بزنید این شما هستید که باید سند و دلیل بیاورید؛ [زیرا مطابق قاعده حقوقی] «البینه علی المدعی»<sup>۱</sup>. آقای محترم در اسلام اصل بر برائت است؛ بنابراین، این یک جریانی است که ساخته شده؛ جوی است که در کشور ما ساخته شده است از ابتدای پیروزی انقلاب برای مغشوش ساختن این انقلاب. مسئله ما مطرح نیست. من این حرف را تنها در اینجا ندم؛ در قبل و در سخنرانی‌های مختلف هم گفته‌ام که این حملاتی که به ما می‌کنند، هدف ما نیستیم. اگر هدف تنها شخص من یا دیگری بود، جهنم، بگذارید اشخاص قربانی شوند. اما هدف آنها مخدوش ساختن کل انقلاب است. این اولین باری نیست که در دنیا انقلابی رخ داده و این‌گونه مسائل عنوان می‌شود. نمونه‌ای که من ارائه می‌دهم تنها موردی نیست که ما از آن یاد کنیم. نویسنده این کتاب و گروه همکارانش نشریاتی منتشر می‌کنند: یکی به نام «بررسی اطلاعات جاسوسی اجرایی از آمریکا» و دیگری به نام «فورین ریپورتس فاینانشنال

۱. سند و مدرک از کسی خواسته می‌شود که ادعایی را مطرح می‌کند.

تایمز» از لندن. هر دوی این نشریات از جانب صهیونیست‌ها و سیای آمریکا می‌باشد (برای اطلاعات بیشتر در مورد این گونه سازمان‌ها به کتاب‌هایی از قبیل «سرگذشت سیا» رجوع کنید. نام و مشخصات بسیاری از سازمان‌هایی از این قبیل در این کتاب آمده است). در هر دوی این نشریات از ماه‌ها قبل از پیروزی انقلاب، از زمانی که بنده در خدمت امام در پاریس بودم، انواع و اقسام تهمت‌ها و دروغ‌ها به ما زده می‌شد و بعد از انقلاب هم ادامه داشته است. یک مروری بر محتویات این دو نشریه و همچنین تهمت‌هایی که در این کتاب به ما زده شده است و مقایسه با آنچه در مطبوعات ایران آمده است، نشان می‌دهد که چگونه دشمنان انقلاب اسلامی ایران عوامل اصلی شایعه‌سازی بوده‌اند و بخشی از مطبوعات، کار انتشار شایعات ساخته شده آن مراکز را بر عهده داشته‌اند. برای مثال محتویات روزنامه‌هایی از قبیل «آیندگان»، «پیغام امروز»، «چلنگر»، «کار»، «پیکار»، و ... را با نشریات و کتاب یادشده مقایسه کنید. در موارد متعددی، نه تنها منابع مطبوعات چپ یا چپ‌نمای ایران، همین نشریات بوده‌اند، بلکه حتی رادیوی مسکو نیز از همین مراکز و منابع تغذیه می‌شده‌اند. برای روشن شدن مسئله، باز نمونه‌ای را ذکر می‌کنم. نویسنده کتاب «گروگان خمینی» دربارهٔ برادرمان دکتر چمران می‌نویسد:

«چمران از آمریکا به لبنان رفت. در آنجا او رهبر و فرمانده یک گروه بسیار افراطی شیعه به نام «جنبش أمل»<sup>۱</sup> شد که هم به کلنل قذافی لیبی وابسته بود و هم با سوریه و شیعیان افراطی ایران و لبنان. چمران با گروهی از چریک‌های فلسطینی که با سازمان جاسوسی اسرائیل در رابطه بوده، همکاری می‌کرد. وقتی انقلاب ایران شروع شد چمران به عراق رفت تا خمینی را ببیند و همراه او به پاریس رفت. از آن زمان است که أمل به‌طور آشکار طرفدار اسرائیل و ضد فلسطین شده است.»

خوب واضح است که چقدر دروغ و راست در اینجا کنار هم آمده‌اند تا دکتر چمران و جنبش أمل را بدنام سازند. بسیاری از حرکت‌های مشکوک ضد امام موسی صدر و أمل از همین منابع سیا گرفته شده است. نویسنده، پا را حتی از این هم فراتر

۱. جنبش أمل، یکی از دو حزب عمده شیعه در لبنان است که در سال ۱۹۷۴ توسط سید موسی صدر پایه‌گذاری شد.

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۲۹

می‌گذارد و می‌نویسد: «چمران و یزدی با موساد تماس دارند». همان‌طور که گفته شد جنگ سیاسی - روانی سیای آمریکا و صهیونیست‌ها علیه انقلابیون و مبارزان مسلمان از بعد از پیروزی انقلاب آغاز نشده است. از سال‌های قبل از آن آغاز شده است. از زمانی که برادرمان دکتر چمران به لبنان رفت و به همراهی و در کنار امام موسی صدر، مؤثرترین سازمان‌های انقلابی را به وجود آوردند، این دشمنی آغاز شد و در بسیاری از روزنامه‌ها و منابع گروه‌های چپ یا چپ‌نما در لبنان، همین داستان‌های باطل و اکاذیب ساخته و پرداخته صهیونیست‌ها و سیای آمریکا تکرار شد، و ساواک ایران نیز در کنار این فعالیت‌ها قرار گرفت. «روزنامه کیهان» در ۶ مردادماه ۱۳۵۹، گوشه‌ای از این توطئه‌های مشترک سیا - ساواک - موساد را فاش ساخته است. کیهان می‌نویسد: افراد و گروه‌های وابسته به امپریالیسم آمریکا که در داخل، خود را سازمان داده‌اند به‌طور ناگهانی و بی‌مقدمه کتاب‌هایی را برضد امام موسی صدر و شیعیان لبنان و جنبش محرومان در ایران منتشر می‌کنند و با استفاده از سیستم دقیق شایعه‌پراکنی، شایعاتی را در همین زمینه بر سر زبان‌ها می‌اندازند. خیلی سریع کتاب‌هایی با عناوین مختلف از قبیل: «اسناد فاجعه لبنان»، «چهره امام موسی صدر»، نقش دکتر چمران و غیره با امضاهای ناشناس و مستعار در سطح دانشگاه‌ها و مدارس ایران توزیع می‌شود. بدون آنکه کسی زحمت پیگیری و کشف عاملان آن را به خود بدهد. سپس کیهان فتوکپی سندی را که از سفارت ایران در بیروت به دست آمده است، چاپ کرده و نشان می‌دهد «بررسی اسنادی که در این زمینه به دست آمده نشان می‌دهد که همه این کتاب‌ها توسط مزدوران ساواک و سازمان‌های سیا در ایران منتشر شده است ... در اواخر سال ۱۳۵۶ و اوایل سال ۱۳۵۷ یعنی به هنگامی که جوشش انقلاب اسلامی ایران آغاز شده و در عین حال امام موسی صدر نیز با همکاری جوانان و گروه‌های انقلابی ایران فعالیت خود را به اوج رسانیده است، کتاب‌هایی توسط «منصور قدر» سفیر شاه مخلوع در بیروت و عنصر کثیف ساواک تهیه و به دفتر مخصوص شاه ارسال شده تا به موقع خود، برضد امام موسی صدر و جنبش وی در جنوب لبنان مورد استفاده قرار گیرد. اسناد موجود تهیه و ارسال این کتاب‌ها از سوی منصور قدر به ایران را ثابت می‌کند. ولی ساواک ظاهراً با اوج گرفتن انقلاب، فرصت چاپ و انتشار

## ۴۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

نمی‌یابد. پس از پیروزی انقلاب، مزدوران ساواک این کتاب‌ها و جزوات را در ایران منتشر می‌کنند تا عامه مردم مبارز ایران را نسبت به جنبش امل و دکتر چمران بدبین نمایند. جالب اینجاست که این کتاب (سناد فاجعه لبنان) و جزوه «از شاه تا شمعون»، قبل از تکثیر آن توسط منصور قدر، در خارج از کشور به نام «بخشی از دانشجویان مسلمان خارج از کشور» منتشر شده بود. در این کتاب علاوه بر امام موسی صدر و دکتر چمران به «نهضت آزادی ایران» و «پیام مجاهد» ارگان نخست آن حمله شده است و انواع دروغ‌ها را نسبت داده‌اند. مطلبی که عیناً در نشریات وابسته به سیا و صهیونیست‌ها آمده است و بعد از انقلاب از طریق همین منابع در روزنامه‌های وابسته داخلی نیز منعکس می‌شده است. همان‌طور که گفته شد حتی مراکز خبری روسی نیز از همین منابع تغذیه می‌شده‌اند. به‌عنوان نمونه خبرگزاری تاس از مسکو در ۱۸/۷/۱۳۵۹ تفسیری نوشت تحت عنوان «دکتر مصطفی چمران به روایت ولادیمیر گونچارف، مفسر سیاسی تاس» و باکمال وقاحت عنوان کرد که: «چمران پس از فارغ التحصیل شدن، توسط دولت شاه برای ادامه تحصیل به آمریکا اعزام شد و در دانشگاه‌های کالیفرنیا مشغول تحصیل گردید. سپس چمران در برنامه‌های هسته‌ای پایگاه‌های هوایی آمریکا در برکلی و نیوجرسی شرکت کرد و او خود اذعان کرده است در تهیه سلاح‌هایی که آمریکا به وسیله آن فلسطینی‌ها و ویتنامی‌ها را نابود کرده است، همکاری داشته است. او هنگامی که در آمریکا بود در تشکیل انجمن‌های دانشجویی که تحت کنترل سازمان سیا بود، شرکت کرده است. چمران سپس عازم لبنان شد و ریاست یک مدرسه ضد جاسوسی را برعهده گرفت. بودجه این مدرسه تماماً توسط ساواک تأمین می‌شد. چمران بعداً عضو کادر رهبری «سازمان نظامی امل» شد. که به همراه فالانژیست‌های لبنان نیروهای چپی لبنان را بارها مورد تهاجم قرار دادند. علی‌رغم اظهارات عوام‌فریبانه‌اش تمام رفتارهای مصطفی چمران دارای مارک ارتباط با سیا و ساواک دارد».

هر کس که با سازمان‌های دانشجویان در آمریکا و فعالیت‌های انجمن‌های اسلامی دانشجویان و با «مؤسسه جبل‌العامل در طور» آشنا باشد می‌داند که سخنان مفسر سیاسی تاس تا چه اندازه مغرضانه و به دور از حقیقت و تحریف است، و در واقع

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۳۱

تکرار حرف‌های همان آقای دریفوس در کتاب گروگان خمینی است که قبل از آن هم در نشریات همین گروه به نام‌های یادشده در بالا آمده است. به دنبال تحریکات و شایعه‌سازی همین منابع غربی و شرقی است که مطبوعات حزب توده نیز شایعه‌پراکنی را تشدید می‌کنند. نشریه «کار» ارگان چریک‌های فدایی (اکثریت) در ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۹ می‌نویسد: «از ۱۳ آبان‌ماه پارسال که سفارت آمریکا تسخیر شد، موضوع بازداشت کارکنان جاسوس سفارت آمریکا به وسیله‌ای برای افشای سیاست آمریکا و طرد لیبرال‌ها بدل شد. این عمل نه تنها از سازش رأی عملی طرح برژینسکی<sup>۱</sup>، یزدی، چمران و بازرگان ممانعت به عمل آورد و لیبرال‌ها را به شدت به عقب نشینی وادار کرد ... روزنامه «مردم» ارگان حزب غیر وابسته توده هم اباطیلی از همین قبیل را بارها تکرار کرده است. نشریات گروهک‌های وابسته، بارها و بارها یاران صادق انقلاب را که هم‌اکنون هم در سنگرهای جنوب علیه متجاوزین عراقی می‌جنگند، قاتل تلّ زعتر و قاتل کردستان نامیدند.

برادران، خواهران، دشمنان حيله‌گر انقلاب اسلامی چگونه می‌توانسته‌اند این انقلاب را از درون متلاشی سازند و آن را در دنیا مخدوش سازند و اسطوره «نه شرقی و نه غربی» را بشکنند؛ مگر جز با تشبث به این شیوه‌ها ممکن بوده است؟ پس چرا کمی عاقلانه‌تر عمل نمی‌کنید، چرا کمی بیشتر دقت نمی‌کنید؟ در رابطه با این منابع و مآخذ و اسناد و مراکز وابسته به صهیونیسم و سیای آمریکا و روس‌ها، من تماماً نخواستم در دفاع از خود چیزی بگویم. اما من به شما می‌گویم تمامی دروغ‌ها و شایعاتی را که برای ما ساخته‌اند و در مطبوعات داخلی پخش کرده‌اند چه در مطبوعات راست و یا چپ، توسط دشمنان انقلاب اسلامی و یا دوستان نادان و بیمارگونه، از این مراکز ساخته و پراکنده شده‌اند. به‌عنوان نمونه القابی از قبیل «راسپوتین» توسط همین آقای دریفوس در نشریاتش به دکتر بهشتی داده شده است. عنوانی که آقای محمد منتظری نیز در مجله «پیام شهید» برای ایشان به کار برده است.

---

۱. زیگنیو برژینسکی، استراتژیست و تئوریسین معروف آمریکایی که در دوره پرتلاطم ریاست جمهوری جیمی کارتر مشاور امنیت ملی کاخ سفید بود و در دوره دولت موقت انقلاب ایران، به نمایندگی از دولت آمریکا در الجزایر با مهندس بازرگان دیدار و گفتگو کرد (ویراستار).

## ۴۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

«روزنامه اطلاعات» در روز شنبه، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰ متن کامل گفتگوها و سخنرانی‌های جلسه علنی پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ مجلس را گزارش کرده که در پیوست ۱ می‌آید.

### داستان راسپوتین ایران

پس از پایان جلسه علنی مجلس و در وقت تنفس، در راهروی مجلس درحالی‌که نمایندگان، محمد منتظری و مرا دوره کرده بودند، به او گفتم: اگر تو به من بگویی راسپوتین کی بود همه حرف‌هایت را می‌پذیرم. این پرسش من از منتظری موجب کنجکاوی نمایندگان شد و با پافشاری از وی خواستند پاسخ مرا بدهد. محمد منتظری پس از کمی درنگ و با ناخوشایندی گفت: «راسپوتین کسی است که از خود راضی باشد و گردن‌فرازی می‌کند». وقتی او این پاسخ را داد، گفتم این سخن تو مرا یاد پسر بچه‌ای می‌اندازد که دور از چشم مادر به کوچه رفته بود و از بچه‌های بی ادب کوچه چند تا فحش یاد گرفته بود؛ در منزل وقتی با برادرش دعوا می‌کرد آن فحش‌ها را نثار برادرش کرد. مادرش که شنید، سخت ناراحت شد و لب‌های خود را گزید و پسرش را سخت بازخواست کرد، اما پسرک حتی معنای آن کلمات زشت را نمی‌دانست. آقای محمد منتظری، حالا این داستان شماسست. راسپوتین کشیش فاسدی بود در دربار تزار. در تاریخ آمده است که او با بسیاری از زنان دربار تزار روابط نامشروع داشته است و برخی از شاهزادگان تزار فرزندان او هستند. راسپوتین دربار تزار کجا و دکتر بهشتی کجا؟ ما می‌توانیم با هم اختلاف پیدا کنیم، اما حق نداریم از حدود ارزش‌های دینی خارج شویم و مخالفانمان را با نسبت‌های زشت متهم سازیم. با استناد به نوشته‌های شما، با تأکید بر اینکه فرزند آیت‌الله منتظری هستید، نویسنده کتاب «در گروگان خمینی» دکتر بهشتی را راسپوتین ایران، به همان معنای راسپوتین دربار تزار، معرفی می‌کند. جواب خدا را چگونه می‌خواهی بدهی؟

### ۲- موضع‌گیری محمد منتظری و گروهش پس از حادثه شیراز

در خرداد ۱۳۶۰ وقتی به دعوت گروهی از مردم شیراز برای سخنرانی به این شهر رفتم، به طرز دهشتناکی مورد حمله گروهی اوباش قرار گرفتم که به زخمی شدن



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۳۳

خودم و پاسدار محافظم انجامید. آن واقعه در آن زمان، به موضوعی پر سروصدا در صحنه سیاسی ایران بدل شد و واکنش بسیاری از فعالان سیاسی را برانگیخت. شرح کامل آن را در ادامه همین فصل می‌آورم. از جمله کسانی که به آن واکنش نشان دادند محمد منتظری و گروه و نشریات وابسته به او بودند. آنان اگرچه به ظاهر آن واقعه را محکوم کردند، ولی در همان گفتارها و مقالات و نشریاتی که اقدام به محکومیت آن واقعه می‌کردند، بدترین تهمت‌ها و تهدیدها را نثار نمودند

محمد منتظری، که نماینده مجلس هم بود، و نشریه «والفجر» - وابسته به او با مدیرمسئولی ابوحنیف (جمالی) - و نیز برخی از دست‌اندرکاران مطبوعات وابسته به نهادهای رسمی، مانند «پیام انقلاب»، تهمت‌ها و تهدیدهای آشکاری علیه من منتشر کردند. محمد منتظری در نشریه‌اش مطالبی نوشته بود که هیچ ارتباطی با من نداشت. همه آن مطالب را جمع‌آوری کردم و به‌عنوان پیوست شکایت، تسلیم دادستانی کردم تا تحقیق کنند که حمله و ضرب و شتم من در شیراز از کجا نشئت گرفته است. فزاینده‌ای از سخنان محمد منتظری و ادعاهای دو نشریه نام‌برده، بخشی از مدارکی بود که پیوست شکایت به دادستان کل کردم.

### مطالب و مقالات نشریه والفجر، پیوست شکایت به دادستان

«سخنگوی دولت موقت (مهندس بازرگان - دکتر یزدی) به حبس ابد محکوم شد. امیرانتظام، عضو نهضت آزادی، همکار و هم‌رزم و هم‌خط دکتر یزدی - صباغیان.

### مضروب شدن دکتر یزدی در شیراز

دکتر ابراهیم یزدی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، هنگام ورود به مسجدالنبی شیراز مورد ضرب و شتم گروهی قرار گرفت و به شدت مجروح شد. گزارش رسیده حاکی است که دکتر یزدی و محافظش به شدت از ناحیه کتف و گردن مجروح شده بودند که اتومبیل‌های شهربانی به مسجد رسیدند و آنها را نجات دادند.

با وجودی که دکتر یزدی از معدود کسانی است که طرفدار خط آمریکا در ایران است و نیز جزء لیبرال‌ها و عضو نهضت آزادی و رفیق و هم‌رزم عباس امیرانتظام (جاسوس آمریکا) که به حبس ابد محکوم شده است و طبق اظهارات خود در بیشتر

## ۴۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

تصمیم‌گیری‌های سخنگوی دولت موقت بازرگان نقش بسزایی داشته و در فراری دادن بختیار، متین دفتری، سرهنگ سرمست و ربودن اسناد ساواک مرکزی نقش اساسی داشته است؛ هرچند دکتر یزدی برای حذف مخالفانش از حمله فیزیکی ابایی ندارد (حادثه روز پنجشنبه ۷ خردادماه جلوی درب خروجی مجلس شورای اسلامی و مفتضح شدن ایشان در بین مقامات و نمایندگان اتفاق افتاد)، لکن «نشریه والفجر» عمل حمله به دکتر یزدی را به‌عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی در شیراز شدیداً محکوم می‌نماید.

تذکری که روز پانزده خرداد به دکتر یزدی در میدان امام خمینی اصفهان دادم، این بود که آقای یزدی، اگر از خط امام دور شوی و خط امام را نروی به خدا با شمشیر راستت می‌کنم و بدانید شما وزیر هستید باید خط رهبر را بروید. آقای دکتر یزدی، چرا مدیر کل اداره ششم وزارت امور خارجه، دکتر داودی هست که در رژیم طاغوتی پهلوی جنایتکار همین پست را داشت و در رژیم فعلی دولت موقت اسلامی هم دارد و همین شخص یکی از مهره‌های طرفدار آمریکا است.

دکتر داودی و امثال او مانع تفاهم و دوستی ملت ایران و لیبی می‌باشند. دکتر داودی، یکی از مشاورهای دکتر یزدی است در امور خارجه و بدانید ملت، دارند به شما ضربه وارد می‌کنند، بدانید! جمله‌ای را می‌خواهم به شما بگویم: سرهنگ ویل (بیل) کسی بود که رئیس ضد اطلاعات افسری بود و رئیس ضد اطلاعات و شایعات و اعلانات مضره و رئیس تهدیدات و رئیس کمیته مشترک ضد خرابکاری، و همین سرهنگ بیل را هم معاون ضد اطلاعات ارتش اسلامی کردند که خوشبختانه توسط پاسداران در بیست روز پیش دستگیر شد و بدانید چه توطئه‌هایی در خطر است که حتی بهترین جوانان ما را مابین ۳۱ تا ۳۷ می‌گویند از خدمت ارتش معاف هستند. چه کسانی می‌گویند دیپلمه‌ها و ضد دیپلمه یعنی باسواد در ارتش اسلامی نباشد؟ بدانید توطئه‌ها از کجا آب می‌خورد و آمریکا و اسرائیل چه کارهایی دارند می‌کنند. والسلام. سرگرد نیلی

۱. منظور متولدین ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۷ خورشیدی است (ویراستار).

### برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۳۵

این ضد انقلاب نمی‌خواهد توده‌های مردم ما که سخنگویان حقیقی انقلابند، برای مردم مسلمان انقلابی حرف بزنند. یک کسی را سخنگوی دولت و انقلاب گذاشته‌اند که اصلاً افکار اسلامی از مغزش عبور نکرده است. این آدم کسی است که نهضت آزادی ایران (حزب آقای بازرگان) که سیصد تا عضو ندارد، اعلامیه داد و در صفحات کیهان و اطلاعات چاپ شد که ما مسئولیت حرف‌ها و اعمال ایشان را قبول نداریم و تحمل نمی‌کنیم. کسی که یک حزب سیصد نفری حاضر نیست مسئولیت اعمال و حرف‌هایش را بپذیرد، چگونه او را سخنگوی میلیون‌ها انقلابی گذاشته‌اید؟

[این سخنگوی دولت موقت یعنی امیرانتظام] می‌گوید: «این فلسطینی‌ها خیال می‌کنند صاحب خانه‌اند؛ نه خیر، ما به هیچ خارجی و من جمله فلسطینی‌ها اجازه نمی‌دهیم چنین کارها و تصرفاتی انجام دهند».

این نامسلمان، همان‌طوری که در دانشگاه نفت آبادان این حرف‌ها را زده بود و در روزنامه منعکس شد، من این دولت و سخنگویش را استیضاح کرده و ساکتش کردم. این موجود هنوز نمی‌داند که اینجا خانه فلسطینی‌هاست (حضار: صحیح است). این نمی‌داند که لیبی وطن ایرانی‌هاست (حضار: صحیح است) ما برای آزادی مصر با ؟؟؟؟‌های میلیونی مصر، برای ؟؟؟؟ کردن سادات خواهیم جنگید (حضار: صحیح است) همراه برادرانمان در افغانستان خواهیم جنگید (حضار: صحیح است) ؟؟؟؟ سخنرانی جلال الدین فارسی در سالن.

### ۳- معرفی چهره‌های برجسته نهضت آزادی ایران

مهندس بازرگان، صادق طباطبایی، بنی‌اسدی، دکتر یزدی، معین‌فر، علی آگاه، عباس امیرانتظام، حسن نزیه، خداپناهی، هاشم صباغیان، قطب‌زاده، علی خرم، دکتر مصطفی چمران، محمد توسلی، شهریار روحانی.

روزی بر سبیل اتفاق تنی چند از انقلابیون مسلمان نزد مهندس بازرگان رفتند و از او گله کردند که چرا امیرانتظام (عباس روافیان، فرزند میرزا یعقوب نامسلمان) جاسوس اسرائیل و آمریکا را معاون و سخنگوی خود کرده‌ای؟

## ۴۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

بازرگان پیر و متدین و صادق، با غرور پاسخ داد که من سه تن انقلابی را انتخاب و بر مصدر امور قرار داده و آنها همگی مبارز و مجاهدند و عبارتند از دکتر یزدی، هاشم صباغیان و عباس امیرانتظام.

**حکم دستگیری هدایت‌الله متین دفتری - ۲۱ خرداد ۱۳۵۸**

به نام خدا

برادران اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فرودگاه مهرآباد تهران مأموریت دارند که اسناد و مدارک، کیف و چمدان‌های آقای متین دفتری را که هم‌اکنون قصد بیرون بردن به خارج از کشور را دارد ضبط نموده و ایشان را جهت تحقیقات لازم بدون سروصدا دستگیر نمایید.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

**بعضی از جنایات دکتر یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت**

- ۱- دزدیدن اسناد مهم از سفارت ایران در آمریکا، توسط داماد دکتر یزدی.
  - ۲- ربودن اسناد از وزارت امور خارجه به وسیله افراد نهضت آزادی شاخه آمریکا.
  - ۳- انتخاب امیرانتظام به‌عنوان سفیر ویژه در کشورهای اسکانندیناوی.
  - ۴- لغو قرارداد پنج زیردریایی توسط دکتر طباطبایی و یزدی.
  - ۵- تحویل تنی چند از مبارزان افغانی به رژیم خائن.
  - ۶- آوردن نمایندگان سلطان قابوس کثیف به نزد امام که باعث ناراحتی امام شد.
  - ۷- همکاری نزدیک با رابط ساواک در بیروت.
  - ۸- ملاقات با برژینسکی در الجزایر به‌طور محرمانه با چمران و بازرگان.
  - ۹- بالا کشیدن پول‌های بیت‌المال پس از پیروزی انقلاب در ساواک مرکزی.
- بقیه اعمال سپاه دکتر یزدی در شماره‌های آینده.
- دکتر هدایت‌الله متین دفتری، خائن به اسلام و دارالاسلام ایران را چه کسانی فراری‌اش دادند؟

به علت کمبود جا در شماره بعد آورده می‌شود.

«نُشْرِیْهُ وَالفَجْر» ، زیر نظر حزب‌الله

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۳۷

مدیرمسئول: ابوحنیف (جمالی فرد)

آدرس: تهران - خیابان ایرانشهر - نبش اراک - جبهه آزادیبخش مستضعفین جهان  
تلفن ۸۲۶۹۸۴

کمک‌های خود را به حساب بانکی زیر واریز نمایید

بانک صادرات ایران - تهران - شعبه ۲۱۱۰ - خیابان مصدق - شماره حساب: ۱۲۳۵

### ۴- مقاله‌ای از نشریه‌ی *والجر* در نقد دولت موقت و عملکرد وزارت خارجه در

دوران دکتر یزدی

بسم الله الرحمن الرحيم

این انقلاب، بهترین انقلاب‌هاست و از بزرگ‌ترین انقلاب‌ها بوده است. محتوای این انقلاب، اسلام و اخلاق اسلامی است و اعتقاد ما بر این است که باید پرچم «لا اله الا الله» در ایران و همه‌ی جهان برافراشته گردد و شعار «نه شرقی، نه غربی» در تمام ابعاد به مرحله‌ی اجرا درآید و در این راه حاضریم سختی‌ها را تحمل نماییم.

باید با هوشیاری و دوراندیشی و وحدت کلمه‌ی گروه‌های صدرصد پایبند به اسلام و علاقه‌مند به مسلمین از آن استفاده کند و نگذارند فرصت جویانی که یک قدم و یک قلم برای اسلام و ملت شریف ایران برنداشته‌اند اکنون از این فرصت استفاده کنند و خود را به صورت وطن‌خواهی و آزادی‌خواهی در بین مردم رنج‌دیده برای رسیدن به وزارت و وکالت داخل کنند.

«در پناه اسلام و چهارچوب موازین اسلامی به فعالیت پردازید و از همکاری با کسانی که صدرصد در این چهارچوب فعالیت ندارند، احتراز نمایید» (از سخنان امام، یک سال قبل از پیروزی انقلاب، ۱۹ ذی‌القعدة الحرام ۱۳۹۷ هجری قمری).

با وجود اینکه مبارزان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران علیه رژیم دست‌نشانده‌ی ابر قدرت‌ها شبانه‌روز نیرو و توان خود را صادقانه در اختیار امام امت و ملت مسلمان ایران و مستضعفین جهان گذاشته بودند و انتظاری جز پیروزی حق بر باطل را نداشتند، اما بعد از پیروزی انقلاب و نفوذ معدود افراد جاسوس و فاسد و همچنین لیبرال‌ها که خود را پیرو خط امام می‌دانستند و در طی دوران اقامتشان در اروپا و آمریکا از قرآن و

## ۴۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

نهج البلاغه سخن‌ها می‌گفتند، و لکن مسیرشان غیر از آن بود، با پیروی از سیاست قحط الرجال، جذب دولت موقت شده بودند و ابرقدرت‌ها و استعمارگران را خوشحال و یا کسانی را به کار گماردند که به علت کهولت، توانایی کار رانداشتند و یا ناآشنا به امور مذهبی - سیاسی که اصلاً شم سیاسی را فاقد بوده‌اند و یا از همکاران رژیم منفور پهلوی معدوم و فعالان فرقه ضاله و سرسپردگان ساواک منحل و یا از کسانی که سال‌ها علیه اسلام در دستگاه رژیم و بیگانگان خوش‌رقصی می‌کرده‌اند برای تبلیغات نوبنیاد اسلامی در خارج به‌عنوان وکیل و سفیر انتخاب شده‌اند و مع‌الأسف ما در این دوره کوتاه نتوانسته‌ایم بر این امر درست قیام کنیم و نفوذکردگان فاسد توانستند در عرض دو سال از سپری شدن عمر انقلاب اسلامی، به بدترین وجهی از جمهوری به دفاع پردازند و جمهوری اسلامی را در صحنه سیاست خارجی منزوی و بی‌اعتبار نمایند؛ به طوری که بیشتر دوستان انقلاب ایران بعد از دو سال تصورشان این باشد که هیچ‌گونه تغییری در نظام فعلی به وجود نیامده و سفارتخانه ایران به مانند سابق مشغول تبلیغ نظام شاهنشاهی هستند (البته لازم به تذکر است که در بعضی از سفارتخانه‌ها کارهای خوبی انجام شده و ما بارها از مسئولین آنها تشکر و قدردانی کرده‌ایم، از آنها می‌خواهیم که به راه اسلامی‌شان ادامه دهند. سفارتخانه‌های ایران که لازم است یک مرکز تبلیغات اسلامی باشد و مع‌الأسف کم بوده است و به‌خاطر اشخاص فاسد است که برای بدنام کردن این جمهوری کارهای خلاف می‌کنند. بنابراین، بنا بر وظیفه انقلابی و اسلامی، توجه مسئولین امر را به عملکرد سفارتخانه‌های ایران در کشورهای سوریه، اردن، سعودی، سومالی، یونان و لیبی جلب کرده و به‌عنوان نمونه بعضی از اعمال سفارتخانه سوریه را که بر همگان روشن است، یاد آوری کنیم.

آخرین سفیر ایران در دمشق شخصی به نام معتضد است که مسئول ساواک در سوریه بوده و ارتباط مستقیم با «منصور قدر» داشته است. منصور قدر، سفیر ایران و مأمور فلسطین و رابط کشتار مجاهدین فلسطینی در سپتامبر سیاه با کمک ملک حسین جانی بوده است و همکاران ایشان، تیرائیان، پورمنصوری، ناهید و دیگران بوده‌اند. افراد نام‌برده نقش بسزایی در سرکوبی جنبش دانشجویان مسلمان ایرانی در دمشق و خاور

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۳۹

میانه را به عهده داشته‌اند و یک بار محل سفارتخانه به بازداشتگاه دانشجویان مخالف رژیم تبدیل شده و آقای تبرائیان مسئول مراقبت دانشجویان در زندان (سفارتخانه) شده و اسامی زیادی را به ساواک معرفی کرده است.

پس از انقلاب عظیم ایران، سفیر ایران در سوریه فرار را بر قرار ترجیح داد و باقی ماندگان با خاطری آسوده در محو آثار جرم در سفارتخانه ماندگار می‌شوند تا اینکه آقای سید حسن روحانی، استاد دانشگاه به‌عنوان سفیر ایران در سوریه انتخاب و به آن دیار اعزام می‌گردد و تنها تغییری که داده می‌شود آقای تبرائیان به تهران اعزام و پست معاونت اداره اول وزارت خارجه به ایشان واگذار و سپس به وسیله آقای قطب‌زاده به‌عنوان کاردار سفارت اردن انتخاب و اعزام می‌شود.

آقایان پورمنصوری، کتاب‌فروش کربلا و مأمور جزء سفارتخانه رژیم منفور به‌ظاهر مسلمان و حرف‌گوش‌کن مراجعه‌کنندگان مقبول آقای روحانی می‌شود و سمت سرکنسولگری به ایشان واگذار می‌شود و آقای ناهید نیز با ترفیع مقام، مشغول خدمات دانشجویی می‌گردد. و اینان هستند که مسئولیت تبلیغ جمهوری اسلامی را به عهده می‌گیرند و بر همه می‌خندند. اینان با زدوبندها توانستند به مدت مدیدی با پرچم شیر و خورشید در سفارت شاهنشاهی به‌عنوان سرکنسول در کلیه دید و بازدیدهای رسمی شرکت و فعالیت نمایند و در اولین جشن سالگرد انقلاب اسلامی ایران، کتاب‌های مخفی‌شده شاهنشاهی را مجدد از مخفی‌گاه‌ها درآورده و در سفارتخانه اسلامی به معرض نمایش خلق‌الله قرار دهند و با کمال بی‌شرمی عکس امام را در کنار کتاب‌های ضاله قرار دادند و در این میان آقای توکل، مشاور سیاسی آقای روحانی که یکی از افراد وزارت امور خارجه است با عدم شم سیاسی - مذهبی خود در این‌گونه موارد، فعالانه تبلیغ می‌نماید. خانم شریعت، کارمند سابق سفارتخانه در مصر به مأموریت جدید خود در سوریه مفتخر است و علاوه بر شغل مترجمی، به کارهای فرهنگی و انتشاراتی نیز مشغول است و با فعالیت ایشان سفارتخانه توانسته است هشت شماره نشریه که متجاوز از پنجاه صفحه نمی‌شود و اکثراً مطالبش از روزنامه‌های داخل کشور است، انتشار [داده] و در اختیار علاقه‌مندان در سوریه قرار دهد و بزرگ‌ترین تیراژ آن هزار نسخه می‌باشد.

## ۴۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

ظواهر اسلامی به هیچ وجه در سفارتخانه رعایت نمی‌گردد. به‌خاطر اعتراض مراجع‌کنندگان، زنان از طبقه همکف به طبقه فوقانی برده شده‌اند. اکثر کارکنان سفارتخانه اعتقادی به مبانی اسلام نداشته و مسیحی یا یهودی هم در بینشان دیده می‌شود؛ بقیه هم در اجرای شعائر اسلامی چندان الزامی ندارند. در صورتی که بسیاری از مسلمان حاضرند فی سبیل الله در سفارتخانه برای مردم خدمتگزاری کنند.

تعظیم و رکوع سفیر ایران در برابر شخص رئیس جمهور سوریه، تعظیم سفیر چین در برابر شاه ملعون را در خاطره زنده می‌کند. آقای انصاری در گرفتن ویزای آمریکا برای علاقه‌مندان در تلاش است و حتی چنان شیفته این مجاهدین ینگ دنیا شده که شخصاً با نامه رسمی و ماشین به سفارتخانه آمریکا رفته و تقاضای اذن دخول به آمریکا را از نماینده شیطان بزرگ طلب می‌نماید.

آقای توکلی در اثر شنیدن اخبار ایران از صدای جمهوری اسلامی و علاقه شدید ایشان به جمهوری به ضعف اعصاب دچار شده و به تجویز دکتر، پیچ رادیو ایران را برای همیشه بسته و به مدت دو هفته برای معالجه و استراحت به ترکیه و بلغارستان سفر می‌کند. در سفارتخانه ایران از انقلابیون واقعی و آنهایی که خون داده‌اند، دیده نمی‌شود و به واسطه همین مجموعه است که سفارتخانه ایران در حساس‌ترین منطقه خاورمیانه، اطلاعاتی از وجود نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی و مستضعف که در سوریه به فعالیت مشغولند، ندارد و درحالی‌که در لبنان برادران مسلمان را صهیونیست‌ها و بعثیون عراق ترور و قتل‌عام می‌کنند، صدایی از حلقوم سفارتخانه برنمی‌آید.

در سوریه به برادران مبارز افغانی اجازه ورود به ایران را نمی‌دهند تا آنان به دیگر برادران مجاهدشان در افغانستان بیوندند و یا رضایتنامه سفارت شوروی را یکی از شروط ویزا دادن به آنها می‌شمارند و در صورت ویزا دادن به مجاهدین دیگر جنبش‌ها، عمداً نام سازمان آزادی‌بخش را در صفحه پاسپورت متقاضی ثبت می‌کنند که این خود نوعی همکاری با رژیم طاغوتی و دست‌نشانده است. از پخش بیشتر نشریات «کبهان عربی» و «مجله شهید عربی» به واسطه محتویاتش (مواضع ضد عراقی و ضد سعودی) جلوگیری به‌عمل می‌آید و در صورت پخش شدن، فقط به اعضای سفارت و



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۴۱

یا ایرانیان مقیم آنجا داده می‌شود و بعضی از ضد انقلابیون توانسته‌اند نشریات خود را از سفارتخانه به ایرانیان برسانند. با نماینده «کیهان عربی» در سفارتخانه بدرفتاری می‌شود و حاضر نیستند با این برادر همکاری نمایند.

کلاً عملکرد سفارتخانه ایران در سوریه در عرض دو سال از عمر انقلاب اسلامی خیلی ضعیف و نارسا است که آن هم به علت نفوذ عناصر فاسدی است که قبلاً در خدمت رژیم سابق خوش‌رقصی می‌کرده‌اند. پیشنهاد ما به دولت مکتبی جهت معرفی و صدور انقلاب اسلامی ایران در سوریه و نمایندگی‌های خارج از کشور این است که هرچه زودتر این نوع سفارتخانه‌ها را که حیثیت جمهوری اسلامی ایران را از بین می‌برند و کیسه بیت‌المال ایران را در جهت ضد انقلاب خالی می‌کنند، بسته و تعطیل نمایند. در عوض با انتخاب افراد مخلص و مؤمن و اعزام آنها به کشورها به پیشبرد انقلاب کمک نماید. ضمناً جبهه آزادی‌بخش مستضعفین جهان حاضر است در این امر انقلابی، دولت را یاری رساند.

برقرار باد حکومت جمهوری اسلامی ایران - برافراشته باد پرچم لا اله الا الله در همه جهان.

جبهه آزادی‌بخش مستضعفین جهان

۵- مقاله‌ای دیگر از نشریه *الفجر* و گروه محمد منتظری در اعلام جرم علیه

دکتر یزدی

بسم الله الرحمن الرحيم

امام خمینی: «این ننگ را به کجا ببریم که برخی از اهالی مملکت، حالا که آمریکا را ملت، شکست داده است، باز رابطه با آمریکا دارند».

اعلام جرم علیه دکتر یزدی

روز دوشنبه ۱۳۶۰/۲/۲۱ در دادگاه انقلاب اسلامی و در برابر امت قهرمان و شهیدپرور مسلمان ایران، مسائل مهمی تجزیه و تحلیل و مورد بررسی قرار گرفت و اکنون این مسئله برای ما مطرح است که چرا در مدت دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مسائل مهم به سادگی گرفته شده است؟ افرادی در این مملکت هستند که با

## ۴۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

آمریکا روابط دارند و حتی در جشن استقلال آمریکا در تهران شرکت جسته و نوشابه غیرالکلی نوشیده‌اند و حتی به مدت یک ساعت و نیم با یکی از سردمداران صهیونیسم و امپریالیسم در الجزایر ملاقات دوستانه و محرمانه داشته‌اند، ولی در دارالاسلام ایران به هیچ وجه مؤاخذه نمی‌شوند و باز هم در پست حساس و حتی در مجلس شورای اسلامی به وکالت مشغول هستند. اینان با عملکرد ده ماه حکومت موقت، توانستند مسیر اسلامی امت قهرمان مسلمان ایران را به انحراف بکشانند و با فراری دادن هزاران آمریکایی جاسوس در اوایل پیروزی انقلاب و نیز فراری دادن جنایتکاران رژیم شاه معدوم و افرادی به مانند بختیار و حسن نزیه و دکتر متین دفتری و چمدان اسناد ربوده‌شده از ساواک، بزرگ‌ترین یأس را به ملت عارض شدند. و در صحنه سیاست خارجی یعنی برقرار نکردن روابط دوستانه و دیپلماتیک با کشورهای انقلابی، به‌ویژه کشور دوست و برادر لیبی، جلوگیری از مسافرت نمایندگان مسلمان ایران (در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۱) در جشن بیرون کردن پایگاه‌های آمریکایی در لیبی و صدور نفت امت اسلامی به رژیم منفور و جنایتکار مارکوس، ایجاد مزاحمت برای برادران فلسطینی و در ایجاد برقراری سفارتخانه و برقرار نکردن روابط بانهضت‌های آزادی‌بخش جهان به مانند اریتره، مورو، فطانی، افغانستان و مستضعفین جهان که ایران را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پایگاه انقلاب می‌دانستند و می‌دانند و شرکت در کنفرانس هاوانا و دعوت صدام حسین خائن و صهیونیست را به ایران و دعوت کردن عده‌ای مرتجع از نمایندگان سلطان قابوس و بردن به نزد امام و اخراج نمودن آنها از دارالاسلام ایران توسط امام و پیام تبریک به صدام و ده‌ها عمل ناشایست دیگر، ایران را منزوی کردند.

از برادر مجاهدان آیت‌الله محمدی گیلانی تقاضا داریم که نظر به مقام با ارزشی که به ایشان واگذار شده و در رابطه با خط امام و بدون ملاحظه روابط و سفارش و بدون ترس از غیر خدا و با کمک گرفتن از مخلصین امت، دکتر یزدی و کسانی که با ایشان همکاری نزدیک داشته‌اند، باز خواست و مورد بررسی و بازجویی قرار بدهید و ما رسماً در مورد کارهایی که دکتر یزدی تاکنون انجام داده است، اعلام جرم می‌کنیم و

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۴۳

خواهان حکومت اسلامی و برقراری عدل اسلامی در ایران و جهان هستیم. موفق و پیروز باشید (انشاءالله).

۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۰ - جبهه آزادی‌بخش مستضعفین جهان

### ۶- گزارش‌ها و یادداشت‌های نشریه الفجر علیه دکتر یزدی و دولت موقت

#### ۶-۱- اسناد خیانت دلتمردان دولت موقت

بیشتر اسناد مربوط به کسانی است که مصدر کارند و وظیفه شرعی و ملی دولت جمهوری اسلامی است که با انتخاب و انتصاب افراد معتقد و پایبند به اسلام و صددرصد در چهارچوب موازین اسلامی که گذشته و حالشان گواه بر مبارز و مسلمان بودنشان می‌نماید و گماردن آنها به‌عنوان مجریان امور، اعتماد توده عظیم ایران را به جمهوری اسلامی چند برابر افزایش دهید. آمریکا دشمن شماره یک ملت مسلمان ایران، همواره به نیروهای دست‌نشانده خود در ایران متکی می‌باشد (امیرانتظام، مراغه‌ای، مدنی، نزیه، بختیار، یزدی، و ...) و ناگزیر دولت باید در امر انتخاب و انتصاب افراد مسئول، توجه بیشتری مبذول دارد؛ چرا که دست‌نشانندگان و فرصت‌طلبان در هر لحظه، فوراً به رنگ انقلاب درآمده و در فرصت مناسب از پشت به اساس نوین‌یاد جمهوری اسلامی خنجر خواهند زد.

از این رو، بر کلیه مسلمانان و مجاهدان راه آزادی و حقیقت، ضروری است که بدانند تا زمانی که خائنین معدوم نشده‌اند و فرصت‌طلبان انقلابی‌نما بر سر جایشان ننشسته‌اند، قلم‌هایشان را بر زمین نگذارند؛ زیرا رژیم مدفون پهلوی، مدت مدیدی در ایران‌زمین فرمانروایی کرده و تفاله‌های رژیم ملعون، هم‌اکنون در گوشه و کنار به فعالیت مشغولند (اکبر والی، صباغیان، تکمیل همایون، میناچی و توسلی ...) و نیز عوامل وابسته به آمریکا، صهیونیسم و شوروی در ایران شب و روز مشغول توطئه و جنایت هستند.

بر ملت مسلمان و قهرمان ایران واجب است تا برقراری ارزش‌های اسلامی و تثبیت قوانین جمهوری اسلامی، پاک‌سازی و تنبیه افراد غیرانقلابی و فرصت‌طلبان را که در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی [مشغول کارند]، ادامه دهند. تلاش و کوشش

## ۴۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

دست‌اندرکاران در این امر ضروری، ضامن تداوم جمهوری اسلامی است. و برای اینکه اشتباهات گذشته تکرار نگردد و ملت با امیرانتظام‌ها و توسلی‌ها و طباطبایی‌ها و مراغه‌ای‌ها و ... روبه‌رو نشود، کلیه سرقت‌ها که در وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها انجام پذیرفته به اطلاع ملت مسلمان ایران برسانیم و سارقین این اسناد را به ملت معرفی نماییم. به امید استقرار حکومت اسلامی در جهان.

نشریه والفجر، سخنگوی محرومان و زاغه‌نشینان و گودنشینان

### ۲-۶- دکتر یزدی، متین دفتری، مهندس بازرگان، چمران، عباس امیرانتظام

۱- دکتر یزدی توانست در اوایل انقلاب، بسیاری از اسناد ساواک [را] به‌وسیله دو تریلی از ساواک مرکزی واقع در سلطنت‌آباد، خارج نموده و توسط دکتر متین دفتری خائن، دو چمدان از بهترین اسناد را به خارج کشور بفرستد.

لازم به ذکر است که در خردادماه ۱۳۵۸ دکتر متین دفتری همراه اسناد ربه‌ده شده در فرودگاه تهران توسط سرگرد نیلی و انقلابیون دستگیر می‌شود و متأسفانه بعد از دو ساعت توسط امیرانتظام (عباس روافیان) و چمران آزاد گشته و به اروپا می‌گریزد.

۲- دکتر یزدی با همکاری دامادش شهریار روحانی و شرکا، بسیاری از اسناد سفارت ایران در آمریکا را ربه‌ده و به نقاط نامعلومی انتقال می‌دهند.

۳- فرزند مهندس بازرگان، بسیاری از اسناد، مراکز اسناد انقلاب را ربه‌ده و در جای امنی نگهداری می‌نماید.

۴- قطب‌زاده وزیر امور خارجه سابق در دوران تصدی وزارت خارجه، توانست اسناد بسیاری را به دفتر چمران (ساواما) انتقال دهد که چندی پیش نخست‌وزیر دستور ارجاع اسناد را به محل اصلی می‌دهد و پس از بررسی متوجه می‌شوند که بیش از صد و پنجاه سند مهم گم شده است و در میان اسناد گم‌شده، نام‌های رجوی، تیراثیان، مرادی، شاه اویسی، خلیلی، اساسی، طالب‌زاده و ... و صورت‌جلسه چک یک میلیون دلاری ارسالی به ...<sup>۱</sup> بوده است.

---

۱. در متن اصلی نشریه، به جای نام شخص مورد نظر، نقطه‌چین گذاشته‌اند.

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۴۵

۵- خارج نمودن اسناد وزارت خارجه و وزارت کشاورزی و ... توسط ریاست جمهوری به عنوان شناسایی و پاکسازی افراد نفوذ کرده در دفتر هماهنگی ریاست جمهوری که جریان مفصلاً در جراید منتشر شده است.

۶- ربودن اسناد طرفداران رژیم ملعون توسط دفتر نخست‌وزیری دولت بازرگان (ابراهیم حکیمی، بهایی معروف) و سرقت بسیاری از اسناد سازمان‌های دولتی و رشوه گرفتن (یک میلیون و نیم تومان) و فراری دادن بختیارها، نزیه‌ها، آقایی‌ها و سرمایه‌داران و مفسدین فی الارض به خارج از کشور زیر نظر مسئولین امر. اکنون با روشن شدن ماهیت افراد انقلابی‌نما مانند دکتر یزدی‌ها، چمران‌ها، توسلی‌ها، قطب‌زاده‌ها، صباغیان‌ها، میناچی‌ها، ... و افراد مزدور و جاسوسی مانند امیرانتظام‌ها، ابراهیم حکیمی‌ها، اکبر والی‌ها، تکمیل همایون‌ها و ... و وسیله‌شدگانی مانند ناطقی‌ها، فضلی‌نژادها، رضا ؟؟؟؟؟ و امیرخانی‌ها و ...

جبهه آزادی‌بخش مستضعفین جهان، پشتیبانی خود را از دادستانی انقلاب اسلامی اعلام می‌دارد و از مقامات قضایی خواستار است موضوع سرقت اسناد را از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی توسط افراد ذکرشده، پیگیری کرده و ماهیت پلید این جریان را - که معتقدیم در دیگر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی نیز سابقه داشته است - کشف و افشا کرده و عاملین این سرقت‌ها را به ملت مسلمان معرفی و سارقین و ربایندگان و خارج‌کنندگان را به جزای اعمال کثیف‌شان برسانید.

جبهه آزادی‌بخش مستضعفین جهان گزارشگران: ابوحنیف و انقلابیون فی سبیل‌الله سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۰-۲۹ رجب ۱۴۰۱ ه. ق

## ۶-۳- شکایت از کارگزاران دولت موقت به دادگاه انقلاب

امام خمینی: «هرچه می‌خواهند توابع صهیونیست‌ها فریاد بزنند ما با آنها انقلابی رفتار می‌کنیم».

ما باید در توسعه انقلاب خود، بشریت را از مظالمی که به او رفته است نجات بخشیم؛ در صورتی که هنوز در ایران عناصر زیادی هستند که بر علیه انقلاب کار می‌کنند.

## ۴۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله مجاهد آقای محمدی گیلانی، ریاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی مرکز

بعد از پیروزی انقلاب عظیم ایران و انتخاب بازرگان به عنوان نخست وزیر دولت موقت انقلاب، گمان ما بر این بود که یک پیر با اطلاعات مذهبی و شم سیاسی اش و با استفاده از رهنمودهای امام امت کابینه ای را تشکیل [می]دهد که تمامی افراد آن، انقلابی و صددرصد در چهارچوب موازین اسلامی [می]باشند، اما متأسفانه، ملت مسلمان شاهد بود که مشی غیرانقلابی آقای بازرگان و شرکا و خطای انحرافی نهضت آزادی خارج کشور، تمام تخم و ترکه های اشرافیت و جاهلیت و دار و دسته جبهه ملی و نهضت آزادی و عناصر خودفروخته رژیم معدوم پهلوی را بر سر کار آورد و به جای حکومت توحیدی اسلامی، حکومت شرک را بنا نهاد و عمداً به جای انقلابیون اصیل و واقعی، آنهایی که در پیشبرد انقلاب اسلامی خون داده بودند و لیاقت خدمتگزاری را داشتند، از استاندارها و مدیرکل های رژیم کفر پهلوی استفاده کرد.

همه می دانند که شخص بازرگان در اعتقاداتش در کلماتش و سخنانش با مردم صریح و صادق [بود]، اما دولت موقت با کارنامه سیاهش توانست در عرض کوتاه مدت، روحیه و خلق و خوی جاهلیت و عناصر ضدانقلاب و نامسلمان و ضداسلامی را در جامعه بعد از انقلاب نفوذ دهد؛ چون معتقد بود که می توان برای پیشبرد حکومت و جامعه از هر عنصری کمک گرفت و می بایست کینه های گذشته را فراموش کرد و برای ساختن جامعه توحیدی کوشید.

آمریکا و اسرائیل با علم به این موضوع و نقطه ضعف دولت بازرگان، توانست عناصر تربیت یافته در مدرسه سیا و موساد را در کابینه دولت موقت وارد نماید که می توان حسن نزیه ها، تیمسار شاکری ها، مدنی ها، عباس روافیان ها، امیرانتظام ها، و دکتر یزدی ها را نام برد. آیا در دادگاه انقلاب اسلامی و دولت مکتبی تنها و تنها امیرانتظام باید محاکمه شود و آیا در دارالاسلام ایرانی ها یک امیرانتظام وجود دارد و کلاً چه کسانی و چه دست هایی امیرانتظام ها را در این کشور اسلامی بر سر قدرت می آورد و

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۴۷

آیا نباید دولت موقت و عملکرد آن و دار و دستۀ «نهیست آزادی» و «جبهه ملی» را مورد تجزیه و تحلیل قرارداد؟

چرا پست‌های حساس مملکتی و شریان‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی باید به این سادگی در اختیار عناصر نامسلمان و ضدانقلاب قرارگیرد؟ اگر از روزهای اول پیروزی انقلاب فریادها و عربده‌های این نامسلمان‌ها و غرب‌زده‌هایی را که در دستگاه دولتی ظاهر شده بودند، در نطفه خفه می‌کردیم و نمی‌گذاشتیم چریک پیر و هم‌زمش خودسرانه کارهایی و انتصابات انجام دهند، دیگر امروز نیازی به این دادگاه‌ها نداشتیم. امیرانتظام که نام اصلی‌اش عباس روافیان، فرزند میرزا یعقوب یهودی است، به‌وسیله برادرمان محمد منتظری بارها و بارها در کنفرانس‌ها و مصاحبه‌های مطبوعاتی یادآوری کرده است که این یهودی تازه‌مسلمان‌شده، اسرائیل را بر فلسطین ترجیح می‌دهد و به راحتی توانست به نهضت آزادی ملحق گردد و در زمان حکومت بازرگان و دکتر یزدی، به‌عنوان معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت انقلاب و سپس به‌عنوان سفیر منتخب دکتر یزدی در سوئد، بزرگ‌ترین ضربه‌ها را بر پیکر جمهوری نوپنیا اسلامی ایران وارد نماید.

کارنامه سیاه عباس روافیان (امیر انتظام) توسط نماینده دادستانی تهران در محضر دادگاه به ملت مسلمان ارائه شده است و نیازی به تکرار آن نیست. ما فقط نکاتی که در دید ایشان نبوده، مدارکش را ارائه می‌دهیم و در خاتمه از ریاست دادگاه انقلاب و دولت مکتبی می‌خواهم جریان و کلیه کسانی که به مدت ده ماه مسیر انقلاب اسلامی را منحرف کردند و معتقدیم کلیه نارسایی‌ها و مشکلات امروزی ناشی از عناصر معدود جاسوس و فاسدی است که در دستگاه دولت بازرگان رخنه کرده بودند، بایستی کاملاً شناسایی و به ملت مسلمان معرفی و در دادگاه انقلاب محاکمه و به سزای اعمال کثیف‌شان برسند. ان‌شاءالله

### ۴-۶- سخنان بزرگان انقلاب در خیانت دولت موقت

یک شب ۶ اردیبهشت، ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۰۱ هجری قمری  
ابوحنیف (اصغر جمالی فرد)

## ۴۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

بسم الله الرحمن الرحيم

«باید با هوشیاری و دوراندیشی و وحدت کلمه، گروه‌های صددرصد اسلامی و پایبند به اسلام و علاقه‌مند به مسلمین از آن استفاده کنند و نگذارند فرصت‌جویانی که یک قدم و یک قلم برای اسلام برنداشته‌اند، اکنون از فرصت استفاده کنند و خود را به‌صورت وطن‌خواهی و آزادی‌خواهی در بین مردم رنج‌دیده برای رسیدن به وزارت و کالت داخل کنند» (از سخنان امام خمینی، یک سال قبل از پیروزی انقلاب).

«ما اول فکر می‌کردیم از نخست‌وزیرها و وزرای رژیم استبدادی گذشته و معاونین وزراتخانه‌های گذشته استفاده بکنیم و مثلاً از استاندارها و مدیرکل‌هایش در دستگاه دولت استفاده کنیم، دیگر کسی اعتراض نمی‌کند» (از سخنان مهندس بازرگان بعد از پیروزی انقلاب).

«آری، یک سیاست امپریالیستی - صهیونیستی مأمورین رژیم گذشته، بر بسیاری از مسائل کنونی کشور سایه انداخته و عناصر نالایق و احياناً تک و توکی مزدور به اصطلاح حاکم بر کشور در چهارچوب همین سیاست عمل می‌کند» (از سخنان محمد منتظری، در زمان حکومت بازرگان).

«این دست‌های صهیونیسم که از این حادثه درآمد، همان دستی است که باعث شده دولت موقت اراده توده‌های انقلابی را ندیده بگیرد و با سادات خائن قطع رابطه نکند و اگر فرمان کتبی و صریح امام به وزارت امور خارجه نبود، [حالا] حالاها با سادات خائن قطع رابطه نکرده بود» (از سخنان جلال الدین فارسی، در فرودگاه تهران خرداد ۱۳۵۸).

«بعضی از عملکردهای دولت موقت که به دستور عباس روافیان (امیر انتظام) انجام گرفت»:

«این فلسطینی‌ها خیال می‌کنند صاحب‌خانه‌اند؛ نه خیر، ما به هیچ خارجی و من جمله فلسطینی‌ها اجازه نمی‌دهیم چنین کارها و تصرفاتی انجام دهند» (از سخنان امیر انتظام (روافیان) در دانشکده نفت آبادان).

«آقای زواره‌ای با همکاری سپاه پاسداران، دکتر متین دفتری را با چمدانی پر از اسناد ربوده‌شده از ساواک که قصد خارج کردن از کشور داشت، دستگیر می‌کند و چند



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۴۹

ساعت بعد به دستور امیرانتظام و مشاور دیگر بازرگان، آزاد شده و متین دفتری ایران رابه قصد اروپا ترک می‌نماید».

### ۵-۶ - امیرانتظام و ماجرای فرودگاه تهران، خرداد ۱۳۵۸

در روز یکشنبه مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۰ هیئت حسن نیت که بنا به دعوت لیبی از حزب جمهوری اسلامی و پاسداران انقلاب اسلامی عازم لیبی جهت شرکت در جشن‌های برپیده شدن پایگاه‌های نظامی آمریکایی بودند، از طرف دولت موقت (امیرانتظام) بدون ذکر علت و بیان مجوزی، از مسافرت ۵۵۰ نفر جلوگیری و به مدت دو روز و دو شب سرگردان و بلا تکلیف شدند.

جلال الدین فارسی، دکتر سیف‌الله وحید، محمد منتظری، امید نجف آبادی، سرگرد نیلی، ابوحنیف.

پیش از ظهر ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ هواپیمایی مملو از آمریکایی‌ها که از طریق استکهلم در فرودگاه تهران بر زمین می‌نشیند به دستور امیرانتظام بدون تفتیش چمدان‌های آنان، از سالن فرودگاه خارج و در تهران پخش می‌گردند و به دستور امیرانتظام به تیمسار فیروزیان در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۶، شماره ۱۰۷، دستور داده می‌شود که «کلیه آمریکایی‌ها می‌توانند از کلیه مرزهای ایران با هواپیماهای نظامی و غیرنظامی با تسهیلات لازم از طرف دولت از ایران خارج شوند».

امیرانتظام - معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت

در ۶ فروردین ۱۳۵۸ که روز امضای قرارداد ننگین سادات، بگین، کارتر است، از طرف دولت موقت به برادر حلیم [عبدالحلیم خدام]، معاون سفیر فلسطین در ایران<sup>۱</sup> تلفن می‌شود که کنسولگری انقلاب فلسطین در اهواز بسته شود و پس از چند روز هم بازرگان و معاون امور انقلابش آقای هانی الحسن را به کاخ نخست‌وزیری احضار و رسماً ابلاغ می‌کنند که کنسولگری در اهواز تعطیل گردد.

---

۱. عبدالحلیم خدام در آن زمان وزیر امور خارجه سوریه بود، نه معاون سفیر فلسطین در ایران. نویسندگان نشریه «الفجر» در اینجا اشتباه کرده‌اند (ویراستار).

## ۴۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

آقای امیرانتظام (عباس روافیان، فرزند میرزا یعقوب)، آیا جرم برادران لیبی این بوده که در طول پانزده سالی که انقلابیون لیبیایی رژیم سلطنتی آمریکایی، انگلیسی ملک ادريس را واژگون ساخته‌اند با رژیم محمدرضا شاه رابطه دیپلماتیک نداشتند و بر ضد رژیم شاه عمل می‌کردند، و آیا [اگر] حکومت لیبی با رژیم گذشته روابط دیپلماتیک برقرار می‌کرد، هم‌اکنون روابط در سطح عالی همان‌طور که با آمریکا، شوروی، چین، انگلیس برقرار است، نمی‌داشت؟  
و از اینجاست که تفاوت میان خط امام خمینی و خط حاکم به‌درستی معلوم می‌گردد.

شبی که قرار بود برادر عبدالاسلام جلود به اتفاق همراهانش فرمایش برای دیدار رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی به قم برود، از طرف نخست‌وزیری کوشش بر این می‌شود که برای نماینده سادات وقت گرفته شود تا با امام مذاکره کند که بدیهی است امام چنان کوششی را تقبیح می‌کند. همین عوامل ضد انقلاب بودند که نسبت به قضیه فلسطین بد عمل کردند و در مورد تقاضای برادران فلسطینی مبنی بر اینکه پرتقال غزه را شما کیلویی ۳۰ ریال بخرید، چون استعمار آمریکا با مصر متحد شده و می‌خواهد پرتقال مردم غزه را به قیمت زیاد بخرند و بگویند اگر این طرحی که مورد توافق سادات - بگین است، قبول کنید پرتقالتان را به چند برابر می‌خریم.  
«این دولت انقلابی (بازرگان) از دولت عربستان سعودی عقب‌تر است (جلال‌الدین فارسی).

**توضیح:** محمد منتظری و دوستانش درحالی این سخنان را علیه کارگزاران دولت موقت، به‌ویژه مهندس بازرگان، مهندس امیرانتظام و من پخش می‌کرد که خود او در سه ماهه اول سال چندین بار با نادیده گرفتن قانون به رفتارهایی همچون بستن فرودگاه مهرآباد، ورود و خروج از کشور بدون ویزا و رفتارهای ایدایی دیگر دست زده بود و کار را به جایی رسانده بود که پدر ایشان آیت‌الله منتظری با صدور اعلامیه از رفتار او اظهار برائت کرده بود. همچنین دادستان تهران در موضوع فرودگاه مهرآباد، حکم دستگیری و بازداشت او را صادر کرده بود [پیوست ۲].

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۵۱

مشروح جریانات مربوط به ایشان را در دفتر اول جلد پنجم آورده‌ام که از تکرار آن خودداری می‌شود.

### ۷- شکایت گروه محمد منتظری از سران دولت موقت به دادستانی کل کشور

هشدار به نیروهای اصیل انقلابی و اخطار به فرصت‌طلبان انقلابی‌نما و مزدور برای درهم کوبیدن توطئه‌های صهونیسم، امپریالیسم، امیرانتظام، دکتر یزدی، توسلی، صباغیان و ...

نامه سرگشاده

بسمه تعالی

هیئت سه نفره بررسی اختلافات

رونوشت: دادستانی کل کشور و مجلس شورای اسلامی

محترماً به عرض می‌رساند بعد از فرمان امام خمینی بر رفع تشنجات و ایجاد آرامش در جامعه و سکوت همه خطوط، به لحاظ اینکه اسلام اینک با کفر درگیری مسلحانه دارد و ضرورت حفظ آرامش در پشت جبهه بسیار شدید است، طبیعی بود و به عرض رسید که نیروهای انقلابی خط امام و مسلمان همگی فرمان امام را به گوش جان خواهند شنید، اما منافقین و به‌ویژه رئیس‌المنافقین که اعتقاد درونی آنها به هیچ وجه نه امام و نه اسلام و نه جمهوری اسلامی و ... را باور ندارد، دست از مفسده‌جویی برنداشته، بلکه میدان را خالی یافته و بر تاخت و تاز و خیانتشان می‌افزایند و اتفاقاً هم چنین شد و این بار دیگر هر صاحب دیدی به خوبی و عیناً مشاهده کرد این حضرات و باند خبیث ملی‌چی‌های آمریکایی چگونه فرمان امام را نیز به مسخره گرفتند و نه در جهات تبلیغاتی سکوت نکردند که بر خیانت‌های پشت پرده‌شان، سرقت اموال بیت‌المال از راه‌های قانونی تصفیة ارتش، کمک همه‌جانبه به مجاهدین خلق و فدایی‌ها و پیکارها و همکاری صمیمانه با خلق مسلمان‌ها و شکستن چهره‌های انقلابی و ... منافقانه‌شان نیز افزودند.

به‌عنوان نمونه، فداکاری سروان شهید و شجاع برادر شیروودی بر هیچ کس پوشیده نماند، اما آنچه مخفی است اینکه تنها خصیصه این شیر مرد اسلام، عدم اعتقاد و

## ۴۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

ضدیت او با باند و راه و رسم بنی‌صدری بود و به علت همین صفت، فرمانده کل قوا<sup>۱</sup> چندین بار فلاحی را امر کردند که بر سر ایشان و سروان کشوری و ... وضعی بیاید که مشکلی ایجاد نکنند و خلاصه اینکه چندین مرتبه این شهید اسلام مورد تهدید و تصفیه و با بی‌مهری شدید آقایان مواجه می‌شود، اما بدون اعتنا به این تهدیدها و ردالت‌های بنی‌صدری، همچنین در آغوش برادران سپاه پادگان ابوذر و دیگر همسنگران و هم‌زمان انقلابی و مکتبی ارتش سرفراز به پیش می‌تاخت. اما بعد از شهادت شهید شیروودی، فرمانده کل قوا که تصفیۀ این عزیز را فرمان می‌داد، برای جلب نیروها و گم کردن خط‌ها و نمایاندن رئیس جمهوری به‌عنوان تنها حامی ارتش و ... آن‌چنان از او تجلیل می‌کند که مستحضرید و این اوج نفاق و پلیدی است که از خون شهید هم به سود شخصی ...؛ و گرنه شیروودی شهید را که همچنان که خود شهید می‌گفت چه نیاز به تأییدها و الطاف بنی‌صدری! او برای خدا می‌رفت و به او رسید.

و اما در مورد سرقت بیت‌المال از بخشش‌های قانونی! که همچنان ادامه دارد می‌گذریم. فقط به ذکر یک مورد ۵۶ میلیون دلار بسنده می‌کنیم. حتماً اطلاع دارید که در شورای دفاع مسئله خرید اسلحه مطرح شد و استدلال‌های آن‌چنانی و علمی آقای بنی‌صدر، همه را متقاعد کرد که خرید اسلحه لازم است، و الا بعضی از برادران اوایل به تندی خرید اسلحه را رد کردند و معتقد به ابتکار نیروهای مسلح و ایمان و کلاً پیشبرد جنگ به غیر از روش حضرات بودند و با سفارش و اصرار خود آقای بنی‌صدر - که این شرکت اسلحه‌سازی مورد اعتماد [است] و از همه مهم‌تر معرفی چند کودتاچی و طاغوتی فراری توسط ایشان به‌عنوان نماینده ایران در خرید اسلحه‌سازی تصویب شد - که آقایان ... و ... مسئول خرید باشند و البته در جریان تحویل گرفتن پول از دولت، آقای رجایی باز اصرار بر تدریجی بودن برنامه داشتند، اما فرمانده کل قوا برعکس استدلال می‌کردند که بودجه سلاح باید که نامحدود باشد و؟؟؟ و سرانجام دست‌نشانندگان خارجی آقای بنی‌صدر (دوستان کودتاچی بختیار) و مسئولین

---

۱. منظور از فرمانده کل قوا در اینجا دکتر ابوالحسن بنی‌صدر است که آن زمان هم‌زمان با ریاست جمهوری، فرمانده کل قوا نیز بود (ویراستار).

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۵۳

داخلی ایشان [مانند] نوبری از بانک مرکزی و سلامتیان و ... جریان را به گونه‌ای قانونی ساختند که به راحتی توانستند با دستیاران بین‌المللی شان ۵۶ میلیون دلار (قریب به ۴۵۰ میلیون تومان) از دسترنج این مردم مظلوم را بالا بکشند و بعد با پررویی تمام، طلبکار هم بشوند که دولت مکتبی بی‌تخصص چنان کرد و ... !!! اُف بر این خیانت و پلیدی و نفاق!!

و اما در مورد تماس‌های مکرر و اعزام پیام‌آوران دلسوز اسلام، از قبیل قطب‌زاده، سلامتیان و ... نزد بعضی از مراجع و تحریک آنها علیه خط امام و رهروان واقعی امام و ... فعلاً سخنی نیست و دادستان محترم و هیئت سه نفره بدانند باید با قاطعیت تمام دست به عمل بزنند که حضرت امام شوخی نکردند [که] فرمودند باید متخلف محاکمه و مجازات و معرفی شود، و انتظار ملت مسلمان بسیار بیشتر از آن است که شما کرده‌اید و همه نیروهای انقلابی شاهد عملکرد شما و میزان قاطعیت شما در برخورد با منافقین که به گفته قرآن و بیان امام و تجربه، خطرشان بیشتر از کفار می‌باشد و طبعاً باید مجازاتشان بیشتر و شدیدتر باشد. بنابراین، از شما انتظار است با قاطعیت تمام قانوناً عمل کنید و نگذارید به گونه‌ای دیگر با این خائنین عمل شود و اگر وضع به گونه‌ای غیر از این گردد همه مسئولیت‌ها به عهده شماست. در این رابطه ما وظیفه خود دیدیم بعضی از سخنان آقای بنی‌صدر را به عنوان رئیس؟؟؟ بعد از پیام آرامش بخش امام به نقل از روزنامه خود ایشان<sup>۱</sup> به استحضارتان برسانیم و بررسی خود روزنامه آقای بنی‌صدر و دستیاران ایشان که از هر سطرش آتش اختلاف زبانه می‌کشد و هر کلمه‌اش پتکی است به نهادها و شخصیت‌های مورد تأیید امام و امت، بماند به عهده ... البته این حضرات بهتر است از خیال‌بافی‌های آنچنانی بپرهیزند و بدانند که این حرکاتشان جز مشت بر سندان کوفتن نیست.

آنچه ذیلاً ذکر می‌شود به جز چند مورد که یادآوری می‌شود از کارنامه خود آقای بنی‌صدر نقل شده و تاریخ‌های مذکور تاریخ روزنامه است. بعد از پیام امام مبنی بر

---

۱. مقصود روزنامه «تغلاب اسلامی» است که صاحب امتیاز آن رئیس جمهور وقت، آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر بود (ویراستار).

## ۴۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

حفظ آرامش و سکوت و پرهیز از تشنج و تقویت نهادهای انقلابی و اسلامی و دولت، در «روزنامه انقلاب اسلامی» [ویژه‌نامه] کارنامه رئیس جمهوری چنین آمده است: «هر وقت ما بخواهیم بایستیم و بگوییم چرا این کار شد؟ می‌گویند اختلاف شد؛ در نتیجه تجاوز به قانون اساسی همچنان دارد پیش می‌رود و اگر به همین ترتیب پیش برود در عمل دیگر چیزی از آن نمی‌ماند» (ویژه‌نامه کارنامه رئیس جمهور، روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۷ فروردین ۱۳۶۰، ص ۷۶).

«در آنچه به من مربوط می‌شود با استقامت تمام ایستاده‌ام و در مقام عقیده هیچ‌گاه در زندگی اهل سازش نبوده‌ام (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۵ فروردین).

آقایان هیئت سه نفره توجه دارند که این موضع‌گیری درست بعد از پیام امام مبنی بر حفظ وحدت اتخاذ شده و ایشان این گونه با امر امام برخورد کرده‌اند ... آیا این توهین به امام امت نیست؟ آیا واقعاً به قانون اساسی تجاوز شده است؟ و آیا متجاوزین به قانون اساسی نیروهای مقابل ایشان هستند و یا خود ایشان؟ و این وظیفه کیست که مشخص کند [چه کسی از قانون اساسی تجاوز کرده]؟ مگر شورای نگهبان عاجز از تشخیص چنین ادعایی است؟ آیا این یک اهانت به شورای نگهبان و قانون اساسی و دخالت یک دیگری نیست؟ آیا رادیوهای صهیونیستی برای ادعاهایشان که در ایران غیر از قانون، هرج و مرج حکومت می‌کند، به جز سخن رئیس جمهوری با چه مدرکی می‌توانند به مردم دنیا ارائه دهند؟ و آیا شدیدترین ضربه به انقلاب غیر از اوت کردن آن در انظار جهانیان است؟ و اینکه ایشان گفته است: با تمام استقامت ایستاده، نباید پرسید در مقابل چه کسی؟ و با کی سر دعوا دارد که آنچنان مقاوم است که حتی در مقابل صدام از بروز آن عاجز است؟ شما تمام موضع‌گیری‌های ایشان را در مسئله جنگ ملاحظه کنید؛ یک چنین خطابی به صدام یزید ندارند؛ چرا که امیدوارند سرانجام بر سر یک میز و ...؟

آقای بنی‌صدر، به تلاش برخیزید و بکوشید، تا وقت باقی است بکوشید، تا دیر نشده است در سر تا سر کشور بکوشید به سود تغییرات اساسی برای دگرگونی‌های اساسی بکوشید؛ وگرنه دم زدن از محرومان و عمل کردن به سود مستکبران، نظامی را

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۵۵

استوار خواهد کرد که بود (یعنی رژیم شاه). آینده تاریک است. روشن کنید آینده را با تلاش به سود تغییرات اساسی (۲۲ فروردین).

آری، جناب بنی‌صدر به تلاش برخاستند برای جلوگیری از استبداد و برای تغییرات اساسی و دگرگونی رژیم و نابودی اسلام. خوب لبیک گفتند تمام عناصر ضدانقلاب مجاهدین خلق،؟؟؟، فداییان خلق، خلق مسلمان‌نما و ... فرمان شما (بنی‌صدر) را لبیک گفتند و در سراسر ایران با اغتشاش و تظاهرات خشونت‌آمیز و ترور پاسداران و ... همت گماشتند و ...

آقای دادستانی، برای شناسایی سران ضد انقلاب، نه در هوا باید تحقیق کرد و نه منتظر آن بود که یک نفر مثلاً اسرائیلی و ... جریان‌ات ضداسلامی را رهبری کند، بلکه رهبری مرموز ضدانقلاب را از لابه‌لای سطور مندرج در کارنامه ریاست جمهوری باید جستجو کرد. مبارزه با سانسور کار آسانی است، استقامت کنید، احساس مسئولیت کنید. اختیاری که خدا به شما داده است، مفت از دست ندهید و ابتکار کنید برای شکستن سانسور؛ همان‌سان که در رژیم پیشین عمل می‌کردید، عمل کنید (۳۱ فروردین).

آقای دادستان، برای چندمین مرتبه است که آقای بنی‌صدر که به‌حق خودش افکار شاهانه را داراست همپای صدام و شاه و خالد و سادات، جمهوری اسلامی و ثمره خون شهیدان را چون رژیم پیشین و بلکه بدتر از آن می‌دانند و باز هم مسئولین امور مصلحت‌اندیشانه و با احتیاط گام برمی‌دارند که ...؟؟؟ نیروهای فعال و جانبدار انقلاب اسلامی می‌باید یک لحظه از کار نمانند. در سرتاسر میهن اسلامی به تلاش برخیزند، به توضیح دادن بپردازند، به نگاه داشتن مردم در صحنه مشغول باشند. آنها که آگاهند و نسل امروز باید هیچ بهانه‌ای را نپذیرد (۶/۲/۶۰). روشن است که ملت مسلمان علیه شاه قانوناً مبارزه نمی‌کرد؛ چرا که قانونی نبود و اگر هم بود دست‌ساخت شاه و آمریکا بود و باقانون آمریکایی علیه آمریکا نمی‌توان مبارزه کرد. در نتیجه، مردم شاه را با مشت، تخریب و حمله به مراکز فساد و آتش‌سوزی و ... بیرون کردند و آقای بنی‌صدر مدعی حرکت قانونی، هم‌اینک طرفدارانش را به چنین مبارزه‌ای دعوت می‌کند: علیه جمهوری اسلامی. «آنهايي که اهل علمند و صدای مرا می‌شنوند، هر جا

## ۴۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

هستند به کشور خودشان باز گردند. شما بیاید با من همراه بشوید» (۶۰/۱/۳۰). «ایستادگی و استقامت می‌تواند اسباب نجات کشور و استقرار حاکمیت اسلام را فراهم بیاورد. شکستن جو سانسور، جو روش‌های تخریبی کاری است به غایت بزرگ و برعهده نسل حماسه‌ساز امروز است که از عهده این کار بزرگ برآید» (۱۵ فروردین ۶۰).

آقایان هیئت‌های سه نفره، برای اینکه خط‌ها بهتر روشن شود، فعالیت و تحرکات اخیر ضدانقلابیون را دقیقاً زیر نظر بگیرید که چه کسانی با ایشان همراه شده‌اند؟ آقای تیمسار مدنی فراری جاسوس، در نامه‌ای که اخیراً توسط باند نهضت آزادی در ایران پخش شده است با نهایت توهین و افترا به شخصیت‌ها و نهادهای انقلابی، همکاری خودشان را اعلام ... و نیز بختیار و از همه جالب‌تر رضا پهلوی است که در مصاحبه‌ای با «سی بی اس» آمریکا گفته است: «اسلامی که بر ایران حکومت می‌کند بدترین اسلام و مایه آبروریزی جهان اسلام است» و نیز عمه اش اشرف پهلوی در مصاحبه‌ای با «اشپیگل» در مورد شکنجه و بی‌قانونی در ایران و ... تماماً و درست حرف‌های بنی‌صدر را تأیید کرده است و از همه جناح‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران استقامت و پشتکار و سرعت عمل خواسته است. این همصدایی و هماهنگی‌ها به چه معناست و چه چیز را فریاد می‌کند؟ جز نابودی انقلاب و لوٹ کردن آن در انتظار مردم...؟

آقای بنی‌صدر: «ایستاده‌ایم با همه استقامت ایستاده‌ایم و کاملاً امیدواریم مشکلات را از پیش پا برداریم. من به نوبه خود برای شکستن سانسور، همه جا حاضریم» (۶۰/۱/۲).

«این روش‌های تبلیغی - تخریبی و این سانسور بدترین سانسورهاست در جهان ما» (۶۰/۱/۱۸) «وقتی که شما سکوت ایجاد کردید در واقع بدترین تشنج‌ها را ایجاد کرده‌اید اگر غرض اجرای قانون است این عمل (توقیف «روزنامه میزان») نقض غرض است» (۲۳ فروردین، مصاحبه با رئیس جمهور). هم‌وطنان ما باید به این نکته توجه کنند تنها صدام نیست که چنین می‌اندیشد. «در داخل کشور ما و کشورهای دیگر نیز زورگویان بسیارند» (۱۳۶۰/۱/۲۲).



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۵۷

آقای دادستانی، به نظر شما رئیس جمهور در مقابل چه کسی ایستاده است به جز امام؟ این نکته را ما یک سال قبل اعلام داشتیم که ایشان در مقابل خط امام و اسلام حقیقی ایستاده است و مصلحت‌اندیشان باور نداشتند، یا اگر داشتند برای اقدامات انقلابی همت نگماشتند تا وضع به جایی رسید که رسماً اعلام می‌دارد ایستاده‌ایم و می‌ایستیم. و اما اینکه برای شکستن سانسور ... آیا واقعاً سانسور وجود دارد؟ اگر چنین است چرا «روزنامه انقلاب اسلامی» که هر ناسزایی را دوچندان می‌کند، منتشر می‌شود؟ مقامات قضایی و هیئت سه نفره بدانند شما [چه] قاطعانه وارد عمل شوید و چه محتاطانه، آنها هتک حرمت‌هایشان را خواهند کرد و طلبکار هم هستند و چه بهتر که برای نجات اسلام اندکی قاطعانه‌تر و سریع‌تر تصمیم گرفته شود. جای سؤال است که منظور آقای بنی‌صدر از زورگویان صدامی که در ایران هستند چه کسانی هستند؟ آقای دادستانی چرا توضیح نمی‌خواهند از ریاست کل قوا؛ چرا نمی‌خواهند ایشان لااقل آن قدر شهامت به خود بگیرند که توان داشته باشد حرف‌ها و فحش‌هایشان را صریح‌تر بیان کنند تا تکلیف مردم روشن‌تر گردد و ...

بنی‌صدر: «شاه سابق این اواخر دموکراسی‌های غربی را دست می‌انداخت که اینها قادر به ایجاد نظم و سازماندهی نیستند و ایدئولوژی شاهنشاهی او در حقیقت بازگوکننده سازمانی بود که بر پایه قدرت مطلق شاه، جامعه را در امنیت نگه می‌داشت و پیش می‌برد. از نابخشناری، این طرز فکر پس از سرنگونی رژیم شاه از بین نرفت، بلکه عبارات و کلمات و اصطلاحات عوض شد، اما همچنان این باور وجود دارد که بدون زور، سازمان و نظم معنی پیدا نمی‌کند» (۶۰/۱/۳۱). «بسیاری از کارها که به نام اسلام انجام می‌شود، ضد اسلام است از تجاوزها، ناامنی‌ها، خودسری‌ها و ...» (۱۷/۶۰/۱). آقای دادستانی، آیا واقعاً این آقا رژیم اسلامی را با رژیم شاه یکسان می‌داند؛ آیا فقط کلمه شاهنشاهی به جمهوری اسلامی تغییر کرده؟ آیا این ادعا همصدایی با صدام نیست که دائم می‌کوشد همین حرف را به مردم جهان تلقین کند، و آیا نباید چنین مدعی حدافل ادعای خود را ثابت کند؛ آیا یک چنین ادعایی اهانت به آرمان یک ملت ۳۶ میلیونی نبوده و مجازات ندارد؟

## ۴۵۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

آقایان محترم، منتظر چه هستید؟ لازم است قرآن بیاورد و قسم بخورد که من به جمهوری اسلامی معتقد نیستم و با تمام توان و امکانات علیه آن [به] مبارزه آگاهانه و گام به گام و آرام آرام و ریشه‌ای برخاسته‌ام تا شما باورتان شود؟

... باید هر چه زودتر طبق فرمان امام واقعیت‌ها با مردم در میان گذاشته شود و ... آقای بنی‌صدر: «وقتی زمینه استقلال نباشد و در جامعه آزادی نباشد، اینها (برداشتن بهره و ایجاد امکانات اقتصادی) دردی از مردم محروم را دوا نمی‌کند. ممکن است دولت بهره بانکی را نگیرد، اما این ارفاقی است که به زیان محرومان و به سود صاحبان قدرت می‌کند» (۶۰/۱/۲۲). «مقامات حکومتی بدانند تحقیر انسان در حقیقت تحقیر خودشان است. انسانی که دیگری را شکنجه می‌کند در حقیقت خود را در وجود او تحقیر می‌کند» (۶۰/۱/۲۴). «هر جا رفتیم شعار مردم می‌گفت که می‌خواهند اداره جنگ در اختیار کسانی باشد که می‌دانند چه می‌کنند و بر سر استقلال و موجودیت کشور، نه معامله می‌کنند و نه آن را وسیله قدرت‌جویی قرار می‌دهند. این تظاهرها، هیجان‌ها علاقه به یک شخص نیست، بلکه نگرانی نسبت به یک راه و رسمی است که غیر از راه رسمی حکومت می‌کند» (۶۰/۱/۲۲).

این‌گونه به مقابله با دولت و تصمیمات انقلابی او برخاستند. از طرف کسی که خود را طرفدار اقتصاد توحیدی و ضد سرمایه‌داری و ... می‌نمایاند نهایت لجاجت و نفاق اوست و باید نمایندگان محترم مجلس به ملت بگویند این طرح ملی کردن تجارت خارجی و حذف بهره بانکی و ایجاد تعاونی سرتاسری یکی از انقلابی‌ترین اقداماتی است که در ایران بعد از انقلاب صورت می‌گیرد تا مردم محروم بدانند که چرا برای گرفتن یک وام ۸۰ هزار تومانی باید آن‌قدر بهره بدهند؛ و چرا اجناس وارداتی روز به روز افزایش قیمت دارد و چرا ... و بگویند چه کسانی با اقدامات انقلابی مخالف می‌کنند و چرا می‌کنند؟

برای اینکه سرمایه‌داران و زالوهای اجتماع و حتی فراری‌های پول‌پرست، متحداً با آقای بنی‌صدر همدست شده‌اند و ... از همه مهم‌تر برای اینکه شعار ضد سرمایه‌داری دوستان چپی ایشان، و این اتهام که رژیم اسلامی طرفدار سرمایه‌دار و ... است، گرفته نشود، حضرت رئیس جمهور طرفدار اقتصاد توحیدی و کسی که در انتخابات ریاست

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۵۹

جمهوری، اکثریت آرا را برای همین وعده‌های حذف بهره و ... جمع‌آوری کرد، اکنون این‌گونه وقیحانه به طرفداری آنها برای شکست دادن جمهوری اسلامی قیام کرده است.

بنی‌صدر: «آنها که متصدی امورند [یا] این مشکل‌ها را از بین خواهند برد و یا جای خود را به کسانی خواهند داد که قادر به از بین بردن آن مشکل‌ها باشند» (۶۰/۲/۲). «یکی از زمینه‌های اصلی اختلاف، همین حکومت افراد ناباب است» (۶۰/۱/۱۱). آقای بنی‌صدر انتظار دارند چه کسانی حکومت کنند و چه کسی را در نظر دارند که لایق‌تر از دل‌سوختگان و رزمندگان انقلاب و فرزندان خلف این ملت باشند؟ لابد ناراحت و خجولند که پیش‌داوری‌های ایشان [مبنی بر اینکه] مدنی نخست‌وزیر و سلامت‌میان وزیر خارجه و نوبری وزیر اقتصاد [بشود] درست از آب درنیامده. اما بدانند که آنها هر چه بکنند و هر چه دروغ و ناسزا تبلیغ کنند، ملت ایران مکتب‌های دل‌سوخته غیرمتخصص را بر کاباره‌چی‌های عیاش پاریس‌گشته مشروب‌خوار تازه مسلمان و جدیدالتوبه که دکترای تخصص‌شان را بعضاً از اسرائیل گرفته‌اند، ترجیح خواهد داد.

«هیچ‌کس در مقام جسارت به چماقداران مصون نیست، حتی رئیس جمهوری هم تهدید می‌شود به محاکمه. امنیت قضایی وجود ندارد. حل مسئله از راه چماق و محاکمه آن‌طور که رژیم سابق امتحان کرد، آن‌طور ما امتحان کردیم نتیجه‌ای به بار نمی‌آورد» (۶۰/۱/۱۸، ص ۷۸). «هر چه بگویید و هر چه بکنید و هر حکم و رأیی صادر بکنید، جامعه امروز به اتفاق منهای یک درصد، حکم محکومیت، چماقداری را صادر کرده است» (۶۰/۱/۳۱). «در این صورت توقیف «روزنامه میزان» این چه فرقی با رژیم استبدادی دارد؟» (۶۰/۲/۶).

آقای بنی‌صدر گویا مأمور شده‌اند روزی یک مرتبه حداقل به دستور اربابشان جمهوری اسلامی را همان رژیم شاهنشاهی بدانند و مدعی شوند که در ایران ... و این ادعا را به‌گونه‌ای تبلیغ کنند که مردم ایران هم باورش‌شان ...، ولی غافل از آنکه این انقلاب خدایی است و این مردم مسلمان، آگاه و خود بالغ و درک‌ورزنده و ناظر و سرانجام به امر امام، دهان یاهوگو را به خاک خواهند مالید و جالب اینجاست

## ۴۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

درحالی که خود آمریکایی‌ها می‌گویند با وجود جنگ شب‌های تاریک، ایران بسیار امن‌تر از روزهای روشن آمریکاست. جناب بنی‌صدر، برای خودشیرینی بیشتر نزد ... انقلابی‌تر شده و می‌فرماید که در ایران امنیت قضایی وجود ندارد. آیا یک چنین شیوه‌هایی گذشته از اثرات و پیامدهای وخیم آن برای انقلاب، خود یک نوع جوسازی و ایجاد زمینه فساد و کوشش برای شکست و دست و پا بستن قوه قضائیه نیست؟

بنی‌صدر: «اینها مشغول جوسازی هستند. شایعه است که کاخ ریاست جمهوری درست می‌کنند و دوازده میلیون هم خرج می‌کنند. شنیدم در مجلس گفتند اینها خرج نشود و به جنگ‌زدگان داده شود. مگر در آنجا خانه شخصی برای من می‌سازند؟ خوب بفرستید ببینند آنجا خانه شخصی من نیست. ان‌شاءالله این جمهوری تأقیامت باقی می‌ماند و رؤسای جمهوری آینده در همین جا ریاست خواهند کرد. ما در آنجا نه تشریفات آنچنانی می‌کنیم و نه ...» (۲۳ فروردین، مصاحبه رئیس جمهوری).

آری جز این انتظار نمی‌رفت. بارها هشدار داده شده بود که مسیر انقلاب چگونه منحرف می‌شود و رسالت و شعار آن خشتی! و حال ملت ایران خوب بنگرد و خود خوب قضاوت کند که چگونه کاخ‌سازی، گارد و دژخیم‌پروری، رشوه دادن و غارت اموال مردم و ... توجیه می‌شود که ...، اما این حضرات توجه نداشته‌اند که انقلاب ما با ساختمان کاخ و درب و میز و آهن و ... مخالف نبوده، بلکه انقلاب اسلامی ایران فکر و پایه‌های اعتقادی ۲۵۰۰ ساله کاخ‌نشینی شاهی و روحیه تعیش و غرور و کبر فرعون را ویران کرد، نه کاخ شاه را - که ساختمان‌های کاخ سعدآباد و ... هنوز آباد است ... و اگر آقای بنی‌صدر واقعاً نیاز به کاخ دارند، می‌توانستند از همان سعدآبادها و گلستان‌ها و ... استفاده فرمایند و بر همان تخت زرین شاهنشاه جلوس فرمایند تا مجبور به صرف کردن مجدد میلیون‌ها تومان و وارد کردن ... نمایم، اما مسئله غیر از اینها و بسیار خطرناک‌تر از آن است که ما اندیشیده‌ایم.

لذا بد نیست برای حفظ آرامش اعصاب و کنترل نیروهای مسلمان و پاکبخته خط امام، عرض شود که این اتفاقات و جریانات و انحرافات در تاریخ همیشه بوده و شاید

---

۱. در اینجا فعل تشویم مناسب است، ولی در سند اصلی به همین صورت آمده است (ویراستار).

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۶۱

ادامه هم بیاید. در تاریخ هست که: معاویه علیه اللعنه و العذاب بعد از آن همه خون‌ها که برای اسلام و حاکمیت مستضعفین و در جهت ویران کردن بنیاد و نظام کاخ‌نشین‌ها ریخته شد، در دمشق اقدام به ساختن کاخ بسیار مجلل و مدرنی نمود و تا توانست بودجه بیت‌المال و چکیده خون مردم محروم را صرف آن کرد و در مقابل انتقاد ابوذرها که چرا چنین؟ و چرا...؟ بعد از نماز جماعت که به امامت خودش برقرار می‌شد، از بالای منبر اسلام دلسوزانه فریاد می‌زد: اینجا خانه شخصی نیست، بلکه خانه اسلام است و چون میهمانان خارجی و قیصرهای روم و کسراهای ایران به کشور مسلمان‌ها خواهند آمد، ما برای ضیافت و پذیرایی، آنها را به مسجد نمی‌توانیم برد و اگر کاخ سبز بلندتر از کاخ کسری ... نباشد، این شکستی است برای اسلام. ولی آقای بنی‌صدر باید توجه داشته باشند که منطق ایشان در ایجاد انحراف در روند اسلام متأسفانه بسیار ضعیف‌تر از استدلال معاویه ملعون و خبیث بدعت‌گذار می‌باشد و ... ضمناً این تذکر برای دادستانی ضروری و لازم است که آقای ابراهیم یزدی، همکار و دوست صمیمی امیرانتظام صهیونیست، هفته قبل به چند کشور اروپایی سفر کرده است که برای آزادی و رهایی امیرانتظام از دادگاه انقلاب در حد توان تلاش کند و با بسیاری از به اصطلاح حقوق بشری‌های بین‌الملل تماس گرفته‌اند که ... لذا بر دادگاه انقلاب است که با قاطعیت تمام با عناصر آمریکایی برخورد کند که اعدام امیرانتظام‌ها شکستی است دردناک برای آمریکا و ایادی‌اش در منطقه. والسلام.

هر چه بیشتر باد قاطعیت انقلابی قوه قضائیه. ریشه کن باد حرکت معاویه‌صفتی در ایران. پیروز باد خط سرخ امام در تدارک خط خونین حسین علیه السلام.

۱۳۶۰/۲/۱۰ - روحانیون بیدار

### ۸- مصاحبه ابوشریف با مجله «المستقبل» پاریس

«ابوشریف» در مصاحبه با مجله «المستقبل» چاپ پاریس فاش کرده است: ترورهای بعد از انقلاب تنها کار «فرقان» نبوده است!

«مجله المستقبل» چاپ پاریس در شماره گذشته خود مصاحبه‌ای با عباس زمانی (ابوشریف) فرمانده سپاه پاسداران به عمل آورده است که کوتاه‌شده آن به نظرتان می‌رسد.

## ۴۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

یک سال از تأسیس سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران گذشته است. فعالیت سپاه پاسداران را در این مدت چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و آیا به نظر شما این سپاه توانسته است وظایف خود را همان‌گونه که دستگاه رهبری می‌خواهد انجام دهد؟

- از نخستین روز پیروزی انقلاب، سپاه پاسداران برای دستگیری عناصر باقی‌مانده ساواک و طرفداران شاه و مخالفان انقلاب اقدام کرد. همچنین موفق شد تهاجم‌ها و توطئه‌های مسلحانه‌ای را که علیه انقلاب اسلامی ترتیب داده می‌شد خنثی سازد. پس از سقوط ارتش و ژاندارمری و شهربانی، این سپاه برای برقراری امنیت در سراسر کشور و جلوگیری از آشوب و قاچاق اسلحه و پول، اقدامات وسیعی انجام داد و توجه زیادی به آموزش انقلابیون به منظور برپایی ارتش نوین یعنی سپاه پاسداران معطوف داشت. با فعالیت‌های وسیعی که انجام می‌دادیم و علاقه‌ای که پاسداران نشان می‌دادند پیش‌بینی می‌کردیم که موفقیت‌های بیشتری به دست آوریم، ولی به علت مشکلاتی که پیش روی ما قرار گرفت نتوانستیم به آنچه آرزو داشتیم جامه عمل بپوشانیم.

- این مشکلات چیست؟

- مشکلات چیزی نبود جز حاصل عدم هماهنگی دولت موقت بازرگان با پاسداران انقلاب و اینکه آن دولت کمک مالی و سلاح مورد نیاز در اختیار نمی‌گذاشت. هدف دولت موقت این بود که سپاه پاسداران انقلاب را کوچک کند؛ زیرا می‌ترسید گسترش فعالیت آن در آینده ایجاد خطر کند.

- شما می‌گویید که دولت موقت مشکلاتی به وجود آورد، ولی آیا می‌توانید بگویید

کدام یک از وزرای آن دولت در این زمینه نقشی ایفا کردند؟

- در ابتدا ابراهیم یزدی به‌عنوان اینکه معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب بود، سعی کرد بر سپاه پاسداران تسلط پیدا کند، ولی ما حاضر نشدیم که زیر نظر دولت موقت به ریاست بازرگان و نیابت یزدی قرار گیریم؛ زیرا یزدی نه یک فرد انقلابی بود و نه برای این فرماندهی و رهبری آمادگی داشت. او جزو انقلابیونی که طی بیست سال گذشته مبارزه کردند نبود. دولت موقت سعی کرد از طریق یزدی و دیگران سپاه پاسداران را زیر نظر بگیرد؛ درحالی‌که سپاه پاسداران در واقع پاسداران انقلاب بودند، نه دولت. برخورد با دولت موقت از همین جا آغاز شد. زیرا دولت می‌خواست سپاه پاسداران را

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۶۳

برای هدف‌های غیرانقلابی خویش از قبیل درگیری کردن پاسداران با کارگران اعتصابی، به کار ببرد.

- سپاه پاسداران، چگونه سازمان یافته است؟ آیا سازمان آن به گونه ارتش‌های منظم به صورت هرم است که از ژنرال‌ها و سرهنگ‌ها شروع و به ستوان‌ها و سربازان ختم می‌شود، یا بر اساس تشکیلات سازمان‌های انقلابی که علیه اشغالگر مبارزه می‌کنند، سازمان یافته است؟

- در سپاه پاسداران، درجات نظامی با مفهومی که در ارتش‌های حرفه‌ای وجود دارد، به چشم نمی‌خورد؛ یعنی اینکه سرهنگ و سرهنگ دوم و غیره نداریم، ولی سازمان آن شبیه سایر سازمان‌های نظامی می‌باشد. این سپاه دارای یک فرمانده و یک معاون فرمانده و یک شورای عالی نظامی و شورای دیگری می‌باشد. در این سپاه همچنین مسئولانی مانند فرمانده گروه، فرمانده دسته و فرمانده واحد، فعالیت دارند، ولی فرماندهان هیچ‌گونه مزیتی بر افراد پاسدار ندارند. حقوق‌ها هم بر اساس درجه‌ها تعیین نشده است. ممکن است حقوق یک پاسدار بیش از حقوق فرمانده دسته باشد؛ زیرا حقوق‌ها بر اساس نیازها تعیین می‌شود.

پس از خنثی کردن تلاش دولت موقت برای تسلط بر سپاه پاسداران، این سپاه زیر نظر شورای انقلاب قرار گرفت و ما دستورات خود را از شورای فرماندهی می‌گیریم.

- ارتش قدیم هنوز در ایران موجود است و سعی دارد فعالیت خود را بازیابد؛ چنان‌که سپاه پاسداران و ارتش بیست میلیونی - که امام خمینی دعوت تشکیل آن را کردند - همین سعی را دارند. آیا خطری از لحاظ برخورد اختیارات و وظایف این سه نیرو به وجود نخواهد آمد؟

- ارتش دارای وظایف معینی می‌باشد که در قانون اساسی ذکر شده است. سپاه پاسداران هم وظایف معین و مشخصی دارد که آن هم در قانون اساسی قید شده است. موقعی که بحرانی به وجود آید میان ارتش و سپاه پاسداران هماهنگی برقرار می‌شود؛ چنان‌که در بحران‌ها و مأموریت‌ها میان ارتش و پاسداران، فرماندهی مشترکی برقرار می‌شود. به طور مثال، روزی که زد و خوردهای کردستان و به ویژه در پاره رخ داد، یک ستاد مشترک تشکیل شد.

## ۴۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

- فرماندهی این ستاد مشترک به عهده کیست؟

- اگر برخوردها به صورت جنگ‌های چریکی باشد، سپاه پاسداران فرماندهی مشترک را به عهده می‌گیرد، ولی اگر برخوردهای وسیعی صورت بگیرد و نیاز به زره‌پوش‌ها و سلاح‌های سنگین پیدا شود، ارتش، فرماندهی عملیات را به عهده خواهد داشت. در هر حال ارتش، بعدها و برحسب اوضاع سیاسی گسترش خواهد یافت. ماموریت سپاه پاسداران هم دفاع از انقلاب در مقابل تهدیدهای خارجی و با یک تهدید وسیع داخلی ضد انقلابی سبب شد، در تمام این احوال سلاح، سپاه در مراکز مخصوصی نگهداری می‌شود تا در هنگام لزوم مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۱</sup>

- سپاه پاسداران متهم است که تخلفاتی مرتکب شده و یک نقش سیاسی در رویدادهای کردستان ایفا کرده است؛ نظر شما چیست؟

- این موضوع درست نیست. اگر آغاز زد و خوردهای کردستان را در نظر بگیریم، خواهیم دید که مهاجمان، این زد و خوردها را در مریوان شروع کردند. آنها ۲۵ پاسدار را به طرز فجیعی کشتند؛ یعنی اینکه در دهان آنها نارنجک گذاشتند و با انفجار آن، مرتکب قتل آنان شدند. موقعی که گفتگوها در مریوان آغاز شد، و قبل از اینکه به راه حلی برسیم، اوضاع را در پاره بحرانی ساختند. آنها بیمارستان را اشغال کردند و عده زیادی از مجروحین سپاه پاسداران را اعدام نمودند. امام خمینی از این رفتار سخت برآشفتنده و فرمان دادند که نبرد علیه آنها آغاز شود و به همین جهت، پاسداران وارد جنگ شدند تا آزادی مسلمانان کرد را تأمین نمایند.

**کودتای نظامی به هیچ وجه در ایران موفق نخواهد شد و این امری است محال**

- گفته می‌شود که در بعضی مواقع پا را از دستوراتی که به شما داده شده بود، فراتر گذاشته‌اید. درباره این اتهام چه می‌گویید؟

- این که گفته می‌شود تخلفاتی از دستورهای صادره شده، [صورت گرفته] است، صحیح نیست. آنچه انجام دادیم اجرای دستورات شورای انقلاب بوده است و کلیه کسانی که دستگیر ساختیم اتهام‌های گوناگونی از قبیل شکنجه مبارزان انقلابی داشتند.

---

۱. جمله، در متن منبع اصلی خبر نیز به همین صورت آمده است (ویراستار).



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۶۵

- به نظر شما مشکل اقلیت‌ها در ایران چگونه حل می‌شود؟

- به نظر من، مشکلی به نام مشکل اقلیت‌ها در ایران وجود ندارد؛ زیرا اسلام حقوق همه انسان‌ها از جمله یهودیان و حتی غیر مؤمنان را به رسمیت شناخته است. ما مدت سیزده قرن با همدیگر زندگی کرده‌ایم و حالا می‌توانیم این وضع را عوض کنیم؟ این که می‌گویند به اکراد و دیگران این حق داده شود تا به‌طور مستقل در مناطق خود زندگی کنند و قوانین ویژه خودشان را اجرا نمایند، امری است غیر معقول. لذا طرح اینکه اعراب و فارس‌ها و ترک‌ها از کردستان بیرون بروند از همه جنبه‌ها و از نظر اسلام مردود است؛ کما اینکه نمی‌توان کشوری به نام ایران با سبک سوییسی یا بلژیکی تشکیل داد؛ زیرا هر ایالتی در سوییس دارای درآمد مالی مخصوص به خود می‌باشد که این امر در ایران غیرممکن است. چگونه می‌توان قبول کرد که نفت خوزستان برای اکراد خوب باشد، ولی اعراب و فارس‌ها برای مشارکت در اداره امور کردستان خوب نباشند؟ البته این امر قابل قبول است که هرکس می‌خواهد در کردستان کار کند، باید زبان کردی بداند؛ زیرا این امر یک امر ضروری و لازم می‌باشد. منطقه کردستان می‌تواند با زبان کردی تکلم کند و زبان کردی را آموزش دهد، ولی اینکه مستقل شود، خیر!

- نظر شما درباره تشکیلات و سازمان‌های سیاسی چیست و آیا می‌توان به آنها آزادی فعالیت و سازمان‌دهی داد؟

- تمام تشکیلات سیاسی تا زمانی که سلاح به دست نگیرند و با سایر تشکیلات سیاسی دیگر، احترام متقابل داشته باشند، چه کمونیست مارکسیست باشند یا مائوئیستی، می‌توانند فعالیت کنند.

- درباره فرقان و ترورهایی که اعضای آن مرتکب شده‌اند، چه می‌گویید؟

- ابتدا باید بگویم که همه ترورها کار گروه فرقان نیست. دوم اینکه ما افرادی را دستگیر ساخته‌ایم که چون بر طبق اسلام رفتار می‌کنیم، نمی‌توانیم متهمی را شکنجه دهیم؛ زیرا ما روش‌های غیراسلامی را اجرا نمی‌کنیم.

- همان‌طور که می‌دانیم شما رهبری حزب‌الله را برعهده داشتید؛ آیا هنوز هم این رهبری را دارید؟

## ۴۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

- من پس از تأسیس حزب جمهوری اسلامی و تشکیل سپاه پاسداران به سپاه پیوستم و در حال حاضر هیچ‌گونه فعالیتی در خارج از چارچوب سپاه انجام نمی‌دهم.  
- نظر شما در مبارزه با امپریالیسم در خارج از کشور چیست؟  
- طبق نظر اسلام، می‌بایستی با امپریالیسم در سراسر جهان مبارزه کرد. اساسنامه سپاه پاسداران هم خواهان حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش در جهان می‌باشد.  
آیا به نظر شما یک کودتای نظامی می‌تواند در ایران موفق شود؟  
- تصور نمی‌کنم. این اقدام امری است محال» (روزنامه اطلاعات، ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۵۸).

### ب - اعلام جرم سردبیر مجله پیام انقلاب علیه دکتر ابراهیم یزدی دکتر یزدی به نام اسلام به اسلام خیانت می‌کند

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور دادستانی محترم کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران  
به استحضار می‌رساند با پیروزی خونبار انقلاب اسلامی کشور و روی کار آمدن دولت موقت و با توجه به اعتماد مردم به آن دولت، که انتخاب امام بود و اطاعت از فرمان ایشان واجب، مرکز اسناد ملی انقلاب و ساواک مرکزی سابق، زیر نظر دکتر ابراهیم یزدی، معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب اداره می‌شد (این مرکز توسط برادران مسلمانی که از اصفهان عازم تهران شده بودند، و من هم جزء آنها بودم حراست می‌شد). ایشان چند مرتبه شب‌هنگام و آن هم بعد از نیمه‌های شب به آن ساختمان مراجعه کرده و با توجه به گستردگی و پیچیدگی ساختمان و همچنین کثرت پرونده‌ها به نام و نشان گاوصندوق‌هایی مراجعه، و پس از بریدن درب آنها توسط جوش، پرونده‌ها و پول‌هایی را که در آن صندوق‌ها بود، برداشته و همراه خود می‌برد، که باز بنا بر اعتماد برادران محافظ به دولت، هیچ‌گونه سوءنیتی به ایشان نشده و از عمل ایشان جلوگیری به عمل نیامده و نکته مهم اینکه من طی ملاقاتی که با برادر زواره‌ای، معاون امنیتی فعلی وزارت کشور، که در آن موقع دادستان انقلاب بودند، در همان محل داشتیم، ایشان متذکر شدند که هیچ‌کس به جز دادستانی انقلاب حق خروج اسناد از آن مرکز را نداشته است.

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۶۷

بنا بر مطالب فوق و با توجه به حکم دادگاه انقلاب در رابطه با اتهام جاسوسی «عباس امیرانتظام» و هماهنگی وی با دکتر یزدی و مهندس بازرگان، از آن مقام تقاضای رسیدگی عاجل به این موضوع را دارم. ذکر این نکته ضروری است که برادرانی که در آن موقع حراست آن محل را به عهده داشتند، حاضر به شهادت بوده و این جانب نیز حاضر در حضور آن دادستانی توضیحات بیشتری بدهم.

سردبیر مجله «پیام انقلاب».

### پ - حمله در شیراز - ۴ خرداد ۱۳۶۰

درگیری‌های لفظی و کلامی میان گروه‌های سیاسی به تدریج به حملات فیزیکی هواداران حزب حاکم و ضرب‌وشتم مخالفان توسعه پیدا کرد. در رابطه با نهضت آزادی و رهبران و فعالان آن، علاوه بر حملات به جلسات در دفتر نهضت در خیابان مطهری، به سایر جلسات نیز حمله می‌شد. در تیر ماه ۱۳۶۰ این گروه‌ها با حملات خود مانع برگزاری مراسم یاد بود شهید دکتر چمران در مسجد الجواد تهران شدند. در سفری که به دعوت دوستان به شیراز رفته بودم، داستان حمله و ضرب‌وشتم به نحو بسیار زنده‌ای تکرار شد.

### ۱- چگونگی مضراب شدن دکتر یزدی در شیراز - ۴ خرداد ۱۳۶۰

شیراز - خبرنگار کیهان، ۱۳۶۰/۳/۱۸: دکتر ابراهیم یزدی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی هنگام ورود به مسجدالنبی شیراز مورد ضرب و شتم گروهی قرار گرفت و به شدت مجروح شد. وی که به دعوت اصناف و بازاریان شیراز برای شرکت در جشن‌های ۱۵ خرداد و سوم شعبان و ایراد سخنرانی به شیراز آمده بود، قرار بود شنبه‌شب گذشته در مسجدالنبی سخنرانی کند که به شدت مجروح شد. به گزارش خبرنگار ما از شیراز، استانداری فارس ضمن موافقت برای محافظت از وی و حفظ انتظامات به شهربانی شیراز دستوراتی داده بود. همین گزارش حاکی است افراد مخالف وی، یک ساعت قبل از ورود دکتر یزدی در بیرون و داخل مسجد مستقر شده بودند؛ به محض ورود دکتر یزدی و هنگامی که وی از اتومبیل پیاده شد، بر سر او ریختند و وی و محافظش را زیر باران مشت و لگد گرفتند. در این هنگام به دلیل عدم وجود

## ۴۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

نیروی انتظامی در مسجد، کسانی که در مسجدالنبی اجتماع کرده بودند، متفرق شدند و دکتر یزدی و محافظش با مهاجمین در مسجد تنها ماندند. در جریان ضرب و شتم دکتر یزدی، یکی از مهاجمین از بلندگوی مسجد استفاده کرد و گفت: آقای یزدی ما از شما چند سؤال داریم، ولی نمی‌خواهیم اینجا به ما جواب دهید، بروید در مجلس جواب دهید. گزارش رسیده حاکی است که دکتر یزدی و محافظش به شدت از ناحیه کتف و گردن مجروح شده بودند که اتومبیل‌های شهربانی به مسجد رسیدند و آنها را نجات دادند. استاندار فارس در رابطه با این حادثه به خبرنگار ما گفت: به شهربانی دستور داده شده بود که مسجد را کنترل کند و هم‌اکنون هم شهربانی مأمور بررسی چگونگی واقعه شده است.

سرهنگ کیاوش، رئیس شهربانی‌های فارس نیز در تماس با کیهان گفت: مأمورین شهربانی قبل از برگزاری مراسم به مسجد مراجعه کردند، ولی دیدند در مسجد بسته است و تابلویی مبنی بر عدم ایراد سخنرانی بر در مسجد نصب شده است و به همین دلیل، چند مأمور را در آن جا گمارده و بقیه مراجعت کردند و در پایان هم مأمورین شهربانی بودند که محافظ دکتر یزدی را نجات دادند. در جریان این حادثه اسلحه محافظ دکتر یزدی به سرقت رفت و عینک وی نیز شکست.

کیهان: صرف‌نظر از مواضع سیاسی آقای دکتر یزدی و اینکه این ماجرا را چه کسانی و به چه منظوری پدید آورده‌اند، نفس عمل حمله به نماینده مجلس شورای اسلامی ولو کاملاً هم بر خطا باشد، از نظر قانون اساسی محکوم است. جا دارد دستگاه قضایی با پیگیری و تلاش مستمر در شناسایی و مجازات عاملان این واقعه و وقایع مشابه آن، شر این‌گونه وقایع را از جامعه انقلابی ما دور سازند. ما به نوبه خود مضروب کردن دکتر یزدی را محکوم می‌کنیم.

### ۲- دکتر یزدی در شیراز مضروب شد - روزنامه اطلاعات ۱۳۶۰/۳/۱۷

شیراز - خبرنگار «روزنامه اطلاعات»: از سخنرانی دکتر ابراهیم یزدی در شیراز جلوگیری شد.

دیشب به دنبال پخش اعلامیه‌ای مبنی بر سخنرانی دکتر ابراهیم یزدی در مسجدالنبی شیراز - که به امضای بازاریان و اصناف شیراز رسیده بود - گروهی از جوانان شیراز

### برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۶۹

پس از اتمام مراسم رژه پاسداران، با دادن شعارهایی چون «مرگ بر لیبرال»، «مرگ بر ملی‌گرا»، «ضد سپهسالاری، ولایت فقیه است»، به طرف مسجد حرکت کردند. همچنین از سوی انجمن اسلامی مسجد، اطلاعیه‌ای بر سردر مسجد نصب شده بود که سخنرانی دکتر ابراهیم یزدی لغو شده است.

گروهی که برای شنیدن سخنرانی در جلوی مسجد اجتماع کرده بودند، با دیدن این اطلاعیه متفرق شدند. دکتر یزدی پس از یک ساعت تأخیر، وارد مسجد شد و گروهی با دادن شعارهای «مرگ بر یزدی»، «کیش کیش ملی‌گرا»، از ورود وی به مسجد جلوگیری کردند و او را از جلوی مسجد دور ساختند.

گروهی که وی و محافظش را محاصره کرده بودند، با مشت و لگد و شکستن عینک دکتر یزدی و خلع سلاح نمودن محافظش، آنها را به شدت مجروح کردند و گروهی از مردم که شعار «حزب فقط حزب‌الله» را می‌دادند، محافظ دکتر یزدی را دستگیر کردند و درحالی‌که دکتر یزدی را از در پشت مسجد خارج می‌کردند، دوباره گروهی به وی حمله‌ور شدند. یکی از افراد حاضر در مسجد، طی سخنانی اعلام کرد که دکتر یزدی بدون اطلاع هیچ‌یک از مسئولین شهر و مسجد برای سخنرانی آمده و تعدادی از بازاریان هم از دعوت وی اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند و بارها به‌وسیله تلفن از وی خواسته بودند که از این سخنرانی صرف‌نظر کند و گفته بودند به علامت اعتراض به موضع ایشان، از سخنرانی جلوگیری می‌کنیم. دکتر یزدی با اینکه مجروح و مضروب بود، ولی خواستار پاسخگویی به مسائل شد که به وی اجازه داده نشد و در میان حلقه مأمورین انتظامی خودش و همراهانش که مجروح شده بودند، از مسجد خارج شدند و کوشش مأمورین باعث شد که مردم متفرق شوند.

**۳- امکانات شهربانی و ژاندارمری فارس، فراهم شد - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۳/۲۰**  
برای استقرار امنیت در شهر و جاده‌های شیراز، امکانات شهربانی و ژاندارمری فارس فراهم شد

شیراز - خبرنگار اطلاعات: محمدنبی حبیبی، استاندار فارس در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی در مورد جلسه شورای امنیت، ناامنی در شهرها و جاده‌ها، جنگ‌زدگان و مسائل دیگر منطقه به سئوالات خبرنگاران پاسخ داد.

## ۴۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

استاندار فارس در مورد جلسه شورای امنیت گفت: به دنبال چند فقره سرقت بانک و راهزنی در جاده‌ها، این جلسه در تهران تشکیل شد و فرماندهان ژاندارمری و شهربانی استان، یکی از عوامل عدم موفقیت در شناسایی و دستگیری مجرمین را نبودن امکانات کافی دانستند، که از سوی مسئولین کشور قول تأمین امکانات داده شد و امروز نیز مقداری از این تجهیزات در اختیار شهربانی و ژاندارمری گذاشته شد و در این جلسه تصمیماتی در جهت برقراری امنیت در منطقه گرفته شد.

استاندار فارس در مورد مضروب شدن دکتر یزدی در شیراز گفت: درباره این سخنرانی با استانداری تماس گرفته نشده بود و در مورد اینکه چه گروهی در به هم زدن سخنرانی و مضروب کردن دکتر یزدی نقش داشته است، گروه مشخصی را سراغ ندارم، ولی معتقدم که برخورد با مخالفین هم، باید به شکل دیگری غیر از این حادثه باشد. استاندار فارس در مورد مهاجرین اسکان یافته در فارس، گفت: در حال حاضر ۲۵۰ هزار جنگ‌زده داریم که تمامی اینها با کمک ارگان‌های مختلف، زیر پوشش مردم و دولت در فارس هستند و اخیراً ۵۰ هزار مهاجر جدید آمده‌اند که ما سعی داریم آنها را در منازل مردم، جای دهیم و به‌زودی طرح پذیرش یکصد هزار جنگ‌زده دیگر به اتمام خواهد رسید و آنها نیز در روستاهای فارس و حومه شیراز اسکان خواهند یافت. همچنین اردوگاه سروستان که پذیرای ده هزار تن از خواهران و برادران جنگ‌زده خواهد بود، تا آخر ماه جاری، آماده می‌شود.

حبیبی در مورد خوانین قشقایی و گروگان‌گیری اخیر فرماندار و کارمندان ادارات فیروزآباد، گفت: پس از گروگان‌گیری از سوی عوامل خوانین، برای مذاکره از ماهیتی خواستند که اعلام کردیم هیچ مذاکره‌ایی انجام نخواهد شد و برای آزاد کردن گروگان‌ها، ساعت معینی تعیین کردیم که آنها آزاد شدند و فرماندار فیروزآباد نیز در جریان گروگان‌گیری شکنجه شده بود.

### ۴- بیانات رئیس مجلس درباره حادثه شیراز

پس از آنکه خبر ضرب و شتم من و پاسدار محافظم به گوش مسئولان به ویژه رئیس مجلس رسید، آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس در اولین سخنرانی خود به این

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۷۱

موضوع پرداخت و ضمن اظهار ناخرسندی از این حادثه، وعده پیگیری قضایی عاملان و مسببان آن را داد. سخنان رئیس مجلس در نطق پیش از دستورش به شرح زیر بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم. لابد آقایان خبر حادثه‌ای را که در شیراز برای آقای دکتر یزدی پیش آمده، شنیده‌اند؛ البته من هنوز از کم و کیف قضیه خبر ندارم. در ماهیت قضیه نمی‌توانم قضاوتی بکنم. خواستم که مسائل روشن‌تر بشود. اما اصل این، پدیده بسیار زشت و نازیبایی است و اسباب وهن مجلس است و در نتیجه اسباب وهن مملکت است. من در درجه اول از کسانی که دست به این‌گونه اعمال می‌زنند، به اینها تذکر می‌دهم فکر نکنند که این مسائل بدون تعقیب می‌ماند و در درجه دوم به مسئولان قضائی و امنیتی کشور [و] به پلیس این تذکر اکید را می‌دهم که جداً پیگیری کنند و مجلس را هم از ماهیت قضیه مطلع کنند و کسانی [را] که تخلف کرده‌اند و عمل خلاف قانونی انجام داده‌اند، مجازات بکنند؛ و امیدواریم که با بیداری نیروهای امنیتی و دستگاه‌های قضایی این‌گونه حوادث را از این به بعد دیگر در کشورمان شاهد نباشیم».

برخلاف وعده آقای هاشمی، این مسئله بدون تعقیب ماند و هیچ اقدامی صورت نگرفت.

### ۵- سکوت خبری صدا و سیمای ایران

بعد از بازگشت به تهران، چند روزی در منزل استراحت کردم. دوستان زیادی از سراسر ایران تماس گرفتند، و ابراز همدردی کردند. آقای موسوی خویینی‌ها، نایب رئیس مجلس برای عیادت به منزل آمد. آقای هاشمی رفسنجانی در جلسه علنی روز ۱۸ خرداد عمل به قول خودش حزب‌اللهی‌ها را تقبیح کرد. باعث تأسف این بود که صدا و سیمای جمهوری حاضر نشد یک کلمه در این مورد خبر بدهد؛ درحالی‌که رسانه‌های خارجی، زخمی شدن مرا با آب و تاب پخش کردند. در بعضی از اخبار خارجی گفته شد که به من تیر زده‌اند و در بیمارستان بستری هستم. البته توطئه‌ای برای این کار بود. اگر خونسردی ما نبود، این کار می‌شد و در میان شلوغی‌ها قضیه لوٹ می‌شد. در تأیید این توطئه اینکه در آن شلوغی‌ها یکی از مهاجمین به اشتباه با

## ۴۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

چاقو بر پشت یک نفر می‌زند؛ بعد مهاجمین به ضارب اعتراض کردند که چرا دقت نکرده و اشتباهی زده است. اگر در توطئه خود موفق می‌شدند، می‌گفتند تقصیر خودش بود حرف‌های تحریک‌کننده زد و مردم تحمل نکردند و عکس‌العمل نشان دادند. چند هفته بعد، اسلحه کمری محافظم را که مجلس به او داده بود برگرداندند. مدتی بعد نامه‌ای بدون امضا از شیراز دریافت کردم که گفته بود از مهاجمین آن شب است و اشتباه کرده و از من پوزش طلبیده بود و عینکم را را نیز پس فرستاده بود.

### ۶- ثبت غیبت غیر موجه در مجلس

از آنجا که در حمله شورشیان شیراز، مصدوم و مجروح شده بودم، بدیهی است که چند روزی در خانه استراحت کردم تا آثار آن صدمات و جراحات از بین برود؛ از این رو، از حضور در جلسات مجلس معذور بودم. با این حال باخبر شدم که این عدم حضور را غیبت غیرموجه اعلام کرده‌اند. چنین بود که طی نامه‌ای به رئیس مجلس، به ایشان یادآوری کردم که موضوع را در نظر داشته باشد و غیبتم را موجه بدانند.

«ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

به‌طوری که مستحضرید بعد از حادثه مسجدالنبی در شیراز در ۱۶ خردادماه جاری، هنوز در منزل دوره نقاهت را می‌گذرانم؛ معذالک شنیده شد که عدم حضور این‌جانب را در جلسات مجلس، غیرموجه اعلام نموده‌اند، که باید اصلاح شود. با تشکر.  
یزدی - ۱۳۶۰/۳/۲۴».

### ۷- نامه به دادستان و رئیس مجلس برای رسیدگی به حادثه شیراز

پس از آن نیز نامه‌ای به دادستان کل کشور و رئیس مجلس نوشتم و در آن شرح ماجرا را گزارش دادم و از ایشان درخواست رسیدگی کردم.

۱- نامه به رئیس مجلس

«جناب آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

بعد از سلام، پیرو مذاکرات تلفنی درباره حادثه مسجدالنبی شیراز، چون تأکید کردید که تنها اظهارات رسمی در تکذیب آشوبگران و ضاربین کافی نیست و باید این عناصر شناخته شده و مجازات گردند، شرحی را که جهت جناب دادستان کل کشور



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۷۳

همراه با گزارش مبسوط واقعه فرستاده‌ام، برای شما هم می‌فرستم و امیدوارم که برحسب تکالیف شرعی و قانونی و اخلاقی خود عمل بفرمایید. والسلام.

دکتریزدی - ۱۳۶۰/۳/۲۶».

۲- نامه به دادستان کل کشور

«جناب آقای موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور

در روز شنبه ۱۶ خرداد برابر با سوم شعبان مصادف با ولادت باسعادت سید الشهداء امام حسین(ع) از طرف جمعی از مردم شیراز در مسجدالنبی برای ایراد سخنرانی درباره قیام پانزده خرداد و مقام حسین بن علی(ع) دعوت شده بودم. بعد از انتشار خبر این برنامه، عده‌ای عناصر ناشناخته سعی کردند با تهدید و ارباب، مانع اجرای برنامه بشوند. مسئولین برنامه با مقامات رسمی انتظامی و استانداری تماس گرفتند. جناب آقای حبیبی استاندار فارس اطمینان داند که اجازه نخواهند داد عناصر آشوبگر ایجاد اغتشاش نمایند و تأکید کردند که دستورات لازم را به رئیس شهربانی داده‌اند و رئیس شهربانی نیز ضمن تأیید مراتب اطلاع داد که نیروهای انتظامی آرامش را کنترل خواهند نمود. در حدود ساعت ۸ بعد از ظهر روز شنبه بعد از پیاده شدن از ماشین در مدخل ورودی مسجد، مورد حمله و ضرب و شتم عده‌ای که خود را «حزب الهی» معرفی می‌کردند قرار گرفتم و این برنامه ضرب و شتم تا حدود یک ساعت ادامه داشت. این جانب برای جلوگیری از هر گونه توسعه تشنج مردم را به حفظ آرامش دعوت می‌کردم تا بالاخره به کمک مأمورین انتظامی از مسجد خارج شدم.

آقای دادستان کل، در حالی که تمامی مسئولان مملکت، مرتب بر لزوم رعایت قانون تکیه می‌کنند و همگان حفظ آرامش را توصیه می‌کنند، چگونه است که عده‌ای اجازه چنین جسارت‌هایی را به خود می‌دهند. این عناصر به کجا وابسته هستند که تمام مقررات را زیر پا می‌گذارند. پشت اینها به کجا گرم است؟ چه کسانی مسئول هستند که این افراد را مجازات کنند؟ به موجب گزارش پیوست که تقدیم می‌گردد، محرکین این اغتشاش و ضرب و شتم، همگی شناخته شده می‌باشند. به موجب تکالیف قانونی که بر عهده جناب عالی قرار گرفته شده‌اند، انتظار است که تحت تأثیر فشارهای سیاسی گروه‌های ذی‌ربط و ذی‌نفع قرار نگیرید و با پیگیری و مجازات متخلفین گسترش و

## ۴۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

سرایت اغتشاشات و این نوع هرج و مرج‌ها را مانع شوید. در شأن جمهوری اسلامی نیست که در روز ولادت حسین بن علی(ع) در آنجا که خانه خداست و به نام پیامبرش مسجدالنبی خوانده شده است، عده‌ای آشوبگر مانع برگزاری ساده‌ترین و آرام‌ترین مراسم مذهبی شده و نماینده مردم در مجلس و کسی را که سوابق سیاسی و مبارزات و خدماتش بر همگان و بر خالق روشن است، این چنین مضروب نمایند. اگر این وضعیت ادامه یابد بترسید از روزی که این شتر در خانه خود آقایان هم بخوابد و هیچ کس نتواند هرج و مرج و اغتشاشات را کنترل کند، و آن روز خیلی دیر خواهد بود و تأسف بی‌فایده.

والسلام. والعاقبه للمتقين. باتشکر از اقدامات قانونی که مبذول خواهید فرمود.

دکتر یزدی - ۱۳۶۰/۳/۲۶».

رونوشت - جناب آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

### ۸- نامه دوم به آقای هاشمی رفسنجانی درباره حادثه شیراز - ۱۳۶۰/۳/۲۶

«جناب آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی بعد از سلام. پیرو مذاکرات تلفنی دیروز بعد از ظهر، همان‌طور که عرض کردم علت عدم حضور این‌جانب در مجلس، علاوه بر نقاهت ناشی از حادثه مسجدالنبی شیراز در روز سوم شعبان، و مهم‌تر از آن، جوی است که بر جلسات مجلس و محوطه و اطراف آن حاکم است و هر گونه امنیتی را از بین برده است و من به کرات، چه شفاهی و حضوری و چه کتبی، این مسائل را متذکر و از جناب‌عالی، به علت مسئولیتی که دارید درخواست اقدام قانونی مقتضی را نموده‌ام. متأسفانه با اقدامات مؤثر نبوده‌اند یا اقدامی نشده است و دامنه این امور روز به روز وسیع‌تر می‌گردد. مسئله این نیست که من از تهدید و تهمت و افترا و حتی مرگ نمی‌ترسم، بلکه مسئله این است که جلوی این قبیل مسائل و تخلفات باید گرفته شوند. این اعمال، بدعت‌های بد و خطرناکی است که وقتی دامنه‌اش گسترش یافت، گریبان همه را خواهد گرفت و اینها نه در شأن جمهوری اسلامی است و نه مفید به حال آن، و حتماً خطرناک و مضر. اگر من این قضیه را پیگیری می‌کنم و مصرأ می‌خواهم که جلوی این تخلفات و تجاوزات گرفته

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۷۵

[شود و] قانونی [هم] گرفته شود، قبل از هر چیز و بیش از همه به خاطر حفظ حرمت جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

این جانب درباره‌ی جو داخلی مجلس و جلسات فعلاً سخن نمی‌گویم که متأسفانه تهمت و افترا و غیبت و ... که به لحاظ شرعی معصیت و به لحاظ قانونی ممنوع و متخلف باید مجازات گردد، در مجلس ما امری رایج شده است و مع‌الاسف برخی از نمایندگان محترم مجلس که سوگند یاد کرده‌اند و شرف انسانی خود را وثیقه‌ی سوگند خود قرار داده‌اند که پاسدار حریم اسلام و قانون اساسی باشند و معلم و نمونه و الگو و اسوه برای مردم، اصول مصرحه در قانون را رعایت نمی‌کنند. از این می‌گذرم، اما برای شرکت در مجلس باید حداقل امنیت وجود داشته باشد که نیست. و من بار دیگر نمونه‌هایی از اعلامیه‌های سر تا پا موهن و کذب و تهمت را که توسط عناصر شناخته شده، هم در محوطه‌ی مجلس، حتی در ناهارخوری مجلس و هم در اطراف مجلس در برابر در ورودی مجلس هر روز پخش و توزیع می‌شود، ارسال داشته و اعلام می‌کنم تا جناب عالی رفع این گونه تهدیدها و تهاجمات را نفرمایید و این افراد را به دست قانون نسپارید، و حداقل امنیت را به وجود نیاورید از شرکت در جلسات مجلس معذورم. در انتظار اقدامات جناب عالی. والسلام.

دکتر یزدی - ۱۳۶۰/۳/۲۶».

### ۹- نامه‌ی سوم به هاشمی رفسنجانی درباره‌ی تهدیدها و اهانت‌ها

«جناب آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی بعد از سلام، پیرو مذاکرات تلفنی دیروز بعد از ظهر در مورد عدم امنیت، لازم می‌داند مراتب را زیر را به استحضار برساند.

حدود پنج یا شش ماه قبل، در زمانی که به دلیل خطر حملات هوایی دشمن به تهران، شب‌ها خاموشی کامل بود، چند شب متوالی در جلوی منزل در هنگام پیاده شدن از ماشین از طرف اشخاص ناشناخته‌ای به سوی این جانب تیراندازی شد. که به علت اقدامات محافظ این جانب، توطئه‌گران در تاریکی شب متواری شدند. این جانب در همان موقع مراتب را به اطلاع مقامات کمیته‌های محلی رسانیدم، ولی به علت مسئله‌ی جنگ و وضع حساس مملکت، حاضر نشدم و اجازه ندادم که این حادثه در

## ۴۷۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

مطبوعات منعکس گردد و اگر خاطرتان باشد مراتب را شفاهاً به اطلاع شما رسانیدم و شما اظهار نگرانی کردید و پیشنهاد کردید که بیش از یک محافظ داشته باشیم که انجام آن در حد مقدرات شخصی من نیست و وظیفه ارگان‌های مسئول امنیت است که ترتیب آن را بدهند و اقداماتی هم شد، ولی بی نتیجه.

در تمام این موارد، این جانب تمامیت سعی را نمودم که با توجه به مسئله جنگ، که این مسائل به صحنه روز نامه‌ها کشیده نشود. در شیراز، بعد از جریان توطئه، با وجود ناراحتی شدید، علی‌رغم اصرار همراهان، از مراجعه به بیمارستان خودداری کردم؛ چرا که بازتاب سیاسی آن را در داخل و خارج مملکت به نفع جمهوری اسلامی نمی‌دانستم و به مصلحت مملکت ندانستم که گفته شود اختناق یا هرج و مرج و بی‌قانونی آن‌چنان است که در روز میلاد باسعادت امام حسین(ع) و در خانه خدا، که مسجدالنبی نامیده شده است، نماینده مردم در آستانه ورود به مسجد مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد، و از همه بدتر و زشت‌تر اینکه تمامی اشخاص چه آنها که توطئه می‌کنند و چه در زنجان و چه در شیراز، همه شناخته شده هستند؛ اسامی و مشخصات آنها موجود است، اما هیچ‌گونه اقدامی برای مجازات متخلفین نشده و نمی‌شود، و آنها آزادانه به کار خود مشغول هستند و به قانون اساسی و دولتمردان می‌خندند.

جناب آقای هاشمی

قانون اساسی فقط لفظ نیست، فقط جملات و سطور که نوشته شده باشد نیست. قانون برای اجراست. اصول قانون اساسی، حتی در جلسات مجلس زیر پا گذاشته می‌شود. تهمت و افترا امری مقبول و حسن است؛ درحالی‌که قانون اساسی آنها را متخلف و موجب مجازات شناخته شده است؛ شرع انور، تهمت و دروغ و افترا را معصیت شناخته است. پس چگونه است کسانی در مجلس به خود اجازه می‌دهند که با بی‌اعتنایی‌ها به دستور شرع و حکم قانون، به هر کس هر چه می‌خواهند نسبت بدهند و جوسازی می‌کنند و در خارج از مجلس هم همین عناصر، نمایندگان را تهدید کنند و مورد ضرب و شتم قرار دهند! چگونه می‌توان در چنین شرایطی به انجام تکالیف واجب اسلامی پرداخت؟

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۷۷

از آن پس توطئه علیه این جانب به صورت دیگری ادامه داشته است که در یک یا دو نوبت آن را شفهاً به شما گزارش دادم و بالاخره در تاریخ ...<sup>۱</sup> کتباً مراتب را نوشتم و شخصی را که وابسته به یک گروه چپ شناخته شده است، به شما معرفی کردم و همچنین به شما و دادستان کل کشور اعلام جرم و شکایت نمودم. جناب عالی در پاسخ یادداشت این جانب اطمینان دادید که جلوی تخلفات را خواهید گرفت. مع‌الأسف یا اقدامی نشده و یا اقدام مؤثر واقع نگردیده؛ به طوری که تهدیدات در مقابل مجلس و یا در محوطه آن، همچنان ادامه یافت؛ طوری که این جانب مجدداً یادداشتی برای جناب عالی فرستادم که به جناب آقای یارمحمدی، نماینده خود ارجاع فرموده بودید. ایشان به این جانب مراجعه و بعد از استماع توضیحات لازمه فرمودند که اگر شخص مزبور یک بار دیگر در محوطه مجلس و یا اطراف آن پیدا شود، بازداشت شده و به مقامات انتظامی تحویل داده خواهد شد. در سفر زنجان، توطئه‌ای بود که نتوانستند اجرا کنند و عقیم ماند. در شیراز توطئه را نیمه تمام اجرا کردند».

### ۱۰- نامه آقای حمید عطار درباره حادثه شیراز

گزارش این رویداد را آقای حمید عطار، از دانشجویان سابق انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا، هم‌رمز دکتر چمران در جنوب لبنان و اولین فرمانده سپاه در فارس نوشته و طی نامه‌ای برای من فرستاد.

بسمه تعالی شیراز - خرداد ۱۳۶۰

با توجه به علاقه مفراطی که اهالی شیراز نسبت به جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی - چه در زمانی که ایشان در سمت وزارت امور خارجه مشغول خدمت بودند و چه بعد که به نمایندگی از جانب امام خمینی به سرپرستی روزنامه کیهان اشتغال ورزیدند - داشتند، تصمیم بر این شد که از ایشان دعوتی به عمل آید تا در مراسم سالگرد قیام خونین پانزده خرداد و سالروز ولادت حسین بن علی (علیه الصلوٰه و السلام) در جمع مردم شیراز سخنرانی کنند. لذا در وهله اول با فرمانده منطقه ۹ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تماس گرفته شد و قرار یک جلسه با شرکت بعضی از برادران اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران و غیره معمول گردید.

۱. جای تاریخ در اصل سند، خالی است (ویراستار).

## ۴۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

در رابطه با دعوت عمومی، به نظر رسید اگر اصناف و بازار، اطلاعیه‌ای صادر و از مردم دعوت نماید، بهتر است؛ و وقتی با بازار تماس حاصل گردید، معلوم شد [باید] پنج نفر از آقایان بازاری به نام‌های: ۱- آقای حاج حسن مازندرانی، ۲- آقای مشکسار، ۳- آقای حسینیان، ۴- آقای مجدالدین، ۵- آقای موحد نسبت به دعوت مذکور موافقت نمایند.

ابتدا با آقای مازندرانی صحبت شد که گفتند: «بسیار خوب و مناسب است و ما ارادت زیاد داریم». آقای مازندرانی همچنین اضافه کردند: «باید با آقای موحد نیز تماس گرفته شود و اگر ایشان هم موافقت کردند با آقایان مجدالدین و مشکسار هم در میان خواهیم گذاشت؛ و وقتی ما چهار تا موافقت کردیم، کافی است. به ایشان عرض شد، نمی‌خواهیم طوری شود که فردا عده‌ای بگویند ما دعوت نکرده‌ایم و تکذیب می‌شود. ایشان فرمودند: «مگر هر کسی می‌تواند بیاید برای بازار و اصناف پیش خود اطلاعیه بدهد؟ اگر مسئولین قانونی بخواهند پیگیری کنند ما جوابگو خواهیم بود». آقایان مذکور به جز آقای ناصر حسینیان جملگی گفتند: به اسم امضا نمی‌کنیم و این کار رسم معمول ما نیست؛ فقط می‌نویسیم اصناف و بازار. آنگاه در حضور آقای مشکسار، آقای مازندرانی زیر پیش‌نویس اطلاعیه را با عبارت «اصناف و بازاریان شیراز» امضا نمودند، لکن نام کسی قید نگردید. قبل از چاپ آگهی مزبور، بار دیگر و جهت اطمینان خاطر بیشتر تلفنی با آقایان مشکسار و مازندرانی صحبت شد و متن اعلامیه نیز تلفنی برایشان قرائت گردید که گفتند: بسیار خوب است. سؤال شد این اعلامیه در بازار پخش خواهد شد، مانعی نمی‌بینید؟ گفتند: نه آقا، مگر می‌شود کسی بیاید و برای ما تعیین تکلیف کند؟ عین فتوکی آن پیش‌نویس و دست‌خط آقای مازندرانی به پیوست همین گزارش می‌باشد.

نظر بازار این بود که مراسم شنبه‌شب در مسجد نو (الشهدا) برگزار شود، لکن گفته شد اگر مجدالسلام سید احمد پیشوا، امام جماعت آن مسجد موافقت به جای دیگری داشتند، بلامانع است. با آقای شیخ محمدرضا حدائق، امام جماعت مسجد النبی تماس حاصل گردید و از ایشان به صورت مشورتی سؤال شد، پاسخ دادند: «بسیار عالی است؛ کی تشریف می‌آورند؟ ... اتفاقاً صحن مسجد خیلی مناسب است و جمعیت خوبی هم

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۷۹

دارد. فردا شب که منبر رفتیم از مردم می‌خواهم که بیایند و ...». به ایشان گفته شد: ممکن است عده‌ای بخواهند به دلایل و فرائض گوناگون، موجبات اخلال فراهم نمایند. ایشان گفتند: «فکر نمی‌کنم آقا. یعنی کی ممکن است اخلال کند؟ دکتر یزدی افتخار ماست و من خدمت ایشان ارادت دارم و ...».

فردای آن روز تلفنی با منزل ایشان تماس گرفته شد و به عرض رسید اعلامیه می‌خواهد برود زیر چاپ. نظرتان تغییر نکرده؟ گفتند: «مگر همان آقای دکتر ابراهیم یزدی نیست؟» پاسخ مثبت داده شد. گفتند: «چه مانعی دارد!» صبح روز پنجشنبه ساعت هشت صبح معلوم شد عده‌ای به منزل آقای حدائق مراجعه و خواستار لغو برنامه شده‌اند. به ایشان گفته شده بود مجلس را به هم خواهیم ریخت و احتمال درگیری شدید می‌رود و اگر آقای یزدی بیاید مسئولیت کل قضایا با شما خواهد بود. آقای حدائق همچنین تلفنی گفتند: «انجمن اسلامی مسجد که اتفاقاً یکی از آنها هم پاسدار است، مخالفت کرده و شب گذشته هم ساعت ۱۰ سه نفر از حزب آمدند منزل و خلاصه تهدید کردند. بهتر است شما با سپاه پاسداران تماس گرفته و بخواهید امنیت را تأمین و در صورت مخالفت یا عدم همکاری سپاه، برنامه را به جای دیگری انتقال دهید.».

حدود ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه چهاردهم خردادماه یکهزار و سیصد و شصت، دکتر ابراهیم یزدی به همراه من وارد فرودگاه شیراز شد و سپس بنا به درخواست رسانه‌های گروهی، رادیو - تلویزیون و مطبوعات، در یک مصاحبه شرکت جست و به سؤالات ایشان پاسخ گفت.

عصر روز پنجشنبه، جهت دیدار با آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب، امام جمعه شیراز، آقای یزدی به منزل ایشان رفتند. مطالبی را که آقای حدائق گفته بودند به عرض ایشان رسید. امام جمعه در پاسخ گفتند: «لا اله الا الله، خوب اگر می‌خواهند آرامش را به هم بزنند پس شما هم صحبت نکنید». به ایشان گفته شد: حضرت آیت‌الله، کسی که در این شرایط می‌خواهد سوءاستفاده کند، چند صباح دیگر هم نماز جمعه را به هم خواهد زد. مانعی ندارد، آقای یزدی می‌پذیرند، اما شما علیه گروه‌های منحرف موضع‌گیری که می‌فرمایید عقب‌نشینی است. مأمورین انتظامی باید رعایت انتظامات را

## ۴۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

بکنند و وقتی نکردند آن موقع احتمال بالاتر از درگیری هم خواهد بود. آیت‌الله دستغیب، امام جمعه، در پاسخ فرمودند: «شما رعایت آرامش را بکنید، شهر آرام است، باعث به هم ریختن اوضاع نشوید. اگر اطمینان داشتید مانعی ندارد، و الا سخنرانی که واجب نیست؛ آنچه امروز بر همه مسلمین واجب است، حفظ آرامش است و ...».

پس از اختتام دیدار با آیت‌الله دستغیب، دکتری یزدی به همراهان خود گفت: «شما پیگیری کنید چه کسی آقای حاج شیخ محمدرضا حدائق را تهدید کرده. اگر مسئولین قانونی این مملکت، دارند جلوگیری می‌کنند که این راهی دارد و اگر چند نفر از گروهک‌های معلوم الحال تهدید کرده‌اند، ما از جا در نمی‌رویم و مقابلشان می‌ایستیم. آنها نباید فکر کنند با تهدید می‌شود جلوی قانون بایستند. من به هر حال آمادگی خود را اعلام می‌دارم، لکن شما شیرازی‌ها با مقامات استان تماس گرفته، ببینید اگر انتظامات را به عهده می‌گیرند، من هم می‌روم و صحبت می‌کنم، حتی اگر مرا بکشند، ولی اگر نه، هیچ‌گونه دخالتی نمی‌خواهند بکنند، همان‌طور که آیت‌الله دستغیب فرمودند سخنرانی واجب نیست و آنچه لازم است حفظ آرامش می‌باشد.

عصر روز پنجشنبه ۱۳۶۰/۳/۱۴ با توجه به اینکه احتمالاً برنامه روز شنبه ۱۳۶۰/۳/۱۶ میلاد مسعود حسین ابن علی(ع) لغو خواهد شد، با ستاد برگزاری نماز جمعه مروذشت و امام جمعه آن شهر تماس حاصل و اجازه ایراد سخنرانی داده شد. موضوع به عرض آقای یزدی رسید و ایشان هم موافقت نمودند. آقای یزدی و سایرین که از شیراز ایشان را همراهی می‌کردند هیچ‌کس را در مروذشت نمی‌شناختند؛ لذا تلفنی محلی را در آن شهر مشخص و آقای یزدی رهسپار آنجا شدند که بلافاصله یکی از مسئولین ستاد برگزاری نماز جمعه به همراه عده‌ای حدود شش نفر جهت راهنمایی ایشان به محل اقامه نماز حضور یافتند. از محل مزبور تا صف جماعت حدود ۳۵۰ متر فاصله بود و در این فاصله کوتاه، گروه کثیری از اقشار مختلف مردم مروذشت، به استقبال آمدند. به محض ورود آقای یزدی به صف نمازگزاران، شعارهای «الله اکبر/ خمینی رهبر»، «درود بر خمینی سلام بر یزدی» فضا را پر کرد. در ضمن سه نفر درحالی که بالا و پایین می‌پریدند، فریاد می‌زدند: «مرگ بر لیبرال»، «مرگ بر ضد ولایت فقیه» که مسئولین برگزاری نماز جمعه از ایشان سکوت را خواستار شدند و آنها



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۸۱

پذیرفتند. به علت خرابی بلندگو و دیر شدن وقت ایراد خطبه، امام جمعه پس از پوزش از آقای یزدی گفت: «تقاضا می‌کنم بین دو نماز ارشاد فرمایید». آقای یزدی گفت: «نه، ان‌شاءالله در فرصتی دیگر!»؛ و با اصرار امام جمعه، ایشان پذیرفتند.

بین دو نماز با شعار «درود بر خمینی / سلام بر یزدی»، آقای دکتر یزدی از جا برخاست و به ایراد سخنرانی پرداخت. موضوع صحبت، نهضت روحانیت در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی بود و اینکه ۱۵ خرداد، نقطه عطف تاریخ مبارزات مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت مبارز است. ایشان نقش تعیین‌کننده روحانیت را از جنبش تنباکو به رهبری میرزای شیرازی تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ برشمرد. هیچ‌گونه درگیری، شعار مخالف و ... پیش‌آمد نکرد.

جمعه شب آقای دکتر ابراهیم یزدی جهت شرکت در مجلس سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین که در منزل آقای ایمانیه، نماینده امام خمینی مدظله در اخذ وجوهات، شرکت جست. بنا به درخواست مستمعین در مجلس و تقاضای آقای شیخ الاسلامی که روی منبر اعلام نمود، آقای یزدی به مدت چهل دقیقه صحبت کرد. آیت‌الله شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی عضو شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نماینده امام خمینی در استان فارس نیز حضور داشتند. آقای دکتر ابراهیم یزدی اینجا نیز دسیسه‌ها و نیرنگ‌های ابرقدرت‌های جهانخوار: روس و آمریکا و انگلیس و غیره را در راه سرکوب روحانیت برشمرد.

نوار هر دو سخنرانی که در مرودشت و شیراز انجام گرفته، موجود می‌باشد. صبح روز شنبه سوم شعبان برابر با شانزدهم خرداد یکهزار و سیصد و شصت هجری شمسی، آقای دکتر یزدی قصد مراجعت به تهران را داشتند، لکن با نبودن پرواز و اینکه بگذارید با مسئولین استان تماس گرفته شود، ایشان ماندند.

با رئیس و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۹، آقای دکتر مسعود خاتمی، تماس حاصل گردید. ایشان اولاً پیشنهاد شرکت در جلسه‌ای با حضور آقای یزدی را پذیرفتند و قرار شد صبح روز یکشنبه قبل از عزیمت آقای یزدی به تهران، جلسه دایر گردد. معاون سپاه و یکی از اعضای شورای فرماندهی نیز که حضور داشتند این پیشنهاد را پذیرفتند و قرار شد دیگرانی را نیز که مایل به شرکت باشند، خود دعوت کنند.

## ۴۸۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

در رابطه با سخنرانی آقای یزدی در مسجدالنبی، از آقای دکتر خاتمی سؤال شد و به ایشان گفته شد عده‌ای مصمم به اخلال هستند. ایشان گفتند: «قلباً موافق نیستم، لکن وظیفه پاسدارهاست که اگر خبری شد دخالت کنند». به آقای عبادتی، معاون سپاه گفته شد ممکن است اطلاعیه‌ای بدهید و از مردم بخواهید که آرامش برقرار است و جلوی گروهک‌های منحرفی را که بخواهند نظم را به هم بزنند، خواهید گرفت؟ ایشان گفتند: «نه، ما نمی‌توانیم اطلاعیه بدهیم؛ چون دلیلی ندارد. کس و یا کسانی که اعلان کرده‌اند یا آقای حدائق را تهدید کرده‌اند معلوم نیست کیستند و اگر ما اطلاعیه بدهیم تازه یاد عده‌ای خواهیم آورد که بیایید و اخلال کنید. لکن اگر درگیری شد مثل همه جای دیگر، سپاه وارد عمل می‌شود».

به آقای خاتمی عرض شد: آقای حدائق گفته‌اند: سپاه مخالفت کرده و عده‌ای هم به اسم حزب به منزل ایشان مراجعه کرده‌اند و گفته‌اند درگیری و خونریزی خواهد شد. اجازه با سپاه است. از ایشان وقت خواسته شد تا آقای حدائق را ملاقات کنند. آقای دکتر خاتمی گفتند: این زشت است که آقای حدائق بیایند اینجا. تلفن هم نیست که با ایشان تلفنی صحبت کنیم، لکن ان‌شاءالله امروز عصر در رژه پاسداران ایشان را ملاقات و خواهم گفت که هرچه از ناحیه سپاه به ایشان گفته شده، دروغ است و ما کسی را بر این کار نگمارده‌ایم.

متأسفانه دیگر نشد با آقای حدائق تماس گرفته شود. علت هم این بود که با آقای خاتمی قرار گذاشته شد ساعت ۲ تا ۲/۵ در پایگاه شهید مسگر در بلوار استقلال [با] شیخ محمدرضا حدائق ملاقاتی صورت گیرد، اما متأسفانه آقای حدائق که قرار بود ساعت ۱/۵ در منزل خود باشند، نبودند.

با آقای محمدنبی حبیبی استاندار فارس تماس گرفته شد و ایشان در جهت تأمین انتظامات و امنیت گفتند: «الآن به شهربانی دستور می‌دهم مراقب اوضاع باشند. و ان‌شاءالله حادثه‌ای پیش نخواهد آمد».

چند دقیقه بعد با سرهنگ قدرت، رئیس پلیس شیراز، تماس گرفته شد. وی گفت: «الآن آقای استاندار زنگ زدند و دستور دادند. چشم قربان. مأمورین خود را اعزام می‌کنیم...».

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۸۳

توسط شخصی به نام محمدعلی انتظارالمهدی با عبدالرضا کامگار سر اکیپ حزب الله تماس حاصل شد. حزب الله گفت: «قول می‌دهیم کاری نکنیم، لکن آقای یزدی هم قول بدهد که خلاف آقای بهشتی حرف نزند». به ایشان گفته شد: کافی نیست. ما انتظامات را از شما می‌خواهیم؛ زیرا ممکن است گروهی دیگر تحت عنوان حزب الله خرابکاری کنند و ایشان پذیرفتند. مطالب فوق به عرض آقای یزدی رسید. ایشان گفتند: پس با این حساب چرا صحبت نشود، بله می‌رویم.

ساعت ۷/۵ سخنرانی شروع می‌شد. جهت اطمینان بیشتر، چند نفر به مسجد اعزام شدند تا اوضاع را بررسی کنند. آنها ساعت ۸ اطلاع دادند اوضاع آرام است. آقای یزدی به قصد مسجد حرکت نمود. ساعت ۸:۳۰ دقیقه ماشین ایشان در نزدیکی مسجد متوقف شد و یک نفر دیگر جهت بررسی بیشتر به طرف مسجد رفت. مردم دسته‌دسته و گروه گروه به طرف مسجد النبی سرازیر بودند. در مسجد تعدادی از پاسداران حضور داشتند و چند مأمور شهربانی نیز در مدخل ورودی ایستاده بودند. اوضاع به نظر آرام می‌رسید. آقای محمدعلی انتظارالمهدی پرسید: کو آقای یزدی، مگر نمی‌آیند؟ گفته شد: چرا می‌آیند. اوضاع چه جور است؟ ایشان گفتند: مردم منتظرند.

مراتب به اطلاع آقای یزدی رسید و ایشان به جانب مسجد حرکت کردند. بیست متری مسجد، آقای یزدی از ماشین پیاده شد که بلافاصله از جانب گروهی که فریاد می‌زدند: «حزب فقط حزب الله/ رهبر فقط روح الله» مورد حمله و ایذاء قرار گرفت. مشت و لگد نثار می‌شد. عینک وی در همین اثنا به سرقت رفت. محافظ وی نیز بی نصیب نمانده و شدیداً کتک خورد. سیلی و مشت از هر طرف می‌بارید و موهای دکتر را می‌کشیدند. مردمی که در مسجد و یا بیرون منتظر ایستاده بودند، هر کدام فرار را بر قرار ترجیح دادند و هر کس از جانبی می‌گریخت. مغازه‌داران درب‌های خود را پایین کشیدند. دکتر را با همان وضع به درون مسجد برده و با لنگه کفش وی را شدیداً مضروب ساختند. عبدالرضا کامگار، پشت میکروفون قرار گرفت و درحالی که می‌لرزید، فریاد می‌زد: «آقای یزدی، شما آمریکایی هستید. آقای یزدی، چرا به اینجا آمدید؛ درحالی که گفته بودیم نیایید». اسلحه محافظ وی نیز به سرقت رفت. درون مسجد دیگر هیچ‌کس را جز حزب الله راه نمی‌دادند. دکتر یزدی کنار دیوار ایستاده بود

## ۴۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

و به این منظره‌های شوم می‌نگریست. با کارد موکت‌بری به جان وی حمله شد و کت وی پاره شد. دیگری میخ به پشتش فروکرد که خون جاری گردید؛ سپس دکتر را روانه منبر کردند و وی را بالا برده و شروع به شعار دادن کردند. یک نفر به نام اسمعیل زاده، رئیس فدائیان اسلام، پشت میکروفون قرار گرفته و سؤالاتی نمود، اما گفته شد نباید اینجا جواب بدهید، باید بروید در مجلس پاسخ سؤالاتمان را بدهید.

جو تنفر و انزجار آنچنان مستولی شده بود که آدمی را از همه چیز متعدی<sup>۱</sup> می‌کرد. یک نفر از پاسداران به نام اسمعیل شایق مرتب تحریک می‌کرد و می‌گفت: «بگیرید. اسلحه را خودم دیدم بگیرید و ... بچه‌ها نگذارید در برود ...».

حدود شش نفر از مأمورین شهربانی در مسجد بودند و نظاره‌گر این فجایع. سیصد نفر یک نفر را این چنین مظلوم گیر آورده و هر گونه تهمت و ... را نثارش می‌کنند و فقط از اسلحه گرم استفاده نشد. به ایشان گفته شد: چرا مرده‌اید؟ مگر شما مأمور انتظامات نیستید؟ بروید و این مرد را نجات دهید! یکی از آنها درحالی که خنده مسخره‌ای می‌کرد، گفت: تو خیلی صداقت داری و ساده هستی. این یزدی، چشم امام است، نماینده نیم میلیون مردم شهر. بین چه به سرش می‌آورند؛ من چه کاره‌ام؟ یک مأمور ساده شهربانی، با شش سر عایله. بروید بیرون، بدتر اعصاب خودتان را هم خرد نکنید. من که اینجا آمده‌ام مجبورم و ... پس از قریب به یک ساعت، بالاخره با دخالت عده‌ای از مردم که تا به حال مات و مبهوت بودند و مأمورین شهربانی، [آقای یزدی] از منبر پایین آورده شد تا به بیرون هدایت کنند. حزب الله همچنان که نعره می‌کشیدند و موهای آقای یزدی را گرفته بودند، لباسش را پاره پاره کردند و ... مأمورین شهربانی که محافظ ایشان را به کلانتری برده بودند، بازگرداندند. دکتر و محافظش زخمی بودند و آثار سیلی بر صورت و مشت و لگد به خوبی مشاهده می‌شد.

صبح روز یکشنبه بدون اینکه آقای یزدی با سپاه جلسه‌ای بگذارد، ساعت ۷/۵ صبح به تهران پرواز کرد.

آقای یزدی رفته بود و آن روز صبح تلفن‌ها و تماس‌های متعدد با دعوت‌کنندگان و حتی ملاقات‌کنندگان با آقای یزدی از نواحی مختلف مورد سؤال و تهدید واقع

۱. شاید متعدی باشد به معنی عذاب دیدن و بیزار شدن (ویراستار).

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۸۵

گردیدند. آقای حاج ناصر حسینیان که نتوانسته بود نظر چهار نفر دیگر نمایندگان بازار یعنی آقای مازندرانی و مشکسار و مجدالدین و موحد را جلب نموده و دعوت بازار را تکذیب رسمی کند، دست به جمع‌آوری امضا در بازار زد و حدود شصت امضا جمع نمود. در متن آن طومار - به اصطلاح خودشان طومار - آمده است: «... عاملین می‌بایست تحت تعقیب و بازجویی قرار گیرند» و تیتراژ آن به‌عنوان سپاه محترم پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد.

طبق گزارش واصله، مردم منطقه خیابان قآنی تصمیم به برگزاری مراسمی در دوشنبه شب داشتند که باتوجه به صحبت‌های امام منتفی گردید. آنها معترض واقعه شنبه‌شب بوده و گفته بودند مردم این ناحیه اصلاً وارد درگیری نبوده و آنهایی که تحت هر نام حزب‌الله و یا غیره دست به این عمل ضداسلامی زدند، از مناطق دیگر جمع آمده بودند و ...

در خاتمه از آقای دکتر ابراهیم یزدی می‌خواهیم شیراز را با کوفه مقایسه نکنند؛ زیرا دعوت‌کنندگان از شما را هم در آن شب زدند و اگر دستشان در آن شب نرسید، در روزهای بعد، به طرق گوناگون تحت فشار و وحشت قرار دادند.

در جمع‌بندی کل جریان، به این امر واقف شدیم که متأسفانه مدعیان راه امام خمینی، مدظله، راه دیگری را می‌روند و این است که فرموده‌ی وی را که «امسال، سال قانون باشد» را هم به سال قانون جنگلی مبدل ساختند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان - حمید عطار - ۶۰/۳/۱۸

کپی: آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، دادستان کل، روزنامه‌ها توضیح: به نظر من نیز آنچه آقای عطار نوشته‌اند کامل است.

### ۱۱- نامه پدر و مادرم به امام خمینی

مادر و پدرم از آنچه در شیراز رخ داد یکه خورده و به شدت ناراحت شده بودند. باور کردنش برای آنها بسیار سخت بود. در واکنش به این رویداد، پدرم و مادرم مشترکاً تلگراف شهری زیر را برای جماران فرستادند:

بسمه تعالی - جماران

حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رهبر جمهوری اسلامی ایران

## ۴۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

به طوری که استحضار دارید آقای دکتر ابراهیم یزدی متجاوز از سی سال است به خاطر اسلام و در مقابل رژیم طاغوت تلاش و مبارزه کرده که لااقل پانزده سال آن را از نزدیک شاهد بوده‌اید. بارها نیز رسماً مورد تأیید شما قرار گرفته‌اند. اینک در جمهوری اسلامی، چماقداران به نام اسلام و زیر پوشش حزب‌الله از سخنرانی ایشان در مسجدالنبی شیراز جلوگیری کرده، ایشان و همراهانشان را شدیداً مضروب ساخته درحالی که همه مسئولان ناظر و شاهد و ساکت هستند. جا دارد از حسن توجه آن حضرات و همه مسئولان جمهوری اسلامی ایران به خاطر پاداشی که به ایشان و به ما داده می‌شود قبلاً سپاسگزاری نماییم. العاقبه للمتقين.

پدر و مادر ایشان - محمد صادق یزدی و معصومه مرتضوی  
نشانی: تهران، اول خیابان ایران (یمن الدوله)، کوچه مقدم (شش متری بن بست)،  
دست راست، درب دوم. تلفن: ۳۶۳۹۹۸

## ۱۲- نامه مهدی وفاجو درباره حادثه شیراز

بسمه تعالی

این جانب مهدی وفاجو، محافظ قانونی آقای دکتر ابراهیم یزدی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی می‌باشم که در مورخ ۶۰/۳/۱۶ در شیراز به دعوت بازاریان که برای سخنرانی از آقای یزدی دعوت کرده بودند درمسجدالنبی، با توجه به گفته آقای استاندار که انتظامات را برقرار می‌کند و اجازه سخنرانی را هم داده‌اند، در ساعت ۸:۳۰ شب همان روز به مسجدالنبی رفتیم و به محض اینکه از ماشین پیاده شدیم، یک عده ترسو به طرف ما هجوم آوردند و ما را به طرف خیابان هل دادند و شروع به فحاشی و کتک زدن و به صورت توهین‌آمیز عینک آقای دکتر را برداشتند و بردند. این‌جانب مهدی وفاجو را از آقای دکتر یزدی جدا کردند و اسلحه مرا به زور گرفتند. پس از گرفتن اسلحه ۳۰ الی ۴۰ نفری مرا با میخ و مشت و لگد در خیابان زدند و تمامی لباس‌هایمان را پاره‌پاره کردند و آقای دکتر را به جلوی بلندگو برده و با بی‌احترامی شروع به تهمت زدن کردند و اجازه ندادند که به سؤال‌های خودشان جواب بدهند. افراد شهربانی رسیدند و بنده را به زور از دست آن عده که می‌گفتند «حزب فقط

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۸۷

حزب الله» رها کردند و به کلانتری بردند. کتک خوردن این جانب چندان اشکالی ندارد؛ این بار اولی نیست که به این صورت کتک خورده‌ام. از این کتک‌ها در رژیم گذشته در حکومت نظامی زیاد خورده‌ام، ولی آن کتک‌ها که در زمان رژیم گذشته می‌خوردم ناآگاهان بودند، ولی امروز این کتک‌ها بی‌احترامی به جمهوری اسلامی و قانون و امام و امت و مجلس شورای اسلامی است. بنده را به‌عنوان محافظ ایشان سپرده‌اند. این ظلم است و ظلم پایدار نیست و باید جلوی این‌گونه کارها گرفته شود. چرا نمی‌گذارند نماینده مردم حقیقت را بگویند تا قضیه برای مردم روشن شود. این هنر نیست که چهل - پنجاه نفر روی یک نفر حمله کنند و او را مضروب کنند. عرضی ندارم. والسلام.

### ۱۳- گزارش من از رویداد شیراز به نهضت آزادی

در روز جمعه ۱۳۶۰/۳/۲۲ در گردهمایی اعضای نهضت و علاقه‌مندان طی یک سخنرانی، گزارش این رویداد را دادم. برخی نکات دیگر را نیز توضیح دادم. در دیدار با آیت‌الله دستغیب، ایشان گفتند: «این دولت، دولت امام زمان است. هر کس دولت را تضعیف کند، چنین و چنان است. بعد هم اینکه شما صحبت نکنید. اگر شما فکر می‌کنید ممکن است مفسده‌ای برپا شود، در اینجا صحبت نکنید. واجب که نیست». در پاسخ سخنان ایشان داستان سفرم را به شیراز در سال ۱۳۲۹ شرح دادم. در آن سال به دعوت دانشجویان و جوانان شیراز به اینجا آمدم تا در مراسم نیمه شعبان صحبت کنم. در آن زمان اگر به یاد داشته باشید جو غالب در دانشگاه‌ها در دست توده‌ای‌ها بود. دکتر قربان، رئیس دانشگاه را هم می‌گفتند بهایی است. دانشجویان مسلمان با دعوت من و برگزاری مراسم نیمه شعبان می‌خواستند این جو را بشکنند. دکتر قربان، جلوی برنامه را گرفت. به این بهانه که اگر شما این برنامه را اجرا کنید، توده‌ای‌ها چنین و چنان می‌کنند و مانع اجرای این برنامه در دانشکده پزشکی شد. دوستان دانشجوی شیرازی ما مراسم را در دبیرستان شاپور برگزار کردند. این آقای هم که می‌بینید امروز اینجا نشسته، آن روز ناظم جلسه بود. ما آن روز از تهدید و فشار نترسیدیم و جا نزدیم؛ امروز هم با این تهدیدها و تحریکات جا نمی‌زنیم. غلط می‌کنند چند نفر

## ۴۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

ناشناس به این و آن تلفن بزنند و تهدید کنند، غلط می‌کنند. حق ندارند. ما تکلیف داریم و می‌رویم. و شما آقای دستغیب بدانید اگر امروز جلوی اینها نایستید، دیر یا زود شما هم از تهاجمات اینها مصون نخواهید بود. این چه جمهوری اسلامی است که کیانوری‌ها و احسان طبری‌ها می‌توانند از صدا و سیما حرف بزنند، اما بازرگان‌ها و یزدی‌ها نمی‌توانند حرفشان را بزنند! حتی در یک مسجد کوچک در شهر شیراز به مناسبت نیمه شعبان نمی‌شود رفت سخن گفت. من می‌روم و می‌دانم چه بهایی باید پردازم.

همان‌طور که در گزارش بالا آمده است، وقتی ما وارد مسجد شدیم حدود سیصد تا چهارصد نفر از مهاجمین دور ما را گرفتند و شروع کردند به زدن. بعضی‌ها هم با تیغ موکت‌بری لباس مرا تکه تکه کردند و پشت مرا زخمی کردند. آنها بلندگو را در دست گرفتند و شروع کردند ابتدا به ناسزا گفتن و سپس طرح سؤالات. من در جواب گفتم: به تمام پرسش‌های شما پاسخ می‌دهم. اگر راست می‌گویید و آزاده هستید بگذارید من هم حرفم را بزنم. قبول کردند. مرا به طرف منبر بردند. در بالای منبر فردی نشسته بود که خیلی عربده می‌کشید و ناسزا می‌گفت، مخصوصاً به دکتر مصدق. او را شناختم. اسماعیل‌زاده از بزن بهادرهای دارودسته بقایی و شمس قنات‌آبادی و ضد مصدق بود. چند نفر از مهاجمین آمدند و یک‌یک پرسش‌های خود را مطرح کردند و من هم خیلی آرام پاسخ دادم. جلسه آرام شد. مهاجمین دیدند این کار به زیانشان تمام شده است و بازی را باخته‌اند. برنامه را برهم زدند و گفتند: پاسخ پرسش‌های ما را در مجلس بدهید. نیروی انتظامی وارد مسجد شد و ما را از مسجد بیرون برد؛ درحالی‌که زخم‌های پشتم آزارم می‌داد. متأسفانه پاسدارم را هم خیلی کتک زدند، اسلحه او را هم گرفتند. ما را به منزل یکی از دوستان بردند. رئیس شهربانی آمد و درحالی‌که سخت ناراحت بود، عذرخواهی کرد. در برابر اعتراض من که چرا مانع نشدید، گفت: دست و پای ما بسته است. ما سردسته مهاجمین را می‌شناسیم. بعضی از آنها را که از اوباش محلات بودند، اسم برد: رسول شله، حسین عقرب و ...



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۸۹

نیروهای نفوذی ضدانقلاب نگذاشتند من صحبت کنم، اما خبر این فضاخت توسط خبرگزاری‌های جهان منعکس شد و به ضرر مهاجمین و متأسفانه جمهوری اسلامی تمام شد.

توضیح و یادآوری: مسئله اساسی برای من این بود که چرا عده‌ای چنین رفتار می‌کنند؟ انگیزه آنها چیست، چه کسانی آنها را تحریک می‌کنند؟ رفتار آنها بسیار شبیه رفتار اوباش زمان دکتر مصدق بود. در آن تاریخ من نماینده مجلس بودم، جنگ ادامه داشت و هنوز خرمشهر آزاد نشده بود. من و دوستان با تمام نیرو از جنگ دفاعی حمایت می‌کردیم. هنوز رابطه من با رهبر انقلاب ادامه داشت. پس آنها با چه بهانه‌ای به من حمله کردند؟ توجه به این پرسش از آن جهت مهم است که اگرچه در این سال‌های اخیر به بهانه‌های جدید به ما حمله می‌کنند، اما در آن تاریخ این بهانه‌ها نبود. آیا جز این می‌تواند باشد که جمعی ضدانقلاب به نام امام و دین و خدا و انقلاب از همان زمان برای بدنام کردن و نابودی انقلاب و انتقام از عناصر مؤثر در انقلاب با برنامه‌ریزی عمل می‌کردند! یکی از حمله‌کنندگان در مسجدالنبی شیراز، فردی بود به نام اسماعیل زاده.

او را از زمان نهضت ملی به اسم و قیافه می‌شناختم. او از مخالفان دکتر مصدق، هوادار دکتر مظفر بقایی و از گروه مجاهدان شمس قنات‌آبادی بود. در تمام زدوخوردهای خیابانی آن زمان، حضوری فعال داشت. او گاهی خود را از اعضای فداییان اسلام معرفی می‌کرد.

آیا او عضو فداییان بود یا نه، تردید دارم. او در مسجدالنبی درحالی که به من حمله می‌کرد، مرتب به دکتر مصدق ناسزا می‌گفت. آنچه بعد از انقلاب در آشوب‌های خیابانی صورت گرفته و می‌گیرد، یادآور آشوب‌های خیابانی در دوران نهضت ملی و زمامداری دکتر مصدق توسط مخالفان او است.

۱۴- گزارشی از سفر دکتر یزدی به شیراز بعد از استعفا از دولت - خبرگزاری

پارس ۱۳۵۹/۶/۱۸

پس از این جریان، یک بار دیگر در شهریور ۱۳۵۹ برای سخنرانی و گرامی‌داشت یاد آیت‌الله طالقانی به این شهر دعوت شدم و سخنرانی کردم که با استقبال گرم مردم شیراز روبه‌رو شدم. این سفر را خبرگزاری پارس به شرح زیر گزارش کرده است:

## ۴۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

به گزارش خبرنگار پارس، روز گذشته دکتر ابراهیم یزدی در دیداری با آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب امام جمعه شیراز پیرامون مسائل مهم مملکتی با ایشان به گفتگو نشست و سپس ضمن حضور در محل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شیراز با برادران پاسدار به گفتگو پرداخت و به سؤالات آنان پاسخ گفت.

دکتر ابراهیم یزدی سپس در مراسمی که بنا به دعوت بنیاد فرهنگی امام در مسجد وکیل ترتیب یافته بود، شرکت کرد و در اجتماع عظیم مردم مسلمان و متعهد شیراز پیرامون شخصیت و مقام علمی آیت‌الله طالقانی و تاریخچه مبارزات این مبارز نستوه سخن گفت و آنگاه به سؤالات مختلف مردم در حاشیه مسائل جاری کشور پاسخ داد. دکتر یزدی در پایان این مراسم برای شادی روان مرحوم طالقانی، سلامت امام امت و پیروزی انقلاب اسلامی ایران با مردم شیراز به نیایش پرداخت.

### ت- حمله به منزل، پرتاب بمب و آتش‌سوزی - ۱۹ آبان ۱۳۶۳

#### ۱- گزارش واقعه

ساعت ۷:۳۰ شب کارم در دفتر تمام شده و عازم منزل شدم. قبل از حرکت به منزل تلفن زدم تا بدانم آقای حسن بایرامی، معروف به حسن آقا نقاش آمده است یا خیر. حسن آقا همان کارگر نقاش تبریزی است که مردی با صفا و بی‌ریا و علاقه‌مند است. خودش در تهران کار می‌کند، ولی چون نتوانسته است منزلی در تهران برای زن و بچه‌اش فراهم کند، آنها را در تبریز تنها گذاشته و خود در تهران تنها مشغول به کار است. شب‌ها به منزل ما می‌آید تا تنها نباشم و صبح‌ها می‌رود سر کار. کلید منزل را دارد و می‌تواند هر موقع خواست، وارد منزل بشود. شب‌ها قبل از آمدن به منزل تلفن می‌زنم که اگر آمده باشد، ببایم. شب‌ها کوچه‌های اطراف منزل خصوصاً دیوار پشت خرابه، سخت تاریک است. هر تازه‌جووانی به راحتی می‌تواند از روی دیوار وارد خانه شود. پنهان شدن در پشت بوته‌ها و درخت‌ها در تاریکی داخل منزل نیز ممکن است، و اگر کسی قصد سوء داشته باشد انجامش چندان مشکل نیست. اگر چنین کسی چنین قصدی بکند، اقدام دفاعی بسیار مشکل است؛ لذا شب‌ها صبر می‌کنم که اول حسن آقا به خانه برود، چراغ‌ها را روشن کند؛ سپس من به خانه می‌روم. گاهی هم مجبور

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۹۱

می‌شوم با کسی قرار بگذارم بیاید جلوی منزل تا با هم وارد منزل بشویم. آن شب هم طبق معمول منتظر حسن آقا بودم که نیامده بود. چندین بار تلفن زدم، پاسخی داده نشد و روشن بود حسن آقا نیامده است. بالاخره دفتر را به قصد منزل اکرم خانم ترک کردم که هم سری به آنها بزنم و احوال پرسى کرده باشم و هم به آنها خبر بدهم که سوران و بچه‌ها آن روز صبح، سوییچ را به قصد هوستون ترک کرده‌اند و قرار است وارد هوستون بشوند.

تا حدود ساعت ۳۰:۹ هر چه به خانه‌ام تلفن زدیم کسی جواب نمی‌داد. از آن ساعت به بعد، تلفن یا بوق مشغول می‌زد که غیرعادی بود و یا اینکه یک زنگ می‌زد و سپس سوت می‌کشید، بعد دوباره یک زنگ می‌زد خِرْخِر می‌کرد.

در این تاریخ، همسرم در ایران نبود. مرحوم مادرم بیشتر اوقات خانه ما می‌ماند، اما آن روز خوشبختانه در خانه ما نبود. من هم رفته بودم خانه باجناب مرحوم مشیری. بعد از صرف شام، از هر دری سخنی گفته می‌شد و بحث داغ بود، اما من در دل احساس نگرانی می‌کردم. از خواهرزاده همسرم (آقای شهریار مشیری) خواستم که با من به خانه ما بیاید، وقتی حسن آقا آمد، او برگردد. او آماده شده بود که راه بیفتیم، ولی پیش از آنکه راه بیفتیم، حدود ساعت ۵:۱۰ دقیقه، آقای مهندس علاء الدین مشیری به خانه ما زنگ می‌زند و این بار حسن آقا جواب می‌دهد و با هیجان خبر می‌دهد که خانه آتش گرفته و شما هرچه زودتر خودتان را برسانید. بی‌درنگ و شتابان همراه با آقا شهریار حرکت کردم. حدود ساعت ۳۰:۱۰ دقیقه به خانه رسیدیم. حسن آقا با برادرش در خانه بودند. در مرحله اول با اوضاع به هم ریخته و آشفته‌ای روبه‌رو شدیم. در اتاق مهمانی، بمب‌های آتش‌زا و انفجاری پرتاب شده بود که همه چیز را آتش زده بود. می‌خواستیم به کلانتری زنگ بزنیم، تلفن کار نمی‌کرد؛ یعنی آنقدر خِش‌خِش می‌کرد که قابل استفاده نبود. به خانه همسایه روبه‌رو رفتیم که از آنجا تلفن بزنیم، آنها در خانه نبودند و کسی به زنگ در جواب نداد. در همین زمان، برادرم آقای دکتر اسماعیل یزدی - که از طریق حسن آقا از واقعه باخبر شده بود - از راه رسید. به داخل خانه برگشتیم. هیجان غریبی به من دست داده بود. سرما، باران و هیجان، طوری بود

## ۴۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

که احساس می‌کردم می‌لرزم. برادرم دکتر اسماعیل با آقای شهریار مشیری رفتند به کلانتری قلهک. به آنها گفته بودند باید بروید کلانتری ۲ در پاسداران. آنها از آنجا به کلانتری پاسداران رفته بودند. از کلانتری پاسداران واقعه را با بی‌سیم به گشت سیار کلانتری خبر می‌دهند که گشت سیار بعد از چند دقیقه، حدود ساعت ۱۱ شب به خانه ما رسیدند. به دنبال آنها، افسر نگهبان کلانتری، به نام سروان تبریزی با دو مأمور از راه رسیدند. بعد از رفتن دکتر اسماعیل به کلانتری، به چند جای دیگر زنگ زدیم که خبر بدیم، اما موفق نشدم. به مهندس عزت‌الله سبحانی خبر دادم و از او خواستم به کمیته یا هر جا می‌داند خبر بدهد. چند دقیقه پس از رسیدن مأموران کلانتری، سه نفر از کمیته انقلاب تجریش آمدند، چند دقیقه‌ای ایستادند و اطراف را با بی‌تفاوتی بررسی کردند و رفتند. برخورد آنان با وضعیت آن‌چنان بود که گویی چیزی نشده است! و یا اگر هم شده است، خوب، چه بهتر!

هنگامی که دیگر آتش به کلی خاموش شد و وضعیت تحت کنترل درآمد، وارد خانه شدم و با خانه‌ای سوخته و ویرانه روبه‌رو شدم: پنجره‌های بیرونی، رو به حیاط کلاً شکسته و خرده شده بودند، پرده‌های حصیری به کلی سوخته بودند؛ درهای آهنی بر اثر حرارت آتش و دود، سیاه و خم شده بودند؛ پرده‌های داخل اتاق‌ها به کلی سوخته و تنها اثری از اسکلت چوبی سوخته و ذغال‌شده باقی مانده بود؛ قاب‌های قدیمی و عکس‌های روی دیوار و بخاری، کتاب‌های روی بخاری، سایر اشیاء همه سوخته بودند؛ شدت انفجار یا شدت حرارت آتش، سنگ‌های مرمر بالای بخاری را خرد کرده بود؛ بعضی از مبل‌ها نیز به‌طور ناقص سوخته بودند؛ دود همه جا را سیاه کرده بود؛ گچ‌کاری و روکاری سقف در اتاق پذیرایی و بخشی از ناهارخوری و همچنین در قسمتی از دیوارهای اتاق ریخته بود. حرارت داخل اتاق به قدری بالا بوده که اشیای پلاستیک داخل اتاق، نظیر سرپوش تقسیم‌های برق، سیم‌های برق و قسمت‌هایی از لوسترها همه ذوب شده بودند، و همین امر باعث اتصال برق و قطع فیوز در آن قسمت شده بود. علاوه بر قطع برق، سوختن سیم‌های تلفن نیز باعث اتصالی و خرابی تلفن شده بود. با قطع سیم تلفن آن قسمت، مشکل تلفن را حل کردیم. بر اثر موج انفجار، شیشه‌های سایر در و پنجره‌های اتاق پذیرایی و ناهارخوری

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۹۳

بدون استثنا شکسته بودند و ... شدت حرارت، رنگ تمام درها را سوزانده بود. دود در اتاق‌های پذیرایی و ناهارخوری به قدری زیاد بود که از طریق کانال‌های تهویه به سایر اتاق‌ها سرایت کرده و همه جا را سیاه کرده بود.

حسن آقا بایرامی و برادرش حدود یک‌ربع مانده به ساعت ده به خانه ما رسیده بودند و با مشاهده آتش، بلافاصله با استفاده از شیلنگ آب، به خاموش کردن آتش می‌پردازند. به دلیل قطع فیوز، برق آن قسمت قطع شده بود. با وجود این، آتش را خاموش می‌کنند. درحالی‌که حسن آقا مشغول خاموش کردن آتش بوداً ساکنان خانه شرقی (میرعشقی) از بالکن‌هایشان نظاره می‌کرده‌اند، بدون آنکه برای کمک قدمی بردارند یا برای کمک اظهار آمادگی کنند. یکی از همسایگان شمالی خانه ما که کارگر صنایع نظامی بود، نزد حسن آقا می‌آید و می‌گوید: حدود ساعت ۹:۳۰ که برای تلفن زدن از خانه‌اش بیرون آمده، هنگام برگشت به خانه خود، یک ماشین هیلمن آبی را دیده است که دو سرنشین جلوی خانه ما ایستاده و خانه ما را تحت نظر و مراقبت داشته‌اند و در همین زمان، ناگهان صدای انفجار را از درون خانه می‌شنود و سپس شعله‌های آتش را می‌بیند و بلافاصله زنگ خانه ما را می‌زند که کسی پاسخ نمی‌دهد. دو سرنشین آن خودرو هم نگاه‌های غضبناک و تهدیدآمیزی به او می‌کنند؛ به طوری که او به سوی خانه‌اش می‌رود و آنها هم صحنه را ترک می‌کنند. متأسفانه به دلیل تاریکی شب و ترس و هیجانی که آن همسایه داشته، شماره ماشین برداشته نمی‌شود. شاید هم شماره‌ای نداشته است.

در جریان خاموش کردن آتش، بسیاری از لوازم منزل در راهروها و اتاق پذیرایی و ناهارخوری خیس می‌شوند و صدمه اساسی می‌بینند.

مأموران کلاتتری از میان بقایای سوختگی‌ها، آثار بمب آتش‌زا، کوکتل مولوتوف را پیدا و جمع‌آوری کردند.

دوستان که به تدریج خبردار شده بودند، برای کسب خبر آمدند. اول مهندس علی‌اکبر معین‌فر رسید؛ مدتی بعد، دکتر علی صادقی و برادر خانمش، همایون، بعد مهندس عزت‌الله سجابی و زری خانم جمع شدند. مأموران کلاتتری کار خود را حدود ساعت ۱۲ تمام کردند و رفتند. ساعت یک و نیم بعد از نیمه شب دیگر همه رفتند.

## ۴۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

دوستان صلاح ندانستند که من در خانه بمانم. من هم با آقای علی طلیعه رفتم منزلشان. حسن آقا، بنده خدا، آن شب تنها در خانه ما ماند.

صبح روز بعد، یکشنبه ۲۰ آبان ماه، اول صبح برادرم دکتر اسماعیل آمد. بعد افراد دیگری که خبردار شده بودند، آمدند. به همراه دکتر اسماعیل به کلاتری ۲ و به دیدار سرگرد قربانی، رئیس کلاتری رفتیم. او خیلی احترام گذاشت و محبت کرد. مردی رشید بود، از هر جهت مناسب کلاتر بودن: متین، مؤدب. وارد و مسلط به کار.

جریان را می دانست. برگه‌هایی داد که به عنوان شاکی پر کردم؛ سپس از او خواستم یک مأمور کارشناس برای ارزیابی دقیق بفرستد. یکی از افسران کلاتری به نام سروان دادگر را احضار کرد و به او دستورات لازم را داد. همراه با این جناب سروان به خانه برگشتیم. چون پیش از رفتن به کلاتری به آقای صدر حاج سیدجواد زنگ زده بودم و درخواست کرده بودم که به خانه ما بیایند، وقتی از کلاتری برگشتیم، برخی از دوستان نهضت آزادی، مانند مهندس بازرگان، دکتر سید احمد صدر، مهندس توسلی و مهندس صباغیان به خانه ما آمده و جمع شده بودند. آقای صدر، متن نامه‌ای را به عنوان سرپرست دادسرای شهرستان تهران تهیه کرد که امضا کردم و همان روز فرستادم. رونوشت آن را برای امام خمینی، آیت‌الله منتظری، رئیس جمهوری (آقای خامنه‌ای)، نخست‌وزیر (آقای مهندس میرحسین موسوی)، رئیس دیوان عالی کشور، وزیر کشور و دادستان کل کشور فرستادم. رفته‌رفته دوستان جوان‌تر هم جمع شدند و هر یک با یک جا تماس می‌گرفتند. با دفتر حاج احمد آقا خمینی، خبرگزاری پارس، روزنامه‌های کیهان و اطلاعات تماس گرفتند و خبر دادند و موضوع را پیگیری کردند. نهضت آزادی هم اطلاعیه‌ای منتشر کرد. حوالی ساعت ۶ بعد از ظهر، خبرنگاران کیهان و خبرگزاری جمهوری اسلامی آمدند و ضمن عکسبرداری، مطالبی تهیه کردند. روز دوشنبه، «روزنامه کیهان»، خبر را به‌طور مختصر در صفحه ۲ منتشر کرد، و بدین ترتیب خبر عمومی شد. در همان روز یکشنبه نیز خبرگزاری‌های خارجی تماس گرفتند و کسب خبر کردند.

روز دوشنبه آقای اشراقی، مسئول دفتر دیوان عالی کشور، که از طریق خبر «روزنامه کیهان» مطلع شده بود، تلفنی جویای جریان واقعه شد. ضمن شرح مراتب

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۹۵

رویداد، وقتی از جریان نامه به رئیس دادسرای شهرستان تهران باخبر شد، قول پیگیری آن را داد؛ سپس تلفنی خبر داد که دادستان نامه مرا دریافت کرده و پیگیری می‌کند. آقای اشراقی گفت: خودش نیز شخصاً پیگیری خواهد کرد. همان روز دادستان تهران، آقای میرعمادی، تماس گرفت و قول داد که پیگیری می‌کند و ضمناً نسبت به حفظ امنیت به شهربانی دستور داده است. از روز بعد (سه‌شنبه بعد از ظهر)، یک مأمور شهربانی به حفاظت در برابر ساختمان می‌پرداخت.

متأسفانه، با همه وعده‌های داده شده، هیچ اقدامی برای شناسایی عاملان این جنایت، صورت نگرفت، اما اطلاعاتی که از منابع غیررسمی من رسید، حاکی از آن بود که این اقدام به دنبال و در رابطه با سخنرانی من در دفتر نهضت آزادی در روز ۱۳ آبان و نقد بیانیه‌های الجزایر و توافق‌های صورت گرفته با آمریکا بوده است [پیوست ۳].

### ۲- نامه به دادسرای تهران

«ریاست محترم دادسرای شهرستان تهران

احتراماً اشعار می‌دارد شب گذشته (شنبه ۱۹ آبان‌ماه ۱۳۶۳) حدود ساعت ۳۰:۲۱ دقیقه چند نفر (احتمالاً بیش از دو نفر) به منزل این‌جانب حمله کرده از دیوار بالا رفته و وارد منزل شده و درحالی‌که از ساکنین کسی در منزل نبوده است با انداختن کوکتل مولوتف و بمب‌های انفجاری و آتش‌زا، اتاق پذیرایی و ناهارخوری ساختمان را به آتش می‌کشند و مبلمان، پرده‌ها، لوسترها، تابلوهای دیواری، فرش، موکت و سایر اثاث البیت را می‌سوزانند. شدت انفجار به‌حدی بوده است که دیوارها و سقف به‌طور سطحی ریخته می‌شوند و در قسمت‌هایی از ساختمان ایجاد شکاف نموده است.

در حدود ساعت ۲۲ شب، یکی از آشنایانی که شب‌ها در منزل اطراق می‌نماید، از راه می‌رسد، با مشاهده آتش دست به‌کار شده و با کمک افراد دیگر آتش را خاموش می‌نماید.

به‌موجب اظهار نظر یکی از همسایگان در حدود ساعت ۳۰:۲۱ دقیقه شب یک هیلمن آبی رنگ با دو سرنشین در نزدیک منزل مسکونی این‌جانب توقف داشته و مراقب منزل بوده‌اند. در همان زمان صدای انفجار از داخل منزل را شنیده و زبانه

## ۴۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

شعله‌های آتش را دیده است. سرنشینان هیلمن بعد از شنیدن صدای انفجار و دیدن شعله‌های آتش صحنه را به سرعت ترک می‌کنند. مراتب به کلانتری ۲ اطلاع داده می‌شود و افسر نگهبان با چند مأمور در محل حاضر شده به بررسی حادثه می‌پردازند. به موجب اظهار نظری که آنان از روی آثار باقی‌مانده نموده‌اند حداقل دو بمب کوکتل مولوتف و احتمالاً بمب (یا بمب‌های) انفجاری دیگری نیز به کار گرفته شده است. مراتب از طریق کلانتری ۲ مورد پیگیری می‌باشد. ضمناً مأمورینی از کمیته انقلاب تجریش نیز در محل انفجار بمب و آتش‌سوزی حاضر شده و مراتب را مشاهده نموده‌اند.

نظر به اینکه وقوع حادثه مذکور، نشانی از انجام توطئه و سوء قصد نسبت به مال و جان این جانب و خانواده می‌باشد، تقاضا دارد موضوع را مورد پیگرد جدی و سریع قرار داده و مباشرین عمل و عاملین توطئه را شناسایی کرده و تحت پیگرد قانونی قرار داده شوند.

ضمناً اقدامات لازم برای جلوگیری از تکرار این نوع عملیات توطئه‌آمیز معمول فرمایید. در انتظار اقدام عاجل جناب‌عالی می‌باشم. والسلام. با تشکر.

دکتر ابراهیم یزدی - ۱۳۶۳/۸/۲۰

### ۳- نامه به دادستان کل کشور

جناب آقای صانعی، دادستان کل کشور

محترماً رونوشت نامه‌ای را که برای ریاست محترم دادسرای شهرستان تهران فرستادم، جهت اطلاع و دستورات لازم ارسال می‌دارد. با تشکر. والسلام.

ابراهیم یزدی

رونوشت جهت اطلاع به:

- حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

- حضرت آیت الله العظمی آقای منتظری

- جناب آقای خامنه‌ای، ریاست محترم جمهوری اسلامی

- جناب آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس

- جناب آقای موسوی اردبیلی، ریاست محترم دیوان عالی کشور



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۹۷

- جناب آقای مهندس موسوی، نخست وزیر

- جناب آقای ناطق نوری وزیر کشور

### ۴- نامه به رئیس مجلس شورای اسلامی

«بسمه تعالی

جناب آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی  
احتراما اشعار می‌دارد شب گذشته (شب ۱۹ / ۸ / ۱۳۶۳) حدود ساعت ۹:۳۰ شب که کسی در منزل این‌جانب نبوده است تعدادی - احتمالا بیش از دو نفر - از دیوار منزل وارد شده و با انداختن کوکتل مولوتف‌ها و بمب انفجاری، شیشه‌های سالن پذیرایی را به کلی شکسته و با پرتاب بمب منفجره دیگری به داخل سالن آنجا را به آتش کشیده، فرش، مبلمان و کلیه اثاث البیت موجود در اتاق را دچار حریق نموده و آتش زده‌اند و به قرار اعلام یکی از همسایگان، حدود ساعت ۹:۳۰ شب یک ماشین سواری از مدل هیلمن با دو سرنشین را که نزدیک منزل ایستاده و مراقب آنجا بودند، مشاهده نموده است و در همین زمان، صدای انفجار را از داخل خانه شنیده و شعله‌های آتش را دیده است، ولی با دیدن آن دو نفر که مراقب او بوده‌اند به داخل منزل خود برگشته است. مراتب به کلانتری محل اعلام گردید که بلافاصله، خبر شده و جریان را مورد بررسی و تحقیق قرار داده‌اند. نظر به اینکه وقوع حادثه مذکور نشانی از انجام توطئه و سوء قصدی نسبت به جان و مال این‌جانب و خانواده من می‌باشد، تقاضا دارد موضوع را مورد پیگرد جدی و سریع قرار داده و مباشرین عمل و عاملین توطئه را شناسایی کرده و اقدامات لازم را در جلوگیری از تکرار این نوع عملیات معمول فرمایند. در انتظار اقدام عاجل جناب‌عالی می‌باشم. خوشبختانه بعد از گذشت حدود نیم ساعت یا کمتر یکی از آشنایان که شب‌ها در منزل این‌جانب اُتراق می‌نماید، وارد منزل می‌شود و با ملاحظه آتش که زبانه می‌کشد است، با کمک سایرین اقدام به اطفاء حریق می‌نماید. رونوشت برای اطلاع و صدور دستور لازم، خدمت حجت الاسلام جناب آقای صانعی ارسال می‌گردد.

دکترابراهیم یزدی - نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی».

## ۴۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

۵- اطلاعیه نهضت آزادی ایران پیرامون بمب گذاری منزل آقای دکتر ابراهیم یزدی در ۱۳۶۳/۸/۱۶ نهضت آزادی ایران نیز طی بیانیه‌ای مراتب را به شرح زیر اطلاع عموم رسانید.

حدود ساعت ۳۰:۲۱ شنبه ۱۳۶۳/۸/۱۹ واحد مسکونی آقای دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت و نماینده مردم تهران در دوره اول مجلس شورای اسلامی و از سران نهضت آزادی ایران واقع در منطقه اختیاریه مورد حمله افراد ناشناس قرار می‌گیرد. فرد یا افرادی داخل محوطه خانه شده و با استفاده از غیبت سکنه خانه، پنجره اتاق پذیرایی را شکسته و با پرتاب و انفجار کوکتیل مولوتف در داخل سالن، خانه را به آتش کشیدند. در نتیجه این آتش‌سوزی فرش و مبلمان و اثاث البیت دچار حریق شده و خسارات معتناهی به واحد مسکونی وارد شد. خوشبختانه در حدود ساعت ۲۲ یکی از سکنه خانه از راه رسیده و با کمک دیگران آتش را فرو نشانده‌اند.

به قرار اظهار یکی از همسایگان، حدود ساعت ۳۰:۹ شب ماشین سواری آبی رنگی از مدل هیلمن در جلوی واحد مسکونی آقای دکتر یزدی متوقف بوده و دو نفر از سرنشینان آن نزدیک منزل ایستاده و مراقب بوده‌اند. در همین اوان، صدای انفجار و شعله‌های آتش از داخل خانه شنیده و دیده می‌شود که در اثر آن، همسایگان از منازل خود بیرون می‌ریزند. این دو نفر پس از شنیدن صدای انفجار و دیدن شعله، محل حادثه را ترک می‌کنند.

کارشناسان کلانتری ۲ در ساعت ۱۱ شب در محل حاضر شده و حادثه را بررسی نموده‌اند و اظهار داشتند که به موجب آثار به دست آمده از بقایای بمب کوکتیل مولوتف، اولاً بیش از یک کوکتیل مولوتف به‌کار رفته است و ثانیاً شدت موج انفجار و تخریب نشان می‌دهد که احتمالاً علاوه بر کوکتیل مولوتف بمب یا بمب‌های دیگری هم به‌کار رفته است.

علاوه بر مسئولان کلانتری ۲ از طرف کمیته انقلاب تجریش نیز افرادی در محل حاضر و مراتب را مشاهده نموده‌اند. در این حادثه خوشبختانه به سکنه منزل که در زمان حمله سوء قصد در منزل نبوده‌اند، صدمه وارد نشده است.

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۴۹۹

مراتب به مقامات انتظامی و دادسرای شهرستان تهران اطلاع داده شد تا اقدام عاجل برای شناسایی عوامل سوء قصد تحت پیگرد قانونی قرار دادن آنها بنماید.

نهیضت آزادی ایران - ۱۳۶۳/۸/۲۰

متن این بیانیه در سایت این سازمان، در اسناد سال ۱۳۶۳ آمده است.

### ث - تعرض‌های فیزیکی در محوطه مجلس

همزمان با تشدید درگیری‌های خیابانی، فشار بر نمایندگان اقلیت<sup>۱</sup> در مجلس بالا گرفت. علاوه بر حملات برخی از نمایندگان هتاک به نمایندگان اقلیت، بخصوص اعضای نهضت آزادی ایران، مزاحمت‌های عناصر وابسته به نهادهای نظامی و امنیتی در مجلس شدت پیدا کرد. برخی از پاسداران نمایندگان اکثریت و افرادی وابسته به سپاه در محوطه مجلس، و در محوطه پارکینگ مجلس جمع می‌شدند و هنگامی که نمایندگان اقلیت، بخصوص نمایندگان عضو نهضت آزادی، از جمله دکتر سحابی و مهندس بازرگان وارد می‌شدند علیه آنها شعار می‌دادند و توهین می‌کردند که گاهی با مزاحمت‌های فیزیکی همراه بود؛ به‌ویژه هنگام خروج از مجلس. سردسته این افراد، شخصی بود به نام جمالی‌فر، معروف به ابوحنیف. درباره این مزاحمت‌ها و جو رعب و وحشت در مجلس، چندین بار بطور خصوصی با آقای هاشمی صحبت کردیم، اما نتیجه‌ای نداشت. در یک نوبت که ابوحنیف تعرضات فیزیکی داشت، طی نامه‌ای به شرح زیر مراتب را به هاشمی نوشتم و درخواست رسیدگی و جلوگیری از تعرضات او را کردم:

### نامه به رئیس مجلس برای پیشگیری از تعرض به نمایندگان

نامه به رئیس مجلس درباره مزاحمت عناصر آشوبگر در محوطه ساختمان مجلس

تاریخ: ۱۳۶۰/۳/۷

---

۱. منظور از اقلیت در اینجا، نمایندگانی بودند که منتقد برخی سیاست‌های حاکم و نیز منتقد سیاست‌های حزب جمهوری اسلامی بودند؛ چون این سران حزب، بیشتر مناصب کلیدی حاکمیت را در دست داشتند. نمایندگان اقلیت در آن دوره، از اعضا و رهبران جبهه ملی یا نهضت آزادی و شمار بسیار اندکی نیز اعضا یا طرفداران سازمان مجاهدین خلق یا حزب توده و دیگر گروه‌ها بودند (ویراستار).

## ۵۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

امروز، پنجشنبه ۷ خرداد ۶۰ بعد از ختم جلسه علنی مجلس، موقعی که عازم خروج از محوطه مجلس بودم، شخصی به نام جمالی فرد، معروف به ابوحنیف، در داخل محوطه مجلس، در محل پارکینگ ماشین‌ها ضمن پخش اوراقی شروع به هتاک و تهمت و اهانت به این‌جانب را نمود. متأسفانه برخی از محافظین و اشخاص دیگر در محوطه نیز از وی حمایت کردند. این چندمین باری است که این شخص همراه با عده‌ای از ارادل و اوباش در جلوی مجلس و یا در محوطه داخل مجلس به این قبیل اعمال خلاف مبادرت ورزیده است و یا اوراق چاپی با محتوای سر تا پا دروغ و تهمت و افترا منتشر ساخته است؛ حتی یک بار هم این‌جانب را تهدید به قتل نموده است. این‌جانب یک بار این مطلب را شفهاً به جناب‌عالی تذکر دادم و خواستار آن شدم که جلوی این حرکات گرفته شود. این شخص سابقه ناراحتی و شرارت دارد. پرونده سوابق وی در دادسرای تهران موجود است و یک بار هم از طرف دادسرای تهران قرار بازداشت وی صادر شده است. با وجود این سوابق، او را بازداشت نمی‌نمایند. آیا ارتباط نام‌برده با برخی از نمایندگان مجلس مانع از اجرای وظیفه دادگستری شده است؟ معلوم نیست چه دست‌هایی در کار است که سعی دارد هر روز حادثه به وجود بیاورند.

ریاست محترم مجلس، تکرار این قبیل حوادث مسلماً عواقبی دربر خواهند داشت و موجب بروز عکس‌العمل‌هایی خواهد شد که در شرایط حساس کنونی مملکت به مصلحت نمی‌باشد. این‌جانب ضمن اینکه یک بار دیگر ضرورت امنیت نمایندگان را متذکر می‌شوم، اعلام می‌کنم که نه از مرگ ترس و واهمه‌ای دارم و نه از تهدید و هوچی‌گری هراسی دارم. حفظ امنیت نمایندگان در محوطه مجلس بر عهده هیئت رئیسه مجلس است و برای پیشگیری از هر نوع حادثه‌ای، رسیدگی به اعمال این شخص و گروه وی و ارجاع آن را به مقامات صالحه قضایی درخواست می‌نمایم.

با تشکر. ابراهیم یزدی، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی - ۱۳۶۰/۳/۷

رونوشت: دادستان کل کشور

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۰۱

بسمه تعالی

جناب آقای هاشمی

بعد از سلام، چون نمی‌خواهم در این شرایط حساس، جنجال جدیدی برپا شود از ارسال این نامه به جراید خودداری می‌نمایم و انتظار دارم که در اسرع وقت به این مسئله رسیدگی نموده و این‌جانب را از نتیجه مطلع سازید. در غیر این صورت این‌جانب [ناچارم] برای حفظ امنیت خود و جلوگیری از حوادث نامطلوب، مردم را در جریان امر قرار بدهم.

با تشکر - ابراهیم یزدی، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی - ۱۳۶۰/۳/۷

متأسفانه هیچ اقدامی از جانب رئیس مجلس صورت نگرفت و اشرار به مزاحمت‌های خود ادامه می‌دادند.

### شکایت به دادستان کل از مزاحمان در مجلس

جناب آقای موسوی اردبیلی

دادستان محترم کل کشور

شخصی به نام اصغر جمالی فرد، معروف به ابوحنیف از همکاران آقای شیخ محمد منتظری، مرتباً اوراقی را چاپ و در نقاط مختلف شهر، از جمله در دادگاه انقلاب و همچنین در محوطه مجلس شورای اسلامی پخش می‌نماید که حاوی مطالبی سر تا پا کذب، تهمت و افترا می‌باشد. این شخص ظاهراً سوابق شرارت دارد که پرونده آن در دادگستری موجود است و یک بار هم قرار باز داشت وی صادر شده است. نام‌برده چندین بار در محوطه مجلس این‌جانب را تهدید نموده است که مراتب را به رئیس مجلس اطلاع داده‌ام و کپی آن را برای جناب‌عالی هم می‌فرستم. با ارسال نمونه‌هایی از اوراق چاپ‌شده این شخص، درخواست می‌نمایم دستور فرمایید رسیدگی نموده و نام‌برده را برابر مقررات قانونی مورد بازخواست و پیگرد قرار دهند. خصوصاً که امام تأکید کرد از امسال سال حکومت قانون باید باشد و جناب‌عالی هم مصر هستید که قانون اجرا شود و هتک حیثیت افراد و توهین و نسبت دروغ هم خلاف شرع و هم تخلف از قانون و موجب مجازات است.

با تشکر. دکتر یزدی - ۱۳۶۰/۳/۹

## ۵۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

### تذکر به رئیس مجلس درباره حضور مسلحانه برخی از نمایندگان

با ازدیاد فشارهای سیاسی بر نمایندگان اقلیت و درگیری فیزیکی که به هنگام سخنرانی مهندس بازرگان و سایرین پیش آمد، جو مجلس بسیار ملتهب شده بود. در چنین جوی درحالی که بر پایه «آیین نامه اداره مجلس»، نمایندگان حق حمل اسلحه در مجلس را ندارند، بعضی از نمایندگان، نظیر آقای هادی غفاری، به طور مسلح در جلسات مجلس حضور پیدا می کردند. با توجه به نامتعادل و هیجانی بودن برخی از نمایندگان، یکی دو بار به طور خصوصی، خطرات احتمالی این کار را به آقای هاشمی تذکر دادم. خوشبختانه این تذکرات مؤثر واقع شد و پس از چندی این افراد ظاهراً بدون اسلحه در جلسات مجلس حضور پیدا می کردند.

### ج- جوسازی و تخریب از سوی گروهی از روشنفکران

افزون بر نیروهای طرفدار حزب جمهوری اسلامی و تندروهای مذهبی، برخی از روشنفکران نیز بدون اطلاع از مناسبات درون حکومت و تنها بر پایه آرمانگرایی سطحی و چه بسا بر اثر وابستگی های جناحی و گروهی، از من و دولت موقت انتقاد می کردند. یک نمونه از آن، نامه ای است که نویسنده نامدار ادبیات ایران آقای دکتر رضا براهنی در دوران ریاست جمهوری دکتر بنی صدر خطاب به وی نوشته است. متن کامل این نامه در پیوست ۴ آمده است.

### چ- پوستر عکس های مراسم روز ملی سفارت ترکیه<sup>۱</sup>

در ۷ آبان ماه ۱۳۵۸ به مناسبت روز ملی ترکیه، مراسمی در باغ سفارت ترکیه در پل رومی برگزار شد. در این مراسم آقای مهندس بازرگان و وزیر خارجه و برخی از وزرای دیگر به لحاظ روابط سیاسی و دیپلماتیک و به حکم وظیفه، دعوت سفیر ترکیه را پذیرفته و در این مجلس شرکت کرده بودند. حسن همجواری دو کشور ایران و ترکیه و تأمین آرامش مرزهای دو کشور از جهات عدیده مورد توجه و نظر دولت جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی انقلاب بوده است. با توجه به این مسئله بود که ما برای امضای دفتر یادبود روز ملی ترکیه در محل سفارت آن کشور حضور پیدا کردیم.

۱. اصل گزارش شرکت در مراسم روز ملی ترکیه را در «دفتر سوم جلد پنجم: روابط دیپلماتیک» آورده ام.

### برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۰۳

سفیر ترکیه و همسرشان در جلوی در ورودی به مهمانان خوش آمد می‌گفتند. به هنگام ورود مهندس بازرگان، سفیر و همسرش به استقبال آمدند و با ایشان دست دادند. در این مراسم وابسته‌های نظامی سفارت ترکیه در ایران نیز حضور داشتند و به مهمانان خوش آمد می‌گفتند. خبرنگاران ایرانی و غیر ایرانی نیز بودند و عکس می‌گرفتند.

دو سال بعد، پس از افتتاح مجلس، افرادی وابسته به مراکز نامعلوم به دفتر عکاسی که از این مراسم عکس گرفته بود، یورش برده و عکس‌های مراسم ترکیه را از آرشیو عکاس، به یغما می‌برند؛ سپس این عکس‌ها را در پوستری با پنج عکس رنگی و کاغذ شفاف بسیار اعلا و گران‌قیمت به تعداد زیاد چاپ و در سراسر کشور و از جمله در محوطه مجلس شورای اسلامی توزیع می‌کنند.

در بالای این پوستر، آیه شریفه «یوم تبلی السرائر»<sup>۱</sup> و در پایین آن آیه کریمه «و أعدوا لهم ما استطعتم من قوة» نوشته بودند. همچنین در زیر عکس‌ها امضای **ندای اسلام** به‌عنوان ناشر، به چشم می‌خورد. چاپ‌کنندگان و توزیع‌کنندگان این پوستر، عکس‌ها را مربوط به یک میهمانی در سفارت آمریکا معرفی کرده بودند. در زیر هر یک از عکس‌ها مطالب دروغ و سرشار از تهمت و افترا نوشته شده بود.

در زیر عکسی که همسر سفیر ترکیه به آقای مهندس بازرگان و دکتر یزدی خیرمقدم می‌گوید نوشته شده بود: «تدریس گام به گام توسط استاد مؤنث شیطان بزرگ همیشه هم خالی از لطف نیست».

در زیرنویس عکسی که مدیرکل تشریفات وزارت امور خارجه ایران، وابسته‌های نظامی سفارت ترکیه در ایران را به آقای مهندس بازرگان و دکتر یزدی معرفی می‌نماید چنین نوشته بود: «آیا بیعت با دژخیمان شیطان بزرگ، مقدمه ایجاد کمپ دیوید به دست نهضت آزادی نبود؟».

در زیر عکسی از آقای بازرگان و آقای مقدم مراغه‌ای، که به‌عنوان رئیس انجمن فرهنگی ایران و ترکیه و عضو مجلس خبرگان، در این مراسم دعوت شده بود و

---

۱. روزی که رازهای نهانی آشکار می‌شود (سوره طارق، آیه ۹).

## ۵۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

حضور داشت، نوشته شده بود: «توطئه علیه مجلس خبرگان و قانون اساسی جمهوری اسلامی از مهمانی‌های سفارت آمریکا سرچشمه می‌گرفت».

نمی‌دانم چه دستی در کار بود که دو سال بعد از این مراسم و در زمانی که ما به‌عنوان نمایندگان مردم در مجلس حضور داشتیم، این عکس‌ها به این ترتیب منتشر شد؟ چه کسانی بودند که هم دسترسی به منابع مالی فراوان داشتند تا هم این عکس‌ها را در این تیراژ چاپ کنند و هم امکانات سازمانی فراوانی که آنها را در سطح گسترده ای پخش کرده بودند! متولیان مجلس هم از به نمایش گذاشتن و توزیع این پوسترها جلوگیری نکردند.

در همان روزها آقای مهندس هاشم صباغیان به زحمت توانست وقتی برای سخنرانی قبل از دستور بگیرد و درباره این پوسترها توضیح بدهد. با وجود توضیحات ایشان، پوسترها همچنان تا مدتی بر دیوارهای مجلس باقی ماند.

کسانی که دست به چنین کارهای کثیف غیر اسلامی زده بودند و آنها که در مجلس اجازه چنین کارهای خلاف و دروغی را می‌دادند، در روز تبلی السرائر - اگر به چنین روزی اعتقاد دارند - جواب خدا را چه خواهند داد؟

### ح - حاشیه‌سازی در حاشیه سفر حج در شهریور - مهر ۱۳۶۱

در سال ۱۳۵۵ همسرم، که با درگذشت پدر و دریافت سهم خود از ارث پدر، به جهت مالی مستطیع شده بود، تصمیم به انجام فریضه حج واجب خود گرفت. ابتدا قرار بود با هم برویم. یکی از آرزوهای همسرم و من این بود که همراه همدیگر به سفر زیارتی حج و عتبات برویم. متأسفانه طی سالیانی که در بیروت بودیم و من سفرهای متعدد به نجف و کربلا و شام می‌رفتم، این آرزو برآورده نشد. گفتنی است من برای سفر به حج به اتفاق همسرم، با مشکل امنیتی روبه‌رو بودم. دوستان مشترک سیاسی در ایران و خارج از کشور با سفر من به حج به‌طور جدی مخالفت کردند. علت آن بود که دولت‌های ایران، عربستان و پاکستان با هم قرارداد استرداد مجرمین و یا متهمین را امضا کرده بودند. به قرار اطلاع دوستان از ایران، دادگاه نظامی به‌طور غیابی در حال بررسی پرونده فعالیت‌های سیاسی من علیه شاه و رژیم استبداد سلطنتی بود و این



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۰۵

احتمال داده می‌شد که در صورت رفتن به سفر حج، توسط دولت عربستان بازداشت و به ایران تحویل داده شوم. این نگرانی تا حدی واقعی و جدی بود؛ زیرا در همان زمان یکی از روحانیان یزدی به نام آقای ناصری که از نجف برای حج به عربستان رفته بود، هنگام مراسم حج توسط نیروهای امنیتی عربستان بازداشت شده بود. البته بازداشت او به‌خاطر آن نبود که در ایران سابقه و پرونده داشته باشد، بلکه به‌خاطر پخش اعلامیه‌های آقای خمینی در مراسم حج دستگیر شده بود. در واقع علت بازداشت او مسائل امنیتی خود سعودی‌ها بود. بنابراین، او را به ایران تحویل ندادند و با کمی فعالیت و فشار پشت پرده، آزاد شد و به نجف برگشت، اما وضعیت من وضعیت کاملاً متفاوت و جدی بود. به این ترتیب، همسرم ناچار شد به تنهایی به سفر حج برود و من از فیض همراهی با همسرم در سفر حج محروم ماندم.

پس از پیروزی انقلاب، دنبال فرصتی بودم که این فریضه واجب را انجام دهم. در سال ۱۳۶۱ جمعی از نمایندگان برای سفر حج ثبت نام کردند. من هم به آنها ملحق شدم. درحالی‌که گذرنامه ویژه حج کلیه نمایندگان ثبت‌نام‌کرده صادر و به آنها تحویل داده شده بود، از صدور گذرنامه من خبری نبود. توسط برخی از نمایندگان مجلس - که عضو فراکسیون حزب جمهوری اسلامی در مجلس بودند - خبردار شدم که در جلسه خصوصی این فراکسیون به ریاست آقای هاشمی رفسنجانی، برخی از نمایندگان تندرو و ساده‌اندیش مجلس به این بهانه که ممکن است من هم بروم و پناهنده شوم، با صدور گذرنامه و مجوز سفرم به حج به شدت مخالفت کرده بودند و علت تأخیر صدور گذرنامه من به جهت همین ملاحظات بوده است. اما آقای هاشمی به آنها جواب داده بود که اگر بروم و نیاید، چه بهتر؛ این که نگرانی ندارد، مگر سایرین که رفته‌اند، چه کار تندی توانسته‌اند علیه جمهوری اسلامی انجام بدهند! او هم بروم، برای ما فرقی نمی‌کند، بلکه بهتر هم می‌شود. به عبارتی، «از شرش خلاص می‌شویم». ظاهراً همین استدلال باعث شد در صدور گذرنامه من تأخیر شود و تنها یک یا دو روز قبل از پرواز بود که گذرنامه حج من صادر و تحویل داده شد. به همین علت، من نتوانستم، با کاروانی که مورد نظرم بود، به حج بروم.

## ۵۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

به این ترتیب با دریافت گذرنامه سفر به حج، و خداحافظی و طلب حلالیت از پدر و مادر و بستگان و یاران به راه افتادم و موفق به انجام مناسک حج شدم.

### شایعه پناهندگی من به کشورهای بیگانه

مراسم حج پایان یافته بود و حجاج به ترتیب بر اساس برنامه‌ای به ایران برمی‌گشتند. ما در روز بیست و ششم سفر خود به سر می‌بردیم و هنوز چند روز به نوبت بازگشت کاروان ما مانده بود که در روز یکشنبه ۱۳۶۱/۷/۱۱، در کاروان صحبت شد که رادیوهای خارجی، مانند بی بی سی و سایرین گفته‌اند: دکتر ابراهیم یزدی به سفارتخانه‌های خارجی رفته و پناهنده شده و رادیوی ایران هم، چه از روی خطا یا سهوی یا از روی عمد، خبر را چند بار تکرار کرده است. با شنیدن این اخبار، تصمیم گرفتم برگشتم به ایران را جلو بیندازم.

مراسم حج تمام شده بود. برگشت من به ایران برای اواخر مهرماه تعیین شده بود؛ از این رو، به دفتر ایران ایر مراجعه کردم. مسئولان آنجا با محبت و صمیمیت درخواست مرا پذیرفتند و برای روز پنجشنبه پانزدهم مهرماه برای برگشتن من تعیین وقت کردند.

با پسر خلیل که در این سفر مرا همراهی کرده بود و آقای دکتر طلوعه برادر همسرم و سایر دوستان و با همسفران کاروان، خداحافظی کردم. از حاج آقا فخر، روحانی کاروان، به خاطر محبت‌هایش تشکر و از سایر همسفران درخواست عفو و بخشش کردم. روز پنجشنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۶۱ ساعت ۲ بعد از ظهر با پرواز ۱۱۷۰ به تهران برگشتم.

در هواپیما ما را به طبقه دوم راهنمایی کردند که به نمایندگان مجلس اختصاص داده شده بود. در آنجا جز نمایندگان مجلس و محافظان آنان، آقای شیخ احمد جنتی، عضو شورای نگهبان و محافظان ایشان هم بودند. نمایندگان و پاسداران هر کدام لوازمی را خریده و همراه خود داشتند. بعضی هم سیگار آمریکایی «وینستون» و «پال‌مال» دود می‌کردند. خانم مهماندار به کنایه گفت: شما که شعار مرگ بر آمریکا سر می‌دهید، چرا کالاهای آمریکایی مصرف می‌کنید؟ بعضی از پاسدارها به ایشان جواب

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۰۷

دادند و این سبب شد که بحث بالا بگیرد. یکی از پاسدارها گفت: آمریکا بد است اما کالاهایشان خوب و مرغوب است!

فردای روزی که من به ایران رسیدم، روز جمعه شانزدهم مهرماه بود و مطابق معمول، نماز جمعه در سراسر کشور برپا می‌شد. سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه آن روز تهران، آقای شیخ مهدی کروی بود. کروی، بی آنکه از بازگشت من باخبر شده باشد، در سخنان خود به فرار من و پناهنده شدنم به کشورهای خارجی داد سخن سر داد.

روز یکشنبه ۱۸ مهرماه به علت دید و بازدیدهای بعد از برگشت از سفر حج، به مجلس نرفتم. ظاهراً مجلسیان از برگشتن من باخبر نشده بودند؛ بنابراین، بعضی از نمایندگان در سخنرانی‌های پیش از دستور خود، مطالبی نادرست و غرض‌آلود علیه من ایراد کرده بودند.

روز سه‌شنبه بیستم مهرماه هنگامی که اول وقت، مثل همیشه، در جلسه عمومی مجلس حاضر شدم، بسیاری غافلگیر و بهت‌زده و برخی هم که سخنان بی‌ربط گفته بودند، شرمگین شدند. اما رادیوهای خارجی، همچنان در اخبار و تحلیل خود، مسئله فرار من، پناهندگی‌ام را مطرح می‌کردند.

نه رادیو و تلویزیون ایران و نه رئیس مجلس، هیچ‌یک حاضر نشدند، سخنی در تکذیب اخبار دروغ بگویند. صدا و سیما، حتی حاضر نشد در پخش فیلم جلسه مجلس، تصویر مرا نشان دهد. رفتارشان چنان بود که گویی از برگشتن من ناراضی هستند و ترجیح می‌دادند واقعاً پناهنده می‌شدم و برنمی‌گشتم تا به قول خودشان از شر من خلاص شوند.

من ضمن اعتراض به رادیوهای بیگانه در مورد پخش خبر فراری شدنم، از روابط عمومی مجلس خواستم که این خبر را تکذیب کند، آنها هم اعتنایی نکردند؛ سپس نامه‌ای به شرح زیر به آقای هاشمی رفسنجانی نوشتم:

نامه به رئیس مجلس در اعتراض به پخش شایعه پناهندگی - ۱۳۶۱/۸/۳

بسمه تعالی

جناب آقای هاشمی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

## ۵۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

بعد از سلام. حدود سه هفته است که رادیوهای خارجی ضد انقلاب، مرتب شایع می‌سازند که این‌جانب از ایران متواری شده و هر روز به نحوی آن را دامن می‌زنند. به‌طوری که از تهران و شهرستان‌ها، مرتب دوستان و علاقه‌مندان با تلفن، به منظور اطلاع از صحت و سقم خبر تماس می‌گیرند؛ حتی به منازل بستگان تلفن می‌زنند. مستدعی است هر طور که مصلحت می‌دانید به مطبوعات و رادیو و تلویزیون تذکر بدهید که خبر را تکذیب کنند.

با تشکر. والسلام. دکتر ابراهیم یزدی

آقای هاشمی رفسنجانی هم بی‌آنکه از جایگاه ریاست مجلس، ترتیب اثری بدهد، تنها به نوشتن عبارتی زیر نامه من بسنده کرد و نوشت:

«خود شما چند کلمه‌ای به مطبوعات بنویسید و تکذیب کنید. هاشمی».

یادداشت‌های این سفر، در «جلد چهارم مجموعه آثارم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۷۰» آمده است.

### خ - ماجرای نامه‌ای از عربستان در دفتر اسدالله لاجوردی<sup>۱</sup>

از سفر حج خویش بهره‌های معنوی فراوان بردم، اما عناصر مرموزی علیه من توطئه‌هایی کرده بودند که خودم مدت‌ها از عمق و گستردگی آن بی‌اطلاع بودم.

در ۱۴ شهریورماه ۱۳۶۳ آقای شیخ محمد یزدی که آن زمان نایب‌رئیس مجلس بود، یادداشت زیر را همراه نامه‌ای باز شده برای من فرستاد.

جمهوری اسلامی ایران - مجلس شورای اسلامی - دفتر هیئت رئیسه  
بسمه تعالی

جناب آقای دکتر یزدی دام توفیقه

محترماً این نامه مدتی در قفسه مربوط به این‌جانب اشتبهاً گذارده بودند. به روابط عمومی دادم که به شما برسانند، متأسفانه پس از چند روز مجدداً در بین نامه‌های خودم دیدم. تأخیر به ما ارتباط نداشته، خواهید بخشید.

محمد یزدی ۱۳۶۳/۶/۱۴

---

۱. سید اسدالله لاجوردی (۱۳۱۴-۱۳۷۷) رئیس پیشین زندان اوین و دادستان انقلاب تهران در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی (ویراستار).

برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۰۹

این نامه به نام من و به آدرس مجلس شورای اسلامی فرستاده شده بود، اما نامه را به من نداده بودند. متن نامه به شرح زیر است:

P.O. Box 3138  
Jeddah  
10th Aug '84  
Dear Ibrahim,

I believe that as long as I do not interfere within the politics of the Country I live in I am save, but things may not always work that way. I gave you an account in a Jibouti Bank, so after this month, I will write officially to my friend or to be exact- relative to close it. So far I did not even ask since I did not go there, the arrangement was that when I get the OK from you to go there and since I did not get a telegram or letter of OK I did not bother to go there. If there was some deposit good luck to her.

I believe I will again immigrate to a 3rd country some time in the coming months and I am going to call it a day with you (your country) I mean there will be no more contacts or writings so good luck to you and your country.

Do not forget for roughly 2 1/5 years not three I tried every conceivable method with you but of no gain. The time is not yet ripe for like minded people so let the religious scholars manage their own governments as far as I am concerned.

I know 20 cents of a Dollar increase of taxes in cigarettes would have been a great help for none Iranians to promote their energies and work and help in bringing about changes and pressure in other muslim countries to adopt Islam as a system of rule so let K do this.

I got broke (no money) long, long time ago, and I needed money desperately and my life was in deeper yet some body seems to be afraid perhaps of cheating, or you are powerless, I mean no influence. If it is influence it is not bad but otherwise the Islamic principles are being ignored by the responsible people (Religious scholars).

Here in Saudi Arabia they did not tell me to leave the country; I am leaving at my own wish. I am tired and I have to accept my limitations financially.

Back home there is a very slow movement towards it I believe.

As far as your neighbor is concerned I keep on waiting and waiting perhaps your security knows more of me which could be of interest.

People are save in silence.

Yours Sincerely,  
Mohammad Mohammad

P.S. Egypt is slow but it will in the end Turkey improving.

اسکن اصل نامه و یادداشت شیخ محمد یزدی ذیلاً آمده است:

P.O. Box 3138  
Jeddah  
10th Aug. 84

Dear Ibrahim,

I believe that as long as I do not interfere with the politics of the Country I live in I am safe, but things may not always work that way. I gave you an account in a Jeddah Bank, so after this month, I will write officially to my friend - or to be exact relative to close it. So far I did not even ask since I did not go there, the arrangement was that when I get the OK from you to go there and since I did not get a telegram or letter of OK I did not bother to go there. If there was some deposit good luck to her.

I believe I will again migrate to a 3rd Country some time in the coming months and I am going to call it a day with you (your Country) I mean there will be no more contacts or writings so good luck to you and your Country.

Do not forget for roughly 2 1/2 years with not three I tried every conceivable method with you but of no gain. The time is not yet ripe for like minded people so let the religious scholars manage their own governments as far as I am concerned.

I know 20 cents of a Dollar increase of taxes in Cigarettes would have been a great help for some Iranians to promote their

برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۱۱

Changes and pressure on other muslim countries  
to adopt Islam as a system of rule so  
let K do this <sup>if no money</sup>.

1981 broke long, long time ago, and  
I needed money desperately and my life  
was in danger yet some body seems like  
afraid perhaps of cheating, or you see powerless,  
I mean no influence. If it is influence it is  
not had but otherwise the Islamic principles are  
being ignored by the responsible people - Religion system  
Here in Saudi Arabia they did not tell  
me to leave the country, I am leaving at my  
own wish. I am tired and I have to accept  
my limitations financially  
Back home there is a very slow movement  
towards it I believe.

As far as your neighbor is concerned  
I keep on waiting and waiting Perhaps  
your security knows more of me which could be of  
interest.

people are same in science.

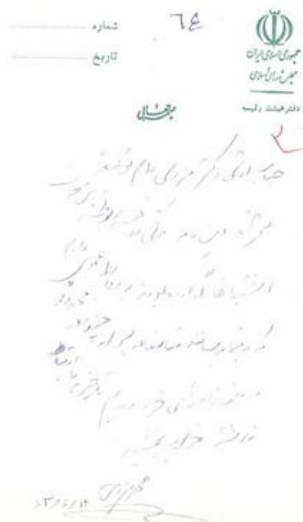
Yours Sincerely  
Muhammad Alhamed.

P.S. Egypt is slow but it will in the end  
Turkey improving.

من نه نویسنده نامه را می‌شناختم و نه تا پیش از آن تاریخ و نه پس از آن، با او مکاتبات داشتم.

آقای هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود (هاشمی رفسنجانی، پس از بحران: کارنامه و خاطرات ۱۳۶۱، به اهتمام فاطمه هاشمی، دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۸۰) دو مطلب را آورده‌اند که ظاهراً در ارتباط با این نامه است:

۵۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری



- ۱- «پنجشنبه، ۱۵ مهر: جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. آقای اسدالله بیات از مذاکرات مرموز دکتر ابراهیم یزدی در سفر حج می‌گفت. عده‌ای از نمایندگان در صدد اعلام جرم علیه نهضت آزادی بودند. جو تندی حاکم است».
- ۲- «سه‌شنبه، ۹ آذر: از دفتر آقای اسدالله لاجوردی، نامه‌ای آوردند که از عربستان سعودی به دکتر ابراهیم یزدی نوشته بودند و مطالب مشکوک و مبهمی داشت».



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۱۳

تاریخ این نامه ۱۹ مرداد ۱۳۶۳ است و تاریخ یادداشت شیخ محمد یزدی هم شهریور ۱۳۶۳ است، اما هاشمی این مطلب را در خاطرات سال ۱۳۶۱ آورده است که این خود جای شگفتی و درنگ دارد!!

نامه‌ای که به نام من و به آدرس مجلس نوشته شده، چگونه به دست آقای لاجوردی رسیده است؟ اصلاً آیا می‌شود تصور کرد نامه‌ای که با آدرس مجلس نوشته شده باشد به دادستانی انقلاب برود؟ آیا می‌شود در شرکت پست، چنین اشتباه آشکاری رخ داده باشد؟ وانگهی حالا نامه‌ای از جایی رسیده و آدرس و نام گیرنده هم پشت آن نوشته شده؛ چرا باید نامه را باز کنند و بخوانند و بعد آن را به مقصد برسانند. به طوری که ملاحظه می‌شود آقایان به خود اجازه داده بودند ما را زیر نظر داشته باشند و نامه‌ای را که به نام من به آدرس مجلس آمده بود، باز کنند و بخوانند و بدون هیچ‌گونه پرسشی، درباره ما داوری کنند و تصمیم بگیرند. هنوز نمی‌دانم چگونه و چرا این نامه توسط هیئت‌رئیس مجلس یا لاجوردی باز شده و پس از مدتی برای من فرستاده شده است!

آقای اسدالله بیات از کدام مذاکرات، که به نظرش مشکوک بوده، با هاشمی صحبت کرده است؟ در ۱۶ مرداد ۱۳۹۴ زمانی که به تنظیم این یادداشت‌ها مشغول بودم با خواندن مطلب هاشمی، یادداشتی برای آقای بیات فرستادم و در باره این موضوع از ایشان توضیح خواستم:

«بسمه تعالی»

آیت‌الله جناب آقای اسدالله بیات

با سلام و با آرزوی توفیق جلب رضایت حق و خدمت به خلق  
اخیراً به مناسبتی کتاب خاطرات آقای هاشمی را مرور می‌کردم. در این کتاب با شناسه «پس از بحران: کارنامه و خاطرات ۱۳۶۱»، به اهتمام فاطمه هاشمی، دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۸۰» در صفحه ۲۶۹ به نقل از شما آمده است:

«پنجشنبه، ۱۵ مهر: جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. آقای اسدالله بیات، از مذاکرات مرموز دکتر ابراهیم یزدی در سفر حج می‌گفت. عده‌ای از نمایندگان در صدد اعلام جرم علیه نهضت آزادی بودند. جو تند می‌حاکم است.»

## ۵۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

آقای هاشمی توضیح بیشتری در مورد سخنان شما نداده‌اند و نمی‌دانم شما به ایشان چه گفته‌اید و بر چه اساسی گفته‌اید؛ اما می‌دانم و یقین دارم که همه ما دیر یا زود در پیشگاه الهی باید پاسخگوی اعمال و کردار خود باشیم. بنابراین بفرمایید داستان چه بوده است؟ آیا شما در سفر حج مأمور تعقیب و مراقبت من بوده‌اید؟ در سفر حج، من با چه کسانی مذاکره کرده‌ام که شما آنها را مذاکرات مرموز گزارش کرده‌اید؟

به خاطر احترامی که برای شما قائل هستم، ترجیح می‌دهم در همین دنیا با هم تسویه حساب کنیم. اگر در آن روز تحت تأثیر جو به شدت مسموم حاکم نخواستید یا نتوانستید، بر اساس آموزه‌های قرآنی، مستقیماً مسئله مورد نظر خود را با من مطرح کنید و توضیح بخواهید، اکنون ۳۳ سال از آن زمان گذشته است. شما هم از زمانه بسیاری چیزها را آموخته‌اید. می‌دانم آن زمینه‌های فکری را دیگر ندارید. بزرگی اشخاص به این نیست که اشتباه نمی‌کنند، بلکه به این است که وقتی فهمیدند اشتباه می‌کنند، فوراً می‌پذیرند و جبران می‌کنند.

توفیق شما را از ایزد منان مسئلت دارم و در انتظار پاسخ شما خواهم بود.

یا حق. دکتر ابراهیم یزدی - ۱۰ مردادماه ۱۳۹۴

تهران - خیابان ولیعصر - کوچه توریج - پلاک شماره ۲۸ - کد پستی ۱۹۶۶۶ - تلفن

۲۲۰۴۲۵۵۸

پاسخ آقای بیات

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر گرامی جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، دامت توفیقاته

ضمن عرض سلام و تبریک به مناسبت ایام سالروز میلاد حضرت امام علی بن موسی‌الرضا، مرقومه حضرت‌عالی به دست این‌جانب رسید و مطالب مندرج در آن با دقت مورد مطالعه قرار گرفت. با این وصف این‌جانب به دلیل گذشت زمان بیش از سی ساله، مطلب مذکور را به یاد نیاوردم، لیکن مراجعه به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی نیز کمکی نکرده و چنین موضوعاتی در آن مجموعه نیز موجود نبود. با این وجود اگر مستندات دیگری در دسترس حضرت‌عالی است که می‌تواند مؤید

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۱۵

چنین بیانی از سوی این جانب باشد، لطفاً ارسال گردد تا مورد مطالعه قرار گرفته و تصمیمی مناسب با شرع و اخلاق در قبال آن گرفته شود.

بدیهی است که در صورت اطمینان نسبت به اینکه حق و یا آبرویی به موجب رفتار و گفتار این جانب از شما یا هر شخص دیگری ضایع و یا هتک شده باشد، با کمال میل آن را خواهم پذیرفت و رفتار مناسب شرعی و اخلاقی را در قبال آن موضوع از خود ابراز خواهم کرد.

توفیق روزافزون حضرت عالی را از خداوند منان خواهانم

اسدالله بیات زنجانی - هفتم شهریورماه ۱۳۹۴

### تصویر پاسخ آیت الله بیات زنجانی به نامه دکتر یزدی

The document is a formal response on a light-colored background with a subtle floral pattern. At the top right is the official seal of the Islamic Consultative Assembly (Majlis) and the title 'دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی'. Below this is the Basmala 'بسم الله الرحمن الرحيم'. The text is written in a clear, formal font. It begins with a greeting to 'برادر گرامی جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی' and mentions the occasion of the Prophet's birthday. The main body of the text discusses the author's stance on the letter received, emphasizing the importance of maintaining honor and dignity in accordance with Islamic and ethical principles. It concludes with a statement of appreciation for the recipient's attention. At the bottom, there is a date stamp 'هفتم شهریورماه ۱۳۹۴' and a signature area. Contact information for the office is provided at the very bottom of the page.

تاریخ: ۷ - شهریور ۱۳۹۴  
شماره: الف/۸۵۸/۹۴-۶  
پیوست: ...

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر گرامی جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی دامت توفیقاته

ضمن عرض سلام و تبریک به مناسبت ایام سالروز میلاد حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع)

مرفومه حضرتعالی بدست اینجانب رسید و مطالب مندرج در آن با دقت مورد مطالعه قرار گرفت، با این وصف اینجانب به دلیل گذشت زمان بیش از سی ساله مطلب مذکور را به یاد نیآوردم، لیکن مراجعه به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی نیز کمکی نکرده و چنین موضوعاتی در آن مجموعه نیز موجود نبود. با این وجود اگر مستندات دیگری در دسترس حضرتعالی است که می تواند مؤید چنین بیانی از سوی اینجانب باشد لطفاً ارسال گردد تا مورد مطالعه قرار گرفته و تصمیمی متناسب با شرع و اخلاق در قبال آن گرفته شود.

بدیهی است که در صورت اطمینان نسبت به اینکه حق و یا آبرویی به موجب رفتار و گفتار اینجانب از شما یا هر شخص دیگری ضایع و یا هتک شده باشد، با کمال میل آن را خواهم پذیرفت و رفتار متناسب شرعی و اخلاقی را در قبال آن موضوع از خود ابراز خواهم کرد.

توفیق روزافزون حضرتعالی را از خداوند منان خواهانم.

اسدالله بیات زنجانی  
قم المقدسه  
هفتم شهریورماه ۱۳۹۴

مجلس شورای اسلامی  
دفتر مطبوعاتی

م - خیابان شهید - کوچه ۳۷ - کوچه شهید افشاری - پلاک ۹  
تلفکس: ۳۷۷۶۷۱۶ - ۴۵ + سلمانیه پیامک: ۴۶۸۱ - ۳۰  
www.bayatanzjani.info info@bayatanzjani.net

## ۵۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

پاسخ به نامه آیت‌الله بیات

به نام خدا

۱۸ شهریور ۱۳۹۴

حضور محترم آیت‌الله جناب آقای اسدالله بیات

از دریافت نامه مورخه ۷ شهریور حضرت‌عالی بسیار خوشنود شدم. همان‌طور که در یادداشت قبلی متذکر شدم، مطلب آقای هاشمی [رفسنجانی] در خاطراتشان آمده است و قطعاً در مذاکرات مجلس نیامده است؛ چرا که اگر بود در همان زمان به ایشان پاسخ می‌دادم. برخورد من با این موضوع از آنجا شروع شد که در یکی از شماره‌های مجله‌ای به نام «رمز عبور» از نشریات وابسته به روزنامه ایران، در زمان آقای احمدی نژاد، شخص ناشناسی مقاله‌ای علیه من نوشته و مدعی شده بود که از آمریکا برای من نامه می‌آمده است و به من گفته می‌شده است که باید چه‌کار کنم. در این مقاله آمده است که لاجوردی این نامه‌ها را می‌برد پیش هاشمی و با او مطرح می‌کند. حساس شدم که داستان چیست و موضوع از چه قرار بوده است؟ به دنبال بررسی این مسئله، در بایگانی اسناد خودم مربوط به مجلس اول، که در خدمتتان بودیم، به یادداشتی از آقای شیخ محمد یزدی برخورددم که توضیح می‌دهد که نامه‌ای را که به نام من از مکه به ایران پست شده بوده است، اشتبهاً به ایشان داده‌اند و با وجود نام من در روی پاکت، به من داده نشده بود، ولی آن را باز کرده و خوانده بودند. نه نویسنده نامه را می‌شناختم و نه در نامه، مطلب خاصی وجود داشت.

آقای هاشمی در خاطرات خود مدعی می‌شود که از خارج برای من نامه‌های مشکوک می‌آمده است! در خلال این بررسی بود که خواندم ایشان از قول شما آورده است که در مکه دیدارهای مشکوک داشته‌ام. متأسفانه آقای هاشمی به خود زحمت نداده بودند که این مسئله را با من مطرح کنند. یک‌سویه تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند. در همان سال، ناگهان حجم حملات و ناسزاها به دوستان ما، بخصوص به من، هم در مجلس و هم در خارج از مجلس، به‌طور بی‌سابقه‌ای شدت می‌گیرد؛ در اطراف منزل مسکونی‌ام شب‌ها تیراندازی می‌شود؛ در شیراز به مسجدی که برای سخنرانی دعوت شده بودم، حمله می‌کنند و مرا مضروب می‌سازند؛ در تهران به منزل مسکونی‌ام بمب پرتاب می‌شود که موجب انفجار و تخریب و آتش‌سوزی می‌شود؛ اگر

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۱۷

چه به هنگام پرتاب بمب و آتش سوزی، در منزل نبودیم، اما امنیت خانوادگی‌ام را از بین بردند. به دادستانی شکایت کردم، به هاشمی نامه نوشتم، اما هیچ مقامی این حادثه وحشتناک را پیگیری نکرد. در شرایط کنونی به هیچ وجه نمی‌خواهم این مسائل رسانه‌ای شود؛ به مصلحت کشورمان نمی‌دانم، اما مایلم بدانم آقای هاشمی چگونه می‌خواهد جواب خدا را بدهد.

اگر شما بفرمایید که سخنی را که آقای هاشمی از قول شما نقل کرده است، نادرست است و شما چنین سخنی را نگفته‌اید برای من کافی است.

از مزاحمتی را که موجب شده‌ام پوزش می‌طلبم. یا حق

دکتر ابراهیم یزدی

تهران - خیابان ولی عصر - کوچه تورج - پلاک ۲۸ - کد پستی ۱۹۶۶۶ - تلفن

۲۵۵۸ - ۲۲۰۴

## د - نشریه رمز عبور؛ تهمت روابط پنهانی با آمریکا

طرح پرونده‌سازی عناصر مشکوک علیه من، تنها به این نامه منحصر نبود. در سال ۱۳۸۹، یعنی ۲۶ سال پس از آن نامه، روزنامه «ایران»، متعلق به «موسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران» مجله‌ای هفتگی با عنوان «رمز عبور» منتشر کرد. در شماره دوم این هفته‌نامه - که در خرداد ۱۳۸۹ چاپ و منتشر شده - نوشتاری با عنوان «گفتگویی درباره پیگیری امنیتی از روابط مشکوک ابراهیم یزدی - از آمریکا به او می‌گفتند چه کند!» منتشر شد. نام هیچ‌یک گفتگوکننده و گفتگو شونده در این مطلب نیامده است. سردبیر مجله، در مقدمه این گفتگو، مدعی شده است که این گفتگو را با «یکی از اعضای دادستانی انقلاب اسلامی مرکز» انجام داده است که «بنا به ملاحظات معمول خواستار عدم ذکر نام خویش گشته است». نویسنده مدعی می‌شود نامه‌های مشکوکی از آمریکا برای من فرستاده می‌شده است.

مطالب این مقاله سراپا کذب محض است. او مدعی است نامه‌های متعددی برای من می‌آمده است. می‌گوید آن نامه‌ها را یک دخترخانمی می‌نوشته و می‌فرستاده است. او روشن نکرده از کجا فهمیده بود که نویسنده نامه یک دختر خانم است! در ساختگی



### شکایت به دادستان

در تاریخ پنجم خرداد ۱۳۹۰ طی نامه‌ای به شرح زیر، خطاب به آقای عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان وقت تهران از مجله و نویسنده مطلب شکایت کردم، اما متأسفانه هیچ اقدامی صورت نگرفت.

همان‌طور که در نامه به دادستان نوشته‌ام این مقاله در خرداد ۱۳۸۹ نوشته و چاپ شده است. از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸ من چندین بار بازداشت شدم. در هر یک از این موارد بازداشت ساعت‌ها بازجویی شده‌ام. در سال ۱۳۸۱ بیش از پنجاه جلسه بازجویی شدم. این عضو دادستانی دادگاه انقلاب که جرئت ذکر نام خود را ندارد، کجا بوده است که اسناد را به دادگاه تحویل نداده بود و هرگز در مورد این نامه‌ها بازجویی نشدم. وقاحت هم حدی دارد. اینها از کدام اسلام سخن می‌گویند که به آنها اجازه می‌دهد به هر کس تهمت بزنند و پرونده‌سازی کنند؟

### ذ- اتهامات سردار جواد منصوری<sup>۱</sup>

در همان شماره دوم مجله «رمز عبور» آقای جواد منصوری، اولین فرمانده سپاه پاسداران و از صاحب‌منصبان حکومتی در صفحه ۴۰ مطلبی را نوشته‌اند که نشان می‌دهد ایشان با مراکز غیبی خاصی در ارتباط بوده‌اند و صاحب کشف و شهودند و افراد را ندیده و نشناخته، قضاوت کرده‌اند که اینها عوامل سیای آمریکا هستند.

در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۵ طی نامه‌ای به دادستان وقت تهران، آقای جعفری دولت‌آبادی از آقای جواد منصوری به شرح زیر شکایت کردم. متأسفانه در مورد این شکایت هم اقدامی صورت نگرفت. در هیچ‌یک از بازداشت‌های متعدد و بازجویی‌های طولانی که در دوران جمهوری اسلامی شده‌ام، اسناد مورد ادعای آقای منصوری نه ارائه شد نه پرسشی از آنها ارائه شد. این ادعاهای بی‌اساس و دروغ‌پردازی‌ها را کسی کرده است که از سن بیست سالگی وارد مبارزه علیه استبداد سلطنتی شده است و طعم تلخ ظلم و ستم را چشیده است، اما گویی هیچ چیزی نیاموخته است.

در سال ۱۳۹۳ آقای منصوری بار دیگر ادعاهای کذب خود را مطرح کرد.

---

۱. اولین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دارای مناصب گوناگون سیاسی و فرهنگی.

## ۵۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

این بار هم علیه او و روزنامه و سایتی که ادعاهای موهن او را منتشر کرده بود، توسط وکیل حقوقی اعلام جرم شد که نتیجه داد.

### ر - برخورد های دوستان و توده های ناآگاه

نامه ای از یک شهروند به مهندس بازرگان  
جناب آقای مهندس مهدی بازرگان، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی ایران  
۱۳۵۹/۳/۱۲

احتراماً در پاسخ جناب عالی به آقای شیخ صادق خلخالی در «روزنامه کیهان»، پنجشنبه اول خرداد ۱۳۵۹ لازم دانستم به عنوان یک ایرانی نکات زیر را به عرض جناب عالی برسانم.

اکثریت ملت ایران چه در شروع انقلاب و چه بعد از پیروزی انقلاب، حضرت عالی را از امام خمینی جدا ندانسته و چه بسا شما را به عنوان یک فرد روشنفکر تکنولوژیست در قالب یک مسلمان خداگونه در قلب خود جاداده بودند و خود حقیر نیز به جناب عالی رأی داده ام که متأسفانه پس از پیروزی انقلاب، سیاست لیبرال سرمایه داری مآبانه شما، توده مردم را ناامید ساخت و به این سیاست هم اکتفا نکرده، به انتقاد از تعقیب سرمایه داران خونخوار و ساواکی ها و جنایتکارانی چون هویداها، نصیری ها - که توسط همین شخص انقلابی (خلخالی) [اعدام شدند، پرداختید]. دیگر برای توده ملت بیچاره ستم کشیده شبهه ای باقی نمی ماند مبنی بر اینکه این گونه تبهکاران و دست اندرکاران قاچاق مملکت هم یا وابسته به جناب عالی اند و یا مورد حمایت لیبرال سرمایه دارها. پس لازم است ماهیت انقلابیون را به سه قسمت تقسیم کرده و ذیلاً فقط من باب یادآوری عرض نمایم:

الف - گروه مبارز روحانیت که فقط انقلاب را برای برانداختن طاغوت و ظلم جهت نیل به روزه و نماز، نه برای رفاه و تکنولوژی و ابدای بشریت.  
ب - گروه روشنفکر به اصطلاح لیبرال سرمایه دار طرفدار تکنولوژی در قالب اسلام، ولی ریاست طلب و فقط می خواستند شاه خودکامه برود و آنها حکومت را در دست بگیرند؛ چون گروه حضرت عالی و آقای رئیس جمهور و دارودسته اش که حتی جواب



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۲۱

نامه‌هایی که افرادی که در انقلاب به ورشکستگی رسیده و زندگی‌شان متلاشی شده را نمی‌دهند.

ج - گروه سوم، همان توده مردم رنج‌کشیده که قبرستان‌ها با عزیزان آنها انباشته شده و بیمارستان‌ها پر شده و در قبال سرمایه‌داری طاغوت چه آنهایی که در سیستم کذایی رژیم با کسب آزاد به سرمایه‌های بادآورده دست پیدا کرده بودند، پس از انقلاب حاضر بودند سه چهارم ثروت‌های خود را برای جامعه داده مورد تعقیب قرار نگیرند. متأسفانه به علت بی‌تفاوتی روحانیون و حمایت گروه حضرت‌عالی و با امکانات مجدد دوباره ثروت‌ها را روی هم انباشته چه در خارج چه در داخل با قراردادن تلویزیون‌های مداربسته (ویدئو)های رنگی و به‌کار انداختن فیلم‌های سکسی در پارک‌های اختصاصی و منازل و ویلاهای خود به ریش‌بنده و توده مردم و شهدا و یا آن پاسدار و سرباز و درجه‌دار که در مرزها جان خودش را از دست می‌دهد، می‌خندد؛ باشد خداوند لایزال انتقام این توده مردم را از مستکبرین و سیاست‌بازان شیطانی بگیرد. والسلام.

## ز- اعلام آمادگی برای شرکت در انتخابات مجلس دوم و برخورد حذفی خشونت‌بار

...<sup>۱</sup> محترم و مردم قهرمان ایران برسانیم. همان‌طوری که استحضار دارید بعد از سخنان رهبر انقلاب و آیت‌الله العظمی منتظری و ریاست جمهوری در رابطه با انتخابات دوره آینده مجلس شورای اسلامی، نهضت آزادی تصمیم گرفت در تاریخ جمعه ششم آبان «سمینار تأمین آزادی انتخابات» در داخل نهضت برگزار نماید. طبق روش متداول خود این تصمیم را طی نامه شماره ... مورخ ۶۲/۷/۳۰ به اطلاع وزارت کشور رسانید، ولی وزارت کشور از طریق کمیته مرکزی طی تلفنگرام ۲۹۲ مورخ ۶۲/۸/۴ و کلانتری طی تلفنگرام شماره ۵/۲۱ مورخ ۸/۴ یعنی در ساعت پنج بعدازظهر چهارشنبه روز بعد از شنبه و یک روز مانده به برنامه به دفتر نهضت ابلاغ نمودند که سمینار را نمی‌توانند برگزار نمایند. کمیته مرکزی در تلفنگرام از ما خواسته بود که در جلوگیری از هر گونه تجمع و برگزاری مراسم با نیروهای انتظامی همکاری نماییم. تصمیم گرفته شد سمینار

۱. در منبع اصلی، آغاز نامه به همین صورت آمده است (ویراستار).

## ۵۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

برگزار نشود و قرار گذاشتیم آقایان دکتر یزدی و مهندس توسلی و این‌جانب در محل حاضر شده و عدم برگزاری سمینار را به دعوت شدگان اطلاع دهیم. علاوه بر آن پلاکاری مشعر بر عدم برگزاری سمینار در جلو ساختمان نصب شد، ولی با کمال تأسف در حوالی ساعت چهار بعد از ظهر حدود سیصد نفر مسلح با برنامه تنظیم‌شده قبلی - که در شکل گرفتن آن، برنامه‌های هفته گذشته اعم از صدا و سیما و مقاله مورخ ۵ آبان ۶۲ دور از ادب اسلامی «روزنامه جمهوری اسلامی» و پیش‌خطبه نماز جمعه که با کمال تعجب و تأسف ما را به قصد راهپیمایی متهم نموده بود، سهم بسزایی داشتند - به ساختمان نهضت هجوم آوردند و علی‌رغم سه بار استمداد از کمیته مرکزی درحالی‌که مامورین کمیته مرکزی و دادستانی مرکز و شهربانی حضور داشتند، پس از شکستن نرده و در، به عنف وارد ساختمان و طبقات و اتاق‌ها شدند (مجید انصاری: مردم در ۱۴ اسفند چهره شما را در کنار بنی‌صدر یادشان نرفته است. شما چرا مردم را دعوت کردید؟) و با نثار فحش‌های رکیک و نسبت‌های ناروا آقایان دکتر یزدی، مهندس توسلی و این‌جانب را شدیداً مضروب و مصدوم ساختند و حدود بیست نفر بر سر این‌جانب ریختند و آن‌قدر مشت و لگد بر بدنم وارد ساختند که تعادل خود را از دست داده و روی زمین افتاده و چند لحظه‌ای از هوش رفتم. در این هنگام چند نفر من را به زیر میز فلزی منتقل نمودند. پس از مدتی آقای مهندس توسلی را که به شدت مصدوم شده بود، پهلوی من آوردند. در این موقع یکی از مهاجمین روی میز رفته و اظهار داشت که برادران کمیته و دادستانی در اتاق بمانند و بقیه برادران آن بیرون بروند. مسئولین کمیته و دادستانی به جای اینکه متجاوزین و ضاربین را دستگیر نموده و از تاراج و تخریب و بی‌احترامی به کتاب‌هایی که میان آنها قرآن و نهج‌البلاغه و تفسیر نیز وجود داشت، جلوگیری کنند سه نفر دیگری را که همراه خود در ساختمان آورده بودیم، بازداشت کردند. پس از آنکه آقایان یزدی و مهندس توسلی و این‌جانب را مدتی در یکی از اتاق‌ها نگاه داشتند، حدود ساعت ۳۰:۶ بعدازظهر بود که با ماشین‌های کمیته ما را به منزل رساندند و در موقع خروج از ساختمان، با حالت نزاری که داشتم اصرار کردم که تکلیف اسنادی که مورد تجاوز قرار گرفته را روشن کنید. یکی از اعضای کمیته و شخص دیگری که حکم از

### برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۲۳

دادستانی انقلاب مرکز ارائه داد، اظهار نمودند هیچ چیز خارج نشده و ما مسئول حفاظت آنها هستیم. اظهار داشتیم اقلماً بگذارید از طبقات بازدید کنیم با این امر موافقت کردند و درحالی که رئیس پلیس مرکز حضور داشت، چندین اتاق را بازدید کردم که تصادفاً دست زده بودند. نماینده دادستانی اظهار داشت ساختمان در اختیار ما می‌باشد و باید اسناد آن را خارج کنیم. اظهار شد در حضور ما صورت جلسه کنید و یا پلمب و مهر نموده فردا با فرصت کافی اسناد را برده و صورت جلسه نمایید. قبول نکردند و با اصرار ما را خارج کردند. روز بعد، از دادستانی تلفن کردند که می‌خواهند ساختمان را تحویل ما بدهند. پرسیدم چه چیز را می‌خواهید تحویل دهید؟ گفتند: فقط اسناد را برده‌ایم؛ بقیه چیزها موجود است. بلا فاصله دو نفر (آقایان دکتر یزدی و مهندس توسلی) به محل ساختمان رفته و ساختمان را با در و پیکر شکسته و اثاث خرد ...<sup>۱</sup>

---

۱. این گزارش در خاطرات دکتر یزدی، به همین صورت ناتمام ثبت شده است (ویراستار).

## پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل چهارم

پیوست ۱- در پی اظهارات حجت‌الاسلام محمد منتظری در جلسه گذشته مجلس شورای اسلامی، مهندس بازرگان، دکتر یزدی و صباغیان از خود دفاع کردند -

روزنامه اطلاعات، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰

مجلس شورای اسلامی، صبح پریروز با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل جلسه داد.

در این جلسه، دفاعیات آقایان مهندس بازرگان، دکتر یزدی و هاشم صباغیان در مقابل اظهارات آقای محمد منتظری که در جلسه قبل عنوان شده بود، موجب مهمه نمایندگان و تشنج شد، ولی رئیس مجلس توانست جلسه را کاملاً اداره کند.

نخستین سخنران پیش از دستور آقای غلامعباس زائری نماینده بندرعباس گفت: در اوج انقلاب، لحظاتی که نهضت در نهایت قدرت و توفندگی خویش بود و با هدایت و رهبری امام بزرگوارمان هر زمان بُعدی نو و جلوه‌ای تازه می‌یافت. عده‌ای معتقد بودند و قائل که بگذارید وضع موجود در حد آنچه در قانون اساسی است بماند و قانون اساسی اجرا شود. ایران هنوز استعداد و آمادگی پذیرش حکومت اسلامی و اجرای حدود خدا را ندارد. بگذارید با اجرای همین قانون اساسی، اسلام نسبی مطرح شود.

- امام فرمودند: نه؛ و همه ملت به دنبال امام مردانه فریاد زدند: نه، ما همه اسلام را می‌خواهیم؛ اسلام همه‌اش باید پیاده شود و بدین وسیله به جهانیان اعلام کرد هویتی غیر از اسلام نمی‌شناسد و آزادی و استقلال بدون اسلام را جز اسارت و وابستگی نمی‌داند.

اکنون نیز ملت مسلمان ایران بر همان میثاق است و ما نیز همان را قائلیم که در این کشور حاکمیت از آن اسلام است؛ لذا چهره کشور باید اسلامی شود و حدود و احکام خدا اجرا گردد و در راه اجرای حدود الهی و احکام خدا از هیچ عاملی نباید هراسید؛ زیرا که خداوند فرمود: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» (سوره حجر، آیه ۹). آنان که معتقدند وجود آنان و اندیشه و سیاست و درک و کشورداری آنان، تندی‌ها و نرمش آنان موجب تداوم انقلاب است و آنان با درایت خود از انقلاب پاسداری می‌کنند، باید در اندیشه و ایمان خود تجدیدنظر کنند؛ زیرا هرچه هست از آن خداست.

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۲۵

حرکت انقلاب و تحرک مردم، پیروزی و بهروزی و نجات خلق و امت و سرنگونی رژیم ریشه در زیر و زبر و فکر و هستی جامعه دوانیده و خشتی شدن این همه توطئه‌های حساب شده - که چون نقل و نبات بر سر مردم ایران می‌ریزد - و شکست مفتضحانه دشمن در خارج و داخل به قسمی که وادارش می‌سازد از تنگی قافیه پشت جبهه و شهرها را در جهت حفظ منافع امپریالیزم و جلوگیری از سقوط صدام به آشوب بکشد، و رسوایی آنان که در پوشش اسلام هماهنگ با ضد انقلابند، همه و همه عنایت خداست، نه درایت شماس و من معتقدم که بسیاری موارد در بیان مسائل و مطالب، اولین حقی که پایمال می‌شود حق خداوند متعال است. انقلاب ما امروز نیازمند اخلاص در عمل و اندیشه دست‌اندرکاران اداره کشور است و تا زمانی که در نیت و خلوص ما خللی پیدا نشود انقلاب محکوم به پیروزی است؛ لذا مدعیان خدمت به انقلاب در هر قشری باید در خلوص نیت و اخلاص در عمل برای خدا بکوشند. گفتارشان و کردارشان فقط برای خدا باشد و دل‌هایشان به هم پیوند بخورد و دست در دست یکدیگر بر علیه دشمن خدا برخیزند تا مصداق آیه «صفاً كأنهم بنیان مرصوص» گردند و شایسته خلافت و حکومت در نظامی الهی گردند که با الله اکبر پی‌افکنده شد و در تداومش نیازمند به الله اکبر است. الله اکبری که وجود امام و رهبر انقلاب را از دسایس و مکاید دشمن در امان داشت تا به دست توانای او و زبان گویایش امت مسلم را از شر طاغوت برهاند و به حکومت الهی خویش برساند.

امروز وجود امام در میان ما عینیت رحمت خداوند است. ما باید کلام و فرمانش را به جان بپذیریم و اطاعت کنیم حضرتش فرمود: «امسال سال حکومت قانون است»؛ پس باید همه برای استقرار و حاکمیت قانون بکوشیم. مگر می‌شود در جامعه از اجرای قانون و حدود خدا جلوگیری کرد؛ یا اجرای قانون را دون شأن کسی دانست. همه ما باید رضای خداوند را در اجرای قانون و حدود خدا بجوییم؛ اگرچه بر علیه ما باشد. آیا به خاطر نمی‌آورد رفتار حضرت مولی‌الموحدین علی علیه‌السلام را در جریان ابن‌ابی‌رافع هنگامی که گلوبندی ساده را به‌عنوان عاریه مضمونه در اختیار دخترش ام‌کلثوم می‌گذارد تا در عید اضحی به گردن آویزد، علی(ع) آن را بر گردن دختر می‌بیند، می‌شناسد، خشمگین فریاد برمی‌آورد، عبیدالله بن ابی رافع را به محاکمه

## ۵۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌کشد و سرانجام می‌فرماید اگر نبود اینکه دخترم این گردن‌بند را به‌عنوان عاریه مضمونه ستانده است «لکانت اول هاشمیة قطعت یدها فی سرقة»<sup>۱</sup>.

و هم آن بزرگوار بود که بر مسند ولایت به محکمه قضاوت حاضر می‌شد تا حق پایدار بماند. امروز بر ماست تا بر سر اجرای قانون و حدود خدا پای بفشاریم و بایستیم و اجازه تخطی از آن را به هیچ‌کس ندهیم و با وحدت و هماهنگی و رحمت و همگامی خود، مشت بر دهان ضد انقلاب تبهکار بکوبیم. من به مراجع محترم قضایی و دادگاه‌های انقلاب اعلام می‌کنم هیچ ستمی و ظلمی نسبت به انقلاب شدیدتر از نرمش در برابر ضد انقلاب و آشوبگران داخلی نیست. ملت مسلمان ایران، دیگر تاب تحمل آن را ندارد که ببیند شیطان بزرگ چون خود را در جبهه جنگ و سایر جبهه‌ها مغلوب می‌بیند و نقشه‌های خود را بر آب، گروهک‌های داخلی و گروه منافق را برای آشوب و برهم زدن آرامش کشور به حرکت درمی‌آورد.

آمریکا پس از تصرف لانه جاسوسی، و برملا شدن توطئه‌هایش و رسوایی مهره‌هایش در دولت موقت، توطئه حمله طبرس را تدارک می‌بیند. با لطف حق و نشستن داغ ننگ شکست طبرس بر جبین منحوسش، نقشه کودتای داخلی را به دو منظور می‌کشد: یا شکست انقلاب و یا بدبینی مردم از ارتش، که کید و حيله ضعيفش دامن آلوده‌اش را می‌گیرد و بر رسوایی و خفتش می‌افزاید: کودتایش نافرجام می‌ماند و پیوند ملت و ارتش محکم‌تر می‌شود.

سرانجام توطئه‌ای دیگر به کار می‌گیرد: حمله نظامی به وسیله مزدور پلیدش صدام [انجام می‌دهد]؛ که این دیگر نه تنها او را رسواتر می‌کند، بلکه رسوایی‌اش دامن همه استعمارگران ابرقدرت را می‌گیرد و چهره وابستگانش اعم از صدام<sup>۲</sup> و خالد<sup>۳</sup> و حسن<sup>۴</sup>

---

۱. اگر این گردن‌بند عاریه مضمونه نبود، ام‌کلثوم نخستین زن هاشمی بود که دستش به جرم سرقت بریده می‌شد.

۲. صدام حسین، رئیس‌جمهور عراق.

۳. ملک خالد بن عبدالعزیز بن عبدالرحمن، چهارمین پادشاه عربستان از خاندان آل سعود در سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۸۲.

۴. ملک حسن، پادشاه وقت مراکش.

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۲۷

و حسین<sup>۱</sup> را برملا می‌سازد و اینک که صدام در خطر سقوطی مهیب است، سقوطی که به همراهش امپریالیزم سقوط خواهد کرد، دست به توطئه‌ای دیگر می‌زند. حوادث چند روزه اخیر تهران و سایر شهرستان‌های ایران از جانب گروه مجاهدین خلق و سایر گروهک‌ها، گویای این توطئه حساب شده است که در آستانه شکست صدام و رسوایی آمریکا در کشور اتفاق می‌افتد تا از سقوط صدام جلوگیری کند و ملت و دولت ما را در یک فشار و تنگنا وادار سازد تا قرار صلح تحمیلی را که از جنگ تحمیلی ننگین‌تر است، بپذیریم؛ اما اینان نمی‌دانند که ملت مسلمان ایران راه خود را یافته و با پذیرفتن شرف شهادت، تن به ننگ ذلت نخواهد داد.

و اما دولت و مراجع قضایی، بدانید چنانچه در اعمال قدرت قانونی خود در برابر این عوامل ضد انقلاب تعلق روا دارید و باز هم گذشت نشان دهید، ملت مسلمان به وظیفه خود عمل خواهد کرد. توجه داشته باشید در شرایط حاکمیت قانون، شما حق دارید از حق خودتان بگذرید؛ ملت مسلمان ایران به شما اجازه نمی‌دهد از حق آنان گذشت کنید. و این حق شما نیست تا در برابر ضد انقلاب و محارب با خدا و رسول، آن قدر سستی و اهمال به خرج دهید که در هیچ قاموس و فرهنگی قابل دفاع و توجیه نباشد.

وای بر این ما که بر اثر نرمش و اهمال ما، کار ملت به جایی رسیده که دشمن حتی در عرض و شرف و هستی او طمع کرده و در روز روشن در مقابل دیدگانش بر علیه همه مقدساتش قیام می‌کند، خون عزیزانش را بر زمین می‌ریزد، اموالش را به آتش می‌کشد و جانش را تهدید می‌کند.

و اما در باب حوزه انتخابیه ام بندرعباس: مطلب اول: گروه ضد انقلاب مدتی است در آن منطقه موجبات ناآرامی را فراهم آورده است. در ساعت ۸ بعد از ظهر سه‌شنبه، یکی از افراد شهربانی را به ضرب کارد مجروح می‌نمایند که اکنون در بیمارستان بستری است. در ساعت ۰۵:۰۶ صبح دیروز در یک حمله مسلحانه، پاسدار جوانی را به نام شهید محمد ذاکری درحالی که چند قبضه اسلحه بسیج را حمل می‌کرد، در یک

---

۱. ملک حسین، پادشاه وقت اردن.

## ۵۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

چهارراه از اتومبیل به زیر کشیده و در وسط خیابان خوابانده، تیری در مغزش خالی می‌کنند. اتومبیل و اسلحه‌ها را با خود می‌برند.

اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک. بارخدایا لعنت و نفرین تو و فرشتگان تو و همه امیدواران به تو بر آنان باد که در آغاز و سپیده دم انقلاب با باز گذاردن دست ضد انقلاب، موجبات تجری عناصر ضد خدا و خلق را فراهم کردند و هم امروز با حرکت‌های خلاف، خط انقلاب را به انحراف می‌کشند و موجب تضعیف ارگان‌های قانونی و شرعی می‌شوند.

تقوا خود خط انقلاب و بندگان وفادار به تو و راه تو و ولی تو را تضعیف و موجب رشد کفر و نفاق می‌شوند.<sup>۱</sup>

و اما مطلب دوم: وزارت کشاورزی باید کشاورزی سستی این منطقه، مخصوصاً تولید خرما و توسعه نخلستان‌ها و کمک به دارندگان نخل و خرید و صدور خرماي آنان را وجهه همت قرار دهد. مستضعفین واقعی منطقه، کشاورزانی هستند که در نخلستان‌ها مشغول کارند و چنانچه وزارت کشاورزی به این امر توجه کند، هم خدمت به مستضعفین شده و هم به صادرات کشور کمک شده است و هم نخلستان‌های رو به نابودی احیا خواهند شد. در سایر جهات کشاورزی نیز نیاز به کمک وزارت کشاورزی است تا افراد نیازمند واقعی قادر به ادامه کار باشند.

مسئله قاچاق از اهم مسائلی است که دولت باید با قاطعیت با آن مبارزه کند. البته توسعه شیلات که مورد توجه دولت است، کمک مؤثری خواهد بود و ما در این جهت از دولت سپاسگزاریم.

در باب آب و برق استان هرمزگان امید است وزیر محترم نیرو، دستور پیگیری آنچه را حضوری به عرض ایشان رسید، صادر نمایند.

مطلب دیگر، لزوم تشکر و سپاس از همه برادران و خواهران استان هرمزگان [است] که اولاً با حضور خود در صحنه، راه ضد انقلاب را بسته‌اند و ثانیاً با پرداخت

---

۱. در اینجا جمله درهم ریخته است. در منبع اصلی (روزنامه اطلاعات) به همین صورت آمده که به جهت حفظ امانت و اصالت سند، عیناً و بدون هیچ تغییری نقل شد (ویراستار)..



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۲۹

کمک‌های نقدی و جنسی در کلیهٔ مراحل، نهایت ایمان و وفاداری خود را به این انقلاب اسلامی ثابت کرده‌اند.

در پایان با نهایت تشکر از هیئت محترم دولت که استان‌های محروم را در اولویت قرار داده‌اند، توجه برادران عزیز را به این نکته جلب می‌نماید که استان هرمزگان نیز از جهت محرومیت دست کمی از سایر استان‌ها ندارد و دارای مشکلات مشابه با آنهاست. امید است خدمت به مردم محروم این استان را در مراحل بعدی در اولویت قرار دهند.

### سفرهای صادق طباطبایی

دومین ناطق، آقای اسدالله بیات، نمایندهٔ ماه‌نشان با استفاده از دو دقیقه وقت آقای زائری، نخست یادداشت آقای محمد منتظری را به شرح زیر قرائت کرد:

«آقای صادق طباطبایی مرتباً با جت فانتوم به‌طور خصوصی بین ایران و آلمان در حرکت است و اخیراً در بیستم فروردین از ایران عازم سوریه و آلمان شده و دیروز مراجعت کرده و ما نمی‌دانیم چه کسی را در این زمینه بازخواست کنیم.»

ناطق سپس در ادامهٔ سخنان خود گفت: مطلب دوم این است که لازم می‌دانم از ملت مسلمان و متعهد و پیرو خط امام تشکر کنم. جریانی که نظیر تمام جریان‌های دیگر در تمام شهرستان‌های دیگر اتفاق افتاده، این گروهک‌های منافقین و وابسته به آمریکا تصمیم گرفته بودند بازگشت و کشتار راه بیندازند. من دیشب و دیروز با سپاه زنجان و با مقامات مسئول در تماس بودم. می‌گفتند حدود دویست - سیصد نفر جمع شده بودند و شعارهای ضد اسلامی، ضد خط امام می‌دادند و در محیط آشوب ایجاد می‌کردند.

ملت قهرمان حدود سی و چند هزار نفر به‌طور منظم در خیابان‌ها نشسته بودند و می‌گفتند با اینکه ما با کمال آرامش کوچک‌ترین حرکتی نمی‌کردیم، ولی آنها با ساطور و چماق [حمله می‌کردند]؛ آنها که دم از چماقداری می‌زنند سردمدار چماقداری خود آنها هستند و اگر ما بخواهیم چهرهٔ هیتلر را نشان بدهیم باید سردمداران این گروهک‌ها را نشان بدهیم. اینها حتی روی صدام را هم کم‌کم دارند سفید می‌کنند؛ زیرا

## ۵۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

نقشه‌های شوم صدام را اینها دارند پیاده می‌کنند؛ بنابراین، ملت عزیز و مسلمان شهر خودمان تذکر می‌دهند و با اینکه مردم ما آرامش خود را حفظ کرده بودند، باز هم این گروهک‌ها با چاقو، شکم یکی از برادران پاسدار را پاره کرده بودند. در عین حال اینها دست از این کارها برنمی‌دارند و من امیدوارم در سایه رهبری رهبر کبیر انقلاب دست ضد انقلاب‌ها قطع و نابود شود.

وزیر کشور در مورد علت معوق ماندن انتخابات مجلس در بعضی شهرستان‌ها توضیحاتی به نمایندگان داد.

صباغیان: من به‌عنوان فرد کوچکی در این مملکت، حاضرم در دادگاه ملت محاکمه شوم و رأی آن را بپذیرم.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نطق‌های قبل از دستور، قاطعیت بیشتر مسئولان را در برابر توطئه‌های ضدانقلاب خواستار شدند.

### سخنان آقای کروبی

آقای مهدی کروبی نماینده الیگودرز به‌عنوان سومین سخنران طی سخنانی گفت: به‌طور طبیعی هر انقلابی که در یک جامعه می‌شود توطئه‌هایی را در پشت سر دارد؛ مخصوصاً انقلابی که ویژگی‌های انقلاب اسلامی را داشته باشد.

خوشبختانه ملت با هوشیاری مراقب و مواظب است که از انقلاب پاسداری کنند و مکر دشمنان را به خودشان برگردانند و از انقلاب حفاظت کنند و لذا در موارد حساس، امام هشدار به مردم می‌دهد و ملت را آگاه می‌کند و مردم هم در اطاعت از امام، نگهداری انقلاب در مقابل دشمنان و هرگونه توطئه می‌ایستند، اما در مواردی و مواقعی ما ضربه می‌خوریم و انقلاب ضربه می‌خورد و تا به حال علتش به نظر من این بوده که در مواردی ما مردم را در جریان حقایق قرار نمی‌دهیم و کتمان حقایق می‌کنیم و مصلحت‌اندیشی می‌کنیم. از چاله به چاه می‌افتیم برای اینکه کتمان و عدم افشاگری و گفتن واقعیات به مردم ممکن است یک عوارضی داشته باشد. در اثر نگفتن، به مصیبتی بزرگ‌تر گرفتار می‌شویم.

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۳۱

حالا چند مثال می‌زنم. یکبارہ در این مدت جنگ، به شدت مسئله شیعه و سنی مطرح می‌شود. اگر مسئولین، اگر مجلس، اگر رادیو - تلویزیون مسائل را با مردم مطرح کنند و مطرح بشود که جلسات در تهران راجع به شیعه و سنی چه بوده است و این پول‌هایی که آمده بود، بین چه افرادی توزیع می‌شود؛ اگر مطرح بشود در قم چه قضایایی می‌گذرد، سید عزیز طباطبایی کیست؟ و چه سابقه‌ای در طرح کردن مسائل شیعه و سنی دارد؟

آیا اینها چه می‌کنند؟ در موقعی که جنگ اعراب و اسرائیل بود، چه کسانی به شدت تحریک می‌کردند و مسئله شیعه و سنی را مطرح می‌کردند که مرحوم آیت‌الله بروجردی به آیت‌الله منتظری می‌فرماید: درحالی‌که دارند پستان زنان مسلمان را می‌برند، اینها چه کسانی هستند که مسئله شیعه و سنی را مطرح کرده‌اند؟

اگر این مسائل مطرح بشود آن وقت می‌فهمند مسئله شیعه و سنی چیست و چرا این مسائل در این موقعیت و به این صورت مطرح شده و می‌خواهند چهره‌های پاک و تابناک را ملکوک کنند؟

مسئله زمین مطرح می‌شود. فریاد محرومین برخاسته است که مثلا چرا بند «ج» اجرا نمی‌شود. یکبارہ ما می‌بینیم افرادی راه می‌افتند و جوسازی می‌کنند. در خانه مراجع والامقام می‌روند و قضایای عجیبی را مطرح می‌کنند. در مشهد شنیده می‌شود یک نفر را به‌عنوان کشاورز آورده‌اند که ببینید این سه گاو داشته، دو گاو او را گرفته‌اند، یک زمین هم داشته و آن را هم از او گرفته‌اند. خوب این را هرکس ببیند منقلب می‌شود که کشاورزی را دو گاو و زمینش را از او گرفته‌اند. اما راستی این چنین است؟ بر فرض محال یک کشاورزی که دو تا گاو را بگیرند، این‌قدر فریادش به همه جا می‌رسد که بیاید آنجا، یا این مسئله توطئه است؟

مسئله تجارت خارجی که مطرح می‌شود، می‌بینیم نیروهایی به سمت قم سرازیر می‌شوند و این مسائل را مطرح می‌کنند و مراجع عظام ما، آنانی که در خط انقلاب هستند، از این مسائل پاک هستند، اما می‌بینیم که سر وجوهاتشان هم باز می‌شود و حالا وجوه بده می‌شوند. آیا این مسائل نباید مطرح شود؟ و وقتی مطرح نشود، به این صورت می‌توانند توطئه کنند و بگویند کمونیست‌ها دارند مسلط می‌شوند، مالکیت

## ۵۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

دارد از بین می‌رود و حرف‌های دیگر. ولی واقعیت این نیست. واقعیت این است که ما مسائل را مطرح نمی‌کنیم و همه را به عهده امام گذاشته‌ایم و تمام مسائلی را که لازم بوده است امام مطرح کرده است و بسیاری مسائل هست که دیگران هم مسئولیت دارند و آنها باید مطرح کنند.

مسئله سازمان مجاهدین [خلق] و این مشکلاتی که حالا سازمان مجاهدین در جامعه به وجود آورده - که کاری هم نخواهد کرد - در اثنای جنگ، اگر واقعاً سوابق سازمان مجاهدین پوست کنده مطرح شود، از خط فکری آنها که در کتاب‌ها منعکس است و از آفتاب روشن‌تر است عملکرد آنها. وحدتی که با چپی‌ها داشته‌اند، سهم امام‌های مردمی را که در زمان خفقان گرفتند و به فدایی‌ها دادند و خوردند، انحرافی که در سازمان به وجود آمده، و در داخل زندان و در خارج کشور و در سطح کشور، یک‌مرتبه تغییر ایدئولوژی دادند و موضع خود را عوض کردند و افرادی [اعضایی را] هم که مسلمان بودند کشتند، اینها باید با مردم مطرح شود؛ آن هم در کادر مرکزی و اصلی. اگر مطرح شود که در زندان، طرف که یکی از سران مجاهدین است می‌گوید اعتقاد ندارم، من به اسلام مومن نیستم، من برگشته‌ام، از کادر مرکزی. کادر مرکزی در مقابلش می‌گوید: حالا صلاح هست تا دو سه سال نماز بخوانی. مصالح سازمان ایجاب می‌کند که نماز بخوانی. خوب گروهی که این چنین اسلام را بازیچه قرار داده‌اند، اگر اینها مطرح شود چند دختر و پسر بی‌گناه و معصوم مردم ناآگاه این چنین ملعبه و آلت دست آنها نمی‌شوند. این عین واقع است که در زندان وجود داشت و همه هم می‌دانند. بهمن بازرگانی وقتی به مسعود رجوی می‌گوید من اعتقاد ندارم، می‌گوید: نماز بخوان، نمازی به بی‌اعتقادی می‌خواند!

به هر جهت اگر این مسائل مطرح شود - که من نمی‌خواهم مثال بزنم؛ زیرا حیثیت خانواده‌ها در خطر است - اگر این مسائل درون سازمان مطرح شود که بعضی‌ها را زنش را از او گرفته‌اند و جدایی بین خانواده‌ها انداخته‌اند و زنش را بدون طلاق برده‌اند؛ اینها را مثال نمی‌زنیم، زیرا حیثیت بعضی خانواده‌ها مطرح است. اینها واقعیتی است که پرونده آن هم موجود است و همه می‌دانند تمام آنها که در جریانات سیاسی آن موقع بودند و در زندان یا بیرون بودند، قدم به قدم قضایا را می‌دانند.

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۳۳

افرادی مثل عسکراولادی و دیگران قدم به قدم قضایا را می‌دانند. خوب اگر این سری مسائل مطرح شود که چگونه اینها مردم را بازیچه قرار داده‌اند، اگر روابط مشکوکی که این روزها هست، رفت و آمدهایی که هست، آیا حسن شریعتمداری چه می‌کند؟ محمود قمی چه می‌کند؟ اینها به کجاها می‌روند و می‌آیند؟ اگر این مسائل با مردم مطرح شود، طبیعی است مردم در جریان قرار می‌گیرند و خوب هم می‌توانند توطئه‌ها را خنثی کنند. حقیقت این است که مردم در جریان قرار نمی‌گیرند. مگر این پیکار که دارد با مجاهدین همکاری می‌کند، غیر از این است که محصول مجاهدین است و پایان کار مجاهدین، پیکاری شدن است؟!

### چرا می‌گیرید، چرا آزاد می‌کنید؟

حجت‌الاسلام صادق خلخالی نماینده قم نیز طی سخنان کوتاهی در رابطه با شهادت رزمندگان جبهه اسلام گفت: روز سه‌شنبه با اجازه مجلس برای فاتحه سرگرد شهید و سردارمان در «بازی‌دراز» آقای حسین علویان رفته بودیم. به محض ورود به کرمانشاه خبر دادند که یک سردار دیگری (خلبان شهید آقای شیرودی) هم به درجه شهادت رسیده است. بلافاصله رفتیم در پل ذهاب. خدا می‌داند که به مجرد ورود به پادگان ابوذر، تمام پرسنل، مخصوصاً هوانیروز دور ما را گرفته بودند و همه فریاد که ما انتقام خون شیرودی را می‌خواهیم بگیریم، ولی در کنار این جریان، در حاشیه و در گوشه و کنار مملکت، یک عده خودفروخته و اجنبی‌صفت می‌خواستند توطئه‌هایی راه بیندازند و شکست مفتضحانه صدام و امپریالیسم بین‌الملل را جبران کنند و این جبران نخواهد شد. همان دقیقه‌ای که در حدود ۱۵۰ اسیر عراقی را سؤال و جواب می‌کردند و ما هم آنجا بودیم و همه آنها علیه صدام دست می‌زدند و از کفر صدام صحبت می‌کردند، در تهران و ساری و زنجان و جاهای دیگر، گروهک‌ها راه افتاده بودند و می‌گفتند باید جمهوری اسلامی ایران از بین برود و متأسفانه کسانی که برای تبریئه آقای هویدا فعالیت می‌کردند و حالا هم هستند، ما درخواست می‌کنیم که اینها در پیشگاه ملت ایران روشن شود و من از دادگاه انقلاب می‌خواهم که امیرانتظام را قاطعانه محاکمه کند و من از دادگاه انقلاب و از دادستانی می‌خواهم در جریانات شل نباشد.

## ۵۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

«روزنامه میزان» را به چه مناسبت آزادی می دهند، حال آنکه ما توقع داریم که «روزنامه انقلاب اسلامی» را هم به آن اضافه کنند. آقا چرا می گیرید و چرا آزاد می کنید؟ مردم پشتیبان شما هستند. شما این روزنامه‌ها را بریزید دور تا مردم نفس راحتی بکشند. یک مستی که همیشه مستشاران نظامی آمریکا را با هواپیماهای ایرانی فرار دادند، حالا یقه‌درانی می کنند. اینها باید همه معلوم شود. اسم آنها معلوم است، ولی حالا اگر بخواهید اسمشان را ببرید فوراً اجازه صحبت می خواهد.

### آنها که سنگ کارگر را به سینه می زنند

آقای جعفر شجونی نماینده کرج به عنوان آخرین سخنران اظهار داشت: روز ۱۱ اردیبهشت را به همه کارگران جهان و کشاورزان و کاسب‌های جزء و مردم کم‌درآمد تبریک می گویم و معتقدم پنجاه هزار دانشجویی که بعد از پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی کار کردند، روز کارگر افتخاری برای آنهاست، نه برای آنهایی که سنگ کارگر را به سینه می زنند و بعد از انقلاب تا امروز، کارگران را به بیکاری تشویق کردند.

مطلب دوم، ما ده نفر هیئت منتخب امام در بنیاد و عملکرد بنیاد هستیم. آقایان نمایندگان، سؤالاتی می فرمودند. بله در حدود دو هزار پرونده مورد بررسی قرار گرفت. سیصد پرونده باید به دادگاه برود که ما به دنبال حاکم شرع می گردیم: نه در تهران پیدا می کنیم و نه در قم. با کمبود حاکم شرع روبه‌رو هستیم. آقای صادق طباطبایی هم یکی از اعضای هیئت منتخب بودند. روزهای اول ایشان به دنبال قرارداد ۵ زیردریایی که ایران با آلمان داشت می رفتند که این قرارداد را فسخ کنند، یا پولش را برگردانند و آلمانی‌ها به ایشان اعتراض می کردند که ما ۱۵ هزار کارگر استخدام کرده بودیم برای این ۵ زیردریایی و الآن کارگران ما بی کار هستند و در این رابطه ایشان مکرراً به آلمان می رفتند و برمی گشتند.

و اما حوزه انتخابیه بنده، کرج، که متأسفانه دختران جوان با کارد آشپزخانه به مردم حمله کردند و دیشب من در جاده چالوس مهمان جوانی بودم که یک دختر با کارد آشپزخانه پهلوی او را شکافته و هشت بخیه به پهلوی این جوان زده بودند.

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۳۵

متأسفانه من معتقدم آقایانی در خود این مجلس تشریف دارند که تزویر می‌کنند و مزدورانه مجاهدین خلق را مورد حمایت قرار می‌دهند.

من در بابل بودم و با چشم دیدم که مجاهدین مزاحم مردم می‌شوند و گاهی حمله می‌کردند به یک مردی و می‌گفتند این پدر یک شهید است و او را می‌زدند. در نماز جمعه آنجا در حدود سی نفر با سر پانسمن کرده شرکت کردند. من معتقدم که هرچه زودتر کمیسیون امور داخلی، لایحه یا طرح احزاب را به مجلس بیاورند و تکلیف گروهک‌ها روشن شود.

خدا را شاهد می‌گیرم روز ۱۵ اسفند دختری از مجاهدین به دفترم آمد و گفت: از امروز من به آنها بی‌عقیده شده‌ام. گفتم چرا؟ گفت دیروز در دانشگاه در حدود چهارصد دختر و پسر مجاهد را تشکیلات یافته دیدم و آنها به مردم حمله می‌کردند و این حمله‌های اخیر مردم، بهترین دلیل است که ۱۴ اسفند، چماقداران واقعی منافقین بودند. چرا اینها یک بار برای شهدای جنگ فاتحه نمی‌گیرند؟ و برای چهار نفر که کجا کشته شده‌اند هر روز می‌خواهند فاتحه بگیرند؟ اینها از جنازه یک دزد استفاده کردند و بالای سرشان در بابل گذاشتند و شعار «راحت ادامه دارد» راه انداختند!

### سخنان حجت‌الاسلام رفسنجانی

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس به‌عنوان تذکر به نکاتی اشاره کرد و طی سخنانی اظهار داشت: چند موضوع مهم هست که باید قبل از شروع دستور درباره آنها تذکراتی عرض کنم: اول در مورد خلبان شهید علی‌اکبر شیرودی. این شهید بزرگوار که خوشبختانه من موفق شدم در ملاقاتی در پادگان ابذر این مرد بزرگ را درست بشناسم. البته یک نقطه غم‌انگیزی از آن مجلس در خاطر من مانده که دیروز من را خیلی زجر می‌داد.

آن روز که در پادگان ابذر در جلسه خلبانان هوانیروز شرکت داشتم، ایشان که سرپرست آنها بود، سخت از رادیو - تلویزیون گله داشت که از اوایل جنگ کردستان تا امروز، همیشه در میدان و در صف مقدم بوده و هر جا خطری جبهه را تهدید می‌کرده است، شخصاً به مقابله پرداخته است؛ حتی روزی که عده‌ای ناجوانمرد

## ۵۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌خواستند پادگان اباذر را تخلیه کنند، برخلاف روال اصول نظامی، شخصاً متعرض آنها شده و جلوی سقوط پادگان را گرفته است. او می‌گفت من بارها با تلویزیون مصاحبه کرده‌ام، ولی چون به بعضی از فرماندهان غیرمکتبی برمی‌خورد، حرف من پخش نمی‌شود. و جمله‌ای که آن روز گفتم - به نظر من جمله اقتصاری بود که در تاریخ باید بماند. و خیال می‌کرد چون با من صحبت کرده است، پخش می‌شود که باز هم پخش نشده - این بود که از تو تعهد می‌گیرم اگر به خدمت امام رسیدی به امام بگو امروز در جبهه، مکتب می‌جنگد، نه تخصص. گفت بگو تخصص ارزش فراوانی دارد، اما [اگر] در خدمت مکتب [باشد] و اگر مکتب ترویج نشود چیزی عاید مملکت در درگیری با عراق نمی‌شود و من همین جمله را در خدمت امام گفتم و امام متأثر شد، ولی همین جمله را هم نقل نکردند با اینکه ضبط شد و فیلم شد؛ نکته مثبتی که برای من بود اینکه قبل از اینکه این مرد شهید شود، نظر خودم را درباره او طی مصاحبه‌ای گفته‌ام. که من در قیافه شیروودی، مالک اشتر را دیدم و خدا می‌داند که قصد اغراق نداشتم. واقعاً مالک اشتر را مجسم می‌کرد. ایمانش، ابهتش، شجاعتش و نفوذ کلامش در در همکارانش. او و دو نفر همکارش سهیلیان و شکوری حق عظیمی بر این کشور دارند و مقاومت غرب کشور تا حدود زیادی مرهون فداکاری این سه خلبان رشید است.

من از صدا و سیمای جمهوری اسلامی می‌خواهم آثار او را پخش کنند؛ زیرا آثار او سازنده است و بسیاری از خلبان‌ها را به راه او می‌کشاند و حق خانواده اوست که از این افتخارات مطلع باشند و مردم ما و مسلمانان جهان بدانند که در خلبانان کشور ما چنین قهرمانان مسلمانی وجود دارند و مالکان اشتری در عصر فضا دوباره ظهور کرده است.

دیگر اینکه امروز روز کارگر است و افتخار جمهوری اسلامی ایران این است که از بدو پیروزی برای کارگر اهمیت شایسته‌ای را قائل شد و این جمهوری، جمهوری حفظ حقوق مستضعفان و کارگران است.

دور از تظاهر و ریا و برخلاف کسانی که خودشان را حکومت کارگران گذاشته‌اند و محروم‌ترین قشرها در آنجاها کارگر واقعی است. امیدواریم که با حمایت این



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۳۷

مجلس و نمایندگان مردم و حمایت ملت، بتوانیم در آینده ثابت کنیم که اسلام بیش از هر مکتبی و هر ایده‌ای و هر گروهی، می‌تواند حقوق ضعفا و کارگران را که قشر اصلی جامعه هستند و مایه افتخار انسان و بشریت تأمین کند. فردا روز کارگر را باید محترم بداریم و شعارهای توخالی گروهک‌های چپ‌نمای دروغگو را روشن کنیم. نمایندگان خواسته‌اند که در راهپیمایی شرکت کنیم که البته شرکت خواهیم کرد.

مسئله بعدی اینکه جمعی از برادران نماینده، نامه‌ای به وزارت کشور نوشته‌اند که این تذکر را خود من هم داشته‌ام. این تذکر مربوط می‌شود به انتخابات. ما دچار یک سردرگمی شده‌ایم که باید حل شود. مملکت بازیچه شده در دست اغراضی، که باید سرخ را درک کنیم که کجاست.

مدتی است که مجلس قانونی تصویب کرده و به تأیید شورای نگهبان هم رسیده که انتخابات باید انجام شود. همه امکانات مهیا شده. از وزارت کشور می‌پرسم چرا انتخابات را انجام نمی‌دهید؟ مجلس معطل است، کارها لنگ است، کمیسیون‌ها لنگ هستند؟! جواب می‌دهد که از طرف رئیس جمهور به ما ابلاغ نشده است. چرا ابلاغ نشده است؟ باید این جواب داده شود. شورای نگهبان تکلیف این مسئله را روشن کند. قانون اساسی می‌گوید رئیس جمهور موظف است - زمان تعیین نکرده است - اگر [رئیس جمهور ابلاغ] نکرد چه؟ اگر قانون لازم دارد، قانون دو فوریتی بیاورید و وقت تعیین کنید که این مقدار فرصت [می‌خواهیم]. مگر می‌شود قانونی را مجلس تصویب کند و تا ابد ابلاغ نشود؟ وزارت کشور چه می‌کند؟ من از وزیر محترم کشور تقاضا می‌کنم همین امروز تشریف بیاورند و توضیح دهند که مشکل انتخابات در کجاست؟ چرا این همه نماینده که باید در مجلس باشند، نیستند؟ و چرا صندلی‌های آنها خالی است و چرا بخشی از کشور ما نماینده ندارد؟ اگر در مناطق جنگ هم باید انتخابات شود، انجام دهید و اگر نباید بشود، نشود. مسئله میان‌دوره‌ای مطرح است. طبق قانون انتخابات اگر میان‌دوره‌ای هم باشد باید یک روز انجام شود، یک روز بشود، هر جا که ممکن است، فوری انتخابات کنند و مجلس را معطل نکنید.

## ۵۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

مطلب دیگر، توطئه منافقان خلق است. خبری داریم که در آلمان در یکی از هتل‌ها گروه بختیار، رضا پهلوی، قاسملو، نماینده عراق و نمایندگان از منافقین خلق و گروه‌های دیگر جمع شده و توطئه ایجاد آشوب بزرگ را در ایران ریخته‌اند. سابقه توطئه برمی‌گردد به آن روزهایی که موج عظیم و رگبار تبلیغات به نام چماقداری سر مردم ایران می‌ریخت که مردم را از صحنه بیرون کنند.

امروز نشان دادند که آنها [خودشان] می‌خواستند چماقداری کنند و در مقابل خودشان نیروی مردمی را نمی‌خواستند داشته باشند و متأسفانه بعضی از مسئولان هم در این دام افتادند و حضور مردم را در صحنه تضعیف کردند، ولی مردم دیگر حوصله‌شان تمام شده. این نمی‌شود.

شورای عالی قضایی و مسئولان امنیتی و اجرایی کشور و خود مردم که بیش از همه دلسوز و حافظ این انقلاب هستند، باید وارد معرکه شوند و اینکه در ایام جنگ هر روز در چندین شهر کشور ما با کارد و قمه و داس و چکش و هفت‌تیر و هرچه که به دستشان می‌رسد به جان مردم بیفتند و این آشوب را به‌پا کنند، این چه معنایی دارد و چه می‌خواهند بگویند؟ و تا کی؟

و مسئله مهم‌تر به مناسبت شهادت استاد عظیم‌الشان و متفکر عالیقدر و فیلسوف مبارز و رزمنده جهان اسلام و کسی که حق عظیمی بر حرکت فکری این جامعه دارد و کسی که حق عظیمی در تشکیل حکومت اسلامی دارد و کسی که همه عمرش را برای نجات و رواج اسلام خدمت کرد، استاد شهید مطهری. به یاد این شخصیت عظیم و به شادی روح بزرگش امروز در این مجلس از نمایندگان محترم تقاضا می‌شود فاتحه‌ای بخوانند.

رئیس مجلس در پایان سخنان خود اظهار داشت چون آقای محمد منتظری در سخنان پریروز خود اسمی از آقای بازرگان برده‌اند و چند نفر دیگر از جمله آقای هادی، آقای حجازی و آقایان صباغیان، پرورش، دکتر یزدی تقاضا کرده‌اند که از خود دفاع کنند، اینک آقای بازرگان می‌توانند در حد رفع اهانتی که شده یا معتقدند که اهانت شده، پانزده دقیقه صحبت کنند.

### آمریکایی‌ها باید می‌ماندند؟

آقای مهندس بازرگان در دفاع از خود گفت: در بیانات آقای منتظری به عده‌ای از همکاران و بیش از همه شاید به بنده اشاره شده بود که می‌خواهم توضیحاتی به عقیده خود به‌عنوان بیان حقیقت بدهم.

بعد از یک سال و دو سه ماه برای آقای مهندس عباس امیرانتظام دادگاهی معین شد که در این دادگاه تهمت‌های وارد بر او مورد رسیدگی قرار گیرد. از طرف رئیس دادگاه دعوت شد از کسانی که شهادتی یا شکایتی نسبت به آن پرونده دارند به آن دادگاه بروند و من روز اول به دادگاه رفتم و شهادت دادم و معلوم نیست چرا آقای منتظری با وجود چنین دعوت دادگاه و در صورتی که سندی را که ارائه دادند، نرفتند فرمایشاتشان را در دادگاه نکنند. جایش دادگاه بود و روز قبل هم گویا به آنجا رفته بودند، ولی این کاری را که باید آنجا بکنند، در اینجا کردند و ما را متهم می‌کنند به جوسازی که قضاوتش به عهده نمایندگان محترم است که آیا جوسازی ما کردیم که رفتیم دادگاه و شهادت دادیم و سعی شد که جریانات دادگاه را به اطلاع مردم برسانیم، یا ایشان که می‌آیند در اینجا آن صحبت‌ها و اتهامات و آن حرف‌ها را می‌زنند و بیان ایشان را من گمان می‌کنم که وقتی اظهار نگرانی می‌کنند از اینکه با این جوسازی‌ها و با این تحرکات ممکن است مقصر به عقیده ایشان تیره شود، این اهانتی است به دادگاه.

ناطق افزود: اما اصل ایراد، ورقه‌ای بود که ایشان خواندند و به‌عنوان سند جرم بزرگ برای دولت موقت و برای شخص امیرانتظام عنوان کردند. ناطق ضمن قرائت متن نامه گفت: در اینجا سه مطلب هست: یکی اینکه اتباع خارجی بیشتر بتوانند از ایران بروند و مطلب دوم به وسیله هواپیماهای نظامی خودشان بروند و به خرج ما نباشد و یا جای مسافرین ایرانی را در دستگاه خودمان تنگ نکنند و مطلب اساسی این بود که اینها بروند. حالا می‌خواهم ببینم در آن زمان که جو این‌طور حاکم بود و افکار عمومی هم این بود که عده بسیار زیادی از اتباع خارجی من جمله انگلیسی و آمریکایی در ایران وجود داشتند و عده زیادی از آنها مستخدم و تاجر و مستشار بودند و بخصوص حضور این مستشاران حضور وابستگی داشت و از دولت هم پول می‌گرفتند. این جرم است که ما بگوییم اینها بروند؟ باید می‌ماندند و جاسوسی می‌کردند؟

## ۵۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

مهندس بازرگان آنگاه در مورد خروج اتباع بیگانه از کشور و مشکلاتی که از لحاظ دیپلماسی و سیاسی حضور آنها در ایران داشت و نیز مشکلاتی که زمینه خروج آنها از راه هوا و ترافیک فرودگاه وجود داشت، به یک یک این موارد اشاره کرد و نتیجه گرفت که صدور این نامه لازم و ضروری بوده است.

### انتشار کتاب در آمریکا

آقای دکتر ابراهیم یزدی نیز در ارتباط با سخنان آقای محمد منتظری اظهار داشت: من به کرات این مطلب را عنوان کرده‌ام که اگر این مسائل برای آقایان مهم است، ما حاضریم یک جلسه وسیع بگذارید تا به تمام سؤالات و اتهامات و ابهامات پاسخ بدهیم. آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است. یک طرفه به قاضی نروید. این‌گونه تهمت‌ها جز زیان برای گویندگانش ثمری ندارد. این آقایانی که به ما تهمت می‌زنند حتی یک سند نیاورده‌اند ارائه بدهند که ما حقی را از این ملت زایل کرده باشیم.

ناطق، با اشاره به کتابی که اخیراً در آمریکا منتشر شده، یادآور شد که برادران من، دارند برای شما خط پیاده می‌کنند و می‌خواهند با این روش ثابت کنند که این انقلاب انقلاب مستقلی نبوده و شعار «نه شرقی نه غربی» پوچ است. وی گفت: همکاری من با انقلاب اسلامی یک وظیفه شرعی بوده که از سوی امام به من تفویض شده بود. من از اتهامات شما بیم ندارم. شما به خاطر اتهاماتی که زده‌اید باید در دادگاه شرع تعزیر شوید.

### دفاعیات صباغیان

آقای مهندس هاشم صباغیان نیز در دفاع از خود در ارتباط با سخنان آقای محمد منتظری، گفت: من نخست تقاضا دارم یک جلسه بگذارید تا برای همیشه این مسائل حل شود. با توجه به اظهارات آقای منتظری که گفته‌اند باید کسان دیگری هم علاوه بر امیرانتظام محاکمه شوند، من به‌عنوان فرد کوچکی از اجتماع این آمادگی را دارم که در دادگاه ملت محاکمه شوم و هر رأیی که صادر شود به آن تن می‌دهم. مردم ما آگاه هستند و خوب تشخیص داده‌اند و بارها نشان داده‌اند و می‌دانند چه کسی در

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۴۱

سخنرانی‌هایش توهین می‌کند. کسی که به من این اتهام را زده، مردم می‌دانند چه گفته است. در مصاحبه‌ها به چه کسانی توهین کرده است. یک روز صحبت از دکتر بهشتی، یک روز از دکتر یزدی، یک روز از بهزاد نبوی و یک روز از من صحبت می‌کند. قطعاً مسبوقید که پدر بزرگوارشان حضرت آیت‌الله منتظری فرموده‌اند که ایشان کسالت دارند. کسانی هم که با ایشان بوده‌اند این کسالت را تأیید کرده‌اند. من ایشان را می‌شناسم. خوشحال بودم که بعد از یک مدتی، ناراحتی ایشان برطرف شده و بهتر شده‌اند، اما دیروز با کمال تعجب دیدم که صحبت‌های ایشان برخلاف فرمان امام است. ایشان ایجاد جو تشنج را به ما نسبت می‌دهند، اما شما مردم ایران قضاوت کنید که جو را ما ساختیم؟ آیا باید مسائل کهنه مجدداً در اینجا مطرح شود؟ من بارها خودم به آقای منتظری گفتم که اگر مطلبی داشتند با خود من در میان بگذارند تا مسائل حل شود، نه اینکه در پشت این تریبون صحبت کنید. باز می‌گویم که حاضرم درباره هر اتهامی در دادگاه ملت محاکمه شوم و به هر موردی که بخواهند پاسخ بدهم.

### بررسی لوایح

پس از آن، مجلس وارد دستور شد و لایحه راجع به «توقف اجرای احکام و دستورهای اجرایی دادگاه‌های صالحه به مراجع ثبتی در مورد اسناد اجاره محل‌های مسکونی مشمول قانون روابط موجر و مستاجر» - که سه‌شنبه گذشته در دستور قرار گرفته و مورد بحث واقع شده بود و روز پنجشنبه گذشته نیز ادامه یافت و پیشنهادات ارائه شده - در برخی موارد، متن لایحه مورد بحث موافقان و مخالفان قرار گرفت، اما در آخر وقت روز پنجشنبه به علت نبودن حد نصاب نمایندگان برای رأی‌گیری، انجام نشد و رأی‌گیری درباره این لایحه به جلسه بعدی موکول گردید.

### علل تعویق انتخابات

آیت‌الله مهدوی کنی، وزیر کشور، پنجشنبه گذشته بنا بر دعوت رادیویی رئیس مجلس حاضر شد و درباره علت تأخیر انتخابات میان‌دوره‌ای توضیحاتی داد و گفت: تاریخچه آن برمی‌گردد به رسمیت یافتن شورای نگهبان. به موجب اصل ۲۹ قانون اساسی، نظارت بر انتخابات به عهده شورای نگهبان است و شورای نگهبان مجبور بود آیین‌نامه

## ۵۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

داشته باشد و تا تاریخ ابلاغ این مصوبه، حدود سه ماه طول کشید و این خود احتیاج به آیین‌نامه داشت که به تصویب شورای نگهبان برسد و ما شروع به نوشتن چنین آیین‌نامه‌ای کردیم که ۵۹/۱۰/۱۰ به تصویب شورای نگهبان رسید و ما هم از همان موقع اعلام آمادگی برای انتخابات کرده‌ایم. مهدوی کنی اضافه کرد از آن پس هم زمانی طول کشید تا شورای نگهبان هیئت‌هایی را برای انتخابات در شهرستان‌ها انتخاب کند.

وزیر کشور در عین حال توضیح داد در بعضی از شهرها به علت نبودن امنیت و بعضی جاها که مردم در شهرها نیستند و شهرها را ترک کرده‌اند، انتخابات امکان ندارد. مهدوی کنی افزود: در قانون اساسی هم الزامی نیست که انتخابات میان‌دوره‌ای یک‌روزه انجام شود و انتخابات یک‌روزه مربوط به مرحله اول انتخابات است.

وزیر کشور در پایان سخنان خود گله کرد و گفت: ابلاغیه آقای رئیس‌جمهور قبل از آنکه به دست ما برسد، از رادیو و تلویزیون خوانده می‌شود و این در حالی است که ما سعی داریم از دامنه تشنجات بکاهیم. کار درستی نیست. وزیر کشور در نهایت گفت همین که لایحه اخیر مجلس در مورد انتخابات به ما ابلاغ شود، ما آماده [برگزاری] انتخابات هستیم (روزنامه اطلاعات، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، ص ۳ و ۱۰).

### پیوست ۲- دستور دادسرای تهران: محمد منتظری را هر جا دیدید دستگیر کنید

حکم بازداشت محمد منتظری، از سوی بازپرس شعبه دوم دادسرای تهران، به کلیه عوامل اجرایی انتظامی، در سراسر کشور ابلاغ شد. در این حکم که طی بخشنامه‌ای به سراسر کشور رفته، آمده است: شهربانی کشور، ژاندارمری کشور، سپاه پاسداران در سراسر ایران و کمیته‌ها موظف هستند شیخ محمد منتظری و یکی از یاران نزدیک او به نام ابوحنیف و نیز دیگر همدستانش را در هر نقطه کشور که مشاهده کردند، دستگیر و به مقامات قضایی تحویل دهند.

نیکویی، بازپرس شعبه دوم دادسرای تهران، گفت: طبق گزارش‌هایی که به من داده شده، روز شنبه ۲۶ شهریورماه گذشته، شیخ محمد منتظری، از سفر لیبی، وارد ایران

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۴۳

شد و در ساعت ۳ بامداد همان روز، یاران او با نارنجک به فرودگاه مهرآباد حمله کردند و او را از فرودگاه فراری دادند و نیز موقعی که منتظری قصد خروج از ایران را داشته و از سوی این بازپرسی، ممنوع الخروج بوده، وزیر دادگستری شخصاً به او اجازه خروج داده است؛ درحالی که، در همان زمان نیز حکم بازداشت محمد منتظری از طرف دادسرای تهران صادر و به کلیه دوائر آگاهی و پلیس سراسر کشور ابلاغ شده بود. نیکویی با اشاره به حوادثی که به وسیله محمد منتظری در نقاط مختلف کشور به وجود آمده، گفت: در هفته گذشته، ما شاهد بودیم که شیخ محمد منتظری، در شهرستان‌های شیراز، مشهد اصفهان و شهرهای مازندران، ایجاد بلوا و آشوب کرده و ناراحتی‌هایی برای مردم به وجود آورده است. ما بار دیگر، طی بخش‌نامه‌ای، حکم بازداشت او و ابوحنیف را به شهربانی کل کشور و ژاندارمری کل کشور و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران فرستاده‌ایم. بازپرس دادسرای تهران تأکید کرد: کلیه واحدهای انتظامی در سراسر کشور، چنانچه محمد منتظری و یاران او، به‌ویژه ابوحنیف را - که قبلاً حکم جلب وی صادر شده بود - در هر نقطه از کشور مشاهده کردند، دستگیر و به نزدیک‌ترین واحدهای دادسرای شهرستان و یا دادگاه‌های بخش تحویل دهند و این واحدها به نیابت قضایی بازپرس دادسرای تهران، می‌توانند از این افراد، بازجویی کنند و سپس در معیت مأمورین مراقب، نام‌برندگان را به دادسرای تهران اعزام دارند.

موارد اتهام محمد منتظری، ابوحنیف و دیگر یاران او به این شرح است:

۱- حمله مسلحانه به فرودگاه مهرآباد که کراراً تکرار شده؛

۲- درگیری مسلحانه با مأموران فرودگاه؛

۳- ایجاد وحشت در مسافران؛

۴- ربودن افراد مسلح؛

۵- نداشتن گذرنامه.<sup>۱</sup>

---

۱. این حکم دستگیری مربوط به پاییز ۱۳۵۸ و زمانی است که هنوز مجلس شورای اسلامی تشکیل نشده بود؛ در حالی که پیشینه رفتاری محمد منتظری را نشان دهد، نه اینکه او در سال ۱۳۶۰ به دادگاه احضار شده باشد؛ زیرا در این زمان دیگر آقای محمد منتظری هم نماینده مجلس بوده است (ویراستار).

۵۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۳ - تصاویر خانه دکتر یزدی پس از آتش‌سوزی



پیوست ۴ - نامه رضا براهنی به رئیس جمهور (دکتر بنی‌صدر) در نقد شخصیت مهندس بازرگان، دولت موقت، عملکرد دکتر یزدی و مسائل سیاسی و فرهنگی ایران - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۱۴  
«آقای رئیس‌جمهور، پرده‌ها را بالا بزنید!»



## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۴۵

آقای رئیس‌جمهور، این یادداشت مربوط است به یک نکته اساسی انقلاب ایران، و آن موضوع محرمانه بودن بعضی مسائل است. آیا برخی از مسائل مربوط به کل جامعه ایران باید از دید جامعه مستور بماند، و یا اینکه جامعه حق دارد از کسانی که بر رأس کار هستند بخواهد درباره اعمال خود گزارش‌های دقیق، کافی و جامع و مانع به جامعه بدهند و در واقع در برابر جامعه‌ای که بر آن حکومت می‌کنند مسئولیت نشان دهند؟

در اوایل انقلاب پرشکوه ایران، قرار بر این شد که اسناد موجود در سفارت ایران در واشنگتن به ایران فرستاده شود. در آن زمان، مسئول امور سفارت ایران در واشنگتن آقای شهریار روحانی، داماد آقای دکتر ابراهیم یزدی بود. خود آقای دکتر یزدی معاونت آقای مهندس بازرگان را بر عهده داشت. گویا بیست الی سی صندوق سند از آمریکا به ایران فرستاده شد و یا قرار بود فرستاده شود.

این اسناد، بدون شک پرده از روی چند مسئله مهم کشور ما برمی‌داشت. مسائل مربوط به نفت، مسائل مربوط به رشوه‌هایی که شرکت‌های بزرگ آمریکایی به شاه و اطرافیان او داده‌اند، رشوه‌هایی که اردشیر زاهدی به روزنامه‌نگاران، اعضای کنگره آمریکا و سایر سیاستمداران امپریالیست داده، دستمزدهایی که به جاسوسان ساواک داده شده تا برای رهبران اپوزیسیون ایران در خارج از کشور ایجاد مزاحمت کنند. روابط «سیا» و «اف بی آی» و «ساواک» و خلاصه کلیه پرونده اپوزیسیون تبعیدی ایران در خارج از کشور، از جمله اسنادی هستند که حتماً در پرونده‌هایی که در اختیار آقای شهریار روحانی و از طریق او در اختیار آقای دکتر یزدی، گذاشته شده‌اند، موجود هستند. از قرار معلوم این پرونده‌ها موجبات نقار بین آقای دکتر سنجابی، وزیر خارجه وقت و آقای دکتر یزدی را فراهم آوردند. آقای دکتر سنجابی مجبور به استعفا شد و آقای دکتر یزدی جای ایشان را گرفت. آقای رئیس‌جمهور بفرمایید این پرونده‌ها کجا هستند و چرا تاکنون محتویات آنان در اختیار مردم ایران گذاشته نشده؟

پرسش دوم این است که وقتی که آقای «بروس لینگن»، کاردار جاسوسخانه آمریکا، در زمانی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام داشتند جاسوسخانه را اشغال می‌کردند، به وزیر خارجه ایران در وزارت خارجه پناهنده شد، چرا به وی اجازه داده شد که با آمریکا و نیز با داخل سفارت، و با کسی به نام «تامست» که اکنون در

## ۵۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

جاسوسخانه است، رابطه برقرار کند و سرانجام پیش از آنکه محل اسناد محرمانه به دست دانشجویان بیفتد، آقای لینگن دستور سوزاندن و از میان بردن اسناد را به تامست بدهد؟ چرا باید دستور سوزاندن اسناد جاسوسخانه از طرف لینگن و از داخل وزارت خارجه کشور ما صادر شده باشد؟ اسناد سوخته و نابود شده از چه نوع بود؟ آیا آقای لینگن در مدت اقامت خود در وزارت خارجه ایران با آقای دکتر یزدی تماس داشت یا خیر؟ اگر تماس داشت، ماهیت آن چه بود؟ و اگر تماس نداشت چه کسی به او اجازه تماس داشتن با آمریکا و داخل سفارت را داده است؟ مجله «تایم» آمریکا نوشته است که دستور «انهدام نهایی» اسناد داخل سفارت به وسیله لینگن و از وزارت خارجه ایران داده شده است.

پرسش مردم ایران این است: یک بار آقای دکتر یزدی [و] سرهنگ توکلی سفارت آمریکا را از چنگ مبارزان ایرانی نجات دادند و به دست «سالیوان» سپردند.<sup>۱</sup> بار دوم آقای بروس لینگن از وزارت خارجه ایران در زمان دکتر یزدی دستور سوزاندن اسناد محرمانه را داد. حضور آقای دکتر یزدی در هر دو ماجرای جاسوسخانه و حضور وی در ماجرای اسناد سفارت ایران در واشنگتن، وجود دکتر یزدی را غرق در معما کرده است. آقای رئیس جمهور، ممکن است آقای دکتر یزدی را مکلف بفرمایید که به سؤالات ملت ایران جواب بدهد؟

پرسش دیگری که مطرح است این است که می‌گویند ساواک احیا شده است. به نام خود یا به نامی دیگر. ساواک در تاریخ کشور ما مترادف است با شاهنشاهی و امپریالیسم. امپریالیسم آمریکا برای آنکه شاه را بر سر قدرت نگاه دارد، سازمان دوزخی، جنایی و پلیسی ساواک را بنیان نهاد. مأموران اف بی آی و سیا و مأموران موساد، یعنی سازمان پلیس مخفی اسرائیل، دست به دست یکدیگر دادند و سازمان اطلاعات و امنیت کشور را به وجود آوردند. در هر کشوری که زیر سلطه آمریکا قرار گرفت، بلافاصله چنین سازمانی خلق گردید. مبادله اسناد و مدارک و اطلاعات بین

---

۱. منظور اشغال سفارت آمریکا در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ است که دکتر یزدی و سرهنگ توکلی از اشغال سفارت آمریکا جلوگیری کردند و کارکنان سفارت را از اسارت آزاد و از کشتار احتمالی آنان جلوگیری کردند. دکتر یزدی، داستان آن ماجرا را در جلد چهارم خاطرات خود آورده است (ویراستار).

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۴۷

سازمان پلیس مادر، یعنی سیا و فرزندان حرامزاده آن یعنی موساد، ساواک، دیتا (پلیس مخفی شیلی)، کی سیا (پلیس مخفی کره جنوبی) و به طور کلی پلیس مخفی اقمار آمریکا جزء کارهای روزمره بوده. ساواک ایران در تربیت پلیس مخفی پاکستان دست داشت. در افغانستان، پیش از تره‌کی، یکی از شعارهای انقلابی عبارت بود از: «مرگ بر سیا، مرگ بر ساواک»؛ به دلیل اینکه هر دو در افغانستان حضور داشتند. آیا این درست است که ساواک احیا شده، رسماً فعالیت می‌کند؟ وظیفه این ساواک چیست؟

تا آنجا که اطلاعات مردم ایران مربوط به فعالیت‌های ساواک گذشته می‌شود، آن دستگاه جهانی حتی یک بار هم جاسوس خارجی در این مملکت نگرفت. ساواک با مرزهای ایران، با جاسوسانی که سراسر مملکت را در ید قدرت خود داشتند، کوچک‌ترین سر و کاری نداشت. ساواک فقط یک کار کرد: سرکوب، شکنجه، قتل و اعدام مبارزان راه آزادی. ساواک پرونده‌سازی کرد برای کلیه مردم ایران. شما گفته‌اید که «دولتی که شما رأس آن هستید، هرگز دست به پرونده‌سازی نخواهد زد: نه برای اشخاص بد و نه برای اشخاص خوب». این نیت خوبی است، ولی اگر یک دستگاه مشابه ساواک احیا شده باشد و چند ماه بیشتر به حکومتی که شما از انقلاب به ارث برده‌اید پیوند زده شده باشد آیا این بر عهده شما نیست که هرچه زودتر آن را از میان بردارید تا هم حکومت خود و هم مردمی را که شما بر آن حکومت می‌کنید، از شر آن خلاص کنید؟ آقای رئیس‌جمهور، مردم ایران از هیچ چیز مثل ساواک نفرت نداشتند. مزدوران ساواک از نظر آنان بدترین دژخیمان تاریخ بودند. عامل اجرای سانسور، هم در سطح عینی و هم در سطح درونی و ذهنی، ساواک بود. بین عطاءالله تدین، رئیس چندین ساله در وزارت اطلاعات<sup>۱</sup> سابق، و ثابتی و حسین زاده، یک رابطه منسجم و محکم تاریخی بسته شده بود. مبارزه با سانسور تنها به صورت انتزاعی و مجرد نمی‌تواند وجود داشته باشد. ساخته‌های جهانی سانسور باید برای همیشه نابود شوند: هم در سطح دیکته کردن خیر و نظر و برنامه، که به وسیله امثال محسنیان، نیکوخواه، پورخالچی و تدین صورت می‌گرفت و هم در سطح اعمال و اجرای سانسور که از

---

۱. نام وزارت اطلاعات و جهانگردی، در دوران حکومت اسلامی به «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» برگردانده شد (ویراستار).

## ۵۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

طریق شکنجه و ارباب و قتل و به وسیلهٔ امثال ثابتی، حسین‌زاده و صمدی تحقق پیدا می‌کرد.

جامعهٔ ما باید از دوزخ «مجرمانه»، «سری»، «روا»، «ناروا»، و «مشکوک» و «قابل تعقیب» بیرون بیاید. جامعهٔ ما هنوز سلامت خود را به دست نیاورده است. دولت شما باید با مردم روراست باشد. کلیهٔ عمال، مجریان و تشنگان سانسور، کلیهٔ علاقه‌مندان به احیای ساواک، و کلیهٔ ساواکی‌های حال و آینده را از حریم خود دور کنید. پاکی فقط نقش پاک نیست، پاکی عمل پاک است. اگر با سانسور مخالف هستید، بدانید که شما به یک پاکسازی در اطراف خود نیازمند هستید. کسانی که بخواهند ساواک را بسازند، چماق به دست و مأمور شکنجه و جوخه‌های اعدام بی‌دلیل را هم خواهند آفرید، زندان‌ها برخواهند افراشت پلشت‌تر، متعفن‌تر و ظلمانی‌تر از زندان‌های شاه؛ و دستگاه‌های شکنجه‌ای خلق خواهند کرد به‌مراتب پیچیده‌تر و ملموس‌تر از دستگاه‌هایی که در اوین و کمیته پیدا شد. کلیهٔ دستگاه‌های سانسور را که بعد از انقلاب در رادیو و تلویزیون به وجود آمد و دخالت‌های بی‌جا و ناروایی که در مطبوعات شده درست در قبل ریاست جمهوری خود، طرد کنید. دست رد به سینهٔ کسانی بزنید که عاشق صدا و عقاید خود بودند [و] برای سی و شش میلیون نفر مردم ایران، و برای صداها و عقاید آنان، کمترین ارزشی قائل نبودند. شما بنیان‌گذار نخستین مناظرهٔ علنی تلویزیونی بودید. مردم ما از این قبیل مناظره‌ها سودها توانند برد. مطبوعاتی را که به حیل‌های مختلف تعطیل شدند؛ دوباره آزاد کنید. از کسانی که به علت دفاع از آزادی مطبوعات کتک خوردند و یا در زندان‌ها ماندند دلجویی و اعادهٔ حیثیت کنید. قلم کسانی را بشکنید که به آزادی مطبوعات خیانت کردند؛ و از همه بالاتر به ما اطمینان بدهید که دیگر هرگز از سانسور خبری نخواهد بود و ساواک را اگر احیاناً احیا شده باشد، هرچه زودتر در گوری عمیق چالش کنید. اگر ساحت شوم ساواک را چال نکنید، نه تنها برای مردم ایران، بلکه حتی برای رئیس جمهوری منتخبت آنان پرونده خواهد ساخت. هر قدر دیوان‌سالاری حکومت مرکزی پیچیده‌تر، متمرکز و گردن‌کلفت‌تر باشد، به همان اندازه، سردمداران این دیوان‌سالاری خواهند

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۴۹

خواست که یک پلیس مخفی پیچیده و متمرکز و گردن کلفت بر تمام شئون اجتماعی کشور از جزئی و کلی سیطره پیدا کند.

### اعلام اسامی ساواکی‌ها

پرسش دیگر مردم ما باز مربوط به ساواک است. صاحب این قلم و ده‌ها قلم و گروه و مجمع و حزب، در گذشته از حکومت موقت انقلاب خواستند که پرونده‌های ساواک را باز کند. دولت نه تنها کوچک‌ترین پاسخ مثبتی به این درخواست منطقی و انقلابی نداد، بلکه مردم را با واقعیت بازسازی ساواک روبه‌رو کرد. دولتی که به فکر بازسازی ساواک بیفتد، مجبور خواهد شد که از عده‌ای از ساواکی‌های سابق استفاده کند و به همین دلیل، حاضر نخواهد شد لیست ساواکی‌های کشور را افشا کند. آقایان صادق طباطبایی و هاشمی رفسنجانی با افشای نام ساواکی‌ها مخالفت کرده‌اند. آقای دکتر بهشتی نیز همان‌طور. می‌گویند اگر نام ساواکی‌ها افشا شود، حیثیت اشخاص به خطر خواهد افتاد و سنگ روی سنگ نخواهد ماند، ولی شما نباید از به خطر افتادن حیثیت ساواکی‌ها ترسی به خود راه دهید. کسی که خربزه خورده باید پای لرزش هم بنشیند. یک ساواکی پیش از ساواکی شدن باید می‌دانست که دوران محمدرضا شاه، جاودانی نخواهد بود. آن وقت او به خود می‌لرزید و از عضویت در ساواک عذر می‌خواست. حیثیت شخصی که ساواکی است با شخصی که ساواکی نیست هرگز یکی نباید باشد. اولی باید افشا شود و دومی باید مصون از تعرض باقی بماند. این کار تنها به خاطر تقاص گذشته نباید صورت بگیرد، بلکه هدف اصلی آن پیشگیری برای آینده است. اگر ساواکی گذشته، افشا و از جامعه طرد شود، دیگر کسی در آینده به سوی دستگاه‌های مشابه ساواک رغبت و تمایل پیدا نخواهد کرد. آیا این به دلیل اندیشه بازسازی ساواک و به دلیل پیشنهاد یک سیستم پلیسی برای آینده کشور است که قدمای در حکومت کنونی، و آن هم از اعضای شورای انقلاب، عدم موافقت خود را با افشای اسناد ساواک و ناساواکی‌ها اعلام می‌کنند؟ آیا دولت مدافع حیثیت ساواکی‌هاست و یا مدافع حیثیت آنانی که ساواکی نیستند؟ ولی انواع شایعات درباره معلمان در سراسر کشور موج می‌زند. من دو تن از کسانی را که در دانشگاه تهران به نام ساواکی افشا شده‌اند، می‌شناسم. اینان گه‌گاه در دانشگاه رفت و آمد می‌کنند. کسی

## ۵۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

متعرض آنان نیست، ولی این هم طبیعی است. نه کسی حاضر نیست در زیر یک سقف با این دو بنشیند. یکی از این دو [که] در مرکز تصمیم‌گیری دانشکده ادبیات و در شورای هماهنگی جای داشت؛ به محض افشای نامش از این مرکز رانده شد. حیثیتش را از دست داد، ولی جانش در خطر نیست.

مسئله آخر که در مورد محرمانه بودن امور به نظرم می‌رسد، موضوع اعتراضات آقای بازرگان است. آقای بازرگان، پس از افشا شدن فعالیت‌های پیش از انقلاب نهضت آزادی در رابطه با آمریکا به وسیله دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ناگهان به فکر اعتراف افتاده است. بخشی از اعترافات آقای بازرگان، از نوع همان اعترافاتی است که امیرانتظام، سخنگوی اسبق دولت موقت آقای بازرگان، در نامه خود خطاب به مردم ایران گنجانده است. آقای امیرانتظام هم اعترافات خود را بعد از افشا نمودن به رشته تحریر کشیده است. روابط ملی و سببی مسئله روشن است: اگر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام دست به افشاگری نمی‌زدند، چه بسا که آقایان بازرگان و امیرانتظام حاضر به اقرار به داشتن رابطه با مقامات آمریکایی نمی‌شدند. از آنجا که آقای مهندس بازرگان درست در مرکز کلیه حوادث پیش از انقلاب و بعد از انقلاب قرار داشت و از آنجا که ایشان هنوز عضو شورای انقلاب است و حتی می‌تواند ساعت‌ها از وقت تلویزیون را برای توجیه اقدامات خود بگیرد، شما به عنوان رئیس‌جمهوری، که قاعدتاً مسئولیت کلیه امور مملکت را نیز بر عهده دارید آقای مهندس بازرگان را مکلف کنید که به پرسش‌هایی که در جامعه ما موج می‌خورد، در یک مصاحبه و بحث تلویزیونی جواب‌های قانع‌کننده بدهد.

این پرسش‌ها را می‌توان دقیقاً فرموله کرد و حتی پیش از انجام مصاحبه در اختیار آقای مهندس بازرگان گذاشت. به نظر من رفتار آقای بازرگان، شیوه کار ایشان، روابطی که ایشان با سالیوان و امثالهم برقرار کرده، به انقلاب ایران شدیداً لطمه زده است. علاوه بر این، ایشان از اقدامات اپوزیسیون خارج از کشور در دوران شاه تصویری بسیار مخدوش و مبهم ترسیم کرده است؛ طوری که انگار کلیه اقدامات اپوزیسیون خارج از کشور در حمایت از مبارزان داخل کشور منتهی به این می‌شد که در سر بزنگاه آقای مهندس بازرگان و آقای سالیوان بتوانند به دور یک میز بنشینند و برای

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۵۱

جهتی که باید انقلاب ایران در پیش بگیرد تعیین تکلیف نمایند. پروندهٔ مرده‌ریگ مبارزهٔ اپوزیسیون خارج از کشور، روشن‌تر از آن است که روزی آقای صادق قطب‌زاده آن را به خود تخصیص دهد، روزی دیگر آقای دکتر یزدی و روزی دیگر مجموعهٔ مبهمی به نام نهضت آزادی خارج از کشور. اگر آقای مهندس بازرگان معتقد است که نهضت آزادی خارج از کشور در طول سال‌هایی که انقلاب باشکوه ایران از چهار پنج سال پیش شکل می‌گرفت و پیش می‌آمد، کاری در راه افشای رژیم شاه سابق، سیا و امپریالیسم در این سوی و آن سوی جهان کرده است، آقای مهندس بازرگان اسناد این مبارزه را از اجتماعات، مصاحبه‌ها، تلگراف‌ها، مقالات چاپ شده در روزنامه‌های معتبر جهان گرفته تا کتب مربوطه به پرده‌برداری از شکنجه‌های ساواک و غارت‌های شاه از ثروت‌های مادی و معنوی کشور ما چاپ کند. حداقل ریز این فعالیت را با تاریخ اجتماعات، مصاحبه‌ها و روزنامه‌ها. تا مردم ایران روشن شوند که صحت و سقم حرف‌های آقای بازرگان تا چه اندازه است. وقتی که انقلاب ایران به‌ویژه بعد از جمعهٔ خونین سیاه سال ۵۷ جان گرفت و نام امام بر صفحهٔ اول روزنامه‌های جهان نقش شد، به‌ویژه پس از سفر امام به پاریس و تبدیل شدن آن شهر به کانون مبارزهٔ رهایی‌بخش و رهبری، عده‌ای هم ترس‌های قبلی خود را از حکومت شاه و ساواک و سیا کنار گذاشتند، در این سوی و آن سوی از مبارزهٔ مردم ایران دفاع کردند. امام اینان را از ترس‌هاشان رهایی بخشید و اینان در سایهٔ امام از شکنجه‌های ساواک هم سخن گفتند. مطبوعات جهان، خبرگزاری‌ها، رادیو تلویزیون‌های معتبر، کتابخانه‌های بزرگ، می‌توانند شهادت دهند که مبارزه علیه شاه در خارج از کشور به وسیلهٔ کسانی رهبری شد که بعدها از سر فروتنی و یا به علت داشتن مشلغ‌های دیگر، فرصت نکردند تاریخچهٔ مبارزات خود را به رشتهٔ تحریر بکشند. علاوه بر این، کسانی که تاریخ را می‌سازند دیگر آن را نمی‌نویسند، بلکه برعکس کسانی که از راه توطئه بر جای دیگران تکیه می‌زنند تاریخ جنی هم می‌نویسند. اگر به مبارزات اپوزیسیون واقعی خارج از کشور حداقل در طول پنج سال آخر سلطنت شاه علاقه‌ای در محافل حکومت کنونی هست، بهتر است گروهی مأمور شوند تا اسناد و مدارک، فیلم‌ها و مصاحبه‌های این اپوزیسیون را جمع‌آوری کنند و در اختیار مردم ایران قرار دهند. ما از همین حالا به

## ۵۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

اطلاع انقلابیون ایران می‌رسانیم که نهضت آزادی در خارج از کشور، نه سر پیاز بود و نه ته پیاز؛ و مبارزه بی‌امان علیه شاه را در غرب کسانی رهبری کردند که امروز در محافل تصمیم‌گیری انقلاب ایران، نه سر پیاز هستند و نه ته پیاز. و اتفاقاً آقای مهندس بازرگان در دور ننگه داشتن رهبران اپوزیسیون خارج از کشور از حریم تصمیم‌گیری انقلابی و حتی محروم کردن آنان از فعالیت ساده و سالم اجتماعی - سیاسی، نقش اساسی بازی کرده است.

### بازرگان و افشاگری

چنین وانمود شده است در نوشته و گفته آقای مهندس بازرگان در شماره ۱۸ بهمن «اطلاعات» و در برنامه تلویزیونی شب همان روز که کلیه فعالیت‌های حقوق بشر در دوران شاه و افتضاح رژیم، منتهی به این می‌شد که با امضای برجسته سفارت و وزارت خارجه آمریکا که در رابطه با حقوق بشر بین‌المللی بودند ملاقات هاشمی انجام شود. در ادامه همین نوع برداشت و پس از برشمردن حوادث نزدیک به بهمن‌ماه ۵۷ آقای بازرگان چنین می‌نویسد:

«روی همین نظر بود که در اوایل بهمن‌ماه ۱۳۵۷ جلسه سه نفری سری با شرکت یکی از آقایان روحانیون شورای انقلاب، مهندس بازرگان و سفیر آمریکا تشکیل گردید. موضوع، برگزاری رفراندوم جهت تبدیل مشروطیت سلطنتی به جمهوری اسلامی مورد بحث قرار گرفت. نظر سفیر این بود که رفراندوم را وزارت کشور یعنی دولت بختیار انجام دهد تا محظوری از نظر اصول دیپلماسی و حقوق بین‌المللی برای آنها پیش نیاید؛ درحالی‌که دو نفر دیگر عقیده داشتند رفراندومی که دولت اعلام نماید، ملت در آن شرکت نخواهند کرد؛ بنابراین، بهتر است این کار در مساجد و مدارس انجام شود و دولت نظارت نماید، مگر آنکه وزیر کشور و دولت، مورد انتخاب و اعتماد رهبری انقلاب باشد.»

تا آنجا که ما می‌دانیم امام در هیچ مرحله‌ای از زندگی خود حاضر با سازش با آمریکا نشده است. دو ویژگی بزرگ امام عبارتند از: سازش ناپذیری با سلطنت و سازش ناپذیری با امپریالیسم آمریکا. در تمام مدتی که امام در پاریس بود، سخنان امام،



### برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۵۳

آتشین‌ترین کلمات علیه شاه و آمریکا بود. پذیرفتن امثال «ریچارد کاتم» به وسیله امام هرگز به معنای مذاکره حضوری درباره روابط ایران با آمریکا و یا سازگاری نشان دادن با آمریکا نمی‌تواند باشد. وقتی که «رمزی کلارک» نماینده خود و نماینده کوشش‌های خود برای حاکمیت حقوق بشر در ایران و سایر کشورهای محروم جهان بود، امام او را پذیرفت، ولی وقتی که او خواست به نام کارتر کوب<sup>۱</sup> سوار بر هواپیمای شماره یک نیروی هوایی آمریکا برای حل مسئله گروگان‌ها به ایران بیاید و به حضور امام برسد، امام از پذیرفتن او امتناع کرد. امامی که بر سر مبارزه علیه کاپیتولاسیون اتباع آمریکا در ایران، از میهن خویش تبعید شده، چگونه می‌تواند بپذیرد که در اوج انقلاب ایران، وقتی که اسلحه آمریکایی مستشاران آمریکا، ارتش تا خرخره مسلح ایران به دست آمریکا از مردم ایران قربانی می‌گیرند، نخست وزیری است که او قرار است انتخاب کند، با سالیوان خون آشام وارد مذاکره شود و آن هم درباره فراندوم جهت تبدیل مشروطیت سلطنتی به جمهوری اسلامی؟

خود آقای مهندس بازرگان تا سه چهار روز پیش از برگزاری فراندوم عملاً معتقد به جمهوری دموکراتیک اسلامی بود؛ پس چگونه می‌توانست درباره جمهوری اسلامی به بحث بنشیند. و علاوه بر این، تکلیف آن «نیم درصدهایی» که آقای بازرگان بدانان از رادیو و تلویزیون دشنام می‌داد، چه می‌شد و یا می‌شود؟ اگر آقای مهندس بازرگان پیش از فراندوم افشا می‌شد و معلوم می‌شد که به اعتراف خود ایشان مسئله «فراندوم جهت تبدیل مشروطیت سلطنتی به جمهوری اسلامی» با سالیوان در میان گذاشته شده، آیا این امکان نبود که فقط نیم درصد به جمهوری اسلامی رای بدهند؟ و آن هم خود آقای بازرگان باشد و امیرانتظام و چند تن که در کنار ایشان با سالیوان به مذاکره نشسته بودند؟

آقای رئیس جمهور، بیش از بیست میلیون نفر به جمهوری اسلامی رأی موافق دادند، ولی آقای بازرگان به نیابت از طرف چه مقامی با سالیوان، مسائل داخلی ایران را در میان گذاشته است؟

---

۱. این کلمه در متن کلیشه روزنامه ناخواناست، مگر آنکه کارتر کوب سر هم خوانده شود (ویراستار).

## ۵۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

آنان که مذاکرات آقای بازرگان و سالیوان را به مذاکرات «له دوکتر»، «کیسینجر»، در جریان ویتنام، و مذاکرات رهبران انقلاب الجزایر و استعمارگران فرانسه تشبیه می‌کنند، از یک نکته به کلی غافل هستند. ویتنام شمالی در حال جنگ با آمریکا و ملت الجزایر در حال جنگ با فرانسه بودند.

مردم ایران به‌طور علنی با آمریکا نمی‌جنگید. ملت ایران می‌خواست سلطنت حمایت‌شده به وسیله آمریکا را از میان بردارد. دولت شاه و حامی آن، یعنی آمریکا، روز به روز در حال عقب‌نشینی بودند. آمریکا دچار بزرگ‌ترین بحران سیاسی خود بعد از جنگ ویتنام شده بود. در آن زمان در مطبوعات آمریکا مدام صحبت از این بود که دو جریان در انقلاب ایران وجود دارد: یکی جریانی محافظه‌کارانه که با آن دولت آمریکا از طریق سالیوان در تماس است و دیگری جریانی سازش‌ناپذیر به رهبری امام خمینی، که دست رد به سینه هرگونه سازش با آمریکا زده است. آمریکا آلترناتیو رهبران جبهه ملی را امتحان کرد، ولی این آلترناتیو نه مورد قبول ملت قرار گرفت و نه مورد قبول امام. بعدها آمریکا از این آلترناتیو به سوی آلترناتیو محافظه‌کار دیگر حرکت کرد. این آلترناتیو کسی جز بازرگان و گروه او نبودند. آقای مهندس بازرگان با سالیوان، نه در ادامه انقلاب ایران به رهبری امام، بلکه در برابر آن، به عنوان ترمز انقلاب ایران، و به عنوان کسی که مانع حرکت ضد آمریکایی قیام بشود و موقعیت را به دلخواه آمریکا، از طریق حکومتی بی‌شاه ولی در واقع وابسته به آمریکا فیصله دهد، مذاکره کرده است. کلیه اقدامات بعدی آقای بازرگان در زمان نخست‌وزیری حاکی از این است. عذرخواهی ایشان از دولت آمریکا به خاطر اشغال چند ساعته سفارت آمریکا در چند روز بعد از شورش بهمن، ملاقات چهار ساعته دکتر یزدی، وزیر خارجه و آقای بازرگان با «سایروس ونس» به مدت چهار ساعت در نیویورک، ملاقات بعدی آقایان بازرگان، یزدی، چمران با «برژینسکی»، سرکوب زدن دائمی آقای بازرگان به تمام مبارزان کشور، تعطیل روزنامه‌ها و برقرار کردن سانسور در رادیو - تلویزیون، و لاینحل گذاشتن مسائل اساسی کشور، من جمله مسئله بسیار مهم ملیت‌ها، رسوا کردن اخلاق انقلابی مردم ایران در انظار جهانیان با تن دادن به اعدام زنان فقیر بیچاره‌ای که قوت لایموت خود را از طریق تن‌فروشی تأمین می‌کنند (و نه مثل آنانی که ملت را

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۵۵

به‌طور سری بر سر قمار مذاکره با سالیوان می‌بازند). آری، این مسائل و ده‌ها مشکل لاینحل دیگر که شما به عنوان رئیس‌جمهوری از حکومت موقت آقای بازرگان به ارث برده‌اید، پرونده سیاسی آقای بازرگان را برای همیشه در برابر مردم ایران مفتوح نگاه می‌دارد.

### شکار گراز با تله موش

آقای رئیس‌جمهور، شرف انقلابی حکم می‌کند که پرده از روی کلیه مذاکراتی که بین به اصطلاح رهبران ملی و عمال آمریکا در کلیه مراحل انقلاب ایران صورت گرفته است، به‌طور کامل برداشته شود. از این بابت، نه مهندس بازرگان، نه دکتر یزدی، نه دکتر چمران، نه دکتر بهشتی، نه هاشمی رفسنجانی باید از سؤال و جواب مصون باشند و نه کلیه کسانی که به نحوی دست‌اندرکار برقرار کردن نوعی رابطه مجدد با دولت آمریکا بودند و ممکن است هنوز ما از نام و نشان‌شان خبری نداشته باشیم.

شایعاتی که بر جامعه ما حکومت می‌کند از انقلاب ما تصویری دیوانه‌کننده ترسیم می‌کند که رفع و دفع آن برعهده کلیه آزادی‌خواهان واقعی، مدافعان راستین زحمت‌کشان ایران، و نیز رئیس‌جمهور منتخب بیش از ده میلیون ایرانی است. جنون تعقیب، سوءظن، محیط ترس و ارعاب، بازار افترا و بهتان و تفتین سخت رواج دارد. هنوز قانون، دستاویزی است برای زورمندان، و اشخاص سالم و انقلابی، بار دیگر دقیقاً مثل دوران شاه، از هر چند قدم، پشت سر خود را می‌نگرند که مبادا یکی کاردی از پشت سر در دنده‌هاشان فرو کند. اوباشان یله در خیابان‌ها هستند و چهره‌های محبوب انقلاب را به رسم شغال‌های دروغین خود می‌آلایند. چهره گلگون حقیقت را حاکمیت یک ساله سانسور گل گرفته است.

در سفارتخانه‌های ما در اکثر کشورهای جهان، اشخاصی جا خوش کرده‌اند که نه تنها از کوچک‌ترین وجهه ملی و جهانی برخوردار نیستند، بلکه نه ایران را می‌شناسند و نه جهان را. این تنها عمال صهیونیسم و امپریالیسم نیستند که با خدعه‌ها و فریب‌ها و دروغ‌پردازی‌های همیشگی خود انقلاب ایران را انقلابی ضد انسانی و ارتجاعی نشان می‌دهند. جهل اکثریت قریب به اتفاق سفرای ما در رابطه با ایران و جهان، بزرگ‌ترین خیانت را به آبروی انقلاب در جهان می‌کند.

## ۵۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

بازی‌های دم‌دمی وزارت ارشاد ملی با رسانه‌های خارجی و نمایندگان آنها در ایران - که حاکی از حس خودفروترینی سردمداران این وزارتخانه است - روابط ما را با بخشی از جهان قطع کرده است. همین رسانه‌ها پیامبر انقلاب ایران بودند. پیام خوب را خوب و پیام بد را بد گزارش کردند. اگر این رسانه‌ها مخالف انقلاب ایران بودند، پس چرا صدای امام در پاریس را به جهان مخابره می‌کردند؟ ترس سردمداران حکومت از برملا شدن واقعیت خفقان و سانسور در ایران، آنان را به سوی ساخت‌های جدید سانسور راند و الگوی جدیدی در مبارزه با افشای واقعیت‌ها و کمبودهای انقلاب ایران به وجود آورد.

آقای رئیس جمهور، وظیفه تاریخی همه ما ایجاب می‌کند که کلیه چیزهای به اصطلاح محرمانه را از پستویله پرونده‌ها و اذهان مفتن و توطئه‌گر بیرون بکشیم و صاف و پوست‌کنده به مردم ایران معرفی کنیم. این وظیفه بیش از هر شخص دیگر در کشور بر دوش شما سنگینی می‌کند. هر نوع زمینه‌تراشی هم که در پیش از انتخابات ریاست جمهوری به عمل آمده باشد و هر نوع محدودیت که برای دیگران تراشیده شده باشد، یک نکته بدیهی است: هیچ‌کس در ایران تاکنون ده میلیون رأی را به تنهایی به خود تخصیص نداده است. این رأی‌ها به حق یا به ناحق به شما داده شده باشد، باز هم قضیه در اصل فرق نمی‌کند. شما در برابر آن آرا باید تعهد نشان بدهید و باید کلیه اعمال خود و دولت را به دیگران گزارش کنید. باید هوشیارتر از آن باشید که فردا جمعی پرونده مذاکرات شما را با دیگران از جاسوسخانه‌ها بیرون بکشند. به دلیل اینکه آنگاه تاریخ درباره شما قضاوتی خواهد کرد؛ از نوعی که امروز اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران درباره آقای بازرگان می‌کنند. هر نکته‌ای که بین شما و مردم سدی ایجاد کند، شما را به سوی نه تنها بیگانگی از خلق، بلکه بیگانگی از خویش خواهد راند.

آقای رئیس جمهور، انحصارطلبی، عدم آشنایی انحصارطلبان با جهان امروز، جملات خسته‌کننده، مبتذل و بازاری به دانش و صنعت و هنر، تنگ‌نظری در حق بینش‌های فلسفی و سیاسی و اجتماعی جهان، تکرار تهوع‌آور شعارهای از محتوا خالی شده، روح انقلاب را در معرض پژمردگی و یأس و نومیدی قرار داده است. چرا باید

## برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۵۷

ملتی که انقلابی به این عظمت کرده، مأیوس و دل‌مرده باشد و آن هم در عرض کمتر از یک سال، عده‌ای از آحاد افراد ملت آنچنان دلسرد شده‌اند که می‌گویند بند خفقانی پلیدتر و متعفن‌تر از دوران گذشته در پیش داریم! چرا باید انقلاب ما این قدر به اندوه و غم، به فقدان شادی آغشته شده باشد؟ رادیو - تلویزیون آنچنان عقب‌مانده، کسل‌کننده، و سرپایش آنچنان تکراری است که روح را چون خوره هم در انزوا می‌خورد و هم در جمع.

آیا ما انقلاب کرده‌ایم تا هنر را، شعر را، کلام منسجم و منطقی و موزون را در آشغال‌دانی بریزیم و تن به شستشوی مغزی نحیفانه‌ای بدهیم که ما را به ریشه‌های بشریت و به پهنای زمان و مکان بیگانه می‌کشد؟ مگر شاعران، نویسندگان، سخنوران، سخنگویان، متفکران جامعه ما مرده‌اند که این قدر زندگی انقلابی ما بی شعر و بی هنر و بی سخن و بی اندیشه می‌گذرد؟

سؤالی که از ذهن کلیه مردمان ایران می‌گذرد این است: این پشت پرده‌ای‌ها چه کسانی هستند که ملت را از انقلاب دلسرد می‌کنند؛ بر عرصه تفکر و خلاقیت ما سکوت گورستان‌ها را حاکم می‌کنند و صدای هرگونه انتقاد و راهگشایی را با طعن و مسخره، چوب و چماق و تهدید به قتل پاسخ می‌گویند؟

آقای رئیس جمهور، تا موقعی که هم خویش و هم غرب را به خوبی نشناخته‌ایم غرب‌زده‌ایم. بدترین غرب‌زده کسی است که غرب را نشناسد و به کسی که غرب را می‌شناسد مدام دشنام غرب‌زده بدهد. با تله موش شکار گراز نتوان کرد. لازمه شکار گراز، شناسایی کامل گراز است. عدم آشنایی با اختصاصات گرازی که غرب باشد، انقلاب ما را در انتظار توده‌های غربی رسوا کرده است. دولت‌های غربی حق دارند از انقلاب ما نفرت داشته باشند؛ به دلیل اینکه انقلاب ما این دولت‌ها را به خطر انداخته است، ولی چرا توده‌های غربی باید از انقلاب ما بیزار باشند؟ به دلیل اینکه با مغزهایی کوچک‌تر از تله موش به سراغ گراز رفته‌ایم!

سؤالی که مردم ایران دارند این است: چه کسانی از پشت پرده، این تله‌موش‌ها را به دست ما داده، ما را از هیبت شوم گراز غافل کرده‌اند و مغزهای متفکر جامعه ما را مغزهایی که قدرت درک اختصاصات گراز را دارند، به انزوا و عزلت رانده‌اند؟

## ۵۵۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

من اعتقاد کامل دارم که پاسخ شما به این پرسش‌ها، بین شما و مردم، رابطه‌ای ملموس، دقیق و سیاسی ایجاد خواهد کرد و فضای سیاسی مملکت نفس راحتی خواهد بود برای اقشار و طبقاتی که روزی سرانجام زمام امور کشور خویش را به دست خواهند گرفت.

آقای رئیس جمهور، این پرسش‌ها امروز در برابر شما صف کشیده‌اند. پاسخ‌های شما، بی‌شک مردم ما را شادکام خواهد کرد.

رضا براهنی



## ۵۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دفع برداشتاً یافته سرمایه گذاری دولتی ایران در خارج و دریافت سود حاصل  
از سرمایه گذارین با پایان ۱۳۵۹ ق. م

ردیف	کد	شرح سرمایه گذاری	مبلغ تعیین شده	برداشت کسوف	مانده برداشت نشده	تاریخ سود حاصل	از سرمایه گذاری
۱	۱	خرید ۲۵۲۲۲ درصد سهام شرکت فولاد سازی کویچ	۱۲۵/۷	۱۲۵/۷	۱۲۵/۷	۲/۸	-
۲	۲	خرید ۲۵۲۰۱ درصد سهام سهام کویچ	۴۰۰/۴	۴۰۰/۴	۴۰۰/۴	۲/۴	-
۳	۳	سرمایه گذاری در شرکت جیران کربنات	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۲/۵	-	-
۴	۴	خرید ۲۵۲۰۲ درصد سهام شرکت دوجبه مگالک	۱۱۸/۸	۱۱۸/۸	۱۱۸/۸	۱۱/۳	-
۵	۵	خرید ۴۰ درصد سهام شرکت های RIZI - RIZI	۸۴/۳	۸۴/۳	۸۴/۳	۲۸/۴	-
۶	۶	تاسیس شرکت مصلحت سرمایه گذاری ایران و کویچ در زویج	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۱/۲	-
۷	۷	تاسیس شرکت مصلحت و سرمایه گذاری در تولید از طریق سرمایه	۳۱/۱	۳۱/۱	۳۱/۱	-	-
۸	۸	ایجاد شرکت سرمایه گذاری در شرکت	۵/۳	۵/۳	۵/۳	-	-
۹	۹	سرمایه گذاری در شرکت جیران کربنات	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰/۳	-	-
۱۰	۱۰	ایجاد شرکت سرمایه گذاری در شرکت کویچ	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۲	-
۱۱	۱۱	مشارکت در ایجاد سرمایه شرکت آستران	۳/۸	۳/۸	۳/۸	-	-
۱۲	۱۲	خرید سهام بانک ملی اردی	۴/۳	۴/۳	۴/۳	-	-
۱۳	۱۳	سرمایه گذاری در شرکت زینت باکی - ایران	۱۲/۲	۱۲/۲	۱۲/۲	-	-
۱۴	۱۴	سرمایه گذاری در شرکت سهامی کت - ایران	۵/۳	۵/۳	۵/۳	-	-
۱۵	۱۵	مشارکت در ایجاد سرمایه شرکت اراک	۲/۵	۲/۵	۲/۵	-	-
۱۶	۱۶	خرید مالکانه شرکت آراک	۱/۲	۱/۲	۱/۲	-	-

آقای حسن علی  
مستاد احمد و سایرین  
تعمیرات آن شرکت را نمایند



برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۶۱

ردیف	تاریخ وقوع	مکان وقوع	شرح واقعه	مبلغ خسارت	توضیحات	وضعیت فعلی
۱	۱۳/۵	تهران	تأسیسات بانک سرمایه گذاری مصر و لبنان	۱۳/۵	۱۳/۵	۱
۲	۲۱/۷	تهران	مشارکت در احداث کارخانه نساجی مصر و لبنان	۲۱/۷	۲۱/۷	۲
۳	۲۰/۳	تهران	خرید ۱۵ درصد سهام شرکت آستک از شرکت پودینتر	۲۰/۳	۲۰/۳	۳
۴	۲۸/۷	تهران		۷/۲۲/۸	۸۹۹/۱	۷
۵						۸
۶						۹
۷						
۸						
۹						
۱۰						
۱۱						
۱۲						
۱۳						
۱۴						
۱۵						
۱۶						
۱۷						
۱۸						
۱۹						
۲۰						
۲۱						
۲۲						
۲۳						
۲۴						
۲۵						
۲۶						
۲۷						
۲۸						
۲۹						
۳۰						
۳۱						
۳۲						
۳۳						
۳۴						
۳۵						
۳۶						
۳۷						
۳۸						
۳۹						
۴۰						
۴۱						
۴۲						
۴۳						
۴۴						
۴۵						
۴۶						
۴۷						
۴۸						
۴۹						
۵۰						
۵۱						
۵۲						
۵۳						
۵۴						
۵۵						
۵۶						
۵۷						
۵۸						
۵۹						
۶۰						
۶۱						
۶۲						
۶۳						
۶۴						
۶۵						
۶۶						
۶۷						
۶۸						
۶۹						
۷۰						
۷۱						
۷۲						
۷۳						
۷۴						
۷۵						
۷۶						
۷۷						
۷۸						
۷۹						
۸۰						
۸۱						
۸۲						
۸۳						
۸۴						
۸۵						
۸۶						
۸۷						
۸۸						
۸۹						
۹۰						
۹۱						
۹۲						
۹۳						
۹۴						
۹۵						
۹۶						
۹۷						
۹۸						
۹۹						
۱۰۰						

\* سرمایه دولت ایران در شرکت تراکس ایران - گوریزمین لوکزامبورگ مبلغ یک میلیون دلار در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۸۰ برگشت داده شد.

۵۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

۱۷

وضع پرداختی حسابی اعتباری دولت ایران تا پایان شهری ۱۳۵۲

(ارقام به میلیون دلار)

نام کشور یا مؤسسه	شرح	مبلغ	پرداخت شده	باقی بمانده
ایران های علی‌الصلوات				
سازمان بهداشت جهانی	سازو با ۱۱ بلندی	۰/۵	۰/۵	-
سازمان ملل متحد	۱ برای برنامه کنکای اعتباری	۲۰/-	۲۰/-	-
	۲ هزینه نگهداری نیروهای مسلح در جزایر	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	-
	۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	-
	۴ هزینه مرکزی - آل ری	۱/۵	۱/۵	-
	۵ کمک به آوارگان فرانس	۰/۱	۰/۱	-
	۶ اعتباری کمک بلاعوض به اسکاپ	۰/۰۲	۰/۰۲	-
مردم آویک و متحدین در ایران	مردم آویک و متحدین در ایران در صندوق توسعه کشاورزی	۲۲۰	۱۲۶/۲	۹۳/۸
جمع		۲۲۲/۱	۱۲۸/۲	۹۳/۸
کشورهای صنعتی غربی				
آمریکا	۱ کمک به دانشگاه پردیس	۱/-	۱/-	-
	۲ برگزاری سمینار نقش زن در توسعه اقتصادی	۰/۰۱	۰/۰۱	-
ایالت نیویارک	خرید تجهیزات بهاری برای نتردام دوام	۲/-	۲/-	-
انجمن صنعتی	تدارک گانه کالیفرنیا و نام دانشگاه کالیفرنیا	۰/۴	۰/۴	-
جمع کشورهای صنعتی غربی		۵/۴	۵/۴	-
کشورهای اروپای غربی				
فرانسه	۱ کمک به سازمان جهانی	۰/۰۵	۰/۰۵	-
جمع کشورهای اروپای غربی		۰/۰۵	۰/۰۵	-
کشورهای آسیای شرقی				
ژاپن	۱ اهدای و مرمت آبراهای ایران	۲/-	۲/-	-
	۲ کمک ایران به هند	۱۹/۷	۱۶/۶	۵/۱

در صورتی که در این صورت کلیه اقسامات و تسهیلات در اختیار دولت ایران قرار گیرد

که حسن نیت و همکاری در توسعه ایران و کمک به مردم ایران از طرف دولت ایران است  
 بعضی از این کمک به بعد از انقلاب و در کشور نیز جریان دارد و به دلیل فراموشی راههای زیر نظر حکومت ایران  
 ۱ بعد از انقلاب اقدام به کمک جدید کردیم در راه توسعه ایران است یا نه؟  
 ۲ بعد از انقلاب ما هم که پرداخت شده از طرفی دیگر که در دست است یا پرداخت شده است یا نه  
 ۳ در حال حاضر که از طرفی دیگر که در دست است یا پرداخت شده در هر دو سال به منظور تسهیلات است

برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۶۳

۴۱

نام کشور یا منطقه	شرح موضوع	منبع تهدید	برداشته شده	ماده برداشته شده
ایران	۳- تاسیس مالی خرید و تاکرات	۰/۵	۰/۵	-
	۴- کالج شهید فاضل و مراکز حرفه‌ای و کشاورزی و کامپیوتری	۵/-	۵/-	-
	۵- خرید اتوبوس و لوازم بدکسی	۲/۹	۲/۹	-
	۶- خانه سازی برای افسران ارتش	۱۰/-	۱۰/-	-
	۷- خرید اتوبوس و لوازم بدکی	۷/۳	۷/۳	-
	۱- برداشته سبزه اعتبار بانک مرکزی ایران	۰/۰۵	۰/۰۵	-
	۲- کمک برای مثالامات طرحهای آموزشی	۱۰/-	۱۰/-	-
افغانستان	۳- بهای ۱۵ درمده ۲۰ دستگاه اتوبوس و ۱۸ دستگاه خنثی	۱/۶	۱/۶	-
	۴- قسمتی از هزینه طرح تجهیز فرودگاه کامل	۲/۵	۲/۵	-
	۵- هزینه خرید وسائل چاپ و اعزام شخص	۰/۵	۰/۵	-
	۱- تعمیر و کاشیکاری آرامگاه محمد علی جناح	۱/۳	۰/۶	۰/۲
	۲- دانشگاه های فنی و مهندسی	۷/۲	۷/۲	-
دوبی، عمان، مصره	۳- کمک به مرکز مثالامات پاکستان در آمریکا	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	-
	۴- هزینه مربوط به نگاهداری مبارستان ها	۱۲/۳	۱۲/۳	-
	۵- طرح ساختمان شهری و خرید ماشین آلات راهسازی	۳/۳	۳/۳	-
	۱- تاسیس قسمتی از هزینه خرید کارهای اسلامی ترجمه	۰/۱	۰/۱	-
عمان، عمان	۲- هزینه خرید امانت کارآوران عمان	۰/۰۷	۰/۰۷	-
	۱- تاسیس قسمتی از هزینه ارزی طرحهای آموزشی	۱/-	۱/-	-
مالدیو	۲- ایجاد کارگاههایی برای تعمیر ناوهای ماهگیری	۰/۲	۰/۲	-
جمع کشورهای آسیای جنوبی		۸۷/۵	۸۱/۷	۵/۸
کشورهای آمریکایی	۱- کمک به امید دیدگان جنگالی موریانی	۱/-	۱/-	-
	۲- تامین مواد اولیه غذایی	۲/۵	۲/۵	-
	۳- تاسیس قسمتی از هزینه ساختمان بهداشتی سالم	۲/۵	-	۲/۵
	۴- تعدادات در مورد تاسیس بنی انسانی	۰/۰۲	۰/۰۲	-
	۵- تامین قسمتی از هزینه یک بیمارستان دائمی در کالیفرنیا	۲/-	۲/-	-
	۶- کمک به اجرای برنامه های آموزشی	۱/-	۱/-	-
جمع کشورهای آمریکایی		۱۲/۰۴	۷/۰۴	۲/۵
بازار کشورهای آسیا	۱- هزینه توسعه های انواع کشورهای خارج در ایستگاه	۱/۲	۱/۲	-
جمع کشورهای آسیا		۱/۲	۱/۲	-
جمع کل		۲۹۸/۳	۲۲۲/۱	۲۰۶/۱





## ۵۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

وضع پرداخت بابت وامها و تسهیلاتی اعتباری و سرمایه گذاری ایران فرط طرح و پرداخت امانت و سپرده کار سوز  
و امانت اعتباری و سود حاصل از سرمایه گذاری خارجی تا تاریخ ۳۰ / ۱۰ / ۵۹

(ارقام میلیون دلار)

شرح	تا پایان سال ۱۳۵۸										فره سال ۱۳۵۹ تا ۳۰ / ۱۰ / ۵۹					جمع تا تاریخ ۳۰ / ۱۰ / ۵۹				
	پرداخت شده					برداشت شده					برداشت شده					پرداخت شده				
	اصل	سود	کاربرد	سود	جمع	اصل	سود	کاربرد	سود	جمع	اصل	سود	کاربرد	سود	جمع	اصل	سود	کاربرد	سود	جمع
وام	۶۲۸۸	۱۳۹۲/۸	۲۶/۲	-	۴۲۲۲	۰/۹	۳۳/۷	۸/۷	-	۵۷۱/۴	۷۲۶۸/۴	۳۲۷۸/۷	۱۰۳۱/۶	۵۴/۰	۲۰۴۰/۰	۶۲۸۸	۱۳۹۲/۸	۲۶/۲	-	۴۲۲۲
تسهیل	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مربوطه	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
جمع	۶۲۸۸	۱۳۹۲/۸	۲۶/۲	-	۴۲۲۲	۰/۹	۳۳/۷	۸/۷	-	۵۷۱/۴	۷۲۶۸/۴	۳۲۷۸/۷	۱۰۳۱/۶	۵۴/۰	۲۰۴۰/۰	۶۲۸۸	۱۳۹۲/۸	۲۶/۲	-	۴۲۲۲

توضیح: علاوه بر پرداختهای فوق مبلغ زیر نیز توسط سایر سازمانها پرداخت گردیده است.

۱- پرداخت شده توسط بانک مرکزی ایران به صندوق سرمایه گذاری بون فر سال ۱۳۵۲ مبلغ ۲۸۳ میلیون دلار و بکثیر بون فر سال ۱۳۵۳ مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار.

۲- پرداخت شده توسط شرکت ملی نفت ایران به هندوستان فر سال ۱۳۵۲ مبلغ ۱۱۸ میلیون دلار و فر سال ۱۳۵۳ مبلغ ۱۹۸ میلیون دلار و فر سال ۱۳۵۴ مبلغ ۱۲۲ میلیون دلار و پرداخت شده در فر سال ۱۳۵۵ مبلغ ۲۷ میلیون دلار.

### خلاصه وضعیت وامها و تسهیلات تا پایان دی ماه ۱۳۵۹

(ارقام میلیون دلار)

(۱)

نام بانک یا سازمان اعطای تسهیلات	برداشت شده		استناد نشده	استناد شده	مبلغ وام	مابقی بابت تسهیلات
	اصل	سود				
بانک جهانی	۲۲/۰	۱۷۲/۰	۸/۳	۳۸۵/۷	۳۹۴/۰	۳۱۳/۷
کشور آمریکا	۹۶/۳	۳۲/۱	-	۹۸/۰	۹۸/۰	۱/۷
بازار رده اروپا	۱۳۵/۰	۲۳۸/۷	۱۶۰/۰	۱۰۱۹۰/۰	۱۰۳۲۰/۰	۱۰۰۵۰/۰
کشور انگلستان	۱۸/۶	۱۸/۱	۱۸/۷	۷۷/۳	۹۶/۰	۵۸/۷
کشور فرانسه	۱۰۷/۹	۷۶/۶	۵۷/۲	۴۵۷/۹	۵۱۵/۱	۳۵۰/۰
کشور ایتالیا	۶۶۱/۴	۳۲/۲	۵۶/۵	۳۵۷/۵	۹۱۸/۹	۲۰۱/۰
کشور کانادا	۱۰۹/۸	۲۹/۷	۱۰۹/۸	۱۳۵/۸	۳۳۵/۶	۹۶/۱
کشور اسپانیا	۰/۵	۰/۴	۱/۸	۲/۷	۳/۲	۰/۹
کشور آلمانی	۱۲/۰	۰/۶	۱/۰	۳/۸	۱۵/۸	۲/۸
کشور سوئد	۳/۹	۷/۳	۳/۹	۲۵/۷	۲۳/۶	۱۸/۴

برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۶۷

۲۴  
(۲)

خلاصه وضع و امهائی تعیینی تا پایان دی ماه ۱۳۵۹ (ارزاق به میلیون دلار)

ولر یا اعتبار دهنده	میلین ولر	استفاده شده	استفاده نشده	پرداخت		مانده باز پرداخت شده و از مبلغ استفاده شده
				پیشرو	اصیل	
کشور آلمان	۱۰۱۸۵/۵	۸۷۵/۸	۳۰۹/۷	۹۸۱/۶	۱۷۰/۳	۶۹۴/۲
کشور بنزیاد	۸۸/۱	۵۳/-	۳۵/۱	۳۷/۸	۱۳/-	۱۵/۲
کشور مجارستان	۶/۳	۴/-	۲/۳	-	-	۴/-
کشور رومانی	۸۴/۴	۸۴/۴	-	۴۲/۶	۱۱/۸	۴۱/۸
کشور لیستان	۴۲/۳	۴۲/۳	-	۲۰/۱	۷/۳	۳۲/۲
کشور سوئیس	۳۰/۹	-	۱۰/۹	-	-	-
کشور ژاپن	۶۴۱/۹	۵۸۹/۹	۵۲/-	۱۰۱/۶	۱۰۸/۶	۴۸۸/۳
کشور کره جنوبی	۹۴/۷	۲/۷	۹۲/-	۱/-	۰/۵۰	۱/۷
کشور هندوستان	۱۵/۸	۱۲/۹	۲/۹	۱/۹	۱/۸	۱۱/-
جمع کل	۵۸۰۶/۱	۴۲۸۹/۴	۱۵۱۶/۷	۹۱۲/۷	۱۵۰۷/۹	۳۲۷۶/۷

خلاصه وضع و امهائی تأییدی تا پایان شهریور ۵۹

(ارزاق به میلیون دلار)

ولر یا اعتبار دهنده	میلین وام	استفاده شده	استفاده نشده	پرداخت		مانده بازپرداخت و نشده از مبلغ استفاده شده
				پیشرو	اصیل	
زار ارزصاد اروپائی	۱۰۱۵/۸	۱۰۱۵/۸	-	۲۱۰/۴	۲۸۶/۱	۸۰۵/۴
کشور انگلستان	۲۸/۴	۲۷/۶	۰/۸	۷/۶	۳/۶	۲۰/-
کشور آلمان	۱۹/۲	۱۹/۲	-	-	۳/۴	۱۹/۲
کشور سوئیس	۳۴/۵	۴/۵	۳۰	-	-	۱/۵
کشور ژاپن	۳۰۷/۷	۳۰۴/۳	۳/۴	-	۴۷/۵	۳۰۴/۳
جمع کل	۱۴۰۵/۶	۱۴۲۷/۴	۳۴/۲	۲۱۸/-	۲۴۰/۶	۱۴۰۵/۶





برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۶۹

کشور مبدأ و شماره پرونده	محل مهاجرت و نام	استان مبدأ	استان مقصد	برآیند		تاریخ وقوع	تاریخ بازنگری پرونده
				اصول	بهره		
کشور آمریکا	۲۷۵/-	۲/۳/۶۱	۸/۰/۰۶	۸/۰/۰۷	۸/۰/۳۱	۱/۳/۱۱	۱/۳/۱۱
کشور آمریکا	۱/۳۶۴/۱	۱/۳/۶۱	-	۳/۱۱/۶۱	۸/۵/۶۱	۸/۲/۸	۸/۲/۸
کشور کانادا	۸/۱	۸/۱	-	۱/۵	۱/۱	۱/۱	۱/۱
کشور آلمان غربی	۸/۱۵۱	۸/۱۵۱	-	۳/۸/۰۱	۵/۱۵	۳/۳۳	۳/۳۳
کشور آلمان شرقی	۱/۷۳	۱/۷۳	-	۳/۳	-/۱	۷/۱۳	۷/۱۳
کشور اتریش	۱/۱	۱/۱	-	۱/۷	۱/۵	۵/۱	۵/۱
کشور اسپانیا	۵/۱	۵/۱	-	-/۱	۳/۰	۵/۰	۵/۰
کشور ایتالیا	-/۸۵	۱/۵۵	۱/۱	-/۶۳	۸/۱۱	۱/۱	۱/۱
کشور فرانسه	۳/۱۱۱	۱/۳/۶۱	۸/۷/۶۱	۱/۵/۶۱	۸/۶۵	۶/۷/۶۱	۶/۷/۶۱
کشور بلژیک	۸/۳	۸/۳	-	-/۷	۱/۵	۸/۳	۸/۳

(ارقام به میلیون دلار)

خلاصه وضع دریافت بازنگری پرونده عملیات امنیت بهره و آمیزه ای اعتبارات خارجی سرود سازمان دولت ایران مربوط به طرحهای مختلف مروری تا پایان دی ماه ۱۳۵۹

(استیمن)

(۱۱)

۵۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

کشور یا موسسه تألیف کننده	بروز یافته شده		استفاده شده	استفاده نشده	مجموع نام
	مجموع	اصیل			
کشور انگلستان	۰۵۲/۷	۴۴/۳	۴/۹	۴/۹	۰۵۲/۷
مبارزین آلمان رومانی	۵۰۰/-	۱۶۶/۸	-	-	۵۰۰/-
کشور سوئیس	۱۰/-	۷/۹	۰/۳	۰/۳	۱۰/-
کشور هلند	۶۰/-	۱۷/۲	-	-	۶۰/-
کشور ژاپن	۷۰/۲	۵۵/۲	-	-	۷۰/۲
کشور هندوستان	۳۲/-	۲۵/۱	۷/-	۷/-	۳۲/-
کشور شوروی	۷۸۷/۴	۵۲۷/۸	۳۲/۶	۳۲/۶	۷۸۷/۴
کشور چکسلواکی	۳۴/۳	۲۸/۷	-	-	۳۴/۳
کشور رومانی	۴۷/۵	۲۴/۹	۲۲/۲	۲۲/۲	۴۷/۵
کشور لهستان	۱/-	۱/-	-	-	۱/-
کشور میانرستان	۱۰/-	۶/۱	-	-	۱۰/-
کشور یوگسلاوی	۸/-	۶/۶	-	-	۸/-
مجموع کل	۲۶۶۵/۷	۱۵۱۲/۴	۰۱۴۶/۹	۰۱۴۶/۹	۲۶۶۵/۷

برخوردهای تهدیدآمیز، خشونت و فشار بر ... □ ۵۷۱

تاریخ: ۲۹ شهریور ۹۹

شماره: ۱۳۵۹

خلاصه وضع و اسباب: گزارشات سازمانهای دولتی تا پایان شهریور ۹۹

(ارقام به میلیون دلار)

ماندهای از پرداخت شده یا از مبلغ استقاده شده	برداشت		استقاده نشده	استقاده شده	مبلغ وام	وام یا اعتبار رهنده
	بهره	اصل				
۳/۴	۲۷/۶۰	۱۴۱/۷	۲/۱	۱۴۵/۱۰	۱۴۷/۲	کشور آمریکا
-	۱۵/۱	۶۲/۷	-	۶۲/۷	۶۲/۷	گروههای اروپایی
۰/۷	۰/۶	۲/۱	-	۲/۸	۲/۸	کشور آلمان
۱۰/۹	-	-	-	۱۰/۹	۱۰/۹	انگلستان
۲/۹	۰/۹	۰/۸	-	۲/۷	۳/۷	یوگسلاوی
۰/۴	۳/۱	۱۷/۹	-	۱۸/۳	۱۸/۳	فرانسه
۰/۳	۰/۱	۰/۶	-	۰/۹	۰/۹	مجارستان
-	۰/۲	۱/۲	-	۱/۲	۱/۲	ایریش
۱۰/۰	۸/۲	۵/۰	-	۱۵/۰	۱۵/۰	لژیکامبرگ
۲۲/۷	۲/۰	۲/۲	۱۸/۵	۲۴/۴	۴۳/۴	اسپانیا

۵۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

(ارقام به خطیون درون)

نام بیمار و تاریخ شماره و تاریخ بستری استفاده شده	برداشت		استفاده نشده	استفاده شده	مستعمل و نام	نام بیمار و جنس - کشور - شهر
	بیم - شماره	امسل				
-	۰/۲	۰/۲	-	۰/۲	۰/۲	کشور - شهر
-	۲/۲	۲۶/۸	-	۲۶/۸	۲۶/۸	اسراش
۰/۱	۰/۳	۱/۵	-	۱/۱	۱/۱	بشارستان
۲/۴	-	۱/۲	-	۳/۶	۳/۶	راشک
۲۰۲/۲	۵۵/۱	۷۶/۵	۰/۳	۲۷۸/۷	۲۷۸/۴	راش
۲۵۱/-	۱۱۱/۳	۳۵/۴	۲۰/۸	۵۹۶/۴	۱۱۷/۳	جمع کل

۱۵

## نمایه

۴۵۰، ۴۵۱، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۵، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۲۰، ۵۵۴	اتحادیه بین‌المجالس، ۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷
امیرانتظام، عباس، ۱۱، ۱۲، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۷۴، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۲۰، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۶۱، ۴۶۷، ۵۳۳، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۵۰، ۵۵۳	اختلافات سیاسی، ۶۴ ارتش، ۵۲، ۷۸، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۸، ۱۶۹، ۱۸۱، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۶۰، ۲۷۲، ۲۹۸، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۵۴، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۹۵، ۴۰۴، ۴۲۴، ۴۳۴، ۴۵۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۵۲۶، ۵۵۳
انتخابات، ۵، ۶، ۷، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۵، ۴۶، ۵۱، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۷۳، ۷۷، ۹۳، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۶۰، ۱۷۶، ۱۹۲، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۲۵، ۲۴۳، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۸۲، ۳۰۷، ۳۲۳، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۳، ۴۱۷، ۴۵۸، ۵۲۱، ۵۳۰، ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۶	استبداد، ۱۵، ۳۶، ۲۳۴، ۳۹۹، ۴۵۵، ۵۰۴، ۵۱۹، استیضاح، ۹، ۳۰۱، ۴۳۵ استیضاح رئیس‌جمهور، ۹، ۳۰۱ اسناد لانه جاسوسی، ۵، ۱۲، ۳۳، ۳۴، ۷۷، ۴۲۵
انجمن اسلامی، ۲۰، ۲۱، ۳۶، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۷، ۲۶۴، ۳۹۲، ۴۶۹، ۴۷۷، ۴۷۹	اعتبارنامه، ۴۰، ۴۵، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۱، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۹۳، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۵، ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۱، اعتبارنامه‌ها، ۵، ۷، ۲۳، ۲۴، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۱۴۰
انجمن اسلامی معلمان ایران، ۱۹۷	امام جمعه، ۴۷۹، ۴۸۱
انجمن حجتیه، ۳۰۵، ۴۰۹	امام خمینی، ۱۱، ۷۴، ۱۸۵، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۵۵، ۲۵۶، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۷۶، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۹۰، ۴۱۸، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۴، ۴۴۱، ۴۴۵، ۴۴۸
انجمن های اسلامی، ۳۵، ۳۶، ۲۸۹، ۲۹۵، ۴۳۰	

## ۵۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴۲۰، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵،	انجمن‌های اسلامی دانشجویان، ۳۵، ۳۶، ۲۸۹،
۴۳۶، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹،	۴۳۰
۴۵۰، ۴۶۲، ۴۶۷، ۴۹۴، ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۳،	انقلاب اسلامی، ۶، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۳۳، ۳۷،
۵۲۰، ۵۲۴، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۴، ۵۴۵،	۴۶، ۴۸، ۵۵، ۶۶، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۴، ۸۶،
۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶،	۸۷، ۸۸، ۱۴۰، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۸۶، ۱۹۷، ۲۲۳،
بامداد، روزنامه بامداد، ۵، ۲۴، ۵۴۳	۲۲۴، ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۷، ۲۴۸،
باهر، محمدجواد، ۲۳، ۳۳، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۴،	۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۸۹، ۳۲۱،
۲۹۱، ۳۹۳، ۴۰۹	۳۲۴، ۳۲۴، ۳۳۶، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۱،
برژینسکی، ۹، ۱۰، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۶،	۳۶۳، ۳۶۶، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۳،
۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۵،	۴۲۱، ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۹،
۳۳۳، ۳۴۳، ۳۷۳، ۴۱۷، ۴۳۱، ۴۵۴	۴۴۱، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۳،
بنی‌صدر، دکتر ابوالحسن، ۹، ۱۷، ۱۸، ۴۳، ۶۳،	۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۷۷،
۷۹، ۸۳، ۸۷، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱،	۴۸۱، ۴۸۵، ۴۹۰، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۹،
۱۷۳، ۱۷۹، ۱۹۴، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۶۰، ۳۰۱،	۵۳۰، ۵۳۴، ۵۴۰، ۵۴۳
۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۸، ۴۵۲،	انقلاب فرهنگی، ۵، ۲۹، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸،
۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹،	۲۹۲
۴۶۰، ۴۶۱، ۵۰۲، ۵۴۴	ایدئولوژی، ۲۱، ۴۷، ۲۳۸، ۲۵۶، ۴۵۷، ۵۳۲،
بهشتی، آیت الله دکتر سید محمد حسینی، ۶،	آیت، دکتر سید حسن، ۷، ۲۳، ۴۳، ۴۴، ۹۱،
۱۰، ۴۰، ۴۳، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۸۰،	۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۴
۲۹۲، ۲۹۴، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۳۱، ۳۳۳، ۴۳۱،	آیت‌الله طالقانی، ۳۰۳، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۹، ۴۸۹،
۴۳۲، ۴۸۳، ۵۴۱، ۵۴۹، ۵۵۵	۴۹۰
بیات، اسدالله، ۵۵، ۲۳۱، ۳۲۶، ۵۱۲، ۵۱۳،	آیت‌الله منتظری، ۱۷۳، ۲۴۵، ۴۳۲، ۴۵۰، ۴۹۴،
۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۹	۵۳۱، ۵۴۱
بیانیه، ۲۲، ۱۸۳، ۲۴۸، ۳۰۷، ۳۳۵، ۴۹۹،	بازرگان، مهندس مهدی، ۵، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲،
بیانیه‌ها، ۱۹، ۱۷۶	۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۶۲، ۶۳،
پناهندگی، ۱۴، ۲۸۱، ۵۰۶، ۵۰۷	۶۴، ۱۰۴، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۷۳، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴،
تبلیغات، ۱۹، ۲۶، ۳۳، ۵۷، ۱۷۶، ۱۸۵، ۱۹۶،	۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۹۸، ۳۰۷،
۲۰۴، ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۳۹، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۳،	۳۰۸، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۱،
۲۶۴، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۹۲، ۴۳۸، ۵۳۸،	۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳،
تبلیغاتی، ۱۹، ۳۲، ۳۳، ۸۹، ۱۷۶، ۱۸۵، ۲۲۷،	۳۴۴، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۸۳،
۲۳۰، ۳۲۲، ۳۹۷، ۴۵۱	۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۱۵، ۴۱۸،

## نمایه □ ۵۷۵

چمران، شهید دکتر مصطفی چمران، ۱۲، ۱۸، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۷، ۶۲، ۷۵، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۵، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۷۲، ۳۰۵، ۳۲۸، ۳۴۳، ۳۷۴، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۴، ۴۶۷، ۴۷۷، ۵۵۴، ۵۵۵  
 حادثه شیراز، ۱۲، ۱۳، ۱۳۲، ۴۳۲، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۸۶  
 حبیبی، دکتر حسن، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۴، ۸۹، ۱۴۹، ۱۷۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۳۷، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۸۲  
 حجازی، فخرالدین، ۱۱، ۲۳، ۳۹، ۴۳، ۶۶، ۸۳، ۸۴، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۵۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۸۱، ۲۸۷، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۳، ۵۳۸  
 حجتی کرمانی، محمد جواد، ۲۳، ۱۹۳، ۱۹۸، ۳۷۴، ۲۰۴  
 حجه الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی، ۵، ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۳۳، ۳۴، ۴۵، ۶۰، ۹۱، ۹۷، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۹۱، ۲۹۴، ۳۰۴، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۸، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۴۳، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۷، ۴۱۵، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۳۵، ۵۴۹، ۵۵۲، ۵۵۵  
 حزب توده، ۱۵، ۵۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۴۳۱، ۴۹۹

تعرض‌های فیزیکی، ۱۳، ۴۹۹  
 توسلی، مهندس، ۱۷، ۱۸، ۳۳، ۱۹۴، ۲۰۵، ۴۳۵، ۴۴۳، ۴۵۱، ۴۹۴  
 جامعه روحانیت مبارز، ۱۹۹، ۳۷۹  
 جلال‌الدین فارسی، ۱۵۰، ۲۹۲، ۴۵۰  
 جمهوری اسلامی، ۸، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۳، ۴۵، ۵۶، ۵۷، ۶۳، ۶۶، ۶۹، ۷۶، ۸۱، ۹۵، ۹۶، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۷، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۷، ۲۹۳، ۲۹۷، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۳۷، ۳۴۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۸۳، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۱۳، ۴۱۹، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۸۱، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۴، ۴۹۶، ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۱۹، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۵۲، ۵۵۳  
 جنگ، ۸، ۹، ۴۷، ۵۲، ۸۸، ۱۰۲، ۱۴۷، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۹۹، ۲۳۰، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۴، ۲۹۸، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۹، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۹، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۵، ۵۳۷

## ۵۷۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

درگیری، ۳۵، ۳۶، ۷۴، ۸۲، ۱۲۳، ۱۴۰، ۱۷۷،  
 ۲۵۹، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۷۶، ۳۷۸، ۴۲۳، ۴۵۱،  
 ۴۶۳، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۵، ۵۰۲،  
 ۵۳۶، ۵۴۳  
 درگیری‌ها، ۳۶، ۱۴۹، ۲۴۰  
 دعایی، سید محمود، ۲۴۳، ۲۴۴  
 دولت موقت، ۹، ۱۱، ۱۲، ۶۳، ۶۴، ۱۰۴، ۱۲۴،  
 ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۸۶، ۲۳۴،  
 ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۵،  
 ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸،  
 ۳۶۴، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۹،  
 ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۵، ۴۲۷، ۴۳۱، ۴۳۳،  
 ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۳، ۴۴۵،  
 ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۶۲،  
 ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۲۶، ۵۳۹، ۵۴۴،  
 ۵۵۰  
 دیالمه، عبدالحمید، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴  
 رجایی، شهید محمدعلی، ۱۰، ۱۸، ۲۳، ۱۲۱،  
 ۱۲۳، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۴، ۳۰۴  
 روحانیت مبارز، ۳۳، ۲۰۰، ۴۸۱  
 روزنامه کیهان، ۵، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۳۸، ۴۴،  
 ۴۵، ۵۵، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۴،  
 ۱۲۵، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۲۱،  
 ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۵۵، ۲۷۲، ۳۸۱،  
 ۴۲۹، ۴۳۵، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۷، ۴۹۴،  
 روزنامه اطلاعات، ۵، ۶، ۹، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۱،  
 ۳۴، ۴۳، ۶۹، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۸۳، ۲۰۲، ۲۳۰،  
 ۲۳۲، ۲۳۳، ۳۰۸، ۳۸۳، ۴۳۲، ۴۶۶، ۴۶۸،  
 ۴۶۹، ۵۲۴، ۵۲۸، ۵۴۲، ۵۴۴  
 روزنامه انقلاب اسلامی، ۶، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۷،  
 ۱۴۰، ۲۲۳، ۲۳۰، ۴۵۴، ۵۳۴

حزب جمهوری اسلامی، ۱۰، ۱۵، ۲۹، ۳۳،  
 ۳۵، ۴۳، ۴۵، ۵۵، ۵۷، ۶۹، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱،  
 ۱۹۷، ۲۲۹، ۲۹۳، ۳۴۴، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۹۷،  
 ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۴۹، ۴۶۶، ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۵  
 حزب ملت ایران، ۲۰، ۲۱  
 حزب‌الله، ۴۳۶، ۴۶۵، ۴۶۹، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۶  
 حقوق اساسی، ۱۵  
 حمله به منزل، ۱۳، ۴۹۰  
 حمله در شیراز، ۱۳، ۴۶۷  
 خاتمی، سید محمد، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۴۳، ۲۵۸،  
 ۲۵۹، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۹۰، ۳۸۳، ۴۸۱، ۴۸۲  
 خامنه‌ای، سید علی، ۱۱، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۴،  
 ۲۵، ۳۸، ۳۹، ۴۳، ۷۶، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۹،  
 ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۷۲، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۲۲،  
 ۲۳۷، ۲۴۳، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۳، ۳۰۴، ۳۰۸،  
 ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۷۸، ۳۹۷، ۴۰۵، ۴۹۴، ۴۹۶  
 خیرگزاری پارس، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۸۷، ۹۱، ۳۷۷،  
 ۴۹۴، ۴۸۹  
 خلخال، آیت الله شیخ صادق، ۳۹، ۴۳، ۴۶،  
 ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۸۶، ۹۱، ۱۲۴، ۱۴۰،  
 ۱۴۱، ۱۵۰، ۱۷۱، ۱۸۳، ۲۰۰، ۲۲۰، ۲۲۹،  
 ۳۱۷، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۳۵، ۳۹۴، ۴۲۰، ۵۲۰، ۵۳۳  
 خمینی آیت الله روح الله، ۶، ۱۲، ۲۴، ۳۹، ۷۴،  
 ۷۵، ۱۰۱، ۱۴۶، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۲۶، ۲۴۵،  
 ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۹۸، ۳۰۵، ۳۲۶، ۳۶۵، ۳۶۶،  
 ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۱، ۳۹۱، ۴۲۲،  
 ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۸۰، ۴۸۱،  
 ۴۹۴، ۵۰۵  
 خویننی‌ها، سید محمد، ۲۳، ۶۲، ۲۰۴، ۲۳۷،  
 ۲۴۳، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴،  
 ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۲۱، ۳۳۲، ۴۰۲، ۴۷۱



## نمایه □ ۵۷۷

۳۸۲، ۳۸۹، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۱۵، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۹  
 سحابی، یدالله، ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۳۸، ۴۲، ۶۲، ۷۲، ۱۲۱، ۱۹۳، ۲۰۵، ۲۳۷، ۲۶۹، ۲۹۴، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۷، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۴، ۴۱۵  
 سفر حج، ۱۴، ۲۹۴، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴  
 سلامتیان، احمد، ۷، ۴۳، ۴۴، ۹۳، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۷۱، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۷، ۲۶۳، ۳۹۸، ۴۵۳، ۴۵۹  
 سنجایی، دکتر کریم سنجایی، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۹، ۲۵۴، ۲۵۵  
 شجونی، شیخ جعفر، ۱۱، ۲۲۶، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۴  
 شورای انقلاب، ۹، ۱۰، ۲۲، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۷۹، ۸۷، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۸۶، ۲۰۳، ۲۱۴، ۲۴۷، ۲۴۸، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۷۸، ۴۰۹، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۹، ۵۵۰، ۵۵۲  
 شورای نگهبان، ۶۳، ۶۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۲۱، ۲۹۰، ۳۹۷، ۴۵۴، ۴۸۱، ۵۰۶، ۵۳۷، ۵۴۱  
 شیخ محمد یزدی، ۲۳۶، ۳۷۸، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۶  
 صباغیان، مهندس هاشم، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۹، ۳۲، ۶۲، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۴۰، ۲۶۸، ۲۶۹، ۳۰۴، ۳۹۴، ۴۱۵، ۴۱۸، ۴۳۳، ۴۳۵

روزنامه آیندگان، ۱۶۴  
 روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶۴، ۲۳۳، ۵۲۲  
 روزنامه صبح آزادگان، ۲۳۰، ۲۳۵  
 رویداد شیراز، ۱۳، ۴۸۷  
 رئیس جمهور، ۷، ۹، ۲۴، ۲۷، ۸۳، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۱، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۰، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۷، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۶۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۸۵، ۳۹۴، ۴۴۰، ۴۵۳، ۴۵۷، ۴۵۸، ۵۲۰، ۵۲۶، ۵۳۷، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۵۷  
 سازمان آزادیبخش فلسطین، ۹۸، ۱۷۵، ۱۸۷، ۲۶۷  
 سازمان چریک‌های فدایی خلق، ۱۵، ۲۰۱  
 سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۳۳، ۴۲، ۱۴۸، ۱۹۷، ۳۴۴، ۳۶۲، ۳۶۳، ۴۹۹، ۴۹۹، ۵۳۲  
 سامی، دکتر کاظم، ۱۱، ۱۷، ۱۹۳، ۲۰۵، ۲۹۴، ۳۷۴، ۴۰۵، ۴۰۷  
 سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۶۶، ۷۱، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۱۳، ۱۳۲، ۱۸۰، ۱۸۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۹، ۳۳۹، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۵، ۴۲۰، ۴۳۶، ۴۴۸، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۷۷، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۹۰، ۵۱۹، ۵۴۲، ۵۴۳  
 سحابی، مهندس عزت الله، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۳، ۲۰۴، ۲۲۰، ۲۳۷، ۲۶۸، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۹

## ۵۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

قراردادهای ایران و آمریکا، ۳۴، ۳۵	۴۳۶، ۴۴۳، ۴۵۱، ۴۹۴، ۵۰۴، ۵۲۴، ۵۳۰
قشقایی، خسرو، ۶، ۷، ۴۵، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷	۵۳۸، ۵۴۰
۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸	صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۱
۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۱۴۰، ۴۷۰	۱۷۰، ۳۷۲، ۴۱۷، ۴۸۸، ۵۰۷
قطب‌زاده، صادق، ۲۷، ۲۸، ۱۶۲، ۲۵۴، ۳۱۴	صدام، ۱۴۸، ۱۸۰، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۴
۳۲۴، ۳۳۳، ۳۹۸، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۴۴، ۴۵۳، ۵۵۱	۲۹۸، ۲۹۹، ۳۱۸، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶
کارتر، جیمی، ۲۵۱، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۸، ۳۲۲	۳۶۷، ۳۶۸، ۳۹۴، ۴۴۲، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶
۳۲۳، ۴۳۱، ۴۴۹، ۵۵۳	۴۵۷، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۹، ۵۳۳
کاندیدا، ۱۸، ۱۲۳، ۱۵۰، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۹۴	صدر حاج‌سید جواد، دکتر سید احمد، ۱۹
کاندیداتوری، ۹۷	صلاحیت، ۱۷، ۴۰، ۴۱، ۴۵، ۴۷، ۶۲، ۶۳، ۷۰
کردستان، ۳۱، ۳۵، ۵۵، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۸۲، ۹۰	۷۱، ۷۶، ۹۴، ۱۴۰، ۱۷۴، ۱۹۷، ۲۲۳، ۲۴۵
۱۶۹، ۱۷۷، ۲۱۹، ۳۸۳، ۴۳۱، ۴۶۳، ۴۶۴	۴۰۷
۴۶۵، ۵۳۵	صهیونیزم، ۳۹۴، ۴۳۱
کروبی، مهدی، ۶۹، ۱۹۹، ۲۳۷، ۲۴۵، ۲۴۶	صهیونیسم، ۶۷، ۲۵۵، ۲۵۶، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۸
۲۴۸، ۳۱۷، ۵۰۷، ۵۳۰	۵۵۵
کمیته، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۳۹۱، ۴۲۵	طالقانی، اعظم‌علایی، ۲۳، ۲۰۴
۴۲۶، ۴۹۲، ۵۴۸	طباطبایی، دکتر صادق، ۴۰، ۴۳، ۲۰۹، ۲۱۳
کمیته‌ها، ۷۹، ۱۸۰، ۵۴۲	۴۳۵، ۴۳۶، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۴، ۵۴۹
کمیسیون امور خارجه، ۸، ۶۲، ۲۴۳، ۲۶۰	عراق، ۸، ۶۴، ۸۲، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۷۵، ۱۸۷
۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۴	۲۱۵، ۲۱۸، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۸، ۲۵۹
کمیسیون بهداشتی، ۹، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۶، ۴۰۶	۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶
کمیسیون بهداشت و درمان، ۹، ۲۹۳	۲۶۷، ۲۶۸، ۲۸۰، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۳۶
کمیسیون تحقیق، ۶، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳	۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۹۴
۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۱، ۷۰، ۷۱	۴۲۱، ۴۲۸، ۴۴۰، ۵۲۶، ۵۳۶، ۵۳۸
۷۴، ۷۸، ۸۶، ۹۲، ۹۳، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴	غفاری، هادی، ۲۳، ۳۹، ۴۳، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۰
۱۴۵، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۸	۲۰۴، ۲۰۷، ۲۲۶، ۲۳۷، ۳۱۷، ۳۳۵، ۵۰۲
۲۲۹، ۲۳۱	قانون اساسی، ۱۵، ۲۱، ۲۸، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۸۰
کمیسیون ویژه بازرگانی خارجی، ۹، ۲۹۹	۱۴۸، ۱۷۰، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۳۰۳، ۳۵۲
۳۰۰، ۳۰۱	۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۷
کودتای نوژه، ۷، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷	۴۰۶، ۴۰۹، ۴۵۴، ۴۶۳، ۴۶۸، ۴۷۵، ۴۷۶
	۴۸۱، ۵۲۴، ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۲

## نمایه □ ۵۷۹

- گروگان‌گیری، ۱۰، ۷۸، ۱۷۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۲، ۴۱۷، ۴۷۰
- گروگان‌ها، ۵، ۱۰، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۶۳، ۷۲، ۸۸، ۱۵۸، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۱، ۳۱۸، ۳۱۷، ۱۶۰، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۵، ۳۴۶، ۳۹۲، ۴۷۰، ۵۵۳
- گروگان‌های آمریکایی، ۳۴
- گروه فرقان، ۱۰، ۳۰، ۳۲۷، ۴۶۵
- گروه همنام، ۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹
- گلزاده غفوری، علی، ۱۷، ۲۳، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۳۷
- لایه جاسوسی، ۵، ۱۲، ۳۳، ۳۴، ۴۳، ۷۷، ۳۲۲، ۳۲۷، ۴۲۵، ۵۲۶
- لاهیجی، دکتر عبدالکریم، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۱۹۴، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۶
- لیبرالیزم، ۱۶۵
- لیبرالیسم، ۱۶۵
- مجتهد شبستری، ۱۴۳، ۱۵۶
- مجلس خبرگان رهبری، ۱۶
- مجلس شورای اسلامی، ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۳۵، ۳۸، ۴۲، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۵، ۶۰، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۷۲، ۷۹، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۲۱، ۱۳۶، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۶، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۴۲، ۴۵۱، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۴
- ۴۷۵، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۴، ۵۲۰، ۵۲۴، ۵۳۰
- مجله پیام انقلاب، ۱۱، ۴۰۴
- محمد منتظری، حجت الاسلام محمد منتظری، ۱۰، ۱۲، ۲۳۷، ۲۴۳، ۲۵۸، ۲۷۱، ۳۳۷، ۳۴۱، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۴۱، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۵۰۱، ۵۲۴، ۵۲۹، ۵۳۸، ۵۴۰، ۵۴۲، ۵۴۳
- مدنی، تیمسار دکتر احمد مدنی، ۷، ۴۵، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۹۵، ۲۰۷، ۲۱۱، ۴۲۳، ۴۴۳، ۴۵۶، ۴۵۹
- مصر، ۸، ۷۵، ۱۶۳، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۹، ۲۸۵، ۳۱۵، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۵۶، ۴۳۹، ۴۵۰
- معین‌فر، مهندس علی اکبر، ۷، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۱۳۶، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۴، ۲۳۷، ۲۴۰، ۴۳۵، ۴۹۳
- موسوی اردبیلی، حجت الاسلام (آیت الله) عبدالکریم موسوی اردبیلی، ۱۷، ۳۷۴، ۴۷۳، ۴۹۶، ۵۰۱
- موسوی تبریزی، ۶۴، ۱۹۸، ۲۳۷، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۲
- مهدوی کنی، حجت الاسلام محمدرضا مهدوی کنی، ۱۷، ۳۷، ۵۴۱، ۵۴۲
- میثمی، مهندس لطف الله میثمی، ۱۷، ۲۱۱
- نامزد، ۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۱۴۹، ۱۷۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱
- نامه مردم، ۶۵، ۲۳۴
- نبوی، بهزاد، ۵۴۱

## ۵۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴۲۷، ۴۲۲، ۴۱۹، ۴۱۸، ۴۱۷، ۴۱۵، ۴۰۹	نخست‌وزیر، ۷، ۱۱، ۶۳، ۸۲، ۸۹، ۱۴۹، ۱۵۰،
۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۴۲، ۴۵۸، ۴۷۵، ۴۷۶	۱۵۱، ۱۸۶، ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۴،
۴۸۵، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶	۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۸۰، ۲۸۸، ۲۹۰، ۳۱۸،
۵۰۷، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۲۴، ۵۳۰، ۵۳۴، ۵۳۷	۳۳۶، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۸۳، ۳۹۳، ۴۱۰، ۴۲۰،
۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۱، ۵۵۶	۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۹۴،
نمایندگی، ۵، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۲۹	نخست‌وزیری، ۷، ۶۱، ۹۱، ۱۴۹، ۲۴۹، ۳۴۵،
۴۵، ۴۸، ۵۶، ۶۲، ۷۴، ۹۰، ۹۴، ۱۳۶، ۱۴۹	۳۸۴، ۴۴۵، ۴۴۹، ۴۵۰، ۵۵۴
۱۷۶، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۹۳، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۶۹	نشریه رمز عبور، ۱۴، ۵۱۷، ۵۱۸
۳۷۳، ۳۸۸، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۳۱، ۴۷۷	نشریه والفجر، ۱۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۴۱،
نهضت آزادی ایران، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸	۴۴۳، ۴۴۴
۲۳، ۱۴۹، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۵	نفت، ۸، ۶۰، ۷۶، ۹۰، ۱۳۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۷۷،
۲۹۸، ۳۰۱، ۳۳۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۶۹، ۳۹۳	۱۸۴، ۱۸۷، ۲۲۳، ۲۵۰، ۲۶۹، ۳۵۲، ۳۶۸،
۴۰۸، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۰	۳۸۸، ۴۳۵، ۴۴۲، ۴۴۸، ۴۶۵، ۵۴۵
۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۶، ۴۵۶، ۴۶۷	نماز جمعه، ۱۹، ۲۰، ۳۲، ۳۳، ۱۷۳، ۱۷۸،
۴۸۷، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۱۲، ۵۱۳	۴۱۵، ۴۸۰، ۵۰۷، ۵۲۲
۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲	نمایندگان، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶،
نهضت آزادی بخش، ۱۰، ۳۳۲	۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۸،
نهضت زنان مسلمان، ۱۹۷	۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۵۷، ۶۰، ۶۱،
نهضت سوادآموزی، ۷۰، ۱۲۱	۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴،
نیروهای انقلابی، ۶۴، ۱۹۷، ۴۵۱، ۴۵۳	۷۵، ۸۹، ۹۱، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۴۵،
وکالت، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۴۳۷، ۴۴۲، ۴۴۸	۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۸، ۱۷۰،
ولایت فقیه، ۲۱، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۳۷، ۳۸۲، ۴۶۹	۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۶، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۴، ۲۱۸،
۴۸۰	۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۴۶،
هادی، محمدعلی، ۲۳، ۳۹، ۴۳، ۱۲۲، ۱۲۳	۲۶۸، ۲۷۱، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۷،
۱۲۴، ۱۴۶، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۸	۲۹۳، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵،
۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۲۲، ۲۳۷، ۲۴۳	۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸،
۲۵۸، ۲۶۰، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۸۹، ۲۹۳، ۳۰۳	۳۲۱، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۳۵،
۳۱۷، ۳۲۸، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۶۹، ۵۰۲، ۵۳۸	۳۴۵، ۳۶۹، ۳۷۴، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۷، ۴۰۶،